



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

توانبخشی به معنای توانمندسازی و ارتقای کیفیت زندگی افراد دارای معلولیت است. این فرآیند شامل شناسایی نیازها، برطرف کردن موانع و ایجاد فرصت‌ها برای مشارکت در جامعه است. در این مقاله، به بررسی اهمیت توانبخشی در نظام سلامت و نقش متخصصان در این زمینه پرداخته می‌شود.

توانبخشی یک فرآیند جامع است که در سطوح مختلف از فرد تا جامعه عمل می‌کند. هدف اصلی آن بهبود عملکرد و افزایش استقلال افراد است. این امر نیازمند همکاری بین متخصصان مختلف از جمله پزشکان، معلمان، کارکنان خدمات اجتماعی و خود افراد است.

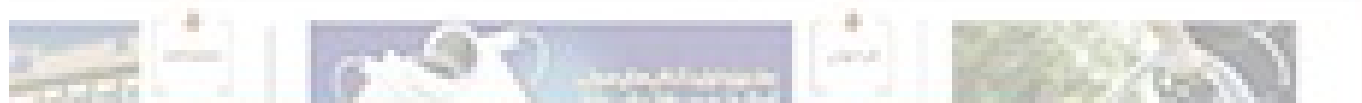
یکی از چالش‌های اصلی در توانبخشی، کمبود نیروی انسانی متخصص است. برای مقابله با این مشکل، نیاز به سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش متخصصان است. همچنین، ارتقای آگاهی جامعه از حقوق و نیازهای افراد دارای معلولیت امری ضروری است.

توانبخشی نه تنها برای افراد دارای معلولیت، بلکه برای همه اعضای جامعه مفید است. این فرآیند به ایجاد محیط‌های شمولی و دوست‌داشتنی کمک می‌کند که در آن همه افراد می‌توانند به بهترین شکل زندگی کنند.



در ادامه، به بررسی روش‌های نوین توانبخشی و استفاده از فناوری‌های دیجیتال پرداخته می‌شود. این روش‌ها می‌توانند به بهبود نتایج توانبخشی و کاهش هزینه‌ها کمک کنند. همچنین، نقش خانواده‌ها و جامعه در موفقیت فرآیند توانبخشی مورد توجه قرار می‌گیرد.

# راهنمای توانبخشی



## جلد دوم: گفت و گو، مقالات و اخبار

[مجله توانبخشی روزنامه ایران، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ تا ۶ آبان ۱۳۹۷]

به اهتمام: ابانظر نصر اصفهانی



این مجله به ارائه مقالات علمی، پژوهشی و اخبار مرتبط با حوزه توانبخشی می‌پردازد. هدف از انتشار این مجله، تبادل نظر و ارتقای دانش تخصصی در این زمینه است. مطالب درج شده در این مجله، حاصل تلاش‌های علمی و پژوهشی متخصصان و محققان است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# راهنمای توانش

نویسنده:

اباذر نصر اصفهانی

ناشر چاپی:

توانمندان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

- فهرست ..... ۵
- راهنمای توانش جلد ۲ ..... ۱۳
- مشخصات کتاب ..... ۱۳
- اشاره ..... ۱۴
- فهرست تفصیلی ..... ۱۸
- پیشگفتار ..... ۳۸
- مقدمه ..... ۴۰
- فصل اول: گفت و گو ..... ۴۲
- اشاره ..... ۴۲
- «وتیسم نه بیماری است نه معلولیت؛ گفت و گوی «ایران» با عماد ملازاده، دبیر انجمن علمی کاردرمانی»، ۶ آبان ۱۳۹۷ ..... ۴۴
- «سرانه یک دانش آموز استثنایی ۴ برابر سک دانش آموز عادی؛ گفت و گو با مجید قدمی، رئیس آموزش و پرورش استثنایی»، محبوبه مصرقانی، ۱۹ مرداد ۱۳۹۶ ..... ۴۷
- «سمن»های معلولان، بازوی نظارتی بهزیستی باشند؛ گفت و گو با محمد کمالی، عضو شورای راهبردی سازمان بهزیستی کشور»، راضیه کباری، ۱۶ دی ۱۳۹۵ ..... ۵۸
- «گر درخت بودم، از دست مردم فرار می کردم؛ پای صحبت احمدرضا عامریان، جوان معلول هنرمند»، مجید سرایی، ۲۴ تیر ۱۳۹۵ ..... ۶۲
- «ای کاش به حرف هایش گوش دهیم»، سمیه افشین فر، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵ ..... ۶۹
- «بجای پایگاه دائمی تئاتر معلولان، دروازه ورود به میدان های جهانی؛ دکتر قطب الدین صادقی در گفت و گو با ایران مطرح کرد»، داریوش کوشکی، ۱۸ آذر ۱۳۹۵ ..... ۷۳
- «یستادگی ام را روایت می کنم؛ مادر یک کودک چند معلولیتی از مشکلاتش می گوید»، راضیه کباری، ۱۱ شهریور ۱۳۹۵ ..... ۷۵
- «با بال شکسته پرگشودن هنر است؛ قصه تلخی ها و شیرینی های زندگی یک نابینای موفق»، مجید سرایی، ۷ مرداد ۱۳۹۵ ..... ۸۴
- «برای خلق هنر نیازی به چشم سر نیست؛ گفت و گوی «توانش» با سعدی کرمی، جوان کم بینای صفهانی»، محدثه جعفری، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶ ..... ۹۰
- «برقراری ارتباط مهمترین معضل ناشنوایان؛ گفت و گو با رضا غلامی سلطان مرادی مسئول کارگروه ناشنوایان سازمان بهزیستی»، محدثه جعفری، ۲۴ فروردین ۱۳۹۶ ..... ۹۶
- «به دنبال افزایش سطح کیفی نمایشنامه ها هستیم؛ دبیر جشنواره تئاتر معلولان در گفت و گو با «توانش» اعلام کرد»، مجیر سرایی، ۲۵ آبان ۱۳۹۶ ..... ۹۸
- «بهره مندی از کمک دولت برای بیمه زنان داری معلولیت؛ یکی از مدیران تأمین اجتماعی در گفت و گو با «ایران» داد»، حمید داوودی، ۱۷ فروردین ۱۳۹۶ ..... ۱۰۴
- «بیماری های شبکه نابینایان در کشور ثبت می شوند؛ فوق تخصص و جراح شبکه در گفت و گو با «ایران»، راضیه کباری، ۲۱ تیر ۱۳۹۷ ..... ۱۰۶
- «تحصیل دختران را جدی بگیرد حتی اگر نابینا باشند؛ تأکید نصرالله ابراهیمی، نابینای کردستانی بر ضرورت برنامه ریزی برای آموزش دختران نابینا»، محدثه جعفری، ۱۷ فروردین ۱۳۹۶ ..... ۱۱۰
- «تنها ۳۶۴ «معلم رابط» برای ۴۸ هزار و ۸۳۷ دانش آموز؛ گفت و گو با محسن غفوریان، معاون آموزش و توانبخشی سازمان آموزش و پرورش استثنایی»، لاله باهنر، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵ ..... ۱۱۷
- «تنها ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار، سهم اندک توانبخشی از بودجه؛ معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کشور در پاسخ به «ایران»، حمید داودی، ۱۱ تیر ۱۳۹۵ ..... ۱۲۳
- «تنها ماندم اما هرگز تسلیم نشدم؛ گفت و گو با نسرين اسماعیلی، ناشنوای موفق»، راضیه کباری، ۸ مهر ۱۳۹۵ ..... ۱۲۸
- «تهران میزبان دومین اردوی تیم ملی گلبال بانوان نابینا و کم بینا»، ۸ تیر ۱۳۹۶ ..... ۱۲۹
- «جبران کم شنوایی با مداخله به موقع درمانی؛ کارشناسی شنوایی شناسی در گفت و گو با توانش اعلام کرد»، راضیه کباری، ۹ آذر ۱۳۹۶ ..... ۱۳۰
- «چرخ ویلچر یاری ام نکرد، موتورسیکلت ساختم؛ گفت و گو با بانوی موتورسوار معلول»، محدثه جعفری، ۱۰ خرداد ۱۳۹۷ ..... ۱۳۵

- «چشم‌هایت را باز کن مترو! مشکلات مسافران نابینا در گفت و گو با فروش نوبخت مدیرعامل شرکت بهره برداری مترو تهران و حومه»، مجید سرایی، ۲۹ مهر ۱۳۹۷. ----- ۱۴۴
- «خیز معلولان برای تأسیس کمپانی های خصوصی نمایش؛ گفت و گو با فاطمه فخری، دبیر چهارمین جشنواره بین المللی تئاتر معلولان»، مجید سرایی، ۱۸ آذر ۱۳۹۵. ----- ۱۴۹
- «دار قالی نابینایان زیر سایه بی مهری ها گم شد؛ گفت و گو با بانوی مخترع کامیاری»، محدثه جعفری، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶. ----- ۱۵۴
- «دخترانی که از سد نابرابری ها گذشتند: گفت و گوی صمیمی با دختران معلول به مناسبت روز دختر»، محدثه جعفری، ۱۴ مرداد ۱۳۹۵. ----- ۱۵۹
- «درمان اختلالات بینایی، چشم انتظار نگاه خیرین: گفت و گو با دکتر علیرضا لاشینی، رئیس مرکز تحقیقات بیمارستان فارابی»، راضیه کباری، ۲۱ مرداد ۱۳۹۵. ----- ۱۶۷
- «دستانی که کمبود چشم را جبران می کنند: گپ و گفتی با اولین نابینای برقکار ایران»، محدثه جعفری، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷. ----- ۱۷۲
- «دنیای مجازی پلی شد برای ساختن آرزوهایش: گپ و گفتی مجازی با هنرمند دارای معلولیت»، محدثه جعفری، ۲۳ فروردین ۱۳۹۷. ----- ۱۷۶
- «رتبه یک، لیاقت مغزهای روشن: گفت و گوی «ایران» با دو دانشجوی نابینا که در کنکور کارشناسی ارشد و دکتری، صاحب رتبه های ممتاز و برتر شدند»، محبوبه مصرقانی، ۲۱ دی ۱۳۹۶. ----- ۱۸۲
- «زن های معلولیت ناشناخته اند: گفت و گو با مینو رفیعی، معاون پیشگیری از معلولیت های سازمان بهزیستی»، محدثه جعفری، ۱۱ خرداد ۱۳۹۶. ----- ۱۸۸
- «سختی کشیدم اما ارزش داشت: گفت و گو با مریم شمسی زاده»، مهدیه رستگار، ۱۴ تیر ۱۳۹۷. ----- ۱۹۴
- «سرنوشت نوسازی ناوگان حمل و نقل شهری معلولان»، مجید سرایی، ۲۴ خرداد ۱۳۹۷. ----- ۲۰۲
- «شبکیه مصنوعی، امیدی نو برای نابینایان: فناوری جدید برا بازگرداندن بینایی در گفت و گو با محسن فروردین»، راضیه کباری، ۳۰ آذر ۱۳۹۶. ----- ۲۰۸
- «فراز و فرودهای ورزش زنان نابینا: روزنامه «ایران» در گفت و گو با نائب رئیس فدراسیون ورزشی نابینایان و کم بینایان بررسی می کند»، محدثه جعفری، ۵ اسفند ۱۳۹۵. ----- ۲۲۰
- «قانونی درخشان برای تحول در وضعیت معلولان: معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی در گفت و گو با توانش ابعاد لایحه حمایت از حقوق معلولان را تشریح کرد»، محدثه جعفری، ۱۴ دی ۱۳۹۶. ----- ۲۳۰
- «قله ها چشم به راه من هستند: گفت و گوی «ایران» با «اندی هولترز»، کوهنورد نابینای اتریشی»، امیر سرمدی، ۹ دی ۱۳۹۵. ----- ۲۳۶
- «گذر از باورهای غلط با مدد انگیزه هایی استوار: گفت و گو با بهنام خلجی، قهرمان مدال طلای سنگ نوردی معلولان»، راضیه کباری، ۲۲ مهر ۱۳۹۷. ----- ۲۴۵
- «ما می خواهیم دخترانگی کنیم: پای سخن ۵ دختر نابینا در آستانه «روز جهانی نابینایان»، سمیه افشین فر، ۲۰ مهر ۱۳۹۶. ----- ۲۵۰
- «مصاحبه با دختری که حاضر به گفت و گو نیست»، نجمه پیوندی، ۸ مهر ۱۳۹۵. ----- ۲۶۰
- «معلم ناشنوا شعر سکوت می سراید: گفت و گو با مهدخت شریعتی»، محبوبه مصرقانی، ۷ دی ۱۳۹۶. ----- ۲۶۱
- «معلول یا توانخواه، واژه مهم نیست: گفت و گو با مؤسس استارت آپ فروش تجهیزات معلولان»، سمیه افشین فر، ۲۳ فروردین ۱۳۹۷. ----- ۲۶۵
- «مهار معلولیت های بینایی با پرهیز از ازدواج فامیلی: یک متخصص بیماری های چشم از ضرورت مشاوره ژنتیکی قبل از ازدواج می گوید»، راضیه کباری، ۲۴ خرداد ۱۳۹۷. ----- ۲۷۲
- «نقشه راه برای یک سیاحت ایمن: گفت و گو با مانی رضوی زاده، طراح سایت بانک اطلاعات مناسب سازی»، محدثه جعفری، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶. ----- ۲۷۸
- «نقض قانون، معلولان را زمین گیر کرده است: «ایران» در گفت و گو با مدیران بهزیستی و تأمین اجتماعی، مشکلات پیش از موعد افراد دارای معلولیت را بررسی می کند»، محدثه جعفری، ۷ بهمن ۱۳۹۵. ----- ۲۸۴
- «نگاه ویژه «تحول سلامت» به معلولان: نیازهای بهداشتی اقشار کم توان در گپ و گفتی با ایرج حریرچی، قائم مقام وزارت بهداشت»، راضیه کباری، ۲۹ مهر ۱۳۹۵. ----- ۲۸۹
- «هر هدیه قصه ای دارد: گفت و گو با شادیار خدایاری، کارآفرین نابینا»، امید هاشمی، ۳۱ تیر ۱۳۹۵. ----- ۲۹۲
- «هنوز با پنهان کاری مواجه ایم: رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی همزمان با روز جهانی معلولان در گفت و گو با «ایران»، محبوبه مصرقانی، ۱۲ آذر ۱۳۹۶. ----- ۲۹۳
- فصل دوم: مقالات ----- ۳۰۷
- اشاره ----- ۳۰۷
- «استفاده انتخاباتی از افراد دارای معلولیت ممنوع»، رایان عمران، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶. ----- ۳۰۹
- «گر روزی پای شهروند معلولی به مسعودیه برسد»، سمیه افشین فر، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۵. ----- ۳۱۰
- «ای کاش نابینایان هم دیده می شدند»، امید هاشمی، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶. ----- ۳۱۱

- ۳۱۲ ..... «این کودکان مرگشان عادی است»، سمیه افشین فر، ۴ آبان ۱۳۹۶.
- ۳۱۴ ..... «آزمونی برای جامعه نابینایان»، راضیه کیاری، ۱۶ شهریور ۱۳۹۶.
- ۳۱۶ ..... «باز هم مترو باز هم سقوط»، سمیه افشین فر، ۱۵ مهر ۱۳۹۵.
- ۳۱۷ ..... «باید از کلیشه ها عبور کرد؛ ارزیابی چهارمین جشنواره تئاتر معلولان (اصفهان، آذر ۱۳۹۵)»، مجید سرایی، ۲۵ آذر ۱۳۹۵.
- ۳۱۸ ..... «بخشنامه ای که دیر رسید»، سمیه افشین فر، ۱ مهر ۱۳۹۷.
- ۳۱۹ ..... «برابری در دسترسی و برخورداری از ایمنی اولویت های سال نابینایان ایران»، سهیل معینی، ۲۹ مهر ۱۳۹۵.
- ۳۲۱ ..... «برای صلح با ویلچر می دویم»، نعیمه عباسیان، ۲۵ شهریور ۱۳۹۷.
- ۳۲۲ ..... «برای مادران از جان گذشته»، سمیه افشین فر، ۱۷ اسفند ۱۳۹۶.
- ۳۲۳ ..... «برای معلولان تعیین تکلیف نکنیم»، آرتین افشین فر، ۱۴ مرداد ۱۳۹۵.
- ۳۲۳ ..... «بیباید از هنرمندان معلول حمایت کنیم»، سمیه افشین فر، ۲۴ تیر ۱۳۹۵.
- ۳۲۵ ..... «پارالمپیک وعده گاه امید و عشق بود»، سمیه افشین فر، ۱ مهر ۱۳۹۵.
- ۳۲۷ ..... «پذیرش معلولیت، نقطه عطفی در سلامت و توانمندسازی خانواده ها»، حمدالله خواجه حسینی، ۲۵ خرداد ۱۳۹۶.
- ۳۲۸ ..... «پله هایی که تا ترازوی بالا می روند: تعلق در مناسب سازی و ایمن سازی معابر شهری همچنان تهدیدی برای سلامت معلولان است»، سمیه افشین فر، ۵ بهمن ۱۳۹۶.
- ۳۳۱ ..... «تا کی باید اتفاق ها سرنوشت آدم ها را تغییر دهند»، راضیه کیاری، ۲۷ مهر ۱۳۹۶.
- ۳۳۲ ..... «تجربه کم بینایان در دید با عینک خاص»، راضیه کیاری، ۱۴ تیر ۱۳۹۷.
- ۳۳۴ ..... «تشکیل فراکسیون حقوق افراد دارای معلولیت: نخستین انتظار شهروندان معلول از مجلس جدید»، سهیل معینی، ۶ خرداد ۱۳۹۵.
- ۳۳۵ ..... «تشکیل فراکسیون معلولان مجلس، گام بلندی به سوی کامیابی های بعدی»، سهیل معینی، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶.
- ۳۳۶ ..... «تکرار یک ترازوی دردناک»، حمید داودی، ۲ شهریور ۱۳۹۶.
- ۳۳۹ ..... «تلاشی برای اصلاح ساختار خانواده»، حمدالله خواجه حسینی، ۲۲ تیر ۱۳۹۶.
- ۳۴۱ ..... «توانبخشی به شرط گوش شنوای مددکاران»، سمیه افشین فر، ۴ شهریور ۱۳۹۵.
- ۳۴۲ ..... «جای خالی خدمات مشاوره ای در زندگی معلولان ضایعه نخاعی»، سمیه افشین فر، ۱۰ تیر ۱۳۹۵.
- ۳۴۳ ..... «حضور فعال شرط رهایی از انزوا»، حمید میرزاآقایی، ۳۰ فروردین ۱۳۹۷.
- ۳۴۴ ..... «حمایت آگاهانه فرصتی برای شکوفایی»، حمدالله خواجه حسینی، ۱۵ تیر ۱۳۹۶.
- ۳۴۶ ..... «خدمات مشاوره ای، ضامن سلامت خانواده های افراد معلول»، حمدالله خواجه حسینی، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶.
- ۳۴۷ ..... «دختران معلول و مشکلات مضاعف»، سمیه افشین فر، ۱۴ مرداد ۱۳۹۵.
- ۳۴۸ ..... «در جست و جوی پیوندهای امیدبخش»، حمدالله خواجه حسینی، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶.
- ۳۴۹ ..... «درخت آگاهی»، بهروز شهبازپور، ۹ آذر ۱۳۹۶.
- ۳۵۲ ..... «دستان این زنان بارها خوانده است»، سمیه افشین فر، ۱۰ خرداد ۱۳۹۷.
- ۳۵۵ ..... «دوست داشتن حق ما هم هست»، سمیه افشین فر، ۳ تیر ۱۳۹۵.
- ۳۵۶ ..... «دیر معلولان» را دریابید»، سمیه افشین فر، ۲۱ دی ۱۳۹۶.
- ۳۵۷ ..... «دیروزی که ماندگار شد»، سهیل معینی، ۲ آذر ۱۳۹۶.

- ۳۵۸ ..... «راه های حضور دانش آموزان معلول را در مدارس عادی هموار کنید»، سمیه افشین فر، ۲۸ مرداد ۱۳۹۵.
- ۳۶۰ ..... «روزنامه ای که کهنه نشده است»، سمیه افشین فر، ۲ آذر ۱۳۹۶.
- ۳۶۱ ..... «زهرای نعمتی افتخاری برای زنان معلول»، سمیه افشین فر، ۲۱ مرداد ۱۳۹۵.
- ۳۶۲ ..... «سالم سالاری» تبعیض نوین علیه معلولان: نامه ای به آدرس دستیار جدید رئیس جمهور در حوزه حقوق شهروندی، سهیل معینی، ۹ شهریور ۱۳۹۶.
- ۳۶۵ ..... «سهم اندک معلولان از رسانه ها»، سمیه افشین فر، ۲۰ آبان ۱۳۹۵.
- ۳۶۶ ..... «شاهد عباس، وجدان شما»، سمیه افشین فر، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵.
- ۳۶۸ ..... «شمعی برای غلبه بر تاریکی»، حمدالله خواجه حسینی، ۱ تیر ۱۳۹۶.
- ۳۶۹ ..... «شنیدن صدای نابینایان»، حسین نحوی نژاد، ۲۲ مهر ۱۳۹۷.
- ۳۷۲ ..... «شهر ناامن»، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶.
- ۳۷۵ ..... «صندوق ها را برای معلولان هم آماده کنید»، سمیه افشین فر، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶.
- ۳۷۷ ..... «عذرخواهی لازم، اما ناکافی»، مجید سرایی، ۱۵ تیر ۱۳۹۶.
- ۳۷۸ ..... «کاستی های یک حرکت پسندیده: نگاهی به برنامه غیر محرمانه در خصوص معلولان»، سمیه افشین فر، ۶ خرداد ۱۳۹۵.
- ۳۷۹ ..... «گردشگران دارای معلولیت را دست کم نگیرید»، سمیه افشین فر، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶.
- ۳۸۰ ..... «گوش شنوایی نیست»، رایان عمران، ۸ مهر ۱۳۹۵.
- ۳۸۱ ..... «مشاوره؛ راه پیشگیری از بیماری های ژنتیکی منجر به معلولیت»، پرستو رفیعی، ۱ مهر ۱۳۹۷.
- ۳۸۲ ..... «مشقات» «الکمپ گردی»، امید هاشمی، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶.
- ۳۸۴ ..... «معلولان باید در مدیریت بحران دیده شوند»، سمیه افشین فر، ۳۱ تیر ۱۳۹۵.
- ۳۸۵ ..... «معلولان باید در مدیریت بحران دیده شوند»، سمیه افشین فر، ۷ مرداد ۱۳۹۵.
- ۳۸۶ ..... «معلولان جزو آمار نیستند»، محبوبه مصرقانی، ۲۰ آبان ۱۳۹۵.
- ۳۸۷ ..... «معلولان در محاق، مسئولان در فراغ»، بهروز مروتی، ۳۰ آذر ۱۳۹۶.
- ۳۸۹ ..... «مکان های عمومی باید امن باشد: بیانیه اتحادیه جهانی نابینایان به مناسبت روز جهانی ایمنی عصای سفید»، ترجمه امید هاشمی، ۲۷ مهر ۱۳۹۶.
- ۳۹۰ ..... «ممکن است روزی این بیماری زندگی شما را هم تغییر دهد»، سمیه افشین فر، ۱۳ خرداد ۱۳۹۵.
- ۳۹۱ ..... «ممنوع الخروج از در منزل»، مهدیه رستگار، ۲۶ بهمن ۱۳۹۶.
- ۳۹۳ ..... «من باید به مسافرت بروم»، سمیه افشین فر، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵.
- ۳۹۴ ..... «من را هم بازی بدهید»، سمیه افشین فر، ۲۵ شهریور ۱۳۹۵.
- ۳۹۵ ..... «من گدا نیستم»، سمیه افشین فر، ۱۰ اسفند ۱۳۹۶.
- ۳۹۹ ..... «نابینایی» با بی سواد مترادف نیست»، مجید سرایی، ۵ بهمن ۱۳۹۶.
- ۴۰۱ ..... «ناقوس زندگی در دنیای سکوت و تاریکی: بازخوانی نامه ای از هلن کلر»، امید هاشمی، ۱۴ تیر ۱۳۹۷.
- ۴۰۲ ..... «نگاه انسانی به افراد دارای معلولیت را فراموش نکنیم»، سمیه افشین فر، ۲۶ مرداد ۱۳۹۶.
- ۴۰۳ ..... «ورزشکاران پارالمپیک را همانند سایر ورزشکاران ببینید»، سمیه افشین فر، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵.
- ۴۰۴ ..... «وقتی رفتن به بانک «سخت» می شود»، سمیه افشین فر، ۴ آذر ۱۳۹۵.



- ۴۰۵ ..... «ویلچر برای ما نماد حرکت و پیشرفت است»، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۶.....
- ۴۰۶ ..... «هر فرد معلولی عقب مانده ذهنی نیست»، سمیه افشین فر، ۱۱ شهریور ۱۳۹۵.....
- ۴۰۹ ..... فصل سوم: اخبار
- ۴۰۹ ..... اشاره
- ۴۱۱ ..... «۱۰ میلیارد تومان برای مناسب سازی معابر شهرکرد هزینه شد»، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵.....
- ۴۱۱ ..... «۱۶ هزار بیمار ضایعه نخاعی حق پرستاری می گیرند»، ۳۱ تیر ۱۳۹۵.....
- ۴۱۲ ..... «۴۳ هزار خانوار دارای معلول تا پایان سال ۹۷ صاحب مسن می شوند»، ۱ تیر ۱۳۹۶.....
- ۴۱۲ ..... «۴۰۰۰ تسهیل گیر در کشور فعالیت می کنند»، ۲۵ شهریور ۱۳۹۵.....
- ۴۱۳ ..... «۵ میلیارد تومان تسهیلات برای کارفرمایان در مناطق محروم»، ۷ تیر ۱۳۹۷.....
- ۴۱۴ ..... «۷ پایگاه اوقات فراغت برای دانش آموزان معلول خرم آبادی»، ۲۴ تیر ۱۳۹۵.....
- ۴۱۵ ..... «آرامش معلولان در سایه مسکن»، ۲۴ تیر ۱۳۹۵.....
- ۴۱۵ ..... «آغاز به کار فراخوان «همتوان» با هدف کارایی برای معلولان»، ۱ تیر ۱۳۹۶.....
- ۴۱۶ ..... «آغاز به کار نخستین ارکستر ملی معلولان ذهنی»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶.....
- ۴۱۶ ..... «ابداع فناوری نوین برا نابینایان»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.....
- ۴۱۷ ..... «پل از ۱۳ ایموچی ویژه معلولان رونمایی می کند»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.....
- ۴۱۷ ..... «جازه خرید اسلحه به معلولان آمریکایی»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵.....
- ۴۱۷ ..... «جرای تفاهمنامه پیام نور و بهزیستی از پاییز»، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶.....
- ۴۱۸ ..... «ارائه امکانات نرم افزاری به دانشجویان نابینا»، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵.....
- ۴۱۸ ..... «صفر همت، مدیر عامل خانه تئاتر: با آغوش باز از گروه های معلولان حمایت می کنیم»، آیدین آذر، ۲۵ آذر ۱۳۹۵.....
- ۴۲۰ ..... «اعلام نتایج اوزان سبک وزن مسابقات قهرمانی کشور پرس سینه نابینایان»، ۵ اسفند ۱۳۹۵.....
- ۴۲۱ ..... «فتتاح سومین مجتمع خدمات بهزیستی کلاله در پنجمین روز هفته بهزیستی»، ۳۱ تیر ۱۳۹۵.....
- ۴۲۱ ..... «ماکن گردشگری برای بهره مندی جانبازان و معلولان مهیاتر شود»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.....
- ۴۲۲ ..... «امضای تفاهمنامه مشترک میان دانشگاه پیام نور و سازمان بهزیستی»، ۵ اسفند ۱۳۹۵.....
- ۴۲۲ ..... «انتخاب هیئت رئیسه فراکسیون معلولان در مجلس»، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶.....
- ۴۲۳ ..... «ولویت بندی برای معافیت از حق انشعابات»، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶.....
- ۴۲۳ ..... «هدای تجهیزات اسکی به ایران توسط برگزار کننده بازی های زمستانی»، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵.....
- ۴۲۴ ..... «با مغزتان تایپ کنید»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵.....
- ۴۲۴ ..... «با میکروسکوپ جدید می توان با افراد ناشنوا و نابینا کمک کرد»، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶.....
- ۴۲۵ ..... «بازارچه دستاوردهای معلولان در خراسان جنوبی راه اندازی می شود»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶.....
- ۴۲۵ ..... «بازدید نمایشگاه مطبوعات از روی صندلی چرخ دار»، مهدیه رستگار، ۱۱ آبان ۱۳۹۶.....
- ۴۲۸ ..... «برپایی غرفه ویژه نابینایان و ناشنوایان در نمایشگاه قرآن»، ۲۷ خرداد ۱۳۹۵.....

- ۴۲۹ ..... «برگزاری جشنواره کتاب صوتی ویژه کودکان و نوجوانان»، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶.
- ۴۳۰ ..... «برگزاری چهارمین جشنواره بین المللی تئاتر معلولان امید آفرین در آذرماه»، ۸ مهر ۱۳۹۵.
- ۴۳۱ ..... «برگزاری چهارمین جشنواره بین المللی تئاتر معلولان امید آفرین در اصفهان»، ۲۸ مرداد ۱۳۹۵.
- ۴۳۲ ..... «برگزاری کارگاه آموزشی فیلم و عکس برای ناشنوایان»، ۷ بهمن ۱۳۹۵.
- ۴۳۲ ..... «برگزاری کارگاه آموزشی مشکلات توانبخشی معلولان در اردکان»، ۲۵ شهریور ۱۳۹۵.
- ۴۳۳ ..... «برگزاری مسابقات انتخابی نمایندگان ایران در دومین مسابقات قرآن»، ۳۰ دی ۱۳۹۵.
- ۴۳۳ ..... «برگزاری نشست تخصصی حقوق بشری ایران و دانمارک با محوریت افراد معلول»، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵.
- ۴۳۴ ..... «برگزاری نمایشگاه تخصصی تجهیزات توانبخشی ویژه معلولان و جانبازان»، ۱۳ آبان ۱۳۹۵.
- ۴۳۵ ..... «بزرگترین کتابخانه نابینایان کشور افتتاح می شود»، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵.
- ۴۳۵ ..... «بوستان ترافیک به افراد دارای معلولیت آموزش می دهد»، ۱۶ دی ۱۳۹۵.
- ۴۳۶ ..... «پرداخت ۳ میلیارد ریال از سوی اتاق بازرگانی کشور به معلولان و دانش آموزان عشایر کهگیلویه و بویراحمد»، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶.
- ۴۳۶ ..... «پرداخت حق پرستاری به ۱۶ هزار ضایعه نخاعی»، ۲۱ مرداد ۱۳۹۵.
- ۴۳۷ ..... «تخفیف به مراجعان دارای معلولیت از ۳۰ تا ۷۵ درصد»، ۳ تیر ۱۳۹۵.
- ۴۳۷ ..... «تدارک بهیستی برای حضور معلولان در پیاده روی اربعین»، ۲۰ آبان ۱۳۹۵.
- ۴۳۸ ..... «ترانه میلادی نخبه جوان شهر تهران شد»، ۶ خرداد ۱۳۹۵.
- ۴۳۸ ..... «تردمیل مخصوص بیماران نخاعی ساخته شد»، ۲ شهریور ۱۳۹۶.
- ۴۳۹ ..... «تکنولوژی سه بعدی مایکروسافت در خدمت نابینایان»، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶.
- ۴۴۰ ..... «جاده سلامت ویژه معلولان در اصفهان ساخته می شود»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵.
- ۴۴۰ ..... «جامعه هنری نابینایان یکی دیگر از مشاهیرش را از دست داد»، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶.
- ۴۴۱ ..... «جانباز گیلانی قهرمان مسابقات شنای معلولای جهان شد»، ۲۷ خرداد ۱۳۹۵.
- ۴۴۱ ..... «جراحی جدید برای بازگشت بینایی به نابینایان»، ۲ دی ۱۳۹۵.
- ۴۴۲ ..... «جزئیات طرح «پیشگیری از معلولیت ها در دانش آموزان»، ۱۱ شهریور ۱۳۹۵.
- ۴۴۲ ..... «جلسه ای برای پاسخ به پرسش های سازمان ملل»، ۱۳ خرداد ۱۳۹۵.
- ۴۴۳ ..... «جوابیه سازمان آموزش و پرورش استثنایی در ارتباط با خبر «راه ناهموار تحصیل برای دانش آموزان معلول»، ۲۲ تیر ۱۳۹۶.
- ۴۴۶ ..... «حضور یک هنرمند ناشنوای ایرانی در نمایشگاه هفته جهانی معلولان در «ونکوور»»، ۲ دی ۱۳۹۵.
- ۴۴۶ ..... «خانه دار شدن معلولان با تفاهمی پنج جانبه: چگونگی واگذاری مسکن به خانواده های دارای دو معلول»، ۲۸ تیر ۱۳۹۷.
- ۴۵۰ ..... «خدمت تازه ای برای نابینایان، به منظور زیارت آسان و ارزان»، ۶ خرداد ۱۳۹۵.
- ۴۵۱ ..... «دبیر کل جدید کانون معلولان شهر تهران انتخاب شد»، ۳ تیر ۱۳۹۵.
- ۴۵۱ ..... «در بطری های بازیافتی منطقه ۶ برای معلولان ویلچر می شود»، ۳ تیر ۱۳۹۵.
- ۴۵۱ ..... «درمان بیماران ضایعه نخاعی در بیمارستان های دانشگاه شهید بهشتی»، ۶ خرداد ۱۳۹۵.
- ۴۵۲ ..... «دست روباتیک، مترجم ناشنوایان می شود»، ۲ شهریور ۱۳۹۶.

- ۴۵۲ ..... «راه اندازی سامانه «معبّر» برای طرح مشکلات مناسب سازی»، ۱۶ دی ۱۳۹۵.
- ۴۵۳ ..... «راه اندازی مرکز آموزش معلولان در مشهد»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵.
- ۴۵۳ ..... «راه اندازی نمایشگاه آوای آشنا رد مدرسه ناشنوایان»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.
- ۴۵۴ ..... «راه رفتن بی دردسر با ابداع دوربین ۳ بعدی»، ۱ تیر ۱۳۹۶.
- ۴۵۴ ..... «رتبه برتر سازمان آموزش و پرورش استثنایی در ارزشیابی شاخص های عمومی و تخصصی»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.
- ۴۵۵ ..... «رفع اشکالات قانون معلولان/ تصویب در مجلس دهم»، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵.
- ۴۵۵ ..... «روپاتی که دنیا را برای نابینایان به تصویر می کشد»، ۲۰ آبان ۱۳۹۵.
- ۴۵۶ ..... «رئیس اداره سلامت گوش وزارت بهداشت: ناشنوایی بدترین نوع معلولیت است»، ۵ اسفند ۱۳۹۵.
- ۴۵۷ ..... «رئیس فدراسیون ورزشی نابینایان و کم بینایان کشور: هدف ما کسب مقام های برتر در مسابقات آسیایی است»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.
- ۴۵۸ ..... «زوج نیکوکار مشهدی به نبینایان قرآن بریل اهدا کردند»، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵.
- ۴۵۸ ..... «زهرای نعمتی با مربی کره ای خود به پارالمپیک می رود»، ۱۱ شهریور ۱۳۹۵.
- ۴۵۹ ..... «ساخت اندام مصنوعی از طریق سیستم یاد توسط محققان کشور»، ۲ دی ۱۳۹۵.
- ۴۵۹ ..... «ساخت خانه برای معلولان ذهنی در کشور»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶.
- ۴۶۱ ..... «ساخت سبک ترین بالابر برای افراد معلول جسمی توسط مخترعان ایرانی»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶.
- ۴۶۱ ..... «ساخت کمربند راهنما برای نابینایان»، ۳۰ دی ۱۳۹۵.
- ۴۶۲ ..... «ساخت مساجد ویژه ناشنوایان در مصر»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.
- ۴۶۲ ..... «سرویس مدارس برای دانش آموزان استثنایی رایگان است»، مجید سرایی، ۲۵ شهریور ۱۳۹۷.
- ۴۶۵ ..... «سمیه عباسپور در رقابت های کامیونند به نشان طلا دست یافت»، ۳ تیر ۱۳۹۵.
- ۴۶۵ ..... «سنجاق سر هوشمند برای ناشنوایان به بازار آمد»، ۱ تیر ۱۳۹۶.
- ۴۶۶ ..... «سومین دوره مسابقات قرآن نابینایان جهان اسلام برگزار می شود»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.
- ۴۶۷ ..... «شرایط خرید کتاب های «گویا»، ۷ بهمن ۱۳۹۵.
- ۴۶۷ ..... «شمشکی: دنبال توسعه ورزش زمستانی معلولان هستیم»، ۱۶ دی ۱۳۹۵.
- ۴۶۸ ..... «شناسایی و سقط ۱۳۵۰ جنین معلول»، ۳۰ دی ۱۳۹۵.
- ۴۶۹ ..... «شنوایی سنجی یک میلیون و ۱۰۰ هزار کودک در سال ۹۴»، ۲۷ خرداد ۱۳۹۵.
- ۴۶۹ ..... «شهید هرنندی فاتح مسابقات باشگاهی گلبال بانوان شد»، ۵ اسفند ۱۳۹۵.
- ۴۶۹ ..... «صدور مجدد کارت معلولیت در اردبیل آغاز شد»، ۳۰ دی ۱۳۹۵.
- ۴۷۰ ..... «طرح توانبخشی معلولان افغانستانی در شهریار اجرایی می شود»، ۲۵ شهریور ۱۳۹۵.
- ۴۷۰ ..... «طرح جبران عدم کارایی هنوز پابرجاست»، حمید داوودی، ۲۶ بهمن ۱۳۹۶.
- ۴۷۱ ..... «طرح مراقبان خانگی چیست»، ۱ تیر ۱۳۹۶.
- ۴۷۲ ..... «طرح های دانش بنیان در بهزیستس خراسان رضوی»، ۷ بهمن ۱۳۹۵.
- ۴۷۲ ..... «فراخوان جشنواره استانی فیلم کوتاه «معلولیت و روستا» منتشر شد»، ۱۳ آبان ۱۳۹۵.

- ۴۷۳ ..... «فراکسیون معلولان در مجلس دهم تشکیل می شود»، رایان عمران، ۳۱ تیر ۱۳۹۵.
- ۴۷۴ ..... «کنترل گوشی و رایانه توسط معلولان با پلک زدن و تنفس»، ۷ بهمن ۱۳۹۵.
- ۴۷۵ ..... «گشایش پارک ویژه افراد مبتلا به اوتیسم در کشور»، ۱۳ خرداد ۱۳۹۵.
- ۴۷۵ ..... «لایحه حقوق افراد معلول در یک قدمی صحن علنی»، سهیل معینی، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶.
- ۴۷۶ ..... «لس آنجلس میزبان مسابقات دوچرخه سواری معلولان»، ۳۰ دی ۱۳۹۵.
- ۴۷۶ ..... «مرجع مجازی راه یافتن اطلاعات برای نابینایان»، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵.
- ۴۷۷ ..... «معلولان بر بام برفی دربند سر»، ۶ خرداد ۱۳۹۵.
- ۴۷۷ ..... «معلولیت ذهنی بیشترین آمار معلولان اردبیل»، ۱۶ دی ۱۳۹۵.
- ۴۷۹ ..... «مناسب سازی خانه های معلولان در سال جدید»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵.
- ۴۷۹ ..... «مناسب سازی مسیر حرکتی معلولان در منطقه ۱۳»، ۲۸ مرداد ۱۳۹۵.
- ۴۸۰ ..... «مناسب سازی معابر برای تردد معلولان و جانبازان در ماکو»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶.
- ۴۸۰ ..... «نابینایان و افراد مبتلا به بیماری دیابت اجازه اقامت دائم در کویت را ندارند»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.
- ۴۸۱ ..... «نبود مدرسه استثنایی در شهرستان کارون»، ۷ بهمن ۱۳۹۵.
- ۴۸۱ ..... «نشست تخصصی بررسی حقوق معلولان در ایران»، ۳۱ تیر ۱۳۹۵.
- ۴۸۲ ..... «نصب بالابر در منازل معلولان و جانبازان منطقه ۵»، ۲۴ تیر ۱۳۹۵.
- ۴۸۳ ..... «نگاه ویژه به حقوق سالمندان و معلولان در نشیت اداری لنده»، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶.
- ۴۸۳ ..... «نمایشگاه آثار معلولان در سلماس برپا شد»، ۷ مرداد ۱۳۹۵.
- ۴۸۳ ..... «نمایندگان کمیسیون بهداشت برای تشکیل کمیسیون مشترک معرفی شدند»، رایان عمران، ۷ مرداد ۱۳۹۵.
- ۴۸۴ ..... «نیمار بازیکن تیم فوتبال نابینایان شد»، ۲۴ تیر ۱۳۹۵.
- ۴۸۵ ..... «وام برای مددجویان به شرط معرفی از سوی بهزیستی»، ۱۵ تیر ۱۳۹۶.
- ۴۸۶ ..... «ورود دانش آموزان تلقیقی ممنوع نیست»، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵.
- ۴۸۶ ..... «همایش اشتغال های حمایت شده در مجتمع آموزشی نیکوکاری «رعد» برگزار شد»، ۲۶ بهمن ۱۳۹۶.
- ۴۸۶ ..... «هیچ مانعی برای تحصیل دانش آموزان تلقیقی وجود ندارد»، ۱۳ خرداد ۱۳۹۵.
- ۴۸۸ ..... درباره مرکز

سرشناسه : نصر اصفهانی، اباذر، ۱۳۵۸ -

عنوان قراردادی : ایران (روزنامه)

(Iran Newspaper)

عنوان و نام پدیدآور : راهنمای توانش / به اهتمام اباذر نصر اصفهانی؛ [برای] دفتر فرهنگ معلولین.

مشخصات نشر : قم : توانمندان، ۱۳۹۷ -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : ۵۰۰۰۰۰ ریال : دوره ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۲۳-۴ ؛ ج. ۱. ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۲۲-۷ ؛ ج. ۲. ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۲۴-۱ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: . Abazar Nasr Isfahani. Tavanesh guide

یادداشت : ج. ۱ (چاپ اول: ۱۳۹۷).

یادداشت : ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۷).

مندرجات : ج. ۱. گزارش ها (صفحه توانش روزنامه ایران، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ تا ۶ آبان ۱۳۹۷). - ج. ۲. گفت و گو، مقالات و اخبار (صفحه توانش روزنامه ایران، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ تا ۶ آبان ۱۳۹۷)

موضوع : معلولان -- ایران -- وضع اجتماعی -- مقاله ها و خطابه ها

موضوع : \*Addresses, essays, lectures -- People with disabilities -- Iran -- Social conditions

شناسه افزوده : دفتر فرهنگ معلولین

رده بندی کنگره : HV۱۵۵۹/الف ن ۹ ۶ ۱۳۹۷

رده بندی دیویی : ۳۶۲/۴۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی : ۵۵۴۴۰۴۴

---

ناشر: توانمندان شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه قیمت دوره: ۰۰۰/۵۰۰ ریال

آدرس: قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴، دفتر فرهنگ معلولین

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

[www.HandicapCenter.com](http://www.HandicapCenter.com)

[info@handicapcenter.com](mailto:info@handicapcenter.com)

[www.DataDisability.com](http://www.DataDisability.com)

[www.Tavanmandan.com](http://www.Tavanmandan.com)

ص: ۱

**اشاره**

راهنمای توانش

جلد دوم: گفت و گو، مقالات و اخبار (صفحه توانش روزنامه ایران، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ تا ۶ آبان ۱۳۹۷)

به اهتمام:

اباذر نصر اصفهانی



بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣





فصل اول: گفت و گو

- «اوتیسم نه بیماری است نه معلولیت؛ گفت و گوی «ایران» با عماد ملازاده، دبیر انجمن علمی کاردرمانی»، ۶ آبان ۱۳۹۷. ۲۱
- «سرانه یک دانش آموز استثنایی ۴ برابر سبک دانش آموز عادی؛ گفت و گو با مجید قدمی، رئیس آموزش و پرورش استثنایی»، محبوبه مصرقانی، ۱۹ مرداد ۱۳۹۶. ۲۴
- «سمن»های معلولان، بازوی نظارتی بهزیستی باشند: گفت و گو با محمد کمالی، عضو شورای راهبردی سازمان بهزیستی کشور»، راضیه کباری، ۱۶ دی ۱۳۹۵. ۳۰
- «اگر درخت بودم، از دست مردم فرار می کردم: پای صحبت احمدرضا عامریان، جوان معلول هنرمند»، مجید سرایی، ۲۴ تیر ۱۳۹۵. ۳۳
- «ای کاش به حرف هایش گوش دهیم»، سمیه افشین فر، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵. ۳۷
- «ایجاد پایگاه دائمی تئاتر معلولان، دروازه ورود به میدان های جهانی؛ دکتر قطب الدین صادقی در گفت و گو با ایران مطرح کرد»، داریوش کوشکی، ۱۸ آذر ۱۳۹۵. ۳۹
- «ایستادگی ام را روایت می کنم: مادر یک کودک چند معلولیتی از مشکلاتش می گوید»، راضیه کباری، ۱۱ شهریور ۱۳۹۵. ۴۱
- «با بال شکسته پرگشودن هنر است: قصه تلخی ها و شیرینی های زندگی یک نابینای موفق»، مجید سرایی، ۷ مرداد ۱۳۹۵. ۴۶
- «برای خلق هنر نیازی به چشم سر نیست: گفت و گوی «توانش» با سعدی کرمی، جوان کم بینای صفهانی»، محدثه جعفری، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶. ۵۰
- «برقراری ارتباط مهمترین معضل ناشنوایان: گفت و گو با رضا غلامی سلطان مرادی مسئول کارگروه ناشنوایان سازمان بهزیستی»، محدثه جعفری، ۲۴ فروردین ۱۳۹۶. ۵۳
- «به دنبال افزایش سطح کیفی نمایشنامه ها هستیم؛ دبیر جشنواره تئاتر معلولان در گفت و گو با «توانش» اعلام کرد»، مجیر سرایی، ۲۵ آبان ۱۳۹۶. ۵۵



«بهره مندی از کمک دولت برای بیمه زنان داری معلولیت: یکی از مدیران تأمین اجتماعی در گفت و گو با «ایران» داد»، حمید داوودی، ۱۷ فروردین ۱۳۹۶. ۶۰

«بیماری های شبکه نایبانیان در کشور ثبت می شوند: فوق تخصص و جراح شبکه در گفت و گو با «ایران»»، راضیه کباری، ۲۱ تیر ۱۳۹۷. ۶۲

«تحصیل دختران را جدی بگیرید حتی اگر نایبنا باشند: تأکید نصرالله ابراهیمی، نایبناي کردستانی بر ضرورت برنامه ریزی برای آموزش دختران نایبنا»، محدثه جعفری، ۱۷ فروردین ۱۳۹۶. ۶۴

«تنها ۳۶۴ «معلم رابط» برای ۴۸ هزار و ۸۳۷ دانش آموز: گفت و گو با محسن غفوریان، معاون آموزش و توانبخشی سازمان آموزش و پرورش استثنایی»، لاله باهنر، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵. ۶۸

«تنها ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار، سهم اندک توانبخشی از بودجه: معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کشور در پاسخ به «ایران»»، حمید داوودی، ۱۱ تیر ۱۳۹۵. ۷۲

«تنها ماندم اما هرگز تسلیم نشدم: گفت و گو با نسرین اسماعیلی»، راضیه کباری، ۸ مهر ۱۳۹۵. ۷۵

«تهران میزبان دومین اردوی تیم ملی گلبال بانوان نایبنا و کم بینا»، ۸ تیر ۱۳۹۶. ۷۶

«جبران کم شنوایی با مداخله به موقع درمانی: کارشناسی شنوایی شناسی در گفت و گو با توانش اعلام کرد»، راضیه کباری، ۹ آذر ۱۳۹۶. ۷۷

«چرخ ویلچر یاری ام نکرد، موتورسیکلت ساختم: گفت و گو با بانوی موتورسوار معلول»، محدثه جعفری، ۱۰ خرداد ۱۳۹۷. ۸۰

«چشم هایت را باز کن مترو!»: مشکلات مسافران نایبنا در گفت و گو با فروش نوبخت مدیرعامل شرکت بهره برداری مترو تهران و حومه»، مجید سرایی، ۲۹ مهر ۱۳۹۷. ۸۵

«خیز معلولان برای تأسیس کمپانی های خصوصی نمایش؛ گفت و گو با فاطمه فخری، دبیر چهارمین جشنواره بین المللی تئاتر معلولان»، مجید سرایی، ۱۸ آذر ۱۳۹۵. ۸۸

«دار قالی نایبانیان زیر سایه بی مهری ها گم شد؛ گفت و گو با بانوی مخترع کامیارانی»، محدثه جعفری، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶. ۹۱

«دخترانی که از سد نابرابری ها گذشتند: گفت و گو صمیمی با دختران معلول به مناسبت روز دختر»، محدثه جعفری، ۱۴ مرداد ۱۳۹۵. ۹۴

«درمان اختلالات بینایی، چشم انتظار نگاه خیرین: گفت و گو با دکتر علیرضا لاشیعی، رئیس مرکز تحقیقات بیمارستان

فارابی»، راضیه کباری، ۲۱ مرداد ۱۳۹۵. ۹۸

«دستانی که کمبود چشم را جبران می کنند: گپ و گفتی با اولین نابینای برقکار ایران»، محدثه جعفری، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.

۱۰۱

«دنیای مجازی پلی شد برای ساختن آرزوهایش: گپ و گفتی مجازی با هنرمند دارای معلولیت»، محدثه جعفری، ۲۳ فروردین

۱۳۹۷. ۱۰۳

«رتبه یک، لیاقت مغزهای روشن: گفت و گوی «ایران» با دو دانشجوی نابینا که در کنکور کارشناسی ارشد و دکتری، صاحب

رتبه های ممتاز و برتر شدند»، محبوبه مصرقانی، ۲۱ دی ۱۳۹۶. ۱۰۶

ص: ۶

«ژن های معلولیت ناشناخته اند: گفت و گو با مینو رفیعی، معاون پیشگیری از معلولیت های سازمان بهزیستی»، محدثه جعفری، ۱۱ خرداد ۱۳۹۶. ۱۱۱

«سختی کشیدم اما ارزش داشت»، مهدیه رستگار، ۱۴ تیر ۱۳۹۷. ۱۱۴

«سرنوشت نوسازی ناوگان حمل و نقل شهری معلولان»، مجید سرایی، ۲۴ خرداد ۱۳۹۷. ۱۱۸

«شبکیه مصنوعی، امیدی نو برای نابینایان: فناوری جدید برا بازگرداندن بینایی در گفت و گو با محسن فروردین»، راضیه کباری، ۳۰ آذر ۱۳۹۶. ۱۲۱

«فراز و فرودهای ورزش زنان نابینا: روزنامه «ایران» در گفت و گو با نایب رئیس فدراسیون ورزشی نابینایان و کم بینایان بررسی می کند»، محدثه جعفری، ۵ اسفند ۱۳۹۵. ۱۲۷

«قانونی درخشان برای تحول در وضعیت معلولان: معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی در گفت و گو با توانش ابعاد لایحه حمایت از حقوق معلولان را تشریح کرد»، محدثه جعفری، ۱۴ دی ۱۳۹۶. ۱۳۲

«قله ها چشم به راه من هستند: گفت و گو با «ایران» با «اندی هولترز»، کوهنورد نابینای اتریشی»، امیر سرمدی، ۹ دی ۱۳۹۵. ۱۳۶

«گذر از باورهای غلط با مدد انگیزه هایی استوار: گفت و گو با بهنام خلجی، قهرمان مدال طلای سنگ نوردی معلولان»، راضیه کباری، ۲۲ مهر ۱۳۹۷. ۱۴۲

«ما می خواهیم دخترانگی کنیم: پای سخن ۵ دختر نابینا در آستانه «روز جهانی نابینایان»»، سمیه افشین فر، ۲۰ مهر ۱۳۹۶. ۱۴۵

«مصاحبه با دختری که حاضر به گفت و گو نیست»، نجمه پیوندی، ۸ مهر ۱۳۹۵. ۱۵۱

«معلم ناشنوا شعر سکوت می سراید»، محبوبه مصرقانی، ۷ دی ۱۳۹۶. ۱۵۲

«معلول یا توانخواه، واژه مهم نیست: گفت و گو با مؤسس استارت آپ فروش تجهیزات معلولان»، سمیه افشین فر، ۲۳ فروردین ۱۳۹۷. ۱۵۴

«مهیار معلولیت های بینایی با پرهیز از ازدواج فامیلی: یک متخصص بیماری های چشم از ضرورت مشاوره ژنتیکی قبل از ازدواج می گوید»، راضیه کباری، ۲۴ خرداد ۱۳۹۷. ۱۵۸

«نقشه راه برای یک سیاحت ایمن: گفت و گو با مانی رضوی زاده، طراح سایت بانک اطلاعات مناسب سازی»، محدثه جعفری، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶. ۱۶۱

«نقض قانون، معلولان را زمین گیر کرده است: «ایران» در گفت و گو با مدیران بهزیستی و تأمین اجتماعی»، محدثه جعفری، ۷ بهمن ۱۳۹۵. ۱۶۴

«نگاه ویژه «تحول سلامت» به معلولان: نیازهای بهداشتی اقشار کم توان در گپ و گفتی با ایرج حریرچی، قائم مقام وزارت بهداشت»، راضیه کباری، ۲۹ مهر ۱۳۹۵. ۱۶۷

«هر هدیه قصه ای دارد: گفت و گو با شادیار خدایاری»، امید هاشمی، ۳۱ تیر ۱۳۹۵. ۱۷۰

«هنوز با پنهان کاری مواجه ایم: رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی همزمان با روز جهانی معلولان در گفت و گو با «ایران»، محبوبه مصرقانی، ۱۲ آذر ۱۳۹۶. ۱۷۱

ص: ۷

«استفاده انتخاباتی از افراد دارای معلولیت ممنوع»، رایان عمران، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶. ۱۸۳

«اگر روزی پای شهروند معلولی به مسعودیه برسد»، سمیه افشین فر، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۵. ۱۸۴

«ای کاش نابینایان هم دیده می شدند»، امید هاشمی، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶. ۱۸۵

«این کودکان مرگشان عادی است»، سمیه افشین فر، ۴ آبان ۱۳۹۶. ۱۸۶

«آزمونی برای جامعه نابینایان»، راضیه کباری، ۱۶ شهریور ۱۳۹۶. ۱۸۸

«باز هم مترو باز هم سقوط»، سمیه افشین فر، ۱۵ مهر ۱۳۹۵. ۱۹۰

«باید از کلیشه ها عبور کرد؛ ارزیابی چهارمین جشنواره تئاتر معلولان (اصفهان، آذر ۱۳۹۵)»، مجید سرایی، ۲۵ آذر ۱۳۹۵.

۱۹۱

«بخشنامه ای که دیر رسید»، سمیه افشین فر، ۱ مهر ۱۳۹۷. ۱۹۲

«برابری در دسترسی و برخورداری از ایمنی اولویت های نابینایان»، سهیل معینی، ۲۹ مهر ۱۳۹۵. ۱۹۳

«برای صلح با ویلچر می دویم»، نعیمه عباسیان، ۲۵ شهریور ۱۳۹۷. ۱۹۵

«برای مادران از جان گذشته»، سمیه افشین فر، ۱۷ اسفند ۱۳۹۶. ۱۹۶

«برای معلولان تعیین تکلیف نکنیم»، آرتین افشین فر، ۱۴ مرداد ۱۳۹۵. ۱۹۷

«بیاید از هنرمندان معلول حمایت کنیم»، سمیه افشین فر، ۲۴ تیر ۱۳۹۵. ۱۹۷

«پارالمپیک وعده گاه امید و عشق بود»، سمیه افشین فر، ۱ مهر ۱۳۹۵. ۱۹۸

«پذیرش معلولیت، نقطه عطفی در سلامت و توانمندسازی خانواده ها»، حمدالله خواجه حسینی، ۲۵ خرداد ۱۳۹۶. ۱۹۹

«پله هایی که تا تراژدی بالا- می روند: تعلق در مناسب سازی و ایمن سازی معابر شهری همچنان تهدیدی برای سلامت

معلولان است»، سمیه افشین فر، ۵ بهمن ۱۳۹۶. ۲۰۰

«تا کی باید اتفاق ها سرنوشت آدم ها را تغییر دهند»، راضیه کباری، ۲۷ مهر ۱۳۹۶. ۲۰۲

«تجربه کم بینایان در دید با عینک خاص»، راضیه کباری، ۱۴ تیر ۱۳۹۷. ۲۰۳



«تشکیل فراکسیون حقوق افراد دارای معلولیت: نخستین انتظار شهروندان معلول از مجلس جدید»، سهیل معینی، ۶ خرداد ۱۳۹۵. ۲۰۴

«تشکیل فراکسیون معلولان مجلس، گام بلندی به سوی کامیابی های بعدی»، سهیل معینی، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶. ۲۰۵

«تکرار یک تراژدی دردناک»، حمید داودی، ۲ شهریور ۱۳۹۶. ۲۰۶

«تلاشی برای اصلاح ساختار خانواده»، حمدالله خواجه حسینی، ۲۲ تیر ۱۳۹۶. ۲۰۸

«توانبخشی به شرط گوش شنوای مددکاران»، سمیه افشین فر، ۴ شهریور ۱۳۹۵. ۲۰۹

ص: ۸

«جای خالی خدمات مشاوره ای در زندگی معلولان»، سمیه افشین فر، ۱۰ تیر ۱۳۹۵. ۲۱۰

«حضور فعال شرط رهایی از انزوا»، حمید میرزاآقایی، ۳۰ فروردین ۱۳۹۷. ۲۱۱

«حمایت آگاهانه فرصتی برای شکوفایی، حمدالله خواجه حسینی، ۱۵ تیر ۱۳۹۶. ۲۱۲

«خدمات مشاوره ای، ضامن سلامت خانواده»، حمدالله خواجه حسینی، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶. ۲۱۴

«دختران معلول و مشکلات مضاعف»، سمیه افشین فر، ۱۴ مرداد ۱۳۹۵. ۲۱۵

«درجست و جوی پیوندهای امیدبخش»، حمدالله خواجه حسینی، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶. ۲۱۶

«درخت آگاهی»، بهروز شهبازپور، ۹ آذر ۱۳۹۶. ۲۱۷

«دستان این زنان بارها خوانده است»، سمیه افشین فر، ۱۰ خرداد ۱۳۹۷. ۲۱۹

«دوست داشتن حق ما هم هست»، سمیه افشین فر، ۳ تیر ۱۳۹۵. ۲۲۱

«دیر معلولان» را دریابید»، سمیه افشین فر، ۲۱ دی ۱۳۹۶. ۲۲۲

«دیروزی که ماندگار شد»، سهیل معینی، ۲ آذر ۱۳۹۶. ۲۲۳

«راه های حضور دانش آموزان معلول را در مدارس عادی»، سمیه افشین فر، ۲۸ مرداد ۱۳۹۵. ۲۲۴

«روزنامه ای که کهنه نشده است»، سمیه افشین فر، ۲ آذر ۱۳۹۶. ۲۲۵

«زهرای نعمتی افتخاری برای زنان معلول»، سمیه افشین فر، ۲۱ مرداد ۱۳۹۵. ۲۲۶

«سالم سالاری» تبعیض نوین علیه معلولان: نامه ای به آدرس دستیار جدید رئیس جمهور در حوزه حقوق شهروندی»، سهیل

معینی، ۹ شهریور ۱۳۹۶. ۲۲۷

«سهم اندک معلولان از رسانه ها»، سمیه افشین فر، ۲۰ آبان ۱۳۹۵. ۲۳۰

«شاهد عباس، وجدان شما»، سمیه افشین فر، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵. ۲۳۱

«شمعی برای غلبه بر تاریکی»، حمدالله خواجه حسینی، ۱ تیر ۱۳۹۶. ۲۳۲

«شنیدن صدای نابینایان»، حسین نحوی نژاد، ۲۲ مهر ۱۳۹۷. ۲۳۳

«شهر ناامن من»، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶. ۲۳۵

«صندوق ها را برای معلولان هم آماده کنید»، سمیه افشین فر، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶. ۲۳۷

«عذرخواهی لازم، اما ناکافی»، مجید سرایی، ۱۵ تیر ۱۳۹۶. ۲۳۸

«کاستی های یک حرکت پسندیده: نگاهی به برنامه غیر محرمانه در خصوص معلولان»، سمیه افشین فر، ۶ خرداد ۱۳۹۵. ۲۳۹

«گردشگران دارای معلولیت را دست کم نگیرید»، سمیه افشین فر، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶. ۲۴۰

«گوش شنوایی نیست»، رایان عمران، ۸ مهر ۱۳۹۵. ۲۴۱

«مشاوره؛ راه پیشگیری از بیماری های ژنتیکی منجر به معلولیت»، پرستو رفیعی، ۱ مهر ۱۳۹۷. ۲۴۲

«مشقات «الکامپ گردی»»، امید هاشمی، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶. ۲۴۳

«معلولان باید در مدیریت بحران دیده شوند»، سمیه افشین فر، ۳۱ تیر ۱۳۹۵. ۲۴۵

«معلولان باید در مدیریت بحران دیده شوند»، سمیه افشین فر، ۷ مرداد ۱۳۹۵. ۲۴۶

«معلولان جزو آمار نیستند»، محبوبه مصرقانی، ۲۰ آبان ۱۳۹۵. ۲۴۷

«معلولان در محاق، مسئولان در فراغ»، بهروز مروتی، ۳۰ آذر ۱۳۹۶. ۲۴۸

«مکان های عمومی باید امن باشد: بیانیه اتحادیه جهانی نابینایان به مناسبت روز جهانی ایمنی عصای سفید»، ترجمه امید هاشمی، ۲۷ مهر ۱۳۹۶. ۲۴۹

«ممکن است روزی این بیماری زندگی شما را هم تغییر دهد»، سمیه افشین فر، ۱۳ خرداد ۱۳۹۵. ۲۵۰

«ممنوع الخروج از در منزل»، مهدیه رستگار، ۲۶ بهمن ۱۳۹۶. ۲۵۱

«من باید به مسافرت بروم»، سمیه افشین فر، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵. ۲۵۲

«من را هم بازی بدهید»، سمیه افشین فر، ۲۵ شهریور ۱۳۹۵. ۲۵۳

«من گدا نیستم»، سمیه افشین فر، ۱۰ اسفند ۱۳۹۶. ۲۵۴

«نابینایی» با بی سوادی مترادف نیست»، مجید سرایی، ۵ بهمن ۱۳۹۶. ۲۵۶

«ناقوس زندگی در دنیای سکوت و تاریکی: بازخوانی نامه»، امید هاشمی، ۱۴ تیر ۱۳۹۷. ۲۵۸

«نگاه انسانی به افراد دارای معلولیت را فراموش نکنیم»، سمیه افشین فر، ۲۶ مرداد ۱۳۹۶. ۲۵۹

«ورزشکاران پارالمپیک را همانند سایر ورزشکاران ببینید»، سمیه افشین فر، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵. ۲۶۰

«وقتی رفتن به بانک «سخت» می شود»، سمیه افشین فر، ۴ آذر ۱۳۹۵. ۲۶۱

«ویلچر برای ما نماد حرکت و پیشرفت است»، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۶. ۲۶۲

«هر فرد معلولی عقب مانده ذهنی نیست»، سمیه افشین فر، ۱۱ شهریور ۱۳۹۵. ۲۶۳

فصل سوم: اخبار

«۱۰ میلیارد تومان برای مناسب سازی معابر شهر کرد هزینه شد»، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵. ۲۶۷

«۱۶ هزار بیمار ضایعه نخاعی حق پرستاری می گیرند»، ۳۱ تیر ۱۳۹۵. ۲۶۷

«۴۳ هزار خانوار دارای معلول تا پایان سال ۹۷ صاحب مسن می شوند»، ۱ تیر ۱۳۹۶. ۲۶۸

«۴۰۰۰ تسهیل گیر در کشور فعالیت می کنند»، ۲۵ شهریور ۱۳۹۵. ۲۶۸

«۵ میلیارد تومان تسهیلات برای کارفرمایان در مناطق محروم»، ۷ تیر ۱۳۹۷. ۲۶۹

«۷ پایگاه اوقات فراغت برای دانش آموزان معلول خرم آبادی»، ۲۴ تیر ۱۳۹۵. ۲۷۰

«آرامش معلولان در سایه مسکن»، ۲۴ تیر ۱۳۹۵. ۲۷۱

«آغاز به کار فراخوان «همتوان» با هدف کاریابی برای معلولان»، ۱ تیر ۱۳۹۶. ۲۷۱

«آغاز به کار نخستین ارکستر ملی معلولان ذهنی»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶. ۲۷۲

«ابداع فناوری نوین برا نابینایان»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷. ۲۷۲

«اپل از ۱۳ ایموجی ویژه معلولان رونمایی می کند»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷. ۲۷۳

«اجازه خرید اسلحه به معلولان آمریکایی»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵. ۲۷۳

«اجرای تفاهمنامه پیام نور و بهزیستی از پاییز»، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶. ۲۷۳

«ارائه امکانات نرم افزاری به دانشجویان نابینا»، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵. ۲۷۴

«اصغر همت، مدیر عامل خانه تئاتر: با آغوش باز از گروه های معلولان حمایت می کنیم»، آیدین آذر، ۲۵ آذر ۱۳۹۵. ۲۷۴

«اعلام نتایج اوزان سبک وزن مسابقات قهرمانی کشور پرس سینه نابینایان»، ۵ اسفند ۱۳۹۵. ۲۷۵

«افتتاح سومین مجتمع خدمات بهزیستی کلالة در پنجمین روز هفته بهزیستی»، ۳۱ تیر ۱۳۹۵. ۲۷۶

«اماکن گردشگری برای بهره مندی جانبازان و معلولان مهیاتر شود»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷. ۲۷۶

«امضای تفاهمنامه مشترک میان دانشگاه پیام نور و سازمان بهزیستی»، ۵ اسفند ۱۳۹۵. ۲۷۷

«انتخاب هیئت رئیسه فراکسیون معلولان در مجلس»، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶. ۲۷۷

«اولویت بندی برای معافیت از حق انشعابات»، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶. ۲۷۸

«اهدای تجهیزات اسکی به ایران توسط برگزار کننده بازی های زمستانی»، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵. ۲۷۸

«با مغزتان تایپ کنید»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵. ۲۷۹

«با میکروسکوپ جدید می توان با افراد ناشنوا و نابینا کمک کرد»، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶. ۲۷۹

«بازارچه دستاوردهای معلولان در خراسان جنوبی راه اندازی می شود»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶. ۲۸۰

«بازدید نمایشگاه مطبوعات از روی صندلی چرخ دار»، مهدیه رستگار، ۱۱ آبان ۱۳۹۶. ۲۸۰

«برپایی غرفه ویژه نابینایان و ناشنوایان در نمایشگاه قرآن»، ۲۷ خرداد ۱۳۹۵. ۲۸۲

«برگزاری جشنواره کتاب صوتی ویژه کودکان و نوجوانان»، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶. ۲۸۳

«برگزاری چهارمین جشنواره بین المللی تئاتر معلولان امید آفرین در آذرماه»، ۸ مهر ۱۳۹۵. ۲۸۴

«برگزاری چهارمین جشنواره بین المللی تئاتر معلولان امید آفرین در اصفهان»، ۲۸ مرداد ۱۳۹۵. ۲۸۵

«برگزاری کارگاه آموزشی فیلم و عکس برای ناشنوایان»، ۷ بهمن ۱۳۹۵. ۲۸۶

«برگزاری کارگاه آموزشی مشکلات توانبخشی معلولان در اردکان»، ۲۵ شهریور ۱۳۹۵. ۲۸۶

«برگزاری مسابقات انتخابی نمایندگان ایران در دومین مسابقات قرآن»، ۳۰ دی ۱۳۹۵. ۲۸۷

«برگزاری نشست تخصصی حقوق بشری ایران و دانمارک»، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵. ۲۸۷

«برگزاری نمایشگاه تخصصی تجهیزات توانبخشی ویژه معلولان و جانبازان»، ۱۳ آبان ۱۳۹۵. ۲۸۸

«بزرگترین کتابخانه نابینایان کشور افتتاح می شود»، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵. ۲۸۹

«بوستان ترافیک به افراد دارای معلولیت آموزش می دهد»، ۱۶ دی ۱۳۹۵. ۲۸۹

«پرداخت ۳ میلیارد ریال از سوی اتاق بازرگانی کشور به معلولان و دانش آموزان عشایر کهگیلویه و بویراحمد»، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶. ۲۹۰

«پرداخت حق پرستاری به ۱۶ هزار ضایعه نخاعی»، ۲۱ مرداد ۱۳۹۵. ۲۹۰

«تخفیف به مراجعان دارای معلولیت از ۳۰ تا ۷۵ درصد»، ۳ تیر ۱۳۹۵. ۲۹۱

«تدارک بهزیستی برای حضور معلولان در پیاده روی اربعین»، ۲۰ آبان ۱۳۹۵. ۲۹۱

«ترانه میلادی نخبه جوان شهر تهران شد»، ۶ خرداد ۱۳۹۵. ۲۹۲

«ترمیم مخصوص بیماران نخاعی ساخته شد»، ۲ شهریور ۱۳۹۶. ۲۹۲

«تکنولوژی سه بعدی مایکروسافت در خدمت نابینایان»، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶. ۲۹۳

«جاده سلامت ویژه معلولان در اصفهان ساخته می شود»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵. ۲۹۴

«جامعه هنری نابینایان یکی دیگر از مشاهیرش را از دست داد»، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶. ۲۹۴

«جانباز گیلانی قهرمان مسابقات شنای معلولای جهان شد»، ۲۷ خرداد ۱۳۹۵. ۲۹۵

«جراحی جدید برای بازگشت بینایی به نابینایان»، ۲ دی ۱۳۹۵. ۲۹۵

«جزئیات طرح «پیشگیری از معلولیت ها در دانش آموزان»، ۱۱ شهریور ۱۳۹۵. ۲۹۶

«جلسه ای برای پاسخ به پرسش های سازمان ملل»، ۱۳ خرداد ۱۳۹۵. ۲۹۶

«جوایه سازمان آموزش و پرورش استثنایی در ارتباط با خبر «راه ناهموار تحصیل برای دانش آموزان معلول»»، ۲۲ تیر ۱۳۹۶. ۲۹۷

۲۹۷

«حضور یک هنرمند ناشنای ایرانی در نمایشگاه هفته جهانی معلولان»، ۲ دی ۱۳۹۵. ۲۹۹

«خانه دار شدن معلولان با تفاهمی پنج جانبه: چگونگی واگذاری مسکن به خانواده های دارای دو معلول»، ۲۸ تیر ۱۳۹۷. ۲۹۹

«خدمت تازه ای برای نابینایان، به منظور زیارت آسان و ارزان»، ۶ خرداد ۱۳۹۵. ۳۰۲

«دبیر کل جدید کانون معلولان شهر تهران انتخاب شد»، ۳ تیر ۱۳۹۵. ۳۰۳

«در بطری های بازیافتی منطقه ۶ برای معلولان ویلچر می شود»، ۳ تیر ۱۳۹۵. ۳۰۳



«درمان بیماران ضایعه نخاعی در بیمارستان های دانشگاه شهید بهشتی»، ۶ خرداد ۱۳۹۵. ۳۰۳

«دست روباتیک، مترجم ناشنویان می شود»، ۲ شهریور ۱۳۹۶. ۳۰۴

«راه اندازی سامانه «معبّر» برای طرح مشکلات مناسب سازی»، ۱۶ دی ۱۳۹۵. ۳۰۴

«راه اندازی مرکز آموزش معلولان در مشهد»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵. ۳۰۵

«راه اندازی نمایشگاه آوای آشنا رد مدرسه ناشنویان»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷. ۳۰۵

«راه رفتن بی دردسر با ابداع دوربین ۳ بعدی»، ۱ تیر ۱۳۹۶. ۳۰۶

«رتبه برتر سازمان آموزش و پرورش استثنایی در ارزشیابی شاخص ها»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷. ۳۰۶

ص: ۱۲

«رفع اشکالات قانون معلولان/ تصویب در مجلس دهم»، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵. ۳۰۷

«روباتی که دنیا را برای نابینایان به تصویر می کشد»، ۲۰ آبان ۱۳۹۵. ۳۰۷

«رئیس اداره سلامت گوش وزارت بهداشت: ناشنوایی بدترین نوع معلولیت»، ۵ اسفند ۱۳۹۵. ۳۰۸

«رئیس فدراسیون ورزشی نابینایان و کم بینایان کشور: هدف ما کسب مقام های برتر در مسابقات آسیایی است»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷. ۳۰۹

«زوج نیکوکار مشهدی به بینایان قرآن بریل اهدا کردند»، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵. ۳۱۰

«زهرا نعمتی با مربی کره ای خود به پارالمپیک می رود»، ۱۱ شهریور ۱۳۹۵. ۳۱۰

«ساخت اندام مصنوعی از طریق سیستم باد توسط محققان کشور»، ۲ دی ۱۳۹۵. ۳۱۱

«ساخت خانه برای معلولان ذهنی در کشور»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶. ۳۱۱

«ساخت سبک ترین بالابر برای افراد معلول جسمی توسط مخترعان ایرانی»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶. ۳۱۲

«ساخت کمربند راهنما برای نابینایان»، ۳۰ دی ۱۳۹۵. ۳۱۲

«ساخت مساجد ویژه ناشنوایان در مصر»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷. ۳۱۳

«سرویس مدارس برای دانش آموزان استثنایی رایگان است»، مجید سرایی، ۲۵ شهریور ۱۳۹۷. ۳۱۳

«سمیه عباسپور در رقابت های کامپوند به نشان طلا دست یافت»، ۳ تیر ۱۳۹۵. ۳۱۵

«سنجاق سر هوشمند برای ناشنوایان به بازار آمد»، ۱ تیر ۱۳۹۶. ۳۱۵

«سومین دوره مسابقات قرآن نابینایان جهان اسلام برگزار می شود»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷. ۳۱۶

«شرایط خرید کتاب های «گویا»»، ۷ بهمن ۱۳۹۵. ۳۱۷

«شمشکی: دنبال توسعه ورزش زمستانی معلولان هستیم»، ۱۶ دی ۱۳۹۵. ۳۱۷

«شناسایی و سقط ۱۳۵۰ جنین معلول»، ۳۰ دی ۱۳۹۵. ۳۱۸

«شنوایی سنجی یک میلیون و ۱۰۰ هزار کودک در سال ۹۴»، ۲۷ خرداد ۱۳۹۵. ۳۱۹

«شهید هرنندی فاتح مسابقات باشگاهی گلبال بانوان شد»، ۵ اسفند ۱۳۹۵. ۳۱۹

«صدور مجدد کارت معلولیت در اردبیل آغاز شد»، ۳۰ دی ۱۳۹۵. ۳۱۹

«طرح توانبخشی معلولان افغانستانی در شهریار اجرایی می شود»، ۲۵ شهریور ۱۳۹۵. ۳۲۰

«طرح جبران عدم کارایی هنوز پابرجاست»، حمید داوودی، ۲۶ بهمن ۱۳۹۶. ۳۲۰

«طرح مراقبان خانگی چیست»، ۱ تیر ۱۳۹۶. ۳۲۱

«طرح های دانش بنیان در بهزیستس خراسان رضوی»، ۷ بهمن ۱۳۹۵. ۳۲۲

«فراخوان جشنواره استانی فیلم کوتاه «معلولیت و روستا» منتشر شد»، ۱۳ آبان ۱۳۹۵. ۳۲۲

«فراکسیون معلولان در مجلس دهم تشکیل می شود»، رایان عمران، ۳۱ تیر ۱۳۹۵. ۳۲۳

«کنترل گوشی و رایانه توسط معلولان با پلک زدن و تنفس»، ۷ بهمن ۱۳۹۵. ۳۲۴

- «گشایش پارک ویژه افراد مبتلا به اوتیسم در کشور»، ۱۳ خرداد ۱۳۹۵. ۳۲۵
- «لایحه حقوق افراد معلول در یک قدمی صحن علنی»، سهیل معینی، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶. ۳۲۵
- «لس آنجلس میزبان مسابقات دوچرخه سواری معلولان»، ۳۰ دی ۱۳۹۵. ۳۲۶
- «مرجع مجازی راه یافتن اطلاعات برای نابینایان»، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵. ۳۲۶
- «معلولان بر بام برفی در بند سر»، ۶ خرداد ۱۳۹۵. ۳۲۷
- «معلولیت ذهنی بیشترین آمار معلولان اردبیل»، ۱۶ دی ۱۳۹۵. ۳۲۷
- «مناسب سازی خانه های معلولان در سال جدید»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵. ۳۲۸
- «مناسب سازی مسیر حرکتی معلولان در منطقه ۱۳»، ۲۸ مرداد ۱۳۹۵. ۳۲۸
- «مناسب سازی معابر برای تردد معلولان و جانبازان در ماکو»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶. ۳۲۹
- «نابینایان و افراد مبتلا به بیماری دیابت اجازه اقامت دائم در کویت»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷. ۳۲۹
- «نبود مدرسه استثنایی در شهرستان کارون»، ۷ بهمن ۱۳۹۵. ۳۳۰
- «نشست تخصصی بررسی حقوق معلولان در ایران»، ۳۱ تیر ۱۳۹۵. ۳۳۰
- «نصب بالابر در منازل معلولان و جانبازان منطقه ۵»، ۲۴ تیر ۱۳۹۵. ۳۳۱
- «نگاه ویژه به حقوق سالمندان و معلولان در نشیت اداری لنده»، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶. ۳۳۲
- «نمایشگاه آثار معلولان در سلماس برپا شد»، ۷ مرداد ۱۳۹۵. ۳۳۲
- «نمایندگان کمیسیون بهداشت برای تشکیل کمیسیون مشترک»، رایان عمران، ۷ مرداد ۱۳۹۵. ۳۳۲
- «نیمار بازیکن تیم فوتبال نابینایان شد»، ۲۴ تیر ۱۳۹۵. ۳۳۳
- «وام برای مددجویان به شرط معرفی از سوی بهزیستی»، ۱۵ تیر ۱۳۹۶. ۳۳۴
- «ورود دانش آموزان تلقیقی ممنوع نیست»، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵. ۳۳۵
- «همایش اشتغال های حمایت شده در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد»، ۲۶ بهمن ۱۳۹۶. ۳۳۵

«هیچ مانعی برای تحصیل دانش آموزان تلفیقی وجود ندارد»، ۱۳ خرداد ۱۳۹۵. ۳۳۵

فهرست

ص: ۱۴

اطلاع سانی دامنه وسیع دارد، شاخه ای از آن اطلاعات کتاب ها است که معمولاً به آن کتابشناسی یا مآخذشناسی می گویند، شعبه ای از اطلاع رسانی اطلاعات مقالات و گزارش های مندرج در یک نشریه است که اصطلاحاً به آن راهنما یا مقاله نامه یا مآخذشناسی می گویند. و چندین شاخه و شعبه دیگر دارد. این گونه مجموعه های اطلاع رسانی از اساسی ترین و زیربنایی ترین بخش های فرهنگ هر جامعه است. چرخه حیات هر فرهنگ به این عنصر بستگی دارد. همان طور که چرخه های اکوسیستم حیات طبیعی به عنصر آب متکی است و همه طبقات موجودات زنده مثل جانوران و گیاهان، انسان ها و غیره، در زنده ماندن به آب وابسته اند، در اکوسیستم فرهنگ هم کتابشناسی و مآخذشناسی ها، همه چرخه های فرهنگ را تغذیه می کنند و سرپا نگه می دارند.

تأثیر فهرست ابن ندیم و دیگر کتابشناسی ها در بخش فرهنگ اسلامی بر کسی پوشیده نیست؛ نیز جایگاه کتاب الذریعه نوشته آقابزرگ تهرانی در پژوهش های شیعی و در فرهنگ شیعه مبرهن و واضح است. با توجه به اهمیت و نقش زیربنایی مآخذشناسی و کتابشناسی در فرهنگ ویژه معلولیت، دفتر فرهنگ معلولین در سال های اخیر حداقل یکصد عنوان مآخذشناسی و کتابشناسی تدوین و بسیاری از آنها را به صورت مقاله یا کتاب منتشر کرده است. پس از مآخذشناسی، مجموعه سازی از اطلاعات پیشین ضرورت دارد. یعنی متون گذشته جمع آوری و طبقه بندی و در اختیار نخبگان و کاربران قرار می گیرد. در واقع مجموعه سازی، شیوه ای برای دسترس پذیری اطلاعات است. به ویژه این اطلاعات آماده و طبقه بندی شده روی اینترنت در اختیار عموم قرار گیرد.

پس از آن نوبت به بررسی، نقادی و تجزیه و تحلیل می رسد که جایگاه فرهنگ معلولین خالی است. در زمینه تجزیه و تحلیل و بررسی های تحلیلی، دو پروژه را جلو انداخته و درصدد اجرای آن هستیم: یکی روش شناسی است که در دست تألیف می باشد و دوم کتاب سنجی است.

اما کتاب حاضر شامل دو اقدام نخست یعنی مآخذشناسی مطالب مندرج در صفحه توانش و دوم مجموعه سازی آنها است.

از پژوهشگر توانا آقای اباذر نصر که با دقت و حوصله اطلاعات صفحه ویژه معلولین روزنامه ایران به نام توانش را استخراج و فهرست راهنمای حاضر را تدوین کرد، کمال تشکر را داریم.

محمد نوری

مدیرعامل دفتر فرهنگ معلولین

زمستان ۱۳۹۷

ص: ۱۵



روزنامه ایران (وابسته به خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران) از اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۵ اقدام به راه اندازی صفحه ای با عنوان توانش برای پوشش اخبار و مسائل مرتبط به معلولان کرد. نخستین شماره این صفحه که در روزهای پنج شنبه هر هفته منتشر می شد، در روز ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ بود. این صفحه تا ۲۸ تیر ماه سال جاری (۱۳۹۷) به صورت مداوم، هر هفته پنج شنبه ها منتشر می شد. پس از انتشار پنجشنبه ۲۸ تیر، پنج هفته این صفحه متوقف شد و منتشر نشد. مجدداً از تاریخ چهارم شهریور ماه ۱۳۹۷ (هر هفته روزهای یکشنبه) این صفحه منتشر شده است. در زمان تهیه این گزارش، آخرین شماره منتشر شده (۶ آبان ماه ۱۳۹۷)، در این مجموعه آورده شد. صفحه توانش از ابتدا تاکنون، دارای ۱۱۵ شماره است.

دفتر فرهنگ معلولین از مدتی پیش، اقدام به جمع آوری این صفحات و سپس طبقه بندی اطلاعات مندرج در آنها و سپس بررسی و تجزیه و تحلیل متون کرد. البته بخش مآخذشناسی و متون طبقه بندی زودتر آماده شد و در دفتر حاضر آمده است. اما بررسی تفصیلی درباره موضوعات و مباحث معلولیتی بعداً در اختیار پژوهشگران و علاقه مندان مباحث مرتبط به معلولین قرار داده خواهد شد. گفتنی است پیشتر نیز گزارشی جامع و در قالب کتابشناسی در ارتباط با صفحه «با معلولین» روزنامه اطلاعات نیز توسط دفتر فرهنگ معلولین تهیه شده است. همچنین درصدد هستیم اطلاعات همه نشریات دیگر که آثاری درباره معلولین و معلولیت دارند، جمع آوری و فهرست سازی و مجموعه سازی خواهد شد.

به منظور آسان سازی دسترسی به اطلاعات نشریات چند اقدام در کنار هم در حال اجرا است:

۱- اطلاعات مقالات و گزارش ها استخراج و تدوین و پس از تنظیم الفبایی عرضه می گردد. نشریات قدمی و جدید که درباره موضوعات ویژه معلولیت یا شخصیت های دارای معلولیت مقاله یا گزارش دارند، به این روش مآخذشناسی خواهند شد.

پیش بینی می شود، مآخذشناسی صفحه توانش، فهرست صفحه با معلولین و فهرست های دیگر نشریات که شامل اطلاعات مآخذشناسی از ابتدا تاکنون است، حدود ۱۰ جلد بشود.

۲- متن مقالات، گفت و گوها، اخبار و گزارش های هر نشریه جداگانه مجموعه سازی و زیر عنوان مجموعه مقالات و گزارش های صفحه با معلولان و غیره آماده انتشار خواهد شد. اینها هم حدود بیست جلد خواهد شد.



این دو سری از اطلاع رسانی در واقع گویای پیشینه فرهنگی و اجتماعی مباحث مرتبط به معلولیت در ایران است و تأثیر فوق العاده در فرآیندهای بعدی خواهد شد.

۳- اقدام سوم بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات و متونی است که در دو مجموعه سابق آمده است. به روش کتاب سنجی، شیوه تاریخی، بررسی موردی و دیگر روش ها تمامی اطلاعات و متون جمع اوری شده بررسی خواهد شد.

در پایان لازم است از مدیریت دفتر فرهنگ معلولین تشکر ویژه داشته باشم، به ویژه از حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی نماینده آیت الله العظمی سید علی سیستانی مدظله لازم است تشکر نمایم که زمینه انجام اینگونه امور پژوهشی را فراهم آوردند.

اباذر نصر اصفهانی

ص: ۱۸

فصل اول: گفت و گو

اشاره

ص: ۱۹



## «اوتیسم نه بیماری است نه معلولیت؛ گفت و گوی «ایران» با عماد ملازاده، دبیر انجمن علمی کاردرمانی» ۶ آبان ۱۳۹۷.

دردنیای خود غرق شده و جز چرخش اجسام چیزی را نمی بیند شاید هم نمی خواهد با دنیایی که آنها و رفتارهایشان را درک نمی کنند، ارتباط برقرار کند. مردمانی که با دیدنشان درگوش یکدیگر پیچ می کنند و تمام درک شان تکان دادن سر و افسوس برای والدین شان است. شاید با خودتان بگویید آنها بیمار یا معلول هستند، اما پزشکان معتقدند آنها فقط طیفی از اختلال دارند که هنوز منع و ریشه آن مشخص نیست. چند سالی است موضوع اوتیسم در جامعه گسترش یافته و به سوژه داغی برای رسانه ها تبدیل شده است تا با تیتروهای جنجالی، بمبی از حرف و حدیث را در کشور برسر زبان ها بیندازند. خبرهایی که در جامعه با شایعه همراه می شود و موجی از ترس را در دل خانواده هایی که کودکان خردسال دارند ایجاد می کند. برآستی اوتیسم چیست؟ چرا افراد به این نوع از اختلالات دچار می شوند؟ آیا راه درمانی دارد؟ هزاران اما و اگر که در ذهن مادر و پدرهایی که نوزادی تازه متولد شده دارند، ایجاد می شود. برای پاسخ به سؤال هایی که ممکن است ذهن هر شخصی را به فکر فرو برد به سراغ عماد ملازاده دبیرانجمن علمی کاردرمانی ایران رفتیم تا کمی با افراد اوتیستیک آشنا شویم.

ملازاده درباره اختلالات عصب روانشناختی که امروزه آن را با نام اوتیسم می شناسند، می گوید: «این اختلال در سه سال اول زندگی کودک با علائمی خاص، خودش را نشان می دهد. افراد دارای اختلالات اوتیسم در مهارت های ارتباطی و کلامی دچار مشکل هستند، یعنی گفتارشان معمولاً با تأخیر صورت می گیرد. این افراد دارای کلیشه های رفتاری هستند که آن را می توان در رفتار، عملکرد و بازی هایشان مشاهده کرد. آنها علایق و رفتارهای محدود دارند یعنی الگوهای تکرار شونده را دنبال می کنند. به عنوان مثال همیشه یک بازی را به صورت تکرار، انجام می دهند. به طور معمول عموم کودکان هر دفعه به یک چیز واکنش نشان می دهند و از وسایل بازی جدید استقبال می کنند اما در کودکان اوتیسم اینگونه نیست. آنها فقط روی یک چیز متمرکز می شوند، بازی هایی که انجام می دهند هم متناسب با سن شان نیست. از دیگر نشانه های کودک اوتیسم دوری از جمع، بازی های انفرادی و همچنین فرار از ارتباط چشمی با دیگران است. آنها به مادر دل نمی بندند گویی با آغوش مادر قهر هستند و هنگامی که صدایشان می کنند به صدای او واکنشی ندارند، با اینکه می شنوند اما در دنیای خودشان غرق شده و توجهی به صدای محیط و اطرافشان ندارند. برخی از خانواده ها فکر می کنند کودک شان ناشنواست، در صورتی که چنین نیست، آنها می شنوند ولی واکنشی ندارند. این تعداد از کودکان به اجسامی که می چرخند علاقه بسیاری دارند، به طوری که نیم ساعت به ماشین لباسشویی که می چرخد نگاه می کنند و خنده ها و گریه های بی دلیل دارند.» او معتقد است؛ اوتیسم نه بیماری است و نه معلولیت، بلکه یک طیف است که به آن اختلال طیف اوتیسم می گویند.

والدین این کودکان با مراجعه به پزشک می‌گویند «مشکلش هرچه باشد فقط اوتیسم نباشد.» تعریفی که از اوتیسم در این سال‌ها بین مردم رواج پیدا کرده، بد تعبیر شده است. طبق آمار جهانی از هر ۶۷ تولد، یک کودک با اختلالات طیفی اوتیسم متولد می‌شود. اما در ایران آمار دقیقی از تولد کودک اوتیسم نداریم. این اختلال در پسرها چهار برابر بیشتر نسبت به دختران دیده شده است؛ یعنی در ازای هر چهار پسر اوتیسم یک دختر با این اختلالات متولد می‌شود.»

علت این اختلالات در کودکان چیست؟ آیا مشکلات ژنتیکی سبب بروز این اختلال در فرد می‌شود؟

علت آن هنوز مشخص نیست و همه چیز در حد تحقیقات و گمانه زنی است، برای همین هم تب داغی از اوتیسم را در کشور شاهدیم چرا که اطلاعات دقیقی از علت ایجاد این نوع از اختلالات در دست نیست. آنچه اهمیت دارد تشخیص بموقع و درمان این کودکان است چرا که با تشخیص بهنگام می‌توانیم یک درمان با کیفیت را برای کودک برنامه‌ریزی کنیم. مهم‌ترین درمان این افراد خدمات توانبخشی است که شامل کاردرمانی و گفتاردرمانی است، اما انجام جلسات متعدد کاردرمانی و گفتاردرمانی هزینه بالایی را روی دست والدین می‌گذارد.

هزینه خدمات توانبخشی برای این خانواده‌ها در ماه بین یک میلیون و ۵۰۰ تا دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. حال باید دید چند درصد از جامعه توان پرداخت این مبلغ را آن‌هم به صورت ماهانه دارند.

آیا توانبخشی کودکان اوتیسم تحت پوشش هیچ بیمه‌ای نیست؟

گفتن این جمله ضروری است که هیچ بیمه‌ای خدمات توانبخشی را پوشش نمی‌دهد و اگر خانواده توان پرداخت هزینه‌های کودک را نداشته باشد در آخر مجبور می‌شود فرزندش را به مراکز نگهداری بسپارد. نبودن در جلسات و دوره‌های توانبخشی که شامل گفتاردرمانی و کاردرمانی است سبب می‌شود کودک آسیب بیشتری را متحمل شده و درعین حال دوران طلایی درمان هم از او دریغ خواهد شد.

شاید گفتن این داستان، بتواند مفهوم و اهمیت توانبخشی را بیشتر نشان دهد. نمونه‌های متفاوتی را در طول خدمت به عنوان پزشک تجربه کردم. دو کودک اوتیسم داشتیم که هر دو تشخیص بهنگام داشتند، بعد از چند سال یکی از کودکان به حدی از بهبودی رسید که دوران تحصیل را در مدارس عادی گذراند و دیگری را به مراکز نگهداری سپردند. شاید با خود بگویید فرق این دو کودک چه بوده است که یکی بهبود پیدا کرده و دیگری حالش بدتر شده است. کودک اول پدر و مادری پزشک داشت و در دو و نیم سالگی تشخیص دادند و با درمان بموقع و مداوم بهبودی سریعی را تجربه کرد اما کودک دیگر به دلیل نبود بضاعت مالی خانواده و گذراندن کلاس‌های کوتاه و البته نامنظم، خانواده مجبور شد فرزندش را به مراکز نگهداری بسپارد.

به طور معمول هر کودک در ماه چند جلسه باید توانبخشی شود و تا چند سال این روند ادامه دارد؟

با توجه به تجربیاتم طی این سال ها و ارتباط مستقیمی که با این بچه ها داشتم باید بگویم توانبخشی برای آنها باید ۲۴ ساعته باشد به طوری که هر روز در کلاس های گفتاردرمانی و کاردرمانی حضور داشته و بعد از آن هم این وظیفه والدین است که آموزش هایی را که درمانگر به آنها یاد می دهد با فرزندشان تمرین کنند. دریک کلام باید برای این کودکان وقت گذاشت اما با توجه به بضاعت خانواده ها توصیه ما این است که حداقل در هفته سه جلسه توانبخشی شوند. دوره بهبودی بسته به میزان و شدت اختلال دارد و اینکه تشخیص در چه سنی صورت گیرد.

کودکی داشتیم که با رسیدن به ۹ سالگی، درمانگر به این نتیجه رسید که دیگر نیازی به دوره توانبخشی ندارد و از این به بعد باید روی ابعاد تحصیلی و استعدادهایش کار شود؛ البته هستند افرادی که تا سن ۱۵ یا ۱۷ سالگی هم نیازمند دریافت خدمات توانبخشی هستند. به طور کلی پروسه درمان افراد اوتیسم بستگی به فرد و میزان اختلال و البته گذراندن دوره های توانبخشی دارد.

پس از بعد مالی آنچه روی این کودکان می تواند تأثیر گذار باشد بعد فرهنگی خانواده و جامعه است چرا که افراد جامعه به واژه اوتیسم حساس شدند و دوست ندارند قبول کنند که فرزندشان اوتیسم است و اکثراً تلاش می کنند تا این موضوع را از اعضای خانواده و بستگان مخفی نگه دارند. اما به این دسته از والدین باید بگویم اوتیسم پایان راه نیست.

مراحل درمان این افراد سه ضلع است؛ خانواده، درمانگر و جامعه. از جامعه نام بردم چرا که مردم هم در درقبال این افراد مسئولیت اجتماعی دارند و باید آنها را بپذیرند و رویشان برچسب نزنند. باید روی توانبخشی مبتنی بر جامعه بسیار کار کنیم. اگر نتوانیم این افراد را با جامعه پیوند عملاً کاری نکرده ایم. حضور این افراد در جامعه باید عادی سازی شود تا اگر فرد اوتیسم رفتار کلیشه ای از خود نشان داد با نگاه های سنگین مردم روبه رو نشود.

با شناخت یکباره موضوع اوتیسم، رسانه ها موجی با تیتراهای خوش آب و رنگ در جامعه گسترش دادند و اوتیسم را همچون سونامی خطرناک به مردم معرفی کردند. این واژه ها ذهن مردم را نسبت به اختلالات اوتیسم خراب کرد. حال باید این دید منفی را از ذهن شهروندان پاک کنیم تا افرادی که در شهرهای دورتر با این مشکل روبه رو می شوند ابتدا آموزش های صحیح را فرا بگیرند و از نام اوتیسم نترسند.

خانواده هایی که متوجه می شوند کودکان دچار مشکلاتی است یا بهتر بگوییم علائم اوتیسم را در فرزندشان مشاهده می کنند در ابتدا باید به کجا مراجعه کرده و چه مراحل را طی کنند؟

هنگامی که خانواده نشانه های اختلال اوتیسم را در کودک مشاهده کرد، بلافاصله باید به فوق تخصص روانپزشکی کودکان و نوجوانان مراجعه کنند. آنها خانواده را به تیم توانبخشی ارجاع می دهند. پزشکان این تیم با آزمون های خاصی که از کودک می گیرند، او را مورد غربالگری قرار می دهند، طیف اختلالات در کودک را تشخیص می دهند و او را وارد مرحله درمان می کنند.

## «سرانه یک دانش آموز استثنایی ۴ برابر سک دانش آموز عادی؛ گفت و گو با مجید قدمی، رئیس آموزش و پرورش استثنایی» محبوبه مصرقانی، ۱۹ مرداد ۱۳۹۶.

«پسرم هم ناشنواست هم مشکل جسمی حرکتی دارد؛ نه جایش در مدرسه ناشنوایان است نه مدرسه معلولان جسمی»؛ «در مدرسه نابینایان کتب درسی سال بعد به دست دانش آموزان می رسد»؛ «هر سال برای ثبت نام فرزندم در مدرسه عادی باید اشک بریزم و التماس کنم»؛ «بچه ام در تابستان مثل یک تکه گوشت گوشه خانه می افتد» و... اگر پای صحبت خانواده های دانش آموزان استثنایی بنشینیم، درد دل هایی را می شنویم که کمتر مورد توجه قرار گرفته می شود. به همین بهانه با مجید قدمی معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی که چند سالی است برای بار دوم بر صندلی ریاست سازمان آموزش و پرورش استثنایی تکیه زده به گفت و گو نشستیم. دکتر قدمی که سال ها در حوزه تعلیم و تربیت کودکان دارای معلولیت فعالیت می کند همواره در دوره های مدیریتش از مجریان اصلی سیستم آموزشی فراگیر بوده، سیستمی که معتقد است کودکان دارای معلولیت نباید جدا شوند و باید امکانات آموزشی به گونه ای برایشان تأمین شود که بتوانند در کنار سایر دانش آموزان عادی درس بخوانند.

تعداد کل دانش آموزان استثنایی در سطح کشور چقدر است و به چه گروه هایی تقسیم میشوند؟

نزدیک به ۷۳ هزار دانش آموز استثنایی در گروه های نابینا، ناشنوا جسمی حرکتی، اختلالات رفتاری و عاطفی چند معلولیتی و اختلالات یادگیری در ۱۵۰۰ مدرسه استثنایی کشور داریم و حدود ۵۵ هزار دانش آموز نابینا، ناشنوا جسمی حرکتی هم در سیستم تلفیقی در مدارس عادی در سطح کشور در حال تحصیل هستند. نزدیک به ۲۳ هزار نفر هم پرسنل شاغل به این دانش آموزان مدارس خاص خدمت رسانی میکنند.

بودجه سازمان آموزش و پرورش استثنایی چقدر است؟

به جرأت میتوان گفت بودجه سازمان در دولت تدبیر و امید جهش بسیار خوبی داشته است. این افزایش در طول چند سال گذشته بینظیر بوده است. در بحث بجز یکی از فصول که مربوط به حقوق و مزایا است مابقی بودجه ای که در بخش خدمات حمایتی فعالیتهای فرهنگی، ورزشی و... در بعضی کتابهای درسی به ما داده میشود از رقم ۲۴ هزار میلیارد تومان به ۹۵ میلیارد تومان رسیده است؛ یعنی حدود ۴ برابر شده است. این مهم به ما کمک بزرگی کرده تا طرحهای خیلی خوبی اجرا کنیم و اگر با همین روند ادامه یابد، در برنامه ششم و در دوره چهار ساله آینده آثار کمی کیفی خوبی شاهد خواهیم بود.

سرانه آموزش یک دانش آموز استثنایی نسبت به دانش آموزان عادی چقدر است؟

سرانه یک دانش آموز استثنایی تقریباً ۴ برابر یک دانش آموز عادی و بین ۸ تا ۱۰ میلیون تومان است. ما همین میزان را برای هر دانش آموز استثنایی در سال هزینه میکنیم در حالی که در مدارس عادی هزینه هر دانش آموز حدود ۵/۲ میلیون تومان است. البته برای گروه های چندمعلولیتی و اوتیسم هزینه بالاتری پرداخت میشود که بعضاً در مناطق محروم این رقم به ۱۱ تا ۱۲ میلیون هم





میرسد. ما از حمایت‌های خیرین صرفاً در طرح‌های عمرانی استفاده میکنیم و آن هم عمدتاً در مناطق محروم هزینه میشود. در سایر بخشها خود دولت هزینه‌ها را تأمین میکند.

طرح فراگیر یا تلفیقی در چه مرحله‌های قرار دارد و با چه هدفی در حال اجراست؟

یکی از برنامه‌های ما و در حقیقت برنامه اصلی مان رویکرد آموزش تلفیقی و فراگیر است. آموزش تلفیقی که یک رویکرد کاملاً جهانی است باعث میشود دانش آموزان با نیازهای ویژه آماده حضور در جامعه با اتکا به تواناییهای خود شوند. نظام آموزشی گروه‌های نابینا، ناشنوا و جسمی حرکتی همان نظام آموزشی گروه‌های عادی است و با تبدیل کتب درسی به بریل این کودکان میتوانند در سیستم عادی درس بخوانند و برای دانش آموزان جسمی حرکتی میتوان مناسب‌سازی‌هایی را در مدارس انجام داد. در حال حاضر نزدیک به ۵۵ هزار نفر در این سیستم در حال تحصیل هستند. بتازگی نیز در مناطق روستایی طرحی را آغاز کردیم که بچه‌های کم‌توان ذهنی که کلاس‌های درسی‌شان تراکم پایین تری دارد در کنار بچه‌های عادی آموزش میبینند. این طرح به صورت آزمایشی است و اگر تجربه خوبی باشد این تغییر در مدارس غیرروستایی نیز انجام خواهد گرفت. سیستم ما در آموزش فراگیر به این صورت است که در هر منطقه یا استان تعدادی از مدارس عادی تحت نظر یک مدرسه استثنایی «مدرسه پشتیبان» قرار میگیرند که این مدارس «مدارس پذیرا» نامگذاری میشوند همچنین معلمی را از مدرسه پشتیبان به مدرسه عادی میفرستیم تا به معلمان کمک کنند که به آنها معلمان «رابط» میگویند. برای بچه‌های دیرآموز نیز طرحی را پیش بینی کردیم تا آنهایی را که در مدارس عادی درس میخوانند تحت پوشش قرار دهیم.

اما شما از مشکلات ثبت نام در مدارس عادی اطلاع دارید؟

در مورد ثبت‌نام دانش آموزان در مدارس عادی هم باید بگویم که والدین این بچه‌ها باید از طریق سازمان آموزش و پرورش هر استان اقدام کنند. والدین میتوانند با مراجعه به سازمان استثنایی هر استان درخواست‌شان را مطرح کنند و اگر کودکان شرایط کافی برای حضور در مدارس عادی را داشت از طریق معرفی نامه به مدرسه‌ها معرفی میشوند. طبق قانون مدارس نمی‌توانند از این مسأله سر باز زنند. ما برای توسعه آموزش فراگیر باید کار فرهنگی بکنیم تا نگرش مدیران مدارس عادی، دانش آموزان این مدارس و اولیا آنها و هم خود دانش آموزان استثنایی مثبت شود.

چند سالی است که سازمان آموزش و پرورش با کمبود نیروی انسانی در بخش آموزش مواجه است آیا برای رفع مشکل تصمیماتی گرفته شده است؟

ما برای کمبود نیروی انسانی هم در آزمونی که برگزار میشود سهمیه داریم و هم از دانشگاه فرهنگیان خروجی داریم. در مجموع این دو شیوه حدود سیصد نفر در سال جذب سازمان میشوند. در آینده نزدیک حدود ششصد نفر از معلمان با تجربه ما بازنشسته میشوند. بنابراین نیاز هست که برای تأمین نیروی انسانی در استخدام آزاد مجوز بیشتری دریافت کنیم. سازمان طی چند سال آینده با سونامی بازنشستگی همراه خواهد بود بخصوص که همکاران از سنوات ارفاقی برخوردار هستند و میتوانند با ۲۵ سال خدمت بازنشسته شوند. ما به دنبال این هستیم مجوزهایی را بگیریم تا مشکل را برطرف کنیم.

وضعیت مدارس استثنایی از لحاظ امکانات توانبخشی چگونه است؟

ص: ۲۵

یکی از کارهایی که ما انجام دادیم تخصیص دو ردیف بودجه به خدمات توانبخشی است. اولاً به دلیل آنکه همه مدارس ما نیروی توانبخشی ندارند ما ناگزیر هستیم که برخی خانواده ها را به مراکز توانبخشی خارج از سازمان ارجاع دهیم. در این مورد ما فاکتورها و هزینه های توانبخشی را تقبل میکنیم. اما مدرسی که دارای نیروی توانبخشی هستند در طول سال به دانش آموزان خدماتی را ارائه میدهند. همچنین طرح دیگری را نیز اجرا کردیم به نام «خدمات حمایتی». خدمات حمایتی که رویکرد عدالت جویانه دارد و اغلب خانواده های محروم تحت پوشش این طرح قرار دارند. طی دو سال گذشته حدود پنج هزار نفر از این طرح استفاده کردند که مجموعه دارویی درمانی توانبخشی؛ تجهیزات توانبخشی و جراحی آنها با هزینه نزدیک به ۷ میلیارد تومان در طی دو سال گذشته تقبل شده است. این یعنی هر دانش آموزی که در مدارس استثنایی دچار بیماری بشود و نیاز به استفاده مستمر از دارویی خاص داشته باشد یا نیاز به تجهیزاتی مانند عصا، واکر، سمعک و... باشد با پرکردن فرمی و تحویل درخواستش به ما در صورت تأیید سازمان در قالب این طرح خدمات در اختیارش قرار میگیرد. کاشت حلزون برای دانش آموزان کم شنوا نیز در همین طرح قرار دارند و کودکان زیر شش سالی که شرایط کاشت را داشته باشند تحت پوشش قرار میگیرند.

چند سالی است که کتب درسی دانش آموزان نابینا دیرتر از موعد به دستشان میرسد اقداماتی جهت رفع این مشکل صورت گرفته است؟

با برنامه ریزیهای دقیق توانستیم مشکلاتی را که مربوط به دیر رسیدن کتب به بچه ها بود، حل کنیم. این مشکل در حدی بود که بعضاً کتب درسی اسفند یا سال تحصیلی بعد به دست دانش آموزان میرسید. تفاوت کتب درسی مدارس ما با سیستم عادی این است که کتب مربوط به نابینایان، ناشنوایان با اندکی تغییر مناسبسازی میشود و کتب کودکان معلول ذهنی توسط بهترین معلمان ما تألیف میشود. برای کتب درسی نابینایان دستگاه چاپ بریل داریم که به جرأت میگویم بیش از ۸۰ درصد کتب درسی سال آینده آماده و به استانها ارسال شدهاند، ۲۰ درصد مابقی نیز مربوط به پایه های جدید می شود که تا ماه آینده آماده می شوند. امسال بیش از ۶۰ عنوان کتاب برای دانش آموزان نابینا مناسبسازی میشوند. برای دانش آموزان کم توان ذهنی خود سازمان آموزش و پرورش استثنایی کتبی را تألیف میکند که به دوره ابتدایی، به دوره پیش حرف های و دوره حرف های تقسیم می شوند. تمامی کتاب ها در مرحله چاپ هست و تا پایان مرداد ماه به استانها ارسال خواهند شد و هیچ دغدغهای در این زمینه وجود ندارد و یکی از کارهای بزرگی که طی دو سه سال گذشته انجام شده این است که مشکل کتب درسی را از جهات مختلف حل کردیم.

بچه ها کتب کمک آموزشی هم دارند؟

برای نابینایان بخصوص در بحث کنکور کتب گویا تهیه کردیم و کلاً یکی از برنامه هایمان گویا کردن تمام کتب در کنار کتب بریل است. در سازمان استوئوبی نیز ساختیم. ما در سال گذشته حدود سیصد نفر قبولی در رتبه های برتر بدون داشتن سهمیه در دانشگاه داشتیم که این نشان میدهد سیستم آموزش و پرورش استثنایی یک سیستم کیفی است؛ سعی شده محتوای کتب را ساده و مناسب و قابل فهم منتشر کنیم. در این راستا هم معلمان بر محتوا نظارت دارند که این باعث

میشود محتوای کتب با ویژگیهای بچه های معلول منطبق شود که این واقعاً زحمت زیادی برای معلمان داشته است که این جای تقدیر دارد.

مدارس استثنایی تا چه میزان برای دسترسی دانش آموزان مناسبسازی شده است؟

در میان مدارس عادی مدارس برای طرح فراگیر انتخاب میشوند که از لحاظ موقعیت مکانی و هم دسترسپذیری نسبت به دیگر نقاط مناسب باشند همچنین طبق مصوبه وزارت آموزش و پرورش مقرر شده در بحث مناسبسازی با سازمان نوسازی همکاری داشته باشیم و در نقش مشاور ویژگیها و استانداردهای لازم را ارائه دهیم تا مدارس عادی پذیرای دانش آموزان معلول شوند. همچنین در زیر نظام آموزشی این محتوا گنجانده شده که هر جا مقرر است مدرسه‌های ساخته شود باید با توجه به نوع گروه و معلولیت بچه ها مناسبسازی شود.

فضای آموزشی هر کودک استثنایی چقدر است؟

هر دانش‌آموز استثنایی چهار برابر یک دانش‌آموز عادی در ابعاد مختلف فضای آموزشی نیاز دارد. هر کلاس آموزشی ما شش تا یازده نفر است که برای دانش آموزان چند معلولیتی و اوتیسم این عدد به سه و دو نفر هم میرسد. میانگین کشوری ما سه و نیم است بنابراین هر چه معلولان بیشتر میشوند تراکم کمتر میشود و ما باید این مسأله را رعایت کنیم تا معلم بتواند در کلاس توجه کافی به همه دانش آموزان داشته باشد؛ بخصوص در مورد کلاسهایی که مربوط به بچه های نابینا، ناشنوا و جسمی حرکتی است؛ چرا که با افزایش دانش آموزان معلم نمیتواند به میزان کافی به هر دانش آموز رسیدگی کند.

در مورد ایاب و ذهاب دانش آموزان استثنایی و هزینه های آن توضیح میدهید؟

در شهر تهران، شهرداری مناطق رفت و آمد دانش آموزان را برعهده گرفته است و به صورت رایگان سرویس کودکان تأمین میشود در این خصوص اگر خانواده ها مشکلی دارند میتوانند به اداره آموزش و پرورش استثنایی مراجعه کنند و حتماً پیگیری خواهد شد. در سطح کشور هم با اعتباری بالغ بر ۲۵ میلیارد تومان امسال به تمام نقاط خدمات سرویس رفت و آمد ارائه میدهیم تا بچه ها بتوانند سر کلاس حاضر شوند و در مناطق دورافتاده هم مدارس شبانه روزی پیشبینی کردیم. البته می پذیریم که بین ۱۰ تا ۲۰ درصد از هزینه ها را خانواده ها در مناطق روستایی پرداخت میکنند. سعی ما بر این است که سهم دولت در این هزینه ها بیشتر باشد. تا قبل از این دولت، سهم خانواده از هزینه ایاب و ذهاب ۸۰ درصد و سهم دولت ۲۰ درصد بود که با روی کار آمدن دولت، سهم خانواده به ۲۰ درصد و سهم دولت ۸۰ درصد رسیده است. هر چند برنامه های آینده بر این است که پولی از خانواده ها گرفته نشود.

چه دانش آموزانی در خوابگاه درس میخوانند و چه تسهیلاتی دریافت میکنند؟

ما در تمام استان ها و شهرستان ها مدرسه داریم اما در مناطق دورافتادهای که رفت و آمد برای دانش آموزان از روستا به استان دشوار باشد از آنها در خوابگاه پذیرایی میکنیم. این فاصله باید بیش از سی کیلومتر باشد. حدود ۲۴ مرکز شبانه روزی در سطح کشور وجود دارد که دانش آموزان در میان این مدارس توزیع میشوند. دانش آموزانی که در خوابگاه هستند

هفته‌های یکبار به خانواده هایشان سر میزنند. کلیه خدمات ما در مراکز شبانه روزی کاملاً رایگان است. دانش آموزانی بیشتر در مراکز شبانه

ص: ۲۷

روزی حضور پیدا میکنند که دوره ابتدایی را میگذرانند و تعدادشان محدود است و امکان ایجاد مدرسه متوسطه برای معلولیتشان در روستایشان نیست.

در بعضی مدارس تلفیق مقاطع تحصیلی وجود دارد؛ مخصوصاً در مدارس ناشنوایان، علت چیست؟

کلاسهای ما از شش تا یازده نفر است، در مدارس ممکن است به دلیل محدود بودن تعداد بچه ها در پایه ها، دو پایه را در یک کلاس برگزار کنند. مثلاً پایه‌های که دو دانش‌آموز دارد در کلاس پایه دیگر که دو تا سه دانش‌آموز دارد برگزار شود و این موضوع با تمهیدات خاصی صورت میگیرد و معلمانی که توانمندی اداره دو پایه را داشته باشند برای این موضوع در نظر گرفته میشوند.

جایگاه بچه های چند معلولیتی در سیستم آموزش استثنایی کجاست؟

در میان دانش آموزان استثنایی، استثنایترین گروه ها بچه های چند معلولیتی هستند. نابینا ناشنوا، نابینا - معلول ذهنی، ناشنوا - معلول ذهنی، اوتیسم - معلول ذهنی و... اول آموزش این کودکان انفرادی است؛ دوم وقتی که یک پایه معلولیت کم توان ذهنی باشد که عمدتاً هم همین موضوع شایع است؛ پایه تحصیلی بر مبنای همان کم توان ذهنی گذاشته میشود. دانش‌آموزی که نابیناست و معلولیت ذهنی نیز دارد در میان کودکان که معلولیت ذهنی دارند درس خواهد خواند. عمدتاً هم برای دانش آموزان چند معلولیتی تأکید بر این است که فرد بتواند خودش را اداره کند و آموزش ما بر این محور است که بتوانیم فرد را به کفایت فردی برسانیم و وابستگی به دیگران را به حداقل برسانیم. می توان گفت هدف بیشتر توانبخشی است و در کنار آن آموزش. البته شایان ذکر است کودکانی وارد سیستم آموزش میشوند که حداقل بهره هوشی برای فراگیری تحصیل را داشته باشند که این هم توسط کارشناسان و ابزارهایی که در دست داریم سنجیده میشود. نزدیک ۶ هزار دانش‌آموز چند معلولیتی داریم.

چه امکانات و لوازم ورزشی در مدارس استثنایی برای کودکان در نظر گرفته شده است؟

ما در حد توانمان و با همان اعتباراتی که نسبت به گذشته چهار برابر شده است بودجهای برای خدمات فرهنگی و ورزشی در نظر گرفتیم. نکته‌های که در این مورد بر آن تأکید دارم این است که تابستان امسال با هماهنگی با کمیته ملی پارالمپیک برنامه های ورزشی کشوری را برای دانش آموزان تدارک دیده‌ایم. نزدیک به چهار هزار دانش‌آموز از نقاط مختلف کشور در رشته های مختلف و متنوع بسته به نوع معلولیتشان با یکدیگر رقابت خواهند کرد. هزینه های ورزشی مدارس ما نسبت به مدارس عادی نسبتاً سنگین است. برای مثال گلبال که مختص نابینایان است نیاز به سالن ورزشی مناسب دارد که این نیاز به تأمین مالی زیادی دارد. اما سعی کردیم هر مجموعه ورزشی که در استانی ساخته میشود سالی را بسازیم تا دانش آموزان از مجموعه ورزشی بهره ببرند. به جرأت میتوانم بگویم طی دو سه سال گذشته بالغ بر ۱۰ میلیارد تومان صرف ورزش دانش آموزان مدارس استثنایی شده است.

برای اوقات فراغت بچه ها در تابستان چه برنامه هایی در نظر گرفته شده؟

در سراسر کشور، تابستان بعضی مدارس تبدیل به پایگاه های تابستانی میشود و برای برگزاری برنامه های فرهنگی و ورزشی اعتباراتی را به آنها اختصاص دادیم و پیشینی کردیم بین ۱۵ تا ۱۷ هزار دانشآموز از این خدمات استفاده کنند. در این پایگاه ها بهترینها انتخاب میشوند برای مسابقات

ص: ۲۸

فرهنگی و ورزشی کشوری که در سه استان تهران، آذربایجان شرقی و خراسان رضوی در همین تابستان به رقابت خواهند پرداخت.

حدود ۱۰ سال گذشته طرحی از سمت شما مطرح شد به نام طرح آتیه که این طرح ملغی شد. در مورد آن طرح توضیحاتی ارائه میدید؟

طرح آتیه طرحی بود که حدود ۱۰ سال پیش مطرح شد. من دوبار در این سازمان مسئولیت داشتم و این طرح برمیگردد به دوره اول مسئولیت بنده و پس از آنکه من از سازمان رفتم این طرح ملغی شد و ما در آن زمان به دنبال این بودیم که از طریق سرمایه‌گذاری در بانکهای دولتی به شکلی عمل کنیم که هر دانش‌آموزی پس از فارغ‌التحصیلی ماهانه حقوقی دریافت کند یا بودجهای در اختیار کارفرما قرار بدهیم که این دانش‌آموز را مشغول کند که متأسفانه این طرح در همان سالهای ۸۷ و ۸۸ منتفی و کل مبلغی هم که در بانک مورد نظر اندوخته شده بود در میان دانش‌آموزان توزیع شد و تقریباً نفری ۲۰۰ و ۳۰۰ هزار تومان برای هر دانش‌آموز واریز شد. و در حال حاضر هیچ سود یا پولی برای شخصی واریز نمیشود.

در آموزش بچه‌های استثنایی چه مقدار از تکنولوژی روز دنیا استفاده می‌شود؟

ما تقریباً در بخشهای مختلف سعی کردیم برنامه‌ریزیهای آموزشی و تحصیلیمان منطبق با تجربه کشورهای دیگر باشد. نمود این مسأله هم در بخش آموزش نابینایان و ناشنوایان دیده میشود و هم در بخش آموزش کم توانایان ذهنی. استفاده از ابزار و تجهیزاتی که بتواند بچه‌ها را به روزرسانی کند. ما مدارسمان را به سمت هوشمندسازی سوق دادیم و محتوایی را تولید کردیم که معلمان بتوانند از آنها بهره ببرند. سامانه‌هایی را هم تعریف کردیم که نوعی استفاده از تکنولوژی روز دنیا است و می‌تواند باعث خدمات بسیار عالی شود. از نمونه‌های از این سامانه‌ها میتوانم به سامانه جامع بهداشت اشاره کنم که رونمایی آن چند هفته گذشته انجام شد. این سامانه به نحوی است که تمام ویژگیهای یک دانش‌آموز معلول را از نوع معلولیتشان گرفته تا شرایط خانوادگی هوشی و درسی ثبت میکنیم و این باعث شده تا بتوانیم براساس داده‌های واقعی برنامه‌ریزی آموزشی، پرورشی و توانبخشیمان را انجام دهیم و اطلاعات را به صورت آنلاین در اختیار مدارس قرار دهیم.

شما دو دوره در سمت ریاست سازمان آموزش و پرورش حضور داشتید. حضورتان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من معلم کودکان استثنایی هستم در طول هشت سالی که در سازمان بودم مجموعه‌های متخصص را به کار گرفته بودیم و در حال حاضر پس از بازگشت هم نیز همین رویکرد را داریم. تمام افرادی که در رده مدیریتی در سازمان آموزش و پرورش استثنایی هستند باید معلم کودکان استثنایی با مدرک فوق لیسانس باشند. در دوره‌های که وقفه ایجاد شد احساس کردیم که در خیلی زمینه‌ها کار دچار مشکل شده بود برای مثال همین بحث دیر رسیدن کتب درسی به دانش‌آموزان، یا در بحث سرویس ایاب و ذهاب و... در این مدت هیچ خدمت حمایتی و توانبخشی وجود نداشت و در خیلی جهات دیگر؛ حتی ساختمان سازمان هم در حال فروش بود ما در ارزیابی‌هایی که کردیم

در ابعاد مختلف تقریباً حدود ۷۰۰ مشکل در سازمان شناسایی کردیم. به جرأت می‌گویم با بهره‌گیری از نیروی انسانی



متخصص توانستیم اغلب این مشکلات را حل کنیم. مشکلات کتب درسی حل شد، مشکل سرویس

ص: ۲۹

تا ۸۰ درصد حل شده، خدمات توانبخشی و حمایتی بخوبی انجام شده فعالیتهای فرهنگی بیش از ۲۵۰ درصد افزایش پیدا کرده، توسعه آموزشهای تخصصی ضمن خدمت داشتیم و بودجهمان نزدیک به چهار برابر شده و همه اینها نشان دهنده این است که در طول چهار سال گذشته ما گامهای بلندی را برداشتیم تا مشکلاتی که در دوره زمانی برای سازمان ایجاد شد، برطرف کنیم. متأسفانه در دوره قبل به این دقت نشده بود که آموزش و پرورش استثنایی یک سازمان تخصصی است.

سازمان در آینده چه برنامه هایی برای دانش آموزان دارد؟

ما برنامه های متنوعی را برای سال تحصیلی ۹۶ تدارک دیدیم. ما پیش بینی می کنیم در حوزه کتب درسی پنج عنوان جدید، ۱۰ کتاب صوتی تولید و ۶۰ عنوان کتاب جدید مناسب سازی کنیم. در حوزه فراگیر و تلفیق دو بسته آموزشی آماده کرده ایم. ما در سال جاری دو دوره تأمین مدرس برای طرح فراگیر پیش بینی کرده ایم که در سطح کشور انجام خواهد شد و سعی می کنیم مداخلاتی را برای دانش آموزانی که نیازمند توانبخشی در مدارس عادی دارند داشته باشیم. ما سامانه ارزشیابی توصیفی را در آینده نزدیک خواهیم داشت؛ چیزی که تا به حال در آموزش و پرورش عادی هم نبوده است. از طریق این سامانه معلمان بدون استفاده از ابزار گذشته می توانند کار ارزیابی دانش آموزان را انجام دهند. پیش بینی می کنیم نزدیک به بیست هزار نفر را تحت پوشش خدمات توانبخشی قرار دهیم همچنین در طرح سنجش سلامت یک میلیون پانصد هزار دانش آموز شرکت خواهند کرد. در مناطق عشایری نیز طرح سنجش به صورت رایگان انجام خواهد شد. یکی دیگر از برنامه های اصلی مان این است که مدارس را از نظر تجهیزات در مدارس متوسطه حرفه ای و هنرستان بی نیاز کنیم.

**«سمن»های معلولان، بازوی نظارتی بهزیستی باشند: گفت و گو با محمد کمالی، عضو شورای راهبردی سازمان بهزیستی کشور» راضیه کباری، ۱۶ دی ۱۳۹۵.**

شاید هیچ کس بر نیازهای افراد معلول، بیش از خود آنان واقف نباشد و این امر است که حضور بیش از پیش این گروه را در عرصه های مختلف برنامه ریزی و سیاستگذاری برای آنان می طلبد. برای بررسی نقش افراد دارای معلولیت در برنامه ریزی و نظارت بر اجرای امور خویش، گفت و گویی با دکتر محمد کمالی، عضو شورای راهبردی سازمان بهزیستی کشور انجام دادیم.

دکتر محمد کمالی که سال هاست در زمینه بررسی و نقش معلولان و مطالبات آنها در جامعه فعالیت دارد به دو نگاهی که در دنیا به مسائل مربوط به افراد دارای معلولیت وجود دارد اشاره می کند و می گوید: «در دنیا، در حوزه رسیدگی به امور افراد دارای معلولیت، دو نگاه وجود دارد؛ یک نگاه این است که تأمین نیازها و انجام کارهای مربوط به معلولان را در حیطه وظایف دولت بدانیم و بگوییم باید سازمانی تشکیل شود و همه خدمات مورد نیاز افراد دارای معلولیت را برعهده بگیرد. از جمله خدمات پزشکی، آموزشی، اشتغال، حرفه آموزی، نگهداری و مسائل حقوقی. این تجربه در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما آزموده شده و منافع و مضراتی را در بر داشته است اما نگاه دوم این است که این

کارها را با مشارکت بخش غیردولتی انجام دهیم. این مشارکت هم در ارائه خدمات است و هم در حمایت از حضور این افراد در جامعه.» معاون توانبخشی ده ه ۷۰ سازمان بهزیستی می افزاید: «من مدل مشترکی از این دو نگاه را می پسندم. ما در سیاستگذاری ها و برنامه ریزی های کلان می توانیم به سیستم دولتی تکیه کنیم. سیستم دولتی می تواند در سطح کلان رفاه و تأمین اجتماعی، بهداشت و درمان و وزارتخانه های دیگر، نقش سیاستگذار و ناظر را بر عهده بگیرد اما مواردی که مربوط به ارائه خدمات است می تواند بر عهده بخش غیردولتی گذاشته شود. در سال ۷۱ که من وارد سازمان بهزیستی شدم تمام مراکز ما دولتی بودند و همه خدمات در مراکز دولتی ارائه می شد و تنها سه مرکز توانبخشی خصوصی وجود داشت و ۳-۴ مرکز هیأت امنایی. حجم خدمات مورد نیاز هم بسیار بالا بود. برای نگهداری در مراکز بهزیستی هم چندین هزار نفر، «پشت نوبتی» داشتیم. در خیلی از شهرها هم مراکز فیزیوتراپی و مراکز ارائه خدمات روزانه توانبخشی برای نابینایان، ناشنویان و معلولان جسمی نداشتیم. تدبیری که در آن زمان اندیشیده شد این بود که ۱۰ مرکز جامع توانبخشی را در استان های مختلف راه بیندازیم. ۱۰ مرکز نگهداری نیز طراحی شد. منتها این ۱۰ مرکز تنها ظرفیت پذیرش ۱۵۰۰ معلول را داشت که حدود ۵ درصد نیاز ما را تأمین می کرد. بعلاوه تجربه نشان داده بود بخش دولتی در حوزه ساخت عملکرد خوبی ندارد. به همین علت بخش غیردولتی را وارد سیستم کردیم. از نیروهای متخصصی که در جامعه بودند برای ارائه خدمات دعوت کردیم و خوشبختانه امروز شاهد حضور بیش از هزار مرکز غیردولتی هستیم تا آنجا که دیگر چیزی به عنوان «پشت نوبتی» وجود ندارد.» عضو شورای راهبردی سازمان بهزیستی در مورد انتظارات از «سمن»ها بیان می کند: «ما از «سمن»ها بیشتر انتظار داشتیم در موارد صنفی، حقوقی و فرهنگی و اصلاح نگرش نسبت به معلولان فعال باشند در آن زمان تنها سه «سمن» داشتیم. الان بیش از ۳۰۰ «سمن» در این زمینه فعالیت می کند و صدای رسایی از افراد دارای معلولیت را به گوش جامعه می رساند. در حال حاضر در سازمان بهزیستی، این نگاه حاکم است. تقویت «سمن»ها و سپردن امور به آنها در سطح شورای راهبردی سازمان نیز مورد قبول همه اعضا است.» عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران در پاسخ به اینکه در سپردن امور به تشکل های مردمی چه مشکلاتی وجود دارد، می افزاید: «گاه در خود «سمن»ها مشکلاتی وجود دارد گاه هم در بین مدیران سازمان نگاه های غیرکارشناسانه و مخالفی دیده می شود. اما در سطح کلان نگاه به عملکرد «سمن»ها مثبت است و کارهایی که در «سمن»ها انجام می شود ظرفیت کار برای افراد دارای معلولیت را در جامعه بسیار بالا برده است. به هر حال باید بپذیریم در سازمانی که برچسب سنتی بودن در فعالیت ها را به همراه دارد، حداقل در سال های دور، حضور «سمن»ها و مؤسسات غیردولتی در ارائه نظارت بر خدمات و حمایت از افراد دارای معلولیت، نوآوری هایی را به همراه داشته است. همچنین در برنامه های تفریحی، ورزشی، فرهنگی و اجتماعی حضور «سمن»هایی را داریم که کارهای خیلی بزرگی انجام می دهند. در سال های اخیر فعالیت ها نسبت به سال های گذشته خیلی متفاوت شده. الان بخشی از مرکز توانبخشی جلایی پور به انجمن ضایعات نخاعی استان تهران سپرده شده و این انجمن در حال حاضر در آنجا، خدمات خود را ارائه می کند. توصیه شده این سیاست در بخش های دیگر هم ادامه یابد و «سمن»ها خود مسئولیت ارائه خدمات را بپذیرند. البته تأمین مالی از طریق سیستم دولتی صورت می گیرد. در مجموع من به این

قضیه خوشبینانه نگاه می‌کنم و معتقدم توسعه «سمن»‌های افراد دارای معلولیت به گونه‌ای است که امروز در بحث حقوق معلولان، آن تک صدایی که در سال ۷۱ شاهد بودیم، نمی‌بینیم. امروز صداهای مختلف از شهرهای مختلف شنیده می‌شود. یکی از ملاک‌های پیشرفت در ارائه خدمات به جامعه افراد دارای معلولیت این است که این کار با مشارکت خود این افراد انجام شود. کنوانسیون جهانی حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت هم نخستین کنوانسیون سازمان ملل بوده که افراد ذی نفع در نوشتن آن نقش داشته‌اند. ما هم باید درس بگیریم و در ارائه خدمات و پیشبرد برنامه...هایمان از خود معلولان و «سمن»‌های آنها کمک بگیریم. در بازنگری قانون حمایت از حقوق معلولان نیز در کشور ما نقش «سمن»‌ها بسیار بارز بوده است. این نشان می‌دهد حضور افراد دارای معلولیت در برنامه‌ها نه تنها ضرری ندارد بلکه منفعت‌های گسترده‌ای دارد. من تصور می‌کنم اگر «سمن»‌ها تقویت شوند هم در نظارت و هم ارائه خدمات و برنامه‌ریزی، می‌توانند به سیستم دولتی کمک کنند تا وضعیت افراد دارای معلولیت بهتر شود.»

از دکتر کمالی می‌پرسم در این سال‌ها نقش کارشناسی افراد دارای معلولیت کم‌رنگ بوده است و همواره معلولان کنار گذاشته می‌شدند و کارشناسان مسئول در سازمان‌ها، مسائل را به صورت علمی پیش می‌برده‌اند. در حالی که در بحث تشکل‌ها حضور کارشناسان معلول است که کمک می‌کند برنامه‌ریزی‌ها به سمت نیازهای واقعی سوق پیدا کند.

وی با تأیید این صحبت‌ها پاسخ می‌دهد: «کاملاً درست است نمونه بارز آن هم تصویب قانون جامع افراد دارای معلولیت است که «سمن»‌ها در طول چند سال گذشته در بررسی آن حضور داشتند. من هم معتقدم اگر افراد کارشناسی که خود معلول هستند حضور داشته باشند نیازهای واقعی را بیان می‌کنند. ما هم نیازهای کارشناسی شده را بیان می‌کنیم تلفیق این دو، نیازهای برآورده‌شده را تشکیل می‌دهند. یعنی اگر بین آنچه کارشناسان می‌گویند و آنچه خود معلولان می‌گویند تلفیقی ایجاد کنیم به هدف زده ایم و می‌توانیم نیازهای این افراد را مشخص کنیم و از دولت و مجلس بخواهیم به این نیازها توجه کنند. با تمام این تدابیر، گاه مشکلاتی هم پیش می‌آید. از جمله در جریان بازنگری قانون حقوق افراد دارای معلولیت، در صحن دولت، لایحه ۶۰ ماده‌ای به دو بخش ۳۰ ماده‌ای تقسیم شد تا بخشی در دولت مصوب شود و بخشی به مجلس فرستاده شود به نظر من اینجا یک کار غیرکارشناسی صورت گرفت و این تفکیک، مشکلاتی را ایجاد کرد که امیدوارم در بررسی لایحه‌ای که در کمیسیون ویژه مجلس بررسی می‌شود با حضور افراد دارای معلولیت و کارشناسان صاحب‌نظر در این حوزه، بتوانیم مشکلات احتمالی را برطرف کنیم.»

گزارش رسانه‌ای تخلفات

عضو شورای راهبردی بهزیستی معتقد است، در سپردن امور به بخش غیردولتی، اصلی‌ترین نکته‌ای که وجود دارد تقویت سیستم نظارتی است. یعنی یکی از مواردی که ما سهل و ساده گرفتیم، شاید در سازمان بهزیستی دلایلی برای این کار وجود داشته باشد از جمله کمبود نیرو یا گسترش مراکز. اما این دلایل نباید مانع نظارت مستمر سازمان بر این تشکل‌ها شود. مواردی که رسانه‌ای می‌شوند به دلیل کمبود یا نبود نظارت است. در همه بخش‌ها بویژه در بهزیستی بحث نظارت در سپردن امور به بخش غیردولتی مهم است. کما اینکه در بحث مناسب‌سازی محیط

که در شورای



راهبردی شهرداری تهران مطرح شده است، با معاونت شهرسازی به توافق رسیده ایم که سمن...های معلولان، بازوی نظارتی شهرداری باشند. اعضای یکی از این «سمن»ها، از هنگام کار کردن پیمانکاران، قبل و بعد از آن و نقاط ضعف و قوت کارهایی که برای مناسب سازی معابر و پیاده روها در دست انجام بود، ده ها عکس و فیلم تهیه کردند. مثلاً راه های ویژه تردد نابینایان که در پیاده روها وجود دارد گاه به تیر چراغ برق یا جوی آب می رسد.

نامناسب بودن امکانات و معابر شهری

بله، این نظارت ها را می طلبد با اینکه شورای عالی معماری و شهرسازی، استانداردها را تدوین کرده، برخی از پیمانکاران ضوابط را مطالعه نمی کنند و در نهایت هم می گویند ما اطلاع نداشتیم. به هر حال نظارت شرط اول و اساسی در سپردن امور به بخش غیردولتی است. اما اگر این نظارت به صورت کامل اجرا نشود ضررش بیشتر خواهد بود چون در هر حال، برای بخش غیردولتی، منفعت و سود مطرح است و نبودن نظارت، شاید سبب شود برخی از خدمات به صورت مناسب ارائه نشود. توصیه اکید این است که نظارت ها تقویت شود حتی می توانیم از بخش مشارکتی استفاده کنیم. خاطره ای دارم از کانون جهان دیدگان در شیراز که در حوزه سالمندان فعالیت می کند. یکی از کارهای خوبی که مدتی پیش، شهردار وقت شیراز انجام داد این بود که کارتی به سالمندان عضو کانون در شیراز داد که آنها را به عنوان بازرس ویژه شهردار معرفی می کرد و از آنها می خواست اگر مشکلی در شهر دیدند اطلاع دهند. به نظرم اگر از نظارت ها بخوبی استفاده کنیم به نتایج خوبی خواهیم رسید. یعنی از این پس باید بحث نظارتی در سازمان بهزیستی، بیشتر و جدی تر انجام شود. این فعال حقوق معلولان در پایان به شهروندان توصیه می کند: «افرادی در جامعه ما هستند که شهروندان ما هستند و باید از حقوق برابر با سایر شهروندان برخوردار باشند و باید همه جامعه دست به دست هم بدهیم و تلاش کنیم این دسترس پذیری جامعه را هر چه بیشتر فراهم کنیم مطمئناً اگر به نقطه ای برسیم که شهر برای حضور این افراد آماده باشد ما از جمع وسیعی از شهروندان که الان محروم هستند بهره خواهیم برد.»

**«اگر درخت بودم، از دست مردم فرار می کردم: پای صحبت احمد رضا عامریان، جوان معلول هنرمند»، مجید سرایی، ۲۴ تیر ۱۳۹۵.**

برایش مهم نیست که روی صندلی چرخ دار نشسته و مثل خیلی از همسالانش نمی تواند جست و خیز کند و به قول معروف، از سال های جوانی آن بهره را ببرد که دیگران می برند. بر این باور است که ماهیتش تغییر نکرده - حتی با وجود ویلچر نشینی - معتقد است که همان احمد رضاست و حتی قوی تر از آنی است که دیگران انتظار دارند؛ چون هنرمند است و سر و کارش با هنری که یکی از سرچشمه های آن هنر، موجودی که از دیر باز در میان مردم ایران دارای جایگاه رفیع و مقدس است؛ تا آن جا که تمام شعرا از گذشته تا امروز، با زبان های گوناگون در قالب شعر - نو و کهن - قامت معشوق را به قامت آن موجود مانند کرده اند.

سر و کار احمد رضا عامریان با هنری است که وابستگی عجیبی به درخت دارد؛ او هشت سال است که کار معرق می کند و با چوب مأنوس و مألوف است. هر چند که ابزار کارش کمان اره و اره مویی، چسب و... است، اما رفیق سابق و یار موافق او، دلی آکنده از عشقی است که مسیر زندگی اش را به سمت طبیعت و هم آغوشی با مظهر راست قامتی و مقاومت کشانده است.

از بدو تولد مقرر شده بود ویلچر نشین شود، فقط زمان آن چند سال بعد از تولد تعیین شد، بر اثر یک حادثه؛ یک روز ناغافل در آهنی که یکی از همسایه ها برای جوش دادن از چهار چوب در آورده بود، به علت لق بودن یکی از پایه ها و بر اثر بازی بچه ها، واژگون شده و روی احمد رضای نوجوان می افتد و برای همیشه او را همدم صندلی چرخ دار می کند، اما حاشا از ذره ای ناامیدی!

دانشجوی رشته حقوق است، در این رشته تحصیل می کند تا از حق درختان دفاع کند. پشت کار عجیبش او را در زمره ۳۰ جوان برتر استان قرار داده و نامش به سان مدال افتخار، بر سینه دیارش سنجاق شده....

باری، فرصتی دست داد تا در حاشیه سفری کوتاه به سرزمین گل و پنبه، جنگل و دریا، بوسلیک و فخرالدین اسعد، گرگان مصفا که حقیقتاً اسم دلالت می کند بر مسما، با این جوان معرق کار مصاحب شوم تا او بیان کند از عشق و دلدادگی به چوب و طبیعت و من بشنوم و به التذاذ برسم از شیرینی بیان او که با لهجه ای شیرین، قصه عاشقی را به تصویر می کشد و همچنان این تصویر را بر لوح اذهان حک می کند در طول گفت و گوی دو نفره معلوم شد که زیاد مصاحبه کرده، چون به طور پیوسته، بدون لحظه ای مکث و درنگ صحبت می کند: «هشت سال است که احمد رضا هستم؛ تا قبل از این هشت سال، در خانه ای زندگی می کردیم که شرایط مناسبی نداشت و نمی توانستم از خانه بیرون بیایم.»

آشنایی اش با انجمن معلولان توانمند همت را نقطه عطفی در زندگی کاری و اجتماعی اش می داند و از رامبد رضاپور، رئیس هیأت مدیره انجمن به عنوان حامی یاد می کند: «من معلول ضایعه نخاعی ام، وقتی وارد انجمن شدم با خودم گفتم معلول ضایعه نخاعی چه صنمی با معلول جسمی-حرکتی دارد؟!»

این جا بود که رامبد رضا پور به من گفت: خودت باش! بدان که معلولی، اما به دیگران اثبات کن که معلولیت نقص نیست! شما کارهایی را می توانی انجام دهی که خیلی ها قادر به انجام آن کارها نیستند؛ به من گفت پا هایت مشکل دارند، دست هایت که سالمند! زبانت که مشکل ندارد! خلاصه با این حرف ها ما را راه انداخت.»

با ابراز علاقه به کار چوب، کارش را با گذراندن دوره آموزشی معرق در انجمن آغاز می کند: «به ما گفتند به چه کاری علاقه داری، گفتم از بچگی عاشق کار با چوب بودم. این بود که دوره آموزش معرق کاری را برای سه نفر از ما برگزار کردند، بعد از اتمام آن دوره، قرار شد ما به ۱۰ نفر دیگر آموزش بدهیم.»

در حین گپ و گفت مان با احمد رضا، یکی دیگر از آن سه نفر آموزش دیده کار معرق با ویلچرش از کنار ما گذشت. وقتی احمد رضا او را معرفی کرد و گفت که به «آبجی سمانه» بین بچه ها معروف است، خواستم در جمع دو نفره ما حاضر شود و

با او گفت و گو را ادامه دهم، اما کمی خجالتی بود و

ص: ۳۴



تمایلی به حضور در گپ ما نداشت: «خلاصه یک کارگاه راه انداختند و برای آن کارگاه فضای بزرگ تری گرفتند و کار را شروع کردیم.»

وقتی از مشکلات کار صحبت می کند، سرافراز از اینکه مشکلات را پشت سر گذاشته، ریتم حرف هایش را کمی تند می کند:

«کار را که شروع کردیم، کم مشکل نداشتیم؛ بارها دستم را می بریدم، اما هر چیز که می خواستم یا بهتر بگویم، هر چیز که می خواستم، رامبد برای مان مهیا می کرد؛ رامبد مثل بابا بود. بابا! بله! ما فلان چوب را می خواهیم... تهیه می کنیم، فلان تیغ را می خواهیم.... تهیه می کنیم. آقای رضا پور شعاری دارد؛ می گوید: انجمن سکوی پرش شماس، شما باید به جایی برسید که مد نظر خودتان است.»

وقتی از افتخاراتش می گوید، از ضعف های کار غافل نمی شود: «کار را که در انجمن توسعه دادیم، کم کم از معرق به سمت کار مشبک رفتیم، چون معرق هنر گرانی است و مشتری خاص خودش را دارد. بعد از چند سال به دلایلی کارگاه تعطیل شد و ما تصمیم گرفتیم بیشتر وارد اجتماع شویم. با این تصمیم، به سمت بازار قیصریه گرگان که مربوط به صنایع دستی بود رفتیم، در آن بازار بود که با استادان مختلف هنرهای دستی آشنا شدم و تازه فهمیدم که ضعف ما کجاست؛ ما ضعف تبلیغاتی داشتیم. املاهای نانوشته غلط ندارد، ما تا قبل از این بیرون نیامده بودیم، خیلی چیزها را ندیده بودیم.»

تلاشش را به سمتی معطوف می کند که بالاخره بازرس ارشد انجمن هنرمندان و صنعتگران استان گلستان می شود: «بعد از اینکه اشتباهاتمان را فهمیدیم و راه های تبلیغات را یاد گرفتیم، همین طور جلو آمدیم تا اینکه بازار صنایع دستی گلستان در بافت قدیم آن راه افتاد. من هم کارم را توسعه دادم تا بعد از مدتی که عضو انجمن هنرمندان و صنعتگران استان گلستان شدم، به عنوان بازرس ارشد، فعالیتیم در آن انجمن را ادامه دادم.»

بازار قیصریه گرگان و نمایشگاه اقوام که به مرکزیت گرگان درآمد، برای احمد رضای جوان فرصت مناسبی شد تا به قول خودش از آن فرصت، به عنوان سکوی پرتاب بهره بگیرد و هنرش مقبول مسئولان وقت بهزیستی افتد: «خستگی مفهومی نداشت؛ چون کارم را دوست دارم و برای توسعه آن خستگی را نمی فهمم. همین فکر بود که باعث شد تا جلو بروم و کارم مورد توجه مسئولان سازمان بهزیستی مخصوصاً آقای فرهاد ثانی، رئیس وقت بهزیستی استان گلستان قرار بگیرد.»

با راه اندازی نمایشگاه اقوام که به مرکزیت استان گلستان برگزار می شود، من هم غرفه گرفتم و کارهایم مورد توجه واقع شد. توانستم در هفت دوره از ۹ دوره این نمایشگاه شرکت کنم. نمایشگاه اقوام برای من سکوی پرش شد. بعد از آن بود که به عنوان مشاور جوان رئیس بهزیستی گلستان، فعالیت هایم را ادامه دادم.»

چوب شناسی را میراثی می داند که از دایی اش به او رسیده: «من از بچگی عاشق چوب شدم، چون دایی ام نجار بود و من کنارش می ایستادم و با چوب و کار نجاری آشنا می شدم. خدا رحمتش کند. در دوران راهنمایی هم معلمی به نام آقای نیکنیا داشتیم که علاقه من به چوب را



تقویت کرد. همه چیز، مثلاً با تخته سه لایی جا کلیدی می ساختم. خلاصه با چوب مانوس شدم و چوب را خوب شناختم.»

طرح هایی که انتخاب می کند را از طبیعت الهام می گیرد و بر این باور است که طبیعت الهام بخش همه چیز است: «همیشه گل و بوته و گردش در طبیعت به من کمک می کند تا طرح دلخواهم را پیدا کنم. هر چه می بینم، به سرعت از آن عکس می گیرم و بر اساس آن عکس کار می کنم.

به واسطه ارتباطی که با چوب دارم، با الهام از طبیعت می دانم که برای فلان طرح باید به سراغ کدام چوب بروم. خود من عاشق چوب عناب هستم، چوب عناب سفت است، اما بوی خوبی دارد در مقابل نارنج که ترد است و حتی بوی آن را می توانی از تردیش احساس کنی.» طرفداران معرق را افراد عاشق و دلداده این هنر می داند و می گوید، به علت گرانی تابلو های معرق، مشتری این تابلو ها کم هستند: «از وقتی که پلی استر گران شد، تابلو های معرق هم گران شد، مثلاً یک تابلوی معمولی معرق بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان تمام می شود. بنابر این، هر کسی علاقه مند معرق نیست و عموماً کسانی که عاشق این نوع کار ها هستند، سفارش تابلوی معرق می دهند.»

برای اینکه هنرش را همچنان حفظ کند و تولیداتش مشتری قابل قبولی داشته باشد، به سراغ مشبک می رود: «آنچه الان بیشتر وقتم را پر کرده، کار های مشبک است که طرح های کاربردی مثل قاب آینه، جاشمعی، قاب دستمال کاغذی، سطل زباله و امثال اینها را درست می کنم.» ماهیت خودش را با ماهیت چوب پیوند می زند و حسی که از چوب دریافت می کند را، به حس زندگی تعبیر می کند: «وقتی به چوب دست می زنی، کاملاً می بینی که هر چوب حس خاص خودش را دارد؛ چوب نرم حس خودش، چوب سفت همین طور. اما به نظر من حس اصلی چوب، حس زندگی است. من ماهیت خودم را همیشه پیوند خورده با چوب می دانم چرا؟ ساده است.

چوب دانه ای است که رشد کرده و به نهال تبدیل می شود و همچنان رشد می کند تا به تنه بزرگ و تناوری تبدیل می شود و بعد از مدتی از تنه آن الوار و چوب درست می کنند، اما همچنان ماهیت اصلی آن، همان درخت است. من احمد رضا هستم، سالم بودم، می دویدم، این خیلی عالی بود؛ اما الان روی ویلچر می نشینم، ماهیتم تغییر نکرده، من همان احمد رضا هستم.»

برایش شنیدن خبر قطع درختان، دردناک است: «وقتی درختی را قطع می کنند، بسیار ناراحت می شوم؛ شاید بگویید چرا ناراحت می شوی، کار تو که مرتبط با همان درخت قطع شده است؟ می گویم من از درختی استفاده می کنم که شاخه هایش خشک یا سفت شده و مخصوص این کار است؛ مثلاً عناب سفت است و تنه آن مخصوص این کار است. اما من حاضرم این کار را کنار بگذارم، ولی همین درخت و بقیه درختان را قطع نکنند. الان وقتی می شنوم درختان سرخدار را که قدمت دو سه هزار ساله دارند، برای درست کردن قلیان می برند، به هم می ریزم. وقتی جنگلی آتش می گیرد، دل من هم می سوزد.»

آرزو می کند که چهره جهانی شود: «من الان در سطح کشور شناخته شده ام و در استان جزو ۳۰ جوان برتر معرفی شده ام، اما آرزو دارم که به چهره جهانی تبدیل شوم.

مدتی است به علت اینکه حین کار سرم پایین بود، مبتلا به دیسک گردن شده ام و خیلی نمی توانم کار کنم، اما از درسم غافل نشده ام. من دانشجوی حقوق هستم، حقوق می خوانم تا از حق دفاع

ص: ۳۶

کنم؛ از درختان دفاع کنم. همیشه به این فکر می‌کنم که اگر درخت بودم، با اینکه درخت نمی‌تواند فرار کند، تلاش می‌کردم از دست مردم فرار کنم.»

### «ای کاش به حرف هایش گوش دهیم»، سمیه افشین فر، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵.

در هياهو این شهر شلوغ، در دریای متلاطم دود و بوق و همهمه، در گوشه ای از میدان فاطمی منتظر ماشین ایستاده ام، پراید سفید رنگی جلوی پایم ترمز می‌کند، ماشین های دیگر با بوق زدن های ممتد می‌خواهند که پشیمانم کنند از سوار شدن، طبق عادت به راننده پراید می‌گویم: جلال آل احمد. راننده انگار صدایم را نشنیده، نگاهی به راننده می‌اندازم و بلندتر می‌گویم جلال آل احمد میری؟ سرش را تکان می‌دهد و من سوار ماشین می‌شوم که در آن از بوق زدن خبری نیست. جلوی چند مسافر دیگر توقف می‌کند و من به مرد جوانی نگاه می‌کنم که سمعکی پشت گوش دارد و دست راستش سه انگشت ندارد.

مرد جوانی که در میان سر و صدای ماشین ها صدای مسافران را نمی‌شنود، گاهی مسافری حوصله تکرار کردن مقصدش را دارد و گاهی هم ندارد و بی توجه به راننده جوان سوار ماشین دیگری می‌شود. با هر زحمتی بود پسر جوان دو مسافر دیگر هم جور می‌کند. چند کیلومتری می‌رویم و راننده هر از...گاهی به آینه روبه رویش نگاه می‌کند، به مقصد رسیده ایم مسافران یک به یک پیاده می‌شوند و من هنوز نشسته ام از او می‌پرسم:

چند ساله رانندگی می‌کنی؟

۱۰ سال

اسمت چیه؟

محسن

آقا محسن چند سالته؟

۳۵ سال

گواهینامه داری؟

آره اول ۱۰ ساله داشتم ازم گرفتن الان سه ساله دارم

چرا ازت گرفتن؟

تصادف کردم و به دستانش اشاره می‌کند

تو تصادف انگشتات رو از دست دادی؟

نه این مربوط به چند ساله قبله، پدرم راننده کامیون بود کنارش نشسته بودم تصادف شدیدی کردیم و من انگشتم رو از دست دادم و پدرم از کار افتاده شد. از اون روز من کار می کنم.

خوب تو این تصادف که شما مقصر نبودی؟

کلاً زیاد تصادف کردم.

چرا ماشینت برچسب ناشنوایی نداره؟

ص: ۳۷

همین طوری کسی سوار ماشینم نمی شه اگه برچسب داشته باشم که دیگه هیچ کس سوار نمی شه!

چرا فکر می کنی کسی سوار ماشینت نمی شه؟

به خاطر اینکه دارم رفتارهای مردم رو می بینم.

بینم سمعکت خوب کار نمی کنه آخه حرف های مردم رو نمی شنوی؟

این سمعک اصلاً کار نمی کنه

یعنی چی؟

من فقط از طریق لب خوانی با بقیه ارتباط برقرار می کنم.

برای چی سمعک میداری؟

چون مردم اعصاب ندارن یه بار که تکرار می کنن عصبانی می شن گاهی از حرکت لب هایشان زود متوجه می شوم و گاهی دیرتر، وقتی دیر متوجه می شوم عصبانی می شن.

سواد داری؟

آره مدرک کامپیوترم دارم چند تا مدرک دیگه هم دارم.

مدارک چی؟

کارهای هنری و....

از طریق اونا نمی تونی پول در بیاری؟

نه باید خرج خانواده رو بدم پدر از کارافتاده ام و مادر و خواهرهام تو خونه منتظر من هستن

با مسافركشی خرج خونه درمیااد؟

ای می گذرونیم دیگه

نمی تونی از بهزیستی سمعک بگیری؟

نه نمیدن، کیفیت سمعک ها هم خوب نیست از طریق لب خوانی راحت ترم.

کمک هزینه نمی گیری؟

می خندد سری تکان می دهد و چیزی نمی گوید.

نمی ترسی که باز تصادف کنی و خدای نکرده اتفاقی برات بیفته؟

چاره ای ندارم باید کار کنم. از محسن خداحافظی می کنم وقتی می خواهم از ماشین پیاده شوم اصرار می کند تا کرایه...ام را برگرداند، قبول نمی کنم، اصرار می کند و با کلماتی منقطع و نامفهوم می گوید من از شما کرایه نمی گیرم. می پرسم چرا؟ می خندد و می گوید: چون به حرف هایم گوش دادی...

ص: ۳۸



## «ایجاد پایگاه دائمی تئاتر معلولان، دروازه ورود به میدان های جهانی؛ دکتر قطب الدین صادقی در گفت و گو با ایران مطرح کرد» داریوش کوشکی، ۱۸ آذر ۱۳۹۵.

تخصص گرایی و پرهیز از موارد کلی و کلی گویی، از جمله مواردی است

که عموماً از سوی کارشناسان و استادان علوم مختلف مطرح می شود. یکی از مهم ترین بستر های طرح موضوع تخصص گرایی، جشنواره های مختلف است که اغلب کارشناسان برآند، اساسی ترین رویکرد برای ارتقای سطح کیفی یک جشنواره، حرکت به سمت تخصصی شدن است. حال تا چه اندازه این رویکرد در کشوری مثل ایران و در جشنواره های خاص مثل جشنواره تئاتر معلولان که امسال چهارمین دوره بین المللی آن در شهر اصفهان برگزار شد، می تواند صورت حقیقی پیدا کند، موضوعی است که در یک گفت و گوی کوتاه و حتی مفصل مطبوعاتی نمی توان به نتیجه رسید، اما این امکان وجود دارد که از همین گفت و گو های مجمل و مفصل، ایده ها و خط مشی های لازم برای دستیابی به رویکرد بنیادینی مثل تخصص گرایی شکل بگیرد. به مصداق این بیت که: «هست اندر صورت هر قصه ای، خورده بینان را ز معنی حصه ای». طبعاً برای یافتن روش های صحیح اندیشه در بحث تخصصی شدن، باید سراغ از اهل خرد و شخص متخصص گرفت. چنان چه اشاره شد، چهارمین جشنواره بین المللی تئاتر معلولان در اصفهان برگزار شد، اما این سؤال باقی ماند که تا چه میزان به رویکرد تخصصی شدن بعد از برگزاری چهارمین دوره جشنواره در سطح بین الملل نزدیک شده ایم؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، با دکتر قطب الدین صادقی، مدرس تئاتر، کارگردان، بازیگر تئاتر و تلویزیون به گفت و گو پرداختیم.

دکتر صادقی ذیصلاح ترین فردیست که می تواند ما را به پاسخ سؤالمان برساند، چرا که از آغاز برگزاری جشنواره تئاتر معلولان - چه در سطح کشور و چه در سطح بین الملل - به طور مستمر به عنوان عضو هیأت داوران با این جشنواره همکاری کرده است. او بر این باور است که نخستین و اساسی ترین گام برای حرکت به سمت تخصصی شدن، ایجاد یک پایگاه دائمی نمایش در تهران و شهرستان هاست: «صرف نظر از کار کارشناسان، تلاش هنرمندان و برگزاری این جشنواره ها، ایجاد یک پایگاه دائمی، تئاتر دائمی از سوی سازمان بهزیستی ویژه معلولان است. این را من بارها توضیح دادم، تکرار کردم و تأکید کردم و حتی پیشنهاد کردم که سازمان بهزیستی ابتدا در تهران یک تئاتر دائمی و سپس در شهرستان ها اقدام به راه اندازی تئاتر دائمی ویژه معلولان کند. اگر این تئاتر های دائمی نباشد، جرقه های جشنواره به درد نمی خورد؛ مثل یک شهاب می ماند که به یکباره روشن شده و خاموش می شود. به عنوان نمونه همین گروهی که از بلژیک در جشنواره امسال شرکت کردند را می توانم نام ببرم.

این گروه ۲۲ سال است که تئاتر دائمی دارد و تمام نهاد های ذیربط از این گروه حمایت می کنند. این گروه ۵ شب در هفته اجرا دارد، به تمام کشور ها سفر کرده و در جشنواره های مختلف شرکت کرده است. به قدری حرفه ای است که بسیاری از بازیگران حرفه ای و معروف درخواست می دهند تا با این گروه همکاری کنند. جدا از آن، یک رپرتوار دائمی دارند؛ یعنی برنامه ای بی انقطاع از اجراها. هر جا

بروند چند اجرای آماده برای ارائه دارند. باید به این سمت حرکت کرد تا به تخصصی شدن رسید. این درست نیست که مثلاً گروه‌ها به طور شتابزده خود را برای شرکت در جشنواره منطقه‌ای آماده کنند و حتی حائز رتبه حضور در جشنواره کشوری و بین‌المللی بشوند، اما به علت نبود یک پایگاه دائمی برای تمرین، کار ضعیفی ارائه دهند. در همین جشنواره امسال نمونه داشتیم که در سطح منطقه بسیار عالی بود، اما به علت عدم تمرین به علت نبود یک پایگاه دائمی تمرین، کار رو به ضعف نهاد و نهایتاً در بخش جنبی قرار گرفت. این طور نمی‌شود به تخصصی شدن نزدیک شد. این رویکرد، مسیر را به سمت آماتوریزم پیش می‌برد. زمان ریاست مهندس همایون هاشمی من جایی پیدا کردم و حتی گفتم حاضرم مسئولیت برنامه ریزی و اداره آن را هم به عهده بگیرم که نه تنها به تئاتر دائمی تبدیل شود بلکه به عنوان ویتترین سازمان هم به حساب آید. اما خبری نشد و آن مکان همین طور بلا استفاده باقی ماند. ما باید به سمت مداومت، رپرتوار شدن و اجراهای همیشگی برویم. متأسفانه الآن فقط به جشنواره‌ها بسنده می‌شود. ما باید این گروه‌ها را با مردم رو به رو کنیم و استعدادها و شایستگی‌های مددجویان را به مردم نشان دهیم و حتی به رخشان بکشیم.

عضو هیأت داوران چهارمین جشنواره بین‌المللی معلولان در خصوص ضعف تبلیغات اظهار داشت: «در بحث تبلیغات نهاد های فرهنگی باید با سازمان بهزیستی همکاری کنند، ولی مهم ترین نهاد، خود سازمان بهزیستی است. بهزیستی در اصفهان یک تئاتر ندارد؛ حال آنکه اگر چنین پایگاهی داشت، در زمینه های کارشناسی، هنری و حتی خبری بهترین کمک را می‌توانست بکند. اما الآن دست به دامن وزارت ارشاد یا شهرداری شده، در حالی که پتانسیل های لازم را دارد. من یادم هست که سال ۸۲ وقتی برای نخستین بار جشنواره تئاتر معلولان را برگزار کردیم، تنها ۲۴ گروه نمایشی داشتیم، حال آنکه سال گذشته ۳۶۶ گروه نمایش در جشنواره های منطقه ای شرکت کردند و این بسیار حیرت انگیز است. باید به سازمان بهزیستی و هنرمندان مددجو تبریک گفت و کتفشان را بوسید، اما الآن متأسفانه همه این فعالیت ها به جشنواره محدود شده است.»

دکتر صادقی در یک ارزیابی کلی، نگاهی مثبت به پیشرفت گروه های نمایشی معلولان نسبت به گذشته دارد: «خوشبختانه هم از نظر محتوا و هم از نظر اجرا، پیشرفت خوبی داشتیم. یادم هست در همان سال اول، غالب اجرا ها به سمت ایجاد اشک و حزن رفته بود. ما دائماً تأکید کردیم که قرار نیست اشک انگیزی صورت بگیرد؛ قرار است ترحم را برداریم و احترام را جایگزینش کنیم. یکی از کار های مهم ما این است که از راه خلاقیت که ذاتاً خوشبینانه است، به این بچه ها امید ببخشیم. شور حل مشکل، دیدن آینده بهتر، تسلط روانی و کنار آمدن با مشکلات را بیاموزیم. اوایل فکر می کردند که با توسل به حزن انگیزی می توانند موفق شوند، اما الآن پیشرفت های خوبی حاصل شده است. به عنوان نمونه، نمایش اتوبوس در دست تعمیر است را نام می برم که کار گروهی از نابینایان یزد است. اینها با فاصله گرفتن از آن فضا و رسیدن به زبان انتقادی، حتی کار را به جایی رساندند که دستمایه طنز شد. من در سخنرانی ام نکته ای از انگلس را - فکر می کنم از انگلس بود- گفتم که: تاریخ دو بار تکرار می شود؛ یک بار تراژیک و یک بار کمیک. ما باید به قدری تکرار کنیم تا به رویه کمیک برسیم. این گروه به اندازه ای در کارش موفق بود که تحسین تماشاچیان را برانگیخت و نشان داد در سخت ترین شرایط، چگونه می توان بر مشکلات فایق آمد.

بازیگر کیف انگلیسی بر ضرورت آموزش گروه های نمایشی معلولان تأکید فراوان دارد: «به نظر من بچه های ما هنوز در تعریف دچار مشکل هستند. مثلاً همین گروهی که از یزد آمده بودند، سال گذشته وقتی انتخاب شدند، مرا به یزد دعوت کردند و من رفتم و دو روز با آنها کار کردم.»

از جمله طرح هایی که خانم دکتر فخری مطرح کرده، آموزش های پیوسته ابتدا در مراکز استان ها و سپس در شهرستان هاست تا طی چند روز به شکلی کاملاً پر و پیمان و بر اساس کار خودشان آموزش های لازم داده شود. اگر این آموزش ها نباشد، نتیجه ای که انتظارش می رود، حاصل نخواهد شد.

باز از همین جشنواره امسال مثال می زنم؛ یکی از گروه ها نمایشی فلسفی مربوط به دوران بعد از جنگ جهانی دوم را دستمایه نمایش خود قرار داد. این مضمون فلسفی به درد بچه های ما نمی خورد. خود روشنفکران در ابعاد فلسفی این نمایش درمانده اند. خب شما با این نمایش، چه کمکی به مددجوی معلول می کنی؟ ما باید در وهله اول مسائل، مشکلات، بحران ها و دلمشغولی های معلولان را به صحنه بکشیم و راجع به خودشان حرف بزنیم. نمایش معلولان، یک کار تجربی یا تجاری نیست. من در همان سخنرانی گفتم نخستین اصل در نمایش معلولان، کاربردی بودن آن است که هدف آموزشی خاص را پیگیری می کند. باید در چارچوب همین تعریف حرکت کنیم. اگر بچه ها این را درک نکنند، باختند. کسانی که افکار روشنفکرانه دارند، می توانند در دانشگاه ها فکر خود را عملی کنند، اما حق ندارند آن افکار را با بچه های معلول به اجرا بگذارند و بچه های مددجو را در خدمت خود بگیرند؛ اتفاقاً آنها باید در خدمت بچه های معلول باشند. متن های نمایش ها باید در خدمت نمایش کاربردی مشخص، مسائل، امید، آرزو، لیاقت و توانایی معلولان باشد. تئاتر ابزار است، هدف نیست.

تئاتر هدف نیست که معلولان به عنوان ابزار، در اختیار آن قرار بگیرند؛ درست عکس این است. نخستین چیزی که باید جا بیفتد، همین است که هنوز جا نیفتاده است. بعضی از نمایش ها از ۱۰۰ هزار کیلومتری مسائل بچه های ما هم عبور نکرده است، بسیار هم روشنفکرانه است و حتی به درد دانشگاهی ها هم نمی خورد، بس که پیچیده است. چرا باید چنین نمایشی در جشنواره معلولان حضور یابد. تئاتر معلولان موضوعیت دارد، نمی توان آن را نادیده گرفت.»

### **«ایستادگی ام را روایت می کنم: مادر یک کودک چند معلولیتی از مشکلاتش می گوید»، رضیه کباری، ۱۱ شهریور ۱۳۹۵.**

بعضی مادرها، چنان سخت و مقاومند که ناشدنی ها را شدنی می کنند. مادرانی که کودک معلول دارند این چنینند. ایمان آنها چنان راه ها را هموار می کند که ابتدا ناممکن به نظر می رسد. روزی که با مادر نیکا آشنا شدم، به او گفتم من با مشکلات نیکا کاری ندارم اما شما را که می بینم باور دارم نیکا در آینده شگفتی می آفریند؛ شگفتی ای از جنس نمایش قدرت خدا که اراده یک مادر آن را متجلی می سازد.

حسی به من قدرت ماندن می داد

اتوبوس راه تهران را پیش می گیرد. مادر باز هم بچه به بغل راهی تهران است. بچه بی تاب است و مادر مستأصل.

راهی است که باید رفت هرچند سخت

به دنیا که آمد فهمیدیم ناهنجاری قلبی داره. قبلش هم در دوران بارداری دکتر گفته بود احتمالاً مشکل قلبی داره. اما هم مشکل مالی بود و هم دیگه نمی شد کاری کرد. از اول رفلاکس شیر داشت. مجبور بودم شیرمو با قاشق آروم آروم بریزم تو دهنش که نپره بیرون. در حالت نشسته شیر می خورد.

چهار ماهش که شد متوجه مشکل بینایی و شنوایی اش شدم. بعدها فهمیدم اگه مشکل بینایی و شنوایی اش رو زودتر تشخیص می دادن، می تونستم به نیکا کمک بیشتری کنم و تشخیص آن هم بر عهده مسئول مرکز بهداشتی بود که هر ماه قد و وزن نیکا رو می گرفت.

دیگه به آمل بی اعتماد شدم. حالا مرتب باید بیام تهران. اوایل ماهی یک بار می آمدم و حالا بعد از گذشت پنج سال و چهار ماه، بسته به شرایط چند ماه یکبار میام. نیکا که پنج ماهه بود، تو تهران یکی از مادرا، بهم گفت برم مرکز تحقیقات حجامت. بردمش اونجا. راهنمایی های خوبی در مورد تغذیه کردند که نجات بخش بود. همون وقت هم برای نخستین بار حجامت شد. توصیه ها خیلی سخت بود و همه روز من تو آشپزخونه بودم تا این غذاهای کوچولو و کم رو تازه تازه آماده کنم بدم نیکا تا جون بگیره.

در هفت ماهگی مشکل هیدروسفالی غافلگیرمان کرد یعنی مغزش آب را جمع می کرد و بزرگ می شد. دو هفته ای تو بیمارستان مفید تهران بستری شد. دارو درمانی را شروع کردند و خدا رو شکر کارش به عمل نکشید. نیکا از لحاظ بدنی هم خیلی ضعیفه. از ۹ ماهگی روند کاردرمانیش شروع شد و این در حالی بود که من از هیچ کس هیچ نوع کمک و حتی راهنمایی نگرفتم. هر کاری کردم یا راهنمایی مادرم بود یا مادرای گرفتار مثل خودم. تو آمل یه کاردرمان به روز پیدا نکردم. حتی مرکز بهداشت ما با اینکه کارمنداش جوون بودند ولی اطلاعاتشون به روز نبود.

اون وقت ها ماشین نداشتیم و من مرتب با اتوبوس به تهران می اومدم. نیکا تمام راه رو گریه می کرد. البته تو تهران برای موندن مشکلی نداشتیم چون آنجا فامیل زیاد داریم. هر وقت میرم ۲ تا ۳ هفته می مونم. آن روزا سخت ترین روزای زندگیم بود. هیچ چیزی غیر از نیکا رو نمی دیدم. تمام وقت فقط نیکا بود و گریه های من.

۹ ماهه که شد رفتیم بیمارستان مفید، دکتر گفتن قلبش در حال ترمیمه و سرش هم بهتر شده. شبیه معجزه بود. همه دکترها تعجب می کردند، چون همشون می گفتند خدای نکرده نیکا رو از دست میدم. حالا- نظرشون فرق می کرد. حتی دکترای مرکز حجامت.

بار دوم بود که حجامت می شد. تقریباً حالم بهتر شد با انگیزه بیشتری ادامه دادم. برای چشمش چندین بار به بیمارستان فارابی

رفتم. همش گفتن قسمتی از شبکیه چشمش تشکیل نشده. الان نمره چشمش ۴ و ۵ است ولی می گن هر چی بزرگتر بشه کمتر می شه.

تابستان قبل بردمش پیش دکتر ریاضی که متخصص توانبخشی کم بینایان است. هر چند از وضعیت نیکا راضی بود ولی هیچ امیدی بهم نداد که بهتر بشه. تشخیص شون هم مثل فارابی بود.

ص: ۴۲

البته باید خط بریل رو یاد بگیره چون لازمش میشه. برای گوشش هم چندین بار به بیمارستان امیراعلم رفتم. تابستان ۹۳ اونجا بستری شد که لوزش عمل بشه ولی باز گفتند به خاطر کوتاهی شدید گردن ریسک عملش بالاست. الان همش تحت نظر دکتر گوش است. گوشش بهتر شده ولی مجبوره سمعک بذاره. پوست نیکا هم خیلی حساسه. هر لباسی رو نمیتونه بپوشه حتماً باید نخ خالص باشه و گرنه چندشش میشه. به اسباب بازی های پولیشی هم نمی تونه دست بزنه.

بهزیستی فقط پرونده ها را نگهداری می کنه

۲ساله با اصرار دیگران تو بهزیستی آمل اسمش رو نوشتم ولی کمک خاصی ازشون نگرفتم. ۲ بار قسمتی از پول کاردرمانی رو بهم دادند و ۲ بار به کم مرغ و گوشت و روغن. پدرش از اول مخالف بود و می گفت اینها کاری نمی کنند فقط آبرومون را می برند. فکر کنم درست می گفت. کاردرمانی هنوز ادامه داره. الان دیگه مریش میگه برای اینکه حافظش قوی بشه و تمرکش بالا بره باید کلاس موسیقی بره. به امید خدا از همین روزا می برم.

گفتاردرمانی هم میره. برای اینکه حرف بزنه چون هیچی نمی گفت و خیلی سعی می کرد. از روش خود خوان استفاده کردیم یعنی اوایل مربی کلمات کاربردی تر مثل مامان و آب رو روی کاغذ می نوشت و به جاهای مختلف دیوار، تو خونه می زدیم تا ببینه و تکرار کنه. بعد هم آموزش جملات کوتاه.

الان هم هنوز تو گفتن حروف اضافه مثل که، با، از، در و بعضی از حروف مثل ر، و، گ مشکل داره.

من حتی برای مهدش دچار مشکلم. بهزیستی نامه میده برای مهد، اونا بچه منو قبول نمی کنن و می گن نگهداریش سخته در صورتی که نیکا اصلاً شیطنت نداره خیلی هم مهربونه و با بچه های دیگه خیلی خوبه.

در مهد می گویند نیکا مشتری هامان را می پراند

مدیر یکی از مهدا می گفت نیکا باعث میشه مشتریام پس بخورن. وقتی این حرفا رو می شنوم قلبم می گیره.

این در صورتیه که نیکا از ۲ سالگی به بعد مربی خصوصی داشته و گفتار درمانی می رفته. یعنی الان اگه مفاهیمو بیشتر از بچه های عادی ندونه کمتر هم نیس. فقط نیکا از نظر قد و قواره، ساینز بچه های ۲ تا ۳ ساله شده.

حتی یه دوره ای تو ۳ تا ۴ سالگی کاردرمان خصوصی داشته که زودتر راه بیفته. الان هم تو راه رفتن لق می زنه ولی تو ظاهرش هیچ فرقی با بچه های عادی نداره.

الان هزینه مربی و کاردرمان و کلاسای نیکا ماهی ۷۰۰ یا یه کم بیشتر میشه ولی بهزیستی میگه کلاساش به ما ربطی نداره.

الان نیکا به مهدی میره که اصلاً نامه بهزیستی رو قبول ندارند. البته نسبت به جاهای دیگه که اصلاً نیکا رو پذیرش نمی کردند خیلی خوبه و خیلی هم با نیکا کار می کنند.

همه می گفتند و لش کن این بیچه نمی مونه

ص: ۴۳

تقریباً کسی نبود که سرزنشم نکنه، خصوصاً ۹ ماه اول همه از دکتر تا خانواده و دوستان می گفتند ولش کن دور از جوش می میره. ولی فقط به حس بود که بهم قدرت ایستادگی می داد. چون نیکا بیماری های مختلف و عجیبی داشت قلب، چشم، گوش، کوتاهی گردن شدید، پوست حساس. همه می گفتن ولش کن، می میره. ولی الان همه راضیند. اگه می خواستم به حرف دیگران گوش کنم که زندگیم داغون می شد.

بهترین همراه مادرم و شوهرم بودند که با اینکه نظر دیگرانو داشتن به روی من نمی آوردند. منم می دونستم ولی خدا رو شکر می کردم که حداقل اینا دیگه منو اذیت نمی کنند. شوهرم می گفت به دیگران ربطی نداره تا من هستم هر کاری فکر می کنی درسته، بکن. الانا به کم مخالفت می کنه چون دیگه واقعاً خالی شده و سر کارشون هم ۲ ماه، ۳ ماه حقوق نمیدن.

سر کار شوهرم به خاطر غیبتاش و اینکه مجبور بودیم مرتب به تهران بریم، چند بار تذکر دادند. نمی شد ازشون توقع داشته باشیم که ما رو درک کنند.

نیکا از اول هوش ریاضی خوبی داشت طوری که تا پایان ۳ سالگی هم همه رنگا رو خوب دسته بندی می کرد هم تا ۵۰ رو می نوشتیم و می خواند. تا ۱۰ رو بدون کمک، خودش و بدون دیدن می خوند و چون از اول تقلید خوبی داشت تقریباً خوب پیشرفت کرد.

از وقتی نوزاد بود حواسش جمع بود تا اونجایی که تشخیص می داد توجه می کرد. یادمه، تو بیمارستان مفید دکتر می گفت بچه عقب افتادس. گفتم نه نیکا ضعیف و کم جونه، ولی باهوشه.

تو ۵ ماهگی به بار دیدم تو خونه از خواب بیدار شده یه پارچه نخ که خیلی هم دوستش داشت، مدام می گذاشت رو چشمش و بر می داشت. فهمیدم داره با نور بازی می کنه. با اینکه اون وقتاً خیلی بینایش ضعیف بود البته الانم هست ولی به قول دکتر ریاضی الان تشخیص بینایش بالا رفته. می فهمه چیو باید ببینه. اینو آدمای عادی چون دارند براش تلاشی نمی کنند ولی نیکا با تلاش به دست آورده.

در کل نیکا چون تقلید کار خوبه برای به دست آوردن چیزایی که ما داریم خوب تلاش می کنه. بعد ها تو روند آموزش، مربیش می گفت نیکا هوش فوق العاده ای داره که باید کشف بشه. ما هم سعی می کنیم، تا ببینیم چی میشه.

تو شهرمان مدرسه مناسبی برای نیکا پیدا نمی کنم

حالا من فقط غصه مدرسه رو دارم که باید چیکار کنم. اگه مدرسه استثنایی بره در حد اونا نیس. نیکا الان تقریباً بیشتر مفاهیم کلاس اول رو می دونه.

اگه مدرسه عادی بره چون اندازه اونها نیست و تو راه رفتن مهارت کامل نداره، خطرناکه. فکرش هم منو می ترسونه.

بچه هایی مثل نیکا نه آنقدر عقبند که تو این جور جاها باشند نه می تونن تو مدارس عادی باشند. خیلی ها تو آمل، مثل ما هستند و فقط غصه می خورند.



يکي از نگراني هام همينه.، بايد بره پيش دبستاني، ولي کجا؟

سمعک بره يا نه؟ عينک چي؟ هر وقت خسته ميشه درس مياره.

تا حالا نزديک ۱۰ تا عينک براش خريدم.

ص: ۴۴

اگه سمعکو در بیاره قیمتش حداقل ۲ میلیونه.

می دونم

آمل هم دبیرستان برای نابینایان داره و یه مدرسه ابتدایی برای ناشنوایان ولی نیکا کجا بره؟ نابینایان یا ناشنوایان؟

یه مدرسه هم برای عقب افتاده ها داره که هر سال تحصیلیشون ۴ ساله که اصلاً برای نیکا خوب نیست. نیکا الان تقریباً بیشتر مفاهیم اولیه رو می دونه. اونجا یعنی پس رفت.

نیکا مثل بچه های کند ذهن نیست ولی مثل بچه های عادی هم نیست. مریش می گه تا کلاس سوم می تونه بدون مشکل بخونه. بعدش سخت میشه. تقریباً الان یک ماهه سوره کوثر رو حفظ کرده. دست و پا شکسته شعر هم بلده ولی یه کم با زحمت بیشتری یاد می گیره.

الان به مدرسه غیرانتفاعی فکر می کنم ولی علاوه بر هزینه، نگرانی از ضعف جسمانی و لق بودنش خیلی زیاده. می دونم به آموزش مدرسه جواب میده چون تقلید کاره از بچه ها یاد می گیره.

بیشتر وقتا حرفای نیکا خنده داره. همه با ذوق نگاهش می کنن. ترغیب میشه بیشتر شیرین کاری کنه. یه کاری که میکنه اینه که با تبلت یا عکس می گیره یا فیلم، بعد تو تلگرام برای این و اون می فرسته، همه هم ذوق می کنن. این کاراش باعث می شه بهش امیدوار بشم. نیکا تا ۴ سالگی تقریباً با هیچ بچه ای ارتباط برقرار نمی کرد ولی الان مربی مهد می گفت به بچه ها امر و نهی می کنه ولی می ترسه همراه بچه ها راه بره. فکر می کنم می فهمه که نمی تونه پا به پای اونا باشه.

مادرهایی مثل من دلشان آشوبه

از ما که گذشت ولی تورو خدا به این مراکز بهزیستی بگین مادرایی مثل من دلشون آشوبه.

حالا من سعی می کنم شرایط نیکارو بپذیرم. خدا رو شکر پدرش همراه منه ولی خانواده هایی هستن که به خاطر مشکلات مالی، قید بچه رو زدند، لطفاً به اونا کمک کنید.

خانواده هایی که تو تهران زندگی می کنند ولی برای بچه کاری نمی کنن. می شناسمشون، چون مشکلات زیادی دارن بچه رو فراموش کردن.

به هر حال ما هم می دونیم توقع اینکه اینجور بچه ها زندگی عادی داشته باشند زیاده ولی باید مورد حمایت قرار بگیرن.

اوایل همه باهام دعوا داشتند که خودتو غرق نیکا کردی. الان همه میگن چرا ولش کردی.

واقعاً هم تغذیه نیکا دیگه مثل اون وقتا نیست. اگه مشکلات مالی کم باشه دیگه مجبوریم با مشکلات روانی قضیه کنار بیاییم. اینایی که میگم چون اشک مادرا رو مدام می بینم. برام دردناکه.

بیشتر از کتاب‌ها راهنمایی گرفتم

در مورد مشکلات نیکا دکتر گفتن جهش ژنیه. جهش ژنی هم باشه نیکا شدیدشو داره. مثل همون استعداد ریاضی که تو نیکا و خواهرش زیاده ولی نیکا چون ضعیفه و تو نوشتن هم ضعف داره خیلی راحت نمی‌تونه از استعدادش استفاده کنه. من کتابایی که مربوط به پایش رشد بچه‌هاست رو چندتایی خوندم و کتابایی که آموزشی بود.

تقریباً هر سال میام نمایشگاه کتاب. هر وقت هم میام کلی کتاب برای دخترام مخصوصاً نیکا می‌خرم؛ این کتابا اطلاعات خوبی دارند. کتاب درمورد کاردرمانی و کودکان استثنایی هم دارم.

ص: ۴۵

یکی از علاقه مندی های نیکا هم کتابه. شاید به این خاطر که وقتی به دنیا اومد من تازه کارشناسی قبول شده بودم و می دید موقع امتحان سخت می خوندم.

یادمه من جزومو با صدای بلند می خوندم نیکا نمی تونست حرف بزنه یه کتاب کوچیکو برمی داشت ادامو در می آورد. با اینکه خیلی داغون بودم دانشگاه مرهم من بود. تو شرایطی که من تو تاریکی مطلق بودم از غصه زیاد همه جا رو سیاه می دیدم، دوستانم خیلی خوب بودند. تو شرایطی که همه بهم می گفتند ولش کن می میره دوستانم بهم روحیه می دادند. همه هم از حالم خبر داشتند ولی نا امیدم نمی کردند.

مشکلات کودکان چند معلولیتی و خانواده هایشان، بیش از آن است که حتی بتوان از خلال واگویه های این مادر جست. کودکانی که ناگزیر از زندگی، حامیانی را می طلبند که به آنها عشق بورزند. چه بسیارند والدینی که فشار زندگی این عشق را در قلبشان کم فروغ ساخته و چه بسیارند آنانی که به هر انسانی همان گونه که لایق مقام انسانی اوست، می نگرند بدون دیدن ضعف جسمانی اش. کاش به روزی برسیم که این خانواده ها جز رنج بیماری فرزند، رنج دیگری را متحمل نباشند.

### «با بال شکسته پرگشودن هنر است: قصه تلخی ها و شیرینی های زندگی یک نابینای موفق»، مجید سرایی، ۷ مرداد ۱۳۹۵.

فرق است میان آنکه بی هیچ رنجی به گذران زندگی می پردازد، درس می خواند، شغلی می یابد، تشکیل خانواده می دهد، خانه می سازد و هزار راه را برای بهتر زیستن امتحان می کند با کسی که رنج را به جان می خورد و با انگیزه ای ستودنی کفش آهنین به پا می کند و به جنگ مشکلات زندگی می رود، بدون آنکه یکی از مظاهر راحتی را داشته باشد. غفور سلیمانی از زمره همان افرادیست که با رنج بزرگ شد و زیست، اما خم به ابرو نیاورد. زاده روستای بنچله از توابع جوانرود است، پدر و مادرش تا چند وقت از نابینایی او مطلع نبودند، اما پس از اطلاع، به قول خودش کوتاه نیامدند و تنها پسر خانواده را آماده نبرد با سختی های زندگی کردند. از ۱۵-۱۶ سالگی تحصیل را در کلاس های نهضت سواد آموزی آغاز کرد و به سرعت پله ها را طی نمود تا امروز به عنوان استاد دانشگاه روانسر کرمانشاه، جایگاهی علمی دارد. در این مسیر «مهری نادری»، همسر غفور در تمامی لحظات او را همراهی کرده و این همراهی و همدلی همچنان تداوم دارد. غفور این روزها به دنبال کسب مجوز تشکیل یک تشکل نابینایان در شهر روانسر است. آنچه می...خوانید، قصه رنج ها و سرمستی های این استاد دانشگاه است از زبان خود و همسرش که با لهجه شیرین کردی روایت می کردند لحظه...های زندگیشان را:

شما از دوران نوجوانی تصمیم به تحصیل گرفتی، آن هم در یکی از روستا...های کرمانشاه. شاید بد نباشد از همین جا کمی عقب تر برویم و شمه ای از محیط روستا، مردم و نگاه اجتماعی به فرد نابینا بگوییم.

غفور سلیمانی: من در روستای «بنچله» از توابع جوانرود کرمانشاه به دنیا آمدم. پدر و مادرم تا چند ماه بعد از تولد، از نابینایی من اطلاعی نداشتند، اما وقتی متوجه معلولیتم شدند، احساس

کردند پسرشان که قرار است عصای دستشان شود، دیگر یک عصای سالم نیست و عملاً حکم عصای شکسته را دارد؛ خب من تنها پسر خانواده هستم و خود همین تک پسر بودن، حس عصای شکسته را برای خانواده تقویت کرد. اما پدرم کوتاه نیامد و زمانی که ۱۱-۱۲ ساله بودم، برای اینکه از خانه بیرون بیایم و عملاً وارد جامعه شوم، پدرم از شهر خوار و بار می خرید و به روستا می...آورد تا من دستفروشی کنم. حدود ۴ سال کار دستفروشی را ادامه دادم تا اینکه تصمیم گرفتم در کلاس های نهضت سواد آموزی که در شهرستان جوانرود دایر بود، شرکت کنم.

اهالی روستا از شما خرید می کردند؟

عالی بود. پدرم از کرمانشاه وسایل را می خرید و مردم هم به من اعتماد داشتند و دائماً از من خرید می کردند.

پس نگاه مردم روستا به کار یک فرد نابینا، نگاهی محدود نبود؟

نسبت به کار نگاه محدودی نداشتند، اما نگاه فرهنگی شان محدود بود. زمانی که من تصمیم گرفتم در کلاس های نهضت سواد آموزی شرکت کنم، به غیر از خانواده و چند تن از اقوام، عملاً جو روستا علیه من تغییر کرد. اهالی روستا معتقد بودند که دلیلی ندارد یک پسر ۱۵ ساله نابینا راه طولانی را طی کند تا به کلاس نهضت برود. خب راه نسبتاً طولانی بود؛ از روستای بنچله تا جاده آسفالت، یک کیلومتر راه بود و از سر جاده تا شهر جوانرود، حدوداً ۱۵ کیلومتر باید طی می شد که طبیعتاً این مسیر را با ماشین می رفتیم.

کمی از تحصیل در کلاس های نهضت بگو؛ از رفت و آمد به روستا بگو و به این هم اشاره کن که کتاب ها را چگونه تهیه می کردی.

کم کم به مسیر جوانرود تا روستا و برعکس مسلط شدم. قبل از شروع به تحصیل، پدرم در بهزیستی برایم تشکیل پرونده داد و از همان طریق، تجهیزات اولیه مثل عصا را تهیه کردم. اما کتاب های درسی در اختیارم نبود، یکی از دوستانم که در آن سال ها دانشجو بود (آقای سیروس محمدی) و خواهر کوچکم کتاب ها را برایم می خواندند و من هم به ذهنم می سپردم. به این شیوه درس ها را به سرعت می خواندم، به طوری که مقطع راهنمایی را به شیوه تلفیقی گذراندم. البته خواهرم و آقای محمدی علاوه بر اینکه کتاب ها را برایم روخوانی می کردند، برای اینکه مطلبی فراموشم نشود، بر روی نوار کاست هم ضبط می کردند. همین خواهرم که در آن سال ها برایم کتاب می خواند، دو سال پیش دانشجوی کلاس خودم شد. خلاصه تا مقطع دبیرستان، شاگرد اول مدرسه بودم.

در دوران دبیرستان شرایط فرق کرد؟

نه! از آنجا که من شاگرد فعالی بودم، در دوران دبیرستان سعی کردم فعالیتم را گسترش دهم. حمل بر خودستایی نباشد، روابط عمومی من قویست و به همین علت، با بسیاری از معلم ها و دانش آموزان ارتباط خوبی برقرار می کردم. آن سال برای اولین بار، انتخابات شورای دانش آموزی برگزار شد، با وجودی که مطمئن نبودم رأی لازم را کسب کنم، در آن انتخابات شرکت کردم و اتفاقاً بعد از پسر معاون که نفر اول انتخاب شد، من به عنوان نفر دوم حائز کسب رأی شدم. همان سال،

همایش بزرگی در سطح استان برگزار شد که من هم در آن همایش با نوشتن مقاله ای شرکت کردم. موضوع مقاله

ص: ۴۷

من، «جوان باوری با تکیه بر مفاهیم اسلامی در دوران اصلاحات» بود. آن همایش از سوی مشاوران مدارس و با حضور نماینده رئیس جمهور وقت برگزار شد و وقتی مقاله ام را خواندم، بسیار مورد استقبال واقع شد تا آنجا که سال بعد در انتخابات شورای دانش آموزی، نفر اول استان شدم. همین طور تحصیل را ادامه دادم و مقطع دبیرستان را به پایان رساندم و مثل سایر دانش آموزان، در کنکور سال ۱۳۸۱ شرکت کردم و با رتبه ۱۰۰۰ در رشته علوم سیاسی در دانشگاه رازی، تا اخذ مدرک کارشناسی ادامه تحصیل دادم؛ اما بین آن مقطع تا ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، چند سال وقفه افتاد.

چرا؟

من خیلی تلاش می کردم تا در دانشگاه سراسری پذیرفته شوم، اما مشکلاتی وجود داشت مثل نبود کتاب. در دوران کارشناسی بعضی استادان مثل استاد قدرت احمدی با من همراهی های خوبی داشتند یا در دوران دبیرستان آقای حمید عباسی به عنوان معلم نابینا همیشه همدلی می کرد. اما در کنکور کارشناسی ارشد، فضا متفاوت بود و همه منابع درسی رشته علوم سیاسی در دسترس ما نبود.

تو با تمام مشکلاتی که بر سر راه تحصیل داشتی، در سنین نوجوانی و چند سال دیرتر از هم سن و سال هایت تحصیل را آغاز کردی و تا اخذ مدرک کارشناسی ارشد ادامه دادی. چه انگیزه...ای تو را به ادامه راه ترغیب می کرد؟

من تحصیل را دوست دارم؛ با اینکه در روستا زندگی می کردم و عموماً محیط روستایی، محیط کشاورزی و دامداریست، ذره ای علاقه به آن حرفه ها نداشتم و بیشتر به سمت کسب علم کشیده می شدم. علاوه بر آن، مجبور بودم تحصیل کنم، وگرنه به بن بست می رسیدم، چون اغلب اطرافیان من افراد تحصیل کرده ای بودند و اگر من تحصیل را ادامه نمی...دادم، حرفی برای گفتن نداشتم. جدا از این دو علت، می خواستم خودم را اول به خودم و بعد به جامعه اثبات کنم که فرد نابینا ناتوان نیست. همین سه عامل باعث شد تا تحصیل را با تمامی سختی ها مثل نبود منابع درسی ادامه دهم. من در کنار تحصیل در نهضت سواد آموزی، خط بریل را در آموزشگاه وحدت جوانرود یاد گرفتم که بتوانم کتب بریل را مطالعه کنم.

چه عواملی باعث شد بعد از وقفه چند ساله، تحصیل را در مقطع کارشناسی ارشد ادامه دهی؟

سال ۱۳۸۸ دو حادثه برای من اتفاق افتاد که یکی تلخ بود و دیگری شیرین. شهریور ماه آن سال در برنامه ماه عسل شرکت کردم که اتفاق شیرینی بود و اسفند ماه همان سال، مادرم را از دست دادم. حضور در برنامه ماه عسل از این نظر مثبت و شیرین بود که با بازخورد های خوبی مواجه شدم، احساس کردم که جامعه، نابینایان را دید و من به عنوان صدای نابینایان توانستم صحبت کنم. از طرف مردم بازخورد...های خوبی دریافت کردم. اما فوت مادرم ضربه بزرگی بود، چون مادرم همراه همیشگی من بود. با این حال در سال ۱۳۸۹ در آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد شرکت کردم و در واحد تهران مرکز پذیرفته شدم.

تا آن زمان در شهرستان تحصیل کرده بودی و به یکباره برای ادامه تحصیل به تهران آمدی؛ تهران را چگونه دیدی؟

خیلی سخت بود. تصور کن که یک نابینا که از شهرستان به پایتخت آمده و خوابگاه ندارد و مهم تر از آن، کسی را به عنوان دوست و همراه ندارد، چه حالی می تواند داشته باشد. من یک ترم خواندم، اما با سختی. در طول آن یک ترم، حتی خوابگاه نداشتم، شب را در محوطه دانشگاه روی صندلی...های آهنی به صبح می رساندم. با هر امکانی که در دسترس بود خودم را سرگرم می کردم تا صبح شود. با این شرایط سخت، تا آخر ترم اول خواندم. در طول آن یک ترم، فقط امیدوار بودم. آن ترم را با سختی گذراندم، تا اینکه با همسرم ازدواج کردم. حضور همسرم در زندگی من، جرقه ای شد تا با انگیزه ای مضاعف ادامه تحصیل دهم.

اجازه بده این سؤال را از همسرت پرسیم که: چگونه با غفور آشنا شدید؟

مهری نادری: تا قبل از آشنایی با غفور، به همه می گفتم که قصد ازدواج ندارم. هر کس علتش را می پرسید، می گفتم که هنوز کسی که مورد پسندم باشد پیدا نکرده ام. زمانی که غفور در برنامه ماه عسل شرکت کرد، من برنامه را ندیدم، اما پدرم بعد از پایان برنامه به من گفت که مهمان برنامه یک لیسانسه نابیناست. به پدرم گفتم که چرا خبرم نکردی تا من هم برنامه را ببینم؟ پدرم گفت: شاید دوباره برنامه را پخش کنند و تو ببینی. یکی از معلم های غفور با داماد ما آشنا بود، از طریق او و به کمک دامادمان، غفور را به من معرفی کردند و قرار شد ما همدیگر را ببینیم. وقتی با هم صحبت کردیم و او درد دل هایش را گفت، تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم. وقتی پدرم غفور را دید، با خوشحالی گفت که این همان مهمان ماه عسل است.

وقتی ما ازدواج کردیم، یک ترم از کارشناسی ارشد را خوانده بود، اما شرایط مالی اجازه ادامه تحصیل را نمی داد.

وقتی شما قبول کردید با غفور ازدواج کنید، با چه بازخورد هایی از سوی اطرافیان مواجه شدید؟

دوستانم به مغازه خیاطی من می آمدند و گریه می کردند که چرا با یک فرد نابینا ازدواج کردی و با مشکل مواجه می...شوی. من در جواب به آن ها می گفتم که مطمئنم ما زندگی خوبی خواهیم داشت.

برخی ازدواج یک فرد بینا با فردی نابینا را در حکم ایثار می شمارند و آن فرد بینا را از خود گذشته خطاب می...کنند. می خواهم از شما، خانم نادری! پرسیم که آیا این تعبیر را می پذیرید؟

نه! به هیچ وجه! ما زندگی می...کنیم درست مثل دیگر شهروندان جامعه. با هم برای خرید می رویم، با هم در امور مختلف مشارکت می کنیم و همیشه در کنار هم هستیم. من معتقدم کسانی که در امر ازدواج با فرد نابینا مردد می شوند، به این فکر کنند که ممکن است یک ساعت دیگر بر اثر حادثه ای بینایی شان را از دست بدهند؟ آن وقت چه باید کنند؟ بنابر این نباید به ازدواج با فرد نابینا، مثل یک کار نامتعارف نگاه شود. خیلی وقت ها که ما با هم در کوچه و خیابان قدم می زنیم، دیگران به عشق و علاقه ای که بین ما وجود دارد، حسادت می کنند. به نظر من تعبیری مثل ایثار و امثال آن، تعبیر مهمی هستند که عده ای از آن تعبیر سوء استفاده می کنند. اتفاقاً چند نفر در شهرمان، بارها به من گفته اند خوش به حال شما که زندگی شیرینی دارید. من تابو شکنی کردم با یک نابینا ازدواج کردم، ولی باعث شدم که بعد از ازدواج ما، یکی دو نفر دیگر هم با افراد نابینا ازدواج کنند.



غفور! با توجه به صحبت های نتیجه می گیریم که مهمترین عامل و انگیزه ادامه تحصیل تو در مقطع کارشناسی ارشد، حضور همسرت بوده؟

ص: ۴۹

غفور سلیمانی:

بدون شك! اصلاً حضور ایشان انگیزه من برای ادامه زندگی شد. بعد از ازدواج تصمیم گرفتم از تهران به کرمانشاه انتقالی بگیرم، کار آسانی هم نبود، اما بالاخره موفق شدیم که انتقالی بگیریم. در تمام ایام تا ارائه پایان نامه و اخذ مدرک، همسر من به عنوان همراه و همدم با من بود. واقعاً انگیزه من مضاعف شد تا اینکه نوبت پایان نامه رسید. با همکاری استادان، پایان نامه ام را ارائه کردم که مورد توجه استادان قرار گرفت و روز دفاع، جشن کوچکی ترتیب دادیم، تمام استادانی که حضور داشتند از همسر من تعریف کردند.

بعد از آن بود که به عنوان استاد شروع به تدریس کردم؟

با کمک دوستان چند واحد از دروس عمومی در دانشگاه روانسر در نظر گرفتند که مشغول تدریس آن دروس شدم.

رابطه دانشجویان با استاد نابینا چگونه است؟

من و دانشجویان رابطه دوستانه ای داریم، خیلی از دانشجویان علاقمند گذراندن دروس عمومی با من هستند؛ حتی دانشجویی داشتم که موفق به گذراندن یکی از درس های من نشده بود، با این حال باز ترجیح داده بود سر کلاس من بنشیند.

به عنوان سخن پایانی آیا نکته ای مانده که در باره آن صحبت نکرده ای؟

فقط خطاب به مسئولان می... گویم که اشتغال ما نابینایان را جدی بگیرند. اگر من چند واحد در دانشگاه روانسر تدریس می کنم، نتیجه باوریست که هیأت علمی و مدیران دانشگاه دارند. لطفاً مسئولان ما را باور کنند. امیدوارم که مسئولان، به ویژه مسئولان بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش استثنایی نسبت به سایر نهادها، عمیقاً ما را باور کنند.

**«برای خلق هنر نیازی به چشم سر نیست: گفت و گوی «توانش» با سعدی کرمی، جوان کم بینای صفهانی»، محدثه جعفری، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶.**

۲۵ ساله است، همه توان خود را به کار بست تا بتواند کاری را که می خواهد انجام دهد برای فراگیری آن به هر سو سر می زند تا استادی بیابد که او را آموزش دهد اما هر چه بیشتر می گردد کمتر می یابد در نصف جهان مهد هنر و هنرمند باشی و نتوانی استادی برای فراگیری هنر بیابی، همه یک جواب برایش داشتند « من نمی توانم تو را آموزش دهم » آموزش به تو سخت و غیر ممکن است» این جملات تنها کلماتی است که طی سال ها می شنود تا اینکه تصمیم می گیرد به طور خود آموز هنر آینه کاری را فراگیرد. نابینا نیست اما قدرت دید چشمانش اندک است و فقط یک چشم، آن هم ضعیف، برای دیدن دارد.

هنر، بینایی می خواهد که من نداشتم

سعید کرمی جوان کم بینایی است که اصالت لری دارد اما ۱۰ سالی است که به همراه خانواده در اصفهان روزگار می

گذرانند. وقتی هفت ساله بود بر اثر ضربه بینایی یک چشمش را از دست داد و چشم دیگرش هم کم کم ضعیف و ضعیف تر شد. فوق دیپلم برق دارد اما از کودکی به دنبال کار هنری است

ص: ۵۰

پسری که توانست بدون کمک استادان برجسته هنر آن هم در شهری همچون اصفهان آثار بسیار زیبایی خلق کند.

« از کودکی هنر را دوست داشتم اما به خاطر مشکل بینایی جرأت نمی کردم به سراغ هنر بروم با دیدن تزئینات و معماری ها روح تازه می شد کم کم ترغیب شدم تا برای فراگیری هنر مورد علاقه ام که همان آینه کاری است به دنبال استاد برای آموزش باشم. اصفهان مهد هنر و هنرمند است اما هیچ یک از استادان برای هنر آینه کاری مرا نپذیرفتند چرا که قدرت بینایی ام کم است و این هنر نیاز به دقت و تمرکز بینایی بسیاری دارد.

به سراغ هر استادی رفتم گفتند فقط می توانیم تئوری نکاتی را برایت بازگو کنیم.

این بی مهری استادان هنر نسبت به من معلول باعث نشد از علاقه ام به این هنر کاسته شود مصرانه در پی راهی برای آموزش و یادگیری بودم و با جست و جو در اینترنت و کتب مختلف تا حدودی نحوه کار با ابزار و وسایل هنر آینه کاری را فرا گرفتم.

ابزار مورد نیاز کار که شامل الماس آینه بری، خط کش و تخته کار است تهیه کردم و با آزمون و خطای بسیار موفق شدم بعد از ۲ سال کار و تلاش آینه را به اشکال مختلف برش دهم و به قول معروف قَلِق کار دستم آمد و به صورت خود آموز این هنر زیبا و خوش آب و رنگ را فرا گرفتم.

آینه کاری مدرن و سنتی و همچنین تکنیک نمکاشی زیر مجموعه تزئینات معماری است که موفق به فراگیری آن شدم. آثاری را که به صورت تابلو یا قاب ساختم در نمایشگاه هایی که از سوی سازمان بهزیستی و شهرداری اصفهان برگزار می شود برای بازدید علاقه مندان به نمایش می گذارم تا هم نابینایان و کم بینایان هم افراد عادی دریابند هنر دل خوش و ذوق می خواهد نه چشم بینا.

برای آنکه بتوانم نمایشگاهی از آثارم داشته باشم باید از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مجوز دریافت می کردم با تلاش فراوان و رفت و آمدهای مکرر و بعد از بازرسی هایی که از سوی این نهاد از آثار مختلفم صورت گرفت موفق به دریافت مجوز شدم؛ با این مدرک می توانم در نمایشگاه های مختلفی که از سوی سازمان میراث فرهنگی چه داخلی و چه بین المللی برگزار می شود شرکت کنم.

سبک کارم با نوع کاری که آینه کارهای دیگر انجام می دهند متفاوت است آنها با ترسیم نقوش سنتی و هندسی کار می کنند ولی من طرح را با توجه به ذوق و سلیقه خودم طراحی و به مشتریان نشان می دهم تا اگر تمایل داشتند روی دیوار یا سقف برایشان کار کنم. برای کار در این حرفه و هنر باید نام آور باشی و البته شناخته شده که من هنوز نتوانسته ام در بازار این هنر خود را نشان دهم.

برای داشتن رزومه عملی طرحی را کشیدم و با متولی امامزاده نزدیک محل زندگی مان صحبت کردم او نیز پذیرفت تا کار را در امامزاده سلطان بابا در اصفهان اجرا کنم.

برای آنکه فرد هنرجو بتواند به راحتی با آینه و الماس کار کند و برش های دقیق و بدون نقص درآورد نیاز دارد چندین ماه

تمرین کند تا دستش به راحتی روی شیشه نقش و طرح ایجاد کند.

بتازگی خبری از برگزاری جشنواره کارهای صنایع دستی، معماری، موسیقی و... در کشور فرانسه شنیدم و در پی آن هستم رزومه کاری ام را برای شرکت در این جشنواره ارسال کنم تا اقامت پژوهشی در زمینه هنر آینه کاری را از طریق این کشور دریافت کنم هزینه های اقامت در این مدت با کشور میزبان

ص: ۵۱

است و هنرمندان از سراسر دنیا برای این جشنواره دعوت می شوند. اگر روزمه کاری ام مورد قبول این کشور قرار گیرد برای شرکت در جشنواره دعوت نامه دریافت می کنم.

برای شرکت در این جشنواره باید مدارکی را هم دریافت کنم که شامل مدرک فنی حرفه ای کاشی کاری و آینه بری است.»

بهزیستی تشویق می کند اما حمایت نه!

از این جوان هنرمند اصفهانی پرسیدم چرا برای فراگیری هنر دانشگاه و رشته هنر را انتخاب نکردی که در جواب سوالم می گوید: «مشکلات مالی که داشتم به من اجازه نداد سمت دانشگاه هنر رفته و از پایه هنر را بیاموزم.

وقتی برای دانشگاه اقدام کردم باید از سازمان بهزیستی معرفی نامه دریافت می کردم و با مراجعه به سازمان به در بسته خوردم و گفتند نمی توانیم هزینه دانشگاه تان را پرداخت کنیم. بهزیستی هیچ هزینه تحصیلی برای من پرداخت نکرد و گفتند به هر معلولی هزینه دانشگاه تعلق نمی گیرد.

با توجه به شرایط کاری بی ثبات و درآمد اندکی که از فروش آثارم دارم نمی توانستم هزینه دانشگاه را پرداخت کنم به همین دلیل در پی تحصیل دانشگاهی نبودم.

از طریق انجمن نابینایان و کم بینایان و پیگیری های مداومی که داشتم موفق شدم استاد چرم دوزی را که تمایل برای آموزش نابینایان و کم بینایان دارد بیابم و مذاکراتی هم با سازمان بهزیستی اصفهان انجام دادم تا مکانی را برای این کلاس به ما اختصاص دهند چند جلسه اول را مجبور شدیم در اتاق کوچک انجمن کلاس را با تعداد انگشت شمار برگزار کنیم تا اینکه بهزیستی اتاق کوچکی در اختیار گروه چرم دوزی قرار داد.

این اتاق آنقدر کوچک است که نتوانستیم برای آموزش و پذیرش هنرجو فراخوان دهیم. اگر تعداد افراد آموزش دیده بیشتر می شد می توانستیم با ریزنی با کارگاه های چرم دوزی از آنها سفارش بگیریم و کار کنیم اما مکان کوچک این کلاس این اجازه را به ما نمی دهد. «

از او پرسیدم با توجه به مشکل بینایی که داری قدم گذاشتن در راه هنر برایت سخت نبود؟ آیا دیگر افراد با مشکل بینایی را هم به این کار دعوت می کنی؟

«کار هرچه سخت تر باشد نتیجه اش شیرین تر خواهد بود از همه نابینایان و کم بینایانی که علاقه به کار هنر دارند و به واسطه دید محدود یا نابینایی مطلق قدم در این راه نگذاشتند می خواهم که آنها نیز تلاش کنند تا به آنچه که دوست دارند دست یابند دید محدودی که دارم باعث نشد پا روی علاقه و ذوق هنری ام بگذارم.

اگر به دنبال کارهای دیگر می رفتم در زندگی کمبود هنر را احساس می کردم و این امر می توانست روی خلق و خو و حتی

کارم تاثیر منفی بگذارد چرا که هر کاری به جز هنر نمی تواند روحم را ارضا کند و باعث آرامشم شود. اگر دست به هر کاری می زدم غیر از هنر بعد از مدتی دچار روزمرگی می شدم و ذوق هنری ام برای همیشه کور می شد.

بیشتر افراد فکر می کنند ما معلولان که مشکل بینایی هم داریم کار هنری را انجام می دهیم که چه چیزی به دست آوریم، در هنر که پول نیست اما شاید اگر این جمله به گوش مسئولان برسد و از هنر و

ص: ۵۲

هنرمند به ویژه معلولان هنرمند حمایت کنند افراد بیشتری به سمت علاقه خود کشیده می شوند اما این منوط به حمایت است و حمایت است و حمایت.»

### **«برقراری ارتباط مهمترین معضل ناشنوایان: گفت و گو با رضا غلامی سلطان مرادی مسئول کارگروه ناشنوایان سازمان بهزیستی» محدثه جعفری، ۲۴ فروردین ۱۳۹۶.**

«برای گرفتن گواهینامه در یکی از مراکز آموزش رانندگی ثبت نام می کند. حال نوبت به کلاس های تئوری رسیده است مسئول آموزش با کتاب راهنمایی و رانندگی که در دست دارد وارد کلاس می شود. به خاطر قد و قامت بلندی که دارد به او می گویند باید انتهای کلاس بنشینی، او سکوت می کند و در آخرین صندلی می نشیند.

مربی شروع به صحبت در خصوص قوانین و ماشین و... می کند تمام نگاهش را به لب های مربی دوخته تا بتواند دریابد او چه می گوید. اما مربی تند حرف می زند و خواندن لب ها نمی تواند کمک چندانی به یادگیری او کند. کتاب را حفظ است اما مطالبی را که متوجه نشده را هم نمی تواند سؤال کند. چرا که او ناشنوا است و قدرت تکلم هم ندارد.»

برقراری رابطه و گفتمان با دیگر اعضای جامعه یکی از مسائل و مشکلاتی است که اکثر ناشنوایان با آن دست و پنجه نرم می کنند و هر روز با آن درگیراند چرا که برای انجام کار ساده اداری هم نمی توانند تنها به سازمانی مراجعه کنند. حضور یک رابط ناشنوا در هر اداره و سازمان ضروری است تا این گروه از معلولان هم بتوانند به صورت مستقل کارهای روزمره شان را انجام دهند به همین منظور با مسئول کارگروه ناشنوایان سازمان بهزیستی به گفت و گو پرداختیم که در ذیل می خوانید.

رضا غلامی سلطان مرادی، معاون دفتر توانبخشی روزانه و توان پزشکی و مسئول کارگروه ناشنوایان سازمان بهزیستی با اشاره به راه اندازی مرکزی برای رابط ناشنوایان گفت: «ناشنوایان به دلیل محدودیت ارتباطی که دارند نمی توانند هنگام ورود به ادارات و سازمان های مختلف، بیمارستان ها و... نیازهای خود را بیان کنند از این رو با مشکلات فراوانی مواجه هستند.

در کشورهای مختلف اقداماتی را برای رفع این مشکل انجام دادند. ایران هم همچون کشورهای دیگر اقداماتی را در دست انجام دارد که شروع کار در استان خراسان رضوی کلید خورد.

سازمان بهزیستی استان خراسان رضوی به صورت ابتکاری تفاهمنامه ای با انجمن ناشنوایان خراسان رضوی منعقد کرده است که بر اساس آن رابط مترجم برای افراد دارای مشکل شنوایی را تأمین کند تا نیازهای مکالمه ای این معلولان را در ادارات دولتی، غیر دولتی، دادگاه ها، بیمارستان ها و... پوشش دهیم.

وی ادامه داد: در همه استان های کشور مترجم های رابط وجود دارند این افراد با فراگیری زبان اشاره صحبت های دیگران را برای معلول ناشنوا و صحبت های شهروند ناشنوا را برای دیگر افراد



ترجمه می کنند. با انعقاد این تفاهمنامه در خراسان رضوی مترجم های رابط شماره تلفن خود را در سیستم مرکز مورد نظر ثبت می کنند.

از طرفی اگر معلول دارای مشکل شنوایی بخواهد به اداره ای مراجعه کند با مرکز مربوطه تماس گرفته و درخواست یک مترجم رابط می کند. مرکز نیز یکی از مترجمین خود را به فرد ناشنوا معرفی می کند، حضور هر مترجم کنار ناشنوا در سامانه که به همین منظور طراحی شده ثبت می شود و دستمزد این افراد پرداخت می شود.

غلامی با اشاره به اینکه دستمزد این مترجمین ساعتی محاسبه می شود بیان کرد: هیچ هزینه ای بر عهده فرد ناشنوا نخواهد بود و این خدمت به صورت کاملاً رایگان در اختیار آنها قرار می گیرد.

مسئول کارگروه ناشنوایان سازمان بهزیستی با بیان آنکه این طرح بسیار کارآمد است گفت: تصمیم گرفتیم آن را در استان های دیگر هم گسترش دهیم تا پوششی همگانی را برای افراد ناشنوا ایجاد کنیم. استان تهران در این زمینه پیشقدم شده است اما هنوز به مرحله تفاهمنامه نرسیده ایم.

برای کمک به ذهنیت دیگر مدیران بهزیستی استان ها این تفاهمنامه را برایشان ارسال کردیم تا آنها نیز بتوانند از این ایده استفاده کنند و نیازهای ناشنوایان را حتی در دانشگاه ها مرتفع سازند.

وی با اشاره به تفکرات دیگری که در این زمینه وجود دارد، گفت: حضور رابط ناشنوا در دانشگاه ها هم بسیار مفید خواهند بود چرا که از این طریق دانشجویان ناشنوا می توانند از تحصیلات عالی در بیشتر رشته ها بهره مند شوند.

ما در آغاز راه هستیم و تمام موارد ذکر شده یا در حد ایده است یا به صورت پایلوت در یک استان اجرایی شده است. برای همکاری بیشتر انجمن ها یا سازمان های مردم نهاد مرتبط با ناشنوایان هر استان می توانند با گفت و گو و برگزاری جلسات مختلف این طرح را با همکاری معاونت توانبخشی بهزیستی همان استان راه اندازی و اجرایی کنند.

غلامی در پاسخ به این سؤال مبنی بر اینکه آیا تغییراتی در زبان اشاره صورت گرفته است یا نه، عنوان کرد: کارگروه معلولان برای همه گروه های معلولیت در سازمان بهزیستی راه اندازی شده است. در کارگروه ناشنوایان مسائل مربوط به این گروه را بررسی می کنیم یکی از بحث هایی که در این کارگروه مطرح شد بحث کمیته پژوهش زبان اشاره است. این کمیته سعی می کند مطالب و اشاراتی که مصطلح هستند و از لحاظ سیاسی، اقتصادی و... بار غیر متعارف نداشته باشد را وارد زبان اشاره کند. آنچه که این کمیته مد نظر دارد سروسامان دادن به این گونه کلمات و یکپارچه سازی آن است. بطور مثال در گذشته برای کلمه «دانشگاه» حرکات خاصی را ترجمه می کردند اما این حرکت اکنون تغییر کرده است. وی در پایان صحبت هایش با اشاره به تعلیم طلاب برای رابط ناشنوایان گفت: دفتر آیت الله العظمی وحید خراسانی مد ظله العالی جلساتی را با مسئولان سازمان بهزیستی داشته تا بتواند تعدادی از طلاب خود را به زبان اشاره برای آگاه سازی ناشنوایان به احکام شرعی و اسلامی آموزش دهد. تا ناشنوایانی که سؤالات مسائل شرعی دارند، بتوانند با این طلاب به زبان خودشان گفت و گو کنند.»

بیش از یک دهه است که جشنواره تئاتر معلولان توسط سازمان بهزیستی برگزار می شود. این جشنواره در دوره های مختلف منطقه ای، کشوری و بین المللی خود، توانسته به جایگاهی برسد که امروز از سوی هنرمندان تئاتر، به عنوان یک جشنواره رسمی دارای هویت مستقل شناخته شده است. متولیان برگزاری این جشنواره، بعد از این سال ها، به دنبال معرفی این رویداد مهم هنری معلولان نه در قالب یک اتفاق هنری صرف، بلکه قالبی درمانی هستند. همین رویکرد، کمک کرده تا منتقدان تئاتر، از زاویه ای درمانی آن را بررسی کنند. حضور کارشناسان و مدرسان مطرح تئاتر به عنوان اعضای هیأت داوران این جشنواره، به افزایش سطح اعتبار آن کمک شایانی کرده، نمونه قابل توجه این مهم، چهارمین جشنواره بین المللی تئاتر معلولان است که آذرماه سال گذشته در اصفهان و با حضور بزرگان تئاتر کشور در کسوت هیأت داوران برگزار شد. بی شک راه زیادی مانده تا این جشنواره بتواند خود را به قله رفیعی که متولیان انتظار دارند، برساند. امسال نیز مثل سال های گذشته، جشنواره تئاتر معلولان در سطح منطقه ای از ۲۹ آبان ماه جاری کار خود را آغاز می کند تا بعد از طی کردن این مرحله، پنجمین دوره بین المللی خود را برگزار کند. گفت و گوی حاضر با دبیر جشنواره، روشن می کند که امسال و در بخش منطقه ای، کیفیت این جشنواره هنری-درمانی چگونه خواهد بود. البته که ارزیابی نهایی را باید به بعد از برگزاری این دوره و حتی دوره پنجم بین المللی گذاشت، اما آنچه در این گفت و گو روشن می شود، برنامه های تازه ای است که دبیرخانه جشنواره پیش بینی کرده است. افسانه فخری، دبیر جشنواره که خود تحصیلات تئاتری را تا مقطع دکترا در هند به پایان برده است، در گفت و گو با «توانش»، از دغدغه ها و برنامه های خود و سازمان متبوعش برای جشنواره منطقه ای تئاتر معلولان می گوید.

فکر می کنم قبل از پرداختن به رویکرد های تازه سازمان درخصوص جشنواره امسال، بد نیست تیتروار به مناطقی که جشنواره در آنها برگزار می شود و همچنین تعداد متن های ارسالی و متن های پذیرفته شده اشاره کنید.

همان طور که می دانید، جشنواره بین المللی تئاتر به صورت دو سالانه برگزار می شود، اما جشنواره منطقه ای را هر سال برگزار می کنیم. اتفاق خوبی که امسال رخ داده، برگزاری جشنواره در شش منطقه در شش ماه دوم سال جاری است. قبلاً به این شکل بود که بعضی از مناطق قبل از سال جدید و بعضی دیگر بعد از سال جدید برگزار می شدند. مناطق هم براساس ویژگی های بومی و فرهنگی تقسیم بندی شده اند. بر این اساس، منطقه «طلوع» شامل استان های آذربایجان شرقی و غربی، قزوین، زنجان و اردبیل است که به میزبانی استان اردبیل از ۲۹ آبان تا ۲ آذر برگزار می شود. تعداد ۶۵ نمایشنامه به دبیرخانه ارسال شده که ۱۹ اثر بازبینی شد و از این تعداد، ۱۱ اثر به جشنواره راه یافت. منطقه بعدی، «کاسپین» است که پنجمین دوره آن شامل استان های مازندران، گیلان، گلستان، سمنان و خراسان شمالی است که به میزبانی گیلان از ۶ تا ۹ آذر ماه برگزار می شود. در این

منطقه ما ۱۰۳ متن نمایشی داشتیم که ۳۸ متن بازبینی شد و از این تعداد، ۱۴ متن امکان حضور در جشنواره را پیدا کرد. سومین منطقه «کویر» شامل استان های یزد، کرمان، خراسان رضوی، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان است که امسال چهارمین دوره آن به میزبانی خراسان جنوبی از ۱۳ تا ۱۷ آذر ماه برگزار می شود. از میان آثار ارسالی، ۱۷ اثر به جشنواره راه یافته است. منطقه بعدی «زاگرس» که شامل استان های لرستان، کردستان، ایلام، همدان و کرمانشاه است. جشنواره این منطقه، به میزبانی استان کرمانشاه از ۱۶ تا ۲۰ آذر برگزار می شود. در این منطقه هم از میان ۱۱۷ اثر، ۱۸ اثر به جشنواره راه یافته است. منطقه بعدی «خلیج فارس» شامل استان های هرمزگان، بوشهر، خوزستان، فارس و کهگیلویه و بویراحمد است که از ۹ تا ۱۲ اسفند به میزبانی کهگیلویه و بویراحمد برگزار می شود. آخرین منطقه هم «آفتاب» شامل استان های اصفهان، چهارمحال و بختیاری، مرکزی، قم، تهران و البرز است که به میزبانی چهارمحال و بختیاری از ۱۲ تا ۱۵ اسفند ماه برگزار می شود. استثنائاً این منطقه شامل ۶ استان است. در مورد آثار رسیده به دو منطقه اخیر، هنوز آمار دقیقی ندارم، چون فعلاً در مرحله بازخوانی هستند. علاوه بر جشنواره های منطقه ای، امسال جشنواره استانی بوشهر را هم داریم که چهاردهمین دوره آن برگزار می شود.

ویژگی این جشنواره به غیر از قدمت آن چیست که مشخصاً به آن اشاره کردید؟

حضور خود معلولان به عنوان اعضای دبیرخانه. یکی از اهداف ما این است که یاریگر بچه های علاقه مند باشیم. به این شکل که از دوستان معلولی که دارای تحصیلات تئاتر و سینما هستند، حمایت کنیم. بر همین اساس، دبیر این دوره از جشنواره استانی بوشهر، آقای فیاض بخش که از بچه های کم بینا و دارای مدرک کارشناسی سینما و کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی است، انتخاب شده؛ جالب آنکه او اعضای دبیرخانه جشنواره را با فضایی تلفیقی از میان معلولان و افراد غیر معلول انتخاب کرده است.

جدا از تحصیلات تخصصی این دبیر کم بینا، داشتن کارنامه قابل قبول هنری در سطح استان شامل تولید چند مستند و نوشتن چندین نمایشنامه، انگیزه ما را در انتخاب چنین نیروی پر شوری تقویت کرد. این نکته را هم اضافه کنم که ما به دنبال جدا سازی معلولان از گروه های غیر معلول نیستیم، اما در مواردی مثل این، بواسطه داشتن سوابق درخشان، کار را بر عهده گروه های معلول می گذاریم.

معیار اصلی شما در انتخاب متون نمایشی جهت حضور در جشنواره چیست؟

قطعاً داشتن ویژگی های هنری. درست است که پایه اصلی جشنواره های ما بحث درمانی است، اما این دلیل نمی شود که ویژگی های هنری را نادیده بگیریم. به هر حال باید نمایش های راه یافته به جشنواره این خصلت را داشته باشند که مخاطب را به سالن ها بکشند تا مخاطب بعد از تماشای آن نمایش، به دیگران هم پیشنهاد کند که آن را ببینند. موضوع توانبخشی را قبلاً انجام داده ایم و عملاً الان در زمینه داشتن ویژگی درمانی تئاتر، مشکلی نداریم.

آیا برای جشنواره بین المللی سال آینده از الان برنامه ریزی کرده اید یا منتظر هستید تا بعد از جشنواره های منطقه ای و براساس نمایش های برگزیده برنامه ریزی کنید؟



برای جشنواره بین‌المللی تصمیم‌نداریم از مناطق انتخاب کنیم؛ چون این جشنواره دو سالانه است، این آسیب وجود دارد که در این فاصله، بعضی از گروه‌ها تعطیل شوند یا متن‌ها کیفیت لازم جهت حضور در سطح بین‌الملل را نداشته باشند. بنابراین برای جشنواره بین‌المللی، فراخوان مستقل اعلام می‌کنیم؛ البته اگر اعتبارات لازم تأمین شود، سال آینده این جشنواره را خواهیم داشت، در غیر این صورت، جشنواره بین‌المللی به صورت سه سالانه برگزار می‌شود.

امسال کیفیت متون ارسالی نسبت به قبل در چه سطحی است؟

یکی از مشکلات بزرگی که داریم، اصرار کارگردان‌های غیر معلول نمایش‌ها در نوشتن متون است. منکر این نیستیم در میان معلولان نمونه‌های خوبی داریم که قلم قابل‌قبولی دارند، اما اغلب کارگردان‌ها که از افراد غیر معلول هستند، فشار می‌آورند حتماً نمایشنامه را خودشان بنویسند. عموماً این نمایشنامه‌ها ضعف‌های زیادی دارند. به همین علت، امسال تصمیم گرفتیم در جشنواره‌های منطقه‌ای، بخش نمایشنامه‌نویسی را هم بگنجانیم تا از فضای تک‌بعدی خارج شویم. بی‌تعارف باید این نکته را در نظر داشته باشیم تا آنجا که ممکن است، از شعارزدگی فاصله بگیریم. اینکه در متون نمایشی حتماً مسائل و مشکلات معلولان مطرح شود، باعث می‌شود که مخاطب رغبتی به تماشای آن نمایش نداشته باشد. بر این اساس، فضا را برای نوشتن نمایشنامه در بخش نمایشنامه‌نویسی آزاد گذاشتیم تا موضوعات دیگری غیر از مسائل و دغدغه‌های معلولان هم مطرح شوند. متأسفانه بعضی از کارگردان‌ها به دلایل مختلف مثل عدم راهیابی به جشنواره‌های کشوری و حتی بین‌المللی، فکر می‌کنند که کار در حوزه تئاتر معلولان راحت است؛ حال آنکه وضعیت کاملاً برعکس تصور آنهاست. به همین علت پشت‌بچه‌ها خود را پنهان می‌کنند و با نوشتن متون ضعیف، پیش می‌روند و وقتی کارشان رد می‌شود، سر و صدا می‌کنند که: کار معلولان را جدی نمی‌گیرند و به حقوق آنان اهمیت نمی‌دهند و از این قبیل حرف‌ها. در واقع با گنجاندن بخش نمایشنامه‌نویسی، وضعیت را محکم می‌زنیم تا بلکه بتوانیم متون قابل‌قبولی داشته باشیم.

در حاشیه چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر معلولان، طی صحبتی که با چند نفر از معلولان شرکت‌کننده در گروه‌های مختلف نمایشی داشتیم، از نبود حمایت‌های سازمان بهزیستی و ادارات ارشاد استان‌هایشان گله‌مند و معتقد بودند که نبود حمایت‌های لازم از سوی این دو نهاد، باعث می‌شود که امکان اجرای عمومی را نداشته باشند یا در صورت امکان نمایش عمومی، با عدم اقبال مردم مواجه شوند.

ببینید هر سازمان مسئولیت‌های تعریف شده خود را دارد. سازمان بهزیستی متولی خدمات رفاهی و اجتماعی معلولان است، اما خدمات هنری را باید نهادی مثل وزارت ارشاد ارائه دهد. سازمان بهزیستی سالن نمایش ندارد. این مکان باید از سوی وزارت ارشاد ارائه شود، چنان‌که برای دیگر شهروندان ارائه می‌دهد. ما بر این مبنا که هنر می‌تواند جنبه درمانی و توانبخشی جسمی و روحی برای معلولان داشته باشد، زمینه‌های هنری مثل تئاتر و هنرهای تجسمی را به بدنه سازمان تزریق کردیم و توانستیم تأمین اعتبار کنیم؛ گرچه اعتبارمان کم است، اما در حیطه مسئولیت‌هایمان عمل کردیم. می‌ماند بحث مناسب‌سازی سالن‌های نمایشی که باز برعهده ماست و سعی کردیم حتی الامکان در آن زمینه قدم‌هایی برداریم، اما خدمات تکنیکی و هنری حقیقتاً برعهده وزارت ارشاد

و ادارات تابعش در استان هاست. وزارت ارشاد باید همکاری هایش را با ما توسعه دهد. پیش آمده که بچه ها به ما گله کرده اند و گفته اند که به اداره ارشاد استانشان مراجعه و تقاضای سالن کرده اند، در پاسخ این جمله را شنیده اند که به بهزیستی مراجعه کنید. مگر سازمان بهزیستی سالن نمایش دارد یا می تواند بلیت فروشی و تبلیغات بکند؟ قبلاً هم گفتیم، همه واقعیت این نیست، متأسفانه متون ضعیف زیاد داریم. همیشه نمی توانیم وزارت ارشاد را متهم کنیم. با این حال، مواردی هم داریم که کارشان واقعاً درخور توجه است. به عنوان نمونه مؤسسه باران مشهد را مثال می زنم که با مدیریت آقای حمید کیانیان، برادر آقای رضا کیانیان اداره می شود. آقای کیانیان با استفاده از متون خوب، توانسته در ۲۵ استان به اجرای نمایش بپردازد. چرا؟ چون کاملاً حرفه ای عمل می کند. این طور هم نیست که بگوییم با فلان نهاد ساخت و پاخت کرده، متن خوبی دارد، مدیر روابط عمومی دارد و امکان بلیت فروشی را پیدا کرده، خب ارشاد استان ها هم با او و گروه معلولش همکاری می کنند.

به مناسب سازی اشاره کردید. در این زمینه هم باز با اعتراضاتی در همین جشنواره بین المللی چهارم مواجه بودیم.

همکاران من قبل از هر جشنواره اقدام به مناسب سازی سالن های نمایش استان ها می کنند، اما با معضل بعضی از ادارات ارشاد مواجهیم. استدلال آنها این است که ما نمی توانیم دکور های سالن هایمان را به خاطر مناسب سازی دائمی شما به هم بریزیم. بر این اساس، مجبور می شویم با نصب رمپ های موقت، سالن ها را مناسب سازی کنیم. در بازدیدی که از یکی از استان ها داشتم، مدیر ارشاد آن استان می گفت که مگر ما چند معلول در این استان داریم که بخواهیم سالن مان را مناسب سازی کنیم. همین جشنواره بین المللی که شما اشاره کردید، برای ما مسأله ساز شده بود. سالن های استان اصفهان اصلاً مناسب نبود، نه برای معلولان، حتی برای گروه های غیر معلول. یکی از آن سالن ها کفپوش نداشت، ما کفپوش برایش ساختم یا یکی دیگر که پروژکتور نداشت و ما مجبور شدیم برای آنجا پروژکتور اجاره کنیم. البته در این میان بعضی از استان ها هم خیلی خوب همکاری می کنند؛ مثلاً استان خراسان جنوبی واقعاً همدلانه همکاری می کند. با این حال نمی توانم منکر شوم از زمانی که جشنواره های منطقه ای را برگزار می کنیم، کم کم این موضوع مناسب سازی به یکی از دغدغه های مسئولان ارشاد استان ها بدل شده است.

برگزاری کارگاه های آموزشی هم از مواردی بود که در صحبت با دوستان شرکت کننده دریافتیم. در این زمینه آیا اقداماتی انجام شده؟

خیلی ها تصور غلطی از کارگاه های آموزشی دارند؛ فکر می کنند با برگزاری آن کارگاه ها به یک کارگردان یا بازیگر حرفه ای در تئاتر معلولان تبدیل می شوند. من که ۱۲ سال تحصیلات تئاتر دارم، کارم می لنگد، چطور می توانم ادعا کنم که با شرکت در کارگاه های آموزشی می توانم حرفه ای شوم؟ علاوه بر این، در سطح تئاتر حرفه ای کشور هم با کلی متن ضعیف مواجهیم، چه رسد به تئاتر معلولان. بنابراین نباید این تصور ایجاد شود که کارگاه های آموزشی همه چیز را تمام و کمال

می آموزند. ما در این زمینه اقدام به برگزاری کارگاه به صورت پودمانی برای دو گروه معلول و غیرمعلول کردیم. در این کارگاه، شیوه های کار با معلولان، گرفتن بازی از آنها، مهارت های لازم در بحث تئاتر کاربردی آموزش داده می شود. این مباحث توسط کارشناسان ما به استادان آموزش داده می شود و آن استادان، آموخته های خود را به استان ها برده و در آنجا به گروه های شرکت کننده می آموزند.

اگر بخواهیم جشنواره های منطقه ای امسال را با جشنواره های سال های قبل مقایسه کرده و به وجوه تمایز امسال برسیم، این امتیازات چیست؟

ما در دو زمینه نسبت به قبل اقدامات تازه ای انجام دادیم. نخست اضافه کردن بخش نمایش نویسی در جشنواره های منطقه ای و همچنین ایجاد ارتباط نویسنده ها با استادان فن به منظور رفع اشکالات متن ها. دوم، حمایت از معلولانی که به دنبال تشکیل تشکل های کمپانی محور هستند. این تشکل ها به عنوان بازوی اجرایی سازمان می توانند در زمینه هایی مثل تولید اثر، اجرا و مسائل مربوط به آنها فعالیت کنند.

می ماند سخن پایانی و برنامه های بلند مدتی که در دست اقدام دارید.

از سال ۹۴ برنامه ای تحت عنوان تقویت و توسعه هنر درمانی ویژه مراکز نگهداری معلولان را شروع کردیم. در مرحله اول، معلولان ذهنی زیر و بالای ۱۵ سال را در نظر گرفتیم که تعداد این مراکز چون زیاد است، برای حدود ۷۰۳ مرکز، ۷۰۳ اتاق هنر تجهیز کردیم. در این اتاق های هنر، مربیان متخصصی که آموزش دیده اند، در زمینه های موسیقی و هنر های تجسمی با معلولان کار می کنند. اخیراً هم هنر های نمایشی در دو گونه سایه و نمایش با دستکش را شروع کردیم. ضمناً با این تفکر که هنر تئاتر باید از دوران کودکی به معلولان آموزش داده شود، کارگاه هایی پیش بینی کردیم که افراد شیوه های مختلف در زمینه آشنایی کودکان معلول با تئاتر را یاد گرفته و در مدارس به گروه سنی کودک و نوجوان معلول آموزش می دهند.

علاوه بر این، در زمینه اشتغال هم اقدام به فعالیت هایی مثل مذاکره با هتل های معروف استان ها به منظور ایجاد نمایشگاه های آثار هنری در زمینه هایی مثل هنر های تجسمی معلولان انجام می دهیم. به این شکل که در صورت پذیرش هتل ها از این طرح، آثار معلولان در اتاق های هتل های مشهور استان ها قرار داده می شود و مسافران هتل در صورت تمایل به خرید، می توانند با مراجعه به بخش پذیرش هتل، اثر مد نظر خود را خریداری کنند. در کنار این طرح، راه اندازی کافه گالری معلولان را هم در نظر داریم. در این کافه گالری ها، اداره امور کافه برعهده گروه های معلول است.

به این شکل که مثلاً نابینایان در گوشه ای برنامه های هنری موسیقی اجرا می کنند یا ناشنوایان خدمات ارائه می دهند یا در صورت امکان، نمایش های کوچک با حضور دو یا سه بازیگر برای مشتریان اجرا می شود. این طرح به صورت آزمایشی قرار است دی ماه امسال در بیرجند اجرا شود که با نظارت دفتر توانبخشی روزانه سازمان بهزیستی صورت می گیرد.

## «بهره مندی از کمک دولت برای بیمه زنان دارای معلولیت: یکی از مدیران تأمین اجتماعی در گفت و گو با «ایران» داد»، حمید داوودی، ۱۷ فروردین ۱۳۹۶.

حداکثر سن پذیرش تقاضا برای استفاده از تسهیلات بیمه، ۵۰ سال تمام در زمان ارائه درخواست است و چنانچه سن متقاضی در زمان ثبت تقاضا بیش از سن مذکور باشد پذیرش درخواست وی منوط به داشتن سابقه پرداخت حق بیمه قبلی معادل مدت مازاد سن نسبت به ۵۰ سال خواهد بود. بیمه شدگان زنان خانه دار می توانند با دارا بودن ۳۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه و ۴۵ سال سن یا ۲۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه و ۵۵ سال سن از مستمری بازنشستگی بهره مند شوند. همچنین بیمه شدگان موصوف می توانند با پرداخت حق بیمه مقرر (با توجه به نرخ و دستمزد مبنای پرداخت حق بیمه) برابر مقررات از مزایا و حمایت های موضوع قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی آن به ترتیب زیر بهره مند شوند.

افراد دارای معلولیت با توجه به شرایط جسمی که دارند هر چند تحصیل کرده اما مشکل بیکاری گریبانگیرشان است. نداشتن اشتغال معضل هر مرد و زن دارای معلولیتی است که این امر برای زنان ملموس تر است چرا که زنان معلول شرایط متفاوت تری از لحاظ تحصیل، اشتغال و ازدواج دارند. شاغل نبودن بانوان معلول مشکلات فراوانی را برای این قشر از افراد جامعه ایجاد کرده است این امر سبب شد تا گفت و گویی با یکی از مدیران سازمان تأمین اجتماعی داشته باشیم تا بدانیم که آیا بانوان دارای معلولیت می توانند از بیمه زنان خانه دار بهره مند شوند و چه تسهیلاتی شامل حال این بانوان می شود؟

منصور آتشی مدیرکل امور فنی بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی در جواب سؤال ما مبنی بر اینکه شرایط بیمه زنان خانه دار برای زنان دارای معلولیت یا بانوانی که همسر و فرزند معلول دارند، چگونه است، گفت: «چنانچه فردی به عنوان زن سرپرست خانوار یا مددجو تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) یا سازمان بهزیستی کشور باشد و توسط مراجع یاد شده به سازمان تأمین اجتماعی معرفی شود در صورت احراز شرایط مقرر این قبیل از متقاضیان می توانند با بهره مندی از کمک دولت بابت بخشی از حق بیمه پرداختی که از محل منابع حاصله از هدفمند سازی یارانه ها تأمین می شود تحت پوشش تعهدات قانونی مقرر در قانون بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد قرار گیرند.

شرایط سنی برای بهره مندی از بیمه زنان خانه دار به این شرح است: الف - حداکثر سن پذیرش تقاضا

۵۰ سال تمام در زمان ارائه درخواست است و چنانچه سن متقاضی در زمان ثبت تقاضا بیش از سن مذکور باشد پذیرش درخواست وی منوط به داشتن سابقه پرداخت حق بیمه قبلی معادل مدت مازاد سن نسبت به ۵۰ سال خواهد بود.

ب - حداقل سن پذیرش تقاضا ۱۸ سال تمام در زمان ارائه درخواست بوده لیکن در صورتی که گواهی رشد توسط متقاضی ارائه شود، قبول درخواست با رعایت سایر شرایط مقرر میسر خواهد بود.»



آتشی در پاسخ به سؤال دیگری مبنی بر اینکه بانوانی هستند که در مقطعی از زندگی شاغل بوده و بعد از چند سال به هر دلیلی خانه دار شدند، حال شرایط برای این افرادی که چند سال پرداختی حق بیمه داشتند چگونه است؟ گفت: «متقاضیان این نوع بیمه در صورت تمایل می توانند با مراجعه به نزدیکترین شعبه تأمین اجتماعی محل سکونت خویش و با در دست داشتن مدارک شناسایی از قبیل شناسنامه و کارت ملی و در صورت وجود دفترچه بیمه، نسبت به ارائه درخواست و انعقاد قرارداد بیمه اقدام کنند.

وی با اشاره به شرایط بازنشستگی در طرح بیمه زنان خانه دار گفت: که بیمه شدگان زنان خانه دار می توانند با دارا بودن ۳۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه و ۴۵ سال سن یا ۲۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه و ۵۵ سال سن از مستمری بازنشستگی بهره مند شوند. همچنین بیمه شدگان موصوف می توانند با پرداخت حق بیمه مقرر (با توجه به نرخ و دستمزد مبنای پرداخت حق بیمه) برابر مقررات از مزایا و حمایت های موضوع قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی آن به ترتیب زیر بهره مند شوند.

الف: بیمه بازنشستگی و فوت بعد از بازنشستگی با نرخ حق بیمه ۱۴ درصد (۱۲ درصد سهم بیمه شده + ۲ درصد سهم دولت)

ب: بیمه بازنشستگی و فوت قبل و بعد از بازنشستگی با نرخ حق بیمه ۱۶ درصد (۱۴ درصد سهم بیمه شده + ۲ درصد سهم دولت)

ج: بیمه بازنشستگی، از کارافتادگی کلی و فوت با نرخ حق بیمه ۲۰ درصد (۱۸ درصد سهم بیمه شده + ۲ درصد سهم دولت)

متقاضیان در صورت تمایل می توانند با پرداخت حق سرانه درمان مصوب هیأت محترم وزیران برای خود و افراد تحت تکفل از خدمات درمانی بهره مند شوند.

آتشی تاکید کرد: همه ساله با توجه به افزایش دستمزد مصوب شورای عالی کار، میزان حق بیمه نیز افزایش می یابد.

این مقام مسئول در پاسخ به سؤال ما در خصوص مزیت این نوع بیمه برای زنان خانه دار تصریح کرد: چنانچه زنان فاقد شغل خاصی باشند می توانند با خوداظهاری به عنوان زن خانه دار از تعهدات قانونی مربوط به بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد حسب مورد شامل بازنشستگی، فوت و از کارافتادگی کلی و خدمات درمانی بهره مند شوند.

مدیرکل امور فنی بیمه شدگان تأمین اجتماعی در پایان صحبت هایش در پاسخ به اینکه چه تعداد از بانوان تاکنون تحت پوشش این طرح درآمدند گفت: «تا پایان آبان ماه سال جاری ۹۱، ۷۸۳ نفر از بانوان تحت پوشش این نوع بیمه درآمدند و چنانچه فرزند بیمه شده زن تحت کفالت قانونی وی باشد با پرداخت حق سرانه درمان مصوب، فرزندان تحت تکفل می توانند از خدمات درمانی سازمان تأمین اجتماعی طبق مقررات مربوطه برخوردار شوند.»

## «بیماری های شبکه نایبایان در کشور ثبت می شوند: فوق تخصص و جراح شبکه در گفت و گو با «ایران»، رضیه کباری، ۲۱ تیر ۱۳۹۷»

با بررسی اجمالی داده هایی که روی شبکه جهانی اینترنت قرار دارد درمی یابیم که در کشورهایی مانند امریکا و اروپا مطالعات زیادی روی بیماری های چشم و خصوصاً بیماری های تحلیل رونده شبکه انجام شده است اما کمتر اطلاعاتی از خاورمیانه و بویژه ایران به دست می آید حتی کشور همسایه پاکستان نیز در این زمینه کارهایی را شروع کرده است.

این موضوع در کنار علاقه به حل بیماری های ژنتیکی شبکه انگیزه ای می شود تا دکتر «نارسیس دفتریان» فوق تخصص و جراح شبکه به همراه دکتر «حمیده صباغی» بینایی سنج در پژوهشی که در مرکز تحقیقات چشم دانشگاه شهید بهشتی در بیمارستان لبافی نژاد کلید خورده است کار ثبت ملی بیماری های تحلیل رونده شبکه را آغاز کنند. آنها در یک فراخوان از همه کم بینایان و نابینایانی که یکی از اختلالات تحلیل رونده شبکه را دارند می خواهند برای انجام معاینات کامل چشم پزشکی و دادن نمونه خون برای انجام آزمایش ژنتیک به این مرکز مراجعه کنند. دکتر دفتریان عضو هیأت علمی پژوهشی این مرکز تحقیقات در گفت و گو با «ایران» از لزوم داشتن یک رجیستری ملی بیماری های شبکه می گوید. با وی گفت و گوی انجام دادیم که می خوانید.

کار آزمایش های ژنتیک روی نمونه های خون در کجا انجام می شود؟

ما نمونه خون بیماران را به مراکز تحقیقاتی خارج از کشور می فرستیم مدتی با یک مرکز تحقیقاتی در هلند قرارداد داشتیم و حدود صد نمونه خون را که نیاز داشتند برایشان فرستادیم آن مرکز به ازای هر بیمار ۱۵۰ یورو از ما می گرفت. در حال حاضر نیز با یک مرکز تحقیقاتی در بلژیک همکاری داریم. مزیت اصلی ارتباط با مراکز تحقیقاتی این است که کارها علمی انجام می شود چون مراکز انتفاعی برای اینکه امورشان بگذرد ممکن است داده هایی اعلام کنند که معتبر نباشد یا به برخی از داده ها توجه نکنند. لازمه یک کار تحقیقاتی این است که از مراکز تحقیقاتی کمک گرفته شود ما به داده های معتبری نیاز داریم تا بر اساس آنها بتوانیم با مراکز معتبر دنیا در تماس باشیم. در این پژوهش برای تعیین ژن های خاص بیماران ایرانی؛ از روشی به نام *ngs* استفاده می کنیم. در این روش اگر ژنی که مشکل دارد در پروفایل هایی که به کار می رود وجود داشته باشد نتیجه آزمایش مشخص می شود و گرنه ژن جدیدی را باید کشف کنیم که با روش پل اگروم سکوننس انجام می شود که روش پرهزینه و زمانبری است. تا به حال اطلاعات مربوط به ژن های بیماران ایرانی در مرکزی ثبت نشده است به این دلیل مراکز تحقیقاتی دنیا علاقه مند هستند با ما همکاری داشته باشند. حتی گزارش کردن موارد جدید ژن های بیماری را برای این مراکز تحقیقاتی از لحاظ علمی اعتبار به همراه دارد.

در فراخوان از چه بیمارانی خواسته اید با مرکز تماس بگیرند؟

هر بیمار کم بینا یا نابینا با تشخیص اختلال شبکه که قبلاً به پزشک مراجعه کرده باشد تشخیصی ابتدایی از بیماری خود را می داند از این رو ما از بیماران مبتلا به اختلال اشتار گات؛ RP که به شب کوری معروف است دعوت کرده ایم برای مشارکت در این طرح با ما تماس بگیرند. در این مرکز نمونه خون بیمار برای انجام آزمایش ژنتیک و تعیین ژن معیوب گرفته

می شود و همچنین معاینات کامل چشم پزشکی انجام می شود زیرا برای ثبت ملی بیماری های شبکیه به اطلاعات کامل بیمار نیاز

ص: ۶۲

داریم. همه معاینات و آزمایشات از جمله کار تصویربرداری چشم در این مرکز به صورت رایگان انجام می شود کار معاینه بیمار را نیز خود من انجام می دهم

این طرح پژوهشی از چه زمانی شروع شد؟

از نیمه دوم سال ۹۴ و تا حالا اطلاعات حدود ۶۰۰ بیمار را به صورت کامل ثبت کرده ایم.

ظرفیت این مرکز همین تعداد بوده است؟

خیر. ظرفیت کار در این مرکز بیشتر بوده، روزهایی ما فقط دو تا سه مراجعه کننده داشته ایم ولی الان روزی ۱۵ نفر مراجعه می کنند و ظرفیت تقریباً همین قدر است مگر اینکه مورد خاصی مراجعه کند یا بیماری از شهرستان آمده باشد که بیش از ظرفیت کارش را انجام دهیم.

به بیماران چگونه برای حضور در مرکز نوبت می دهید؟

بیماران با شماره تلفن «۲۲۷۹۵۷۱۵» مرکز تحقیقات تماس می گیرند و اسمشان در نوبت معاینه قرار می گیرد بخصوص آنهایی که از شهرهای دورتری می آیند بر اساس نوبتی که می گیرند مراجعه می کنند. ما بر اساس مشکلی که خود فرد اعلام می کند او را در نوبت معاینه قرار می دهیم ولی در هنگام معاینه و آزمایش ممکن است به تشخیص دیگری برسیم.

برای سهولت شرکت بیماران استان های دوردست چه کار کرده اید؟

برای اینکه بیماران نخواهند از راه های دور به تهران بیایند تعدادی از مراکز شهرستان ها هم برای انجام این کار تعیین شده اند مراکز؛ اصفهان، اهواز، تهران «علوم پزشکی ایران»، تبریز، زاهدان، گیلان، شیراز، مشهد و یزد انتخاب شده اند و شهرهای دیگری هم مانند کرمانشاه به این لیست اضافه خواهند شد.

آیا کار در این مراکز شروع شده است؟

اغلب این مراکز مشکلات مالی دارند. ما مشکلات مالی مرکز تحقیقات را خودمان حل می کنیم و کمک وزارتخانه محدود و با تأخیر به دست ما می رسد. از این رو ما نمی توانیم به این مراکز بودجه ای اختصاص دهیم. بر این اساس قرار شده هر مرکزی با سیاستگذاری خود، مشکلاتش را رفع کند. الان کار در زاهدان و گیلان شروع شده است. کار در یزد هم بزودی شروع می شود. ولی کار در سایر مراکز بعد از تأمین بودجه آغاز خواهد شد.

امکان انجام آزمایش به روش NGS در ایران وجود ندارد؟

خیر. البته قرار است یکی دو مرکز در این زمینه فعالیت داشته باشند ولی با توجه به هزینه ها و اینکه در گیر خرید تجهیزات و وسایل لازم هستند فعلاً امکان همکاری ندارند ولی اگر با هزینه پایین تر برای همکاری با ما ابراز علاقه مندی کنند برای ما

گزارشی که از طرف مرکز شما به بیمار داده می شود شامل چیست؟

گزارش مختصری در مورد این است که در معاینه چه دیده می شود و اینکه آیا با بررسی های دیگر مثل تصویربرداری و EEG و تشخیص ژنتیکی که به ما داده اند همخوانی داشته یا نه؟ ممکن است چند ژن در فردی جهش یافته باشد. همه جهش ها بیماری زا نیستند ممکن است یکی از جهش ها، بیماری زا باشد. ما این جواب را با آنچه از معاینه، تصویربرداری و کارهای پاراکلینیکی تکمیلی به دست آورده ایم مقایسه می کنیم و در نهایت می گوئیم کدام ژن باعث بیماری شده است.

این گزارش از نظر درمان و فرزندآوری چه ارزشی برای بیمار خواهد داشت؟

این گزارش هنوز از نظر درمانی کمکی به بیمار نمی کند اما در زمینه فرزندآوری خیلی کمک کننده است وقتی ژن عامل بیماری در زن، مرد یا هر دو شناسایی شود؛ در صورت بارداری، زن می تواند قبل از پایان ماه سوم بارداری به هر مرکز ژنتیک که بخواهد مراجعه کند و در آنجا با یک آزمایش ساده آمینوسنتز و یک تست کم هزینه متوجه شود آیا جنین به آن اختلال مبتلا شده است یا نه؟ در این حالت و اگر جنین حامل ژن معیوب نباشد خیال والدین راحت می شود و اگر مبتلا باشد برای ختم بارداری زمان و مجوز لازم را خواهند داشت. البته از لحاظ پزشکی هیچ چیز صددرصد نیست به این معنا که امکان دارد در بچه جهش جدیدی پیش آمده باشد اما این مورد برای همه عمومیت دارد و خیلی نادر است ولی ما حداقل می توانیم بگوییم ژن معیوب از طریق والدین یا بستگان به بچه منتقل نشده است.

**«تحصیل دختران را جدی بگیرید حتی اگر نابینا باشند: تأکید نصرالله ابراهیمی، نابینای کردستانی بر ضرورت برنامه ریزی برای آموزش دختران نابینا» محدثه جعفری، ۱۷ فروردین ۱۳۹۶.**

با به دنیا آمدن فرزند هر پدر و مادری دغدغه جدی برای آینده زندگی کودکش دارد که مهم ترین بخش آن تحصیل است، آنچه آینده خوب و درخشانی را می تواند برای هر فردی رقم بزند تحصیل به موقع، خوب و با کیفیت است اما در این گزارش زندگی کسی را ورق می زنیم که به موقع پایش به مدرسه باز نشد و برای رسیدن به جایگاهی که دارد فراز و فرودهای بسیاری را طی کرده است. اما برای آنکه دیگران با این مشکلات دست و پنجه نرم نکنند سعی کرده در حد توان راه را برای دیگر هموعانش هموار سازد؛ هموعانی که از جنس خودش نیستند و به خاطر جنسیت شان شرایط سخت تری را پیش رو دارند.

دکترایی که از تحصیل بازمانده بود

کامیاران یکی از صدها روستای استان کردستان است که نصرالله ابراهیمی سال ۱۳۴۴ در آنجا متولد شد. وقتی ۷ ساله شد نتوانست همچون دیگر همسن و سال هایش به مدرسه برود چرا که روشنائی چشمانش را از دست داده بود و نمی توانست ببیند. ۱۲ ساله شد و در این سال ها به پدر در کارهای کشاورزی و دامداری کمک می کرد. پدر شاهد قد کشیدن فرزند نابینایش بود و برای تحصیل فرزندش به هر دری زد.

سال ۵۶ به یکی از نمایندگان وقت مجلس نامه ای نوشت تا بتواند راه حلی برای تحصیل نصرالله بیابد. بعد از ۸ ماه جواب آمد و این پدر و پسر را به سازمان رفاه تهران معرفی کردند و به آموزشگاه نابینایان «شهید محبی» راه یافتند.

به خاطر سن بالا نمی خواستند قبولش کنند اما با وساطت پدر که پسر می تواند خودش را به بقیه برساند او را ثبت نام کردند.

نصرالله ابراهیمی از تجربیات و تحصیل در مدرسه برایمان می گوید: «وقتی وارد مدرسه شهید محبی شدم تست و مصاحبه دادم و به طور موقت من را ثبت نام کردند. طی دو سال و سه ماه دوره ابتدایی را با جهش تحصیلی تمام کردم و هنگامی که به پنجم ابتدایی رسیدم متوجه شدم اسمم را به عنوان دانش آموز متفرقه نوشتند زمانی که علتش را جویا شدم، گفتند: «تا الان هم به صورت رسمی در مدرسه نبود» کلاس پنجم را به صورت متفرقه پشت سر نهادم و به پایه راهنمایی رسیدم و سه سال راهنمایی را به صورت عادی درس خواندم.

به طور کلی، کلاس اول تا دبیرستان را در مدت ۸ سال و نیم به پایان رساندم. سال ۶۵ در رشته فلسفه وارد دانشگاه شدم و سال ۱۳۷۰ فارغ التحصیل شدم.

دوران اشتغال و کسب و کار را در بنیاد جانبازان به عنوان تلفنچی از سال ۶۷ آغاز کردم. سال ۱۳۷۲ با قبولی در آزمون استخدامی آموزش و پرورش از بنیاد جانبازان استعفا دادم و به این سازمان پیوستم.

به خاطر آنکه در شرایط سختی درس خواندم همیشه به دیگر هموعانم فکر می کردم که آنها با وجود سکونت در روستا های دور افتاده چگونه تحصیل می کنند. با این فکر و انگیزه که بتوانم برای آنها در آموزش و پرورش استثنایی کاری کنم وارد این سازمان شدم.

در سازمان آموزش و پرورش استثنایی به عنوان مسئول روابط عمومی و مشارکت های مردمی کار می کردم و بعد از آن به عنوان کارشناس مسئول توانبخشی فعالیت می کردم.

سال ۱۳۷۵ تصمیم گرفتم ادامه تحصیل دهم و در کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی قبول شده و ادامه دادم. سال ۷۷ به آموزش و پرورش عادی منتقل شدم و کارم را در این سازمان ادامه دادم. شاید برای من که یک معلم نابینا بودم داشتن مقطع تحصیلی ارشد کفایت می کرد اما احساس می کردم هنوز روحم سیراب از این دنیای اطلاعات نشده برای همین تصمیم گرفتم در مقطع دکتری در رشته فلسفه دین درس بخوانم و در حال حاضر روی پایان نامه دکترایم کار می کنم.»

دختران بازمانده از تحصیل را دریابید

نصرالله ابراهیمی به تهران آمد تا به دیگر همسن و سال هایش برسد و از جامعه عقب نماند اما این شرایط چقدر برای دیگر پسران روستایی مهیا است؟ دختران نابینای روستایی چقدر توانستند جزو تحصیلکرده ها باشند؟ نصرالله گزارش ما با تلاش بسیار نه تنها خود را به دیگر دوستانش رساند بلکه از آنها سبقت هم گرفت.

آقای ابراهیمی با اشاره به فعالیت های اجتماعی و «ان.جی.او» ای که دارد، می گوید: از سال ۷۰ که به استان کردستان برگشتم در بسیاری از امور خیریه و تشکل ها شرکت داشتم و در سال ۷۹ انجمن نابینایان را تشکیل دادیم.

۱۰ سال مدیریت انجمن نابینایان را برعهده داشتم، در این سال ها به دو طرح می اندیشیدم اول اینکه باید به کم بینایان در انجمن اهمیت بیشتری دهند که براین اساس اسم انجمن را به انجمن نابینایان و کم بینایان تغییر دادیم. دو پیشنهاد را در انجمن

مطرح کردم یکی اینکه باید به کم بینایان بهای بیشتری دهیم که در این راستا اسم انجمن را به انجمن نابینایان و کم بینایان تغییر دادیم. پیشنهاد دوم ایجاد مرکزی شبانه روزی برای آموزش نابینایان روستایی بود.

ص: ۶۵



هنگامی که در آموزش و پرورش استثنایی مشغول کار شدم با همکاری دوستان و مسئولان یک مدرسه شبانه روزی ویژه پسران را در بیجار به صورت مشترک با استان زنجان راه اندازی کردیم که بعد از مدتی تعطیل شد.

وی ادامه می دهد: سال ۸۷ بود که برای تأسیس یک مرکز آموزشی برای نابینایان بازمانده از تحصیل به سراغ مسئولان بهزیستی استان رفتم اما دستم به جایی نرسید و به توصیه یکی از دوستانم برای ایجاد این مرکز به سمت خیریه ها و مؤسسات مردم نهاد رفتم.

مؤسسه خیریه «دارالاحسان» کارش نگهداری و ارائه خدماتی به دانش آموزان بی سرپرست و بد سرپرست از ۶ تا ۱۸ سال است و طی گفت و گو با هیأت امنای این مؤسسه آنها موافقت کردند یک واحد را به دختران نابینا و کم بینای روستایی اختصاص دهند.

این بخش را به دختران روستایی با مشکل بینایی اختصاص دادیم چرا که این گروه مشکلات بیشتری برای تحصیل دارند و اکثراً خانواده ها حاضر نمی شوند دختران شان را به شهرهای دورتر برای تحصیل بفرستند.

بعد از راه اندازی این مرکز توانستیم ۲۰ نفر از نابینایان و کم بینایان را جذب کنیم که از این تعداد چهار نفر به دانشگاه دولتی راه پیدا کردند و چند نفر را هم برای آموزش بیشتر و تخصصی تر به مراکز شهرها فرستادند، دو نفر هم پشت کنکورند. در حال حاضر ۹ نفر از دختران نابینا و کم بینا در این مرکز زندگی می کنند. بیشتر این دختران از بدو ورود به مرکز آموزشی بیسواد بودند و با تلاش و کوشش خود و معلمان مرکز آموزشی به مقاطع بالا دست یافتند.

ابراهیمی با اشاره به رده سنی این دختران می گوید: دختران با رده سنی متفاوت به این مرکز می آیند به عنوان مثال ما دختر ۳۳ ساله نابینا تا دختر ۱۴ ساله بیسواد داشتیم که برای آمدن به این مرکز چندین مرحله با خانواده هایشان صحبت کردیم تا حاضر شوند دختران نابینای خود را به مرکز آموزشی بسپارند.

در این مرکز آموزشی باید برای تک تک دختران برنامه جداگانه طراحی شود تا بتوانیم با توجه به سن و سال، آموزش های مورد نیازشان را به آنها ارائه کنیم. با این ۹ دانش آموز حدوداً ۳۰ معلم کار می کنند تا بتوانیم شرایط خوبی از لحاظ تحصیل برای آنها ایجاد کنیم.

وی با بیان آنکه تمام هزینه های این مرکز آموزشی را مردم تأمین می کنند، می افزاید: اگر کمک های مسئولان در سازمان های مختلف را داشتیم می توانستیم واحد آموزشی پسران را هم تأسیس کنیم. اما متأسفانه این کمک هزینه ها مشمول مرکز آموزشی ما نشده و فقط خیرین هستند که با شناختی درست از مرکز آموزشی دختران روستایی به ما کمک مالی می کنند.

سازمان بهزیستی برآورد مالی که برای مراکز نگهداری خود داشته است ماهانه هر نفر یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان هزینه دارد اما مرکز آموزشی ما به خاطر محدودیت مالی که دارد ماهانه ۹۰۰ هزار تومان برای هر نفر هزینه می کند.

تمام هزینه های توانبخشی، آموزشی و رفاهی بچه ها با کمک های مردمی و بر عهده مؤسسه خیریه دارالاحسان است. کمک

های سازمان بهزیستی بیشتر فکری و ارائه وسایل توانبخشی

ص: ۶۶

بوده است. آموزش و پرورش استثنایی در تأمین موارد درسی و معلم رابط به ما کمک رسانی می کند، اما بار اصلی کمک ها و هزینه های نگهداری بر دوش افراد خیر است.

این مرکز نه تنها به دختران روستایی بلکه به همه دانش آموزان نابینا خدمات می دهد و کلاس های تقویتی مختلفی همچون ریاضی، عربی و انگلیسی را برای آنها برگزار می کند. این نکته بسیار مهم است که تمام معلم هایی که در این مرکز به دانش آموزان آموزش می دهند به صورت داوطلبانه و خیرخواهانه حضور دارند.

هنگامی که این مرکز را راه اندازی کردیم متوجه شدیم سازمان بهزیستی هیچ دستورالعملی برای نابینایان بازمانده از تحصیل روستایی ندارد و توجه شان هم این است که بچه ها باید کنار والدین شان باشند.

اما خوب است این نکته را یادآوری کنم که در شهرستان ها، روستاهای دورافتاده بسیاری هستند که برای تردد به نزدیک ترین شهر باید حداقل ۴ ساعت در راه باشند که این زمان طولانی برای نابینایان است. یک دختر نابینا و کم بینا اگر بخواهد هر روز در این مسیر رفت و آمد کند بعد از چند روز پشیمان شده و قید درس و آموزش را می زند.

تعصب ناآگاهانه راه پیشرفت دختران نابینا را بسته است

مرکز آموزشی که ما برای دختران روستایی تأسیس کردیم مکانی است تا افرادی بتوانند به صورت شبانه روزی در آن حضور داشته باشند و با حضور در کلاس های پشتیبانی عقب ماندگی تحصیلی خود را جبران کنند. این مرکز مدرسه نیست بلکه مکانی است که بچه ها را از لحاظ درسی پشتیبانی می کند تا بتوانند سال هایی را که از درس و مشق جامانده اند جبران کنند.

در این مرکز آموزشی ما کلاس های مختلفی برای این ۹ نفر برگزار می کنیم تا هم در تقویت درس هایشان کمکی کرده باشیم هم مهارت های زندگی را به آنها آموزش دهیم. کلاس هایی مثل آموزش آشپزی، نگهداری، انجام کارهای روزمره که یادگیری آن برای یک دختر نابینا بسیار حائز اهمیت است. کلاس های ورزشی همچون دو میدانی، شطرنج، گلبال و شنا را هم داریم البته آموزش ورزش به دختران بسته به علائق و توانشان دارد همچنین کلاس آموزشی قرآن و آموزش بافت تابلو فرش را هم برای مشتاقان هنر برگزار کردیم.

از این ۹ نفر دختر بازمانده از تحصیلی که در مؤسسه خیریه دارالاحسان - قسمتی که مربوط به نابینایان است - زندگی می کنند، سه نفر کم بینا و مابقی نابینا هستند.

آقای ابراهیمی در خصوص استقبال خانواده ها از این مرکز می گوید: «استقبال خانواده های روستایی بد نیست اما با توجه به میزان دختران نابینای روستایی می توان گفت، کم است چرا که مسائل فرهنگی و تعصب خانواده ها این اجازه را نمی دهد که دختر نابینایشان در یک مرکز و به دور از خانواده زندگی کند. البته اهمیت درس خواندن این دختران هنوز برایشان جا نیفتاده است و راضی کردن خانواده ها برای تحصیل دخترانشان بسیار دشوار است. پیشرفت کردن در زندگی خواسته و نیاز اساسی هر انسانی است اگر آن فرد دختر نابینای روستایی باشد با توجه به مهیا نبودن شرایط محیطی برایشان این پیشرفت و ارتقای سطح زندگی، بسیار

دشوار تر است.»

ص: ۶۷

نصرالله ابراهیمی با توجه به فراز و نشیب های بسیاری که در زندگی تجربه کرده است اما هیچ گاه دیگر همنوعان خویش را فراموش نکرد. به گفته خودش هر قدمی را که برای کار خیر برداشته خداوند اجرش را در زندگی شخصیش نشان داده است و موفقیت هایش را مدیون همراهی خانواده و همسرش است. وی علاوه بر فعالیت های ذکر شده در این گزارش، مشاور مدیرکل بهزیستی استان در امور معلولان است.

## **«تنها ۳۶۴ «معلم رابط» برای ۴۸ هزار و ۸۳۷ دانش آموز: گفت و گو با محسن غفوریان، معاون آموزش و توانبخشی سازمان آموزش و پرورش استثنایی» لاله باهنر، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵.**

اگر بخواهیم ترسیم درستی از نظام آموزشی در کشورمان داشته باشیم می توانیم بگوییم به دو گونه است: یکی نظام آموزشی عادی که دانش آموزانی در این نظام تحصیل می کنند که بدون مشکل خاصی هستند و دیگری نظام آموزشی که برای دانش آموزانی است که دارای نیازهای ویژه هستند و آموزش و پرورش موظف است در قبال این دانش آموزان متناسب با نیازها و شرایط ویژه ای که دارند خدمات خاصی ارائه دهد. آموزش تلفیقی به معنای ساده اش یعنی: حضور دانش آموزان دارای معلولیت برای تحصیل در کنار افراد عادی در مدارس و دانشگاه ها البته بخشی از دانش آموزانی که دارای نیازهای ویژه هستند در مدارس استثنایی تحصیل می کنند. هر چند تحصیل این دانش آموزان در مدارس عادی توأم با مشکلات متعددی است. به همین بهانه برای پاسخگویی به برخی از مشکلات دانش آموزان دارای معلولیت که در مدارس عادی مشغول به تحصیل هستند به سراغ محسن غفوریان معاون آموزش و توانبخشی سازمان آموزش و پرورش استثنایی رفتیم.

چه تعداد دانش آموز آموزش پذیر در مدارس استثنایی مشغول به تحصیل هستند و سیاست سازمان در قبال این دانش آموزان چیست؟

۷۲ هزار و ۸۹۸ دانش آموز در بیش از ۱۵۰۰ مرکز آموزشی ویژه مشغول تحصیل هستند. در واقع دانش آموزانی که دچار نارسایی های ذهنی و هوشی هستند و این دانش آموزان ۷۳ درصد دانش آموزان با نیازهای ویژه را به خود اختصاص می دهند. البته سیاست سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور برابر با نگاه روز جهانی، فراگیرسازی آموزش و پرورش است.

سازمان آموزش و پرورش استثنایی مدعی است که هم اکنون دارای نظام آموزش فراگیر برای دانش آموزان با نیازهای ویژه است و تاکنون این طرح را به صورت پایلوت نیز اجرا کرده. اما با گزارش های زیادی که از طریق والدین و دانش آموزان مدارس تلفیقی به ما می رسد شاهد وجود مشکلات متعدد برای دانش آموزان نظام تلفیقی هستیم! با توجه به اینکه نظام آموزش فراگیر مدعی ارائه خدمات کامل تری به دانش آموزان استثنایی در مقایسه با نظام آموزش تلفیقی است، وجود مشکلات بسیار برای دانش آموزان استثنایی چگونه قابل پذیرش است؟

وقتی ما اسم فراگیرسازی آموزش و پرورش را می آوریم یعنی ارائه خدمات مناسب با هر نیازی در مدرسه. یعنی هر دانش آموزی با هر نیازی و با هر نارسایی که دارد در نزدیکترین محل آموزشی به محل سکونت خودش ثبت نام کند. وقتی این طور می گوییم یعنی مدرسه ای که در نزدیکترین محل آموزشی

به محل سکونت هر فردی هست باید بتواند به این دانش آموز خدمات دهد. این خدمات بخشی از آن خدمات آموزشی است. نخستین اصلش هم این است که معلم مدرسه آموزش دیده باشد. یعنی تمامی معلمان ما در مدارس بتوانند با هر تفاوت فردی کار کنند و کنار بیایند. به غیر از اینها فضای آموزشی نیز باید پذیرای دانش آموزان با نیازهای ویژه باشد. به عنوان مثال فضای آموزشی باید دارای رمپ باشد و برای دانش آموزان معلول جسمی - حرکتی و نابینا مناسب سازی شده باشد. وسایل کمک آموزشی در آنجا مستقر شده باشد. مدیر و تمام کسانی که در مدرسه کار می کنند آموزش های لازم در مورد شرایط کار با هر تفاوتی را یاد گرفته باشند. این می شود آموزش فراگیر.

همین جا این را بگوییم که عملاً چنین اتفاقی نمی افتد و معلمان مدارس عادی آموزش های لازم را برای کار با دانش آموزان با نیازهای ویژه ندیده...اند؟

خب ما سیاست مان این است که به اینجا برسیم. مدعی هم نیستیم که فراگیرسازی در کشور ما در حال اجرا است یا اتفاق افتاده! در حال حاضر در کشور ما نظام آموزشی فراگیر اجرا نمی شود. البته این را بگوییم که داریم به سمت فراگیرسازی قدم برمی داریم. اما مدعی هستیم در حال حاضر سیستم آموزشی ما برای دانش آموزان با نیازهای ویژه سیستم آموزش تلفیقی است و تا رسیدن به آموزش فراگیر راه زیادی داریم. حالا ممکن است برخی از مسئولان احساسی برخی مسائل را راجع به فراگیر سازی بگویند ولی برای فراگیر سازی سیستم آموزشی آموزش و پرورش پیش...زمینه هایی نیاز است. یعنی اگر سازمان نوسازی و تجهیز مدارس کشور مدرسه می سازد باید به گونه ای مدرسه سازی کند که در این مدرسه هر نوع تفاوتی را پذیرا باشد.

سازمان چند وقت پیش اعلام کرده بود طرح فراگیر به صورت پایلوت در چند استان اجرا شده اما عملاً هیچ نشانی از این طرح وجود ندارد. همان طور که می دانید یکی از لازمه های طرح فراگیر ایجاد کلاس های مرجع در هر مدرسه است. اما هیچ کلاس مرجعی در مدارس نیست؟

الان سازمان نوسازی و تجهیز مدارس این استانداردها را با همکاری سازمان و دانشگاه شهید بهشتی طراحی کرده است که بزودی در شورای آموزش و پرورش این موضوع مصوب خواهد شد و در ساختمان سازی در خصوص مراکز آموزشی مناسب سازی فضاهای آموزشی صورت خواهد گرفت. این در دستور کار وزارت آموزش و پرورش هست. از موارد دیگری که ما باید در حقیقت ایجاد کنیم این است که معلمانمان را آموزش دهیم. یعنی تمام معلمان ما در نظام آموزش و پرورش آموزش ببینند که چگونه با یک فرد نابینا برخورد کنند. شیوه آموزش فرد دارای آسیب بینایی چگونه است؟ شیوه آموزش یک فردی که دارای آسیب شنوایی هست چگونه است؟ به اضافه اینکه ابزارهای لازم برای آموزش این دانش آموزان هم در مدارس وجود داشته باشد این می شود فراگیر...سازی. پس تا وقتی ما همه این امکانات را فراهم نکردیم نمی توانیم بگوییم فراگیرسازی انجام گرفته. ولی چیزی که الان داریم آموزش تلفیقی است. آموزش تلفیقی هم ملزوماتی نیاز دارد. اما چون از سال ۷۱ سابقه اجرایی دارد شرایط بهتری دارد. ولی ممکن است ایده آل نباشد. پس در آموزش تلفیقی دانش آموز در صورتی که امکان پیشرفت در مدرسه عادی را داشته باشد حضور پیدا می کند و در کنارش از خدمات پشتیبانی آموزش و پرورش استثنایی استفاده می کند. این خدمات پشتیبانی یکی معلم رابط است؛ یکی استفاده از کتاب ها و ابزار آموزشی

متناسب با شرایط دانش آموز است و یکی هم استفاده از

ص: ۶۹

خدمات حمایتی و توانبخشی است که برای دانش آموزان شیوه آموزش تلفیقی باید وجود داشته باشد که الان وجود دارد ولی ممکن است همه گیر نباشد.

در حال حاضر چه تعداد دانش آموز معلول در مدارس عادی مشغول به تحصیل هستند؟ آیا تعداد حضور این دانش آموزان در کلاس های درس مطابق با سطح استاندارد جهانی است؟

الان در نظام آموزشی کشور ما بالغ بر ۴۸ هزار و ۸۳۷ نفر به شیوه آموزش تلفیقی در حال تحصیل هستند. خوب ما باید برای اینها معلم رابط اعزام کنیم که متأسفانه به علت کمبود نیروی انسانی، در این بخش ما دچار مشکل هستیم. یعنی ممکن است در این بخش خدمات صد درصدی نداشته باشیم که استعدای ما از مسئولان خصوصاً در سازمان برنامه و بودجه این است که در زمینه تأمین نیروی انسانی و دادن مجوز برای جذب نیروی انسانی برای آموزش تلفیقی به ما کمک کنند. پس ما مدعی نیستیم که آموزش فراگیر را در کشور اجرا کرده ایم. اما مدعی هستیم به سمت آموزش فراگیر پیش می رویم. یکی از اقداماتی که ما در این زمینه انجام دادیم با همکاری دانشگاه فرهنگیان، تغییر سرفصل های دروس رشته علوم تربیتی با گرایش آموزش و پرورش استثنایی بود و یکی هم ایجاد حدود ۹ واحد درسی برای رشته هایی که در دانشگاه فرهنگیان هست و بخصوص برای دوره آموزش ابتدایی، درس آموزش کودکان استثنایی است و یکی هم موضوع فراگیر سازی آموزش و پرورش. یعنی ما این دو عنوان را در دروس اصلی دانشگاه فرهنگیان برای تمامی رشته ها ایجاد کردیم که شناختی می دهد به کسانی که از دانشگاه فرهنگیان فارغ التحصیل می شوند و وارد مدارس خواهند شد. در حال حاضر این کتاب برای دانشجویانی که در دانشگاه فرهنگیان مشغول به تحصیل هستند تدریس می شود و این دروس جزو دروس اصلی دانشجویان است که باید بگذرانند. این قدم خیلی خوبی است به خاطر اینکه معلمینی که فارغ التحصیل می شوند و وارد آموزش و پرورش می شوند با بچه های استثنایی و نیازهای متفاوت آنها آشنایی کامل خواهند داشت. یکی از ملزومات آموزش فراگیر و تلفیقی نیز وجود معلمان آموزش دیده است، برای ما امکان ندارد همه معلمین آموزش و پرورش را آموزش دهیم. نه فرصتش را داریم و نه از نظر شرایط اعتباری اینقدر دست ما باز هست که در یک محدوده زمانی کوتاه بتوانیم این آموزش ها را منتقل کنیم. پس کار را از دانشگاه فرهنگیان شروع کردیم. دوره ها و کارگاه های مرتبطی را تعریف کردیم آن هم به صورت استفاده از خدمات دیجیتال، لوح های فشرده ای را آماده کردیم در خصوص فراگیر سازی آموزش و پرورش در چهار فصل که فصل اول آن آماده و توزیع شد. یعنی ما به جای اینکه کارگاه تشکیل دهیم این لوح ها را در کل کشور میان مربیان توزیع کردیم که معلمان ببینند، سؤالاتشان را مطرح کنند و در حقیقت ما بتوانیم آموزشهایمان را در این سطح آغاز کنیم. نرم افزارهای کاربردی را آماده کردیم که قرار است روی سایت سازمان قرار دهیم که هر کسی بتواند این اطلاعات را در مورد دانش آموزان با نیازهای ویژه دریافت و مطالعه کند. هر چقدر ما سطح آگاهی و اطلاعات مخاطبین مان را در جامعه بالا ببریم و تغییر نگرش ایجاد کنیم آن وقت شرایط ما برای آموزش و پرورش این بچه ها در مدارس عادی فراهم تر می شود. ولی اینکه اصرار داشته باشیم یا شعار بدهیم که ما تمامی دانش آموزان با نیازهای ویژه را به صورت فراگیر در مدارس عادی جایگزین کردیم در حال حاضر



یک شعار است. در مورد آموزش فراگیر و تلفیقی آیین نامه ای وجود دارد که این آیین نامه را ما از سال گذشته به سمت مناسب سازی و اجرایی کردن آن پیش بردیم. در آموزش تلفیقی و فراگیر دانش آموزان دارای آسیب های مختلف از خفیف تا متوسط و از متوسط تا شدید دسته بندی شده اند. برای بچه های آسیب شنوایی و آسیب بینایی و دانش آموزان معلول جسمی - حرکتی که در این آیین نامه اشاره شده اینها از خدمات آموزش تلفیقی استفاده می کنند به این معنی که معلم رابط برای این دانش آموزان اعزام می شود، به قاعده باید اعزام شود مگر در جاهایی که ما نیرو نداشته باشیم که متأسفانه ما این مشکل کمبود نیرو را در کشور داریم. اما دانش آموزانی که دارای مشکلات ویژه یادگیری هستند اینها دارای هوش عادی هستند ولی در بعضی از فعالیت های ذهنی ممکن است اشکالاتی داشته باشند. با وجود اینکه محدودیت ها و معلولیت های حسی - حرکتی نداشته باشند ولی می بینید در فعالیت هایی مثل نوشتن، خواندن و مهارت های حساب کردن و ریاضی دارای اشکالاتی هستند. این افراد در مدارس عادی درس می خوانند و به صورت کلینیکی از خدمات مراکز آموزشی و توانبخشی مشکلات ویژه یادگیری ما بهره مند می شوند. در مورد اینکه استاندارد جهانی چه می گوید، باید گفت: در دستور العمل ساماندهی که وزارت آموزش و پرورش ابلاغ کرده به ازای وجود هر یک دانش آموز دارای نیاز ویژه در کلاس عادی ۳ نفر باید از تراکم دانش آموزان کم شود. اینکه این قانون در حال حاضر اجرا می شود را باید از مسئولان آموزش پرورش پرسید. من موظف بودم که این قانون را به آموزش پرورش ببرم که بردم.

وظیفه اصلی معلمین رابط چیست؟

معلمین رابط نقش تسهیلگر را در مدارس دارند. معلم رابط به هیچ عنوان به معنی تدریس کننده نیست. به عنوان مثال معلم رابط باید بین معلم و دانش آموز مشکلات ارتباطی، رفتاری و شیوه ارائه مطلب که وجود دارد را برطرف کند. همچنین اشکالات درسی که ناشی از نوع معلولیت دانش آموز است را حل کند. بعد از حل تمرینات درسی توسط دانش آموز، بر تمرینات درسی وی نظارت داشته باشد. پل رابطی باشد بین معلم، دانش آموز و سایر دانش آموزان و مسئولان مدرسه، در جلسات شوراها و اولیا و مربیان شرکت کند و در مورد ویژگی و تفاوت های فردی دانش آموزان با نیازهای ویژه برای آنها صحبت کند. البته همه اینها در شرایطی است که معلم رابط در ساعات لازم در مدرسه حضور داشته باشد. این مواردی که گفتم ایده آل قضیه است.

چه تعداد معلم رابط در سطح کشور در مدارس عادی وجود دارد؟ این معلمان در طول هفته چه ساعاتی موظف به حضور در مدارس تلفیقی هستند؟

در حال حاضر تعداد ۳۶۴ معلم رابط در کل کشور وجود دارد که اینها موظف هستند در طول هفته بین ۲ تا ۸ ساعت با میانگین ۴ ساعت به دانش آموزان خدمات ویژه یادگیری بدهند. در برنامه ریزی حضور معلمان در سال تحصیلی جدید یعنی

۹۵-۹۶، امسال پیش بینی کردیم در کل کشور در هر استان و در هر شهرستان مدارس پشتیبان وجود داشته باشد. به این صورت که ما یک مدرسه پذیرا داریم که یک مدرسه عمومی است. مدرسه عمومی یعنی یک مدرسه مثلاً در مقطع ابتدایی که همه افراد مقطع دبستان در آن درس می خوانند.



اعم از دانش آموزان عادی، نابینا، ناشنوا، معلولین جسمی - حرکتی و کلاً دانش آموزان دارای معلولیت که این مدرسه از یک مدرسه استثنایی تغذیه می شود. به این صورت که خدمات ویژه توانبخشی را مدرسه عمومی از مدرسه استثنایی می گیرد. مثل معلم رابط، امکانات ویژه کلاس مرجع، کتاب، خدمات توانبخشی و خدمات حمایتی. به ادارات آموزش پرورش استان ها هم از قبل دستور دادیم که مدارس پذیرا را شناسایی و به ما اعلام کنند. مثلاً ممکن است ۱۰ مدرسه پذیرا در یک شهرستان انتخاب کنیم که این مدارس پذیرا عمومی هستند که شامل پیش دبستان، ابتدایی و متوسطه هستند که بچه های معلول آموزش پذیر ما در این مدارس تحصیل می کنند و در کنارش از یک مدرسه پشتیبان استثنایی تغذیه می شوند. در واقع این مدرسه استثنایی خدمات پشتیبانی ویژه افراد معلول را به مدارس پذیرا می دهد.

یکی از مشکلات مهم دانش آموزان تسلط نداشتن معلم رابط بر سؤالات امتحانی برخی دروس است. مثلاً دانش آموز امتحان ریاضی دارد و معلم رابط رشته اش ادبیات فارسی بوده و خیلی با اشکال تشریحی ریاضی آشنایی ندارد. به خاطر همین نمی تواند سؤالات را برای دانش آموز نابینا یا کم بینا تشریح کند. این معضل را چگونه حل می کنید؟

موقع امتحانات منشی های ما در مدرسه حضور خواهند داشت و سؤالات را برای دانش آموزان می خوانند. منشی باید مسلط بر سؤالات امتحانی باشد. اما این برداشت که منشی باید مسلط به پاسخ سؤالات باشد غلط است. البته این را هم بگویم که در رابطه با اعزام منشی به مدارس به خاطر بحث کمبود نیرو با مشکلات بسیاری روبه رو هستیم.

طبق صحبت های والدین دانش آموزان، در خیلی از موارد گفته اند که فرزندشان در مدارس عادی درس می خواند و خیلی مواقع مورد بی مهری معلمان و مسئولان مدرسه قرار می گیرد. سازمان در این رابطه چه توضیحی دارد؟

همه این مشکلات نگرشی است و مطمئن باشید پس از آموزش هایی که به معلمان مدارس عادی داده می شود حل خواهد شد. اما این را هم بگویم که زمانبر است چون تغییر نگرش مبنی بر آموزش کار خیلی سختی است و زمان می برد.

**«تنها ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار، سهم اندک توانبخشی از بودجه: معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کشور در پاسخ به «ایران»، حمید داودی، ۱۱ تیر ۱۳۹۵.»**

بسیارند انسانهایی که تمام کارهایشان بر دوش خانواده است گاهی این معلولان ترجیح می دهند در آسایشگاه ها به دور از خانه و خانواده زندگی کنند تا سربار اطرافیان نباشند اما از آنجا که سازمان بهزیستی نخستین متولی معلولان است و بیشترین ارتباط را با این افراد و خانواده های آنها دارد برای آگاهی از اقدامات این سازمان با حسین نحوی نژاد، معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کل کشور به گفت و گو نشستیم.

نحوی نژاد در پاسخ به این سؤال که «طرح مراقبین» از کجا آمد به بررسی تاریخچه شروع این طرح اشاره کرده و با بیان اینکه ۱۸ هزار و ۵۰۰ معلول ضایعه نخاعی تحت پوشش سازمان هستند، می گوید: «مشکلات معلولان ضایعه نخاعی و نیازهای توانبخشی خاصی که دارند باعث شد تقاضا برای حضورشان در مراکز توانبخشی شبانه افزایش پیدا کند. سازمان نیز برای کاهش حجم این تقاضاها و حفظ کیان خانواده طرحی را با عنوان (مراقبین در منزل) اجرایی کرد. این طرح شامل سالمندان معلول، بیماران روانی مزمن و افراد دارای معلولیت شدید می شود.

طرح مراقبین در منزل جزو استراتژی های جهانی است که سازمان بهزیستی با الگو برداری، این طرح را در ایران اجرایی کرد.»

به گفته معاون توانبخشی سازمان بهزیستی برای شرکت در طرح مراقبین اعضای خانواده افراد دارای معلولیت که مدرک دیپلم به بالا دارند می توانند با ثبت نام و شرکت در دوره های آموزشی، مراقبت از فرد معلول را بر عهده بگیرند اما اگر فرد تحصیلکرده ای در خانواده نباشد سازمان بهزیستی برای طرح مراقبین از داوطلبان محلی و منطقه ای استفاده می کند.

نحوی نژاد درباره مراقبین محلی توضیح می دهد: «افراد داوطلب برای شرکت در طرح مراقبین با گذراندن دوره های مختلف، مسئولیت مراقبت و سرکشی ۳ الی ۴ معلول را بر عهده می گیرند.»

وی در خصوص حق پرستاری که به این مراقبین پرداخت می شود می گوید: به ازای مراقبت از هر فرد دارای معلولیت ۲۷۵ هزار تومان به پرستار پرداخت می شود که در تلاش هستیم این مبلغ را به بالای ۳۰۰ هزار تومان برسانیم. تاکنون ۱۰ هزار نفر از طریق «طرح مراقبین» خدمات دریافت کردند و ۱۵۰۰ معلول ضایعه نخاعی دیگر هم پشت نوبت قرار دارند.

معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کل کشور با اشاره به یارانه پرداختی به مراکز شبانه و روزانه می افزاید: در حال حاضر میانگین یارانه پرداختی به مراکز شبانه روزی ۵۰۰ هزار تومان است و برای افراد مجهول الهویه این مراکز ۶۰۰ هزار تومان همچنین برای مراکز روزانه و خدمات در منزل به ترتیب ۳۴۰ و ۱۲۵ هزار تومان واریز می شود.

ناگفته نماند این مبالغی که برای معلولان پرداخت می شود با توجه به نیازهایی که دارند بسیار اندک است. در کشور هایی همچون امریکا هزینه تمام شده فرد ضایعه نخاعی در سال اول به طور متوسط ۱۰۰ هزار دلار است و اگر این قیمت تمام شده را به پول ایران حساب کنیم هزینه بسیاری سنگینی رقم می خورد.

نحوی نژاد در ادامه صحبت هایش می گوید: حق پرستاری طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی فقط به معلولان ضایعه نخاعی پرداخت می شود اما پیگیر آن هستیم تا این حق پرستاری را به معلولان عقب مانده ذهنی شدید و بیماران روانی مزمن هم اختصاص یابد.

وی با اشاره به طرح سازمان برای کاهش هزینه های معلولان ضایعه نخاعی عنوان می کند: بسته ای را برای این افراد در نظر گرفتیم قسمت اول آن طرح مراقبین در منزل بود که اجرایی شد و بخش دوم آن شامل وسایلی است که برای حمل و نقل و جابه جایی و انجام راحت تر امور زندگی این افراد مورد نیاز است که شامل (قاشق های خاص، وسایل حمام ویژه، وسایلی برای جابه جایی آنها از



تخت به ویلچر، ویلچر به ماشین) در آینده نزدیک این بسته ها را به افراد دارای معلولیت ضایعه نخاعی که تحت پوشش طرح مراقبین هستند تحویل می دهیم.

نحوی نژاد در پاسخ به اینکه وضعیت بیمه ای معلولان ضایعه نخاعی چگونه است؟ پوشش بیمه ای معلولان ضایعه نخاعی را به عنوان یکی از مهم ترین معضلات سازمان بهزیستی مطرح می کند و می گوید: متأسفانه بیمه ها پیشگیری محور نیستند در حال حاضر بیمه ها هزینه خدمات توانبخشی همچون گفتار درمانی، کاردرمانی و خدمات مشاوره روانشناختی که برای معلولان ضایعه نخاعی بسیارحائز اهمیت است را متقبل نمی شوند.

وی با بیان اینکه برنامه سازمان بهزیستی حرکت به سمت خدمات بیمه ای است می گوید: خدمات حمایتی فعلی (پرداخت مستقیم وجه به مراکز) سازمان را با مشکلات بسیاری روبه رو کرده است. با بیمه ای شدن خدمات افراد با فراغ بال می توانند از خدمات مراکز مورد نظرشان بهره مند شوند و از طرفی رقابت میان مراکز برای ارائه خدمات بهتر به معلولان افزایش می یابد.

سازمان بهزیستی برای دستیابی به این طرح مهم کمیته بیمه را تشکیل داده است اما برای اجرایی شدن آن دولتمردان بهترین یار کمکی سازمان بهزیستی هستند چرا که خدمات حمایتی را که به اقشار محروم می دهد از طریق پرداخت مستقیم پول نباشد بلکه مستقیم به سمت خدمات بیمه ای حرکت کنند.

نحوی نژاد با اشاره به خرید لوازم بهداشتی برای معلولان ضایعه نخاعی اظهار می دارد: اصلی ترین کاری که حوزه توانبخشی برای این افراد انجام داد خرید بموقع لوازم بهداشتی در کل کشور است این اقلام بهداشتی که شامل بتادین، گاز استریل، باند، سوند نلاتون، سوند فولی و... هستند را در اختیار افرادی که دچار مشکلات اداری یا زخم بستر هستند قرار می دهیم.

این مقام مسئول در پاسخ به اینکه آیا سازمان بهزیستی طرح مداخله فوری برای پیشگیری از شدت معلولیت دارد می گوید: تشخیص بموقع و مداخله بهنگام، جزو آن دسته از اصولی است که همه دنیا به آن پایبند هستند متأسفانه سازمان بهزیستی زمانی به معلول دسترسی پیدا می کند که مشکلاتش پیچیده تر شده است. برای اجرای طرح مداخله بهنگام در مورد معلولیت های ناشی از تصادفات، سکنه های مغزی و آمپوتیشن ها «قطع اعضای بدن» باید وزارت بهداشت با سازمان بهزیستی همکاری داشته باشد اخیراً رئیس سازمان بهزیستی نامه ای را در این زمینه به وزیر بهداشت نوشته است تا بتوانیم این مداخله سریع در موارد فوق را اجرایی کنیم. تفاهمنامه ای هم با مرکز ضایعه نخاعی بیمارستان امام خمینی (ره) به امضا رسیده تا به صورت پایلوت اقدام خوبی را در تهران انجام دهیم. موضوع مداخله سریع بسیار مهم است اما مستلزم همکاری دو وزارتخانه با یکدیگر است.

معاون توانبخشی سازمان بهزیستی در مورد مراکز توانبخشی معلولان ضایعه نخاعی عنوان می کند: ۹۰ درصد مراکز توانبخشی که مجوز شان را از سازمان بهزیستی دریافت کردند و به ۱۱۱ هزار معلول، سالمند و بیمار روانی مژمن خدمات می دهند غیر دولتی هستند. در کل کشور ۲ هزار و ۲۰۰ مرکز توانبخشی غیر دولتی با فعالیت های مختلف تحت نظارت سازمان بهزیستی فعالیت می کند که بسته به خدماتشان هزینه های متفاوتی را از معلولان دریافت می کنند. مرکز توانبخشی مولوی را به انجمن

ضایعه نخاعی سپردیم تا کیفیت خدمات و تجهیزات این مرکز را ارتقا بخشند و این امر با کمک

ص: ۷۴

مردمی این انجمن صورت می گیرد. ۸ هزار تومانی که معلولان به مرکز توانبخشی مولوی پرداخت می کنند در مقایسه با مراکز خصوصی که جلسه ای ۸۰ هزار تومان است، رایگان محسوب می شود ناچیز است. به عنوان یک کارشناس معتقدم خدماتی که رایگان به افراد ارائه شود بی ارزش شمرده شده و مداوم استفاده نمی کنند.

نحوی نژاد با اشاره به کمبود اعتبارات حوزه توانبخشی می گوید: بودجه دانشگاه علوم پزشکی در سال ۲ هزار میلیارد تومان و بودجه کل حوزه توانبخشی با زیر مجموعه گسترده ای که دارد ۵۰۰ میلیارد تومان است که در مقایسه با دانشگاه علوم پزشکی هیچ است. سازمان بهزیستی با این اعتبارات محدود در بخش توانبخشی باید به یک میلیون و ۳۰۰ هزار معلول خدمات ارائه دهد. این حوزه با بخش عظیمی از مطالبات همچون مسکن، ازدواج، تجهیزات توانبخشی، آموزش و... مواجه است همچنین سازمان حدود ۱۸ هزار دانشجوی معلول دارد که شهریه های آنها را تا حدی پرداخت می کند این اعتبارات نمی تواند جوابگوی جامعه هدفمان باشد.

معاون توانبخشی سازمان بهزیستی در پایان خواستار تصویب هرچه سریع تر اصلاحیه قانون حمایت از حقوق معلولان در مجلس دهم شد چرا که با تصویب این قانون بسیاری از مشکلات که در قانون فعلی در حد توصیه بودند قانونی شده و راهگشای مشکلات معلولان خواهد بود.

### **«تنها ماندم اما هرگز تسلیم نشدم: گفت و گو با نسرین اسماعیلی، ناشنوای موفق»، راضیه کباری، ۸ مهر ۱۳۹۵.**

ناشنوایی معلولیتی است که ارتباط فرد و جامعه اطرافش را دشوار می سازد. در بهترین حالت ناشنوایان از دایره لغات محدودتری نسبت به افراد همسنگ خود برخوردارند و به ویژه در محاورات با مشکل روبرو هستند. در این میان آنها که خواسته اند، توانسته اند چنان توانایی خود را در این زمینه بالا ببرند که باورش برای دیگران محال به نظر آید.

دانشجوی امروز دکترای فلسفه هنر و مدرس دانشگاه، نسرین اسماعیلی یکی از این افراد است. اگر روبه روی کسی باشد با مهارت ویژه اش در لب خوانی و گفتاری سلیس کمتر کسی باور می کند، افت شنوایی عمیق دارد. می گوید: از بدو تولد کم شنوایی ۴۵ درصدی مادرزادی داشتم، به دلیل ازدواج فامیلی. پزشکان گفته بودند شنواییم از این هم کمتر می شود. یادم هست آن روزها، مادرم با همتی ستودنی برایم کتاب می خواند تا دایره واژگانم افزایش یابد. به این ترتیب تا ۷ سالگی بیشتر اشعار سهراب سپهری و فروغ فرخزاد را برایم خوانده بود و من تلاش می کردم آنها را حفظ کنم. بعدها هم، اغلب اشعار حافظ را برایم می خواند.

اسماعیلی می افزاید: ناشنوایی من پیشرونده بود تا آنجا که الان افت شنوایی من شدید، حدود ۹۰ درصد است و بدون سمعک اصلاً نمی شنوم. به مرور که خواندن را آموختم، شروع کردم به کتاب خواندن. زمانی که دبیرستان را تمام کردم بیشتر آثار ادبی مهم و در دسترس آن دوران را خوانده بودم آثار تولستوی، چخوف، شعرهای شعرای مهم و...



البته در زبان آموزی و بیشتر در مکالمات و صحبت های عامیانه و روزمره که کمتر به گوشم خورده بود مشکل داشتم و هنوز دارم. چون زبان آموزی من با مطالعه کتاب شکل گرفته بود.

در کودکی، به دلیل کم شنوایی، ارتباط برقرار کردن با بچه های دیگر برایم سخت بود از این رو به سمت هنر گرایش پیدا کردم. از ۶ سالگی به کلاس نقاشی رفتم و یادگیری نقاشی را شروع کردم.

این هنرمند، سال ۸۱، در رشته نقاشی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، پذیرفته می شود و نقاشی را به صورت جدی پی می گیرد کارشناسی ارشد را در همین رشته و در دانشگاه تربیت مدرس می خواند و اکنون دانشجوی دکتری «فلسفه هنر» است. او ۶ سالی است که در دانشگاه های آزاد و علمی کاربردی و همچنین در جهاد دانشگاهی تدریس می کند و هنر درمانی را با تمرکز بر هنر نقاشی ادامه می دهد.

این مدرس دانشگاه در مورد مشکلات تحصیلش می گوید: دوران مدرسه را در مدارس عادی گذراندم. از این رو هنگام املا همیشه مشکل داشتم و باید همیشه میز اول می نشستم. معلمان هم اغلب درک درستی از کم شنوایی نداشتند، در دوران دانشگاه هم این مشکلات تا حدی به قوت خود باقی ماند.

به نظرم معلولیت شنوایی بیشتر در حوزه ارتباطات نمود می یابد؛ چون جامعه درک درستی از ناشنوایی ندارد و در بهترین حالت، مردم فکر می کنند اگر سمعک داری باید مثل یک فرد شنوا، همه چیز را بشنوی. این برداشت غلط خود معضلات زیادی به وجود می آورد.

نسرین اسماعیلی، عضو انجمن نقاشان ایران است و در بیش از ۱۵ نمایشگاه گروهی و یک نمایشگاه انفرادی در گالری های مهم ایران شرکت کرده است. همچنین سرپرست گروه نقاشی دیجیتال ۲ سریال انیمیشن با عنوان «انیمیشن کتاب دا» و «نورالدین پسر ایران» بوده است. اسماعیلی همچنین کار تصویرگری ۲ کتاب و چند جلد آلبوم موسیقی را انجام داده است.

این هنرمند نقاش ادامه می دهد: فکر می کنم عامل های موفقیت من:

لطف خداوند و حمایت های بی دریغ مادرم، استعداد و پشتکار و پیگیر بودنم بوده و با وجود اینکه بارها زمین خوردم، مورد تمسخر واقع شدم، دیگران گفتند تو نمی توانی و سعی کردند مرا از دور خارج کنند، تنها ماندم و غمگین شدم اما هرگز تسلیم نشدم و همیشه با جسارت و امید تلاش کردم تا اهداف و رویاهایم را تحقق بخشم.

### **«تهران میزبان دومین اردوی تیم ملی گلبال بانوان ناینا و کم بینا»، ۸ تیر ۱۳۹۶.**

محبوبه عباسی، مربی تیم ملی گلبال بانوان ناینا و کم بینا در گفت و گو با ایران سپید در خصوص دومین اردوی این تیم و آماده سازی برای رقابت های آسیایی پاسفیک تایلد گفت: این مسابقات برای تیم ما از اهمیت بالایی برخوردار است چرا که انتخابی مسابقات جهانی در سال ۲۰۱۸ سوئد نیز در این رقابت ها رقم خواهد خورد.

وی ادامه داد: با توجه به مسابقات پیش رو ما ۶ مرحله تمرین ۷ روزه برای آماده سازی ورزشکاران در نظر گرفتیم. یک هفته اردو داریم و در دو نوبت صبح و عصر تمرین می کنیم و بعد یک هفته بچه ها به شهرهای خود بازمی گردند و برنامه بین اردویی را تمرین می کنند. عباسی با اشاره به تمرین های خوبی که تاکنون پشت سر گذاشته اند بیان می کند: با توجه به برنامه هایی که ریختیم در فاز بدنسازی هستیم و امیدوارم با توجه به روزهای باقی مانده تا شهریور آمادگی بانوان را برای این تورنمنت در حد قابل قبولی افزایش دهیم. مربی تیم ملی گلبال ناینیان و کم بینیان با بیان اینکه رقبای تیم ایران در آسیا نام آور هستند گفت: چین نایب قهرمان پارالمپیک ریو است، ژاپن جزو هشت تیم برتر است، استرالیا در مسابقات ریو ۲۰۱۶ شرکت داشته است. ۶ کشوری که برای مسابقات پاسفیک آماده می شوند ایران، چین، ژاپن، استرالیا، کره و تایلند است که بانوان ناینیا و کم بینای ایرانی باید با این ۵ تیم به رقابت بپردازند.

در این رقابت ها ۴ تیم اول به صورت یک با چهار و دو با سه مسابقه می دهند و برنده ها به فینال صعود می کنند و بازنده ها هم برای رده بندی آماده می شوند.

عباسی با توجه به امکانات فدراسیون ناینیان و کم بینیان در خصوص رسیدگی به ورزشکاران افزود: تا کنون رسیدگی مناسبی از سوی فدراسیون صورت گرفته است و امیدواریم این روند ادامه داشته باشد و بهتر از پیش شود.

تیم گلبال متشکل از ۶ نفر است که ۳ بازیکن و ۳ نفر نیروی ذخیره داریم. در اردوی اول ۱۵ نفر دعوت شدند اما در این اردو به علت محدودیت در زمان و نزدیک بودن مسابقات ۹ نفر را دعوت کردیم که از میان این ورزشکاران افرادی را که آمادگی بهتر و پشتکار بیشتری را در تمرینات نشان دهند برای مسابقات انتخاب می کنیم.

وی با اشاره به اینکه این ورزشکاران ناینیا و کم بینا از استان های مختلف کشور انتخاب شدند عنوان کرد: ورزشکاران از استان های تهران، فارس، قزوین، کردستان، اصفهان و خوزستان انتخاب شدند و با توجه به اینکه رشته گلبال نخستین رشته تخصصی ناینیان است افراد زیادی از این گروه در این رشته فعالیت می کنند و این کار را برای انتخاب بهترین استعداد ها راحت تر کرده است. طی سال های گذشته چه در بخش بانوان و چه آقایان ورزشکاران گلبال موفق شدند مقام های افتخار آمیزی را کسب کنند و معرف این ورزش برای مردم باشند. مربی تیم ملی گلبال بانوان در پایان صحبت هایش طیبه استکی، زهره مظاهری، زینب قنبری، فاطمه قمصری، فائزه مظفری، مریم حسام آبادی، مریم آهوان، سمیرا جلیوند و ریزان دژاهنگ را ۹ بانوی جوان ناینیا و کم بینای دعوت شده به تیم ملی گلبال معرفی کرد.

**«جبران کم شنوایی با مداخله به موقع درمانی: کارشناسی شنوایی شناسی در گفت و گو با توانش اعلام کرد»، راضیه کباری، ۹ آذر ۱۳۹۶.**

مشکلات شنوایی این روزها با غربالگری شنوایی در بدو تولد خیلی زود تشخیص داده می شوند. بعد از تشخیص کم شنوایی؛ با انجام آزمایش های شنوایی سنجی؛ میزان کم شنوایی اندازه گیری

شده و با مداخلات بموقع درمانی و توانبخشی، از پیشرفت کم شنوایی جلوگیری و از مشکلات ثانویه زبان آموزی پیشگیری می شود. برای افرادی که کم شنوایی آنها محرز می شود؛ توانبخشی شنیداری تجویز می شود که این کار توسط کارشناس شنوایی شناسی انجام می شود. علاوه بر کودکان، برخی افراد نیز طی زندگی با کم شنوایی یا پیرگوشی مواجه می شوند که در خلال درمان گذرشان به کارشناسان شنوایی می رسد. برای آشنایی با توانبخشی افراد دارای افت شنوایی و نیازهای درمانی و روحی روانی آنان با «ذویا قاضی زاده» کارشناس شنوایی شناسی آموزش و پرورش استثنایی گفت و گو کرده ایم.

تربیت شنوایی کودکانی که از سمعک استفاده می کنند

ذویا قاضی زاده در مورد هدف تربیت شنوایی برای افراد کم شنوا می گوید: وقتی کودکی کم شنوا به ما مراجعه می کند ابتدا با ادیومتری که در بین عوام به نوار گوش معروف است، آستانه شنوایی هر گوش اندازه گیری می شود. کار ما تربیت شنوایی مراجعه کننده و تعیین سمعک برای اوست. قبلاً سمعک ها آنالوگ بود و همه صداها را به یک نسبت بلند می کرد و ممکن بود به باقیمانده شنوایی صدمه بزند اما الان سمعک ها هوشمند هستند و این مشکلات کمتر شده است. تربیت شنوایی برای کودکانی که از سمعک استفاده می کنند یا کاشت حلزونی انجام داده اند؛ انجام می شود. همه کودکانی که مشکل شنوایی دارند؛ ابتدا سمعک می گیرند اما اگر بعد از شش ماه، کودک با سمعک پیشرفتی در شنیدن نداشت و فاکتورهای لازم برای کاشت حلزون شنوایی را دارا بود برای کاشت حلزونی معرفی می شود. تصمیم برای انجام این کار بسیار دشوار است. کاشت همیشه موفقیت آمیز نیست. اما گاه والدینی با وجود اینکه کودکشان به سمعک جواب داده او را برای کاشت حلزونی می برند.

زمان آغاز کار تربیت شنوایی

این کارشناس شنوایی شناسی می افزاید: بعد از تجویز سمعک تربیت شنوایی و در کنارش گفتار درمانی و زبان آموزی آغاز می شود. این پروسه مستمر و طولانی مدت و صد البته خسته کننده است اما کودکی که بموقع سمعک می گیرد و کارهای توانبخشی در زمان مناسب برایش انجام می شود بعد از گذشت ۴-۵ سال رشد گفتاری مشابه کودکان عادی یا کمی کمتر از آنها پیدا می کند. به طور کلی تربیت شنوایی، آموزش گوش دادن و شنیدن به وسیله کمک شنوایی است که باعث تقویت و گسترش باقیمانده شنوایی می شود، در نهایت تربیت شنوایی، فرد ارتباط سالم با جامعه عادی برقرار می کند. سر کار می رود ، در مدرسه و دانشگاه تحصیل می کند و برای تشکیل خانواده و زندگی آماده می شود.

هدف تربیت شنوایی استفاده بهتر از باقیمانده شنوایی

کودک شنوا تا یک سالگی فقط می شنود بعد از آن به قان قان می افتد. در یک سالگی کلمات را ادا می کند و در ۱۸ ماهگی جملات کوتاهی را بیان می کند. دو سالگی حرف می زند و در سه سالگی کم کم روان صحبت می کند... کودک شنوا برای گذراندن این مراحل هیچ تلاشی نمی کند. اما کودک کم شنوا این روند را طی نمی کند زیرا شنیدن برای او با تأخیر صورت گرفته، هر چه تأخیر بیشتر باشد رشد گفتار و زبان کودک و عادی سازی او با جامعه دیرتر اتفاق می افتد. از این رو بعد از تجویز سمعک و



انجام کاشت حلزونی؛ ما باید شرایطی مشابه کودک شنوا برای کودک کم شنوا یا ناشنوا پیش آوریم. مرتب با او حرف بزنیم هر چند نشنود و گفتار را تشخیص ندهد. کار ما تکرار و تمرین کلمات و حرف زدن است حتی بیشتر از آنچه با کودک شنوا صورت می گیرد. یکی دو سال باید به این صورت بگذرد... البته در کنار آن آموزش گفتار هم انجام می شود.

تربیت شنوایی هم مثل آموزش روش های مختلفی دارد برخی نیز روش های خلاقانه ای به کار می گیرند. کار با کودکان چند معلولیتی که علاوه بر کم شنوایی دچار کم بینایی و فلج مغزی هم هستند نیز روش های خاصی را می طلبد. به طور کلی هدف استفاده بهتر از باقیمانده شنوایی است. برای همین هنگام کار تربیت شنوایی؛ نمی گذاریم کودک لبخوانی کند. ولی هنگامی که کودک می خواهد با دیگران ارتباط برقرار کند نمی گوئیم از لبخوانی استفاده نکند.

آموزش موسیقی و آرف یک جور تمرین باقیمانده شنوایی است که روی اصوات تمرکز دارد. ما یکسری اصوات محیطی نیز داریم، صداهایی که در اطراف می شنویم و یکسری اصوات گفتاری. ارتباط کلامی قسمت مهمی است که باید با کودک تمرین شود زیرا پایه ارتباط او را با جامعه عادی تشکیل می دهد و این کار با تمرینات گفتاری انجام می شود.

به طور کلی برنامه تربیت شنوایی چند بخش دارد یکی کشف اصوات است دیگری تشخیص اصوات و گفتار و سوم تمایز و شناسایی و درک شنیداری.

در بخش کشف اصوات؛ ما کودک را شرطی می کنیم و می خواهیم بچه نسبت به اصوات واکنش نشان دهد شرطی شدن در وهله اول ناخود آگاه صورت می گیرد و در مرحله بعد خود آگاه. در مرحله خود آگاه، دیگر نیاز نیست به کودک بگوئیم گوش کن. کودک نیز مثل ما نسبت به اصوات واکنش نشان می دهد مثل اینکه کسی در اتاق را می زند و کودک برمی خیزد و در را باز می کند... بخش دیگر تمایز دادن اصوات محیطی و گفتاری است، مهم است بچه بفهمد الان صدای موتور را می شنود و این یکی صدای تلفن است. آموزش این مرحله با استفاده از کارت، نرم افزار یا به صورت بازی انجام می شود.

مرحله پیشرفته تر تربیت شنوایی؛ شناسایی اصوات است. در این مرحله کودک اسم صدایی که می شنود را یاد می گیرد یا مثلاً متوجه می شود این صدای کلاغ است. در شناسایی اصوات گفتاری، کلمات به تک سیلاب و چند سیلاب؛ عبارات و جملات تقسیم می شوند. کار ما در ارتباط تنگاتنگ با کار آموزش کودک است و بر اساس کلماتی که یاد می گیرد و هر روز به گنجینه لغاتش می افزاید کار تربیت شنیداری را انجام می دهیم. مرحله آخر نیز درک شنیداری است به این معنا که کودک اسم همه چیز را بیاموزد و آنها را از هم تمایز دهد. کودکی که کاشت حلزونی انجام داده است در این مرحله مانند کودکان دیگر حرف می زند. برای رسیدن به درک شنیداری، داستان خوانی برای کودکان مهم است.

نگاه متفاوت علت امتناع از به کار بردن سمعک

کارشناس شنوایی شناسی مؤسسه مهاش ادامه می دهد: بچه هایی که افت شنوایی شدید دارند مجبورند از سمعک پشت گوشی استفاده کنند چون هنوز سمعک درون گوشی که قدرت سمعک پشت گوشی را داشته باشد نداریم الان بچه ها در سنین پایین تر که تحت نظارت والدین هستند از



سمعک استفاده می کنند اما با بزرگتر شدن کودک پذیرش سمعک بویژه برای پسران سخت تر می شود زیرا تحمل نگاه های مردم را ندارند.

برای همین گاه با مواردی روبه رو می شویم که در کوچه و خیابان یکی یا هر دو سمعک را بر می دارند. من بارها بچه هایی را می بینم که سمعک ندارند و از ترس اینکه با آنها با اشاره صحبت کنیم در خیابان از ما دور می شوند. برخی نیز از یک سمعک استفاده می کنند که این نیز آسیب هایی برای فرد دارد. این کودکان و نوجوانان در جهت یابی با مشکل روبه رو می شوند و درک گفتار برایشان دشوار می شود. به علاوه فرد به این وضعیت عادت می کند و بعد از مدتی گوشه ای که تحریک نمی شود دیگر به سمعک پاسخ نمی دهد. وقتی علت امتناع این افراد را برای استفاده از سمعک می پرسیم؛ بهانه می گیرند و می گویند: وقتی از دو سمعک استفاده می کنیم سرمان درد می گیرد. البته در حال حاضر هم وضعیت فرهنگی مردم و هم پذیرش سمعک از سوی کم شنوایان نسبت به قبل بهتر شده و هم نسل جدید پدر و مادرها با این قضیه بهتر کنار می آیند. کودکان کم شنوا هر چه با جامعه عادی تعامل بیشتری داشته باشند در درک گفتار و زبان پیشرفت می کنند. برای همین ما تا آنجا که ممکن باشد کودک کم شنوا را به سمت مدارس عادی هدایت می کنیم. افراد کم شنوا درک بصری خوبی دارند و با آموزش در کارهای هنری، ورزش و رانندگی مهارت های خوبی به دست می آورند.

### «چرخ ویلچر یاری ام نکرد، موتورسیکلت ساختم: گفت و گو با بانوی موتورسوار معلول»، محدثه جعفری، ۱۰ خرداد ۱۳۹۷.

ظاهر آراسته و محجبه و البته فکر خلاقش سبب شد تا یک دنیا تحسینش کنند. تصاویرش در اکثر شبکه های مجازی دست به دست می چرخد و به قول امروزی ها لایک فراوان می گیرد. چرخش این تصاویر، حتی دکتر معصومه ابتکار معاون رئیس جمهوری را هم به واکنش واداشت تا از کارش حمایت کنند و قول هایی برای پیگیری احوال امروزش دهند. در نگاهش اعتماد به نفس بالایی موج می زند، گویی موفق شده قله ای را فتح کند یا توانسته از پس مشکل بزرگی رهایی یابد، مشکلی که او را مجبور به موتور سواری کرد. بعد از دیدن تصاویرش مانند همه تحسینش کردم و با خود گفتم چه ایده جالبی! دختری سوار بر موتور آن هم با معلولیتی جسمی حرکتی.

کنجکاوی سراسر ذهنم را درگیر کرد و سؤال های بی جوابی که تشنه پاسخ آن بودم. سؤال های متعددی در ذهنم ایجاد شد و برای یافتن جواب هایم باید با این شهروند دارای معلولیت به گفت و گو می نشستم، جست و جویم

را شروع کردم تا نام و نشانی از این بانوی خلاق پیدا کنم. دریافتم که اهل نیشابور است و در حال حاضر ساکن شهر مقدس مشهد.

هشت ماهه بود که بر اثر بیماری فلج اطفال دچار معلولیت جسمی - حرکتی شد. از همان زمان مسیر زندگی برای او طوری دیگر چرخید و اکنون ۳۸ سال است که راهش را با چرخاندن چرخ های صندلی اش طی می کند.

زهره صدیقی در گفت و گو با توانش از مسیرهای پر پیچ و خم جاده و خیابان های شهرش می گوید: «فرزند دوم خانواده هستم و خواهر و برادرانم زندگی عادی دارند و فقط من معلولم. هفت ساله که شدم مشکلات هم رنگ و بوی جدیدی به خود گرفتند، حال باید قدم در کوچه و خیابان های نیشابور می گذاشتم تا پای در مدرسه بگذارم؛ تا مقطع دبیرستان با کمک و همت مادرم و زحماتی که برای ترددم به مدرسه کشید، این راه نامناسب را بسختی طی کردم.

چند سال وقفه سبب شد دیرتر از دیگران وارد دانشگاه شوم نمی دانم شاید دلیلش ترس از حضور در پیاده روی های مسدود شده، اتوبوس های نامناسب و فراز و فرود های سطح شهر بود. اما با آغاز فصل جدید زندگی ام و حضور در دانشگاه، تجربه تردد جدید بین شهری هم بر سختی هایی که متحمل شده بودم افزوده شد.

برای رسیدن به دانشگاه باید مسیر نیشابور تا مشهد را طی می کردم و این امر تلخی هایی در پی داشت که نگذاشت شیرینی تحصیل و فراگیری علم در کامم ماندگار شود.

شهروندانی که معلولیت جسمی - حرکتی دارند می دانند ساعت ها کنار خیابان منتظر ایستادن یعنی چه! روزهایی را به خاطر می آورم که تنها کنار خیابان منتظر ماشین بودم؛ انتظار پشت انتظار اما کسی برای سوار کردن من با ویلچری که داشتم ترمز نمی کرد. بارها کنار خیابان اشک ریختم از اینکه چرا کسی به حقوقم به عنوان یک شهروند توجه نمی کند.

آدم بی انصافی نیستم به رانندگان حق می دهم، اگر بخواهند سوارم کنند ویلچرم را باید صندوق عقب بگذارند که باز بودن در صندوق عقب اتومبیل خلاف قانون راهنمایی و رانندگی است و برایشان جریمه در پی دارد.

با مشکلاتی که سر راهم بود کنار آمده و کاردانی را پشت سر نهادم، بعد از آن شش سال در دفتر حج و زیارت نیشابور مشغول به کار شدم، اما چه کاری! حقوقی که دریافت می کردم کمتر از زحمتی بود که می کشیدم، حقوقم فقط کفاف هزینه ترددم را می داد اما چه کنم کار کم است و کارفرما نیرو را به هر قیمتی که بخواهد جذب می کند.

بعد از چند سال تصمیم به ادامه تحصیل گرفتم و در رشته مهندسی نرم افزار مدرک کارشناسی را دریافت کردم. این امر سبب شد تردد بیشتری در شهر داشته باشم هم برای رفتن به محل کار هم دانشگاه. در این میان بیشتر وقتم کنار خیابان ها و انتظار سپری می شد. هنگامی هم که فردی برایم پا روی پدال ترمز می گذاشت، قیمت های چند برابر را درخواست می کرد.

تصمیم گرفتم مستقل شوم و تردد بین شهری را از زندگی هر روزه ام حذف کنم به همین جهت به مشهد نقل مکان کردم تا درگیری هر روزه با اتوبوس و تاکسی را کمتر کنم. یافتن شغل مناسب برای ما معلولان دشوار است و با سختی های فراوان موفق شدم در یک مرکز تماس مشغول کار شوم. البته جای خوشحالی است که همه افرادی که در این مرکز کار می کنند دارای معلولیت هستند.

خوشحالی ام به خاطر معلولیت داشتن این افراد نیست بلکه به خاطر کار کردن افراد معلول است، چرا که کمتر کارفرمایی به توانمندی معلولان اعتماد می کند و آنها را به کار می گیرد.



تردد و حضور در معابر و خیابان های شهر با توجه به مبلمان نامناسبی که دارد به حدی دشوار است که برای ضروری ترین کارهایمان از خانه خارج می شویم. حال من با توجه به معلولیتی که دارم هم

ص: ۸۱

درس می خواندم هم کار می کردم. این سختی ها آنقدر ادامه داشت تا اینکه برای رهایی از این تردهای دشوار و دردسر ساز، فکر کردم وسیله شخصی خودم را داشته باشم و رانندگی کنم.

اوایل دوران کارشناسی بودم، درست سال ۱۳۹۰ که ایده این موتور در ذهنم ایجاد شد. پیگیر پیاده سازی آن در مدل واقعی شدم، ابتدا در اینترنت جست و جو کردم تا بتوانم مدلی را برای پیاده کردن آن پیدا کنم و در این راه با چندین موتورساز و تعمیرکار صحبت کردم تا به افکارم شکل دهم.

طی تحقیقاتم دریافتم این ایده در گذشته هم اجرایی شده بود به این صورت که فرد دارای معلولیت، سوار موتورسه چرخ می شود و فرد دیگری ویلچر را پشت سه چرخه قرار می دهد در مقصد هم به همین صورت فردی ویلچر را در کنار معلول قرار می دهد تا او روی آن بنشیند، اما این کار برایم سخت بود و هنوز مرا به دیگری متکی می کرد به همین جهت با خود فکر کردم باید سه چرخه را به نوعی طراحی کنم که بتوانم با ویلچر سوار موتور شوم به نوعی که چرخ های ویلچر در آن ثابت شود.

برای عملیاتی شدن ایده ام به کارگاه موتورسازی رفتم و برایشان چیزی که در ذهن داشتم را توصیف کردم. در پایان صحبت هایمان مقرر شد موتور بدون کلاچی را برای این موتورساز پیدا کنم تا آنها با تغییر کاربری، فضایی را برای ویلچر من پشت موتور تعبیه کنند.

بعد از مدتی بالا-خره این نمونه آماده شده و برای تحویل گرفتنش راهی موتورسازی شدم. در زمان تحویل هم ایراداتی از جمله رمپی که برای سوار شدنم به موتور آماده کرده بودند، داشت که با گفت و گو و تغییرات مختصر این ایرادات برطرف شد.

در آن لحظه ایده ای به ذهنم رسید که حتی برای باز و بسته کردن رمپ نیازی به استفاده از قدرت بازو نداشته باشم و به صورت اتوماتیک این رمپ بالا و پایین شود. در نهایت آنچه تحویل گرفتم تا حدی شبیه به تصورات ذهنی ام بود.»

به این قسمت از صحبت هایش که رسید از او پرسیدم آیا برای نشستن بر رکاب موتور و راندن این وسیله نقلیه موتوری گواهینامه داشتید یا دوره آموزشی را سپری کرده اید؟

در جوابم گفتم: «نه! بعد از آماده شدن، سوار موتور شدم و به راهنمایی و رانندگی شهرمان مراجعه کردم تا وسیله نقلیه جدیدم را به آنها نشان دهم و برای استفاده از آن گواهینامه ای دریافت کنم. دو هفته پیگیر این موضوع شدم و بعد اعلام کردند که خانم ها نمی توانند گواهینامه موتور را دریافت کنند.

البته همان جا زبانی و در حد حرف به من گفتند: «تو می توانی سوار موتور شوی اما مراقب باش.» این حرف به صورت شفاهی به من گفته شد و هیچ اعتبار قانونی ندارد.

برای دریافت گواهینامه ماشین هم اقدام کردم که به من گفتند در قانون راهنمایی و رانندگی آمده است که فرد متقاضی

گواهینامه باید حداقل یک دست و یک پای سالم داشته باشد. صحبت ها و پیگیری های بسیاری انجام دادم که حداقل از من تست بگیرند اگر نتوانستم، جواب رد دهند اما هیچ کس به حرفم گوش نکرد. من هم چاره ای جز استفاده از موتور برای تردد در خیابان نداشتم. نمی خواستم دوباره ساعت ها کنار خیابان منتظر فردی باشم که از روی دلسوزی بخواهد مرا به مقصد برساند.

ص: ۸۲

تاکنون هم مأموران راهنمایی و رانندگی به وسیله نقلیه ام ایراد نگرفتند فقط یک بار به خاطر پلاک موتور گفتند: «این پلاک برای موتور است و کاربری این وسیله تغییر کرده است» آن روز پلاک را از روی موتور برداشتند و اکنون موتورم پلاک ندارد.

متعجب شدم از اینکه فردی این چنین خطر می کند فقط برای داشتن حقی برابر دیگران و با موتور بدون گواهینامه و بیمه در سطح شهر حرکت می کند. از خانم صدیقی پرسیدم نمی ترسید اتفاقی در هنگام رانندگی برای شما یا دیگران رخ دهد آن زمان شما مقصر تلقی خواهید شد؟ در پاسخ، جواب داد: «هر چیزی ممکن است رخ دهد این هم یک وسیله نقلیه موتوری است چه برای خودم و چه دیگران؛ اما چه کنم مگر راهی جز این دارم!

همیشه سؤال های متعددی ذهنم را دیگر می کند، چرا در سطح شهر خطوط ویژه برای معلولان تعبیه نمی شود تا با فراغ بال به هر سوی شهر که می خواهند تردد کنند، مگر ما نیاز به تفریح، ورزش، کار، زندگی اجتماعی، خرید و... نداریم مگر ما شهروند این جامعه محسوب نمی شویم. وقتی امکانات در اختیار ما معلولان قرار نگیرد ما مجبور می شویم راهی را برای تردد و زندگی آسان تر انتخاب کنیم. حتی اگر با خطر همراه باشد.

معلولان حتی برای بررسی لایحه حمایت از حقوق شان در مجلس هم باید دو الی سه سال از نمایندگان امضا جمع کنند، فراخوان تشکیل دهند و با نمایندگان تلفنی، تلگرامی، صوتی و تصویری ارتباط برقرار کنند تا این لایحه حمایتی فقط بررسی شود. برای کوچک ترین نیازمان باید سال ها دوندگی کنیم تا شاید محقق شود. معلولان فقط ۱۲ آذر است که دیده می شوند، صداوسیما و مسئولان شهر صرفاً در این روز یادی از ما می کنند و در ۳۶۰ روز دیگر سال انگار شهر شهروند معلول ندارد.»

پرسیدم چرا برای تردد از ویلچر برقی استفاده نمی کنید آیا راحت تر نیستید؟ در جوابم گفت: «نه به هیچ وجه؟! درابتدا باید بگویم قدرت خرید و بضاعت مالی برای تهیه ویلچر برقی را ندارم و دوم اینکه این وسیله مسافت محدودی را طی می کند و به درد من نمی خورد.

به کارم نمی آید به این جهت که من برای حرکت دادن ویلچر از دستانم استفاده می کنم و با برقی شدن آن کم کم از قدرت دستانم کاسته می شود. موضوع مهم دیگر آن است که برای مسافت های طولانی نمی توان از ویلچر برقی استفاده کرد. هر روز باید ۱۸ کیلومتر مسیر را سپری کنم تا به محل کار برسم با ویلچر فقط می توانم نصف این مسیر را طی کنم و بعد باتری تمام می شود و در دسر برگشت با ویلچری که نمی توان با دست تکانش داد. آن زمان باید نیشان کرایه کنم تا بتوانم به خانه برسم این امر موضوع را پیچیده تر می کند. حال بماند که مسیر هم مناسب این نوع ویلچرها نیست و سر نخستین خیابان گیر می کنیم.»

دوست داشتم بدانم مردم چه واکنشی نشان می دهند هنگامی که بانوی دارای معلولیتی سوار بر موتور همراه با آنها در خیابان ها حضور پیدا می کند. به همین جهت در آخرین سؤال از او پرسیدم



واکنش مردم در مقابل شما چگونه است که در جوابم گفت: «عالی! بسیار خوب نسبت به این امر واکنش نشان می دهند. بحث کلی در جامعه ما وجود دارد و آن هم عاطفی بودن مردم ماست و اینکه در برخورد با فرد معلول با احساسشان برخورد می کنند، مثلاً می گویند: «اخی، الهی، ان شاء الله شفا بگیری» این کلمات و نگاه شاید آزار دهنده باشد اما به شنیدن آنها عادت کردیم.

تاکنون تشویق های متعددی از سوی شهروندان عادی جامعه دریافت کردم یا به قولی لایک های خیابانی گرفته ام، بسیاری می گویند: «احسنت، بارک الله، کارت درسته، دمت گرم» هر کسی به زبان، گویش و ادبیاتی که دارد احساساتش را بروز می دهد.

راستش خواسته ای دارم که می خواهم مسئولان و حتی مردم عادی روی آن فکر کنند اینکه فرد سالم در جامعه ما چه نیازهایی دارد؟ هر آنچه برای او مهیا شد برای من معلول هم فراهم شود.

من از همه نهادهایی که در قبال معلولان مسئول هستند می خواهم نگاه خاصی به مقوله دسترس پذیری برای افراد دارای معلولیت داشته باشند، هم در پایتخت و هم در شهرهای کم جمعیت و روستاها، برای دسترس پذیر کردن شهرها و مناسب سازی آن از نظر و دیدگاه معلولان بهره مند شوند تا مناسب سازی اصولی داشته باشیم.

درخواست آخرم از قانونگذاران است از نمایندگان خانه ملت می خواهم شرایط را برای دریافت گواهینامه معلولان بویژه بانوان معلول آسان تر سازند تا ما نیز از این امتیاز بهره مند شویم.»

نیم نگاه

تصمیم گرفتم مستقل شوم و تردد بین شهری را از زندگی هر روزه ام حذف کنم به همین جهت به مشهد نقل مکان کردم تا درگیری هر روزه با اتوبوس و تاکسی را کمتر کنم. یافتن شغل مناسب برای ما معلولان دشوار است و با سختی های فراوان موفق شدم در یک مرکز تماس مشغول کار شوم. البته جای خوشحالی است که همه افرادی که در این مرکز کار می کنند دارای معلولیت هستند.

من از همه نهادهایی که در قبال معلولان مسئول هستند می خواهم نگاه خاصی به مقوله دسترس پذیری برای افراد دارای معلولیت داشته باشند، هم در پایتخت و هم در شهرهای کم جمعیت و روستاها، برای دسترس پذیر کردن شهرها و مناسب سازی آن از نظر و دیدگاه معلولان بهره مند شوند تا مناسب سازی اصولی داشته باشیم.

برای دریافت گواهینامه ماشین هم اقدام کردم که به من گفتند در قانون راهنمایی و رانندگی آمده است که فرد متقاضی گواهینامه باید حداقل یک دست و یک پای سالم داشته باشد. صحبت ها و پیگیری های بسیاری انجام دادم که حداقل از من تست بگیرند اگر نتوانستم، جواب رد دهند اما هیچ کس به حرفم گوش نکرد. من هم چاره ای جز استفاده از موتور برای تردد در خیابان نداشتم. نمی خواستم دوباره ساعت ها کنار خیابان منتظر فردی باشم که از روی دلسوزی بخواهد مرا به مقصد برساند.



## «چشم‌هایت را باز کن مترو!»: مشکلات مسافران نابینا در گفت و گو با فرنوش نوبخت مدیرعامل شرکت بهره برداری مترو تهران و حومه»، مجید سرایی، ۲۹ مهر ۱۳۹۷.

قطار زیرزمینی یا همان مترو به عنوان وسیله نقلیه پر مسافر، از زمان بهره برداری (۱۳۷۹) محل نقد ها و شکایت ها بوده؛ شاید یکی از مهم ترین این شکایت ها، به کمبود واگن ها برگردد، اما جنس گله و شکایت شهروندان نابینا متفاوت از دیگر شهروندان است. «مأموران سکو ها ما را هنگام سوار شدن به قطار همراهی نمی کنند؛ وقتی هم از قطار پیاده می شویم، هیچ مأموری نیست که ما را تا بیرون ایستگاه راهنمایی کند و مجبوریم از مسافران کمک بخواهیم.»، «سیستم اعلام گویای قطار ها زمانی که پیک مسافر است و حتی در مواقع خلوت یا کار نمی کند یا نام ایستگاه ها را به اشتباه اعلام می کند.»، «خطوط ویژه نابینایان در برخی ایستگاه ها فرسوده شده.»، «در تمام ایستگاه ها آسانسور نصب نشده.»... این موارد و موارد زیادی که از سوی نابینایان مطرح شد، بهانه خوبی بود تا با فرنوش نوبخت، مدیرعامل شرکت بهره برداری مترو تهران و حومه گفت و گو کنیم؛ نکته جالب توجه، پیوستن علی عبدالله پور، مشاور نوبخت در میانه گفت و گو بود که کمک کرد تا موارد مغفول مانده از ذهن نوبخت بیان شود. در ادامه این گفت و گو را می خوانید.

بحث تأمین امنیت مسافران معلول و مخصوصاً نابینا در ایستگاه های مترو، همچنان مطرح است و این بحث بعد از حادثه ۲۴ مهر ۸۹ که منجر به فوت هما بدر، معلم نابینا در ایستگاه خزانه شد، پر رنگتر شده؛ شرکت بهره برداری مترو تهران و حومه چه تمهیداتی برای حفظ امنیت معلولان در مترو حین سوار شدن به قطار و پیاده شدن از آن پیش بینی کرده است؟

از بدو بهره برداری قطار های زیرزمینی در سال ۱۳۷۹ نابینایان جزو مسافران ثابت ما شدند. متأسفانه سامانه حمل و نقل ما برای شهروندان نابینا و حتی سایر معلولان، به طور یکنواخت و یکدست طراحی نشده؛ به این معنی که معماری ایستگاه ها با نقشه ای واحد طراحی نشده است؛ بعضی از ایستگاه ها پله برقی دارند، بعضی دیگر ندارند؛ پله برقی بعضی از ایستگاه ها سمت راست است و بعضی دیگر سمت چپ. هند ریل هایمان آرایشی مختلف دارند، بعضی ایستگاه ها آسانسور دارند و بعضی ندارند. در واقع شهروند نابینا با معماری های مختلفی مواجه است. با این حال ما سعی کردیم مسافرانمان را بشناسیم؛ یعنی با یک آمار میدانی نسبی به این رسیده ایم که کدام ایستگاه ها پذیرای چه طیف از شهروندان هستند. بنابراین با مسافران نابینا آشنایی نسبی داریم و به این واقفیم که دریافت داده های شنیداری برای این شهروندان در اولویت است، اما متأسفانه سیستم های طراحی شده در داخل ایستگاه ها اجازه نمی دهند که این دوستان به بهترین شکل از راه شنیدن، جهت و مسیر خودشان را تعیین کنند و بعضاً حوادث ناگواری مثل حادثه تلخ سقوط خانم بدر در چاله ایستگاه خزانه پیش می آید. تمهیدات ما در بحث امنیت مسافران نابینا، بیشتر متکی بر کمک های فردی است؛ به این معنی که همکاران ما به محض رؤیت مسافر نابینایی که وارد ایستگاه می شود، او را تا سوار شدن به قطار همراهی می کنند، اما بعضی وقت ها که چه عرض کنم، بیشتر اوقات این کمک ها از سوی مسافران نابینا پس زده می شود؛ البته شاید هم حق داشته باشند، چون معتقدند مشکلی در سوار شدن به قطار ندارند. پروتکل ما این است که مسافر نابینا را سوار قطار کنیم و ایستگاه مقصدش را بدانیم و در



صورت امکان، او را تا بیرون ایستگاه همراهی کنیم. من می‌خواهم از دوستان نابینا خواهش کنم که وقتی پای گیت می‌رسند، حتماً منتظر باشند تا با همراهی مأموران ایستگاه سوار قطار شوند، این کمک‌ها را به منزله توهین تلقی نکنند؛ چون حقیقتاً قطارها شلوغ است.

اتفاقاً یکی از مواردی که دوستان نابینا طی تماس‌های مکرر با ما بر آن تأکید داشتند، نبود مأمور هنگام عبور از گیت برای همراهی است؛ حتی بعضی از دوستان از این شاکی هستند که هنگام پیاده شدن هیچ مأموری -مخصوصاً در ایستگاه‌های جدید الاحداث- آنها را تا بیرون ایستگاه همراهی نمی‌کند.

نه! مأموران ما موظفند مسافران نابینا را همراهی کنند، اما همان‌طور که گفتیم، شاید علت عدم همراهی بعضی مأموران، پس زدن این کمک‌ها از سوی مسافران نابینا باشد. با این حال من مأموران ایستگاه‌ها را ملزم می‌کنم که این موضوع را جدی بگیرند؛ ضمن این که مسافران نابینا هم موقع پیاده شدن از قطار در نقطه‌ای بایستند تا مأموران ما آنها را همراهی کنند.

شاید دلیل به قول شما «پس زدن» این کمک‌ها، نبود آموزش صحیح به مأموران ایستگاه‌ها در نحوه صحیح برخورد با شهروندان نابینا باشد؛ چنان‌که به شأن و منزلت این شهروندان برخورد هم نباشد.

حق با شماست؛ چون رفتار و برخورد بعضی پرسنل ممکن است برآیند اتفاقات شخصی آن‌روز باشد و خروجیش، برخورد ناصحیح با یک مسافر نابینا شود. ما از این ایده استقبال می‌کنیم و حاضریم آموزش‌های لازم به تمام مأموران ایستگاه‌ها را با کمک کارشناسانی که مورد وثوق جامعه نابینایان هستند، انجام دهیم.

اگر اجازه دهید این سؤال را از جناب عبد الله پور که مشاور شما هستند بپرسم: یکی از معضلاتی که نابینایان با آن مواجهند، نبود خطوط ویژه در ورودی‌های ایستگاه‌هایی است که روی زمین هستند؛ مثل ایستگاه ترمینال جنوب یا خزانه یا علی آباد. آیا برای برطرف کردن این مشکل و اساساً مشکل خطوط ویژه نابینایان برنامه‌هایی پیش‌بینی شده است؟

عبد الله پور: زمانی که ما طراحی‌های لازم برای تردد نابینایان در ایستگاه‌های مترو در جهان را جست‌وجو کردیم، به دو الگو رسیدیم. یک الگو نشانه‌گذاری از مدخل ایستگاه تا سوار شدن به قطار را نشان می‌داد که بعضاً نمونه‌هایی دیدیم که از ۱۰۰ یا ۲۰۰ متری ایستگاه، برای نابینایان نشانه‌گذاری شده است. ما این الگو را به دلایل قراردادی و مالی اجرا نکردیم. الگوی دوم این بود که از دم آسانسور یا پله برقی خطوط هدایت‌کننده را نصب کنیم و بقیه مسیر را به عهده هدایت با عصا بگذاریم.

مشکل اینجاست که آسانسور در همه ایستگاه‌ها نصب نشده؛ مثلاً ایستگاه ۱۵ خرداد آسانسور ندارد و نه تنها نابینایان، بلکه معلولان جسمی-حرکتی هم در این ایستگاه مشکل تردد دارند.

عبد الله پور: حرف شما درست است. آقای مهندس هم دستور اکید دادند ایستگاه‌هایی که امکان نصب آسانسور در آنها وجود دارد، شناسایی شود و ما اقدامات لازم در این زمینه را انجام می‌دهیم، اما حقیقت این است که همه ایستگاه‌ها به لحاظ توپوگرافی امکان نصب آسانسور را ندارند. ایستگاه ۱۵ خرداد هم یکی از این موارد است؛ ضمن این که در دنیا هم تمام

ایستگاه های مترو تمهیدات لازم ویژه

ص: ۸۶

نابینایان را لحاظ نکرده اند. اما این توجیه صحیحی نیست. من از صحبت های جناب مهندس نوبخت وام می گیرم و تأکید می کنم که با تعاملاتی که می شود بین شرکت بهره برداری مترو و روزنامه ایران سپید برقرار کرد، موارد لازم از سوی شما منعکس شود و ما هم پیگیری های لازم را انجام دهیم. برای نشان دادن حسن نیتمان و آگاهی نابینایان عزیز از این نکته که مسئولان مترو نیازسنجی های لازم را انجام داده اند، می گویم که مثلاً یکی از اماکن و مسیر های پر تردد نابینایان که سال ها پیش شناسایی شده و خطوط ویژه تردد نابینایان با همکاری شهرداری در آن نصب شده، مسیریست که نابینایان را به مرکز رودکی هدایت می کند.

آقای نوبخت! یکی از مواردی که شکایت های بسیاری به دنبال خود داشته و همچنان از سوی مسافران نابینای مترو مطرح است، موضوع صداست. از یک سو صدای رادیو که در محیط ایستگاه پخش می شود برای نابینایان که صدا عنصر اصلی مسیر یابی است، ایجاد مشکل می کند. از سوی دیگر، سامانه اعلام گویای ایستگاه های قطار ها دائماً با اختلال های زیادی همراه است؛ خیلی وقت ها اسامی ایستگاه ها برعکس یا حتی اشتباه پخش می شود یا در موارد زیادی بلندگوهای واگن ها با کیفیت بد، صدا را پخش می کنند یا اساساً قطع هستند.

این موضوع به دلیل خرابی هایی است که پیش می آید که البته خیلی هم اتفاق نمی افتد. ممکن است کد های ایستگاه ها جا به جا یا گاه قطع شود. اما باز توجیه کننده مشکلی که برای نابینایان پیش می آورد نیست. من باز این موضوع را بجد پیگیری می کنم. درباره پخش صدای رادیو هم نباید این نکته را فراموش کنیم که به هر حال عده ای برنامه ریزی رفت و آمدشان را بر اساس پخش اخبار ترافیک تنظیم می کنند. معمولاً رادیو های ایستگاه ها روی موج رادیو تهران متمرکز است که اخبار ترافیک را اعلام می کند. بنابراین ما برای حفظ حقوق آن دسته از شهروندان که به رادیو گوش می کنند، لازم می بینیم صدای رادیو را پخش کنیم، اما زمانی که قطار وارد ایستگاه می شود، صدای رادیو را قطع می کنیم و فقط صدای مسئول پیچ پخش می شود که مسافران را از توقف روی لبه سکو برحذر می کند.

عبد الله پور: من در این مورد بخصوص طرحی ارائه کرده بودم که به صورت پایلوت در خط ۲ اجرا شود. طرح این بود که مسیر رفت از ایستگاه صادقیه به فرهنگسرا را با صدای خانم پخش کنیم؛ یعنی سیستم اعلام گویا با صدای خانم باشد و مسیر برگشت از فرهنگسرا به صادقیه با صدای آقا باشد تا حداقل شهروندان نابینا متوجه شوند که صدای هر کدام از این سیستم ها کدام مسیر را مشخص می کند، اما متأسفانه این طرح از سوی جامعه هدف حمایت نشد.

مشکل دیگری که از طرف ناشنوایان مطرح می شود، مربوط به تابلو های ویژه داخل واگن هاست که مسیر را به صورت بینایی مشخص می کند و برای این شهروندان بسیار مفید است؛ متأسفانه این تابلو ها هم خیلی مواقع قطع می شوند.

حق با شماست. باید ما این موارد را اصلاح کنیم.

نکته دیگری که قابل طرح و بررسی است، مناسب سازی سامانه های نقشه یاب ایستگاه ها برای نابینایان است. با توجه به پیشرفت های نوین در زمینه تولید فناوری های تازه برای نابینایان، به نظر شما چه تمهیداتی می توان برای تولید اپ های ویژه نقشه یابی متناسب با استفاده نابینایان تولید کرد.



برنامه‌هایی مثل نقشه‌یاب‌ها این امکان را دارند تا با استفاده از نرم‌افزارهایی که ویژه‌ی نابینایان طراحی شده، متناسب‌سازی شوند؛ منتها انجام این کار نیازمند مشورت با کارشناسان و متخصصان فناوری‌های نابینایان است. من همین‌جا اعلام می‌کنم که ما از این مشورت‌ها استقبال می‌کنیم. ضمن این‌که توجه داشته باشیم هر نرم‌افزاری هم امکان اجرا شدن در ایران را ندارد. مثلاً نرم‌افزاری که در آمریکا بر اساس شرایط شهروندان آن کشور تولید شده، شاید در ایران کارآیی لازم را نداشته باشد؛ یا ممکن است کسی مدعی تولید یک نرم‌افزار ویژه‌ی نابینایان شود، اما با بررسی‌های کارشناسی معلوم شود که این نرم‌افزار با استاندارد‌های لازم فاصله دارد. بر همین مبنا واقعاً باید کار کارشناسی صورت بگیرد. این نکته را هم در پایان اضافه کنم که: آنچه از سوی نابینایان به عنوان مشکل مطرح می‌شود، با موضوع جان شهروندان مرتبط است و برای ما یک کار اداری است؛ بنابراین ما خالصانه از طرح‌ها و مشورت‌ها در زمینه‌های خدماتی و آموزشی استقبال می‌کنیم.

### **«خیز معلولان برای تأسیس کمپانی‌های خصوصی نمایش؛ گفت و گو با فاطمه فخری، دبیر چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر معلولان»، مجید سرایی، ۱۸ آذر ۱۳۹۵.**

چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر معلولان با شعار «جشن دوستی با احترام به تفاوت‌ها» کار خود را از ۱۲ آذر، روز جهانی معلولان، در شهر تاریخی اصفهان آغاز کرد. در این دوره از جشنواره که به اهتمام سازمان بهزیستی کشور، بهزیستی استان اصفهان و شهرداری اصفهان به مدت ۵ روز برگزار شد، ۴۱ گروه داخلی و بین‌المللی در دو بخش رقابتی و جنبی حضور یافتند. از این تعداد، ۳۵ گروه به عنوان گروه‌های داخلی که منتخبان جشنواره منطقه‌ای تئاتر معلولان بودند و ۶ گروه دیگر، بخش بین‌الملل را تشکیل دادند که از کشورهای آلمان، ایتالیا، بلژیک، هلند، ارمنستان و اوگاندا بودند. از بین ۳۵ گروه داخلی ۵ گروه در بخش جنبی اجراهای خود را به روی صحنه بردند و ۳۰ گروه دیگر، در بخش مسابقه و در رشته‌های تئاتر کودک، تئاتر خیابانی و تئاتر بزرگسال، به رقابت پرداختند. هیأت داوران جشنواره متشکل از دو گروه ۵ نفره بود که رشته‌های بزرگسال و کودک را داوری کردند که از مجموع ۱۰ عضو هیأت ژوری، سه داور از میهمانان خارجی بودند. برگزاری جشنواره تئاتر معلولان در سطح بین‌الملل، نشان از چه اهدافی دارد؟ برگزارکنندگان این جشنواره تا چه میزان به اهداف خود رسیده‌اند؟ چه راهکارهایی برای توسعه و ارتقای سطح کیفی جشنواره برای دوره‌های آینده ارائه خواهند کرد؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش و پرسش‌های دیگر درباره نحوه برگزاری جشنواره، با فاطمه فخری، دبیر چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر معلولان گفت و گو کردیم.

- یکی از اهدافی که در سال‌های گذشته به عنوان دغدغه مطرح بوده، رسیدن به این نقطه بود که گروه‌های تئاتر معلول بعد از شرکت در جشنواره تئاتر معلولان، امکان حضور در جشنواره بزرگی مثل تئاتر فجر را پیدا کنند، اما این مهم تاکنون محقق نشده است.

برای اینکه معلولان در جشنواره های مختلف پذیرفته شوند (جشنواره هایی که لزوماً مختص معلولان نیست)، تلاش های زیادی شده؛ ما با مشکلات زیادی رو به رو بودیم. مسئولان آن جشنواره ها بر این گمان بودند که حضور گروه های تئاتر افراد با نیاز های ویژه در آن جشنواره ها مناسب نیست. این موضوع هنوز حل نشده، اتفاقاً چندی پیش یکی از دوستان به من اطلاع داد که نمایشی به جشنواره همدان ارسال کرده، اما به علت اینکه گروه تئاتری آنها جزو معلولان بوده، امکان راهیابی به جشنواره را نیافته است. سال گذشته تلاش کردیم طی مذاکره با مسئولان جشنواره تئاتر فجر، امکان حضور یکی دو گروه حرفه ای را فراهم کنیم؛ حتی با آقای دکتر قطب الدین صادقی وقت گذاشته و از میان اجرا های حرفه ای، چند نمونه را انتخاب کردیم، اما امکان حضور در جشنواره فجر در سال گذشته فراهم نشد. اما امسال این شانس را داشتیم که نماینده هایی از طرف آقای اسدی آمدند و ما جلساتی با آن نماینده ها برگزار کردیم. از آنجا که هم آقای اسدی و هم آقای شفیع، رئیس مرکز هنر های نمایشی نظر مثبتی نسبت به تئاتر معلولان دارند، مقرر شد تا نماینده ها آثار را ببینند و بسته نمونه یا نمونه هایی که استاندارد های لازم برای حضور در جشنواره فجر را دارند، انتخاب کنند. اما آنچه برای ما مهم است، حضور در جشنواره ها نیست. مهم، حضور گروه های نمایشی معلولان در سطح کشور است، مهم این است که این گروه ها دیده شوند. خواسته ما این است که به این گروه ها همان ارزشی را قائل شوند که به سایر گروه های حرفه ای قائل می شوند؛ چرا که ما در میان گروه های تئاتر معلولان، نمونه های حرفه ای، حتی بعضاً از گروه های حرفه ای بالاتر داریم. این نکته را هم در نظر بگیرید که سازمان بهزیستی یک سازمان خدماتی-رفاهی است، سازمان یا مؤسسه هنری نیست. اما از آنجا که هنر نقش مهمی در توانبخشی فردی و اجتماعی معلولان دارد، از انواع هنر مثل تئاتر و موسیقی در بحث توانمند سازی معلولان استفاده می کنیم. حالا محصول هنری تولید و آماده ارائه شده، از اینجا به بعد وظیفه صرف سازمان بهزیستی نیست که امر ارائه آثار در سطح عمومی را هم بر عهده بگیرد. اینجاست که سازمان های ذیربط باید یاری کنند، سازمان هایی که متولی امور فرهنگی و هنری هستند باید در اختیار این گروه ها سالن های اجرا قرار دهند و با فراهم کردن امکان بلیت فروشی، خروجی اقتصادی برای این گروه ها ایجاد کنند. با این روش کم کم گروه ها خود را پیدا کرده و به یک کمپانی نمایشی قدرتمند تبدیل می شوند.

- شما به بحث دیده شدن اشاره کردید. یکی از راه های دیده شدن جشنواره ها در سطح بین الملل، تبلیغات گسترده است. متأسفانه هیچ حرکتی در این زمینه صورت نگرفته و گواه این ادعا، بی اطلاعی شهروندان اصفهانی از برگزاری یک جشنواره تئاتر است.

من این ادعا را ندارم، این اظهار نظر گروه های خارجی در جشنواره امسال است که از این جشنواره به عنوان یک حرکت عظیم یاد کردند. اما بحث تبلیغات را باید از مسئولان حوزه تبلیغات در روابط عمومی پیگیری کنید.

- به نظر شما تا چه میزان امکان رسیدن به تأسیس کمپانی های نمایشی معلولان فراهم شده؟

ما در حال تدوین طرحی حمایتی هستیم که بر اساس آن، گروه های نمایشی معلولان به کمپانی های کوچک بدل شوند. یعنی ما کمکشان کنیم تا سر پا شوند و در عین حال، خود آن گروه ها هم باید تلاش لازم برای رسیدن به استاندارد های لازم را انجام دهند. تشکیل یک کمپانی کوچک به



صورت بخش خصوصی، یک ویژگی مهم دارد و آن، عبارت از تولید کار حرفه ای است. قطعاً مخاطب به دنبال تماشای یک نمایش استاندارد، جدا از مسائل ترحم انگیز است. معضل دیگر، دولتی بودن نظام تئاتر ماست. رشته خود من تئاتر است و به کشور های زیادی سفر کرده و نمایش دیده ام. در یکی از سفرها، برای تماشای نمایشی رفتم و با اجتماع عظیم مردم مواجه شدم. در بیرون سالن نمایش، محلی شبیه به یک نمایشگاه کوچک دایر کرده بودند و کالا های مختلف عرضه می کردند؛ مثلاً لباسی که عکس یکی از شخصیت های آن نمایش طراحی شده بود یا کالای دیگری که عکس یکی دیگر از شخصیت ها روی آن نقاشی شده بود. من قبل از دیدن نمایش، آن لباس را خریدم و علاوه بر آن، سی دی موسیقی نمایش را هم خریدم. وقتی وارد سالن نمایش شدم، دیدم همه چیز اعم از صحنه، نور، دکور و... کاملاً استاندارد است. این نکته را همیشه به گروه های معلولان تأکید می کنم که خیلی متکی به کمک های دولتی نباشند؛ دولت باید کمک کند که در حد خودش این کار را می کند، اما باید به مغز و ذهن خودشان توجه کنند. همیشه به مسائل اقتصادی فکر نکنند و از جوشش ذهنی خودشان بهره ببرند. یکی از گروه هایی که در جشنواره امسال شرکت کرد، گروه «رامبا زامبا» است که اعضای آن، معلولان جسمی-حرکتی هستند. این گروه یک جدول منسجم برنامه ریزی شده دارد که مثلاً ماه آوریل چه اجرا هایی داشته باشد. ما در ایران حتی بین گروه های حرفه ای چنین چیزی نداریم. در همین جشنواره معلولان، من چند پنل تخصصی پیش بینی کردم که جدا از پنل های برنامه ریزی شده بود و هدفم این بود که گروه ها را ترغیب کنم تا حتماً در این پنل ها شرکت کنند و با استاندارد های جهانی آشنا شوند.

- قطعاً برای رسیدن به آنچه مدنظر شماست، باید حتماً دوره های آموزشی تخصصی جدا از جشنواره و در طول سال برگزار شود، حال آنکه چنین دوره هایی هنوز برنامه ریزی نشده است.

اخیراً طی مذاکره ای که با دانشگاه جامع علمی- کاربردی داشتیم، مقرر شد پودمان های آموزشی که طراحی کرده ایم با همکاری آن دانشگاه برای مربیان ما و همچنین معلولان علاقه مند در سه رشته تئاتر، موسیقی و نقاشی برگزار کنیم. مدت این دوره ها ۱۴۵ ساعت است که طی ۴ مرحله اجرا شده و بعد به کاردانی تبدیل می شود. تمام دروس و برنامه های آن را طراحی کرده ایم و قرار است بعد از جشنواره به دانشگاه ارائه دهیم. ویژگی این طرح، تکنیک مند بودن و تخصصی بودن در زمینه معلولان است. به این معنی که شخصی که رشته تئاتر را انتخاب می کند، دوره تئاتر صرف را نمی گذراند؛ دوره ای که می گذراند، تئاتر با رویکرد تخصصی به معلولان است. برای آشنایی استادانی که باید این دوره ها را تدریس کنند، دوره های فشرده ای پیش بینی کرده ایم که در این دوره ها، با معلول، محدودیت های معلول در صحنه، توانبخشی و هرچه مربوط به آموزش معلولان است، به شکل کاملاً تخصصی آموزش داده می شود.

- نمایش های راه یافته به جشنواره بر اساس چه معیار هایی انتخاب شدند؟

یکی از موضوعاتی که سعی کردیم از آن فاصله بگیریم، نگاه حاکی از ترحم یا قضاوت بر اساس احساس صرف است. من به هیأت داوران تأکید کرده ام که به هیچ وجه نباید چنین نگاهی در ذهن داشته باشند. بنابر این قضاوت ها بر اساس استاندارد های حرفه ای مثل بازیگری، کارگردانی، صحنه و... صورت گرفته است. هدف ما جدا سازی معلولان نیست؛ وقتی عنوان جشنواره ای «معلولان»





است، یعنی باید در برگزاری آن باید به معلول فکر شود؛ باید به صحنه و میزانشی که معلول در آن حرکت می کند، به مسیر اتوبوس تا سالن، به اتوبوسی که باید آن معلول سوار شود فکر شود. ما دائماً به گروه های مختلف تأکید کرده ایم که نباید جدا سازی صورت بگیرد و در عین تلفیق، باید فرد یا افراد معلول نقش های محوری داشته باشند. جدا از این، در طول سال های برگزاری جشنواره، با این موضوع مواجه شده ایم که بسیاری از معلولان خواستار بیان مشکلاتشان از طریق تئاتر و با زبان تئاتر هستند. مشکلاتی مثل محدودیت های معلولیت، اشتغال و... این خواسته را هم نمی توانیم نادیده بگیریم و صرفاً به متن هایی با موضوعات غیر معلولان پردازیم؛ چرا؟ چون جشنواره معلولان، جشنواره موضوعی نیست.

### «دار قالی نابینایان زیر سایه بی مهربی ها گم شد؛ گفت و گو با بانوی مخترع کامیارانی»، محدثه جعفری، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶.

شاید این تیتراژ شنیده باشید «بانوی مخترع کامیارانی دار قالی هوشمند ویژه نابینایان ساخت» این خبر شاید برای همه آحاد جامعه موضوع روز نباشد اما برای عده ای از اهمیت بسیاری برخوردار است. افراد دارای مشکل بینایی برای انجام کارهای روزمره نیاز به ابزار یا فناوری های ویژه دارند مثلاً برای کار با رایانه نیاز به برنامه ای به اسم صفحه خوان دارند تا آنچه ما در رایانه می بینیم و می خوانیم برای آنها به وسیله یک نرم افزار خوانده می شود. بسیاری از بانوان نابینا با گذراندن دوره ای کوتاه آموزش، بافت تابلو فرش را فرا می گیرند و این کار هنری را بخوبی انجام می دهند.

بانوی کامیارانی بعد از تحقیق درباره نحوه بافت قالی به وسیله نابینایان دستگاہی را برای تسهیل این امر برای افراد با مشکل بینایی اختراع کرده است که در این گزارش به نحوه کار با دستگاہ می پردازیم.

متولد ۱۳۶۹ است اهل یکی از روستاهای سنندج، تحصیلاتش را تا مقطع کارشناسی در رشته علوم تربیتی دانشگاه کرمانشاه به پایان رسانده و اکنون خانه دار است و مشغول بافت تابلو فرش تا بتواند در کنار سرگرمی و انجام کار هنری کمک خرج زندگی دوفره شان باشد.

مرضیه سلیمانی اهل روستای کامیاران مخترع جوانی است که چند وقت پیش خبر اختراع ویژه اش به گوش مان رسید اما با بی توجهی و عدم استقبال مسئولان از این اختراع این خبر هم در میان انبوهی از اخبار که هر روزمان را دربر می گیرد مسکوت ماند و میان بی شماری از تیتراژهای جذاب گم شد.

با توجه به اینکه بینا هستی چطور به فکر اختراع این دستگاہ افتادی؟

روزی در دانشگاه با همکلاسی...هایم صحبت می کردیم و بحث بیماری های مختلف به میان آمد و اینکه این بیماری ها باعث چه معلولیت هایی می شود، تا اینکه از میان معلولیت ها به نابینایی رسیدم و بحث بر سر این بود که نابینایان چگونه کارهای روزانه را انجام می دهند. جرقه این موضوع از این صحبت ها نشأت گرفت مدت ها این بحث ذهنم را درگیر کرد. وقتی قالی می بافتم به این فکر می کردم

آیا نابینایان هم قالی می بافند؟ بعد از تحقیق در خصوص این موضوع دریافتم نابینایان با مهیا بودن یکسری شرایط می توانند تابلو فرش ببافند.

در اینجا جای دستگاهی برای بافت فرش که افراد دارای مشکل بینایی بتوانند بدون دخالت فرد دوم براحتی تابلو فرش را ببافند خالی است.

تحقیقات خود را گسترش دادم و با یکی از استادانم در دانشگاه «آقای بهرامی» مشورت کردم و او نیز در تحقق این ایده یاری ام کرد.

دار قالی ویژه نابینایان نمونه خارجی هم ندارد در نوبه خود نخستین است که این دار قالی از طریق ایجاد صوت به نابینایان کمک می کند تا بتوانند تابلو فرش را بدون دخالت دیگران ببافند. چارچوب اصلی دار قالی مانند دارهای قالی رایج است، فقط شیارهایی را روی گودی که پشت دار قالی است (این گورد نخ های جلو و عقب را در قالی از هم جدا می کند) ایجاد کردم. هر تار نخ یا همان چله داخل این شیارها قرار می گیرند دستگاهی با نام «تارخوان صوتی» را هم روی دار قالی قرار دادم تا برداشتن هر تار از چله شماره آن برای فرد نابینا خوانده شود. به تعداد تارهای موجود میکروسویچ هایی در روبه روی شیارها قرار می گیرد که این میکروسویچ ها روی مدار الکتریکی نصب شده و به گود قالی وصل می شود و در جعبه الکتریکی مدار حافظه گذار و بلندگو قرار گرفته است.

تمام تارهای موجود به ترتیب از چپ به راست شماره گذاری شده و در مدار حافظه گذار شماره مربوط به آن ثبت و به ترتیب با کشیدن هر کدام از تارهای قالی به میکروسویچ روبه رو برخورد نموده و شماره آن تار از طریق بلندگو داخل جعبه پخش می شود و بافنده بر آن اساس شروع به بافتن می کند.

گورد همانند دیگر دارهای قالی از چوب ساخته شده است؟

برای ساخت گورد قالی در نمونه اولیه از چوب گردو استفاده کردم و در نمونه تجاری از لاک الکتریکی استفاده کردم. برای آنکه فرد نابینا بتواند تشخیص دهد برای بافت باید چه رنگ نخی را استفاده کند دستگاه دیگری را روی دار قالی نصب کردم تا به صورت صوت رنگ مورد نظر را برای فرد بخواند. شاید تصور کنید وقتی فرد نابینا روی رنگ قرمز دست می گذارد دستگاه می گوید قرمز ولی این طور نیست وقتی ما تابلو فرش می بافیم برگه ای جلوی ما قرار دارد که روی آن نوشته یک و بعد دو تا نقطه گذاشته و از روی آن متوجه می شویم باید رنگ یک را استفاده کنیم روی این دستگاه هم رنگ ها به صورت شماره قرار گرفته اند و طبق نقشه قالی عمل می کنند. برای بافت تابلو فرش به صورت رایانه ای تعداد رنگ هایی که در آن استفاده شده به صورت شماره مشخص شده است به عنوان مثال تابلو فرشی که خودم در حال بافت آن هستم ۱۹ رنگ دارد که برای هر رنگ یک عدد مشخص شده است فرد نابینا طبق عددی که روی نقشه به صورت بریل با صوت برایش خوانده می شود می تواند رنگ را از دار برداشته و شروع به کار کند.

ساخت این دار قالی چقدر هزینه دارد؟



من دو نمونه از این دار را ساختم نمونه اول به خاطر اطلاعات کمی که در خصوص لوازم الکترونیکی داشتم یا وسایل را اشتباهی خریدم یا زیاد تهیه کردم البته در نمونه اولیه ایرادهایی هم بود که در نمونه بعدی آنها را اصلاح کردم. با توجه به اینکه دانشجو بودم ساختن نمونه اولیه این دستگاه حدود یک سال طول کشید ولی نمونه تجاری آن حدود چهار ماه وقت برد. در نمونه تجاری ۲ میلیون تومان هزینه کردم. اگر این دستگاه را در تعداد بالاتر بخواهیم بسازیم مسلماً هزینه کمتری خواهند برد.

آیا این دستگاه مورد آزمایش قرار گرفته است؟

بله. برای تست کردن این دستگاه دو روز به یک خانم نابینا آموزش دادم به این صورت که فردی را که هیچ گونه آشنایی قبلی با بافت قالی و تابلو فرش نداشت

انتخاب کردم. در جلسه اول بافت فرش، اصطلاحات و نحوه گره زدن قالی را آموزش دادم و روز دوم کار با این دستگاه ویژه را به او آموختم. این بانوی نابینا بعد از فراگرفتن آموزش های لازم موفق شد براحتی و با استفاده از دار قالی ویژه نابینایان بدون کمک دیگران به بافت قالی مشغول شود. شاید این سؤال برایتان ایجاد شود که قالی را با کمک این دستگاه می بافند اما چگونه نقشه قالی را می خوانند که در این باره باید بگویم برای خواندن نقشه قالی در گذشته فرد دیگری دستگاهی را اختراع کرده است که به آن نقشه...خوان صوتی می گویند. راه دومی که نابینایان می توانند از نقشه به تنهایی استفاده کنند این است که نقشه قالی به خط بریل تبدیل شود.

آیا سازمان بهزیستی برای این اختراع کمک هایی دریافت کرده اید؟

بعد از اختراع این دستگاه و با تأییدهایی که بر کارکرد آن صورت گرفت این اثر به نام دارقالی هوشمند، به شماره اختراع ۸۷۹۴۷ و شماره اظهارنامه ۱۳۹۳۵۰۱۴۰۰۰۲۰۰۵۰۵۲ در سامانه ثبت اختراعات ثبت شد. همچنین با تأییدهایی که بر این اختراع صورت گرفته است قابلیت تجاری سازی نیز دارد. تنها نهادی که حامی من برای عملی کردن این ایده بود بسیج علمی پژوهشی و پارک علم و فناوری است. انتظار من به عنوان یک مخترع از مسئولان، اعطای وام های بانکی بدون بهره برای عملیاتی کردن ایده ها، رفع دغدغه های فکری مانند داشتن مسکن، ایجاد شرایط تحصیلی در دانشگاه های مرتبط با توانایی های این افراد و قرار دادن کارگاه ها و افراد ماهر در اختیار افرادی است که ایده ها را عملیاتی می کنند. سازمان بهزیستی فقط در جشنواره ای که در شهر سنندج برگزار شد از من به عنوان بانوی مخترع قدردانی کردند اما دیگر هیچ استقبالی برای گسترش و تولید این دستگاه برای نابینایان از سوی این نهاد صورت نگرفت. این بی توجهی ها باعث دلسردی مخترعان می شود، چرا که بدون حامی نمی توانند ایده هایشان را جامه عمل بپوشانند.

این بانوی مخترع کامیارانی در پایان صحبت هایش می گوید: «آرزویم این است که سازمانی با حمایت از من و اختراعم شرایطی را فراهم آورد تا بتوانم دستگاه خود را ارتقا بخشم و به دوستان نابینا که علاقه به فراگیری بافت قالی دارند آموزش دهم؛ با این کار هم من پیشرفت می کنم و هم افراد نابینا می توانند شغلی برای خود دست و پا کرده تا برایشان درآمدزا باشد.



## «دخترانی که از سد نابرابری‌ها گذشتند: گفت و گوی صمیمی با دختران معلول به مناسبت روز دختر»، محدثه جعفری، ۱۴ مرداد ۱۳۹۵.

توانمندی و کارآمدی انسان‌ها به بدن سالم نیست بلکه در قدرت ایمان به خود، تلاش و صبر نهفته است. امروز می‌خواهم با دخترانی آشنایتان کنم که با نگاه اول و قضاوت زود هنگام ناتوانشان می‌خوانیم اما کافیست با آنها هم‌کلام شوید تا دریابید تلاش و پشتکار نیز در برابر این دختران سر تعظیم فرود می‌آورد. در چنین روز مبارکی با کسانی آشنا می‌شوید که با وجود همه محدودیت‌هایی که خواسته یا ناخواسته گریبانگیرشان شده از پای نشستند و ثابت کردند این بار بهشت زیر پای این دختران است.

شورای شهر پله اول نردبان زندگی من

متولد ۱۳۶۰ است و تحصیلاتش را در مقطع ارشد مطالعات منطقه خاورمیانه «شمال آفریقا» در دانشگاه آزاد با موفقیت پشت سر گذاشته است. لیلا برزمینی فرزند ارشد یک خانواده پرجمعیت و ساکن یکی از شهرهای استان گلستان از مناطق سرسبز شمال کشور است. هنگامی که فقط یکسال از تولدش گذشته بود والدینش متوجه شدند قادر به حرکت نیست و دختر شیرین زبانشان به صورت مادرزادی دچار معلولیت جسمی - حرکتی از ناحیه پا است و باید تا آخر عمر از عصا برای راه رفتن استفاده کند. اما این نقص در جسم دختر ایرانی نتوانست خانه نشین‌اش کند بلکه سبب شد بیشتر از پیش تلاش کند تا سرنوشتش را تغییر دهد. اما این تمام ماجرا نیست. لیلا حرف‌های ناگفته‌ای دارد که شنیدن از زبان خودش خالی از لطف نیست.

«برای رسیدن به جایگاهی که اکنون در آن قرار دارم بسیار زحمت کشیدم. اغراق نیست اگر بگویم ۱۰ برابر دیگر دختران هم سن و سالم مشکلاتم هم به اندازه تلاشم بیشتر از دیگر دوستانم بود. برای تردد به مدرسه و نشستن در کلاس پدرم من را بغل می‌کرد و هرروز تا مدرسه و سرکلاس همراهی ام می‌کرد. این مشکلات در تردد به مکان‌ها و بعد در دانشگاه هم همراهم بود.»

دوران کارشناسی اکثر کلاس‌های درس در طبقات بالا بود و دانشگاه نه رمپ داشت و نه آسانسور و برای رفتن به کلاس باید با عصا پله‌ها را طی می‌کردم، چندین مرتبه نتوانستم تعادلم را حفظ کنم و زمین‌خوردم اما این زمین‌خوردن‌ها من را متوقف نکرد بلکه هر بار عزمم را جزم کردم و با قدرت به راهم ادامه دادم. هرجایی می‌رفتم نگران این بودم آیا پله دارد یا نه! محیط دانشگاه‌ها آماده پذیرش معلولان نیست و خانه نشین شدن بسیاری از دختران معلول به خاطر روبه‌رو نشدن با چنین شرایطی است.

معاثر شهر با من همراه نبود و من مجبور شدم خودم را با آنها همراه کنم تا مشکلات مانع خانه نشینی ام نشود. در دوران دبیرستان علاقه بسیاری به نوشتن داشتم و موفق شدم رمانی با نام «ویولن بهانه بود» را نوشته و با هزینه شخصی بدون حمایت از سوی سازمان بهزیستی چاپ کنم همچنین فیلمنامه‌ای با موضوعیت «ام‌اس» نوشتم تا شرایط افرادی را نشان دهم که به نوعی دچار معلولیت می‌شوند و هنگامی که سالم هستند اعتبار و اعتماد مردم را دارند و بعد از بیماری و معلولیت فرد، نظرات

و نگاه‌ها نسبت به او تغییر می‌کند و این درحالی است که فقط جسم‌اش دچار مشکل شده نه عقل، فکر و اراده آن. در این فیلمنامه نشان دادم با معلولیت یک انسان نگاه‌ها چه طور نسبت به او تغییر کرده و حتی جامعه شرایط مناسب برای پذیرش فرد با آسیب جسمانی را ندارد.

ص: ۹۴



همیشه دوست داشتم مسئولیتی به من سپرده شود تا بتوانم توانمندی ام را به عنوان یک دختر معلول نشان دهم و دیدگاه مردم را نسبت به جامعه دختران دارای معلولیت تغییر دهم.

انتخابات شورای شهر این فرصت را پیش رویم نهاد تا ثابت کنم ما دختران نیز می توانیم. بعد از ثبت نام در انتخابات شورای شهر شهرستان دلد «یکی از شهرهای استان گلستان» و تأیید شدن صلاحیتیم برای این انتخابات برنامه ریزی کردم تا دیدگاه افکار و توانمندی ام را به مردم نشان دهم و اعتماد آنها را برای این انتخابات جلب کنم. بسیار مضطرب بودم مدام به این فکر می کردم آیا مردم به یک دختر دارای معلولیت اعتماد می کنند؟ سختی کارم این بود که هم باید توانمندی خویش را به عنوان یک بانو و هم به عنوان یک فرد دارای معلولیت ثابت می کردم. نخستین سخنرانی را در منزل میان جمعی از اهالی محل آغاز کردم بعد از اتمام سخنان بازخورد های مثبتی را دریافت کردم. بسیاری از مردم حتی فکر نمی کردند من حتی بتوانم حرف بزنم.

با بیشتر شدن تب انتخاباتی فعالیت و سخنرانی هایم در مساجد بیشتر شد و برای مردم جالب بود که یک دختر معلول برای انتخابات شورای شهر نامزد شده است خوشبختانه صحبت هایم دیدگاه و نظر همشهریانم را نسبت به توانمندی معلولان تغییر داد و آنها به من اعتماد کردند و توانستم به شورای شهر دلد ورود پیدا کنم. در جلسات شورای شهر هم اعضا با اعتماد به رأی مردم من را به عنوان رئیس شورای شهر انتخاب کردند.

در ابتدای حضورم در شورای شهر نامه های متعددی را به مراکز و ارگان های مختلف ارسال کردم تا شرایط و دسترسی معلولان به ساختمان هایشان را در نظر گرفته و تدابیر مناسب را اتخاذ کنند اما با توجه به شرایط اقتصادی جامعه، دستان برای رسیدن به ایده آل ها بسته است ، بعضی از سازمان ها اقدام به مناسب سازی کردند و بعضی فقط قول دادند و عمل نکردند.»

به شوخی از لیلا پرسیدم دوست داشتی پسر متولد می شدی که در جوابم می گوید: «وقتی در خلوتم با خدا درد دل می کنم از او می پرسم چرا حالا که معلولیت را در تقدیرم گذاشتی من را در کالبد یک پسر خلق نکردی تا مشکلاتم کمتر باشد. نگاه جامعه نسبت به زنان محدود است و فرد معلول آن هم از جنس مونث محدودیت بیشتری متحمل می شود.

خانواده من به خاطر نگرانی هایی که داشتند نگذاشتند دانشگاه سراسری شرکت کنم بنابراین مجبور به شرکت در دانشگاه آزاد نزدیک محل زندگی ام شدم. وقتی خواهر و برادرانم در خانه بودند پدرم اجازه نمی داد تنها از منزل خارج شوم همیشه یک نفر را برای مراقبت همراهم می فرستادند من نگرانی خانواده ام را درک می کنم اما افراد دارای معلولیت دوست دارند همچون دیگر افراد استقلال و خودکفایی داشته باشند و به دیگران متکی نباشند.

تعصباتی که نسبت به دختران معلول وجود دارد گریبانگیر پسران این قشر نیست. این نگاه متفاوت حتی در کار و ازدواج دختر و پسر معلول متفاوت است.

دختران معلول ما بسیار مظلوم واقع شدند چرا که در خصوص ازدواج هم مردان دارای معلولیت به سراغ دختران سالم می روند و دختران معلول شانس ازدواج محدودتری دارند. به پسر معلول دختر می دهند اما افراد انگشت شماری برای ازدواج به سراغ

دختر معلول می آیند.

ص: ۹۵

متأسفانه حتی خانواده دختران معلول هم باور ندارند که دخترشان می تواند همسر مناسب و مادر شایسته ای باشد و زندگی را به صورت مستقل اداره کند. برای تغییر این دیدگاه، خانواده باید دخترش را باور و از وی حمایت کند.

اطرافیانمان سطح توانمندی مان را نمی دانند شاید برایتان جالب باشد روزی در خانه مشغول شستن ظرف ها بودم که یکی از بستگانم با تعجب ازم پرسید «تو ظرف هم می توانی بشویی!» نمی دانستم آن لحظه باید گریه کنم یا نسبت به این تفکر بخندم، چرا که من ظرف را با دستانم می شستم و ناتوانی در حرکت از ناحیه پا دارم. ما باید شناخت افراد را نسبت به معلولان بالا ببریم تا با شنیدن نام معلول اول ناتوانی به ذهن انسان ها نقش نبندد بلکه به این فکر باشند؛ این فرد با وجود مشکل جسمانی چه کارهایی را می تواند انجام دهد.»

بال پرواز دارم بگذارید اوج بگیرم

۲۴ ساله است، در میان خواهر و برادرانش تنها او مشکل بینایی دارد. پزشکان از ابتدای تولدش متوجه کم بینایی اش شدند، ندا سلیمانی مقاطع تحصیلی را میان دانش آموزان عادی گذرانده و از دانشگاه آزاد مدرک کارشناسی در رشته روانشناسی را دریافت کرده است.

از مشکلات دوران تحصیلش که پرسیدم، می گوید: «جامعه، مدرسه، دانشگاه و محیط کار هیچ یک آماده حضور ما نیست و همین امر باعث شده بیشتر تلاش کنیم تا به دیگران برسیم. سال آخر دانشگاه برای کار به یکی از مراکز خصوصی زیر نظر بهزیستی مراجعه کردم تا به عنوان مددکار مشغول به کار شوم در حال حاضر ۳۷۰ مددجو دارم که به پرونده های آنها رسیدگی می کنم. اوایل کار کردن با رایانه بسیار برایم دشوار بود چرا که برای دیدن صفحه نمایش باید چشمم را به آن نزدیک می کردم و این کار بسیار آزارم می داد.

بعد از آشنایی با فرهنگسرای بهمن در تهران و شرکت در کلاس های مختلفش مهارت های خودم را ارتقا دادم و با آشنایی با برنامه جاوز (برنامه...ای که برای نابینایان و کم بینایان متن نوشتاری را به صوت تبدیل می کند) موفق شدم همچون دیگران با رایانه کار کنم. مشکلات ما کم بینایان فقط به محیط کار ختم نمی شود بلکه در دوران تحصیل هم مشکلات گریبانگیر ماست، در مدارس عادی تحصیل کردم اما هیچ وقت کتاب مناسب قدرت دیدم را نداشتم و همیشه کتاب هایم را با ذره بین می خواندم.

اوایل سال ۹۳ غلامرضا عربی، بازیگر و کارگردان تئاتر فراخوانی را برای جذب بازیگران نابینا و کم بینا در فرهنگسرای بهمن درج کرد من نیز مانند دیگران برای نقش دختری با نام گلی در نمایشنامه «فصل بهار نارنج» تست دادم و موفق شدم نظر مثبت این کارگردان را نسبت به خود جلب کنم.

برای بازی در این نمایشنامه ۸ نفر انتخاب شدند که دو نفر نابینای مطلق و ۶ نفر دیگر کم بینا بودند. ماه ها برای اجرا در صحنه اصلی تمرین کردیم و نخستین بار به عنوان بازیگر روی صحنه تئاتر فرهنگسرای بهمن اجرا داشتیم، بعد از اجرا دلهره امانم نمی داد می خواستم بازخورد مردم را در مورد نمایش بدانم خوشبختانه مردم استقبال خوبی داشتند و همین امر باعث شد در اداره

تئاتر هم این نمایشنامه را روی صحنه ببریم. برای تماشاچیان بسیار جالب بود که چند نابینا و کم بینا در صحنه تئاتر حاضر می شوند و بدون خطا نقش آفرینی می کنند. به مردم حق می دهم از اجرای ما متعجب شوند چرا که از توانمندی افراد معلول آگاه نیستند و ما را ضعیف و ناتوان تصور می کنند، در اداره تئاتر

ص: ۹۶

باید ۱۷ شب اجرا می کردیم که استقبال خوب شهروندان موجب شد نمایشنامه «فصل بهار نارنج» ۳۰ شب پیاپی اجرا داشته باشد.

در یک سالی که تمرین تئاتر انجام می دادم احساس کردم دیده شدم و می توانم خود را به مردم ثابت کنم برای من بسیار ارزشمند است که یک کارگردان بینا وقتش را برای تمرین با معلولان می گذارد و به توانایی ما ایمان آورده است.

در حال حاضر برای اجرا در تئاتر شهر آماده می شویم، حضور روی صحنه تئاتر شهر برایم آرزویی بود که شهریور ماه محقق می شود و می توانم نمره مثبتی را به کارنامه کاری ام اضافه کنم.

برای رسیدن به این جایگاهی که هستم سال ها تلاش کردم و خطرات بسیاری را از سر گذراندم چرا که یک فرد نابینا یا کم بینا همواره با خطرات زیادی روبه روست و اگر این فرد یک دختر معلول باشد طبعاً این خطرات بیشتر می شود بسیارند دختران معلولی که برای مواجه نشدن با چنین خطراتی پایشان را از خانه بیرون نمی گذارند و خانه نشین می شوند اما من از مشکلات پیش رویم فرصت ساختم تا رشد کنم و به جایگاهی که می خواهم دست یابم فقط از مسئولان می خواهم به ما اجازه دهند تا پرواز کنیم و اوج بگیریم.

همیشه با خودم فکر می کنم شاید اگر پسر متولد می شدم شرایط بهتری داشتم، تجربه ثابت کرده پسران نابینا شرایط بهتری نسبت به دختران این گروه دارند. آموزش، کار و ازدواج برای دختران معلول به معضلی تبدیل شده که پسران این قشر کمتر با آن مواجه هستند. ازدواج حق هر دختر و پسری است اما پسران نابینا هم خواستار دختران بینا هستند و کمتر تمایل به ازدواج به همنوع خود نشان می دهند. به تعداد انگشتان دست هم نمی توان پسر سالمی را یافت که بخواهد همسر معلول داشته باشد.»

تلاشمان متمایزمان می کند نه معلولیمان

در ابتدای تولدش همانند دیگر نوزادان بود وقتی نوبت به راه رفتنش رسید به قولی تای تای می کرد والدینش متوجه شدند مریم کوچکشان نمی تواند روی پایش بند شود ۳۴ سال پیش پزشکان نظرات متفاوتی داشتند تا اینکه دریافتند نام بیماری دختر دلبندها «sma» است که باعث شده عضلات حرکتی پاهای کوچکش تحلیل رفته و نتواند راه برود. از کودکی تقدیرش با نشستن روی ویلچر گره خورد. والدینش برای آنکه مشکلات تردد و رفتن به مدرسه آزارش ندهد تا مقطع دبیرستان خود مسئولیت آموزش دردانه شان را برعهده داشتند. مریم نیک نژاد خود را مدیون پدر و مادرش می داند و می گوید: «مادرم فرهنگی بود و تا اول دبیرستان در یادگیری دروس مدرسه کمک می کرد، بعد از تخصصی شدن درس ها در دوران دبیرستان مجبور شدم به مدرسه بروم با اینکه مدیر مدرسه می دانست معلولیت جسمی - حرکتی دارم کلاس هایم را در طبقات دوم و سوم می گذاشتند برای همین پدرم همیشه من را بغل می کرد و داخل کلاس می گذاشت، این داستان هر روز من و پدرم بود.

سال ۷۹ در کنکور سراسری رتبه ۲۲۴ را کسب کردم و در رشته مهندسی رایانه موفق به دریافت مدرک کارشناسی از دانشگاه الزهرا شدم. ساختمان دانشگاه قدیمی ساز بود و حضور در طبقات بالا برایم غیر ممکن، همین مسأله باعث شد هیچ

وقت نتوانم به عنوان دانشجوی رشته رایانه از سایت

ص: ۹۷

دانشگاه که در طبقه سوم قرار داشت استفاده کنم. بعد از اتمام کارشناسی با قبولی در آزمون استخدامی در وزارت اقتصاد و دارایی بخش فناوری اطلاعات مشغول به کار شدم.

مهم ترین موضوع زندگی هر فرد دارای معلولیت جدا از جنسیتش اشتغال است چرا که در جامعه معلولان، بیکاری بیداد می کند و کمتر کارفرمایی به توانمندی معلولان اعتماد می کند، سهمیه سه درصدی هم که در قانون برایمان در نظر گرفته شده همچون قطره ای در دریای بیکاری جوانان دارای معلولیت است.

برای پیشرفت در کار و کسب مهارت بیشتر تحصیلاتم را تا دکترای مدیریت فناوری «آی تی» ادامه دادم مدتی هم در دانشگاه علمی کاربردی تدریس می کردم که به علت مشغله کاری و پایان نامه دکترای مدتی تدریس را رها کردم همچنین چندین کتاب در موضوعات تخصصی رشته دانشگاهی ام نوشتم که به چاپ رسیده است.

به اعتقاد من در پیشرفت افراد دارای معلولیت، خانواده نقش مهمی را ایفا می کند اگر خانواده به توانمندی فرزندش اعتماد کند جامعه هم او را می پذیرد. پدرم ۴ سال متوالی من را به دانشگاه الزهرا برد تا مشکل تردد نداشته باشم این صبر و استقامت پدرم علت موفقیت های پی در پی من بود؛ بارها این موضوع را گفته ام که خوش درخشیدن در شرایطی که در آن قرار داریم ما را از دیگران متمایز می کند نه معلولیتمان.»

این دختران نمونه های استقامت، تلاش و خود ساختگی هستند شرایطشان را پذیرفته و برای موفقیت دنیا را به مبارزه طلبیدند؛ نه تنها امروز بلکه تمام سال را باید به نامشان کنیم تا یادمان باشد مادران فردا، امروز به توجه نیاز دارند.

**«درمان اختلالات بینایی، چشم انتظار نگاه خیرین: گفت و گو با دکتر علیرضا لاشیئی، رئیس مرکز تحقیقات بیمارستان فارابی»،  
راضیه کباری، ۲۱ مرداد ۱۳۹۵.**

کشف و به کارگیری سلول های بنیادی، انقلابی در درمان بیماران ایجاد کرده است بویژه آنانی که دیگر امیدی به بازگشت توانایی های پیشین خود ندارند. دکتر علیرضا لاشیئی، فوق تخصص بیماری های شبکیه و رئیس مرکز تحقیقات بیمارستان فارابی می گوید: از چند سال پیش به این نتیجه رسیدیم که در کنار کارهای بالینی، آزمایشگاه های تخصصی علوم پایه را در بیمارستان راه اندازی کنیم. در سال های اخیر بحث ارتباط بین علوم پایه و علوم بالینی جدی تر شده است و گفته می شود که پژوهش ها باید جهت دار و محصول محور باشند تا در بهبود زندگی مردمی که مالیات می پردازند نتیجه محسوسی داشته باشد. این روزها، در جهان هر گونه پیشرفت بالینی باید بر مبنای پیشرفت های علوم پایه باشد. به جرأت هیچ دانشمند علوم بالینی بدون نیاز به همکاران علوم پایه موفقیت چشمگیری در درمان بیمارانش ندارد.

سلول های بنیادی چه تفاوتی با بقیه سلول ها دارند؟

سلول بنیادی مادر تمام سلول ها است و توانایی تبدیل به تمام سلول های بدن را دارد. این سلول ها توانایی خود نوسازی و تمایز به انواع سلول ها از جمله سلول های خونی، قلبی، عصبی و غضروفی را دارند. همچنین در بازسازی و ترمیم بافت های مختلف بدن به دنبال آسیب و جراحت مؤثر بوده و می توانند به درون بافت های آسیب دیده ای که بخش عمده سلول های آنها از بین رفته، پیوند زده شوند و جایگزین سلول های آسیب دیده شده و به ترمیم و رفع نقص در آن بافت پردازند.

سلول های بنیادی از چه منابعی به دست می آیند؟

در حال حاضر تکنیک های متعددی برای فراهم آوری سلول های بنیادی وجود دارد. در گذشته، این سلول ها تنها از طریق سلول های بنیادی بند ناف و سلول های جنینی تأمین می شدند اما هم اکنون از منابع مختلفی قابل تهیه هستند. این روزها، سلول های بنیادی اغلب از بدن خود فرد تأمین می شوند که به این ترتیب مشکلات پیوند از فردی به فرد دیگر را نخواهند داشت. گاه منبع تهیه این سلول ها بافت چربی یا بافت پوست خود فرد هستند. با کار روی این سلول ها، آنها را به سلول های مورد نیاز برای پیوند، متمایز می کنند. این سلول ها چون هیچ تمایز ژنتیکی با خود فرد ندارند در اغلب موارد قابل استفاده هستند مگر در مواردی که فرد اختلالی ژنتیکی داشته باشد که باید دستکاری های ژنتیکی اولیه روی سلول ها انجام شود تا مشکل ژنتیک برطرف و به سلول سالم تبدیل شود تا هنگام پیوند از سلول سالم استفاده شود.

در فارابی چه بخش های آزمایشگاهی فعال شده است؟

در حال حاضر، مرکز آزمایشگاهی نانو فناوری، ژنتیک چشم پزشکی، بانک چشم، آزمایشگاه نانو افتالمولوژی و آزمایشگاه فراهم آوری سلول های بنیادین را در بیمارستان داریم.

چه پیشرفت های درمانی داشته اید؟

ما نیز همسو با همه دنیا، در بحث درمان بیماری های قرنیه با استفاده از سلول های بنیادین، پیشرفت های خوبی داشته ایم. هم اکنون طرح های متعددی در فارابی برای فراهم آوری، آماده سازی و مهندسی بافت با سلول های بنیادین برای بیماری های قرنیه در حال انجام است و بیمارانی که سوختگی های شدید و اسید پاشی در ناحیه چشم دارند و کسانی که به هر علت دیگر بیماری سطحی قرنیه دارند تحت درمان قرار می گیرند.

پیشرفت ها در زمینه اختلالات شبکیه در ایران و جهان چگونه بوده است؟

به دلیل پیچیدگی بافت شبکیه و منشأ عصبی آن و اینکه شبکیه از لایه های متعددی تشکیل شده است در همه دنیا، پیشرفت ها به نسبت قرنیه کمتر بوده است. مراکز مختلفی در ایران کار روی این بافت را شروع کرده اند ما هم طرح مشترکی با پژوهشگاه رویان داریم. در فاز حیوانی این پژوهش، کار پیوند سلول های بنیادی شبکیه را روی موش انجام می دهیم. امیدوار بودیم امسال کار روی انسان را هم شروع کنیم اما به دلایلی از جمله تأمین نشدن بودجه این تحقیق، تا حال این کار عملی نشده است. تأمین منابع بودجه با توجه به شرایط کشور خیلی سخت است و به این ترتیب، عملاً فاز انسانی به عقب می افتد اما امیدواریم بزودی فاز حیوانی را به پایان برسانیم.



کاری مشابه بیشتر در بیمارستان لبافی نژاد انجام می شد؟

ص: ۹۹

بله به دلیل مشکلاتی که در آن طرح پیش آمد تصمیم گرفته شد که طرح مورد بازبینی قرار گیرد و بیمارستان فارابی هم وارد این طرح شود اما در طرح کنونی سلول های بنیادی، سلول های امبریونیک «جنینی» انسانی هستند.

یعنی مستقیماً کار را با سلول های تمایز نیافته شروع کردید؟

بله.

این سلول ها چگونه فراهم می شوند؟

فراهم کردن سلول های بنیادی در پژوهشگاه رویان و از بانک سلولی مؤسسه انجام می شود. این سلول ها از جنین های اهدایی تهیه شده و در شرایط خاصی اجازه استفاده می یابند. در بیمارستان فارابی، کار کنترل تعداد سلول ها در موقع تزریق، فرآیند جراحی روی حیوان و بررسی های پاتولوژیک و الکتروفیزیولوژیک و بالینی حیوان انجام می شود.

قرار است تحقیق اخیر روی چه نوع از مشکلات شبکه انجام شود؟

نتیجه شامل طیف وسیعی از بیماری های شبکه می شود؛ از بیماری های اکتسابی تا بیماری های مادرزادی و ارثی. بیماری های اکتسابی که منجر به اختلال دید می شود مانند سل، دیابت و دژنراسانس وابسته به سن ماکولا. بیماری های ژنتیک نیز مثل RP، استارگارد و... این اختلالات از طریق سلول درمانی و ژن درمانی یا مجموعه ای از این دو روش قابل درمان هستند. هم در ثنوری و هم در عمل نشان داده شده که این روش ها تا حد زیادی به بیمار کمک می کنند، البته باید اصلاح و تکمیل و با تکنولوژی روز همراه شوند تا نتیجه بهتری داشته باشند.

کارهای تحقیقاتی در کشورهای دیگر چه نتایجی داشته اند؟

نخستین کارها با ژن درمانی در انگلیس، آلمان و امریکا شروع شد. نتایج اولیه خوب بود اما محققان متوجه شدند از سال دوم به بعد، بیماران دچار افت بینایی می شوند و سلول های شبکه به سمت آتروفی می روند. باید کار بیشتری روی اثرات ژن درمانی انجام شود تا بازگشت نداشته باشد. بتازگی کار سلول درمانی در امریکا روی اختلالات RP، استارگارد و کروئیدرمی که جزو اختلالات ژنتیکی هستند نیز نتایج قابل قبولی داشته است. امیدواریم این تحقیقات به جای خوبی برسند.

این کارها هنوز در سطح تحقیق و آزمایشگاهی هستند؟

بله، البته به فاز انسانی رسیده اند ولی در حد تجربی هستند و هنوز برای عموم قابل انجام نیستند.

آیا درمان های جبرانی دیگری برای بیماران مبتلا به اختلالات بینایی در مرکز تحقیقات فارابی انجام می شود؟

در حال حاضر درمانی در این مرکز انجام می شود که بیشتر به کار آن دسته از بیماران RP می آید که افت بینایی شدیدی ندارند. در این روش جریان الکتریکی ضعیفی به چشم داده می شود که از پیشرفت بیماری تا اندازه ای جلوگیری می کند.

برخی از بیمارانی که از این روش استفاده می کنند، از بهبود نسبی میدان بینایی خود رضایت دارند.

در مورد ساخت قرنیه مصنوعی در ایران چه پیشرفت هایی داشته ایم؟

ص: ۱۰۰

در دنیا نوعی قرنیه مصنوعی به نام کراتو پروتز بوستون وجود دارد. این پروتز، معروف ترین نوع قرنیه مصنوعی است که به کار می رود و حتی سلول های اپیتلیال رویش رشد می کنند، اما در بیمارستان فارابی، دکتر جباروند پلیمری به دست آورده که با محیط قرنیه خیلی سازگاری دارد و در حال حاضر برای بیمارانی که دچار قوز قرنیه هستند به کار می رود.

به نظر شما چه منابعی می تواند برای تأمین بودجه کارهای تحقیقاتی وجود داشته باشد؟

یکی از منابع غیر دولتی تأمین بودجه، خیرین هستند. یکی از راه هایی که موجب آرامش افراد می شود، کمک به خیریه ها است. امروز جهان عوض شده به همین ترتیب نیکوکاری و حمایت از امور خیر نیز می تواند متفاوت باشد. کمک در امور تحقیقاتی می تواند به بازگرداندن بینایی و کاهش مشکلات هزاران نفر از هموطنان بینجامد. کارهای تحقیقاتی بسیار هزینه برند ولی اگر به تکنولوژی خارجی وابسته باشیم، بیماران باید هزینه بالایی برای استفاده از تکنولوژی های جدید پردازند اگر بتوانیم این علم را در ایران بومی سازی کنیم و به استاندارد جهانی برسانیم با هزینه کمتر، از آن برای مردم خودمان استفاده خواهیم کرد.

### **«دستانی که کمبود چشم را جبران می کنند: گپ و گفتی با اولین نابینای برقار ایران»، محدثه جعفری، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.**

گاهی در این دنیا داستان هایی را می شنوید که تصور و باورش برایتان سخت است اما افرادی هستند که آنها را امکانپذیر می سازند. تصور اینکه روزی انسان بتواند مانند پرندگان پرواز کند، تصور اینکه بتوانی با کسی که در آن سوی دنیا مستقیم ارتباط برقرار کنید، تصور روشنایی بدون آتش؛ با گذشت زمان همه این داستان ها واقعی شدند و اکنون دنیا پیشرفت های بسیاری به خود دیده است.

یکی از بستگان که سالها در زمینه برق کشی ساختمان کار کرده همیشه می گفت: «چشم بسته هم می توانم این کار را انجام دهم» البته تعبیر از «چشم بسته» میزان حرفه ای بودن او در کارش بود. اما این بار فردی واقعاً با چشمان بسته کار برق را انجام می دهد.

سری به اینترنت زدم تا در مورد این شهروند نابینا اطلاعاتی را به دست آورم. طبق اطلاعات به دست آمده دریافتیم اهل اهواز است و کارمند سازمان بهزیستی، با بهزیستی اهواز تماس گرفتیم ولی آنها گفتند این کارمند در مرخصی است و تا چند روز آیند نمی توانید با او صحبت کنید. با کلی تلفن کردن و پرس و جو از انجمن های این شهر و البته تماس های مکرر، بالاخره این برقکار نابینا را یافتیم.

عبدالامیر سبکرو ۱۰ ساله بود که حادثه تقدیر زندگی اش را بر هم زد و زندگی جدیدی را پیش پایش نهاد. با اینکه در کودکی نور چشمانش را از دست داد اما امید همچنان همراهش بود و توانست بر شرایط زندگی اش تسلط یابد در همان دوران بود که جذب کار شد و به عنوان بافنده نابینا در سازمان رفاه آن زمان استخدام شد.

آقای سبکرو در زندگی اش دست به اتفاقات نادر بسیاری زده است، شاید باورش برای ما که در سن جوانی با کلی تست، آزمون استخدامی و روزدن به دوست و آشنا در بازار کار جذب می شویم سخت



باشد که در سال ۱۳۵۳ کودک ۱۰ساله نابینایی وارد عرصه کار و درآمد زایی شده باشد. او در ابتدای کارش به عنوان بافنده در سازمان رفاه ملی قبل از انقلاب اسلامی ایران استخدام شد که این سازمان بعد از انقلاب به سازمان بهزیستی تبدیل شد.

اما کار کردن از کودکی تنها اتفاق جالب توجه زندگی این شهروند نابینا نیست بلکه از سال ۱۳۶۴ اتفاق عجیب تری در زندگی او رقم می خورد که در زیر می خوانید.

او در مورد زندگی و کارش می گوید: «همه چیز در زندگی من جلوتر از دیگران رخ داد از کار گرفته تا ازدواج؛ ۱۶ ساله بودم که ازدواج کردم، سه فرزند هم ثمره این زندگی مشترک با همسرم است. از سال ۵۳ که مشغول کار شدم تاکنون ۴۳ سال است که در بهزیستی اهواز مشغول کارم. در ابتدای استخدامم بافنده بودم اما چند سال بعد تغییر پست دادم و اکنون اپراتور این سازمان هستم.»

دوست داشتم زودتر به آن بخش از صحبت هایش برسد که چگونه می تواند با برق کار کند به همین خاطر از او پرسیدم با وجود نابینایی آن هم در سنین پایین چطور به سمت برق و تعمیر لوازم برقی رفتید؟ «من و همسرم هردو نابینا هستیم و اگر در منزل لامپ یا پریز برق خراب می شد باید مدت ها صبر می کردیم تا فردی ماهر و اهل فن به خانه ما بیاید و این تعمیرات را برایمان انجام دهد.

روزی با خود فکر کردم چرا من این کار را انجام ندهم؟ چرا باید متکی به دیگران باشم؟ سال ۶۴ بود که کم کم به سمت برق، سیم کشی و تعمیر لوازم رفتم. هیچ فردی قبول نمی کرد به یک نابینا آموزش دهد به همین جهت بدون استاد کار و با آزمون و خطا، کار را فرا گرفتم. در ابتدای کار وسایل را خراب می کردم اما نه آن طور که دیگر نشود تعمیرشان کرد آن قدر تکرار کردم تا تجربی کار را آموختم.»

در تعمیرات چطور سیم های فاز و نول را تشخیص می دهید یا برای تعمیر لوازم چگونه لحیم کاری را انجام می دهید؟ «برای آنکه خطری جانم را تهدید نکند ابتدا برق کنتور را قطع کرده و سپس به عیب یابی و تعمیر کلید و پریز می پردازم.

در گذشته سیم کشی خانه ها رو کار بود و تعمیرات آنها به مراتب آسان تر اما اکنون سیم کشی ساختمان ها در شهر و روستا توکار است و برایم کار را سخت تر کرده است.

درست است که کار با برق نیاز به دید چشم و تشخیص سیم ها دارد اما من نیاز به تشخیص از رنگ سیم ندارم به عنوان مثال، برای فاز می توانیم از همه رنگ ها استفاده کنیم اما برای نول فقط از آبی استفاده می شود و کابل ارت نیز زرد رنگ است. من با دستانم و البته تکیه بر تجربه بالای عملی که دارم این رنگ ها را تشخیص داده و تعمیرات را انجام می دهم.»

چه وسایلی را می توانید تعمیر کنید؟ «لباسشویی دوقلو، جاروبرقی، تلفن، ضبط صوت، رادیو، اتو، یخچال و کولر را می توانم تعمیر کنم البته وسیله ای مانند یخچال اگر مشکل از گاز آن باشد را نمی توانم درست کنم چرا که گاز گیری یخچال نیازمند وسایل خاصی است که من ندارم. ناگفته نماند هنوز آشنایی برای تعمیر ال سی دی و ال ای دی ندارم و نمی توانم آنها را تعمیر کنم.»

واکنش افراد، هنگامی که شما وسیله برقی را تعمیر می کنید چگونه است؟ «پذیرش آنکه فرد نابینایی بتواند وسیله ای آن هم برقی را تعمیر کند، سخت و دشوار است، نه تنها مردم بلکه مسئولان هم نمی توانند بپذیرند.

ص: ۱۰۲

دوست دارم یک خاطره جالب از نگاه مسئولان به خودم برای خوانندگان روزنامه تان تعریف کنم. چند سال پیش از سازمان بهزیستی نامه ای برای شرکت در آزمون فنی و حرفه ای دریافت کردم و تصمیم گرفتم گواهی قانونی برای کاری که انجام می دهم را داشته باشم. با اینکه نامه این سازمان را در دست داشتم اما اجازه شرکت در آزمون فنی و حرفه ای را به من نایبنا نمی دادند. می گفتند: «برق شوخی بردار نیست و ممکن است آسیب جبران ناپذیری ببینید»

با کلی خواهش و تقاضا به مسئولان حوزه امتحان و گفتن اینکه حتی برای یک بار هم که شده به من اعتماد کنید، بالاخره پذیرفتند با نظارت چند کارشناس در این آزمون شرکت کنم.

روز آزمون دو تابلو در اختیارم گذاشتند تا تعمیر کنم هنگامی که کارم تمام شد و کار را تحویلشان دادم باور نمی کردند و می گفتند: «با اینکه با چشمان خودمان دیدم تو این تابلو را تعمیر کردی باز هم نمی توانیم باور کنیم» آن روز موفق شدم گواهی فنی و حرفه ای کار با برق را دریافت کنم.»

مردم لوازم برقی شان را برای تعمیر به شما می سپارند؟ «افرادی که مهارتم را با چشم دیده اند، بله یا وسایلشان را به منزلم می آورند تا تعمیر کنم یا خود به خانه آنها می روم. اما بیشتر افراد به خاطر نایبنا ام به مهارتی که دارم اعتماد ندارد و می ترسند، برق جانم را تهدید کند.»

کافی است سری به اینترنت بزنید و چرخی در سایت های مختلف آن در می یابید کارهای غیر ممکن را مردم ممکن ساختند. کارهایی که فقط با جسارت، تمرین و تکرار ممکن شده است.

نیم نگاه

چند سال پیش از سازمان بهزیستی نامه ای برای شرکت در آزمون فنی و حرفه ای دریافت کردم و تصمیم گرفتم گواهی قانونی برای کاری که انجام می دهم را داشته باشم. با اینکه نامه این سازمان را در دست داشتم اما اجازه شرکت در آزمون فنی و حرفه ای را به من نایبنا نمی دادند. می گفتند: «برق شوخی بردار نیست و ممکن است آسیب جبران ناپذیری را ببینید»

سال ۶۴ بود که کم کم به سمت برق، سیم کشی و تعمیر لوازم رفتم. هیچ فردی قبول نمی کرد به یک نایبنا آموزش دهد به همین جهت بدون استاد کار و با آزمون و خطا، کار را فرا گرفتم. در ابتدای کار وسایل را خراب می کردم اما نه آن طور که دیگر نشود تعمیرشان کرد آن قدر تکرار کردم تا تجربی کار را آموختم.

**«دنیای مجازی پلی شد برای ساختن آرزوهایش: گپ و گفتی مجازی با هنرمند دارای معلولیت»، محدثه جعفری، ۲۳ فروردین ۱۳۹۷.**

بعد از ظهور شبکه های اجتماعی صحبت های بسیاری در پس آن شکل گرفت مبنی بر آنکه این شبکه ها مردم را از هم دور می کند، ارتباطات خانوادگی را به خطر می اندازد و جوانان را از دل خانواده به کنج اتاق ها می کشاند تا غرق در فضایی شوند که در آن آدم ها واقعی نیستند و واقعیت زندگی را که همان با هم بودن و کنار هم بودن است، فراموش کنند. اما



امروزه این دهکده جهانی و شبکه های ارتباطی مختلف آن راه را برای افرادی باز کرده است که سال ها کنج خانه و به دور از مردم بودند. شرایط برایشان هیچ گاه مهیا نبود، حتی اکنون هم در گوشه و کنار شهر به مشکل برمی خورند و سعی

ص: ۱۰۳

می کنند کمتر در جامعه حضور یابند تا مشکلات شهری و فرهنگی سد راهشان نشود و آزرده خاطرشان نکنند. می خواهم از دخترانی برایتان بگویم که استعدادهایشان در شبکه های اجتماعی دیده شد و دست به دست چرخید، دخترانی همچون سپیده حیدری.

از زمان تولد معلولیت بخش بزرگی از زندگی اش را تحت تأثیر قرار داد و اکنون که ۲۹ بهارزندگی را پشت سر نهاده است می خواهد به تک تک آرزوهایش جامه عمل بپوشاند.

آرزوهای سپیده خانه چند صد متری در بالای شهر، ماشین آنچنانی و سفرهای خارجی نیست، قد آرزوهایش را کوتاه کشیده تا دستانش به آنها برسد.

آرزویی همچون تهیه ویلچر برقی، کسب درآمد و پول توی جیب و تدارک سفری برای پدرش به سرزمین کربلا.

صحبت با تلفن برایش دشوار بود برای همین به صورت مجازی با هم به گفت و گو پرداختیم. اگر بگویم دختری پرجنب و جوش است شاید با خود فکر کنید چگونه از نوشتن در فضای مجازی به این خصلت پی بردم، راستش را بخواهید من هنوزسؤالی نپرسیده بودم که دیدم مشغول تایپ است و برایم از زندگی و کارش می گوید. می خواستم مصاحبه را به صبح موکول کنم که این اشتیاق مرا نیز پای تلفن همراه نشانند و نصف شب با هم چت کردیم. این هنرمند دارای معلولیت در مورد زندگی اش می گوید: «از کودکی با بیماری «سی پی» متولد شدم، این امر سبب شد نتوانم همچون دیگر کودکان روی پاهایم بایستم؛ ویلچر یار پاهایم برای رفتن به مدرسه شد. تک فرزندانم و متولد بندرعباس. با توجه به شرایط جسمی ام نتوانستیم در آن شهر زندگی کنیم به همین جهت جنوب را به مقصد شمال و شهرسرسبز رشت ترک کردیم و اکنون ساکن این شهرهستیم. دوران تحصیل را در مدرسه عادی درس خواندم اما نتوانستم بیشتر از اول دبیرستان در مدرسه حضور پیدا کنم.»

از او پرسیدم آیا درس خواندن در مدرسه عادی برایت سخت بود؟ «نه به هیچ وجه، راضی کردن مدیر مدرسه برای ثبت نامم کمی دشوار بود و آنها راضی به نام نویسی ام در مدرسه عادی نمی شدند و می گفتند: «باید به مدرسه استثنایی بروم» این در حالی است که من از نظر بهره هوشی کم و کاستی نداشتم و می توانستم در مدرسه عادی درس بخوانم. بالاخره دست سرنوشت و پیگیری خانواده ام موجب شد در مدرسه عادی درس بخوانم. اوایل حضور در مدرسه و بین دانش آموزان عادی سخت بود اما بعد از مدتی با آنها عجین شدم، اینکه نتوانستم به مدرسه رفتن ادامه دهم به خاطر مشکلات ترددم بود، سرویسی برای رفتن به مدرسه نداشتم و مادرم هم دیگر نمی توانست به خاطر کمردرد مرا همراهی کند این امر سبب شد ترک تحصیل کنم، اما توانستم مدرک رایانه را جدا از درس و مدرسه دریافت کنم.»

چطور شد به سمت نقاشی رفتید؟ «از کودکی به نقاشی علاقه داشتم و از سال ۸۶ به صورت حرفه ای آموزش آن را در کارگاه نقاشی فراگرفتم. با علاقه و پشتکاری که در این هنر داشتم با گذشت چند ماه توانستم رنگ روغن را یاد بگیرم. سبک کارم را کویسم انتخاب کردم چرا که سبکی درونگرا است و می توانستم تخیلاتم را روی بوم به تصویر بکشم. استقبال و تشویق استاد و خانواده ام سبب شد به فکر فروش آثارم بیفتم، اما نمی دانستم کجا و چگونه باید این کار را انجام دهم. با هم فکری با دوستان به این نتیجه رسیدم که بهترین مکان برای معرفی خود و آثارم صفحه ای در شبکه های مجازی



است، به همین خاطر صفحه ای با نام خودم راه اندازی کردم. کم کم به تعداد مخاطبان یا همان فالوورها افزوده شد و در حال حاضر تعداد بالایی از طرفدارهای آثارم را دارم. اما نخستین نقاشی ام را ۱۵۰ هزار تومان فروختم که این امر باعث دلگرمی و شور من برای نقاشی و ارائه کارهایم به دیگران شد. یکی از آرزوهایم داشتن ویلچر برقی بود که با توجه به درآمد خانواده ام و گرانی این کالا، داشتن آن برایم تبدیل به آرزو شد، اما با فروش نقاشی هایم توانستم نیمی از هزینه آن را تهیه کنم و مابقی را دوستانم هدیه دادن تا بتوانم به آرزویم جامه عمل بپوشانم.»

در صفحه مجازی ات نوشته بودی مبلغی از فروش نقاشی هایت را به بچه های سرطانی کمک می کنی چرا به این فکر افتادی؟ «من از کودکی با معلولیت متولد شدم و مدام تحت مراقبت و درمان بودم به طوری که پدر و مادرم هزینه های سنگینی را برای خوب شدنم متحمل شدند اما بهبودی در من حاصل نشد، نمی توانم بیماری کودکان را تحمل کنم، احساس دردی را که در عمق وجودشان هست

با تمام وجود درک می کنم، برای همین مقداری از پول فروش نقاشی هایم را به کودکان سرطانی کمک می کنم؛ این وظیفه من است که تا می توانم به هموعانم کمک کنم.»

شنیده ام نمایشگاه نقاشی برپا کردی، استقبال مردم از کارهایت چه طور بود؟ «بله ماه گذشته در بندرعباس نمایشگاه را راه انداختم. نمی توانم بگویم استقبال بی نظیر بود و همه برای دیدن کارهایم سر و دست می شکاندند، اما استقبال خوب و برخورد دلگرم کننده مردم مرا به ادامه کار تشویق کرد، از اینکه فرد دارای معلولیت بتواند این گونه نقاشی کند برایشان دور از تصور است برای همین بسیار تعجب می کردند که چطور من این کار را انجام می دهم. چهل نقاشی را که تاکنون فروخته ام مدیون شبکه های مجازی هستم؛ عکس کارهایم را در صفحه خودم بارگذاری می کنم و هر کسی که به آن علاقه مند شد پیام می دهد و قیمتش را جویا می شود. راستش را بخواهید همه نقاشی هایم را دوست دارم و با آنها مأنوس هستم، نمی توانم از هیچ کدامشان دل بکنم اما از طرفی وقتی می بینم فرد دیگری هم از این کار خوشش آمده و با دیدن آن لذت می برد، کارم را هدیه می دهم. اینکه از کلمه هدیه استفاده کردم فقط به خاطر آن است که پای هنر نمی توان قیمت گذاشت. شاید فرد دیگری بگوید مگر این تابلو چیست که این قیمت برایش تعیین شده است اما برای من هزاران برابر با ارزش تر از این قیمت هاست. قیمت هایی که روی آثارم می گذارم بسیار اندک است اما همین مقدار هم می تواند پس انداز خوبی برایم باشد. با معلولیتی که دارم حتی اگر تحصیل کرده هم بودم نمی توانستم شغلی پیدا کنم چرا که از گوشه و کنار و میان دوستان دارای معلولیت می شنوم که همه درگیر یافتن شغل برای گذران زندگی و خرج و مخارجشان هستند. خدا را شکر توانستم با تکیه بر استعداد، پشتکار و همچنین حمایت های استادان، دوستان و بخصوص خانواده ام این هنر را فراگیرم و بتوانم حداقل پول توی جیبم را از این هنر به دست آورم. تا قبل از روی کار آمدن این شبکه های اجتماعی، دوستان من محدود بودند به همان چند نفری که از دوران دبیرستان و کودکی با آنها بزرگ شدم اما اکنون هزاران دوست دارم که برایم پیام های امیدوارکننده ارسال کرده و مرا به ادامه کاری که انجام می دهم تشویق می کنند. اگر این شبکه های مجازی نبود شاید فروش آثارم کاری سخت و دشوار می شد، چه کسی برایم تبلیغ می کرد که سیده حیدری دختر دارای معلولیت با استعداد است و نقاشی های زیبایی را خلق می کند. نهایتاً چند نفر از اطرافیان پیدا می شدند و کارهایم را می خریدند اما حالا از



سراسر ایران می توانند کارهایم را دیده و سفارش دهند. این راه ارتباطی مرا به دنیایی فراتر از کوچه و محله و شهرمان متصل کرد.»

آرزوی دیگری داری که برای آن تلاش کنی؟ «بله، مگر می شود انسان بی آرزو داشته باشیم، وقتی به پله ای صعود می کنیم چشم مان به پله بالاتری می خورد، آرزو هم این گونه است؛ وقتی به یک آرزو دست پیدا می کنید به دنبال دیگری می روید.

می خواهم با فروش کارهایم پولی را پس انداز کرده و پدرم را به کربلای معلی بفرستم. آرزوی او دیدن بین الحرمین است. این بار می خواهم به آرزوی پدرم تحقق بخشم و او را راهی کربلا کنم. من سفری به این سرزمین مقدس داشتم و می دانم دل کوچک پدرم برای رسیدن به ضریح چگونه پر می کشد. در پایان صحبت هایم می خواهم بگویم من به عنوان یک انسان دارای معلولیت نیازمند حمایت مسئولان هستم نه ترحم، ترحم کردن و نگاه های پر از آه و افسوس دردی از ما معلولان دوا نمی کند.

**«رتبه یک، لیاقت مغزهای روشن: گفت و گوی «ایران» با دو دانشجوی نابینا که در کنکور کارشناسی ارشد و دکتری، صاحب رتبه های ممتاز و برتر شدند»، محبوبه مصرقانی، ۲۱ دی ۱۳۹۶.**

دائماً شکایت می کنیم. چرا زندگی مان این طور است؟ چرا آن طور نیست؟ چرا شانس نداریم؟ چرا اوضاع طبق خواسته مان پیش نمی رود؟ حتی لحظاتی هم به این فکر می کنیم نکند خدا فراموشمان کرده است. نقل داستان کلیشه است؛ منظور روایت زندگی معلولان موفق است؛ اینکه معلولی را بینیم و لحظاتی متحول شویم. تلاش برای از بین بردن نابرابری ها داستان زندگی خیلی از معلولانی است که در جامعه ما زندگی می کنند. اما داستان موفقیت برخی افراد معلول فراتر از کلیشه می رود و پیروزی شان در رقابت با افرادی عادی مبین برتری آنها از بسیاری جهات است. ادامه گفت و گوی ما را با دو نابینایی می خوانید که در تحصیل شاخ کنکور را شکسته اند و به ترتیب موفق به کسب رتبه یک در مقاطع ارشد و دکتری شده اند.

افراد دیرنابینا؛ نیازمند آموزش

مهدی تابان رتبه یک کنکور کارشناسی ارشد است. او پس از تصادف دچار مرگ مغزی شده و بینایی اش را از دست می دهد. این جوان ۳۱ ساله به دلیل صدمات به جا مانده از حادثه دردناک غیر از نابینایی؛ سخت هم حرکت می کند و دچار معلولیت جسمی شده است. زمانی که برای مصاحبه با منزل تابان تماس گرفتیم با مادر مهدی همکلام شدیم. ایشان از داستان معلولیت تک فرزندش برای ما گفت: مهدی در اوج جوانی، در سن ۱۷ سالگی به دلیل تصادف دو ماه در کما بود. در آن زمان تقریباً آمیدی به برگشتش نداشتیم و به اهدای اعضای بدن مهدی فکر می کردیم که هوشیاری مهدی کم کم به حالت عادی برگشت. متأسفانه بعد از ضربه ای که به مغز مهدی وارد شد بینایی اش را از دست داد و برای حرکت نیز نیاز به عصا دارد. صبری که خدا به مهدی برای پذیرش موضوع داد واقعاً

قابل تحسین است. این فرد هرگز در برابر مشکلات خم به ابرو نیاورد و لحظه ای خنده از چهره اش پاک نشد. قبل از این اتفاق مهدی برق می خواند و پس از معلولیت با مشورت کارشناسان و بنا به علاقه خودش برای انتخاب رشته دانشگاهی رشته های روان شناسی بالینی و مردم شناسی را انتخاب کرد که در رشته مردم شناسی در دانشگاه آزاد تهران مرکز پذیرفته شد.

زهرا حاتم وند از مشکلات بعد از معلولیت فرزندش این گونه می گوید: «متأسفانه هیچ مرجع آموزشی برای بچه های دیر نابینا وجود ندارد. اینکه چگونه باید با این موضوع کنار بیایند، چه از لحاظ روحی چه از لحاظ مهارت زندگی، نیاز به آموزش دارند. در مورد مشکلات تحصیل باید بگویم دوره کارشناسی تمام کتاب ها و منابع آموزشی مهدی را شخصاً برایش گویا می کردم و مهدی با تلاش خودش تمام دروس را دوباره پیاده می کرد. از این لحاظ اشاره می کنم که بچه های نابینا از لحاظ دسترسی به منابع واقعاً دچار مشکل هستند. مشکل دیگری که بچه های دیر نابینا با آن دست و پنجه نرم می کنند بحث «رفت و آمد» است. در مدت ۴ سال دوره کارشناسی که مهدی سه روز در هفته کلاس داشت من همراه او بودم. سر کلاس ها حاضر می شدم و مثل یک دانشجو بودم. علت همراهی من این بود که واقعاً نمی شد به جامعه اعتماد کرد و یک فردی که تازه نابینا شده است را تنها راهی خیابان کرد. پشتکار مهدی مثال زدنی ست. او پس از فارغ التحصیلی در دوره کارشناسی، کمر بر آن بست تا کارشناسی ارشدش را بگیرد آن هم در یک دانشگاه سراسری. نخستین سالی که شرکت کرد رتبه اش در کنکور ۴۱ شد اما به آن اکتفا نکرد و با هدف گذاری سال بعدش رتبه یک شد. در دوره کارشناسی همیشه یک سر و گردن از همکلاسی هایش بالاتر بود چون خود را مسئول می دید بهترین کار را ارائه دهد. در این مشکلات، شخصی نیز همراه ما بود که مهدی را حمایت مالی می کرد. جا دارد از همراهی ایشان تشکر کنم.»

هیچ چیز درست نمی شود

بعد از شنیدن سخنان مادر مهدی از او خواستیم برای ما از خودش بگوید. مهدی با بیان اینکه همیشه با سؤالات کلیشه ای مثل بیوگرافی مشکل داشته و دوست ندارد در مورد این مسائل سخن بگوید از ما خواست تا خودش برایمان بنویسد و آنچه در زیر می خوانید از قلم مهدی تابان است: «با سؤال از بیوگرافی همیشه مشکل داشتم. مثل سؤال از «حالت چطور» انگار آدم را توی فضا رها کرده باشند و بگویند مساحت این فضای کیهانی چقدر است. انسان هم مثل یک کیهان لایتناهی است که به تنهایی جهانی پر از ستاره های روشن، سیاه چاله های تاریک و چیزهایی ناشناخته را در خود یکجا دارد. بنابراین در جواب به این سؤال، باید به گفتن اینکه خودم را با چه اسمی می شناسم و چندسال دارم، بسنده کنم. من مهدی تابان هستم و درست ۱۹ روز بعد از این مصاحبه، ۳۰ ساله خواهم شد.»

راستش را بخواهید، سؤالات شما آدم را یاد مشکلاتش می اندازد. البته مشکل ساز نیست، فقط کمی مشکلات را از سر می گذرانند و این نقطه واقعی دنیای ماست. درباره مشکلات دل تنگم زیاد می خواهد بگوید. اما مجال نیست. در واقع اگر در این مورد پرحرفی کنم، می توان شماره های یک روزنامه را از آغاز تا پایان به مشکلات من اختصاص داد. چون مشکلات درجایی در گذشته باقی نمی مانند. مشکلات مثل سیل روان هستند. همه روزه یا بهتر بگویم هر ساعت و هر لحظه از جایی که آبشخورش هم معلوم نیست، می آیند و به ناکجایی می روند. تنها این تو هستی که زیر امواج ویرانگر آن

می مانی و جز دست کسانی که توانایی شان فقط مانع از آب بردگی ات می شود، دست دیگری یاری گرت نیست. بله مشکل زیاد است و ما نیز یاری اندر کس نمی بینیم. به قدری که گوشه ای از آن در تراکم این کلمه در سؤال های شما و پاسخ های من بخوبی دیده می شود. اگر بخواهم آسمان ریسمان بیافم، شاید با برچسب غرغر و اغراق میخکوب شوم. اما باور کنید این گونه نیست. زندگی که به طور کل ماهیتی سخت و سمج دارد و این برای ما شاید چند برابر دشوارتر است. پایداری را که از در بیرون می گذاری، مشکل ها شروع می شوند. اصلاً بیرون نه، باید بگویم پایداری را توی مشکل می گذاری. پیاده روی های تنگ و ترش، جدول های غیر مترقبه، خیابان های دوران درشکه چی و آدم ها و ماشین هایی که قانون شان هنوز قانون قبیله های عصر سنگ است. هر کس زودتر به جایی رسید، مالک آنجاست. زودتر از محلی گذر کرد، حق تقدم با اوست. تازه اگر از اینها جان سالم به در ببری، اگر چند داربست فلزی هم سر راهت سبز نشود، حتماً به مقصد خواهی رسید. نمی خواهم در این موارد راه حل های رنگارنگ ارائه کنم. زیرا بافت فرهنگی رنگ پریده ما که از بالا تا پایین جامعه را نیز شامل می شود، این درس را به ما داده که هیچ چیز درست نمی شود و تو هم میپرسی. اما همه اینها برای من که به تازگی بینایی ام را از دست داده ام چندین برابر می شود. آری به تازگی. همان طور که شما نیز خیر دارید، چندسالی است که من ارتباط بصری با جهان پیرامون ندارم. این به کنار، حنجره و مغز من هم آسیب دیده که از بینایی تقریباً مهم تر هستند. درباره علت این مشکل به این اکتفا می کنم که بگویم: یک اتفاق شوم بود. چون خیلی اوقات علت ها دیگر مهم نیستند. بلکه آثار و پیامد آنهاست که اهمیت پیدا می کند. خلاصه بگویم که بر اثر آن اتفاق من مرگ مغزی شدم و بینایی ام را نیز از دست دادم پیش از این حادثه کار اصلی من موسیقی بود و اگر این چنین نمی شد حتماً در سطح حرفه ای آن را ادامه می دادم. اینجا شاید اهمیت حنجره برایم مشخص شود.

اما اینکه من چگونه با این مشکل کنار آمدم... اگر قدری برای مشکلات، هوش و اراده قائل شویم، فکر می کنم که آنها با توجه به ظرفیت های ما خود را می نمایند. من هر وقت با مشکلی روبه رو می شوم، به طور عجیبی زودتر از اینکه خودم را ببازم، به فکر راه حل می افتم و این بزرگترین ویژگی برای کنار آمدن با این مشکل بود. شاید مشکلات هم می دانند باید کجا بروند! البته حجم و میزان آن اتفاق به اندازه ای بود که هرگز نمی شد به جنبه مخربش فکر نکرد. اما همان توانایی به اضافه خانواده و دوستان باعث شد که بتدریج خودم را از آن گرداب بیرون بکشم. گردابی که شعاع آن هنوز هم ادامه دارد. بعد از چندسال دست و پنجه نرم کردن با بیمارستان و یک سری از درمان ها، تصمیم گرفتم که در زمینه ای غیر از موسیقی راهم را ادامه دهم. چیزی که مرا به سمت خود می کشاند، دانش و آگاهی بود. کوتاه سخن، با مشورت یکی از آشنایان رشته انسان شناسی (مردم شناسی) را انتخاب کردم و خیلی زود دیدم که همان چیزی است که دنبالش بودم. تا پیش از این به روان شناسی علاقه داشتم. اما به دلیل روحیه جمع گرا و اجتماعی که داشتم، انسان شناسی و به طور کلی علوم اجتماعی را چاره مشکلات این جامعه نابسامان می دیدم. بعد از چهار سال با معدل ۵۰/۱۹ از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد فارغ التحصیل شدم و تقریباً دو سال بعد با رتبه ۱ در همین رشته در کنکور ۹۶ قبول شدم و به دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران عزیمت کردم.



مشکلات دانشجویایی مثل من خیلی زیاد هستند. بزرگترین آنها شاید نبودن منابع مناسب باشد. از مشکلات درون دانشگاه که بگذریم، آیا خروجی ما چه می شود؟ شغل مناسبی برای ما هست؟ ارگان های موجود چند درصد از استخدامی های خود را به معلولان اختصاص می دهند؟ چیزی که بیشتر از همه آدم را دلگیر می کند، همین مواجهه و برخورد دیگران با ماست که گاه از روی دلسوزی هم هست. اما تا همدردی مانده، دلسوزی چرا؟ گاه نهج نهج هایی که از سر احساس ناراحتی از اوضاع ما می کنند، مثل مرغ ماهی خواری است که به ماهی های وجودت نوک می زند. راهش این نیست که ما را ببینند، بلکه بهتر است ما را نبینند. یعنی مثل سایر افراد با ما رفتار کنند. در این زمینه حرف هایی در آکادمی گفته می شود که با واقعیت تناسب چندانی ندارد. اینکه خود ما و جامعه باید این را بپذیریم. بله ولی آیا در واقعیت هم این گونه است؟ به عنوان کسی که هر دو شیوه زندگی را تجربه کرده، می گویم نه. این وسط گاهی نوعی کاست هم به وجود می آید که می گوید: کیوتر با کیوتر، باز با باز. منظورم بخش عاطفی قضیه است. دیدن یا ندیدن چرا باید به این بیانجامد که من باید با که باشم و با که نباشم؟ نصیحتی ندارم. چون آن را کار بیهوده ای می دانم. اما به همدلی اعتقاد دارم. با جوان باید همدلی کرد. همه ما اقیانوسی از استعداد هستیم که اگر درست با آن برخورد شود، شکوفا خواهند شد.

در اینجا می خواهم از خانواده، بویژه مادر دوست داشتنی ام تشکر کنم که هیچ گاه پشت مرا خالی نکرده اند. همچنین از دوستانم و باز بویژه یکی از دوستان نزدیکم که به من امید به زندگی می دهند.

از مسئولان کشورم می خواهم که به مسأله اشتغال ما بیشتر رسیدگی کنند. حرف دیگری نمانده. فقط می خواهم بگویم که «زمستان است» و من آرزو می کنم هرچه زودتر این زمستان به سر آید.»

برگ برنده ام استقلال است

داستان ادريس فتحی اما قدری متفاوت است. فتحی متولد سال ۶۶ است و موفق به کسب رتبه یک در کنکور و مصاحبه مقطع دکتری در رشته مدیریت آموزشی شده است. او به تدریج نابینا شده و از سن دو سالگی کم کم بینایی اش را از دست می دهد تا اینکه در ۱۲ سالگی کاملاً نابینا می شود. او به مدت چهار سال ترک تحصیل می کند و پس از چهار سال دوباره در یک مدرسه تلفیقی شروع به تحصیل می کند. او در حال حاضر در مقام مشاور و کارشناس تحصیلی دانش آموزان نابینا فعال است. این جوان موفق داستان موفقیتش را این گونه بیان می کند: «به دلیل مشکلات مادرزادی سال اول راهنمایی ترک تحصیل کردم. چرا که نگرش معلمان آن زمان با معلمان امروزی بسیار متفاوت بود و خیلی اوقات برای مشکلی که داشتم مرا مورد مؤاخذه قرار می دادند تا آنجایی که دیگر علاقه ای به تحصیل نداشتم. بعد از نابینایی هم از آنجا که در شهرستان زندگی می کردم تصورم این بود که نابینایان نمی توانند تحصیل کنند. من اهل سنندج هستم. بعد از چهار سال دوری از مدرسه از طریق اطرافیان دریافتم که نابینایان هم درس می خوانند پس شروع به درس خواندن در مدارس تلفیقی کردم و تا دوم دبیرستان در سنندج درس خواندم و بعد از آن به تهران آمدم و در مدرسه محبی تهران به ادامه تحصیل پرداختم. بعد از آن هم با تلاش فراوان در رشته علوم تربیتی در دانشگاه تهران پذیرفته شدم. به خاطر دارم از همان سال اول کارشناسی به عنوان مشاور در یکی از مؤسسات آموزشی شروع به کار کردم. من در تهران تنها بودم و ابتدای کار هم تحصیل هم کار واقعاً برایم سخت بود. مرخصی



هایم را برای شب های امتحان نگه می داشتم و شب ها نهایت دو تا سه ساعت می خوابیدم. زمانی که در دوره کارشناسی درس می خواندم قبول شدن در دوره ارشد برایم رؤیا بود. اما زمانی که وقتش رسید با هدفگذاری و برنامه ریزی دقیق توانستم در همان رشته در همان دانشگاه پذیرفته شوم. من واقعاً برای تحصیل هزینه کردم و در بسیاری از مواقع مجبور می شدم به افرادی پول دهم تا منابع را برایم گویا کنند. البته دانشگاه به دانشجویان کار دانشجویی می داد و برای کمک به دانشجویان نابینا مبلغ اندکی در نظر می گرفت اما کافی نبود. باز هم در آن دوره پذیرفته شدن در آزمون دکتری برایم غیر ممکن می آمد اما باز هم وقتی به زمانش رسیدم متوجه شدم قابلیت آن را دارم که بتوانم قبول شوم. البته ناگفته نماند قبول شدن در مصاحبه آزمون دکتری کار یک شب و دو شب نیست. من در تمام دوره کارشناسی سعی کردم نگرش استادان را نسبت به خودم که یک فرد نابینا بودم عوض کنم. دو نگرش در میان استادان دانشگاه غالب است یا تصورشان این است که فرد قابلیت و توانایی حضور در دانشگاه را ندارد یا بسیار نگرش مثبت و همدلی دارند که به توانمندی افراد معلول ایمان دارند. تمام سعی من این بود تا با ارائه کارهایم نگرش افراد را به توانمندی افراد معلول سوق دهم. در زمان مصاحبه دانشجویان همتراز من یا من را یک رقیب قوی می دیدند یا در کل نادیده می گرفتند. من در مدت ۱۰ دقیقه ای سرنوشت ساز مصاحبه خودم را ثابت کردم و نگرش ها را نسبت به یک فرد نابینا برای استادانی که مقرر بود تصمیم بگیرند عوض کردم. کلام من این است که رتبه یک شدن برای یک فرد نابینا تا زمانی که جامعه او را نپذیرد هیچ ارزشی ندارد. شما اگر در کنکور رتبه یک شوی اما جامعه با دیدنت نتواند به توانمندیت پی ببرد هیچ ارزشی ندارد. من ۱۱ سال از زندگی ام را به دور از خانواده در خوابگاه زندگی کردم و شاید برگ برنده من استقلالم بود.»

این متخصص آموزش نابینایان در مورد جامعه و پذیرش افراد نابینا می گوید: چیزی که در بحث بچه های دیرنابینا اهمیت دارد پذیرش خانواده است. یعنی اول خانواده باید نابینایی فرزندش را بپذیرد تا بتواند این پذیرش را به کودک القا کند. خانواده ها نباید غیر از خودشان کسی یا سازمانی را مسئول کودک شان بدانند. هیچ سازمانی تا زمانی که خودشان مشکل فرزند را نپذیرند نمی توانند به کودک کمک کنند. من دانش آموزانی را می بینم که هنوز خود را از جامعه پنهان می کنند. من پدری را می شناختم که می گفت دو عصای سفید برای بچه ام خریده ام اما وقتی به خانه بردم مادرش عصا را پنهان کرده است. تا خانواده نپذیرد کودک نمی تواند معلولیتش را بپذیرد. در قدم بعد از افراد جامعه می خواهم که با یک فرد نابینا مثل یک فرد عادی برخورد کنند و به خاطر نابینایی از اشتباه افراد نگذرند. حس ترحم غلط است. شما در مقابل اشتباه یک فرد نابینا باید به او فرصت بدهید نه اینکه اشتباه را ندیده بگیرید.

ادریس فتحی در مورد آینده خود می گوید: من در حال حاضر تقریباً با تمام مخاطبان نابینای ورود به دانشگاه ارتباط دارم و راهکارهایی به آنها برای موفقیت در این امتحان مهم می دهم. در نظر دارم بعد از فراغت از مقطع دکتری، مؤسسه آموزشی برای متقاضیان شرکت در کنکور راه اندازی کنم و یقین دارم موفق خواهم شد.

## «زن های معلولیت ناشناخته اند: گفت و گو با مینو رفیعی، معاون پیشگیری از معلولیت های سازمان بهزیستی» محدثه جعفری، ۱۱ خرداد ۱۳۹۶.

با هزاران آرزو ازدواج کرده است حال می خواهد ثمره این ازدواج را به دنیا آورد، ثمره ای که ۹ ماه سال را ثانیه شماری کرده تا نخستین صدای گریه اش را بشنوند. اما این رؤیای شیرین برای بعضی از مادران به کابوسی تبدیل می شود که هیچ وقت از آن رهایی نخواهند یافت. وقتی برای سونوگرافی به پزشک مراجعه می کند و متوجه می شود جنین در شکمش دچار نوعی معلولیت با مشکل ژنتیک است تمام دنیایش رنگ سیاهی به خود می گیرد. در کشور ما به دلیل آمار بالای ازدواج فامیلی آمار تولد نوزادان معلول هم بالاست و برای پیشگیری از این تولدها سازمان های متولی امر طرحی به نام غربالگری ژنتیک را اجرایی و همچنین اجباری کردند تا از تولد این نوزادان تا حد امکان جلوگیری شود. برای آگاهی از این طرح و چگونگی مشاوره ژنتیک با مینو رفیعی، معاون پیشگیری از معلولیت های سازمان بهزیستی کل کشور به گفت و گو پرداختیم.

مینو رفیعی با توجه به اجباری شدن طرح غربالگری ژنتیک می گوید: «با اجباری شدن این طرح افرادی که می خواهند ازدواج کنند باید به مراکز مشاوره ژنتیک سازمان بهزیستی مراجعه کنند و با پاسخ به پرسشنامه های تخصصی استاندارد موجود در این مرکز اطلاعاتی در خصوص شجره نامه خانوادگی زوجین به مشاوران ما داده شود.

کارشناسان ما در این حوزه با بررسی اطلاعات هر دو خانواده و گفت و گو با زوجین به آنها می گویند آیا نیازی به انجام آزمایش های ژنتیک هست یا نه، چرا که همه مردم به این آزمایش ها نیاز ندارند و بعضی هم که نیازمند هستند نمی دانند که با یک مشاوره می توانند از چه مشکلاتی جلوگیری کنند.

انجام مشاوره ژنتیک در سه مرحله صورت می گیرد؛ مرحله اول پرکردن پرسشنامه هاست و ارائه اطلاعات اولیه به کارشناسان، مرحله بعد بررسی تعداد ازدواج های فامیلی، مرگ و میرهایی که مرتبط با بیماری های ارثی، تولد نوزادان مشکل دار در خانواده دوطرف، سقط های مکرر و مرده زایی است که در خانواده اتفاق افتاده باشد و همچنین وجود فرزند معلول مورد پرسش و توجه کارشناسان قرار می گیرد.»

رفیعی در ادامه صحبت هایش با بیان آنکه بعد از بررسی دقیق کارشناسان سازمان بهزیستی به زوجین اطلاعاتی می دهند، می گوید: «کارشناسان با بررسی اطلاعاتی که از دو طرف می گیرند به آنها می گویند چند درصد احتمال دارد در آینده فرزندان شما دچار مشکل یا بیماری شوند.

بعد اگر آنها تشخیص دهند با تولد فرزند ممکن است نوزاد دچار معلولیت باشد راه کارهای مناسب از سوی کارشناسان ما به زوجین پیشنهاد می شود تا بتوانیم خطر را به حداقل کاهش دهیم. شاید گفتن این نکته ضروری باشد که هیچ وقت احتمال این خطرات به صفر نمی رسد، چرا که همیشه تعدادی زن های ناشناخته وجود دارد که از طریق آزمایش های ژنتیک شناسایی نمی شوند.»

وی با ذکر مثالی عنوان کرد: «برای جهش ژنتیک ناشنوایی برای این زن خاص از فرد آزمایش می گیریم این آزمایش ها براساس شجره نامه زوجین صورت می گیرد و کارشناسان ما تشخیص می دهند که افراد باید آزمایش یک زن خاص را

بدهند تا اطمینان از وجود یا نبود ژن معلولیت

ص: ۱۱۱

درزوجین حاصل شود. این امر به ما کمک می کند تا تشخیص پیش از تولد دهیم و حتی اگر جنین قبل از ۲۰ هفتگی باشد می توان با توجه به معلولیتی که دارد اجازه سقط قانونی آن را گرفت.

معاون پیشگیری از معلولیت های سازمان بهزیستی کل کشور با اشاره به اینکه افرادی که دچار معلولیت مادرزادی هستند حتماً باید مشاوره ژنتیک شوند، بیان می کند: به عنوان مثال وقتی زن و شوهر ناشنوایی به ما برای مشاوره ژنتیک مراجعه می کنند ما باید جهش ژنتیک آنها را بررسی کنیم و ممکن است جهش ژنی خانم با آقا متفاوت باشد تا بعد از تشکیل جنین و بارداری خانم تشخیص پیش از تولد می دهند.

حتی افرادی را که تالاسمی یا بیماری های عصبی عضلانی مادرزادی دارند می توانیم بررسی و ژن آنها را تشخیص دهیم تا از ابتلای فرزندشان به این بیماریها جلوگیری کنیم.»

رفیعی در پاسخ به اینکه چرا برخی ژن های معلولیت ناشناخته هستند، می گوید: «تعدادی از معلولیت ها مثل عقب ماندگی های شدید ذهنی تا ۵۰ درصد قابل تشخیص است و هنوز مابقی ژن آنها کشف نشده و علت به وجود آمدن این ژن در والدین هنوز مشخص نیست که این امر هم می تواند دلایل متفاوتی همچون بیماری های مادر در دوران بارداری داشته باشد. بنابراین می توان گفت ۵۰ درصد عقب ماندگی های ذهنی، ناشنوایی یا نابینایی به عامل ژنتیک مرتبط می شود و ۵۰ درصد دیگر آن دلایل دیگری دارد.

وقتی خانواده ای برای مشاوره پیش ما می آیند بعد از بررسی به آنها می گوئیم با توجه به اینکه همه بررسی ها و آزمایشات نرمال بوده اما ممکن است ۷ درصد احتمال معلولیت در جنین وجود داشته باشد. خانواده ها باید بدانند که با مشاوره ژنتیک نمی توانند خطر را به صفر برسانند ولی آگاهی ها و راهکارهایی که به آنها می دهیم تا حد امکان خطر را برای جنین کاهش می دهیم.»

رفیعی در پاسخ به اینکه آیا می توان با غربالگری ژنتیک و تشخیص احتمال معلولیت در فرزند آینده زوجین، مانع ازدواج آنها شد می گوید: «هیچ مانع قانونی ای برای ازدواج این گونه افراد یا حتی زوجینی که هر دو دارای معلولیت ژنتیکی هستند وجود ندارد، چرا که کار ما مشاوره و گوشزد کردن احتمالات است. ما در غربالگری ژنتیک افراد را نسبت به آنچه ممکن است اتفاق بیفتد آگاه می کنیم تصمیم نهایی با خود طرفین است که می خواهند ازدواج کنند یا خیر.

ما حق نداریم مانع ازدواج دو نفر شویم و فقط می توانیم به افراد آگاهی بدهیم. تصمیم نهایی با خودشان است چرا که با تولد یک فرزند معلول در خانواده کل خانواده دچار مشکلات عاطفی می شود. این سخنان را خانواده هایی که فرزند معلول بخصوص از نوع عقب مانده ذهنی شدید دارند متوجه می شوند.»

جنین نابینا سقط نمی شود

معاون پیشگیری از معلولیت های سازمان بهزیستی کل کشور در پاسخ به این سؤال مبنی بر اینکه آیا همه معلولیت ها را می توان قبل از ۲۰ هفتگی جنین سقط کرد، عنوان می کند: «پزشکی قانونی طبق فهرستی که دارد مجوز سقط های جنین قبل

از ۲۰ هفتگی را می دهد. در کل هر چیزی که باعث عسر و حرج مادر و جنین شود آن را جزو دسته سقط ها قرار می دهند  
از جمله عقب ماندگی های

ص: ۱۱۲

شدید، تالاسمی، سندروم های پیچیده که قلب و کلیه را درگیر می کند، اما اگر جنین دچار نایبایی باشد اجازه سقط به زوجین داده نمی شود.

در خصوص ناشنوایی جنین باید بگویم، ناشنوایی به خاطر جهش ژنتیکی که دارد باید چندین مرحله آزمایش روی مادر و جنین صورت گیرد تا ژن ناشنوایی شناسایی شود که ما می توانیم تا قبل از ۱۲ هفتگی این ژن را تشخیص دهیم بعد از آن به خانواده اطلاع می دهیم و اگر جزو فهرست پزشکی قانونی باشد اجازه سقط داده می شود.

طبق اطلاعات من ناشنوایی هم جزو سقط ها محسوب نمی شود اما در صحبت هایی که از سوی انجمن های ناشنوایی صورت گرفته پیشنهادهایی شده که این نوع معلولیت را جزو موارد سقط های قانونی قرار دهند ولی تاکنون خبری مبنی بر تصویب این پیشنهاد به ما نرسیده است.»

رفیعی با توجه به اینکه بیشترین سقط جنین مربوط به سندروم های پیچیده است، می گوید: «این سندروم ها غالباً باعث عقب ماندگی های ذهنی می شود و همچنین جنین هایی که دچار بیماری های تالاسمی هستند جزو شایع ترین موارد سقط جنین قانونی می شوند و همچنین معلولیت هایی که کمتر به آنها در سقط ها برخوردیم معلولیت های عصبی عضلانی پیشرفته است که در فهرست سقط جنین قرار دارد.»

وی با اشاره به هزینه آزمایش های ژنتیک می گوید: «برخی از آزمایش ها مثل کروموزوم و کاریوتیپ بیمه هستند و حدوداً بین ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان برای افراد هزینه در بر دارند ولی برخی از آزمایش های ژنتیک پیشرفته است و هزینه بالایی برای افراد در پی دارد؛ زوجینی که بضاعت مالی خوبی ندارند و بویژه مددجویان سازمان بهزیستی نمی توانند این هزینه ها را پرداخت کنند که در این زمینه سازمان بهزیستی تا ۸۰ درصد هزینه ها را پرداخت می کند. سقف کمک هزینه ها تا دو سال گذشته پایین بود اما از سال ۹۵ این سقف با حمایت رئیس سازمان افزایش پیدا کرد سعی ما این است افرادی را که بضاعت مالی ندارند حمایت کنیم. مددجویان باید به ادارات بهزیستی که پرونده دارند مراجعه کرده و حوزه توانبخشی این افراد را به حوزه پیشگیری از معلولیت معرفی کنند. حوزه توانبخشی به علت محدودیت مالی که دارد نمی تواند این هزینه ها را تقبل کند به همین علت کارهای مربوط به آزمایش های ژنتیک در حوزه پیشگیری انجام می شود.»

وی در پاسخ به اینکه بعضی از معلولان در خصوص پرداخت هزینه ها دچار مشکل هستند، می گوید: «اگر در این فرآیند مددجویی احساس کرده کسی کارش را پیگیری نمی کند باید به معاونت حوزه پیشگیری مراجعه و مشکلاتش را مطرح کند. ما در سازمان چیزی به اسم یارانه و کمک هزینه درمان داریم که اولویت پرداختی ها با مددجویان سازمان بهزیستی است.»

وی در خصوص مراکز مشاوره ژنتیک در کشور می گوید: «۲۵۰ مرکز مشاوره ژنتیک در سطح کشور داریم که زیر نظر سازمان بهزیستی فعالیت می کنند. طبق آمار بهزیستی از شش ماه دوم سال ۹۳ و کل سال ۹۴ هزار و ۵۰۰ سقط جنین قانونی داشتیم.»

جلوگیری از تولد جنین معلول تنها کار مراکز مشاوره ژنتیک نیست مثلاً اگر خانومی قبل از اقدام به بارداری به مشاوره



ژنتیک مراجعه کند و ما به فرد بگوییم با مصرف این دارو مشکلات عصبی

ص: ۱۱۳

کمتری روی جنین شما متحمل می شود این اقدام پیشگیرانه است و ما جزو آمار مطرح نمی کنیم در صورتی که انجام این مشاوره ژنتیک کمک بزرگی به مادر و جنین کرده است.»

وی در پایان صحبت هایش با اشاره به ازدواج های فامیلی در ایران می گوید: «ما هنوز آمار دقیقی از ازدواج های فامیلی در ایران نداریم بعضی آمارها نشان می دهد ما ۳۰ درصد ازدواج فامیلی در کشور داریم اما اگر بخواهیم به نسبت شهر و منطقه بررسی کنیم این امر در بعضی از شهرها مثل تهران کمتر اتفاق می افتد و در بعضی مناطق که قومیتی هستند ازدواج فامیلی بیشتری صورت می گیرد. اما آنچه که آمار مراکز مشاوره ما نشان می دهند ۷۰ درصد مراجعات به مشاوره ژنتیک معمولاً به خاطر ازدواج فامیلی است.»

### «سختی کشیدم اما ارزش داشت: گفت و گو با مریم شمسی زاده»، مهدیه رستگار، ۱۴ تیر ۱۳۹۷.

معتقد است زندگی اش عرصه جنگ بوده و همه با او جنگیده اند حتی پله های دانشگاه اما با همه سختی ها و ناملایمات! او باور داشت خدایی که خلق اش کرده آگاه بوده که او با وجود معلولیت هم می تواند موفق شود. مریم شمسی زاده ۳۳ ساله دارای معلولیت جسمی و حرکتی (دیستروفی عضلانی) است که به رغم این معلولیت توانسته در رشته رادیولوژی به تحصیل پردازد، رشته ای که از نظر بسیاری نیازمند توان حرکتی بالایی است وقتی با او صحبت می کنم با عشق و اراده می گوید: خالق من را آنقدر قدرتمند و با اراده آفریده که می داند من با این کمبودها هم می توانم خوب زندگی کنم و این عین عدالت خداوند است.

کمی از خودت برایمان بگو؟

من مریم شمسی زاده کارشناس رادیولوژی متولد ۶۴ شاعر و عاشق نویسندگی و البته دارای معلولیت جسمی و حرکتی (دیستروفی عضلانی) هستم. اصالتاً اهل گیلانم ولی به خاطر شغل ام در بیمارستان ولایت قزوین مشغول به کار هستم.

چه زمانی متوجه معلولیت تان شدید؟

یادم است در ۹ سالگی حس کردم بالا رفتن از پله ها و دویدن برایم سخت شده، البته آن قدر نبود که خانواده و اطرافیانم متوجه بشوند و من مثل کودکان سالم زندگی عادی را سپری می کردم. از یازده - دوازده سالگی پدرم گاهی می پرسید مریم زمین خوردی؟؟ چرا پاهایت درد می کند که این طوری راه می روی؟؟؟

چقدر این بیماری را می شناختید؟

سؤالات پدرم اولین نشانه ها از علائم بیماری من یعنی دیستروفی عضلانی بود که تا سال ها نمی دانستیم و با اینکه پدرم من را خیلی به دکتر می برد اما متأسفانه پزشکان نتوانستند تشخیص بدهند و کسی متوجه بیماری من نشد.

به مرور شرایط جسمی تان بهتر شد یا....؟



تقریباً در ۱۳ سالگی محدودیت حرکتی و تحلیل عضلانی من بیشتر شد و توسط یکی از پزشکان حاذق در رشت تشخیص داده شد با نام میوپاتی... و من بازهم دقیقاً تصویری از این بیماری نداشتم.

ساکن کدام شهرستان بودید؟

من در یکی از روستاهای شهرستان رودبار گیلان به نام علی آباد به دنیا آمدم، در آن زمان پدرم با سختی زیاد من را به دکتر می برد. یادم هست دو سال فقط به تهران در حال رفت و آمد بودیم، گاهی در شب های سرد زمستان سال های ۷۶ و ۷۷ ساعت ها توی جاده منجیل منتظر یک ماشین می ماندیم تا ما را به روستا برساند، یا در تهران چون جایی را نداشتیم در سالن انتظار بیمارستان روی نیمکت ها می خوابیدم تا صبح بتوانیم از دکتری که معرفی کردند وقت بگیریم و من همواره با همان زبان کودکانه به پدرم می گفتم که «بابا اینا نمیتونن منو خوب کنن دیگه منو نبر دکتر» و پدرم میگفت تو باید خوب بشی، تو خوب میشی پس یه کم تحمل کن.

نظر پزشک ها چی بود؟

پزشکان بعد از معاینات گفتند بیماری من درمانی ندارد و فقط با ورزش می شود از تحلیل عضلات جلوگیری کرد. با این حال من از زندگی با آن شرایط که فقط کمی لنگیدن مختصر بود راضی بودم. من آرزوهای زیادی داشتم، رفتن به دانشگاه و کسب موقعیت شغلی مناسب و داشتن یک خانواده خوب که با ازدواج در آینده اتفاق بیفتند....

دوران نوجوانی چطور سپری شد؟

در تمام سال های دوران راهنمایی و دبیرستانم با بهترین نمره و به عنوان شاگرد ممتاز از طرف معلم ها و دبیرها مورد تشویق قرار می گرفتم. دست به قلم خوبی داشتم و شعر می گفتم و همواره مطالبی که می نوشتم از طرف اطرافیان و مسئولان آموزش و پرورش و دبیرستانم مورد تشویق قرار می گرفت.

به ادامه تحصیل علاقه داشتی؟

روستای ما بعد از زلزله ۶۹ به جای دیگری منتقل شده بود و آنجا بیشتر از سوم راهنمایی نداشت و همه در آن زمان در همین حد درس می خواندند. پدرم با اینکه خیلی دوست داشت من درس بخوانم می گفت اگر سالم بودی مشکلی نبود ولی با این اوضاع همین حد کافی است.

و عکس العمل شما؟

اولین بار که این حرف را زد من یک دل سیر گریه کردم انگار نابودی تمام آرزوها را جلوی خودم می دیدم ولی تسلیم نشدم، به پدرم اصرار کردم تا به شهر دیگری بروم و در خوابگاه اقامت کنم و درس بخوانم. متأسفانه آن زمان شهرستان رودبار خوابگاه شبانه روزی دبیرستان نداشت و اگر هم داشت از روستای ما خیلی دور بود و من با پرس و جو و پیگیری پدرم از یکی از دوستانش به یک خوابگاه شبانه روزی که متعلق به شهرستان طارم استان زنجان بود منتقل شدم. البته این خوابگاه با

محل اقامت خانواده ام نیم ساعت فاصله داشت.

چند ساله بودی؟

۱۴ سال و هرگز دوری از خانواده را تا آن لحظه تجربه نکرده بودم.

وقتی رفتی اوضاع چه طور بود؟

ص: ۱۱۵

آن جا بچه ها همه به زبان ترکی صحبت می کردند و من اصلاً متوجه حرف هایشان نمی شدم و شش ماه طول کشید تا باور کنند من واقعاً ترکی بلد نیستم و متوجه حرف هایشان نمی شوم. به هر حال با بچه ها دوست شدم ولی در مدرسه و خوابگاه همه سالم بودند و من با بقیه فرق داشتم و برایم جای تعجب بود که چرا هیچ کس ششیه من نیست و این درحالی بود که بیماری من با زمان پیشرفت می کرد. خوابگاه پله داشت و من باید نرده ها را می گرفتم و می رفتم بالا. جلوی دوستانم خجالت می کشیدم و حتی وقتی موقع سرود صبحگاهی بود دوست نداشتم در صف بمانم، چون قبل از ورود به سالن اصلی دبیرستان چند تا پله خیلی بلند و غیرنرمال وجود داشت که من مجبور بودم برای بالا رفتن از پله آخر که حتی نرده هم نداشت دستم را روی زمین بگذارم و از دستم برای بالا رفتن کمک بگیرم و این من را جلوی همکلاسی ها و دوستان و معلم و ناظم خیلی آزار می داد، غرورم را می شکست، نگاه ترحم آمیز را دوست نداشتم یا گاهی خنده های تمسخر آمیز بعضی از دوستان بازیگوشم ناراحت می کرد. به هر حال آن رفتارها کاملاً طبیعی بود و ما همه نوجوان بودیم و این بماند که من چقدر با خودم کلنجار رفتم و فکر کردم که به نگاه دیگران در مورد محدودیت حرکتی خودم توجه نکنم و تمام تمرکز را گذاشتم روی درس خواندن و موفقیت.

رشته خاصی مد نظرتان بود که دوست داشته باشید در آن رشته ادامه تحصیل بدهید؟

توی دبیرستان رشته تجربی خوانده بودم و دوست داشتم پزشکی قبول شوم. پدرم بارها گفته بود اگر بخوام دانشگاه قبول بشوم باید حتماً دانشگاه دولتی قبول بشم چون ما پنج تا بچه بودیم و پدرم از پس هزینه های ما بر نمی آمد. دو سال به سختی درس خواندم و پشت کنکور ماندم تا حتماً در دانشگاه دولتی قبول شوم آن هم بدون کلاس کنکور و هیچ کتاب تستی.

و نهایت نتیجه این همه تلاش چه شد؟

من سال ۸۴ در رشته رادیولوژی در دانشگاه علوم پزشکی و دانشکده پیراپزشکی شهر زنجان پذیرفته شدم. در صورتی که در دفترچه آزمون کنکور چیزی از معلولیت نگفته بودم و با سهمیه آزاد قبول شده بودم.

پدرتان با رفتن شما به استان دیگری مخالفت نداشتند؟

قبول شدن من در دانشگاه آن هم در یک استان دیگر باعث نگرانی بیشتر پدرم شد و با اینکه دوست داشت من درس بخوانم از من می خواست به دانشگاه نروم یا حداقل دوباره در کنکور شرکت کنم و در یک رشته در دانشگاه پیام نور شهرستان خودمان تحصیل کنم. ولی من قبول نمی کردم و مدام مقاومت می کردم و نمی خواستم این موقعیت را به هیچ وجه از دست بدهم. من بارها تا مرز ناامیدی پیش رفته بودم ولی ناامید نشدم و پدرم راضی شد و من دو ماه با تأخیر از سایر همکلاسی هایم ثبت نام کردم. خوشبختانه کلاس ها از نیمه دوم شروع می شد و مسئول ثبت نام با اصرار و عذرهایی که می آوردم قبول کرد من را ثبت نام کند و من خوشحال بودم، اما باز هم به جایی وارد شدم که کسی با شرایط جسمی خودم ندیدم.

در دانشگاه با مشکل پله و این کوه عظیم پیش روی افراد دارای معلولیت جسمی مواجه نشدید؟

در دوره دانشگاه هم کلاس ها طبقه سوم یا دوم بود و من باید ۲۰ دقیقه قبل، بالا رفتن از پله ها را شروع می کردم تا به طبقه

سوم برسم. خوابگاه هم همین مشکل را داشت. در این

مدت بیماری ام

ص: ۱۱۶

پیشرفت کرده بود و گهگاه از عصا استفاده می کردم حتی سوار شدن به سرویس های دانشگاه با پله های بلندش برایم خیلی خیلی سخت بود. خیلی اوقات دوست داشتم با دوستانم به بازار و خرید بروم اما چون خیلی آهسته راه می رفتم معذب بودم با آنها جایی بروم ولی با این حال دوران خوشی بود و خیلی چیزها یاد گرفتم و مقاوم شدم.

مثلاً چه چیزهایی یاد گرفتید؟

یاد گرفته بودم با تمام این محدودیت ها می شود زندگی کرد و خوشحال بود و من از ته دلم از خودم راضی بودم. دوستانم همیشه من را به خاطر پشتکارم تحسین می کردند و این برایم آرامش بخش بود. من دیگه بزرگ شده بودم و نگاه دیگران در اراده من اثری نداشت.

بعد از دانشگاه چی؟

بعد از اتمام دانشگاه درخواست طرح را که یک دوره شغلی در بیمارستان است دادم. دوستان به من گفتند می توانم بابت شرایطم از طرح معاف بشوم ولی من قبول نکردم چون درس خوانده بودم و دوست داشتم در حیطه تخصصی خودم مشغول به کار بشوم. جالب اینجاست برای طرح هم نگفتم معلولیت دارم و اولین بار که وارد بخش رادیولوژی شدم کسی فکر نمی کرد بتوانم کار کنم. ولی مسئول بخش خوشبختانه آدم خوب و منطقی بود. چند روز اول هر بیماری می آمد به همکارها می گفتم شما بنشینید من عکس هایشان را می گیرم. در عرض یک هفته هم کار را یاد گرفتم و به تنهایی سر شیفت می ماندم.

چرا معلولیت تان را نمی گفتید؟ بین صحبت هایمان دو سه بار اشاره کردید که از معلولیتم چیزی نمی گفتم. حتی در آزمون سازمان سنجش!!

راستش چون نمی خواستم سهمیه ای برایم لحاظ بشود آن زمان فکر می کردم شاید برای کنکور هم سهمیه معلولیت باشد ولی نبود. دوست داشتم اگر افتخاری هست مال خودم باشد خالص خالص.

برای استخدام مشکلی نداشتید؟

مدتی بعد در آزمون استخدامی شرکت کردم و باز هم نگفتم معلولم، با این حال بدون هیچ سهمیه بومی و بدون استفاده از سهمیه سه درصد بهزیستی نفر اول بین رقبا شده بودم و پدرم که قبل از ثبت نام اصرار داشت شرکت نکنم و قبول نمی شوم این بار کاملاً متعجب و شوکه شده بود و نمی دانست خوشحال باشد یا ناراحت، هر چند بیشتر ناراحت و نگران بود.

نگران چرا؟

نگران اینکه چطور می خواهم در شهر غریب زندگی کنم آن جا اگر مشکلی برام پیش بیاید چه کار می کنم و هزارتا نگرانی دیگر...

شما چه کردید؟



و دوباره جنگیدن برای رسیدن به آرزوهایم شدت گرفت. با زحمت زیاد پدرم را راضی کردم یک سال اول در خوابگاه خودگردان دانشجویی زندگی کردم بعد از یک سال با دوتا از بچه ها خانه ای اجاره کردیم بعدها خودم صاحب خانه شدم والان الحمدلله کاملاً مستقل هستم.

در زمان استخدام متوجه معلولیت تان نشدند؟

ص: ۱۱۷

اولین بار در معاینات پزشکی بدو استخدام متوجه مشکل راه رفتن من شدند و معاینات و سؤال‌ها شروع شد. اما چون من پایان طرح داشتم دکتر تأیید کرد برای کار کردن مشکلی ندارم و من خوشحال بودم.

علاوه بر مشکلات تردد معلولان و عدم مناسب سازی اماکن که بهش اشاره کردید. دیگر مشکلات معلولان را در چه زمینه ای می بینید؟

یکی از مشکلات معلولان ازدواجشان هست. من معمولاً توی گروه‌ها می بینم چقدر تنها هستند کسی هم نیست صدایشان را بشنود.

از لحاظ اشتغال چطور؟

برای دوستانی با شرایط ما مشکلاتی وجود دارد که لازم می دانم مطرح کنم: متأسفانه معلولان حتی با وجود داشتن تحصیلات و تخصص و توانایی شغلی، از طرف سازمانی که در آن کار می کنند در تخصص کاریشان گماشته نمی شوند و این آنها را خیلی آزار می دهد. این عدم اعتماد به یک معلول با توجه به اینکه از چندین فیلتر رد شده است کاملاً بی رحمانه و غیرمنصفانه هست. به نظرم افراد سالم باید خودشان را جای فرد معلول قرار بدهند، آیا دوست دارند چنین ظلمی در حق آنها انجام بشود؟! انسان وقتی احساس مفید بودن می کند و از کارش لذت می برد دچار شادی وصف ناپذیری می شود این لذت را از افراد دارای معلولیت دریغ نکنید.

### «سرنوشت نوسازی ناوگان حمل و نقل شهری معلولان»، مجید سرایی، ۲۴ خرداد ۱۳۹۷.

حمل و نقل معلولان، موضوعی است که همیشه در سبب مشکلات این دسته از شهروندان ردیف خودش را پیدا کرده و دائماً، محل مباحث و مناقشات زیادی قرار گرفته است. این موضوع مخصوصاً از سال ۹۲ و با افتتاح سامانه حمل و نقل معلولان و جانبازان از سوی شهرداری، وارد فاز تازه ای شد. قرار شد با افتتاح این سامانه، جانبازان و معلولان ضمن ثبت نام، از تسهیلات حمل و نقل که عبارت از در اختیار گذاشتن خودرو از سوی سامانه جهت جا به جایی معلولان است، بهره مند شوند. با وجود گذشت بیش از ۴ سال از افتتاح این سامانه، هنوز با تماس های برخی معلولان مواجهیم که از شیوه ارائه خدمات این سامانه انتقاد می کنند؛ از جمله گروه های معلول منتقد، نایبانیان هستند که معتقدند این سامانه به معلولان غیر نایبنا در ارائه تسهیلات حمل و نقل، اهمیت بیشتری می دهد. این انتقاد و برخی اعتراضات دیگر گروه های معلولان بهانه ای به دستمان داد تا با پیمان سنندجی، رئیس شرکت واحد اتوبوسرانی و رئیس سامانه حمل و نقل جانبازان و معلولان گفت و گو کنیم. در این گفت و گو، سنندجی به موارد ضعف و قوت ارائه تسهیلات حمل و نقل به معلولان و همچنین تسهیلات جدید شرکت متبوعش به نایبانیان اشاره می کند. این گفت و گو را در ادامه می خوانید:

راه اندازی سامانه حمل و نقل جانبازان و معلولان، اتفاق مثبتی در بحث ارائه تسهیلات جا به جایی به این شهروندان از سوی شهرداری بود، با وجودی که به نظر می رسید این سامانه موفق به جا به جایی درصد زیادی از معلولان پایتخت شود، اعتراضات و انتقادات زیادی از سوی گروه های مختلف



معلولان نسبت به خدمات این سامانه مطرح شده است؛ از جمله محدودیت در اختصاص خودرو به برخی گروه های معلولیتی مثل نابینایان. چرا با گذشت بیش از ۴ سال از افتتاح این سامانه، هنوز با اعتراضات معلولان مواجهیم؟

زمانی که ما اقدام به راه اندازی این سامانه کردیم، به دنبال ارائه تسهیلات جا به جایی و حمل و نقل شهری به جانبازان عزیز و همچنین معلولان بودیم تا با امکاناتی که در اختیار داریم بتوانیم به نحو احسن از عهده این کار بر آییم؛ اما در ادامه راه با برخی مشکلات مواجه شدیم که مهم ترین آن ها، کمبود خودرو بود. ما کارمان را با ۶۰ خودرو شروع کردیم: البته که این تعداد خودرو نمی توانست جوابگوی نیاز معلولان باشد.

ظاهراً بنا بر این بوده که هر سال شما ۲۰ درصد به ناوگان خودرو های ویژه معلولان اضافه کنید، اما طبق اظهارات خودتان بعد از این چند سال هنوز با ۶۰ خودرو خدمات رسانی می کنید. آیا بحث افزایش خودرو به طور کلی مسکوت گذاشته شد؟

قطعاً این موضوع مسکوت گذاشته نشده و همچنان در دستور کار ما قرار دارد. همان طور که شما اشاره کردید، قرار بود ما هر سال ۲۰ درصد افزایش خودرو داشته باشیم تا مشکل محدودیت خودرو را به حداقل برسانیم، اما این موضوع فعلاً محقق نشده است. قرار بود سازمان بهزیستی تعدادی خودرو در اختیار ما قرار دهد؛ حتی صحبت های اولیه را انجام داده بودیم که این تعداد خودرو را داشته باشیم، اما هنوز خبری از خودرو های بهزیستی نیست و ما همچنان با ناوگان محدودمان خدمات رسانی می کنیم.

قرار بود سازمان چه تعداد خودرو در اختیارتان بگذارد؟

فکر می کنم ۶۰ خودرو ون قرار بود به ما بدهند.

آیا خودرو هایی که در حال حاضر جزو ناوگان شما هستند، استاندارد های لازم برای سوار شدن معلولان، مخصوصاً معلولان جسمی-حرکتی را دارند؟

بله! این خودرو ها کاملاً استاندارد و مجهز به تجهیزاتی مثل رمپ مخصوص برای معلولانی که از ویلچر استفاده می کنند، هستند.

اگرچه شما به محدودیت خودرو اشاره کردید، اما از جمله گروه های معلولیتی که به خدمات این سامانه اعتراض می کنند، نابینایان هستند. این دسته از شهروندان معتقدند سامانه معلولان غیر نابینا را در اولویت قرار داده است. اساساً اولویت بندی شما بر چه معیار هایی استوار است؟

ما معلولان غیر نابینا را با نگاهی تبعیض آمیز در اولویت قرار نداده ایم. قبلاً هم گفتم که ناوگانمان محدود است و با توجه به شرایط جانبازان و معلولان جسمی-حرکتی -مخصوصاً ویلچری- که امکان تردد برایشان کمتر است، مجبوریم بخش زیادی از خدماتمان را به این دسته از معلولان اختصاص دهیم. من به مشکلات تردد نابینایان واقفم، اتفاقاً هدف این بود که با در اختیار داشتن خودرو هایی که بهزیستی به ما وعده داده بود، بخش قابل توجهی از نیاز نابینایان در بحث حمل و نقل را فراهم

کنیم، اما همان طور که گفتم این مهم محقق نشده است. بنا بر این شهروندان نایینا که برای ما بسیار عزیز هستند، فکر نکنند ما بین آنها و دیگر معلولان تبعیض قائلیم.

ص: ۱۱۹

اگر یک شهروند نابینا از شما بپرسد چه خدماتی در این زمینه به نابینایان ارائه می دهید، آیا پاسختان همین محدودیت ناوگان است؟

حقیقتاً ما خودرو کم داریم و شرمنده دوستان نابینا هستیم که کمتر به آنها خدمات رسانی می کنیم. ظاهراً سازمان تاکسیرانی در نظر دارد برای نابینایان در همین بحث حمل و نقل خدماتی ارائه دهد، اما من از چند و چون آن بی خبرم.

شرکت واحد اتوبوسرانی تهران علاوه بر سامانه حمل و نقل ویژه جانبازان و معلولان، ظاهراً اقدام به ارائه خدمات و تسهیلات دیگری هم برای این شهروندان کرده است. این تسهیلات در چه حوزه هایی ارائه شده است؟

یکی از جدیدترین اقدامات ما که اتفاقاً مختص نابینایان هم هست، طراحی و راه اندازی سامانه اعلام ایستگاه ها به صورت گویا در خطوط اتوبوسرانی است. در واقع این سامانه شبیه به سامانه ای است که در قطارهای شرکت مترو از آن استفاده می شود. حقیقت این است که جای خالی چنین سامانه ای مدت ها بود که در خطوط پر مسافر اتوبوسرانی احساس می شد، اما زیرساخت های راه اندازی آن فراهم نبود. با راه اندازی این سامانه، شهروندان نابینا دیگر مشکلی در بحث موقعیت و اسم ایستگاه ها نخواهند داشت. با این سامانه، شهروند نابینا به محض رسیدن به هر ایستگاه، مطلع می شود که در چه موقعیتی است و تا مقصدش چند ایستگاه باقی مانده است.

این سامانه در چه تاریخی به صورت رسمی بهره برداری می شود؟

قرار است تمام خطوط اتوبوسرانی تهران تا پایان سال جاری به سامانه اعلام گویای ایستگاه ها مجهز شوند.

یکی دیگر از خدماتی که شما به شهروندان نابینا ارائه کرده اید، نصب تابلوی بریل در برخی ایستگاه های خط بی آر تی است. چطور به فکر نصب چنین تابلویی افتادید؟

من در تحقیقاتی که داشتم، به این رسیده بودم در کشور های غربی برای شهروندان نابینا امکان دسترسی به اطلاعات مربوط به ایستگاه های مبدأ، مقصد و جزئیات هر ایستگاه توسط شهرداری ها فراهم می شود. بر همین اساس تصمیم گرفتم با همکاری کارشناسان چنین امکانی را در تهران برای نابینایان فراهم کنم. البته این را هم اضافه می کنم که تجربه ما در این زمینه کامل نبود؛ بنابراین شهروندان نابینا با نواقص زیادی در نصب این تابلو ها مواجهند. سعی کردیم به صورت پایلوت این طرح را اجرایی کنیم و در چند ایستگاه مثل ایستگاه شهید آیت این تابلو را نصب کردیم.

یکی از مشکلاتی که مسافر نابینا در مطالعه این تابلو ها با آن مواجه می شود، ساختار طراحی آن - مخصوصاً در سلول هایی است که برای خط بریل در نظر گرفته شده -؛ ضمناً مطالعه این تابلو باعث می شود تا فرد نابینا سر فرصت موفق به سوار شدن به اتوبوس نشود. سؤال اینجاست: شما که برای نصب این تابلو از الگو های غربی الهام گرفتید، چطور به سراغ سیستم اسمارت که دسترسی سریع نابینایان به اطلاعات ایستگاه ها را فراهم می کند، نرفتید؟

من کاملاً موافقم که ما در طراحی و نصب این تابلو ها، تجربه کافی نداشتیم؛ در واقع شاید ارزش اصلی نصب تابلو های بریل

در ایستگاه‌ها، در بحث فرهنگسازی باشد و به عنوان نوعی نماد، حق شهروندی نابینایان در استفاده از وسایل نقلیه عمومی را به دیگر شهروندان جامعه گوشزد کند.

ص: ۱۲۰

موضوع استفاده از اسمارت ها هم که شما اشاره کردید، خیلی مهم است و من از جزئیات این سامانه بی اطلاع نیستم. به هر حال سامانه اسمارت این امکان را هم به راننده اتوبوس و هم به مسافر معلول می دهد که از موقعیت هم مطلع باشند. راننده متوجه باشد که در ایستگاه بعدی یک مسافر معلول را باید سوار کند و مسافر نابینا هم به طریق اولی، متوجه این شود که اتوبوسی که نزدیک به ایستگاه می شود، دارای تجهیزات ویژه معلولان برای سوار شدن است. قبول دارم که این سامانه برای دسترسی معلولان کاملتر است، منتها همان طور که گفتم باید به حساب بی تجربگی ما بگذارید.

به نظر شما آیا واقعاً این امکان نمی تواند از سوی شهرداری و شرکت متبوع شما فراهم شود که در هر ساعت، حداقل دو اتوبوس به امکانی مثل سامانه اسمارت مجهز شوند؟

اتفاقاً چنین امکانی در ایران غیر عملی نیست. اما در حال حاضر ما بر راه اندازی سامانه اعلام گویای ایستگاه های اتوبوس متمرکز شده ایم تا با کمترین مشکل بتوانیم این سامانه را بهره برداری کنیم. قطعاً در راه اندازی سیستمی شبیه به اسمارت، از نظر های کارشناسی و تجربیات افراد متخصص استفاده خواهیم کرد.

به نظر شما، ما تا چه میزان به استاندارد های دسترس پذیری معلولان به خدمات شهری مثل همین بحث حمل و نقل نزدیک شده ایم؟

قطعاً تا رسیدن به استاندارد های بین المللی فاصله داریم؛ هنوز ما در نصب تجهیزات بالابر ویژه معلولان در اتوبوس ها نقص داریم، در نحوه پهلو گرفتن اتوبوس ها در ایستگاه ها جهت سوار شدن معلولان جسمی-حرکتی مشکل داریم؛ اما برطرف کردن تمام این مشکلات برای رسیدن به استاندارد ها، قطعاً عزم ملی را می طلبد. ضمن اینکه نسبت به گذشته وضعیت بهتری داریم. درست است که در همین بحث ناوگان اتوبوسرانی، برای جا به جایی معلولان جسمی-حرکتی مشکل داریم، اما سعی کردیم با اضافه کردن اتوبوس های جدید که کفشان همسطح با ایستگاه هاست، تا حدی از میزان مشکلات شهروندان معلول بکاهیم.

**«شبکیه مصنوعی، امیدی نو برای نابینایان: فناوری جدید برا بازگرداندن بینایی در گفت و گو با محسن فروردین»، راضیه کباری، ۳۰ آذر ۱۳۹۶.**

آرزوی روشنایی بخشیدن به دیده های نابینا، انسان های بسیاری را به تلاش واداشته است؛ انسان های متخصصی از رشته های مختلف علمی. و این بار همگرایی مهندسی و پزشکی؛ دستاوردی نو به بار آورده است. پیوند شبکیه مصنوعی با دادن دیدی مصنوعی به افراد نابینا، آنها را در به دست آوردن تجربه های تازه ای از دیدن یاری می رساند. آرگوس نام فناوری مهندسی پزشکی است که از چند سال پیش در دنیا به کار گرفته شده و اینک در ایران، یک تیم هفت نفره از برجسته ترین متخصصان چشم پزشکی در شیراز، دو بانوی نابینای مطلق را به دیدن دنیا امیدوار ساختند. دکتر محسن فروردین فوق تخصص شبکیه و سرپرست تیم جراحی درباره این تلاش جمعی؛ نتایج و دورنمای آن می گوید: از ۱۰-۱۵ سال پیش کارهای مقدماتی و مهندسی ساخت شبکیه مصنوعی در دنیا آغاز شد، اما از بین ۷-۸ کمپانی که در این زمینه کار می کنند کمپانی second sight که امریکایی است





توانسته است پروتز ساخته شده اش را به مرحله کلینیکال برساند و سازمان غذا و داروی امریکا «fda» آن را تأیید کرده است. از نظر محققان و پزشکان تأیید fda نشان دهنده ضریب بالای اطمینان است برای اینکه از تأثیرات سودمند دارو یا تکنولوژی خاصی اطمینان یابیم و بدانیم عارضه ای برای بیمار ندارد. دستگاهی که در این شرکت ساخته شده آرگوس نامیده می شود که روی شبکه نصب می شود. وقتی الکترودها تحریک می شوند آن را به بافت باقی مانده شبکه منتقل می کنند. این بافت مانند یک سیم، جریان را به عصب بینایی منتقل می کند و عصب آن را به سمت مغز می برد. در این خصوص با دکتر محسن فروردین متخصص شبکه گفت و گو کردیم.

اگر ممکن است در مورد شبکه مصنوعی و درمان توضیحاتی را ارائه بفرمایید در واقع منظور شما از بافت باقی مانده شبکه؛ قسمتی است که هنوز سالم مانده است؟

محور اصلی این درمان، بیماری های RP هستند که در بین مردم به شب کوری معروفند. در این بیماران بتدریج لایه های خارجی شبکه از بین می رود اما لایه داخلی شبکه زنده و فعال است. وقتی دستگاه روی شبکه قرار می گیرد پالس های الکتریکی را به این لایه داخلی می فرستد که مجاور قسمت داخلی چشم است یعنی تحریک عصبی از الکترودها به لایه داخلی منتقل می شود، این لایه به عصب بینایی منتهی می شود و تحریک به وسیله عصب به مغز ارسال می شود. مهم ترین علت موفقیت این کار؛ تعداد الکترودهایی است که در دستگاه به کار رفته است. آرگوس در مرحله اول با ۱۶ الکترودها ارائه شد.

که تصویر سیاه و سفید و شبه گونه ای داشت؟

بله تصویر مبهمی داشت؛ در مرحله دوم به آرگوس ۲ رسیدیم که در بیماران ما نیز همین آرگوس نصب شده است. این دستگاه دارای ۶۰ الکترودها است.

آرگوس به مراحل بالاتری هم رسیده است؟

در حال حاضر به صورت کلینیکی به مراحل بالاتری نرسیده اما دو کار در حال انجام است یکی تولید نرم افزاری است که به استراتژی تقویت معروف است، این نرم افزار توانایی تصویری آرگوس ۲ را به ۲۱۰ الکترودها ارتقا می دهد. نرم افزار مراحل نهایی تأیید Fda را می گذراند و هنوز برای دو بیمار که در شیراز عمل شدند نصب نشده است اما شرکت ارائه آن را برای این دو بیمار نیز تعهد کرده است. در خارج از کشور بیمارانی که این نرم افزار رویشان فعال شده است به یکباره وضوح بینایی حدود سه برابری را تجربه کرده اند. بنابراین تا چند ماه آینده این دو بیمار هم با عملیاتی شدن این نرم افزار با جهش واضحی در دید خود روبه رو خواهند شد. به علاوه خود شرکت روی آرگوس ۳ نیز کار می کند که احتمالاً تا یکی دو سال آینده وارد بازار خواهد شد. در آرگوس ۳ تعداد ۲۰۰ الکترودها نصب شده است، البته نرم افزاری که گفتم روی آرگوس ۳ نیز قابل نصب است که در این صورت وضوح بینایی را تا حدود ۱۰۰۰ پیکسل بالا خواهد برد.

به این ترتیب افرادی که تحت عمل پیوند با آرگوس ۲ قرار می گیرند نیز بعد از فعال شدن نرم افزار خواهند توانست بسیاری

از فعالیت های روزمره خود را به صورت مستقل انجام دهند.

آیا الکترودها به صورت صفحه ای جداگانه روی شبکه هستند یا داخل بافت کاشته می شوند؟

ص: ۱۲۲

یک plate «صفحه» است که الکترودها با ترتیب ۶ در ۱۰ روی آن قرار می گیرند. Plate با استفاده از یک پین روی ماکولا «لکه زرد» شبکه وصل می شود. برای تحریک الکترودها و دیدن تصویر نهایی روش کار این است که فرد از عینکی استفاده می کند که شیشه هایش کاربردی ندارد، از این رو می تواند بی رنگ یا تیره باشد. انتخاب رنگ به عهده بیمار است، شیشه های بی رنگ از لحاظ زیبایی مورد توجه هستند و شیشه های تیره در کشورهایی که رنگ تیره عینک مانند عصای سفید نشاندهنده فرد کم بینا یا نابیناست و معرف فرد در جامعه است به کار می روند. شاید در کشور ما که تیره بودن رنگ شیشه کمک خاصی برای فرد به دنبال ندارد بی رنگ بودن شیشه بیشتر مورد استقبال قرار گیرد. وسط دو شیشه روی دسته یک دوربین خیلی ظریف و دقیق قرار دارد که تصویر اطراف را می گیرد. تصویر از طریق خود عینک خارج شده و با سیمی به یک پردازشگر می رسد که فرد می تواند آن را مانند یک کیف کوچک به کمر آویزان کند یا روی شانه بیندازد... تکنولوژی به کار رفته در این پردازشگر نیز به مرور زمان در حال ارتقا است تا خدمات رسانی بهتری برای استفاده کننده داشته باشد.

تصویر بعد از پردازش از طریق سیم دوباره به عینک بازمی گردد، در کنار دسته عینک و در مجاورت چشم یک آنتن رادیو فرکوئسی «rf» قرار دارد که در آن تصویر پردازش شده به امواج rf تبدیل می شود و به طرف چشم فرستاده می شود. تا اینجا بخش خارجی آرگوس را توضیح دادیم که با پیشرفت تکنولوژی برای همه بیمارانی که اکنون عمل می شوند نیز قابل استفاده خواهد بود.

اما بخش درونی و تعداد الکترودها قابل تغییر نیستند؟

تا به حال یک نفر در دنیا از بین بیش از ۲۰۰ نفر که عمل شده اند در مرحله اول با آرگوس ۱ عمل شده است و با کامل شدن آرگوس ۲ داوطلبانه عمل شده و آرگوس ۲ به جای آرگوس ۱ برایش نصب شده است. در مورد دیگری برای فردی آرگوس ۱ در چشمش کار گذاشته شده بود و داوطلبانه آرگوس ۲ در چشم دیگر بیمار قرار داده شد.

عمل پیوند شبکه مصنوعی فقط روی یک چشم انجام می شود؟

بله به علت هزینه های خیلی بالا، ریسک عمل و اینکه هنوز این موضوع که در صورت عمل دو چشم چه تداخلاتی در مغز به وجود می آید را نیازموده ایم، تنها مورد آزمایش شده که هر دو چشم تحت عمل قرار گرفته بیماری است که در یک چشم آرگوس ۱ و در چشم دیگر آرگوس ۲ کار گذاشته شد که در آن صورت هم تصویر آرگوس ۲ که قوی تر است بر تصویر آرگوس ۱ غلبه می کند.

عمل جراحی داخل چشم که توسط تیم شما انجام شد به چه صورت است؟

در عمل جراحی که روی بیمار انجام می شود ملتحمه را از صلیبه چشم جدا می کنیم و دو قسمت دستگاه را روی صلیبه یا اسکلرا قرار می دهیم، یک آنتن داخلی رادیو فرکوئسی و قطعه دیگری به نام کیس که یک پردازشگر میکروسکوپی خیلی ظریف است، این دو در بخش خارجی کره چشم قرار می گیرند که به آنتن خارج چشم نزدیک باشند. آنتن داخلی تصویر را

از آنتنی که روی عینک نزدیک چشم قرار دارد می گیرد و به پردازشگر داخلی می دهد و تصویر برای انتقال به الکترودها آماده می شود. تصویر از طریق سیمی که از کیس خارج می شود و از میان سوراخی در صلیبه وارد چشم شده و به صفحه الکترودها وصل می شود؛ در این حالت تحریک الکتریکی به الکترودها رسیده و از

ص: ۱۲۳

آنجا به لایه داخلی شبکیه منتقل و به مغز فرستاده می شود. این الکترودها می توانند روشن خاموش باشند یعنی همان صفر یک یا می توانند در حالت تدریج باشند خاموش؛ روشن یا خاکستری. فرد از طریق پردازشگر خارجی می تواند وضعیت سیستم الکترودها را به دو حالت تغییر دهد. در حالت صفر یک، مرزها خیلی واضح تر هستند. این وضعیت برای حرکت و برخی فعالیت های دیگر مناسب تر است. مثلاً فرد می خواهد از در اتاق خارج شود در اتاق ممکن است رنگ های مختلفی داشته باشد ولی دهانه در که از آن عبور می کنند سفید است، با سیستم صفر یک، ورودی در سفید مطلق و اطراف آن سیاه مطلق می شود و فرد براحتی آن را تشخیص داده و می تواند از آن عبور کند اما اگر سیستم، الکترودها را روی حالت خاکستری بزند یک تصویر شطرنجی مبهم دیده می شود که ممکن است لبه ها و مرزها درست تشخیص داده نشود. حالت دوم الکترودها، تدریج است که از آن در موارد دیگری استفاده می شود مانند زمانی که فرد می خواهد به صورت کسی نگاه کند. در این وضعیت، تصویر مانند عکس های سیاه و سفید دیده می شود و فرد می تواند جزئیات بیشتری از چهره را ببیند، اما در حالت صفر یک، چهره کاملاً سیاه و اطرافش سفید نشان داده می شود.

یعنی فرد می آموزد چگونه برای دیدن، جزئیات یا کلیات الکترودهای داخل چشم را تنظیم کند؟

بله همین طور است. بعد از عمل جراحی برای روشن کردن سیستم با دو مشکل روبه رو می شویم. فرد سال ها نابینا بوده و بخش بینایی مغز فعالیتی نداشته، مانند هر عضو دیگر بعد از عمل به زمانی نیاز داریم تا با توانبخشی، مغز قابلیت خود را بازیابد یعنی بعد از مدتی که از بخش بینایی مغز استفاده نشده است انتظار نمی رود با دریافت پیغام، درک کاملی صورت گیرد. مغز بشدت تحلیل رفته و باید مرتب تحریک و توانبخشی شود تا به بهترین عملکرد برسد.

دستگاه به محض روشن شدن، یک دید اولیه به فرد می دهد اما بسیار مهم است فرد بداند برای استفاده درست از دستگاه باید بخش دیگری از درمان را که یک دوره چهار ماهه توانبخشی بینایی است بگذراند و نباید با کم بودن دید اولیه، مأیوس شود یا اینکه دید اولیه خوب باشد و به آن راضی شود. باید بداند طی یک پروسه قطعاً پیشرفت خواهد داشت. در خارج از کشور کسانی را داریم که از این دستگاه استفاده کرده اند و توانبخشی درستی را گذرانده اند و الان توانایی خواندن حروف بزرگ را نیز پیدا کرده اند ولی همین افراد در روز اول روشن شدن دستگاه به هیچ وجه چنین توانایی را نداشته اند.

کار توانبخشی را چه کسانی انجام می دهند؟

این کار را نیز در گروه خودمان عهده دار شده ایم و کلینیکی به این منظور راه اندازی کرده ایم. در آینده نیز بیمارانی که در شهرهای دیگر این عمل را انجام می دهند می توانند برای انجام توانبخشی به این کلینیک مراجعه کنند. بیماران حداقل هفته ای یک بار در طول یک دوره چهار ماهه نیاز به آموزش و توانبخشی خواهند داشت. به دیدی که از این دستگاه به دست می آید، دید مصنوعی گفته می شود که با دید طبیعی متفاوت است. این دید در حال حاضر رنگی نیست و به صورت سیاه و سفید است. چون مربوط به یک چشم است درک عمق ندارد و به همین علت فرد علامه بر توانبخشی بینایی به توانبخشی کارایی نیاز خواهد داشت. به این معنا که بعد از داشتن دید باید بیاموزد چگونه از حواس دیگر مانند شنوایی و کنترل عضلات استفاده کند تا بتواند فعالیت های روزانه اش را داشته باشد.



کسانی که به مرور بینایی خود را از دست می دهند، چون از بین رفتن درک عمق را تجربه کرده اند متوجه اشاره شما به دید یک چشمی می شوند؟

بله چون این افراد به مرور درک عمق را از دست می دهند و بتدریج دید تونلی پیدا می کنند، اما زاویه دید کسانی که تحت این عمل قرار می گیرند حدود ۲۰ درجه خواهد بود که این زاویه دید نسبت به مراحل آخر نابینا شدن افرادی که دید تونلی پیدا کرده اند خیلی بزرگتر است.

بعد از گذراندن مراحل بازتوانی، فرد ظاهراً تا فاصله یک متری توانایی شمارش انگشت پیدا می کند ولی این افراد می توانند مستقل راه بروند در را تشخیص بدهند و از آن عبور کنند، از پله بالا و پایین بروند و... زیرا وقتی بینایی حتی تا حد کمی هم برمی گردد بخش های دیگر مغز نیز فعال می شوند و هماهنگی های لازم را با این بخش به دست می آورند پس نتایج بعد از توانبخشی از نتایج فیزیکی صرف بالاتر خواهد بود.

البته این سیستم به درد کسی می خورد که دوره ای بینایی داشته است.

یعنی قسمتی از مغز که مربوط به درک بینایی است قبلاً مدتی فعال بوده و بیماران لبر که بیماری مادرزادی بدو تولد است یا گلوکوم مادرزادی نمی توانند از این سیستم استفاده کنند. بعلاوه عصب بینایی فرد باید تا حدی فعال باشد. یعنی این سیستم برای مجروحان جنگی که هر دو عصب بینایی شان قطع شده است کارایی ندارد. به این معنا که حتی اگر سیستم روی شبکه وصل شود ارتباط آن با مغز قطع است. از طرف دیگر؛ هزینه این عمل بالاست و دیدی که به فرد می دهد محدود است. بر اساس تأییدیه fda، به عنوان نخستین گروه کار را روی بیماران rp آغاز کرده ایم که هر دو چشمشان نابینای مطلق است زیرا به فرض اگر یک چشم فردی نابینا باشد هر قدر هم تلاش کنیم تا دید او را افزایش دهیم چون این سیستم و چشم را با چشم دیگرش که همه فعالیت هایش را با آن انجام می دهد مقایسه می کند و چون ارزش تلاش ها را درک نمی کند، مسیر توانبخشی را درست نمی پیماید.

منظور از نابینای مطلق چیست؟

بینایی فرد باید در حد درک نور باشد. اما نشان داده شده عده ای از بیماران فاقد درک نور نیز به این سیستم جواب داده اند زیرا عصب بینایی این افراد با فلش bep تحریک شده و مشخص است که تا حدی فعالیت دارد و ایمپالس هایی را حتی جزئی درک می کند اما قادر به درک نور چراغ قوه های پزشکی نیست.

منظور از پاسخ دادن فرد نابینا به نور، حالاتی مانند حس درد یا بستن چشم یا رو برگرداندن است؟

بله این آزمایش با روشی علمی که به آن تحریک فلش می گویند انجام می شود. بیمار نیم ساعت در اتاق بسیار تاریکی می نشیند بعد با فلش دوربین خیلی قوی حدود ۲۰ بار به سمت چشم بیمار فلش می زنند، صدای فلش هم قطع است. اگر بیمار قادر به درک ۹ مورد از این تحریک ها باشد می گویند حداقل فعالیت عصب بینایی وجود دارد. ما برای رسیدن به این دو بیمار، حدود ۵۰ نفر را معاینه کردیم و به این نتیجه رسیدیم که تقریباً اینکه کسی فاقد درک نور مطلق باشد بسیار نادر است



یعنی خوشبختانه اکثریت کسانی که این مهر را خورده اند که نور را درک نمی کنند و نمی توان برایشان کاری انجام داد، به این دو بیمار هم گفته شده بود که برای شما نمی توان کاری کرد ما در مرحله اول

ص: ۱۲۵

سخت ترین موارد را انتخاب کردیم که اگر پاسخی که می گیریم محدود بود باز هم رضایت نسبی کسب شود. تست فلش بی ای پی این بیماران به میزان خیلی کمی مثبت بود اگر یک تار عصب هم زنده باشد می تواند امواج الکتریکی را به مغز برساند و این برای ما کفایت می کند.

هزینه ای که برای این عمل مورد نیاز است ۷۰۰ میلیون تومان عنوان شده است آیا با تجاری سازی امکان کاهش این هزینه وجود دارد؟

قیمت اولیه دستگاه ۱۵۰ هزار دلار است. ما چون دستگاه را باید از اروپا وارد کنیم کمی بالاتر یعنی حدود ۱۴۰ هزار یورو هزینه بر می دارد. ما برای این عمل هزینه جراح و هزینه های بیمارستان را در نظر نگرفته ایم. بینایی این افراد برای ما به قدری اهمیت دارد که این تلاش را می کنیم و از این پس هم برای آن وقت می گذاریم. شرکتی که این پروتز را می سازد در کار ساخت پروتز حلزون گوش هم فعالیت دارد. پروتز حلزون شنوایی ۱۰ سال پیش با قیمت ۶۰ هزار دلار وارد ایران شد اما امروز شرکت قیمت آن را به ۱۵ هزار دلار رسانده است. از طرفی دولت و وزارت بهداشت نیز برای آن یارانه پرداخت می کنند و به این ترتیب ۹۰ درصد هزینه را دولت پرداخت می کند. به هر حال اگر قرار باشد یک کودک ناشنوا وارد جامعه شود هزینه های توانبخشی و درمانی بالاتری بر دولت و خانواده تحمیل خواهد شد. الان با پرداخت ۶ میلیون تومان، بیمار تحت عمل کاشت حلزونی قرار می گیرد و تا حد قابل قبولی شنوایی خود را به دست می آورد. من افق آینده را بسیار روشن می بینم. امیدوارم هم هزینه های عمل پایین تر بیاید هم دولت و خیرین وارد عمل شوند.

در مورد حلزون شنوایی، بخش بیرونی سیستم توسط یک شرکت داخلی تولید شده است؛ کاری که می تواند در مورد این سیستم نیز انجام شود؟

بله ما هم کارهایی را شروع کرده ایم اما در مورد حلزون شنوایی؛ تا امروز بیشتر موفقیت ها متوجه ساخت قسمت خارجی بوده است البته این بخش هم بسیار گران قیمت است. کار در مورد ساخت سیستم های مورد نیاز در شبکه مصنوعی چشم هنوز شروع نشده و خیلی تازه است اما من امید دارم با هوش و پشتکار ایرانی این کار در داخل کشور هم انجام شود.

پیشنهاد شما به نایبانی که قصد دارند برای انجام این عمل اقدام کنند چیست؟

اولاً فعلاً بیماران **rp** با سابقه بینایی برای این عمل انتخاب می شوند که در این مورد هرچه مدت نایبایی طولانی تر باشد کار سخت تر خواهد بود و بیمارانی که ۱۰ سال از نایبایی شان می گذرد وضعیت بهتری نسبت به بیمارانی که مثلاً ۳۰ سال است نایبنا هستند، دارند. پس کسانی که **rp** دارند، نایبانی مطلق دو طرفه هستند و سن زیر ۵۰ سال دارند که می توانند مراجعه کنند. ما همه این موارد را ثبت می کنیم، برایشان پرونده تشکیل می دهیم و آزمایشات مورد نیاز را انجام می دهیم. به معنایی کسانی اولویت دارند که بتوانند این هزینه را متقبل شوند، بقیه پرونده ها می ماند تا ریزنی ها با دولت و خیرین به نتیجه برسد. البته دو نفر اول که در شیراز عمل شدند هزینه ای پرداخت نکرده اند. البته این را هم بگویم که کار ما به هیچ وجه تحقیقاتی و آزمایشی نبوده و کار کلینیکال ثابت شده مورد تأیید **fda** بوده است.

آیا کار تحقیق نیز در شیراز انجام می شود؟

ص: ۱۲۶

ما در قراردادی که با این شرکت بسته ایم یکی از شروط این بوده است که ایران و مرکز ما نیز وارد شبکه تحقیقاتی شود. در چند ماه گذشته هم ایده های خوبی از گروه ما به شرکت رسید که مورد استقبال قرار گرفت. در حال حاضر این شرکت روی پروتز دیگری هم کار می کند که به آن orian می گویند و برای بیمارانی استفاده می شود که عصب بینایی هم کاملاً از بین رفته است و دستگاه مستقیماً روی مغز نصب می شود. در این سیستم تصاویر توسط دوربین گرفته شده و بعد از پردازش، به لب پس سری مغز متصل می شود که قسمتی که مسئول بینایی است در این بخش سر قرار دارد. نتایج اولیه این تحقیق هم خوب بوده و به fda ارائه شده است و امید می رود تا شش ماه آینده به مرحله کلینیکال برسد.

دو بیماری

که در شیراز عمل شدند در حال حاضر چگونه می بینند؟

این دو خانم به صورت کامل حرکت دست را درک می کنند و خیلی مبهم الگوهایی را متوجه می شوند، مانند اینکه کسی جلویم نشسته یا احساس کردم بلند شد. البته در نظر داشته باشید که این حد توانایی برای بیماری که نور را هم احساس نمی کرده بسیار خوب است و در آینده بهتر هم خواهد شد.

نیم نگاه

به علت هزینه های خیلی بالا، ریسک عمل و اینکه هنوز این موضوع که در صورت عمل دو چشم چه تداخلاتی در مغز به وجود می آید را نیازموده ایم، تنها مورد آزمایش شده که هر دو چشم تحت عمل قرار گرفته بیماری است که در یک چشم آرگوس ۱ و در چشم دیگر آرگوس ۲ کار گذاشته شد که در آن صورت هم تصویر آرگوس ۲ که قوی تر است بر تصویر آرگوس ۱ غلبه می کند

بیماران حداقل هفته ای یک بار در طول یک دوره چهار ماهه نیاز به آموزش و توانبخشی خواهند داشت. به دیدی که از این دستگاه به دست می آید، دید مصنوعی گفته می شود.

**«فراز و فرودهای ورزش زنان نابینا: روزنامه «ایران» در گفت و گو با نایب رئیس فدراسیون ورزشی نابینایان و کم بینایان بررسی می کند»**، محدثه جعفری، ۵ اسفند ۱۳۹۵.

سمیه شاعری: به صورت فرهنگی در جامعه ما محدودیت هایی در بخش ورزشی برای بانوان وجود دارد، این محدودیت ها برای بانوان نابینا چند صد برابر بیشتر از بانوان با وضعیت جسمانی سالم است. حضور دختران معلول یا نابینا در عرصه های ورزشی یا دیگر بخش های جامعه قطعاً با مشکلات مختلف مالی یا تردد در سطح شهر همراه است. حضور دختران نابینا در میادین ورزشی به مراتب سخت تر از پسران نابینا است.

ما بانوان مستعدی در ورزش داریم که با کمترین امکانات و سخت ترین شرایط تمرین می کنند و این من هستم که باید مسیر را برای این ورزشکاران هموار سازم تا بتوانند استعداد درونی خود را در عرصه های بین المللی به نمایش بگذارند.



خوشبختانه در این سال ها نگاه خانواده ها به استعداد دختران ناینیایان بیشتر شده است. برای یک دختر ناینیا و کم بینا تمام زندگی با ورزش کردن و فعالیت اجتماعی معنای بهتری پیدا می کند و چه بسا با فعالیت های ورزشی روحیه و جسمشان هم شاداب خواهد شد.

صدای خنده و شادیشان سالن را برداشته انگار در دنیایی دیگر قرار گرفته اند مربی دست هایش را

به هم می کوبد و از آنها می خواهد صدای توپ را دنبال کنند. در یک لحظه سالن را سکوت فرا می گیرد صدای توپ را که می شنوند به سویی می روند و آن را به سمت دروازه حریف می غلتانند. گوش هایشان را تیز می کنند تا صدای زنگوله توپ سنگین گلبال را که از خط دروازه حریف عبور می کند بشنوند تا شادی بعد از گل را سر دهند. ورزش بانوان ناینیا طی ۳۰ سال که از تأسیس انجمن ورزش های بانوان جانباز و معلول و ناینیا می گذرد فراز و نشیب های بسیاری را پشت سر نهاده است و هرچه پیش می رود عناوین و مقام های بسیاری را در کارنامه اش ثبت می کند. برای آگاهی از وضعیت ورزش بانوان دارای مشکل بینایی با نایب رئیس فدراسیون ورزشی ناینیایان و کم بینایان به گفت و گو پرداختیم که در ذیل می خوانید.

مسابقات لیگ باشگاه های گلبال در راه است

سمیه شاعری، نایب رئیس بانوان فدراسیون ورزشی ناینیایان و کم بینایان در خصوص وضعیت فعلی ورزش بانوان در این فدراسیون می گوید: «گلبال، دو میدانی، شطرنج و شنا چهار رشته فعال در فدراسیون ناینیایان و کم بینایان هستند که بانوان دارای مشکل بینایی می توانند در این رشته ها فعالیت کنند. از این چهار رشته فقط ورزش شنای بانوان است که مسابقات برون مرزی ندارد.

در حال حاضر نمی توان در خصوص رنگینگ گلبال بانوان صحبت کرد، چرا که چندین سال است که بحث مسابقات برون مرزی را نداشتیم. مقام دوم آسیا در اینچئون ماحصل آخرین اعزام بانوان ورزشکار ناینیای گلبالیست به مسابقات برون مرزی بود. بعد از مسابقات کره جنوبی چندین اعزام ورزشکاران ما به دلیل حضور ورزشکاران تیم رژیم اسرائیل لغو شد.

وی با اشاره به عدم کسب سهمیه در مسابقات پارالمپیک ریو بیان می کند: ورزشکاران گلبالیست ما به خاطر حضور ورزشکاران رژیم صهیونیستی هم مسابقات ریو و هم مسابقات جهانی فنلاند را از دست دادند.

شاعری در پاسخ به نحوه برگزاری مسابقات کشوری گلبال بزرگسالان می گوید: از سال ۹۲ مسابقات کشوری بزرگسالان گلبال بدون وقفه برگزار شد و در سال جاری توانستیم برای نخستین بار مسابقات گلبال بانوان پیشکسوت را هم برگزار کنیم. امسال جشنواره را برای دختران زیر ۱۷ سال در رشته «گلبال، شطرنج، شنا، دوو میدانی و آمادگی جسمانی» برگزار کردیم که این امر کمک شایانی در بحث شناسایی و استعدادیابی ورزشکاران در فدراسیون بود. در حال حاضر ما ورزشکاران زن ناینیا و کم بینا را برای هفتمین دوره مسابقات لیگ باشگاه های گلبال آماده کردیم. این مسابقات ۲۷ تا ۳۰ بهمن ماه سال جاری به میزبانی تهران برگزار شد.

نایب رئیس بانوان فدراسیون ورزشی ناینیایان و کم بینایان با اشاره به برنامه ها و مسابقات پیش روی ورزشکاران گلبالیست

می گوید: مسابقات جهانی جوانان گلبال و مسابقات آسیایی جوانان این رشته دو تورنمنت حیاتی و بزرگ در سال ۹۶ برای بانوان نابینا خواهد بود که مسابقات جهانی در

ص: ۱۲۸

کشور نروژ و مسابقات آسیایی در امارات برگزار خواهد شد. همچنین بعد از این رقابت ها، مسابقات پاراآسیایی ۲۰۱۸ که در جاکارتای اندونزی برگزار می شود برای فدراسیون نابینایان و کم بینایان از اهمیت بسیاری برخوردار است.

در نظر داریم تا ۱۰ روز آینده تیم ملی گلبال جوانان و کادر فنی آن را مشخص کرده و برای اعزام های برون مرزی آماده کنیم. امیدوار هستیم در بخش مسابقات آسیایی ورزشکاران زن نابینا و کم بینا اعزام شوند و مدال آور باشند اما در بحث مسابقات جهانی هنوز نمی توانیم به صعود ورزشکارانمان امیدوار باشیم، چرا که در این سال ها مسابقات اعزامی خود را به خاطر حضور تیم گلبال رژیم صهیونیستی از دست دادیم و در مسابقات پیش رو هم باید ببینیم این تیم اعزام می شود یا نه.

شاعری در پاسخ به اینکه چه تعداد ورزشکار گلبال در کشور داریم، عنوان می کند: تقریباً ۱۸۰ نفر در بخش بزرگسالان به صورت بیمه شده و ۱۴۰ الی ۱۵۰ نفر هم در سال جاری در بخش جوانان رشته گلبال شرکت کردند؛ از تعداد ذکر شده تعدادی هم هستند که بیمه نشده اند و به صورت تفریحی در این رشته حضور دارند.

حقوق های این ورزشکاران به دو صورت پرداخت می شود، بخشی از حقوق برای ورزشکارانی است که به مسابقات پارالمپیک و آسیایی اعزام می شوند، ورزشکاران بعد از کسب سهمیه از فدراسیون حقوق دریافت می کنند. اگر ورزشکاران به طور مستقیم از طریق فدراسیون به اردوها دعوت شوند هم مشمول دریافت حقوق خواهند شد اما ورزشکارانی که به صورت مستقیم در استان های خودشان تمرین می کنند و بحث اردو هم در کار نباشد مشمول دریافت حقوق نمی شوند.

در چند سال گذشته میزان حقوق دریافتی ورزشکاران زن تغییری نکرده بود که در سال ۹۵ با تعریف الگوهای خاص و شرایط جامعه پایه حقوقی از سوی کارشناسان به فدراسیون نابینایان و کم بینایان پیشنهاد شد که مسئولان با این تغییر حقوق موافقت کردند.

از آنجایی که گلبال رشته اول و تخصصی این فدراسیون است و قطعاً بانوان بیشتری جذب این رشته می شوند به همین منظور باید امکانات و شرایط بهتری هم برای آنها فراهم شود. در جلسات مختلفی که با مسئولان فدراسیون داشتیم بارها به این نکته اشاره کرده ام که باید نگاه تان به بخش ورزش گلبال بانوان متفاوت تر باشد، چرا که بانوان ورزشکار ما با توجه به اردوهای محدودی که دارند نتایج بسیار خوبی کسب کرده اند.

آنچه که به عنوان مشکل در خصوص ورزش گلبال بانوان می توان ذکر کرد، اعزام نشدن ورزشکاران به مسابقات برون مرزی است، چرا که برای افزایش انگیزه و روحیه بانوان ورزشکار، برگزاری مسابقات با تیم های برون مرزی بسیار حائز اهمیت است. این دختران در شهرستان ها با کمترین امکانات تمرین کردند و با یکی دو اردوی دسته جمعی توانستند به مقام دوم آسیا دست یابند.

اما چیزی که در ورزش بانوان نابینا و کم بینا ایجاد نگرانی می کند و ما در آن دچار ضعف هستیم، بحث مربیگری است چرا که ظرفیت ما در این بخش بسیار پایین است.

نایب رئیس بانوان فدراسیون ورزشی نابینایان و کم بینایان با اشاره به مشکلات بعدی ورزش بانوان نابینا عنوان می



کند: «واگذاری سالن به بانوان ورزشکار بیشتر در ساعات مرده است و ساعت های مناسب برای تمرین ورزش به آقایان اختصاص پیدا می کند.»

ص: ۱۲۹

## برگزاری مسابقات دوومیدانی جوانان جهان در سوئد

شاعری در خصوص رشته های دیگر این فدراسیون نابینایان و کم بینایان می افزاید: «دوومیدانی رشته ورزشی بعدی در این فدراسیون است که مسابقات باشگاهی آن ۲۷ تا ۲۸ بهمن ماه سال جاری برگزار شد. از سال ۹۴ هم مسابقات صحرانوردی در بخش بانوان به این بخش افزوده شد.»

وی ادامه می دهد: سال آینده مسابقات دوومیدانی جوانان جهان و مسابقات آسیایی را پیش رو داریم که مسابقات جهانی در کشور سوئد و آسیایی در امارات آبان ماه ۹۶ برگزار می شود. ورزشکاران این رشته برای حضور در این رقابت های بین المللی باید در مسابقات انتخابی که در اردیبهشت ماه برگزار می شود شرکت کنند تا بتوانیم بهترین و آماده ترین ورزشکاران را برای مسابقات اعزام کنیم.

بعد از این رقابت های سرنوشت ساز مسابقات جهانی بزرگسالان را که در شهر لندن برگزار می شود پیش رو داریم. شاید گفتن این جمله از زبان من درست نباشد اما در این بخش شانس آوردن مقام و مدال بسیار اندک است. بانوان ورزشکار ما به خاطر حضور نیافتن در مسابقات برون مرزی آمادگی و انگیزه رقابت را از دست داده اند. اما باز هم ما امیدوار هستیم با پشتکاری که بانوان در عرصه ورزش از خود نشان دادند بتوانند مدال های خوشرنگی برای کشور کسب کنند. این نکته بسیار حائز اهمیت است که اعزام ورزشکاران زن در این دوره از رقابت ها مستلزم نبود ورزشکاران اسرائیلی خواهد بود.

### امارات میزبان مسابقات شطرنج جوانان آسیایی

نایب رئیس بانوان فدراسیون ورزشی نابینایان و کم بینایان در ادامه صحبت هایش به مسابقات شطرنج اشاره می کند و می گوید: «شطرنج جزو ورزش هایی است که بانوان ما بسیار در آن خوش درخشیدند، تلاش ما انجام مسابقات کشوری و یافتن استعداد های جدید در این رشته ورزشی است.»

مثل گلبال و دوومیدانی، مسابقات شطرنج را هم برگزار کردیم و نفرات اول تا پنجم تیم ملی شطرنج فدراسیون نابینایان و کم بینایان را تشکیل دادند. برای نخستین بار مسابقات شطرنج جوانان آسیایی در کشور امارات برگزار می شود اما میزبان مسابقات جهانی این رشته ورزشی هنوز مشخص نشده است.»

### مسابقات شنای بانوان میان کشورهای مسلمان

شاعری در خصوص ورزش شنای بانوان در فدراسیون می گوید: «ورزش شنای بانوان با مشکل بینایی بعد از یک وقفه پنج ساله در سال ۹۳ با دوره های داوری مسابقات نابینایان و کم بینایان کار خود را از سر گرفت. داوران با حضور در کارگاره ها و گذراندن دوره، موفق به دریافت گواهی داوری برای شنای بانوان شدند. در آبان ماه سال ۹۵ این مسابقات شنای جوانان و بزرگسالان کشوری را برگزار کردیم. مسابقات شنا با توجه به شرایط دینی و مذهبی کشور ما مسابقات برون مرزی ندارد. وقتی اعزام برون مرزی در یک رشته ورزشی نباشد استقبال از رشته میان افراد کمتر خواهد بود. وی می افزاید: به دلیل استقبال و علاقه مندی ورزشکاران شنا، صحبت هایی صورت گرفته تا مسابقات برون مرزی میان کشور های اسلامی و به

میزبانی ایران برگزار شود اما در حال حاضر این موضوع در دست کارشناسی است.»

افزودن ورزش جودو به رشته های بانوان

ص: ۱۳۰

سمیه شاعری، نایب رئیس بانوان فدراسیون ورزشی ناینیایان و کم بینایان در خصوص افزودن رشته های جدید به فدراسیون ناینیایان برای بانوان می گوید: «با توجه به تماس های مکرر بانوان ناینیایان برای افزودن ورزش جودو به این فدراسیون سال گذشته چندین بار از استان های مختلف استعلام کردیم تا تعداد ورزشکاران جودویشان را به فدراسیون اعلام کنند. همزمان با مسابقات بهمن ماه گلبال، ۶ نفر از ورزشکاران جودو در استان های مختلف برای این رشته اعلام آمادگی کردند و طی صحبت های صورت گرفته با رئیس فدراسیون ناینیایان و کم بینایان قرار است با دعوت از این شش ورزشکار سطح و توانمندی آنها را مورد بررسی قرار دهیم و حتی اگر یک نفر هم آمادگی حضور در مسابقات را داشت شرایط لازم برای حضور در مسابقات برون مرزی را برایش فراهم کنیم.»

استقبال از ورزش میان بانوان ناینیایان (کم یا زیاد)

شاعری در ادامه صحبت هایش با اشاره به استقبال کم رنگ برخی استان ها از ورزش بانوان ناینیایان و کم بینا می افزاید: «بوشهر، لرستان، قم، ایلام و البرز در بخش ورزش بانوان ناینیایان و کم بینا بسیار ضعیف عمل کردند. از استان قم فقط شطرنج را داشتیم که نشان از مشارکت کم دختران ناینیایان در این استان است. اما استان هایی همچون سمنان، اصفهان، فارس، گلستان، مازندران، آذربایجان، تهران و... در اکثر بخش ها و رشته های ورزشی بانوان فعالیت بسیار دارند.»

به صورت فرهنگی در جامعه ما محدودیت هایی در بخش ورزشی برای بانوان وجود دارد این محدودیت ها برای بانوان ناینیایان چند صد برابر بیشتر از بانوان با وضعیت جسمانی سالم است. حضور دختران معلول یا ناینیایان در عرصه های ورزشی یا دیگر بخش های جامعه قطعاً با مشکلات مختلف مالی یا تردد در سطح شهر همراه است. حضور دختران ناینیایان در میادین ورزشی به مراتب سخت تر از پسران ناینیایان است.

وی با اشاره به نگاه های حرفه ای به ورزش بانوان ناینیایان می افزاید: حضور بانوان در بخش ورزشی با توجه به مشکلاتی که ذکر کردم همواره با مشکلات فراوانی روبه روست با این شرایط بانوان ناینیایان ما در میادین ورزشی حضور پیدا می کنند و ما هم از آنها نتیجه حرفه ای در مسابقات را انتظار داریم اما این نکته حائز اهمیت است که آیا ما به عنوان مسئولان ورزشی این قشر به آنها امکانات ویژه و تسهیلات خاص هم ارائه کرده ایم؟ آیا ما توان این را داریم به آنها متفاوت نگاه کنیم یا متفاوت خدمت دهیم؟ پس نباید سطح توقع ما از این افراد بالا باشد.

ما بانوان مستعدی در ورزش داریم که با کمترین امکانات و سخت ترین شرایط تمرین می کنند و این من هستیم که باید مسیر را برای این ورزشکاران هموار سازم تا بتوانند استعداد درونی خود را در عرصه های بین المللی به نمایش بگذارند.

خوشبختانه در این سال ها نگاه خانواده ها به استعداد دختران ناینیایان بیشتر شده است. برای یک دختر ناینیایان و کم بینا تمام زندگی با ورزش کردن و فعالیت اجتماعی معنای بهتری پیدا می کند و چه بسا با فعالیت های ورزشی روحیه و جسمشان هم شاداب خواهد شد.

وی در پایان صحبت هایش با اشاره به افزایش روحیه دختران ناینیایان در رشته های ورزشی می گوید: اگر من مسئول بتوانم ۵

دختر معلول و نابینا را از خانه ها بیرون بکشم و به فعالیت های اجتماعی و ورزش دعوت کنم قدم بزرگی برداشتم، چرا که  
وقتی دختران نابینا در بخش

ص: ۱۳۱

مسابقات برون مرزی به مقام دست پیدا می کنند و جوایز متعددی دریافت می کنند هم از نظر روحی و هم از نظر مالی تأمین می شوند.»

با اینکه محدودیت های جسمیشان سدی برای این ورزشکاران نیست و با تلاش خستگی ناپذیر استعدادهای خود را تقویت کرده و در عرصه های ملی و بین المللی خود را اثبات کرده اند اما این استعدادهای اگر حمایت نشود سرد شده و خاموش می شوند.

### «قانونی درخشان برای تحول در وضعیت معلولان: معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی در گفت و گو با توانش ابعاد لایحه حمایت از حقوق معلولان را تشریح کرد»، محدثه جعفری، ۱۴ دی ۱۳۹۶.

این روزها دو درصد از جمعیت کشور چشم امیدشان به سوی ۱۲ عضو شورایی است که با چراغ سبزشان به «لایحه حمایت از حقوق معلولان» قدم بزرگی برای گره گشایی از مشکلات متعدد معلولان و روشن کردن چراغ های امید زندگیشان برخواهند داشت اکنون تنها خواسته معلولان جواب مثبت این شورا است تا هرچه زودتر تکلیف قانونی برای حل مشکلاتشان داشته باشند. احتمالاً در رسانه های مکتوب و تصویری در خصوص قانون حمایت از حقوق معلولان شنیده اید اما از کنار آن به راحتی گذشته و می گویند: «این که برای ما نیست». شاید در حال حاضر به آن نیاز نداشته باشیم اما با گذشت زمان به فراخور حالمان شاید به نوعی با آن درگیر شدیم. این قانون می تواند رفاه حال یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از هموطنان مان را ایجاد کند که بسیاری از آنها روزگارشان را با ماهی ۵۳ هزار تومان کمک هزینه که از سوی سازمان بهزیستی دریافت می کنند، می گذرانند. اگر از نزدیک نگاهی به زندگی افراد دارای معلولیت بیندازید متوجه خواهید شد با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می کنند و به قول معروف صورتشان را با سیلی سرخ ننگه می دارند. از مشکلات تحصیل شان گرفته تا یافتن شغل مناسب و تشکیل خانواده، امری که اکنون برای بسیاری از جوانان ما معضل محسوب می شود. حال اگر فرد دچار معلولیت هم باشد این سختی برایش چندین برابر است. سال ۱۳۸۳ طرحی از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطرح شد که با تصویب، تبدیل به قانونی به نام «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» گردید. وجود قانون ویژه برای معلولان قدمی بزرگ بود که در آن زمان از سوی نمایندگان خانه ملت برداشته شد. اما در بسیاری از مواد و بندهای آن به دلایل مختلف ابهام هایی وجود داشت که نهادها از اجرای آن سر باز می زدند. این امر سبب شد لایحه جدیدی نوشته شود تا نواقص قانون را برطرف سازد اما به دلایلی چند سالی در گیر و دار تصویب قفل شد تا اینکه در این روزها مجلس دهم آن را تصویب و برای تأیید نهایی به شورای نگهبان ارسال کرده است. برای اطلاع دقیق تر از لایحه جدید و تأثیرات آن بر زندگی افراد دارای معلولیت با حسین نحوی نژاد، معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کل کشور به گفت و گو پرداختیم.

قانون یعنی الزام اجرایی

حسین نحوی نژاد با اشاره به سه اصل در زندگی معلولان که باید مدنظر قرارداد شوند، می گوید: «نخستین اصل فرهنگ عمومی جامعه است، فرهنگ عمومی جامعه چیزی نیست که با بخشنامه، قانون، الزامات فیزیکی و مجازات ایجاد شود بلکه ریشه در باور، اعتقادات و نوع دوستی مردم دارد که به مرور زمان باید تغییر کند اما این تغییر نیاز به فرهنگ سازی مناسب دارد.

نکته دوم وجود قوانین و مقررات است، این باور غلط است که بگوییم چون مردم به معلولان احترام می گذارند و کارهای آنها را انجام می دهند نیازی به قانون نداریم بلکه باید قوانین و مقرراتی داشته باشیم که در آن امتیازها و الزامات را هم برای معلولان هم برای مسئولان ایجاد کند. به عنوان مثال به افرادی از جامعه که از لحاظ جسمی یا ذهنی مشکلاتی دارند امتیازهایی دهیم تا بتوانند همپای دیگر مردم حرکت و رشد کنند و زندگی مناسبی را بسازند همچنین الزاماتی هم باید برای دستگاه ها و سازمان ها در نظر گرفته شود تا حق و حقوق این افراد در گرو داد اوضاع جامعه پایمال نشود.

رکن سوم که برای ارتقای زندگی معلولان اهمیت بسیاری دارد وجود افراد متخصص، فضاهای خاص، امکانات و بخش هایی است که باید تسهیلات در نظر گرفته شده را به افراد دارای معلولیت ارائه دهند.»

وی ادامه می دهد: «با نگاه به اوضاع کنونی جامعه درمی یابیم نسبت به ۴۰ یا ۵۰ سال گذشته دیدگاه ها نسبت به خانواده و فرد دارای معلولیت تغییر بسیاری کرده است. خانواده و رسانه ها در بحث معلولیت آگاه تر و هوشیارتر شدند. در گذشته دیدگاه مردم نسبت به معلولان ناشی از گناه والدین، مسائل شیطانی یا غضب خداوند بود اما اکنون کسی این نگاه را ندارد و معلولان به عنوان یک تنوع بشری شناخته می شوند.»

معاون توانبخشی سازمان بهزیستی با اشاره به قانون جامع حمایت از حقوق معلولان بیان می کند: «در سال ۱۳۸۳ فقط ۳۰ الی ۴۰ کشور بودند که قانونی برای معلولان داشتند که با تصویب مجلس شورای اسلامی ایران هم قانون جامع حمایت از حقوق معلولان به این کشورها افزوده شد. اما ماهیت این قانون طرحی بود با ۱۶ ماده که از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در آن زمان به صحن مجلس کشیده شد.

در این قانون بخش های مختلفی از جمله تعریف معلولیت، مرجع تشخیص معلولیت، بحث هایی مانند مناسب سازی، دریافت مستمری، قانون استخدام معلولان، مشاغل خاص برای این افراد، بلیت نیم بها و... گنجانده شده بود.

با نگاه کلی به این قانون نمی توان گفت بی فایده بوده است بلکه سبب شد در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور گفتمانی که معلولیت به ناتوانی برمی گردد گسترش یابد.

با ایجاد این دیدگاه دستگاه ها به نوعی درگیر شدند و شوراهای خاصی براساس آیین نامه ها تشکیل دادند همانند کمیسیون مناسب سازی کشور که ریاست آن برعهده وزیر کشور است. به طور کلی این فرهنگ ایجاد شد که باید معابر مناسب سازی شود البته هنوز به ایده آل ها نرسیدیم اما اگر بگوییم هیچ اتفاقی هم نیفتاده است بی انصافی است. اما در بسیاری از موارد با وجود این قانون حقوق معلولان نادیده گرفته می شد چرا که الزامات قانونی مناسبی برایش در نظر نگرفته اند و منابع مالی آن

به صورت شفاف مشخص نشده بود.»

ص: ۱۳۳



وی در خصوص پیوستن ایران به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در سازمان ملل بیان می کند: «در دسامبر سال ۲۰۰۶ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل کنوانسیونی را تصویب می کند تحت عنوان «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» این نخستین کنوانسیون حقوق بشری است که به طور خاص به مسأله معلولان می پردازد و با ۵۰ ماده تمام وجوه زندگی معلولان را در بر می گیرد. ایران نیز در سال ۱۳۸۷ با تصویب مجلس به این معاهده بین المللی ملحق شد و در سال ۸۸ هم به صورت رسمی از طرف دولت این معاهده امضا شد. با روی کار آمدن این معاهده یکسری تعهدات بین المللی برای ما شکل گرفت که در قانون حمایت از حقوق معلولان دیده نشده بود.

این امر سبب شد کارگروهی در سازمان بهزیستی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تشکیل شود و با کمک NGOهای مرتبط با معلولان و خود افراد دارای معلولیت لایحه ای بسیار جامع و کارشناسانه نوشته شود تا هم مواد کنوانسیون را دربر بگیرد و هم ایرادات قانون جامع را تصحیح کند همچنین ضمانت اجرایی محکمی را برای آن در نظر گرفته ایم تا وجوه زندگی معلولان در همه جنبه های آن دیده شود.»

نحوی نژاد در پاسخ به این سؤال مبنی بر اینکه آیا در اصلاحیه قانون جامع حمایت از حقوق معلولان نظرات این گروه اعمال شده است، می گوید: «در این سال ها گروه های غیردولتی معلولان رشد مناسبی از لحاظ کیفی داشتند و همچنین معلولان تحصیلکرده آشنا به مسائل روز ارتباطات خوبی با سازمان برقرار کردند و در کارگروه های تشکیل شده از سوی وزارت رفاه و سازمان بهزیستی پای ثابت جلسات بودند و حضور مؤثری در تدوین این لایحه جدید داشتند.»

معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کل کشور با اشاره به بحث های بیان شده در این لایحه می افزاید: «بحث بهداشت و درمان، پیشگیری، آموزش، ایاب و ذهاب، اوقات فراغت و بسیاری از مسائلی که در این زمینه وجود دارد و به رفاه حال معلولان کمک می کند به طور جامع و کامل پرداخته شده است.

با مطرح شدن این لایحه در دولت نظر رئیس جمهوری بر آن بود که همه مواردی که در این لایحه نوشته شده است نیاز به مصوبه مجلس ندارد و اجرای برخی از آنها در حیطه اختیارات دولت است بنابراین لایحه در دو بخش ارائه شد. ۲۸ ماده آن در شهریور سال ۹۴ با امضای معاون اول رئیس جمهوری به صورت مصوبه هیأت دولت برای اجرا به دستگاه ابلاغ شد و بخش دوم آن به صورت لایحه به مجلس شورای اسلامی ارسال شد.»

با توجه به کارشناسانه بودن این لایحه و دیده شدن منابع مالی برای اجرای آن چرا شورای نگهبان در فروردین سال ۹۵ آن را رد کرد؟

وی در پاسخ به این سؤال می گوید: «در مجلس نهم کمیسیون مشترکی متشکل از کمیسیون بهداشت و درمان و اجتماعی وظیفه بررسی مواد این لایحه را بر عهده گرفتند. معلولان با رایزنی با نمایندگان خود در خانه ملت و اعمال نظرهای غیر کارشناسانه سبب شدند بندهایی به این لایحه افزوده شود که منابع مالی مشخصی برای آن وجود نداشت.

با توجه به طولانی شدن تصویب این لایحه در کمیسیون مشترک و عجله ای که در تصویب آن برای جامعه معلولان وجود داشت بدون ارائه به صحن علنی و با استفاده از ظرفیت قانونی اصل ۸۵ آن را به شورای نگهبان ارسال کردند.

شورای نگهبان دو وظیفه دارد اول آنکه بررسی کند قوانینی که تصویب می شوند با قانون اساسی و شرع مغایرت نداشته باشند و مسأله دوم آنکه بودجه و اعتبار قانون مذکور دیده شده باشد.

یکی از علت هایی که شورای نگهبان بر آن ایراد داشت آن است که ما قانونی به عنوان «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» را داریم و اصل ۸۵ برای مواردی است که در خصوص آن موضوع قانون وجود نداشته باشد.

نکته دوم در این ایرادات، مشخص نبودن منابع مالی برخی از بندهای لایحه بود که توسط نمایندگان و به اصرار معلولان در آن لایحه گنجانده شده بود که با اصل ۷۵ قانون اساسی مغایرت داشت.

نحوی نژاد ادامه می دهد: «این لایحه دوباره به مجلس برگشت داده شد و بازنگری های سازمان بهزیستی و کارشناسان روی مواد آن از سر گرفته شد.

در زمان بررسی مجدد این ایرادات عمر مجلس نهم به پایان رسید و تا روی کار آمدن مجلس دهم زمان زیادی صرف شد. بعد از تشکیل مجلس با اعضای جدید و کمیسیون مشترک ایرادات را اصلاح کردیم و برخی از بندهای کنوانسیون را که نیازی به منابع مالی نداشت به آن افزودیم.

در مرحله دوم اداره قوانین مجلس شورای اسلامی بود که این لایحه را با ایراد همراه می دانست که دوباره این کار گروه نقص های وارده را اصلاح کرد و در نهایت در ۳۰ آبان ۱۳۹۶ این لایحه در کمیسیون مشترک تصویب شد و در صحن علنی مجلس کلیات آن با رأی بالای نمایندگان تأیید شد.

به گفته نحوی نژاد نکات مهمی در این لایحه گنجانده شده است که می تواند زندگی معلولان را دچار تحولات بزرگی سازد. این مقام مسئول در ادامه صحبت هایش به برخی از آنها اشاره می کند و می افزاید: «یکی از موضوع های مهم در این لایحه اشتغال این افراد است. در حال حاضر برای اشتغال وام هایی به معلولان پرداخت می شود که یا به سختی دریافت می کنند یا غالباً ایجاد اشتغال نمی شد و فقط فرد را مقروض بانک ها می کند اما در این لایحه ما صندوق حمایت از فرصت های شغلی را دیده ایم تا در طرح های اشتغالزای سرمایه گذاری کند و معلولان از طریق آن مشغول کار شوند. دولت متعهد می شود حق بیمه سهم کارفرما را پرداخت کند تا کارفرمایان برای جذب افراد دارای معلولیت تشویق شوند. در این لایحه دولت متعهد می شود ۳۰ تا ۵۰ درصد از سهم حقوق و دستمزد معلولان را که به کار مشغول می شوند پرداخت کند همچنین بحث ۳ درصد استخدامی معلولان هم با تأکیدات بسیاری در لایحه قید شده است به صورتی که دیگر هیچ ارگانی نمی تواند از اجرای آن امتناع کند. موضوع مهم دیگر بحث مناسب سازی است و مجازات هایی هم برای ارگان ها و کسانی که می خواهند از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کنند در نظر گرفته شده است.

موضوع بعدی مشکلات بیمه ای و درمانی این افراد است. یکی از مشکلات ما این است که خدماتی مثل گفتار درمانی،

کاردرمانی و... در شمول بیمه قرار ندارند، ما نیز این امر را در بحث بیمه های توان پزشکی در لایحه جدید دیده ایم. بحث دیگری که در لایحه به آن اشاره شده است تأمین

ص: ۱۳۵

معیشت برای معلولان شدید و خیلی شدید فاقد شغل است. دولت متعهد می شود بسته به حداقل دستمزد قانون کار به این افراد تا زمان اشتغال حقوق پرداخت کند. در سال جاری مستمری های معلولان سه و نیم برابر شده است اما هنوز هم جوابگوی نیازهای معلولان نیست.

موضوع هایی همچون زمین رایگان برای ساخت مسکن برای افراد دارای معلولیت، انشعابات رایگان، معافیت حقوق معلولان از پرداخت مالیات و معافیت بخشی از حقوق والدین معلول از مالیات دیده شده است.

بحث بلیت های نیم بها برای معلولان که برخی شرکت های هواپیمایی آن را نادیده گرفته بودند در قانون، بودجه ای برای آن دیده شده است همچنین آموزش عالی رایگان در تمام مقاطع و در تمام مؤسسات آموزش عالی از دیگر موضوع های مهم برای رفاه حال معلولان است.

یکی از مواردی که در این لایحه برای بهتر اجرا شدن آن مطرح شده بحث کمیته ناظر است که ریاست آن برعهده معاون اول رئیس جمهوری خواهد بود؛ در این بند دستگاه ها باید گزارش عملکرد نسبت به اجرای قانون در سازمان های خود را به سمع و نظر کمیته ناظر برسانند و ریز مسائل و مشکلات از طریق این کمیته به رئیس جمهوری منتقل می شود تا اگر وضعی در آن بود برطرف شود.»

نحوی نژاد در پایان این گفت و گو با اشاره به نهادهایی که در تدوین لایحه نقش داشتند، می گوید: «وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان بهزیستی، گروه های غیردولتی معلولان، مرکز پژوهش های مجلس، کمیسیون مشترک خانه ملت و وزارتخانه کشور و راه و شهرسازی در این میان همکاری قابل توجهی را با سازمان بهزیستی داشتند. با تأیید هرچه زودتر شورای نگهبان می توان امیدوار بود که این لایحه مشمول بودجه سال ۹۷ کشور در صحن علنی مجلس بررسی شود در غیر این صورت باید یک سال تا اجرای کامل قانون و تعیین منابع مالی آن صبر کنیم.»

### **«قله ها چشم به راه من هستند: گفت و گوی «ایران» با «اندی هولترز»، کوهنورد نابینای اتریشی»، امیر سردمدی، ۹ دی ۱۳۹۵.**

وقتی در سه سالگی کنجکاوانه در دلمیت های آلپ بازی می کرد، فکرش را هم نمی کرد درست چهار ده ه بعد، در بلند ترین نقطه قطب جنوب بایستد، جایی که اعتقاد دارد تنها نقطه ای در کره زمین است که هیچ صدایی از آن به گوش نمی رسد.

«Andy Holzer» یک مرد ۵۰ ساله نابینای زاده اتریش است. نمی گویم اهل اتریش، چرا که او اهل جایی نیست. خوب که صفحات زندگی اش را ورق بزنی، می بینی که اهلیت دنیا را به نامش زده اند. سرگذشتش را که می شنویم، ناخود آگاه آن بیت خواجه را واگویی می کنیم که: «شدم ز دست تو شیدای کوه و دشت و هنوز، نمی کنی به ترحم نطق سلسله سست». از کودکی شیدای صخره و کوهستان بوده و درست در سنین پختگی که همه الک هایشان را می آویزند تا از اندوخته سال های جوانی بهره ببرند، عشق روز های جوانی وادارش می کند پیشه و خانه را رها کند و بزند به دل رفاقت و رقابت با سنگ های سرد کوهستان های سر به آسمان ساییده. از البروس در روسیه در مجاورت قطب



شمال گرفته تا فتح وینسون در قطب جنوب، از مک کینلی در آلاسکا گرفته تا فتح آکونکاگوا در آرژانتین و از کلیمانجارو در آفریقا تا کارستنز پیرامید در اقیانوسیه، همه و همه او را به نایبگی ای بی مثال در هستی بدل کرده است. همانند اندی، تنها یک نابینای دیگر روی کره خاک زندگی می کند که این گونه خطر را به جان می خرد و به اعتبار طنابی که به دور تن پیچیده، در ارتفاع چند صد و گاه چند هزار متری از سطح زمین، به اتکای پنجه های پولادینش به جنگ با صخره ها می رود. همین منحصر به فرد بودنش هم او را به سوژه ناب مستند سازان بدل کرده است. در روز های گذشته، به بهانه نمایش یکی از مستند هایی که از زندگی اش ساخته شده در موزه هنر های معاصر، به تهران آمده بود و در یک عصر سرد پاییزی، میهمان ما شد و به گپ و گفتی مفصل با او نشستیم. آنچه می خوانید، بخش هایی است از گفت و گوی دو ساعت و نیمه ما با این اسطوره نابینا.

چه عاملی باعث شد از میان ورزش های مرسوم می که برای نابینایان در دنیا وجود دارد، به سراغ ورزشی بروید که کمتر نابینایی به آن می پردازد؟

من در منطقه دلمیت اتریش به دنیا آمده ام. در یک روستا با جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ نفر که اطرافش را کوه و جنگل احاطه کرده است. من هم مثل هر انسان دیگری نیازمند آن بوده ام که بتوانم محیط اطرافم را کشف کنم. برای انسان نابینایی که محیط اطرافش پر است از کوه های مرتفع، راهی بجز فتح آن کوه ها برای اکتشافشان باقی نمی ماند.

پس، اصلی ترین دلیل پرداختن شما به کوهنوردی، به دنیا آمدن در کشوری بوده که بیش از دو سوم خاکش را کوه ها و مراتع تشکیل داده است؟

شاید مهم ترین دلیل برای علاقه ام به کوهنوردی همین باشد. من هم مثل هر انسان دیگری دوست داشتم درباره محیط پیرامونم اطلاعاتی به دست آورم و از آنجا که نمی توانستم این اطلاعات را از طریق بینایی کسب کنم، مجبور بودم از حواس دیگری مثل بویایی یا شنوایی برای این منظور کمک بگیرم.

غیر از شما، شاید تنها یک نابینای دیگر روی کره زمین وجود داشته باشد که کوهنوردی را به صورت حرفه ای دنبال می کند. مطمئناً در این مسیر با چالش های زیادی مواجه بوده اید. از این چالش ها برای ما بگویید و توضیح دهید که آیا این مشکلات در شروع کار موجب دلسردی شما نشدند؟

نخستین جرقه های علاقه من به کوهنوردی در سه سالگی زده شد. با پدر و مادرم به کوهپیمایی می رفتم و بسختی تلاش می کردم تا به آنها بفهمانم چطور می توانند یک کودک سه ساله نابینا را در کوهستان راهنمایی کنند. کم کم متوجه شدند که من در سطوح صخره ای خیلی راحت تر از زمین های شیب دار حرکت می کنم. چرا که در میان صخره ها، می توانستم همزمان از دست ها و پا هایم برای مسیر یابی بهره بگیرم. در حالی که در سراسیمی ها مجبور بودم فقط روی دو پا حرکت کنم. ۲۰ ساله که شدم، کوهنوردی را به شکل حرفه ای تری پی گرفتم و در این مقطع، یکی از پیچیده ترین مشکلاتی که با آن مواجه بودم، پیدا کردن هم نوردی بود که به یک صخره نورد نابینا اعتماد کند و با او هم طناب شوم. برای فائق آمدن بر این مشکل، روشی را برای خودم ابداع کردم که نامش را «آموزش معکوس» گذاشتم. بر اساس این روش، به جای آنکه فرد

بینا راهنمای من در مسیرها باشد، این من

ص: ۱۳۷

بودم که به او آموزش می دادم که چطور باید یک فرد نابینا را در کوهستان راهنمایی کند. من فکر می کنم یکی از نقاط ضعف بسیاری از نابینایان، ضعف اعتماد به نفس است. آنها فکر می کنند همیشه باید مورد کمک و راهنمایی قرار گیرند. این در حالی است که نابینایان خود می توانند شیوه مواجهه دیگران با خودشان را رقم بزنند.

آیا شما هم به رسم مألوف کوهنوردی حرفه ای را با فتح بلند ترین قله کشور خودتان آغاز کردید؟

پاسخ این سؤال شاید نا امیدتان کند. من اعتقادی به فتح قله های مرتفع ندارم. توضیح درست تر شاید این باشد که کلاً من علاقه ای ندارم کاری را انجام دهم که دیگران از من انتظار دارند. من فقط دست به انجام کار هایی می زنم که به آنها علاقه دارم. در مورد کوهنوردی هم همین طور بود. برخلاف سلیقه عمومی که همه به دنبال صعود به قله های مرتفع و اسم و رسم دار هستند، من سعی کردم به سراغ قله هایی بروم که صعود به آنها، نیازمند کار فنی بیشتر باشد. به جای صعود به قله مرتفع، به سراغ دیواره هایی رفتم که صعود به آنها بسیار دشوار تر از صعود به قله نام آشنا و مرتفع بود. من اعتقاد دارم وقتی به دنبال علائق خودم می روم، زود تر به اهدافم می رسم تا زمانی که آن طور که جامعه از من انتظار دارد رفتار کنم. جامعه قطعاً از من در جایگاه یک کوهنورد نابینا انتظار دارد حد اقل مرتفع ترین قله کشور خودم را فتح کنم اما من ترجیح دادم کاری را انجام دهم که به آن علاقه دارم.

نخستین موفقیت خودتان در عرصه حرفه ای را کدام صعود می دانید و از آن موفقیت چه حسی به شما دست داد؟

با آنکه شاید جزو معدود انسان هایی باشم که مرتفع ترین قله دنیا را لمس کرده، هنوز هم معتقدم بزرگ ترین موفقیتیم زمانی رقم خورد که توانستم در ۹ سالگی بر صخره ای در یکی از کوه های اطراف خانه کودکی هایم صعود کنم. تا آن زمان، هرچه که بود فقط کوهپیمایی به حساب می آمد اما آن اتفاق به من اثبات کرد که من هم می توانم از جنگ با صخره های سرد، موفق بیرون بیایم. این اتفاق مهم ترین رخداد زندگی من است چرا که آینده من با آن رقم خورد. البته میان نخستین صخره نوردی من در کودکی و نخستین صعود حرفه ای در زندگی، ۳۴ سال فاصله افتاد اما پس از آن من تصمیم گرفتم در حد بضاعتی مثل آدم های عادی زندگی کنم. به دنبال راهی برای امرار معاش رفتم و مدت ها در جایگاه یک فیزیوتراپ مشغول به کار شدم. این شد که بین نخستین صخره نوردی و نخستین صعود حرفه ای، ۳۴ سال فاصله افتاد. البته در طول این ۳۴ سال هم به دور از هیاهوی رسانه ای برای خودم کوهنوردی می کردم اما در ۴۳ سالگی بود که احساس کردم می توانم به دنبال عشق همیشگی ام بروم و شغلم را رها کردم و کوهنوردی را به طور حرفه ای آغاز کردم. از آنجا بود که زندگی تازه من آغاز شد و حالا هفت سال است که به شکل تخصصی کوهنوردی می کنم.

شما به عنوان یک فرد نابینا چطور توانستید تکنیک های تخصصی صخره نوردی را بیاموزید؟

پیش تر گفتم که پدر و مادر من کوهنورد نبودند اما مثل بسیاری از اطرافیانم عاشق کوهستان بودند. با آنها تجربیات فراوانی کسب کردم اما اصل آموزش من بعد از آشنایی با «هانس» رقم خورد. ۲۲ ساله بودم که با «هانس» آشنا شدم و در طول ۱۰ سالگی که با هم صخره نوردی می کردیم تکنیک های فراوانی را از او آموختم. البته تکنیک ها را از «هانس» فرا می گرفتم و با آزمون و خطا، با





شرایط نابینایی خودم مطابقت می دادم. این روند تا ۱۰ سال ادامه داشت و در طول این دهه، با هم‌نوردان مختلفی صخره نوردی کردم و بارها به عنوان سرگروه تیم، صعودهای مختلفی انجام دادم.

شما بعد از «اریک و یهنمایر امریکایی» که نخستین نابینایی است که موفق به فتح مرتفع‌ترین قله هفت قاره دنیا شده، تنها نابینایی هستید که توانسته اید غیر از اورست، شش قله دیگر را صعود کنید. نخستین این قله‌ها کدام است و آیا از آغاز تصمیم به فتح قله هفت گانه داشتید یا اینکه بعد از فتح قله اول این تصمیم را گرفتید؟

تازه کوهنوردی حرفه‌ای را شروع کرده بودم که یکی از کانال‌های تلویزیونی اتریش تصمیم گرفت فیلمی مستند درباره من بسازد. آن زمان فکر می‌کردم من تنها نابینایی در دنیا هستم که کوهنوردی می‌کند اما وقتی به محل فیلمبرداری رفتم فهمیدم که در سر تا سر کره خاکی، یک نابینای دیگر هم هست که مثل من به طور حرفه‌ای کوهنوردی می‌کند و آن فرد کسی نبود جز «اریک و یهنمایر». من این اتفاق را یک شانس بزرگ می‌دانم. چرا که باعث آشنایی من و اریک شد. همانجا بود که با اریک تصمیم گرفتیم خارج از اروپا کوهنوردی کنیم و از آن زمان برای نخستین صعود خارج از اروپا برنامه ریزی کردم و به همراه اریک آماده صعود به کلیمانجارو شدیم. این اتفاق، نقطه عطفی در زندگی من به حساب می‌آید. من رهسپار آفریقا و کوه کلیمانجارو شدم. جایی که هیچ وقت تا آن زمان تصورش را هم نمی‌کردم که روزی پایم به آنجا برسد. در کلیمانجارو بود که فهمیدم چیزی با عنوان «قلل هفت گانه» وجود دارد و لمس دنیای متفاوت آفریقا نیروی محرکم بود تا سایر قلل هفتگانه را هم فتح کنم و تا امروز که با شما گفت و گو می‌کنم، توانسته‌ام بر فراز شش تا از هفت گانه‌ها بایستم.

این صعود از جنبه دیگری هم اهمیت داشت و آن این بود که شما به همراه یک نابینای دیگر توانستید چنین قله رفیعی را فتح کنید. کمی از حال و هوا و خاطرات آن صعود بگویید.

اینکه من تا به حال توانسته‌ام به هفت قله مرتفع دنیا پا بگذارم و شش تای آن را نیز فتح کنم، از این نظر برایم اهمیت دارد که این فرصت را یافته‌ام که به قاره‌های دنیا سفر کنم. مزه هر قاره را بچشم، خاکش را لمس کنم، بوی خاص هر قاره را استشمام کنم و صداها را مخصوص هر محیط را بشنوم. با مردمانش ارتباط برقرار کنم و زبان هر منطقه را بشنوم. صدایی که من به عنوان یک نابینا در بلندترین نقطه قطب جنوب می‌شنوم، با صدایی که در «مک کینلی»، بلندترین قله امریکای شمالی به گوش می‌رسد کاملاً متفاوت است. بویی که در کلیمانجارو به مشام می‌رسد، به کلی با بویی که در فلان قله گینه نو حس می‌کنم فرق دارد. صعود به قلل مختلف از این جهت برای من جذابیت دارد. کلیمانجارو، با وجود قرار گرفتن در زمره هفتگانه‌ها و با وجود شناخته شده بودنش، از لحاظ تکنیکی کوه آسانی به حساب می‌آید. در صعود کلیمانجارو، علاوه بر من و اریک، سه نابینای دیگر از آفریقا، ژاپن و امریکا هم ما را همراهی می‌کردند اما هیچ‌کدامشان کوهنورد حرفه‌ای نبودند و کوهپیما به شمار می‌آمدند. اینکه ما پنج نابینا توانستیم به چنین قله مرتفعی صعود کنیم، برای من بسیار تجربه جالبی بود.

دومین قله‌ای که از میان قلل هفت گانه انتخاب کردید، کدام بود؟

پیش از صعود به کلیمانجارو، هیچ فکر نمی کردم بتوانم در این سطح و تا این میزان حرفه ای کوهنوردی کنم اما از تانزانیا که بر می گشتیم، این احساس به من دست داده بود که من هم از پس این کار بر می آیم. این شد که یک سال بعد، راهی صعود به «البروس»، بلند ترین قله اروپا در خاک روسیه شدم. البته این سفر با سفر های پیشین تفاوت داشت. این نخستین بار بود که من به عنوان سر گروه و برنامه ریز با یک تیم حرفه ای راهی سفر می شدم. در این سفر به من اثبات شد که این فقط من نیستم که از دوستان بینای خودم کمک می گیرم، من قدرت برنامه ریزی دارم. تکنیک های روابط عمومی را خوب می دانم و می توانم بودجه لازم برای صعود را فراهم کنم. همین موضوع باعث می شود که هموردانم هم متقابلاً به من در این سفر نیاز داشته باشند. این صعود به من یاد داد که با هم که باشیم، قدرتمند تر می شویم. «البروس» با وجود آنکه از نظر ارتفاع ۳۰۰ متر از کلیمانجارو کم دارد اما صعود بر فراز آن به مراتب از کلیمانجارو دشوار تر است. سرمای هوا کار صعود را بسیار دشوار می کرد. ما این قله را در حالی صعود کردیم که با طوفان برفی با سرعت ۱۲۰ کیلومتر بر ساعت مواجه بودیم. واقعاً تجربه هیجان انگیزی بود. البته شاید برایتان جالب باشد که «البروس»، نخستین قله ای بود که من توانستم با اسکی آن را فتح کنم.

انتخاب سومتان در منطقه امریکای جنوبی قرار داشت؟

در سال ۲۰۰۶ من و دو دوست دیگر که بینا بودند تصمیم گرفتیم به قله آکونکاگوا در آرژانتین صعود کنیم. این صعود برای من از اهمیت زیادی برخوردار بود چرا که نسبت به قله های قبلی تقریباً هزار متر مرتفع تر بود. فتح این قله از جنبه دیگری هم برای من خاطره ساز شده و آن هم اینکه تیم سه نفری ما قبل از قله به دو نفر تقلیل پیدا کرد چرا که یکی از دو دوست بینا که با من در این سفر بودند و به نوعی همنورد من هم محسوب می شد و به قولی تنها فرد سالم گروه هم بود، دچار ارتفاع زدگی شد و به پایین منتقل شد و من و دیگر دوست بینایم که از ناحیه یک دست هم معلول بود، توانستیم این قله ۶۹۶۰ متری را فتح کنیم. ما دو معلول بودیم که توانستیم پا بر فراز این قله بگذاریم. من در سخنرانی هایم در نقاط مختلف دنیا این خاطره را تعریف می کنم اما این را نمی گویم که بخوام فخر بفروشم. هدف من از بیان خاطره این است که به آدم ها نشان دهم که فرقی نمی کند که شما سالم باشید یا معلول. آنچه مهم است این است که به خودتان باور داشته باشید و بتوانید قدرت تان را تا پایان مسیر نگه دارید.

سه قله دیگر که به آنها صعود کردید کدام قله ها بودند؟

سفر چهارم به قله «مک کینلی» در آلاسکا بود که در ۲۰۰۸ انجام شد. این صعود هم به نسبت سه تایی قبلی دشوار تر بود چرا که در هوایی بسیار سرد و با طوفانی ۱۶۰ کیلومتری انجام شد. دمای نوک قله در زمان صعود ما، منفی ۴۷ درجه سانتیگراد بود. این سفر سه هفته به طول انجامید و من در طول مسیر، بیش از ۱۶ کیلو وزن کم کردم. پنجمین قله «کارستز پیرامید» در اقیانوسیه بود که در ۲۰۰۹ فتح شد. این قله با وجود ارتفاع کم، از آن قله های فوق العاده تکنیکی به حساب می آید. پر است از صخره های صعب العبور در دل جنگل. این صعود از آن نظر برایم خاطره شده که ما سه نفر

بودیم که تصمیم گرفتیم در این سفر با هم باشیم و در آستانه حرکت، یکی از دو هم‌نورد بینای من بنا به دلایل شخصی از ملحق شدن به ما باز ماند و ما در قالب یک تیم دو نفری این قله را فتح کردیم. صعود به این کوه، آن هم فقط دو نفری، به خودی خود کار بسیار خطرناک و عجیبی است. حالا تصور کنید خطر کار وقتی یکی از آن دو نفر نابینا باشد تا چه اندازه بیشتر می‌شود! صعود بعدی ما به قله «وینسون» در منطقه قطب جنوب انجام شد. در این سفر بود که من دیگر خودم را یک کوهنورد حرفه‌ای به شمار آوردم. برای من که از روستایی دور افتاده در اروپا می‌آمدم، پا گذاشتن روی یخ‌های قطب جنوب تجربه بسیار جالب و لذتبخشی بود. شاید لمس و باور این نکته برای شما شگفت‌انگیز باشد، وقتی در بلندترین نقطه قطب جنوب ایستادم، شاید تنها جایی در این کره خاکی بود که هیچ صدایی به گوش نمی‌رسید. همه جا سکوت مطلق بود. در این سفر هم مثل سفرهای قبلی ثابت کردم که این فقط من نیستم که از دیگران خدمات می‌گیرم. هر کدام از هم‌نوردان، بخشی از کار را به عهده داشتیم. درست است که من در طول مسیر احتیاج به راهنمایی داشتم و مثلاً باید هم‌نوردانم وجود شکاف یخی را که چند متر جلو تر در مسیر من قرار داشت به من اطلاع می‌دادند، اما من هم در بخش‌های دیگری که از عهده من بر می‌آمد، کارها را مدیریت می‌کردم. فرقی نمی‌کند که بینا باشی یا نابینا. وقتی به جنگ صخره‌های بلند می‌روی، تک تک اعضای گروه به یک اندازه مسئولیت دارند.

شما دو مرتبه در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ برای صعود به اورست برنامه ریزی کرده‌اید که هر دو بار هم به دلایلی که خودتان در آن نقشی نداشته‌اید، این صعود انجام نشده است. از این صعود بگوئید و اینکه آیا دوباره برنامه‌ای برای صعود به بلندترین قله قاره آسیا که به نوعی مرتفع‌ترین قله کره خاکی هم محسوب می‌شود دارید یا نه؟

برای کوهنوردی که سالی حدود ۲۰۰ صعود انجام می‌دهد و بیشتر قله‌های دشوار دنیا را فتح کرده، صعود به اورست از نظر فنی کار چندان دشواری نیست اما به هر حال این را هم می‌دانم که صعود به این قله، به عنوان مرتفع‌ترین قله دنیا، برای هر کوهنورد حرفه‌ای، یک برند محسوب می‌شود. یکی از صعودهای ما به اورست مواجه شد با زلزله ویران‌کننده‌ای که در نپال آمد. ما در ارتفاع ۶ هزار و ۷۰۰ متری بودیم که زلزله را حس کردیم. خوشحال بودیم که زلزله در ارتفاعات آمده و به روستاها آسیبی نرسانده اما به محض رسیدن به روستاهای پای کوه، متوجه شدیم که این زلزله تمام روستاهای اطراف را ویران کرده. چهار شریپا در طول مسیر ما را همراهی می‌کردند که خانه‌های هر چهار نفر در این زلزله ویران شده بود. به محض برگشتن به اتریش، شروع کردیم به جمع‌آوری کمک برای این چهار شریپا و توانستیم با این کمک‌ها، دوباره آنها را صاحب‌خانه کنیم. همین اتفاق، به اندازه صعود به قله اورست برای من ارزشمند بود. تلاش بعدی من برای صعود به اورست در بهار ۲۰۱۷ انجام خواهد شد و قرار است که این بار از جبهه شمالی واقع در منطقه تبت این صعود را انجام دهم.

به عنوان یک نابینا نهایت آمالتان تا کجاست؟

من فقط یک آرزو دارم و آن این است که وقتی به ۱۰۰ سالگی می‌رسم، هنوز هم بر این باور باشم که خوشبختی من، دست هیچ‌کسی نیست، مگر خودم.

## «گذر از باورهای غلط با مدد انگیزه‌هایی استوار: گفت و گو با بهنام خلجی، قهرمان مدال طلای سنگ نوردی معلولان»، راضیه کباری، ۲۲ مهر ۱۳۹۷.

اگر تا به حال تصور می‌کردید سنگ نوردی ورزشی است که به بدنی ورزیده و عضلانی نیاز دارد، شاید با وصف قهرمانی معلولی که با وجود مشکلات عضلانی شدید با صخره‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، در دیدگاه خود بازنگری کنید.

هستند کسانی که به پشتوانه انگیزه و اراده خود از باورهای غلط می‌گذرند و کاپ قهرمانی جهان را به دست می‌گیرند. کسانی که با بدنی ضعیف و معلول سال‌های متمادی عمر خود را گذرانده و می‌گذرانند. بهنام خلجی دارنده مدال طلای قهرمانی سنگ نوردی معلولان **paraclimbing** مبتلا به انحراف ستون فقرات «اسکلیوز» است اما خمیدگی قامت و ستون اس مانند فقرات و ضعف عضلات دست و پا نتوانسته او را از تصمیمش برای به اهتزاز درآوردن پرچم کشورش در مسابقات قهرمانی جهان باز دارد.

بهنام ۳۸ ساله از هفت هشت سال پیش به صورتی اتفاقی کار سنگ نوردی را آغاز می‌کند و بعد از یک سال به ادامه کار به صورت حرفه‌ای و برای شرکت در مسابقات جهانی علاقه مند می‌شود. بهنام می‌گوید: با دوستم به کوه می‌رفتیم و صعود دیگران را نگاه می‌کردیم. با اصرار او برای آموزش سنگ نوردی اقدام کردیم می‌خواستیم مدتی را با او همراه شوم شاید از ادامه کار منصرف شود. چون رشته پر زحمت و گرانی بود اما در نهایت او بود که سنگ نوردی را رها کرد و من به آن علاقه مند شدم. سنگ نوردی ورزشی پر هیجان و جذاب است یک سالی که از آموزشم گذشت با دیدن ورزشکارانی که برای شرکت در مسابقات به کشورهای دیگر اعزام می‌شدند تصمیم گرفتم در رشته معلولان توانم را ارزیابی کنم. درخواستم را به فدراسیون سنگ نوردی دادم و با هزینه شخصی برای اولین بار در سال ۲۰۱۴ به اسپانیا اعزام شدم. در آنجا مسابقات قهرمانی جهان برای معلولان برگزار شد. این مسابقات دو سال یک بار برگزار می‌شود. هنگام ثبت نام برای اعزام متوجه شدم دو معلول دیگر نیز برای شرکت در مسابقه درخواست داده‌اند به این صورت برای اولین بار تیم سنگ نوردی معلولان ایران را تشکیل دادیم؛ به اتفاق حسن میرزا حسینی که قطع پا بود و محسن پورقاسم که چهار انگشت دست چپ را نداشت. من در کلاس **۲P۳** یا حداقل معلولیت شرکت می‌کردم و در گروه معلولان عصب عضله ولی امسال با افزایش درجه معلولیت در کلاس **۲P۲** شرکت کرده‌ام. آن سال به مقام سوم جهان دست یافتیم و مدال برنز گرفتیم. در دوره بعد که سال ۲۰۱۶ در پاریس برگزار شد تیم تغییر کرد، محسن پورقاسم همراه ما نبود و مهدی پهناور به جمع ما اضافه شد. او یک جراحی و ضعف در قوزک پای چپ داشت. آن سال شرکت کنندگان و رقبا زیاد بودند و ما بدون آمادگی رفته بودیم و نتایج پنجم تا هفتم را به دست آوردیم. دو ماه پیش نیز من به اتفاق امیر سبزی در دوره مقدماتی مسابقات جهانی اتریش شرکت کردیم و یک طلا و یک برنز گرفتیم اما در مسابقات نهایی از سوی مسئولان تصمیم بر این شد که تنها کسانی که شانس آوردن مدال دارند اعزام شوند و به این ترتیب من به همراه تیم عادی سنگ نوردی اعزام شدم و مقام اول جهان را در کلاس **۲P۲** کسب کردم.

هزینه شرکت در مسابقات با کیست؟

در مسابقات جهانی افراد سالم و معلول با هم اعزام می شوند. معلولان نیز با هزینه فدراسیون سنگ نوردی اعزام می شوند. اما در سایر مسابقات با هزینه شخصی اعزام می شوم.

از دشواری این ورزش برای معلولان بگویید؟

البته تمرینات سنگ نوردی خیلی اذیتم نمی کند چون مرتب تمرینات استقامتی انجام می دهم. حین کار فشار زیادی احساس نمی کنم. اما بعد از تمرین درد کمر شروع می شود باید بگویم بعد از این تمرینات و کار سخت چیزی که مرا بیش از هر چیز اذیت کرد بی مهتری مسئولان بود که قول استخدام رسمی قهرمانان مدال آور را داده اند اما حال آن را طور دیگری ترجمه می کنند و می گویند تنها مدال آوران سالم استخدام می شوند و فرزندان معلولان هم می توانند استخدام شوند اما خود معلول از این قانون مستثنی شده است. من عید امسال از کار تعدیل شدم و با وجود زندگی متأهلی برای رسیدن به نتیجه مناسب تا شروع مسابقات دنبال کار جدیدی نرفتم بعلاوه به قول مسئولان اعتماد کردم و گفتم با گرفتن مدال استخدام رسمی می شوم. تمام هزینه های مربی و سالن و مکمل را تقبل کردم اما بعد از آوردن مدال از مسئولان وزارت ورزش و جوانان شنیدم که این طرح در مجلس برای ورزشکاران سالم تصویب شده است.

اگر این رشته در پارالمپیک پذیرفته شود چه شرایطی پیش می آید؟

ورزش معلولان باید زیر نظر فدراسیون جانبازان و معلولان باشد. این فدراسیون هم تنها از رشته های پارالمپیک حمایت می کند در حالی که از لحاظ امکانات مالی، وضعیت خوبی دارد. سنگ نوردی در المپیک ۲۰۲۰ توکیو قرار است برای اولین بار وارد رشته های المپیک شود و هر رشته ای که در المپیک پذیرفته می شود یک یا دو دوره بعد در پارالمپیک وارد می شود

قبول دارید که باید تلاش کرد و حق معلولان را گرفت؟

آخر برای من دیگر زمانی نمانده است. به اصطلاح اگر تلاش ها هم به جایی برسد نوشدارو بعد از مرگ سهراب است. در ورزش سنگ نوردی معلولانی که شرکت می کنند تا نهایت ۴۴-۴۵ سالگی حضور دارند و آن هم نه برای رقابت واقعی بلکه بیشتر برای سرگرمی. به این ترتیب امثال من باید پاسوز این پیگیری ها شویم تا شاید بعدی ها سود آن را ببرند. وقتی این رشته پارالمپیک بشود کشورهای دیگر هم روی آن سرمایه گذاری می کنند.

این ورزش از نظر جسمی به شما لطمه نمی زند؟

البته شوک های ناگهانی روی ستون فقرات دردسرساز است. من تا حالا عضلاتم را در وضعیت خوبی نگه داشته ام و به مشکل خاصی برنخورده ام.

آیا در مسابقات شرکت کننده نابینا هم حضور دارد؟

بله، به عنوان مثال تا دوره قبل تیم معلولان ژاپن را پنج نابینا تشکیل می دادند و امسال یک معلول ویلچری هم به آنها اضافه شد. مسابقات سنگ نوردی نابینایان از جذابترین مسابقات است زیرا همه سالن در سکوت محض فرو می رود تا راهنما از

پایین دیوار مسیر و جای گیره ها را به فرد نابینا بگوید. همه سکوت را رعایت می کنند و وقتی سنگ نورد پایین می آید همه حضار در سالن می ایستند و مسابقه دهنده را تشویق می کنند. در این مسابقات معلولان در رده های مختلف سکوی قهرمانی دارند به عنوان مثال برای نابینایان، معلولان قطع نخاع، قطع دست و یا هر معلولیتی یک مسیر طراحی

ص: ۱۴۳

شده که مسیر معلول دست با معلول پا متفاوت است و مسیر معلولان بینایی راحت تر و گیره های درشت تری دارد. به این ترتیب طراحی مسیرها برای معلولان بسیار پرهزینه است و برندگان جایزه نقدی خاصی از میزبان دریافت نمی کنند. مگر این که کشور میزبان شرایط خوبی داشته باشد. قهرمانان ایرانی هم در پایان سال از طرف رئیس جمهور تقدیر می شوند.

بهنام قهرمان مدال آور کشورمان ناامید از عمری که بر روی ورزش گذرانده بود در پایان می گوید باید به دنبال کاری برای امرار معاش باشم به جای پیگیری وعده مسئولان.

آرتیمس فرشاد یگانه، سرمربی تیم ملی سنگ نوردی و مربی بهنام در مسابقات همراه او بوده است او ۶-۷ سال از نزدیک شاهد تلاش های بهنام بوده است. یگانه که خود از سال هشتاد مربی سنگ نوردی است و عضویت تیم های ملی نوجوانان تا بزرگسالان را در کارنامه خود دارد، می گوید: مسابقاتی که در اتریش برگزار شد مسابقات قهرمانی جهان بود. بهنام برای این مسابقه خیلی زحمت کشید. مسابقه اش هم خیلی سنگین بود و بیشترین تعداد شرکت کننده در رده او حضور داشتند. رقیب هایش هم خیلی قوی بودند و شناختی روی آنها نداشتیم ولی بهنام خیلی خوب در رقابت ها ظاهر شد و در مرحله مقدماتی با اقتدار اول شد و در فینال هم تنها کسی که مسیر را تاپ کرد بهنام بود.

ویژگی کار با معلولان چیست آیا سخت تر است؟

می توان گفت سخت تر است اما این افراد آنقدر انگیزه دارند که کار با آنها را راحت می کند. در ورزش قهرمانی انگیزه فرد خیلی مهم است. برای من هم جالب است این افراد با وجود این که از لحاظ جسمی توانایی خوبی ندارند انگیزه و پشتکار بالایی دارند.

ظاهراً قهرمانان معلول در سهمیه استخدام مدال آوران قرار نمی گیرند؟

من هم وقتی این را شنیدم تعجب کردم. این به گونه ای بی احترامی به آنهاست یعنی شما تصور می کردید افراد معلول نمی توانند قهرمان شوند، مسئولان باید دیدگاه شان را نسبت به معلولان عوض کنند. این بچه ها با وجود مشکلات فراوان زحمت می کشند تا پرچم ایران را بالا ببرند آنوقت جواب می شنوند که این قانون برای معلولان نیست.

پتانسیل معلولان ایران برای شرکت در این مسابقات را چگونه می بینید؟

معلولان ما پتانسیل خیلی خوبی دارند ولی به آن اهمیت داده نمی شود. در اصل فدراسیون کوهنوردی نباید این بچه ها را حمایت کند اینها باید زیر مجموعه فدراسیون معلولان و جانبازان باشند ولی این اتفاق نیفتاده است. طلای قهرمانی جهان کم چیزی نیست، بعد از المپیک از لحاظ ارزش دومین مدال جهان به حساب می آید. چگونه می توان به کسی که این مدال را آورده اهمیت نداد.

اما دبیر ستاد پارالمپیک و عضو صندوق حمایت از پیشکسوتان و قهرمانان درباره سهمیه قانونی استخدام دولتی مدال آوران معلول می گوید: قانون استخدام دولتی قهرمانان مدال آور مصوبه دولت است اما مشکل اینجاست که باید دولت ردیفی برای



استخدام داشته باشد تا بتواند قهرمانی را استخدام کند.

درست مانند قانون استخدام ۳ درصد معلولان در ردیف های استخدامی دولت، که در صورت وجود استخدام دولتی این سهمیه به معلولان تعلق می گیرد از این رو می بینید که بازار کار کنونی و با نبود

ص: ۱۴۴

شرایط استخدام دولتی؛ قهرمانان غیر معلول نیز امکان استخدام ندارند. علی اصغر هادی زاده می افزاید: به نظر من اشتباهی که در تدوین این قانون رخ داده این است که برای قهرمانان معلول؛ ردیف استخدام به فرزندان آنها تعلق گرفته است در حالی که مشکل وضعیت خود فرد معلول است نه فرزندی که اگر وجود هم داشته باشد برای کسی که در سطح قهرمانی فعالیت دارد آن فرزند در سن و سال استخدام نیست. نمی دانم علت بروز این اشتباه چیست اما خیلی واضح است که این اشتباه صورت گرفته شاید هم تصور می شده امکان ایجاد شرایط کاری برای خود معلول نباشد و سهمیه به فرزند او اختصاص یابد. به نظرم این اشتباه باید از طریق سازمان های متولی امور معلولان مانند بهزیستی و مسئولان خود وزارت ورزش و کمیته پارالمپیک در صدد رفع آن برآیند.

### «ما می خواهیم دخترانگی کنیم: پای سخن ۵ دختر نابینا در آستانه «روز جهانی نابینایان»»، سمیه افشین فر، ۲۰ مهر ۱۳۹۶.

دخترانی از جنس باران، سرشار از شور جوانی و زندگی بودند. آمده بودند تا از عشق بگویند و زمزمه محبت کنند برای ما که تصورمان از معلولیت گریه و زاری و درد است. آمده بودند تا بگویند از نگاه های معنادار من و شما خسته شده اند؛ می خواهند زندگی کنند و قدم به قدم ما در جامعه برای رؤیاهایشان بجنگند و به قول خودشان «دخترانگی» کنند. به مناسبت روز جهانی نابینایان (۲۳ مهر برابر ۱۵ اکتبر)، گپ صمیمانه ای داشتیم با پنج دختر جوان نابینا که با وجود همه سختی ها به دفتر روزنامه آمدند و با ما از مسائل و مشکلاتشان سخن گفتند. مسائل و مشکلاتی که ناشی از ندیدن و نابینایی نیست و بیشتر به فرهنگ سازی در زمینه افراد دارای معلولیت بر می گردد. به مناسبت روز جهانی نابینایان (۲۳ مهر برابر ۱۵ اکتبر)، گپ صمیمانه ای داشتیم با پنج دختر جوان نابینا که با وجود همه سختی ها به دفتر روزنامه آمدند و با ما از مسائل و مشکلاتشان سخن گفتند. مسائل و مشکلاتی که ناشی از ندیدن و نابینایی نیست و بیشتر به فرهنگ سازی در زمینه افراد دارای معلولیت بر می گردد.

خانواده ها فرق می گذارند

وقتی گفتیم می خواهیم برایمان بگویند که به نسبت پسران نابینا چقدر آزادترند، سرهایشان را پایین می اندازند و سکوت می کنند، اصلاً انگار حرفی برای گفتن ندارند، یکی به دیگری می گوید تو شروع کن و دیگری به آن یکی. احساس می کنم اعتماد به نفس حرف زدن در جمع را ندارند، قانعشان می کنیم که اینجا فقط یک جمع دوستانه است و نیاز نیست خیلی شسته و رفته و اتو کشیده صحبت کنند.

فائزه که دانشجوی رشته روانشناسی عمومی است، از همه جسورتر به نظر می رسد. ۲۳ سال بیشتر ندارد، سرشار از شور و جوانی است، با حرارت و تند صحبت می کند: «ای بابا! مشکلات ما خیلی زیاده. از کدومشون دلتون می خواد که بشنوید. نخستین مشکل ما در خانواده است. خانواده ها بین دخترها و پسرهایشان فرق می گذارند و این تفاوت حتی در خانواده ها بین دختران و پسران دارای معلولیت هم به چشم می خورد؛ چه برسد به اجتماع. به همین خاطر

است که پسران دارای معلولیت خیلی زودتر از دختران به استقلال می‌رسند، چون خانواده‌ها فکر می‌کنند دختر نباید تنها برود، مخصوصاً اگر نابینا باشد، چون ممکن است اتفاقی برایش بیفتد، ولی در مورد پسران نابینا هیچ وقت چنین نگرانی وجود ندارد. به همین خاطر است که می‌بینیم پسرهای نابینا خیلی راحت در اجتماع حضور دارند، ولی دختران نابینا معمولاً به همراه پدر یا مادرشان - حتی در دانشگاه - حاضر می‌شوند.»

فائزه به مادرش اشاره می‌کند: «دیدید که مادرم من را به اینجا آورد، بعد هم خودش به دنبال من و خواهرم می‌آید، چون معتقد است اگر کسی ما را بدزدد، باید چکار کند! البته خانواده ما به نسبت بقیه خیلی بهتر هستند و به ما آزادی عمل زیادی داده‌اند. یکی از دوستان من که نابیناست مادرش اجازه نمی‌دهد که هیچ کاری را در خانه انجام دهد و همیشه و همه جا مثل سایه به دنبالش است. همین باعث شده که دوست من از انجام کوچکترین کار شخصی هم عاجز است و همیشه باید مادرش همراهش باشد. همین نگرش خانواده‌ها باعث دید منفی جامعه نسبت به دختران نابینا شده است. مردم فکر می‌کنند که «این طفلک نابیناست و راه هم نمی‌تواند برود» و همه این عوامل زمینه‌ساز مسائل دیگر می‌شود، مثلاً می‌بینیم که آمار ازدواج در دختران نابینا بسیار پایین است، چون مردم تصور نمی‌کنند که یک دختر نابینا هم می‌تواند از پس امور خانه بر بیاید و به رتق و فتق کارها پردازد، ولی در مورد پسرهای دارای معلولیت وضع اینگونه نیست، چون کسی از پسرها انتظار ندارد که آشپزی بلد باشند، ولی همه از دخترها انتظار دارند که آشپزی کنند. حتی مادرهای پسرهای نابینا ترجیح می‌دهند دختر سالم بگیرند، در حالی که کم‌نیستند دختران نابینایی که بسیار مستقل هستند و از پس همه کارهای داخل و بیرون منزل به خوبی بر می‌آیند.»

فائزه فرهادی به زندگی دوستان دیگر نابینایش اشاره می‌کند و می‌گوید: «ما دختران نابینا گاهی در کوچکترین زمینه‌ها نیز اجازه استقلال نداریم، چون خانواده‌ها نمی‌گذارند، مثلاً یکی از دوستان نابینای من آرزو دارد بتواند خودش چیزی را که انتخاب کرده به تن کند، ولی متأسفانه خانواده چنین حقی برایش قائل نیست. مادرش برایش خرید می‌کند و هر چه می‌خرد، دوستم باید به تن کند. وقتی به مادرش می‌گوید که من را به خرید ببر، پاسخ می‌شنود: تو که نمی‌بینی، چه فرقی می‌کنه چی می‌پوشی؟!!!!! وقتی چنین نگرش‌هایی وجود دارد (نابینا درک درستی از رنگ ندارد یا هر چیزی که ربطی به دیدن دارد، به نابینا مربوط نمی‌شود)، خب طبیعی است که مشکلاتمان زیاد می‌شود. بعضی از دوستان من حتی در خانه هم استقلال ندارند؛ یعنی به محض اینکه برای آب خوردن بلند می‌شوند، مادرشان می‌گوید: کجا؟! تو بشین، چون ممکنه به دیوار بخوری. بشین خودم برات میارم!!»

به میان حرف‌های فائزه می‌پریم: اما فائزه! فکر نمی‌کنی که خود دختران نابینا هم اینجا مشکل دارند؟ نحوه هر رفتار به نظرم نشان می‌دهد که دیگران باید با او چه طور رفتار کنند. تصورم این است که دخترها خیلی بدشان نمی‌آید که خودشان را ضعیف نشان بدهند و از حمایت‌های خانواده استفاده کنند.

خانواده است که می‌تواند تو را تا اوج ببرد

معصومه رزم آهنگ دو سالی از فائزه کوچکتر است و دانشجوی ترم ۵ علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی. بین صحبت های من و فائزه حرف هایم را قطع می کند و در تأیید صحبت هایم می گوید: به نظرم ما دختران نابینا از بقیه دختران جامعه جدا نیستیم؛ همه چیز به خودمان بر می گردد. در جامعه هم دخترها خودشان برای به دست آوردن حقوقشان تلاش می کنند؛ مثلاً گروه های مختلف تشکیل می دهند و مطالباتشان را پیگیری می کنند، ولی در بین دختران نابینا چنین همدلی را کم می بینیم. باید بدانیم که هیچ وقت جامعه به ما نمی گوید بیاید این هم حق شما. ما باید خودمان پیگیر باشیم. من در خانواده هایی که مثلاً چند تا بچه دختر و پسر نابینا داشته اند دیده ام که یکی دو نفر از آنها به جایی رسیده اند و یکی از آنها حتی توان انجام دادن کوچکترین کارها را هم نداشته است. این نشان می دهد که خود فرد در رسیدن به موفقیت نقشی تعیین کننده دارد. نمی گویم که تبعیض نیست، چرا، ولی کلاً ما دخترها اهل گله گذاری و شکایت هستیم، در حالی که پسرها خودشان را با هر شرایطی تطبیق می دهند و شروع به عمل می کنند.

بهار فرهادی، خواهر ۱۸ ساله فائزه و کوچکترین دختر حاضر در جمع، دانشجوی موسیقی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ضمن تأیید بخشی از صحبت های معصومه می گوید: من قبول دارم که به خودمان بر می گردد، اما خانواده چی؟ وقتی خانواده ای اجازه نمی دهد که تو قدم از قدم برداری، باید چی کار کرد؟

معصومه: بین خانواده های ما نمی دانند که باید چی کار کنند. وقتی در خانواده ای که تا به حال شخص نابینایی نبوده یک دفعه یک بچه نابینا می شود خانواده تا مدت ها در شوک این قضیه بسر می برد.

من همیشه در رؤیاهام دلم می خواست وقتی از یک سالگی که به مادرم گفتند من نابینا هستم به جای اینکه در بهزیستی برایم پرونده تشکیل دهند برای مادرم کلاس می گذاشتند و به او می گفتند که از این به بعد باید چکار کند تا بداند که با نابینا چه طور باید رفتار کند. مادرم تا ۸ سالگی من نمی دانست من نابینا هستم. یعنی چی؟! مادرم تا سال ها هر زمان که به مدرسه من می آمد حالش بد می شد، چون نابیناهای زیادی را دیده بود و نمی دانست که آینده من چه می شود. هیچ مرکز و نهاد و مشاوره ای هم نبود که این دلشوره های مادرانه را برطرف کند. اگر در بهزیستی به مادرم آموزش داده می شد خیلی از مشکلات رفع می شد.

بهار: در فامیل ما ازدواج فامیلی خیلی زیاد است، اما از بین همه این ازدواج ها فقط من و خواهرم نابینا شده ایم. به نظرم باید به همه خانواده ها آموزش رفتار با افراد دارای معلولیت داده شود.

فائزه: در خارج از کشور وقتی بچه ای با معلولیت به دنیا می آید، از طریق انجمن های غیردولتی چند خانواده که بچه هایشان این معلولیت را دارند، نزد این مادر می آیند و نگرانی هایش را رفع می کنند و به او آموزش می دهند، ولی اینجا وقتی کودکی با معلولیت به دنیا می آید افراد فامیل جمع می شوند، گریه و زاری می کنند و با ترحم و دلسوزی می گویند: حالا اشکال نداره. اگر هم اهل حرف و حدیث باشند که شروع می کنند برچسب زدن به خانواده که حتماً گناهی کرده اید که مستوجب این عقوبت شده اید. ما داریم خانواده هایی که به خاطر همین استدلال ها معلولیت فرزندشان را انکار می کنند، مثلاً یکی از دوستانم نیمه بیناست، اما مادرش اصلاً نمی پذیرد و معتقد است که دید دخترش خوب



است و بنا بر این نیازی ندارد که بریل را یاد بگیرد. من تا ۱۸ سالگی بینایی داشتم اما چون بیماری چشمم ثابت شده بود، بریل خواندم. خانواده است که می تواند بچه معلولش را در اوج نگه دارد.

بزرگترین مشکل من خانواده ام است

فریده آرمین، ۲۳ ساله دانشجوی رشته ادبیات فارسی که تا این لحظه ساکت بود شروع به صحبت می کند: من بزرگترین مشکلم این است که خواهر و برادر بینایم به من حسادت می کنند. با اینکه خواهرم ازدواج کرده و جدا از ما زندگی می کند، اما نمی گذارند که مادرم من را به جایی ببرد. در حالی که ما باید در اجتماع باشیم تا اگر روزی پدر و مادرمان نبودند، بتوانیم گلیم مان را از آب بیرون بکشیم. خانواده من یک خانواده سنتی ست. پدرم تا مدت ها اجازه نمی داد که به مدرسه بروم می گفت دختر نابینا به مدرسه برود. که چی بشه، تو که مشکل داری، تو این جامعه هیچی نمی شی. خانواده هایی مثل خانواده من با طرز فکر غلط کم نیستند؛ مخصوصاً در شهرستان ها یا روستاهای دور افتاده. این روزها به مدد تکنولوژی های ارتباطاتی ما با بچه های شهرستان های دور افتاده در ارتباط هستیم گاهی سؤال هایی می پرسند که بسیار ابتدایی و خنده دار به نظر می رسد.

اما واقعاً نمی دانند و برایشان سؤال است مثلاً ما گروهی در واتس اپ داشتیم که بچه های نابینا سؤال و جواب مطرح می کردند یکی از بچه ها پرسیده بود می خواهم مستقل بشم و خودم ناخن هایم را بگیرم شما چه طور ناخن هایتان را می گیرید؟ معصومه به میان حرف های فریده می آید: این مسأله در میان دخترها بیشتر از پسرهاست.

از معصومه می پرسم چرا فکر می کنی دخترها در این زمینه ناتوان تر هستند هر دختر نابینایی کافیه که کمی کنجکاوی داشته باشد می تواند برود سراغ ناخنگیر و ناخن هایش را بگیرد اینکه مشکل خاصی نیست

معصومه می گوید: حق با شماست شاید اینقدر که گفته اند نمی توانید، حس کنجکاوی هم در درون ما مرده است.

فائزه تأکید می کند که بحث سر توانمندی نیست باز هم به خانواده بر می گردد شما تصور کنید که در خانواده ای هستید که مرتب می گویند دست به ناخنگیر زن ها پوست دستت رو می کنی ها. و.... خب طبیعیه که شما به سراغ ناخنگیر نمی روید این قضیه حتی در بین پسرهای نابینا هم مشهود است کم نیستند پسران نابینایی که صورتشان را پدرشان اصلاح می کند و اجازه نمی دهند که امور شخصی شان را خودشان انجام بدهند و نمی گذارند به ماشین ریش تراش دست بزنند. خیلی از بچه های نابینا میوه نمی خورند خانواده نگذاشته که حتی یک بار چاقو را در دستانشان بگیرند چون ممکن است دستشان را ببرند.

از اینکه با ما عین بچه ها رفتار کنند متنفرم

سارا کریمی ۲۱ ساله و دانشجوی روانشناسی عمومی دانشگاه علم و فرهنگ که به همراه مادرش در این جمع دوستانه حاضر شده به خاطرات دوران کودکی خودش اشاره می کند و می گوید: مادرم هیچ وقت من را از دیگر دختران همسن و سالم جدا نکرد همیشه می گفت تو باید کارها رو درست یاد بگیری به همین خاطر اجازه نداد که من آرزوی چیزی به دلم بماند.

همیشه هر چیزی که می خواست برای من بخرد من را همراهش می برد و می گفت تو باید چیزی را بخری و

ص: ۱۴۸

انتخاب کنی که دوست داشته باشی هیچ وقت به من نمی گفت تو که از جنس یا از رنگ سر در نمی آوری، همیشه حتی در کوچکترین کارها نظرم رو می پرسید اگر کاری را خراب می کردم بارها می گفت تکرار کن تا درست انجام بدهی همین باعث شده که من با اینکه یک خواهر و برادر کوچکتر از خودم دارم از پس همه کارهای آنها و کارهای خودم بریایم و مادرم خیلی وقت ها آنها را به من می سپارد و به مسافرت می رود الان که خودم را با دختران همسن و سال خودم مقایسه می کنم می بینم در هیچ زمینه ای از آنها کمتر نیستم.

فائزه می گوید: خانواده هایی مثل خانواده ما خاص هستند اکثریت خانواده ها این طوری فکر نمی کنند خانواده هایی که دختران نابینایشان را پنهان می کنند. شاید برای شما قابل تصور نباشد اما من دوست نابینایی دارم که حتی نمی تواند موهایش را گل سر ببندد موهایش را مادرش شانه می کند و گیس می کند تا حمام بعدی. باز هم تأکید می کنم خانواده خیلی مهم است.

فریده: من وقتی با خواهرم خرید می روم اصلاً نظر من رو نمی پرسد می گه تو سلیقه ات خیلی خوب نیست می گویم خب هر کسی سلیقه ای دارد در صورتی که دوستانم معتقدند که خیلی سلیقه خوبی دارم خانواده من درک نمی کنند که من با دست و حسم انتخاب می کنم هر چند که نمی بینم این را نمی توانند بپذیرند و درک کنند همه تصور می کنند که نابیناها با دنیای مد و رنگ بیگانه هستند اما این طور نیست مثلاً من لباس هایی را دوست دارم که طرح های برجسته داشته باشند چون قابل لمس هستند.

معصومه: هر وقت می گفتند یه نابینا در فلان جا مشغول به کار بود در ذهنم یک مرد نابینا می آمد چون واقعاً هم از نظر استقلال مالی و شغلی وضعیت پسرهای نابینا خیلی بهتر است الان که در این جمع بودم متوجه شدم که ما دخترها بیشتر استقلال را در جنبه های شخصی می بینیم یعنی برایمان مهم است که موهایمان را شانه کنیم به همین دلیل خیلی به دنبال نشان دادن خودمان در اجتماع نیستیم. یک پسر نابینای همسن و سال ما همه دغدغه اش این است که چه طور کار پیدا کند ولی ما هنوز به دنبال این هستیم که چه طور باید آشنایی کنیم! در واقع خودمان تبعیض را به وجود می آوریم ما با آشنایی وارد جامعه نمی شویم.

فائزه: «من دلم می خواهد دخترانه زندگی کنم کار کردن دغدغه من نیست. دوست ندارم حسرت دوران گذشته ام رو بخورم. آدم با هنرهایش می تواند اشتغالی کند در دوران جوانی می توانیم هنرهای مختلف را یاد بگیریم تا وقتی نیاز مالی داشتیم بتوانیم از آن طریق کسب درآمد کنیم.» سارا هم با نظر فائزه موافق است که کار کردن برای ما اولویت نیست اما معصومه معتقد است: بحث کار کردن نیست بحث حضور در اجتماع است کار کردن باعث می شود تا در اجتماع دیده شویم مثل پسرهای نابینا.

می پرسم، بچه ها در دانشگاه که نخستین حضور شما در اجتماع افراد بیناست چه طور با افراد بینا ارتباط برقرار می کنید؟

فائزه: من در مدرسه عادی درس خواندم مدیرمدرسه نابینایان اصرار داشت که من را به زور در مدرسه نابینایی نگه دارد دخترانگی را من در مدرسه عادی تجربه کردم چون آنجا بچه ها با من مثل دیگران برخورد می کردند و من شیطنت می کردم



ابتدا تصور می کردم که همه ممکنه دلشان

ص: ۱۴۹

برایم بسوزد ولی خودم خیلی عادی برخورد کردم و توانستم دوستان خوبی پیدا کنم. البته برخوردهای بدی هم بود مثلاً یک معلم جامعه شناسی داشتیم استاد دانشگاه هم بود به ما نمی گفت نابینا می گفت شما «کورها» می گفت شما کورها نباید به مدرسه عادی بیاید چون جو اینجا رو خراب می کنید.

به مادرم می گفتند «الهی بمیرم برات اینا رو چه جوری تو خونه نگه می داری؟ یا چه جوری بهشون غذا می دهی یا لباس هایشان را چه طوری تنشان می کنی یا به مادرم می گفتند کاسه بشقاب تو دیوار پرت نمی کنه عصبی نیست.» استاد به مادرم گفته بود «چرا می کشونی میاریش دانشگاه؟ چرا به زور وادارش می کنی درس بخونه بزوار راحت باشه» مادرم می گفت من به زور او را نمی آورم وقتی این ترم همان استاد من را دید گفت عزیزم تو یه روانشناس موفق می شی من به تو ایمان داشتم! ان شاءالله تا دکترا می خونی!

من از این سؤال ها خنده ام می گرفت. مادرم می گفت این فقط مشکل بینایی دارد و مشکل دیگه ای ندارد.

سارا می گوید: مدیر مدرسه و معلم ها همیشه می گفتند مدارس عادی نروید منم خودم دوست داشتم در مدرسه عادی درس بخوانم، همیشه داوطلب بودم اتفاقاً کار ما در مدارس عادی سخت تر است ما همیشه باید آماده باشیم که بقیه تصور نکنند از نابینایی مان سوء استفاده می کنیم. در هر محیطی که افراد عادی حضور دارند اول همه دلسوزی می کنند و می گویند «آخی گناه داره طفلی» ولی به نظرم ما باید به مردم آموزش بدهیم که چطور با ما رفتار کنند.

فریده که از بقیه آرامتر است از جمع های شلوغ می ترسد چون همیشه احساس می کند دیگران به او ترحم می کنند.

فائزه حرف های دوستش را تأیید می کند: این هم به خانواده بر می گردد وقتی خانواده بگذارند تو حرف بزنی و راحت ارتباط برقرار کنی در ارتباط اجتماعی هم موفق خواهی بود اگر ارتباط نگیری نمی توانی در جامعه گلیم خودت را از آب بیرون بکشی.

بهار می گوید: من می خواستم تنها بیرون برم نگهبان ساختمان به پدرم زنگ می زد و می گفت چه طور این رو تنها بیرون می فرستید یا مثلاً کلاس جهت یابی می رفتیم باید در خیابان مسیرمان را پیدا می کردیم ولی مردم نمی گذاشتند همه با معلم دعوا می کردند.

مردم همیشه به خانواده هایمان می گویند ان شاءالله که خدا شفا بدهد

معصومه: من وقتی کسی ازم می پرسید چرا چشمت این طوره اوایل از این سؤال ها ناراحت می شدم ولی کم کم به خودم گفتم که من نباید ناراحت بشم به همین خاطر وقتی بهم گفتند تو چه طور می نویسی لوح و قلم رو که مخصوص نوشتن نابیناهاست بیرون میارم و توضیح می دهم که من هم می توانم مثل شما بنویسم.

یکی پرسید چه طوری میایی دانشگاه؟ من عصا را در آوردم و گفتم با استفاده از این عصا.

بگذارید زندگی کنیم

صحبت های دخترها تمامی ندارد سرشار از شور جوانی و زندگی اند اینقدر حضور در جمعشان دلنشین بود که نفهمیدیم  
زمان گذشت و ما ساعت هاست که دل به صحبت های آنها داده ایم از

ص: ۱۵۰

رؤیاهایشان گفتند از آرزوهایشان. یکی دوست داشت ماشین جدیدی که مخصوص رانندگی نابینایان در اروپا اختراع شده با قیمت ارزان و راحت وارد کشور شود و دیگری دلش می خواست مؤسسه ای تشکیل دهد و در آن به خانواده هایی که دارای کودک نابینا هستند آموزش بدهد. یکی دوست داشت برای درمان چشمانش به بهترین کشورهای اروپایی برود و دیگری داشتن کاری مناسب در کشور خودمان آرزویش بود اینها و هزاران هزار آرزوی دیگر را که بر زبان نیاوردند از چشمان نابینا و صحبت های گرمشان قابل حدس بود چرا که ایده آل و رؤیای واقعی تک تک این دختران نابینا این بود که ابتدا در خانواده ها و سپس در جامعه در میان من و شما همانند موجوداتی عجیب به آنها نگاه نشود. دنیای رؤیایی همه آنها روزی بود که به خاطر نابینایی کنار گذاشته نشوند و توانایی ها و تلاش هایشان همانند همه دختران بینا در جامعه دیده شود به بیان ساده می خواستند زندگی کنند و جوانی، فارغ از دیدن یا ندیدن.

### «مصاحبه با دختری که حاضر به گفت و گو نیست»، نجمه پیوندی، ۸ مهر ۱۳۹۵.

روز ناشنوایان که نزدیک شد من هم مثل هر خبرنگار دیگری که به دنبال موفقیت ها و توانمندی ها در این حوزه می گردد، به او رسیدم، دختری ناشنوا که از مشکل کم بینایی هم رنج می برد. تلگرامی، چند بار از او خواستم با من گفت و گویی داشته باشد اما با بی اعتنایی می گفت قبلاً مصاحبه داشته ام آنها را بخوانید. گفتم مصاحبه اختصاصی می خوام و جوابی نشنیدم. تا اینکه مادرش با من تماس گرفت: «دخترم نمی خواهد مصاحبه کند. من خیلی تشویقش کردم حرف بزند اما حاضر نمی شود.» او برای دومین بار در مسابقه بین المللی کارتون گرافیکاتور که در روتن آلمان برگزار می شود رتبه دوم را کسب کرده است می گوید خبرنگارها فقط می خواهند صفحه روزنامه شان پر شود یا برنامه ای روی آنتن ببرند. کسی به فکر درد امثال من نیست. مسئولان هم که هر چه از امثال من بشنوند اصلاً توجهی نمی کنند. من برای چه باید مصاحبه کنم تا مردم مرا ببینند و مثل همیشه بگویند خدا را شکر که ما اینجوری «معلول» نشده ایم.»

دردش را می فهمیدم بارها برای خودم هم پیش آمده بود. به او گفتم: اما اگر امثال شما هم در جامعه حضور نیابید مردم و از همه مهم تر هموعانتان چه طور بفهمند که با این محدودیت ها هم می توان به قله های توانمندی رسید. چگونه برای خود الگو بیابند. چگونه نمونه ای شوید برای آنهایی که با همه قدرت و قوت جسمی، انگیزه ای برای تحرک ندارند.

وقتی فهمیدم با او درد آشنایم گفتم: «به من حق بدهید. ما جمع کثیری از ناشنوایان از سال ها پیش از سیما خواسته ایم برای بعضی تنها بعضی از برنامه های پر مخاطب خود زیرنویس بگذارند تا ناشنوایان هم بتوانند از آن استفاده کنند. اما هیچ اتفاقی نیفتاد ولی روز ناشنوایان که می شود یاد ما می افتند.

راست می گفت: دوست معلولی را به یاد آوردم که در مسابقه مقاله نویسی در حوزه معلولان که از طرف بهزیستی برگزار می شد مقام آورده بود. با تصور اینکه دیگر با این شرایط خبرنگاران از او و

معلولیت و مشکلات خواهند پرسید، در مراسم اهدای جوایز شرکت کرده بود اما در پایان برنامه باز با کمال تعجب دیده بود خبرنگاران برای مصاحبه با فلان مسئول بهزیستی و بهمان مقام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به صف ایستاده اند و دیگری که آن روز، روز آنها بود باز بی مخاطب مانده اند.

مادرش می گفت: آثار دخترم به هر جشنواره خارجی که می رود، پذیرفته می شود. در داخل کشور هم چند جایزه گرفته است. او با سختی و مرارت فراوان و البته با پشتکار ستودنی خود توانسته با کاریکاتورهای دیگر در داخل و خارج از کشور رقابت کند. دخترم می گوید: من دیگر مصاحبه نمی کنم. همه را محروم می کنم شاید اینگونه متوجه ما شوند.»

نام دختر را نمی آورم چون نمی خواست گفته شود. از این نوشته هم خبری ندارد. شما می توانید فرض کنید هر ناشنوایی که از کنارتان می گذرد، اوست. افرادی با معلولیتی پنهان که در مظلومیتی دوچندان در میان ما زندگی می کنند.

### **«معلم ناشنوا شعر سکوت می سراید: گفت و گو با مهدخت شریعتی» محبوبه مصرقانی، ۷ دی ۱۳۹۶.**

باید نگاه کنی و در سکوت غرق شوی، جایی که فقط خودت هستی با سویدایی که سرش را خدا می داند. امروزی ها می گویند فقط اصوات در آسمان ها می ماند، نجواها و پیچ پیچ ها. باید دانست که کلام فقط در زبانها نیست. این را کسانی ثابت کردند که با قلبشان نجوا می کنند.

آنها نشان دادند که رمز موفقیت فقط مدیون تأکید عبارات نیست. هی گفتن و تکرار کردن نمی تواند کسی را از آشفتگی نجات دهد. شاید این برای کسانی است که زبان دل را نمی دانند. آنها نمی دانند که کائنات فقط گوش ندارند بلکه چشم هم دارند و میهمان آنهايي هستند که در سکوت زندگی می کنند. مهدخت شریعتی معلم ناشنوایی است که کلامش در گفتن نیست، در نوشتن است. این معلم ۴۲ ساله که لیسانس مبانی هنرهای تجسمی دارد، شعر می سراید. چیزی که در میان ناشنوایان معمول نیست. عموماً افراد ناشنوا در استفاده از لغات مشکل دارند و از دایره لغات گسترده ای برخوردار نیستند. برای مصاحبه با ایشان از پیام رسان تلگرام استفاده شده. در ادامه گفت و گوی کوتاه با مهدخت شریعتی را می خوانید.

از چه زمانی شعر گفتن را آغاز کردید؟

از سن ۱۶ سالگی شعر گفتن را آغاز کردم، از زمانی که با کتاب شعر حافظ شیرازی آشنا شدم باعث شد به شعر و شاعری علاقه ام بیشتر شود و شعر گفتن را آغاز کنم. بیشتر اشعارم را به سبک شعر نو می سرايم.

مشکل شنوایی تان چیست؟

بنده در حال حاضر ناشنوای مطلق هستم البته در دوران کودکی با سمعک بخوبی صداهای محیط اطراف و موسیقی و آهنگ ها را می شنیدم. به گفته پزشکان فرد ناشنوا وقتی به سن ۱۸ سالگی برسد یا شنوایی اش را به دست می آورد یا به طور کلی همان مقدار شنوایی را هم از دست می دهد و جالب اینکه نظر علمی پزشکی بسیار دقیق بود و وقتی به سن ۱۸ سالگی رسیدم به طور کامل شنوایی ام را از دست دادم. در حقیقت من از دوران کودکی و در سن ۲ سالگی ناشنوا شده و با دنیای ناشنوایی

آشنا شده بودم.

ص: ۱۵۲

آیا اشعارتان به مرحله نشر رسیده است؟

بنده کتاب اشعاری به نام «راز سکوت» به ۳ زبان انگلیسی، آلمانی و فرانسوی را در دست چاپ دارم ولی اکنون ترجمه اشعارم به زبان خارجه هنوز تمام نشده است. ان شاءالله با توکل به خداوند متعال با تمام شدن نوشتنم به چاپ برسانم؛ ولی در حال حاضر نمونه ای از اشعارم را در سایت شعر نو گذاشته ام.

عموماً افراد با آسیب شنوایی دایره لغت ضعیفی دارند و در هنرهای مثل نویسندگی و شاعری کمتر فعالیت می کنند؛ شما چطور در چنین شرایطی به شعر علاقه مند شده اید و مهارت خود را تقویت کردید؟

بله حقیقتی است که باید پذیرفت. اکثر ناشنوایان دارای چنین مشکلاتی هستند ولی اگر ناشنوایان کمی تلاش کنند و به مطالعه کتاب های گوناگون و مجلات مختلف بپردازند مطمئن باشند که دایره لغات آنان تقویت خواهد شد و برای شروع هرگز دیر نیست. اگر در زبان مادری تعداد کلمات کم باشد دچار مشکل می شوید. وقتی رؤیایی را در ذهن می آورید با کلمات، آن رؤیا شکل پیدا می کند و اگر این کلمات را نداشته باشید چه اتفاقی می افتد!! اما این مشکل حل شدنی است و با پشتکار و با هدف واقعی می توان سطح نوشتار را تقویت کرد. از تجربیات خودم به جامعه ناشنوایان باید بگویم اینکه بنده از سن ۸ سالگی مطالعه کتاب های مختلف و مجلات را آغاز کرده ام بخصوص مجله دانستنی ها و دانشمندان که در دوران نوجوانی مورد علاقه من بود؛ مرحوم پدر و مادرم مشوق اصلی ام در امر کتابخوانی بوده اند که باید از آنها به خاطر فداکاری هایی که در حق من ادا کرده اند تشکر کنم. مدیون آنان هستم؛ هر بار که در امتحانات مدرسه نمرات خوبی می گرفتم مرحوم پدرم برایم کتاب می خرید و این مرا به کتابخوانی علاقه مند کرد. رمز موفقیت من در سطح نوشتاری و شعر به خاطر پشتکار و هدف واقعی ام در مطالعه کردن دوران کودکی تا نوجوانی بود و این مطالعات باعث پیشرفت من شد. واقعاً می گویم اگر جامعه ناشنوایان عزیز مثل من فقط کتاب را مطالعه کنند و با جملات ساختاری که روی کتاب ها نوشته شده آشنا بشوند؛ در طول مدت جمله بندی آنان تقویت خواهد شد.

از شغلتان بگویید در چه مقطعی و چه رشته ای آموزش می دهید؟

بنده معلم مدارس استثنایی ناشنوایان و با ۲۰ سال سابقه آموزشی در خدمت دانش آموزان مدرسه ناشنوایان نظام مافی - واقع در مهرآباد جنوبی - هستم. در طول ۲۰ سال به عنوان معلم هنر ابتدایی مدرسه ناشنوایان بودم و در حال حاضر در مقطع متوسطه فرهنگ و هنر و کار و فناوری تدریس می کنم. تمام تلاشم این است که دانش آموزان ناشنوا را به سمت کتاب خواندن بکشانم تا کاستی که در نوشتار دارند جبران شود. در میان دانش آموزان دبستانی جمله نویسی اهمیت ویژه ای دارد.

آیا لب خوانی می تواند به تقویت این مهارت کمک کند؟

بله قطعاً. همان طور که می دانید لبخوانی یک مهارت بسیار مهم برای برقراری ارتباط ناشنوایان با دیگر افراد است و می تواند نقشی اساسی در بهبود ارتباطات، افزایش استفاده از سمعک و دیگر وسایل تقویتی داشته باشد. ما به کودکان می آموزیم که چگونه توالی الگوهای بینایی را به ذهن بسپارند. منظور از الگوهای بینایی دقت در دیدن لب های فرد گوینده است. وقتی





کودکان ناشنوا تقویت شود می توانند در ارتباط با دیگران کلمات جدید را درک کنند. غالب افراد کم شنوا یا ناشنوا از بودن در جمع می گریزند، با لبخوانی می توان این افراد را اجتماعی کرد. وقتی فرد ناشنوا نتواند خوب ارتباط برقرار کند، گفته دیگران را به گونه ای دیگر درک می کند و این باعث ایجاد سوء تفاهم می شود که خود منجر به گوشه گیری افراد می شود.

از مشکلات معلمان معلول بگویید؟

از عموم جامعه، نهادها و سازمان های دولتی تقاضا مندم که به جامعه معلمان معلول و بویژه ناشنوایان توجه بیشتری داشته باشند و به آنان در راه کمک کردن دریغ نکنند. به عنوان مثال وقتی با وجود ناشنوایی در اداره ها و سازمان ها از مسئولان بخواهیم که گفته های خود را روی کاغذ بنویسند تا ناشنوا متوجه بشود از این کار کوتاهی نکنند و کمی حوصله خرج بدهند که بنویسند. و از نهادها و رسانه های جمعی بخصوص صداوسیما جمهوری اسلامی ایران واقعاً التماس و خواهش داریم به منظور بالا بردن اطلاعات و آگاهی معلمان ناشنوا تمام برنامه های صدا و سیما را مجهز به زیرنویس فارسی کنند تا ما معلمان ناشنوا بتوانیم از امکانات صداوسیما بهره ببریم تا بتوانیم با اطلاعات کامل تر و آگاهی بیشتری به دانش آموزان خود بهتر تدریس کنیم اگر واقعاً هزینه زیرنویس کردن برنامه های صدا و سیما برای ما ناشنوایان کاری سخت و هزینه بر است حداقل کاری کنند که ما معلمان، ناشنوایان و سایر جامعه ناشنوایان و معلولان عزیز بتوانیم از برنامه های صداوسیما استفاده کنیم. این معلم هنرمند در کلام آخر به ما می گوید: اول از همه از خدای مهربان به خاطر نعمت هایی که به من داده و اینکه به من توانایی چنین استعدادی در شعر گفتن عطا کرده تشکر می کنم. من ثابت کرده ام که محدودیت جسمی ام دلیل ناتوانی نیست بلکه باید به دیگر استعدادها فکر کرد. همچنین از تمام کسانی که برای من زحمت زیادی کشیده اند سپاسگزارم. از مرحوم پدر و مادرم که در راه تربیت من زحمت زیادی کشیده اند ممنونم، روحشان شاد.

**«معلول یا توانخواه، واژه مهم نیست: گفت و گو با مؤسس استارت آپ فروش تجهیزات معلولان»، سمیه افشین فر، ۲۳ فروردین ۱۳۹۷.**

حضور اینترنت در جای جای زندگی ما تأثیرات شگرفی گذاشته تا آنجا که شاید تصور حتی یک لحظه غافل ماندن از این فضای جذاب برای همه ما سخت و طاقت فرسا باشد به مدد این دنیای مجازی ما با هم ملاقات می کنیم به کسب و کار و رتق و فتق امور می پردازیم و به معنای واقعی کلمه زندگی می کنیم همین حضور و رشد و گسترش شبکه ها و کانال های مجازی باعث شده تا افراد دارای معلولیت زیادی نیز به کسب و کار و انتقال افکار و اندیشه های خود پردازند و به اصطلاح از کنج خلوت خانه ها که تا دیروز محصور آن بودند آزاد شوند و با افراد جامعه ارتباط بگیرند یا به کسب و کاری پردازند. مهناز دختر توانمندی است که از واژه ها فرار نمی کند برایش فرقی نمی کند به او علیل بگویند یا معلول، توانخواه یا توانیاب چرا که معتقد است باید روح توانمندی در افراد باشد و خودشان ثابت کنند که کدام واژه براننده آنهاست. صحبت هایم با او از یک دلخوری شروع شد، او به همراه یکی از پسرهای دارای معلولیت در رویداد «توان تک» که ماه های گذشته برای قدردانی از استارت آپ های

فعال در حوزه معلولان برگزار شده بود مقام سوم را کسب کرده بودند اما مهناز معتقد بود با این که کار هر دو تقریباً یکسان بوده است اینقدر که رسانه ها به سراغ رقیبش رفته اند از او سراغی نگرفته اند همین دلخوری کوچک بن مایه گفت و گوهای مان شد.

اگر ممکن است کمی از خودت بگو؟

من مهناز صوفی متولد ۳۱ خرداد ۶۷ مبتلا به معلولیت «سی پی» هستم. اصالتاً گیلانی هستم اما در شهر مقدس قم سکونت دارم.

از بدو تولد دچار معلولیت بودید؟

معلولیتم به دلیل اشتباه پزشکی و زایمان سخت بود

مدرک دانشگاهی دارید؟

بله مدرک

کارشناسی آی تی و مدرک کارشناسی ارشد آی تی گرایش تجارت الکترونیک دارم

شاغل هستید؟

تقریباً شاغل هستم، ایده پایان نامه من سنجش خدمات مورد نیاز معلولان بود سال ۹۴ مدرکم را گرفتم اما می خواستم از پایان نامه ام استفاده کنم بنابراین به فکر افتادم مرجعی را راه اندازی کنم که خدمات مورد نیاز معلولان را به صورت اینترنتی در اختیارشان قرار بدهد به تنهایی فروشگاهی را از تیرماه ۹۴ راه اندازی کردم.

درآمدش چگونه؟

درآمد خیلی خیلی ناچیزی داره درآمد شش ماهم به دو میلیون می رسد اما من امید زیادی دارم چون با عشق برایش زحمت کشیده ام.

در رویداد «توان تک» با آقای رجبو مشترکاً مقام سوم را کسب کردیم ولی هیچ جا اسمی از من نبود فقط جایی که رسانه ای شد خبر سوم شدن آقای رجبو بود در استان قم از طرف کانون فناوری اطلاعات استان قم جزو ۱۰ استارت آپ اول شناخته شدم و تاکنون از سوی بسیاری مورد قدردانی قرار گرفته ام.

چرا گفتی تقریباً شاغلم؟

من خیلی جاها برای کار اقدام کردم خیلی آزمون استخدامی به هر دری که فکرش را بکنید زدم در نهایت به پیشنهاد مادرم

تابستان در طرح کارورزی دولت شرکت کردم و الآن چند ماهی است که در یک مؤسسه آموزش و مشاوره کسب و کار کارورزی می کنم.

در فروشگاه چه چیزهایی می فروشی؟

در فروشگاه تجهیزات پزشکی، ورزشی و بهداشتی مورد نیاز معلولان را ارائه می دهم.

چطور به این فکر افتادید؟

چون خودم این شرایط را داشتم وقتی می خواستم عصا بخرم مجبور بودم به فروشگاه بروم فروشگاه هایی که در بسیاری از مواقع به لحاظ مناسب سازی شرایط بدی داشتند مثلاً فروشگاه در پاساژی فاقد آسانسور بود، خیلی از معلولان از جمله خودم نمی توانند از پله برقی استفاده کنند. به همین خاطر همیشه با خودم فکر می کردم کاش راهی بود تا راحت تر ملزوماتم را تهیه کنم ایده ام را با مادرم مطرح کردم گفتم ای کاش در کشور پیشرفته تری به دنیا می آمدم مادرم گفت شاید رسالت تو

ص: ۱۵۵

این بوده که قدمی برای هموعان خودت برداری همین کلام مادر انگیزه و موتور حرکت شد به همین خاطر بعد از افتتاح فروشگاه خودم خیلی خیلی خوشحال شدم با این که مشتری زیادی نداشتم اما همین که یک فرد دارای معلولیت از یک روستا برای تأمین وسیله مورد نیازش به من پیام داد و وسیله را برایش فرستادم بهترین روز زندگیم بود.

فعالیت های جانبی هم داری؟

فعالیت های جانبی من نویسندگی، ترانه سرایی و موسیقی است، یک سال و خرده ای است که نوازنده «هارمونیکا» هم هستم.

در مورد نویسندگی و ترانه سرایی کمی توضیح می دهی؟

از سوم دبیرستان ترانه می نوشتم اما به صورت فنی از سال ۹۳ بود البته یکی از ترانه هام به کمک استاد هارمونیکا یم و به خوانندگی آقای رضا خوانساری به عنوان جشن حسرت خوانده شده است.

از ۳۱ اردیبهشت ۹۵ شروع به نوشتن رمانی کردم که چند سالی بود ایده اش را در ذهنم داشتم ولی رمان نوشتن فقط یک نقشه خام را نمی خواهد باید سلسله اتفاقاتی را زنجیروار به هم متصل کنید تا هدف داستان را بتواند ابراز کند؛ کلی هم در این چند سال اتفاقات رمان تغییر کرد چون بیشترش بر گرفته از زندگی خودم بود بیشتر شخصیت ها با اسامی واقعی و شخصیت های واقعی هستند هدفم از نوشتن این داستان اعتراض به قانون نظام وظیفه بود من به عنوان یک خانم معلول نمی توانم این قانون را بپذیرم احساس می کنم شکاف عمیقی بین من و خانم های سالم قرار داده اند احساس می کنم انگار به مردها رشوه می دهند که بیا و با من ازدواج کن و معافیت سربازی بگیر توهین به شأن و شخصیت خانم معلول است؛ اعتراض ما که به جایی نمی رسد تصمیم گرفتم از قلم استفاده کنم داستان طوری است که آقا به خاطر معافیت سربازی وارد زندگی خانم می شود ولی متوجه می شود که در کنار همه سختی ها زندگی با زن معلول حسن های زیادی هم دارد. فکر می کنم در این کتاب بتوانم توانمندی ها و روزمرگی های یک خانم معلول را نشان بدهم. همان طور که گفتم در داستان اتفاقاتی که مربوط به معلولان است را از زندگی خودم الگو گرفته ام.

یعنی در زندگی شما هم کسی وارد شد به خاطر معافیت سربازی؟

نه این قسمت از رمان بر پایه اظهارات یکی از دوستان است و برای خودم اتفاق نیفتاده ولی مثلاً من یک روز برای گرفتن کفش رفته بودم فروشنده می گفت خانوم شما هم ام ام اس دارید گفتم ام ام اس!! گفت همون که عضلات از کار می افتن گفتم منظورتان ام اس است و فروشنده تأیید کرد گفتم نه من ام اس ندارم، خب من این موضوع را از زبان شخصیت اصلی در رمان آورده ام. یا داستان گرفتن گواهینامه ام که همه تصور می کردند افسر از روی دلسوزی به من گواهینامه داده در حالی که من ۵ بار آزمون دادم و اصلاً افسر هم با من خوب برخورد نکرد؛ اتفاقات ریزی که در برخورد با جامعه برایم افتاده در داستان آورده ام.

البته قانون معافیت از سربازی هم اصلاح شده ولی با این همه حمایت قانونی از زنان دارای معلولیت را چقدر می دانید؟

بله در مواردی اصلاح شده اما به نظرم هنوزم توهین آمیزه قانون از نظر من باید از طرف کسی نوشته بشود که دچار آن مشکل است. یکی از مشکلات بزرگ معلولان این است که حرف ما را درک

ص: ۱۵۶

نمی کنند چون آن مشکل را ندارند کسی که قانونگذار است باید مشکل را درک کند و بفهمد تا بتواند قانون را درک کند وقتی بیشتر کارمندان بهزیستی نمی توانند مشکلات معلولان را درک کنند همین باعث می شود تا حتی ساختمان بهزیستی استان هم مناسب سازی نشده باشد و برای من معلول که می خواهم به این ساختمان تردد کنم این خیلی بده. وقتی قانونگذار یا حداقل گروهی از نمایندگان از خود معلولان باشند صد در صد قوانینی که وضع می شود و حمایت هایی که می شود برای معلولان بهتر است الان بر حسب وظیفه یه چیزی وضع می کنند اجرا شد شد نشد هم نشد.

فکر نمی کنی زنان و دختران دارای معلولیت مزوی تر هستند و فعالیت های اجتماعی کمی دارند و نتوانسته اند خودشان را به جامعه بشناسانند؟

بله این به احساس اعتماد به نفس فرد بر می گردد من دوستان زیادی دارم که در خانه می مانند و بیرون نمی آیند می گویند ما بیرون بیاییم چه کار کنیم من نمی توانم از فلان جا رد بشوم حق هم دارند فردی که ویلچری است اگر بخواهد کلاسی برود که سر راهش یک جوی بزرگ باشد یا ساختمان پله های زیادی دارد خب مجبور می شود در خانه حبس شود، البته دوستانی هم دارم که از داخل خانه ارتباطات اجتماعی زیادی دارند با این که همیشه در خانه هستند به نظرم این بخشیش به روحیه افراد بر می گردد و بخش دیگر فرهنگی است یعنی نگاه جامعه به خانم های معلول. من برخوردهای بد زیادی دیده ام و آبدیده شده ام اما خیلی ها شکننده ترند و یک رفتار غلط باعث می شود سالیان سال در خانه خودشان را حبس کنند و همه اینها به فرهنگ سازی بر می گردد.

در مورد نگاه جامعه به دختران دارای معلولیت بیشتر توضیح می دهی؟

ببینید من خودم ارتباطات زیادی دارم رفتار جالبی که از سمت آقایون می بینم این است که وقتی روابط کاری زیاد می شود می بینم بلافاصله می گویند «حالا شما هم مثل خواهر من» من هدف از این رفتار را نمی دانم اما بسیار ناراحت می شوم که چرا فکر می کنند وقتی روابط کاری زیاد می شود من باید پیش خودم تصورات دیگری داشته باشم انگار همیشه جامعه نسبت به خانم های معلول دافعه دارد خب خانم ها روحیه حساسی دارند. شما نگاه کنید همیشه زنان و دختران دارای معلولیت هر چقدر هم که تحصیل کرده و توانمند باشند از روی ظاهرشان قضاوت می شوند و این بسیار آزاردهنده است. محدودیت هم که همیشه هست وقتی روحیه حساسی هم داشته باشی و خودت را کنار بکشی هیچ وقت به دنبال نمی آیند باید بیرون بیایی تا فراموش نشوی.

یعنی این

مشکلات خاص زنان است؟

نه قضاوت از روی ظاهر، زن و مرد معلول نمی شناسد اما دخترها بیشتر دچار چالش های عاطفی می شوند و اشتغال هم برایشان سخت تر است، البته کار برای همه کم است ولی وقتی من به عنوان یک دختر دارای معلولیت برای کار می روم کارفرما وقتی می بیند خانم هستم و این

شرایط را دارم شرایطش را سخت تر می کند، مثلاً می پرسد خانم برای رفت و آمد مشکلی نداری یا شب چطوری می توانید برگردید!! این را بگذارید کنار این که در بسیاری از مواقع دختران معلول تنها به دلیل نقص جسمی از طرف خانواده پسر پس زده می شوند و این حس بسیار بدی است؛ متأسفانه افراد جامعه ایده ال گرا شده اند همه به دنبال بی نقص ترین و بهترین ها هستند در حالی که به معنای واقعی کلمه هیچ کدام از ما سالم نیستیم. خانم ها مشکلات بیشتری دارند در هر زمینه هم مشکلاتشان

ص: ۱۵۷

بیشتر است و هم محدودیت شان حال فکر کنید معلولیت هم بیاد صددرصد مشکلات چند برابر می شود چون خیلی از پشتوانه ها را ندارد خیلی از جاها نمی تواند برود این اتفاق ها برای من هم افتاد خانمی که معلولیت دارد به نسبت آقایون دارای معلولیت مشکلات و سختی های بسیار بیشتری دارد.

برگردیم سر کتابتان الان در چه مرحله است؟

کتاب مکتوب شده و در مراحل پایانی نگارش است صحبت هایی با ناشر داشته ام البته در یک کانال قسمت به قسمت رمان را گذاشته ام و بازخوردهای خوبی از انتشارش در فضای مجازی داشتم.

وضعیت افراد دارای معلولیت در شهر قم چگونه؟

من نایب رئیس انجمن سی پی معلولان تهران هم هستم به همین خاطر هم با افراد دارای معلولیت در تهران و هم در قم ارتباط دارم. متأسفانه تشکل های غیر دولتی که در قم تشکیل می شود بیشتر خیریه هستند و با غرور و روحیه من جور نیست چون دوست ندارم معلولان کمک های مردمی از مردم دریافت کنند این خیلی آزار دهنده است. وضعیت مناسب سازی در قم هم متوسط است

بعضی جاها خوبه و بعضی جاها اصلاً خوب نیست، البته این به روحیه مطالبه گری ما برمی گردد. من به یک بانک رفتم دیدم مناسب سازی نشده؛ نه رمپ داره نه حفاظ داره رفتم سراغ رئیس بانک و گفتم شما فکر می کنید معلولان از بانک استفاده نمی کنند و پول هایشان را در کیسه دور کمرشان می پیچند، من معلول چطور باید خودم را به بانک برسانم چطور باید از این پله ها بالا بیایم و... رئیس بانک عذرخواهی کرد و گفت حتماً در این زمینه اقدام خواهد کرد و دفعه دیگر که رفتم دیدم حفاظ گذاشته اند و رمپ زده اند و به من گفتند ببینید ما بانک را مناسب سازی کردیم.

و کلام آخر؟

کلام آخر این که من هنوز امید دارم به کارهایم و همین امید من را زنده نگه داشته است به همه هموعانم می گویم که درست است که ما مشکلاتی را در جامعه داریم اما بخش زیادی از مشکلات به خود ما بر می گردد به این که روحیه مطالبه گری نداریم فقط می گوئیم حقم را نمی دهند اما این که برای گرفتن این حق خودمان چه کرده ایم حلقه مفقوده ماجراست ما باید بخواهیم و خودمان برای احقاق حقوقمان تلاش کنیم.

**«مهار معلولیت های بینایی با پرهیز از ازدواج فامیلی: یک متخصص بیماری های چشم از ضرورت مشاوره ژنتیکی قبل از ازدواج می گوید» راضیه کباری، ۲۴ خرداد ۱۳۹۷.**

کسی که در بزرگسالی به آب مروارید «کاتاراکت» مبتلا می شود هر چند درجاتی از نابینایی را به طور موقت تجربه می کند اما می داند که با عمل جراحی کوچکی دوباره لذت دیدن را به دست می آورد. آب مروارید اما وقتی از بدو تولد با نوزاد همراه باشد می تواند او را برای همیشه با نابینایی همراه سازد. برای آشنایی با این بیماری، تشخیص درمان و عوامل بروز آن



گفت و گوی ما را با دکتر مصطفی سلطان سنجری فوق تخصص چشم اطفال می خوانید.

ص: ۱۵۸

## آب مروارید مادرزادی چیست؟

وقتی می‌گوییم کودکی آب مروارید مادرزادی دارد که در سه ماه اول زندگی آن را تشخیص دهیم. علم چشم پزشکی شاید در حال حاضر برای بسیاری از بیماری‌ها مانند اختلالات ژنتیکی شبکیه حرف زیادی نداشته باشد و درمان را به آینده موکول کند اما درمان آب مروارید مادرزادی به تشخیص هر چه سریعتر آن بستگی دارد. تا آنجا که اگر کودک مبتلا در پنج روزگی مورد عمل جراحی قرار گیرد ممکن است دید بسیار خوبی پیدا کند ولی همین کودک اگر در سه ماهگی عمل شود ممکن است دید قابل توجهی پیدا نکند و از لحاظ قانونی نابینا محسوب شود و حتی از عهده انجام امور روزمره و معمولی زندگی خود برنیاید. از این رو آموزش کادر درمانی و والدین کمک می‌کند که این افراد دچار نابینایی نشوند.

راه تشخیص آب مروارید مادرزادی چگونه است؟

پزشکان عمومی، ماماها، پزشکان اطفال و همه پزشکانی که برای نخستین بار نوزاد را معاینه می‌کنند با افتالموسکوپ می‌توانند چشم نوزاد را معاینه کنند و رفلکس قرمز یا نور قرمز را که از چشم خارج می‌شود ببینند. در این حالت مشخص می‌شود که نوزاد مبتلا به آب مروارید نیست. اگر رفلکس قرمز دیده نشود، نوزاد باید برای معاینه دقیق‌تر به متخصص چشم ارجاع داده شود. کار چشم پزشکی کودکان خیلی تخصصی است. در حالی که تشخیص بیماری کاری عمومی است که می‌تواند توسط هر چشم پزشکی انجام شود.

آیا والدین می‌توانند متوجه مشکل بینایی نوزاد شوند؟

در این زمان چون انتظار نداریم نوزاد به ما نگاه کند برای همین اغلب مادران متوجه مشکل نوزاد نمی‌شوند مخصوصاً اگر آب مروارید یکطرفه باشد که دیگر هیچ علامتی ندارد. مگر اینکه آب مروارید به حدی پیشرفته باشد که مادر متوجه سفیدی وسط چشم شود که گاه هم همین طور است و مادر متوجه سفیدی در وسط سیاهی چشم بچه می‌شود.

یک چشم نوزاد مبتلا باشد شرایط بهتر است یا هر دو چشم؟

در مواردی که آب مروارید دوطرفه است شانس بهبود بینایی کودک بیشتر است چون هر دو چشم مثل هم است و با هم عمل می‌شود ولی در مورد آب مروارید یکطرفه یک چشم خیلی عالی داریم و یک چشم که حتی اگر عمل شود کیفیت دیدش مثل چشم مقابل نمی‌شود.

اما آیا در موارد آب مروارید یکطرفه، چشم سالم مغز را تحریک نمی‌کند؟

بله، در این موارد مغز تحریک می‌شود ولی برای دید مناسب باید هر دو چشم با هم کار کنند. یک قسمت از مغز مربوط به یک چشم است و قسمت دیگر مربوط به چشم دیگر. وقتی دو چشم با هم کار می‌کنند بخش دیگری از مغز تحریک می‌شود. برای همین باید هر دو چشم صاف باشند و با هم کار کنند تا تمام مغز تحریک شود.

اما چرا نوزاد دچار آب مروارید می‌شود؟

علل مختلفی سبب ایجاد آب مروارید مادرزادی می شود. یکی از عوامل ژنتیکی هستند. باید تلاش کنیم این فرهنگ را در جامعه جا بیندازیم که سمت ازدواج فامیلی نرویم. چون بیماری های نادر و صعب العلاج بیشتر در ازدواج های فامیلی رخ می دهند.

ص: ۱۵۹

حتی اگر طرفین هیچ مشکلی نداشته باشند؟

بله، حتی اگر هیچ مشکلی وجود نداشته باشد چون آزمایش ژنتیک نمی تواند بسیاری از این بیماری ها را تشخیص دهد. مثلاً در نوعی بیماری ژنتیکی چشمی به نام «لبر»؛ حداقل سیزده جهش ژنتیکی دیده شده است اگر ممکن باشد که هر کدام از این جهش ها را پیدا کنیم باید هزینه بالایی بپردازیم؛ بعلاوه کیت های آزمایشگاهی این موارد هم در دسترس نیست و باید از جاهای دیگر تهیه شود. این تنها در مورد بیماری لبر است. هزاران بیماری مانند لبر وجود دارد و بهتر است از اول فرهنگسازی شود تا ازدواج فامیلی صورت نگیرد. مجلس بعضی کشورها مانند تاجیکستان در صدد است ازدواج فامیلی را غیر قانونی اعلام کند چون مشکلات ناشی از این نوع ازدواج بار مالی و اجتماعی خیلی زیادی بر جامعه تحمیل می کند. بیماری های دیگری نیز می تواند موجب آب مروارید مادرزادی شود از جمله بیماری های متابولیک مانند بالا رفتن قند خون، بیماری هایی که موجب رسوب مواد در قرنیه می شود، بیماری های عفونی داخل رحمی مانند سرخجه مادرزادی که یکی از علائمش گرفتاری چشمی و ایجاد آب مروارید است. ضربه ها هم می توانند باعث بروز آب مروارید شوند.

سؤال اینجاست که چه درصدی از آب مروارید مادرزادی منشأ ژنتیک دارد؟

درصد مشخصی را نمی توان ذکر کرد ولی معلوم است که سهم ژن در بروز این مشکل قابل توجه است. به طور کلی نوزادانی که پدر یا مادرشان به آب مروارید مادرزادی مبتلا بوده اند بررسی هر چه سریعتر نوزاد توسط چشم پزشک توصیه می شود.

پس آیا می توان به کسانی که مشکل آب مروارید مادرزادی داشته اند توصیه کرد با فردی که مشکل مشابه خودشان را دارد ازدواج نکنند؟

البته نمی توان گفت قطعاً احتمال بروز آب مروارید در این شرایط وجود دارد. مثلاً می گوئیم سیگار قطعاً برای سلامتی ضرر دارد اما اینگونه هم نیست که هر کسی سیگار بکشد حتماً مشکل پیدا می کند ولی احتمالش بالاست و می شود از آن پیشگیری کرد. اما می توان به قطعیت گفت اگر در این شرایط کودکی به دنیا آمد نوزاد باید حتماً توسط چشم پزشک و البته این بار چشم پزشک دارای تخصص کودکان معاینه شود.

بهترین زمان عمل جراحی آب مروارید مادرزادی چه زمانی است؟

زمان مناسب برای عمل آب مروارید چشم نوزاد به وضعیت چشم بستگی دارد؛ اگر آب مروارید پیشرفته باشد بهتر است هر چه زودتر جراحی شود اما در بعضی موارد آب مروارید خفیف است که صبر می کنیم و در این مدت کودک را تحت نظر قرار می دهیم تا بزرگتر شود و والدین هم باید در زمانی که گفته می شود برای معاینه نوزاد مراجعه کنند. عمل جراحی آب مروارید مادرزادی نوزادان بسیار مشکل است و عوارضش از جراحی افراد بالغ بسیار بیشتر است، زیرا بچه ها به اعمال جراحی پاسخ های ناخواسته ای می دهند و بروز التهابات بعد از عمل جراحی آب مروارید کودکان بسیار زیاد است.

معاینه چشم کودکان در چه زمانی ضروری است؟



بعد از معاینه در بدو تولد؛ کودکی که سالم است در فاصله بین سه تا شش ماهگی باید معاینه شود و اگر مشکلی نداشت بار دیگر در بین سه تا چهار سالگی از نظر بروز مشکلات چشمی بررسی شود. ایران از نظر توجه به بهداشت چشم و غربالگری یکی از کشورهای پیشرفته است و با غربالگری که همه ساله برای کودکان انجام می شود مشکلات بینایی در سنین بالاتر بسیار کاهش یافته است.

اما آیا در حال حاضر برای پی بردن به مشکلات بینایی در بدو تولد غربالگری داریم؟

بررسی وضعیت بینایی نوزاد در بدو تولد ضروری است ولی گاه انجام نمی شود. قاعدتاً پزشک زنان باید این کار را انجام دهد.

آینده استفاده از سلول های بنیادی و ژن درمانی در چشم پزشکی را چگونه می بینید؟

همان طور که می دانید کنگره انجمن چشم پزشکی ایران امسال ۲۱ تا ۲۴ آبان ماه برگزار می شود. در کنگره امسال چندین گروه فوق تخصصی خواهیم داشت و با وجود مشکلات بین المللی که وجود دارد توانسته ایم میهمانان خارجی خوبی را دعوت کنیم. در زمینه چشم کودکان، بزرگ ترین متخصصان دنیا را دعوت کرده ایم در بخش قرینه هم با انجمن بین المللی جراحان قرینه امریکا برنامه مشترک داریم. مژده می دهم به شما که پزشکی از این به بعد در جهت استفاده از سلول های بنیادی پیش می رود؛ مثلاً در مورد اختلال لبر که یک بیماری ژنتیکی چشم است به تازگی دانشمندان توانسته اند یک نوع از ۱۳ مدل این بیماری را با ژن درمان کنند و درجاتی از بهبودی را شاهد بوده اند. البته الامن هزینه های درمان فوق العاده بالاست. بیماران ما حتی از عهده هزینه های تشخیص بر نمی آیند چه رسد به هزینه های درمانی هشتصد میلیون دلاری. امیدواریم در سال های آینده شرایط به گونه ای شود که تعداد بیشتری بتوانند از این دستاوردهای علمی بهره ببرند. به نظر من در آینده وضعیت بهتر خواهد شد و پیشرفت ها بسیار بسیار سریع خواهد بود.

اما آیا بیماران مبتلا به اختلال بینایی لبر می توانند برای تشخیص نوع آن اقدام کنند؟

هنوز نمی توان این توصیه را داشت که افراد ریسک کنند و مثلاً پنجاه میلیون خرج کنند تا بفهمند به کدام نوع لبر مبتلا هستند و هزینه هشتصد میلیون دلاری را تقبل کنند تا شاید مقداری بهبود دید پیدا کنند. ما در حال حاضر از سلول های بنیادی در بیماری های اعصاب چشم استفاده می کنیم و هنوز تا استفاده گسترده از سلول های بنیادی و ژن درمانی در اختلالات بینایی راه درازی در پیش داریم اما تا زمان رسیدن به این چشم انداز، فقط یک چیز را یادمان باشد؛ ازدواج فامیلی نکنیم.

**«نقشه راه برای یک سیاحت ایمن: گفت و گو با مانی رضوی زاده، طراح سایت بانک اطلاعات مناسب سازی» محدثه جعفری، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶.**

مکالمه اول: الو سلام، خوبی، چه خبر، خیلی وقته ندیدمت چکاره ای امروز بریم بیرون یه چرخی بزنیم و با بچه ها دورهم باشیم. یه رستوران خوب پیدا کن که ناهار با هم باشیم، آدرس رو برام پیامک کن باشه می بینمت خداحافظ. مکالمه دوم: وای چقدر چاله چوله داره این خیابان ای کاش یه راه



مناسب تر رو انتخاب می کردم. الو سلام آره دارم میام نزدیک رستورانم راستش به یه بن... بست خوردم نه از این میله ها که تو پیاده رو نصب می کنن که موتور سوار رد نشه حالا- منم نمی تونم عبور کنم. باید دور بزنم یه کم راهم دور میشه ولی خودم رو می رسونم. مکالمه سوم: الو دوباره سلام نه رسیدم جلوی در رستوران اما نمی تونم بیام تو، پله هاش زیاده محل عبور مناسب هم نداره بچه ها دیگه خیلی دیر شده من دیر رسیدم میرم خونه بعداً سرفرصت یه جای بهتر قرار می ذاریم. نه نیازی نیست نمی... خواد بیاید کمک من بر می گردم.

شهر مناسب من نیست

شاید برایتان این سؤال پیش آمده که چرا این فرد نتوانست به داخل رستوران برای دورهمی دوستانه برسد؛ بسیاری از خیابان ها، پارک ها، رستوران ها و... هستند که برای عبور افراد دارای معلولیت مناسب سازی نشدند، اگر در کنار پله های رستوران رمپ مناسب هم نصب می کردند این فرد معلول ضایعه نخاعی می توانست با ویلچر به داخل رستوران رفته و از دورهمی با دوستانش لذت ببرد.

براستی چند تا از رستوران ها، پارک ها و خیابان های شهرمان برای عبور معلولان مناسب است؟ آیا این امکان وجود دارد تا معلولان بتوانند به اطلاعات مکان های دسترس پذیر دست یابند؟

برای پاسخ به این سؤال ها با مانی رضوی زاده طراح طرح بانک اطلاعات مناسب سازی «بام» به گفت و گو پرداختیم. وی در ابتدا از چرایی طراحی این وب سایت می گوید: «من معلول ضایعه نخاعی هستم و برای تردد از ویلچر استفاده می کنم. معلولیتم باعث به وجود آمدن این نیاز شد چرا که برای رفتن به یک رستوران با مشکل روبه رو بودم و برای گردش و تفریح مشکل داشتم زیرا هیچ اطلاعی از مکان های مناسب سازی شده برای من معلول وجود نداشت.

این نیاز باعث شد جرقه ای در ذهنم برای طراحی وب سایتی که اطلاعات مکان های دسترس پذیر در آن قرار داشته باشد ایجاد شود آن را با چند نفر از دوستانم در انجمن «باور» مطرح کردم خانم مهندس تنهایی و آقای سلیمانی برای عملیاتی شدن این طرح یاری ام کردند. بتدریج افراد دیگری همچون آقای سهیل معینی مدیر انجمن باور برای تکمیل شدن این ایده به گروه ما پیوستند تا بتوانیم آن را اجرایی کنیم.

ما معلولان برای رفتن به پارک، رستوران، بانک، پاساژهای خرید، هتل ها و میهمان پذیرها نیاز به شرایط مناسب از لحاظ تردد داریم ولی نمی دانیم کدام مرکز خرید مناسب سازی شده است، در کدام هتل اقامت کنیم یا کدام بانک برای ما دسترس پذیر است؛ اینها نیازهای روزمره هر شهروند است که ما برای داشتن آن با مشکل رو به رو هستیم اما با داشتن اطلاعات مناسب و به روزمی توانیم همچون دیگر شهروندان دغدغه حضور در شهر را نداشته باشیم.

این نیازها باعث شد با جمعی از دوستان در مورد ایجاد فهرستی با دسته بندی مشخص تبادل نظر کنیم و با فکر و تحقیق و همچنین بررسی تجربه های خارجی ایده ای نو در کشور پیاده کنیم.

با کمی جست و جو دریافتیم در ایران برای این موضوع هیچ کاری صورت نگرفته که این امر باعث شد تحقیقات علمی دقیق



تری برای جمع آوری اطلاعات از مکان های مناسب سازی شده انجام دهیم.

ص: ۱۶۲

به این صورت که اگر اماکنی را به عنوان مکان دسترس پذیر به معلولان معرفی کردیم حتماً یکسری ضوابط را در آن مورد توجه قرار داده باشیم تا حداقل استانداردها مناسب سازی شده در آن رعایت شده باشد.»

رضوی زاده ادامه می دهد: «برای بازدید از نقاط مختلف و مشاهده عینی از مناسب سازی اماکن مختلف تیم های بازرسی را تشکیل دادیم. همچنین چک لیست هایی را بر اساس ضوابط بر گرفته شده از شورای عالی معماری و شهر سازی تهیه کردیم تا تیم های بازرسی بر اساس این ضوابط به مکان ها مورد نظر امتیاز دهند که این امتیازها به سه دسته طلایی، نقره ای و برنزی تقسیم می شوند.»

بعد از جمع آوری این اطلاعات و دسته بندی آن وب سیتی را با نام [www.monasebsazi.com](http://www.monasebsazi.com) راه اندازی کردیم و بعد از آن هم اپلیکیشنی با نام «بام» را راه اندازی کردیم.

سعی کردیم در وب سایت اماکن مناسب سازی شده را روی نقشه مشخص کنیم به عنوان مثال فرد دارای معلولیت جسمی - حرکتی برای رفتن به رستوران با ورود به سایت نزدیک ترین رستوران مناسب سازی شده را در نقشه جست و جو می کند و رستوران هایی که ضوابط مناسب سازی را رعایت کرده باشند برایشان در سایت مشخص می شود و می توانند یکی از آن مکان ها را انتخاب کنند.»

بامی برای همه شهرها

مانی رضوی زاده با اشاره به مراحل بعدی در مشخص کردن نقاط مختلف تهران در سایت مناسب سازی می گوید: «برای بررسی نقاط مختلف کشور ما از تهران شروع کردیم و تیم بازرسی ما به ۸۰۰ نقطه از تهران سرکشی کردند. مکان هایی را که برای معلولان قابل دسترس هستند در نقشه مشخص کردیم؛ برای آنکه بتوانیم نقاط مناسب سازی شده اکثر شهرها بویژه شهرهای زیارتی و توریستی را در نقشه سایت مشخص کنیم نیاز به همکاری بیشتر از سوی داوطلبان مردمی داشتیم به همین جهت در سایت قسمتی را طراحی کردیم تا مردم بتوانند مکان های مناسب سازی شده را به ما معرفی کنند و با توجه به امتیازها و نظردهی شهروندان این نقاط در نقشه روی سایت ثبت می شوند.»

مردم از شهرهایی مثل کرج، کیش، تبریز، مشهد، کرمان، کرمانشاه و همچنین گران پیام هایی برای ما ارسال کردند. تلاش ما بر آن است که این سایت و اپلیکیشن فقط برای تهران نباشد بلکه همه شهرهای ایران را پوشش دهد.

این فعال حوزه معلولان در خصوص مناسب سازی سایت و اپلیکیشن برای نابینایان بیان می کند: «وب سایت برای افراد دارای مشکل بینایی قابل دسترس است اما اپلیکیشن هنوز برای نابینایان قابل استفاده نیست و این جزو اولویت های ماست که در آینده نزدیک این نقطه ضعف را هم در اپلیکیشن «بام» رفع کنیم. جذب مردم برای همکاری یکی از اهداف ماست و سعی کرده ایم کار را به صورت علمی و تخصصی ادامه دهیم و همچنین تمامی ضوابط و دستورالعمل های مناسب سازی اصولی را در سایت قرار دادیم تا افرادی که می خواهند اطلاعاتی را در زمینه مناسب سازی و دسترس پذیری داشته باشند با مراجعه به وب سایت بام این اطلاعات را دریافت کنند. ما در این طرح از ایده های نو و کارآمد استقبال می کنیم و هر شخصی که

دستاورد، مقاله یا... در این زمینه دارد می تواند روی همکاری گروه ما در انجمن باور حساب کند.»

ص: ۱۶۳

رضوی زاده با اشاره به فراخوان نروزی برای جذب همکاری مردم می گوید: «نوروز امسال فراخوانی را در سایت منتشر کردیم تا شهروندان بتوانند از طریق ایمیل به صورت داوطلبانه مکان های مناسب سازی شده شهرشان را به ما اطلاع دهند البته افراد باید این دسترس پذیری را مطابق اصولی که به آنها معرفی می کنیم بررسی کرده و به ما گزارش دهند.

نتیجه این فراخوان نقاط مناسب سازی شده شهرهایی همچون تبریز، شیراز و کرمانشاه است که این مکان ها را در سایت مشخص کردیم. همچنین تلاش کرده ایم با برقراری ارتباط با NGOها و افرادی که در ستادهای مناسب سازی فعالیت می کند نقاط مناسب سازی شده را در سراسر کشور یافته و روی وب سایت مشخص کنیم.

این وب سایت مردمی است و صاحبان رستوران ها، کافی شاپ ها، هتل ها، مسافرخانه ها فروشگاه ها یا... که اصول مناسب سازی را در ساخت بناهای خود رعایت کردند می توانند آدرس رستوران یا هتل خود را به ما اعلام کرده و ما در سایت برای استفاده افراد دارای معلولیت معرفی کنیم. این کار هم می تواند به جذب مشتری بیشتر برای کسب و کارشان کمک کند هم می تواند باعث تشویق دیگر هم صنفی هایشان شود تا آنها نیز محیط های کاریشان را مناسب سازی کنند. وب سایت مناسب سازی متعلق به فرد خاص یا NGO خاص نیست بلکه از نتایج آن همه افراد می توانند بهره مند شوند.»

دولت حامی ماست

مانی رضوی زاده در پایان صحبت هایش با بیان آنکه طرح مناسب سازی توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان بهزیستی حمایت می شود بیان می کند: «در همایش ملی مناسب سازی که در سال ۹۵ برگزار شد مقاله ای در خصوص این موضوع ارائه کردم که توانست نظر مسئولان را نسبت به این طرح جذب کند.

آغاز این طرح از طریق بودجه حمایتی بود که از سوی وزارت رفاه به انجمن باور اختصاص پیدا کرد و در مراحل بعد هم از حامیان بخش خصوصی برای ادامه کار استفاده کردیم؛ لوگو و آرم های حامیان ما در بخش خصوصی در سایت مناسب سازی درج شده است.

تیم بزرگی هم در بخش بازدید و هم در بخش فنی با ما همکاری کردند تا طرح بانک اطلاعات مناسب سازی به این مرحله برسد.»

**«نقض قانون، معلولان را زمین گیر کرده است: «ایران» در گفت و گو با مدیران بهزیستی و تأمین اجتماعی، مشکلات پیش از موعد افراد دارای معلولیت را بررسی می کند»، محدثه جعفری، ۷ بهمن ۱۳۹۵.**

«ایران» در گفت و گو با مدیران بهزیستی و تأمین اجتماعی، مشکلات پیش از موعد افراد دارای معلولیت را بررسی می کند

نقض قانون، معلولان را زمینگیر کرده است

«امروز بیستمین سالی است که پشت میز کارم می نشینم عمری که در این راه گذشته، همراه بود با فراز و نشیب های بسیار و دشواری هایی که شاید مختص به گروهی خاص باشد. دوران دانشگاه را به عشق کار کردن و کسب درآمد و تجربه پشت سر نهادم و با جست و جوی بسیار کاری را یافتم تا بتوانم به خانواده و کشورم خدمت کنم. کار کردن برای معلولانی چون من دشوار تر از دیگران است، چرا که با طلوع خورشید به این فکر می کنم چگونه پستی و بلندی های کوچه و خیابان را پشت سر گذاشته و به محل کار برسم.

در همان سال های اولیه مدیرم با دیدن نامناسب بودن محل کار، اتاق کارم را به طبقه همکف انتقال داد تا مجبور نباشم در صورت خراب بودن آسانسور، سه طبقه را با ویلچر بالا- و پایین کنم. اما مجبورم هر روز ناهار را پشت میزم بخورم، چرا که برای رسیدن به ناهار خوری باید چندین پله را پشت سر بگذارم. نامناسب بودن محیط کار برای من و هموعانم کار کردن را دشوار و طاقت فرسا می کند. تصمیم گرفتم بازنشسته شوم این بیست سال بیشتر از سی سال بر من گذشت.» قانون بازنشستگی پیش از موعد در تاریخ ۱/۹/۶۷ برای حمایت از جانبازان هشت سال دفاع مقدس، معلولان عادی و شاغلان مشاغل سخت و زیان آور در مجلس تصویب شد. اکنون ۲۸ سال است که از اجرای این قانون می گذرد و در طول این زمان تغییراتی را هم در بر داشته است تا بتواند شرایط کار و زندگی را برای افراد دارای معلولیت هموار تر سازد. برای آگاهی از شرایط بازنشستگی پیش از موعد افراد دارای معلولیت و تغییرات ایجاد شده در این قانون با کیوان دواتگران، مدیر کل دفتر توانمندسازی معلولان سازمان بهزیستی کل کشور به گفت و گو پرداختیم که در ادامه می خوانید.

حذف شرط سنی برای بازنشستگی پیش از موعد

کیوان دواتگران، مدیر کل دفتر توانمندسازی معلولان سازمان بهزیستی کل کشور در پاسخ به اینکه افراد دارای معلولیت به چه صورت می توانند از طرح بازنشستگی پیش از موعد استفاده کنند، می گوید: «برای بهره مندی از قانون بازنشستگی پیش از موعد دارا بودن معلولیت و ۲۰ سال سابقه کار کفایت می کند، البته در آیین نامه سال ۱۳۸۵ که هیأت وزیران به تصویب رسانده بود در تبصره ۷ حداقل شرط سنی ۵۰ سال برای مردان معلول و ۴۵ سال برای زنان معلول تصویب شده بود که این بند از قانون بازنشستگی پیش از موعد معلولان حذف شده است.

وی با اشاره به اینکه نوع معلولیت در استفاده از سنوات ارفاقی تفاوتی ندارد، می افزاید: افراد دارای معلولیت باید برای تشخیص شدت معلولیت به کمیسیون پزشکی مراجعه کنند تا شدت از کارافتادگی به دلیل معلولیت محاسبه شده و بر اساس آن بتوانند از ۲ تا ۶ سال سنوات ارفاقی بهره مند شوند. کمیسیون پزشکی که برای محاسبه شدت معلولیت در نظر گرفته شده متشکل از چند پزشک متخصص از ارگان هایی همچون تأمین اجتماعی، وزارت بهداشت و بهزیستی است که به صورت کشوری تشکیل می شود. بنابراین معلولانی که در سایر استان ها زندگی می کنند باید حداقل یک روز یا ۷۲ ساعت به تهران سفر کرده تا در این کمیسیون پزشکی شرکت کنند.

مدیر کل دفتر توانمندسازی معلولان سازمان بهزیستی با اشاره به روند درخواست بازنشستگی برای معلولان می گوید: چنانچه معلولی در اداره ای شاغل باشد می تواند درخواست بازنشستگی پیش از موعد خود را به اداره مذکور تحویل دهد و آن اداره درخواست وی را به بهزیستی استان ارجاع



خواهد داد و بهزیستی استان نیز درخواست را به دبیرخانه کشوری بازنشستگی پیش از موعد معلولان معرفی می کند تا بعد از نامه نگاری های اداری فرد به کمیسیون پزشکی معرفی شود.

دوآتگران در پاسخ به اینکه آیا این قانون در بخش خصوصی هم اجرایی می شود، بیان می کند: در حال حاضر این قانون در ارگان های دولتی و نیمه دولتی اجرایی می شود اما با وجود اینکه افراد شاغل در بخش خصوصی هم مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد می شوند بخش خصوصی پذیرای این قانون نیست. با توجه به اینکه سازمان تأمین اجتماعی از ما استعلام دریافت می کنند اما باز هم مددجویان به ما مراجعه می کنند که این قانون در خصوص آنها اجرایی نشده است. ما تمام پرونده های مشکل دار را به دفتر حقوقی سازمان ارجاع می دهیم.

با توجه به مکاتبات مکرر سازمان بهزیستی با تأمین اجتماعی هنوز علت این مشکلات مشخص نشده است و جواب درستی از سوی تأمین اجتماعی برای اجرایی نشدن این قانون دریافت نکردیم. حتی یک نفر هم از معلولان شاغل در بخش خصوصی نتوانسته از قانون بازنشستگی پیش از موعد معلولان بهره مند شود اما در سازمان های دولتی و نیمه دولتی حدوداً در ماه ۳۰ نفر به بهزیستی مراجعه کرده تا از طریق این قانون بازنشسته شوند.

وی در خصوص مشکلاتی همچون شرط سنی می افزاید: افرادی که با مشکل شرط سنی مواجه می شوند با توجه به ۲۰ سال سابقه کاری که دارند می توانند به دیوان عدالت اداری شکایت کنند یا به دفتر حقوقی بهزیستی استان محل سکونتشان مراجعه کرده و طرح شکایت کنند.»

نادیده گرفتن معلولان شاغل در بخش خصوصی

برای بررسی بیشتر موضوع بازنشستگی پیش از موعد معلولان سری به سازمان تأمین اجتماعی زدیم تا دریابیم چرا افراد دارای معلولیتی که در مراکز خصوصی مشغول فعالیت و کار هستند نمی توانند از این قانون بهره مند شوند.

سید محمدعلی جنانی، مدیرکل امور مستمری های سازمان تأمین اجتماعی در خصوص بازنشستگی پیش از موعد افراد دارای معلولیت می گوید: «سال ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی قانونی را به تصویب رساند که در آن نحوه بازنشستگی جانبازان هشت سال دفاع مقدس و افراد دارای معلولیت مشخص شده است، همچنین اصلاحیه قانون مذکور در سال ۸۳ با رأی نمایندگان خانه ملت به اجرا گذاشته شد و آیین نامه ای که موضوع بند ۳ ماده واحده قانون ذکر شده مصوب سال ۸۵ که براساس آن معلولان حوادث ناشی از کار و معلولان عادی مشمول قانون تأمین اجتماعی در همه وزارتخانه ها، شرکت ها و مؤسسات دولتی، شهرداری ها، بانک ها و... می توانند به شرط داشتن ۲۰ سال سابقه قابل قبول بدون شرط سنی بازنشسته شوند.

طبق بند ۲ و ۳ این ماده واحده قانون مذکور، اگر معلولیت های مربوط به حوادث ناشی از کار یا بیماری های ناشی از شرایط خاص کار باشد و درجه نقص عضو شان ۲۰ تا ۴۰ درصد باشد حداقل ۲ و حداکثر ۵ سال و در درجاتی که بین ۴۰ درصد نقص عضو تا آستانه از کار افتادگی پیش رفته باشد حداقل ۵ و حداکثر ۸ سال می توانند بر اساس میزان معلولیت از سنوات

ارفاقی بهره مند شوند.

وی ادامه می دهد: معلولان عادی بر اساس نوع و شدت معلولیت شان که در کمیسیون های پزشکی محرز می شود بر اساس ۲۰ تا ۴۰ درصد معلولیتی که دارند حداقل ۲ و حداکثر ۳ سال و از

ص: ۱۶۶



۴۰ درصد تا از کارافتادگی حداقل ۳ و حداکثر ۶ سال می توانند از سنوات ارفاقی استفاده کنند این سنوات ارفاقی به ۲۰ سال سابقه ای که دارند افزوده می شود.

در تبصره ۶ ماده واحده این قانون، نحوه پرداخت هزینه های ناشی از اجرای قانون برای دستگاه های دولتی پیش بینی شده است. در تبصره مذکور آمده است هزینه های ناشی از اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد تمامی کارکنانی که در دستگاه های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی مشغول به کار هستند توسط دستگاه های محل اشتغال فرد متقاضی به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می شود.

جنانی با اشاره به روندی که افراد برای دریافت بازنشستگی باید طی کنند، بیان می کند: نهادها و ادارات برای بازنشستگی پیش از موعد کارکنان خود باید مجوزهای لازم اعم از موافقت یا مخالفت با بازنشستگی و تعیین مدت سنوات ارفاقی را از شورای امور اداری و استخدامی کشور که نیابت از آن را صندوق بازنشستگی کشوری دارد اخذ کرده و با درخواست بازنشستگی به سازمان تأمین اجتماعی تحویل دهند. همچنین لازم به ذکر است خدمات مازاد بر ۳۰ سال مشمولان این قانون، در تعیین حقوق بازنشستگی قابل محاسبه نخواهد بود.

مدیرکل امور مستمری های سازمان تأمین اجتماعی در پایان صحبت هایش می افزاید: قانون در ارتباط با آن دسته از افراد دارای معلولیتی که در بخش خصوصی مشغول به کار هستند پیش بینی های لازم را نکرده است. افرادی که در بخش خصوصی شاغل هستند نمی توانند از قانون بازنشستگی «جانبازان جنگک تحمیلی و معلولان» بهره مند شوند، چرا که بخش خصوصی مابه التفاوت هزینه های بازنشستگی پیش از موعد را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نمی کند.»

**«نگاه ویژه «تحول سلامت» به معلولان: نیازهای بهداشتی اقشار کم توان در گپ و گفتی با ایرج حریرچی، قائم مقام وزارت بهداشت»، راضیه کباری، ۲۹ مهر ۱۳۹۵.**

در بازدید قائم مقام وزیر بهداشت از روزنامه ایران سپید به مناسبت روز جهانی نابینایان، فرصتی یافتیم تا از منظر نیازهای بهداشتی درمانی معلولان و نابینایان، نگاهی تازه به طرح تحول سلامت بیندازیم. دکتر ایرج حریرچی در این دیدار ضمن آرزوی اینکه در وزارت بهداشت بستری فراهم شود تا نیازها و مشکلات این قشر بیشتر مورد توجه قرار گیرد، گفت: یکی از اهداف طراحی پرونده الکترونیک سلامت این است که به همه افراد جامعه خدمات بهداشتی درمانی ارائه شود یعنی با ثبت اطلاعات سلامت، هم نیازهای بهداشتی درمانی افراد عادی برطرف شود و هم نیازهای افرادی که معلولیت دارند و دسترسی به خدمات برایشان مشکل است. به این ترتیب نابینایان هم با برنامه های ویژه کامپیوتری خود می توانند گزارش سلامت خود را ثبت کنند و در مراقبت از سلامت خود مشارکت داشته باشند. در طراحی این سیستم پیش بینی های لازم در این باره انجام شده و البته باید به مرور تکمیل شود.

سخنگوی وزارت بهداشت در پاسخ به این سؤال که شما معتقدید پرونده الکترونیک سلامت می تواند بیش از پیش راهی برای ارتباط مؤثرتر ارائه دهنده و گیرنده خدمت ایجاد کند، می افزاید: البته تله مدیسین یا پزشکی از راه دور، یکی از اهداف فرعی تشکیل پرونده الکترونیک است. هدف اصلی این است که اطلاعات مربوط به سلامتی افراد در پرونده سلامت ثبت شود و در جاهای مختلف در دسترس پزشکان و افراد مجاز قرار گیرد تا ارجاع بیمار در این بستر شکل بگیرد و سیاستگذاران اطلاعات مربوط به گروه های مختلف سنی، جنسیتی یا معلولیتی را در دسترس داشته باشند تا بتوانند آنها را تحلیل کنند و اقدامات سیستماتیک و کلی براساس آن طراحی کنند.

برای افرادی که نمی توانند به مراکز بهداشتی درمانی بویژه در شهرها مراجعه داشته باشند، چه برنامه ریزی هایی شده است؟

نظام بهداشتی درمانی ما در شهرها در واقع مشابه نظام روستایی نیست. در سیستم روستایی، بهورز آموزش دیده و براساس برنامه کاری، تک تک افراد تحت پوشش خود را می شناسد و اگر کسی به خانه بهداشت مراجعه نکند به صورت فعال به او مراجعه می کند و خدمات بهداشتی درمانی مورد نیاز او را ارائه می دهد. این شکل خدمات فعال هم در روستایی که بهورز در آن مستقر است انجام می شود و هم از طریق سیستم دهگردی و عشایری و... صورت می گیرد. در سیستم شهری تا قبل از طرح تحول سلامت، عمده ترین خدماتی که ارائه می شد به مراجعین اختصاص داشت. این یک اصل علمی است که وقتی خدمات برای مراجعین ارائه می شود، افراد نیازمندتر کمتر از این خدمات بهره می برند یعنی افرادی که معلولیت دارند یا برای مراجعه، موانع و مشکلاتی دارند مانند افراد خیلی پیر یا دچار محرومیت مالی یا افرادی که به علت موانع شهری، رفت و آمدشان سخت است مثل نایبانیان، به دفعات کمتری به مرکز بهداشتی درمانی مراجعه می کنند. در حالی که متوسط نیاز این افراد بیشتر است. وقتی سیستمی فعال باشد مراقب سلامت، به این افراد مراجعه می کند و به این ترتیب کسانی که نیاز بیشتری دارند خدمات بیشتری می گیرند. به علاوه با توجه به پیشرفت هایی که در مبادلات اطلاعات در سطح کشور از بستر اینترنت فراهم می شود در آینده می توانیم پزشکی از راه دور را هم به پیش ببریم. دکتر هاشمی، وزیر بهداشت نیز هدف اصلی دوره فعلی وزارت بهداشت و دولت یازدهم را گسترش پوشش خدمات بهداشتی درمانی از روستاها و شهرهای زیر ۵۰ هزار نفر به شهرهای بزرگ اعلام کرده است. این هدف بلندپروازانه و غیر قابل دسترس نیست.

آقای دکتر در سرشماری های عمومی جمعیتی گزینه ای برای کنترل جمعیت معلولان در نظر گرفته نشده است اما به نظر می رسد پرونده الکترونیک سلامت بخوبی خواهد توانست این آمار را در اختیار گروه های مرجع قرار دهد.

بله همین طور است. در گرفتن آمارهای عمومی، از خوداظهاری استفاده می شود که دقت بالایی ندارد. ما در وزارت بهداشت، از دو روش به این اطلاعات دست می یابیم. یکی سیستم پرونده سلامت است. در این سیستم بعد از اینکه مشخص می شود کسی معلولیت یا بیماری دارد سلامتی فرد ارزیابی و ثبت می شود. یکی از اهداف و دستاوردهای پرونده الکترونیک سلامت این

است که اطلاعات با دقت بیشتری توسط افراد ذی صلاح بهداشتی درمانی ثبت شود. روش دیگر که دقت بیشتری دارد این است که وضعیت سلامتی گروه های جمعیتی را به مدت طولانی تحت نظر داشته باشیم، وزارت بهداشت هم براساس پراکنش جمعیت ها، قومیت ها و سطوح اقتصادی و اجتماعی مختلف گروه هایی را تعریف کرده است که علاوه بر اینکه همه کارهای بهداشتی درمانی آنها انجام می شود، اطلاعات سلامتی آنها با دقت بسیار ثبت می شود. آمار این گروه های جمعیتی به کل کشور قابل تعمیم است. این آمار دقیق تر است و می توانیم بر اساس آن سیاستگذاری های کلی را انجام دهیم.

اغلب طرح های تحقیقاتی در زمینه تشخیص و درمان نابینایی به دلیل مشکلات بودجه ای خوب پیش نمی روند این در حالی است که اگر مطابق با کارهای تحقیقاتی جهانی جلو برویم در آینده باید وارد کننده این تکنولوژی باشیم. برای کمک به این طرح ها چه می توان کرد؟

یکی از مهم ترین عرصه هایی که خیرین می توانند در آن وارد شوند و در حال حاضر نیز در سطح جهانی از آن استقبال می شود کار خیر و عام المنفعه در حوزه پژوهش است. ما کسانی را که می خواهند کار خیر انجام دهند به ورود در این حوزه دعوت می کنیم. خیرین در این حوزه می توانند هم در زیرساخت های تحقیقاتی وارد شوند و هم در طرح های تحقیقاتی خاص مثل معلولیت ها ...

در موضوع نقش غربالگر ژنتیک در بروز انواع معلولیت قابل پیشگیری و بیماری هایی که درمانشان هزینه های سنگینی را بر سیستم سلامت تحمیل می کند، وزارت بهداشت چه سرمایه گذاری می تواند داشته باشد؟

در تمام دنیا غربالگری ها یا پیشگیری ثانویه موضوعی کشوری است که تصمیم گیری، ابلاغ روش ها و تأمین هزینه های آن برعهده حاکمیت هاست که بر اساس محاسبات علمی و اقتصادی و با توجه به شرایط هر کشور انجام می شود. البته از نظر علمی باید ثابت شود انجام غربالگری مفید است. به عنوان مثال در امریکا و بعضی از کشورهای اروپای غربی، غربالگری درباره بعضی از سرطان ها اصل شمرده می شد که بعد از مدتی مشخص شد از نظر علمی و هزینه اثربخشی مؤثر نبوده اند. بعضی از غربالگری ها که در حجم انبوه انجام می شود ممکن است مضراتی بیشتر از منافع داشته باشد. پس غربالگری جزو وظایف حکومتی است، وزارت بهداشت نیز باید با توجه به مستندات علمی و کارایی روش های غربالگری و شرایط اقتصادی بهداشت و درمان کشور در این مورد تصمیم گیری کند. من توصیه می کنم کسانی که قصد انجام آزمایش های غربالگری را دارند به توصیه های وزارت بهداشت توجه کنند. برخی از غربالگری ها را خود وزارت بهداشت انجام می دهد گاه وزارت بهداشت توانایی انجام آزمایشی را ندارد که انجام آن را برعهده خود افراد می گذارد. ما باید غربالگری هایی که مفید هستند را انجام دهیم ولی در مورد نحوه غربالگری و مشاوره ژنتیک باید بر اساس دستورالعمل های کشوری عمل کنیم. ما هم معتقدیم پیشگیری از معلولیتی که فرد و خانواده اش را عمری در گیر می کند ضرورت دارد.

«زندگی همیشه یک لذت است؛ لذت دوست داشتن و دوست داشته شدن. هدیه دادن و هدیه گرفتن. خاص بودن و دیده شدن. لذت از زندگی لذت بردن. شادیار خدایاری و همکارانش در فروشگاه مجازیشان می...خواهند در لذت این زندگی همراه شما باشند.» این ها را از زبان مهندس «شادیار خدایاری» می شنویم. کارآفرین نابینایی که سعی کرده دو جنبه مختلف از شخصیتش را با هم آشتی دهد و دست به کار شغلی شود که هم ارضا کننده طبیعت هنری اش باشد و هم روح علاقه مند به رایانه و تکنولوژی اش را راضی نگه دارد. در دفتر کارش، رو به روی شادیار می نشینیم و این جملات را از زبان او، به عنوان مانیفست فعالیتش می شنویم.

متولد خرداد ۱۳۶۰ است و برخلاف بسیاری از دانش آموزان نابینا، دوره دبیرستان را به جای نشستن سر کلاس های ادبیات و علوم انسانی، به دنبال علاقه شخصی اش رفته و ریاضی فیزیک خوانده. «در سال هایی که دوره دبیرستان را می گذراندم، هنوز از اندک قدرتی برای دیدن برخوردار بودم. تخته را نمی دیدم اما اعضای خانواده به کمکم می آمدند و در مواقعی که توان خواندن کتب را نداشتم، آنها را برایم ضبط می کردند.» از جمله آدم هایی است که برنامه نویسی را از همان سال های آغازین همه گیر شدن رایانه میان ایرانیان آغاز کرده است: «علاقه مندی ام به رایانه و برنامه نویسی باعث شده بود از همان سال های دبیرستان، درگیر فوت و فن های برنامه نویسی باشم به طوری که در طول چهار سال دبیرستان، همیشه عضو تیم برنامه نویسی مدارس بودم که در آنها تحصیل می کردم.» ماجرای کنکور و انتخاب رشته و حواشی آن، نخستین پیچ دشوار بیشتر جوان های ۱۹-۱۸ ساله است: «سالی که برای کنکور ثبت نام می کردم، مدام درگیر کشمکش میان انتخاب موسیقی یا رایانه به عنوان رشته تحصیلی ام بودم. سرانجام هم پیروزی از آن موسیقی شد و در رشته آهنگسازی در دانشکده هنر های زیبای دانشگاه تهران پذیرفته شدم.» دانشکده های هنر، عموماً مکانی برای پیوند هنرمندان شاخه های مختلف هنری به حساب می آیند. «چهار سال حضورم در این دانشکده، مرا با دوستانی از شاخه های دیگر هنری پیوند داد که همین ارتباطات، حالا دستمایه ای شده برای اینکه بتوانم با دستی باز، هنر و تکنولوژی را به هم برسانم.»

اگر در دوره کارشناسی، هنر بر تکنولوژی چربیده بود، در مقطع بالاتر، ورق بر می گردد و تکنولوژی، برنده کشاکش درونی شادیار می شود: «مهندسی نرم افزار، رشته ای بود که برای مقطع کارشناسی ارشدم برگزیدم اما همواره در فکر پیدا کردن نقطه مشترکی میان هنر و فناوری بودم.» آن هایی که دستی در دنیای اینترنت داشته باشند می دانند که این روزها، کسانی در بازار اقتصادی برنده می شوند که بتوانند کاربران این حوزه را جذب خود کنند و کالا و خدماتشان را از این راه به آنها عرضه کنند. با همین اصل است که شادیار و همکارانش برای ارائه محصولات هنری شان به سراغ اینترنت می روند: «در این سایت فروش، دو گروه با هم در تعامل قرار می گیرند: گروه اول هنرمندانی هستند که محصولات عرضه شده را تولید می کنند و دسته دوم، آن هایی را شامل می شود که به قصد خرید کردن وارد سایت می شوند. آنچه در اینجا عرضه می شود، شامل محصولاتی است که همگی به شکل دست ساز تولید شده اند. این دست ساز بودن، به آن معنا نیست که تمامی آثار، لزوماً هنری به

حساب می آیند.» استفاده از سایت هایی که محوریت اصلی شان تصویر و عکس باشد همیشه برای نابینایان درد سر ساز بوده است اما مدیر سایت که یک نابینا باشد، قطعاً در طراحی هایش، هموعانش را هم در نظر می گیرد: «من در طراحی این سایت سعی کرده ام تمامی جوانب دسترس پذیری را برای نابینایان و کم بینایان لحاظ کنم. افزون بر این، همه عکس هایی که از آثار مختلف روی سایت مشاهده می شود، از توضیحات کاملی برخوردار است.» اگر چه خرید کردن برای هر کسی ممکن است لذت بخش باشد اما خرید کردن برای نابینایان پروسه ای سخت و دشوار است چرا که یا باید با یک همراه اقدام به انجام چنین کاری بکنند، یا در زمانی که خود به تنهایی به چنین مکان هایی مراجعه می کنند، به توضیحات و سلیقه فروشنده اعتماد کنند که در بیشتر مواقع هم در هیچ کدام از این دو حالت، نتیجه دلخواه به دست نمی آید. اما امروزه با گسترش و رونق فروشگاه های آنلاین، با توضیحاتی که برای عکس ها در نظر گرفته شده، کاربر نابینا قادر خواهد بود نسبت به تمامی آثار موجود در این فروشگاه اینترنتی اطلاعات کافی را کسب کند و بعد اقدام به خرید کند.

همان طور که اشاره شد بر همگان آشکار است که امروزه تهیه هدیه یا خرید کردن برای افراد عادی نیز مستلزم صرف وقت و هزینه زیادی است به اضافه ایجاد آلودگی زیست محیطی، به همین خاطر است که در دنیا همه به سمت خریدهای آنلاین می روند. «این ایده، از دو جهت می تواند سود بخش باشد: اول اینکه سفر های بی مورد را کم می کند و افراد دیگر نیازی به خروج از منزل برای خرید از گالری ها یا فروشگاه های فروش هدیه نخواهند داشت و به این ترتیب می توانیم اثری هر چند کوچک، در کاهش ترافیک و آلودگی هوا داشته باشیم. دومین مورد که این روزها در بسیاری از فروشگاه هایی که شعار بازگشت به طبیعت را مطرح می کنند دیده می شود این است که در طراحی بسته بندی برای آثاری که به فروش می رسانند، ضمن رعایت اصل شکیل بودن، تماماً از موادی استفاده می کنند که قابل تجزیه باشند. انواع پلاستیک در بسته بندی های آنها جا ندارد و بسته ها، همگی از پارچه و مقوا ساخته می شوند.»

آثاری که در این سایت به فروش می روند، از این قاعده مستثنی نیستند.

**«هنوز با پنهان کاری مواجه ایم: رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی همزمان با روز جهانی معلولان در گفت و گو با «ایران»»، محبوبه مصرقانی، ۱۲ آذر ۱۳۹۶.**

هر کدام از جمعیت یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفری معلولان کشور، دوران تحصیلی حتماً گذرشان به سازمان آموزش و پرورش استثنایی افتاده است؛ سازمانی که طی جدیدترین آمارها به امر آموزش ۱۲۳ هزار نفر از دانش آموزان معلول مشغول است. مجید قدمی معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی که بعد از یک رکود ۸ ساله پنج سال پیش مجدداً به این سازمان بازگشت و سکاندار آموزش و پرورش دانش آموزان معلول شد معتقد است وظیفه سازمان متبوعش تنها در امر آموزش خلاصه نشده و وظایف مختلفی بر عهده شان است که هر کدام از این وظایف

بودجه ۹۴ میلیارد تومانی این سازمان را می بلعد. به مناسبت ۱۲ آذر (سوم دسامبر) روز جهانی معلولان دکتر مجید قدمی متولی سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور دعوت توانش را اجابت کرد و در نشستی صمیمی و انتقادی با حضور سهیل معینی نماینده انجمن های مردم نهاد، دکتر مهدی صادقی نژاد استاد دانشگاه و کارشناس حوزه آموزش و پرورش استثنایی، مجید سرایی و امید هاشمی دو نفر از فارغ التحصیلان آموزش و پرورش استثنایی حاضر شد و به سؤالی آنها پاسخ گفت. در ادامه مشروح گفت و گوی این جلسه را می خوانید.

در ابتدا سهیل معینی نماینده انجمن های مردم نهاد از رئیس سازمان استثنایی کشور خواستار ارتباط گسترده تر میان سازمان با انجمن معلولان شد و ادامه داد: من در آغاز از شما خواهش می کنم که ارتباطمان با سازمان گسترده تر شود ما با سازمان بهزیستی ارتباط گسترده ای داریم و می طلبد که با آموزش و پرورش استثنایی نیز ارتباطی با همین کیفیت وجود داشته باشد.

دکتر قدمی رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی: بله من به همکاران سپردم که هم ارتباط بیشتری صورت گیرد هم اینکه از دیدگاه های شما عزیزان بیشتر استفاده شود.

سهیل معینی: از این جهت در خواست ارتباط بیشتر داشتم که از این دو سازمان متولی «بهزیستی» که جلو نظرهاست و به نحوی اگر در رسانه ها ورقی بزینیم از بهزیستی اخبار زیادی می بینیم. اما در مورد «آموزش و پرورش استثنایی» چنین فضایی وجود ندارد که به نظر من یک عیب است و باعث می شود عملکرد سازمان دیده نشود. در چنین فضایی نمی توان پشتیبانی برای سازمان جذب کرد. سازمان در هشت سال دولت قبل وضعیت مساعدی نداشت و به نحوی عقب مانده شده بود. چرا که ارتباط سازمان با انجمن های معلولان ضعیف است؟

قدمی: در آن هشت سال سازمان به حالت ایستا در آمده بود و افرادی غیرمتخصص در سازمان مسئولیت را برعهده داشتند.

معینی: من یادم است یکی از مسئولان سازمان را در جلسه مربوط به عملکرد سازمان صدا و سیما در بحث فرهنگسازی تعامل با معلولان دیدم. ایشان آنجا یک پیشنهاد خیلی عجیب داد که شبکه معلولان راه اندازی کنیم. من بعد از جلسه به سراغشان رفتم و گفتم این چه پیشنهادی است. ما سعی مان این است که در لا به لای برنامه هایی که پخش می شود پیام مان را به مردم بدهیم تا پیام مان دیده شود. اگر شبکه معلولان راه اندازی کنیم چه کسی مخاطب آن خواهد بود و برنامه هایش را تماشا می کند؟ نگاه ما نباید نگاه جدا سازی باشد و این از شما که متولی سازمان آموزش و پرورش استثنایی هستید دور از انتظار است.

قدمی: من باید توضیحاتی را در مورد سؤال شما بدهم. ما در مواقعی سعی می کنیم عملاً دیده نشویم و از نظرها دور باشیم. این خود یک «نگاه» است. نظر من این است که زیاد دیده شدن هم می تواند تهدیدی به حساب آید. برای مثال بخش هایی به بودجه سازمان نگاه خاص خواهند کرد. من انتهای سال ۸۴ سازمان را تحویل دادم و در انتهای سال ۹۲ تحویل گرفتم که پس از تحویل گیری احساس کردم سازمانی که زمانی در آن خدمت می کردم شرایط خاصی پیدا کرده است. پس شروع به شناسایی شکاف ها کردیم و در ابتدا شاخص هایی را تعیین کردیم تا ببینیم چقدر با چیزی که تحویل دادیم فاصله گرفته ایم. به جرأت می گویم با بررسی انجام شده مشخص شد ما اگر ۴-۵ سال کار کنیم



تازه می شویم سال ۸۴ که سازمان را تحویل دادیم. برای نمونه مبحث «بیمه آتیه» طرحی بود که اشتغال بچه ها را در آینده تضمین می کرد. ولی از بین رفت. حمایت هایی مشابه طرح آتیه در کشورهای پیشرفته نیز وجود دارد. منتفی شدنش منجر شد به این نتیجه برسم که ما کارمان را انجام دهیم اما زیاد سر و صدا نکنیم. بودجه ۲۴ میلیاردی سازمان امسال به ۹۶ میلیارد رسیده است و شما هیچ ارگانی را سراغ ندارید که ۴۰۰ درصد رشد بودجه داشته باشد.

دکتر صادقی نژاد: این بودجه در چه بخش هایی صرف شده و ارتباطش با درخفا کار کردن چیست؟

قدمی: ما بودجه را در بخش های مختلف تقسیم کردیم. سرویس ایاب ذهابی که در شهرستان ها هزینه اش را ۸۰ درصد خانوارها و ۲۰ درصد دولت پرداخت می کرد جابه جا کردیم. به این معنا که الان سرویس بچه ها را ۸۰ درصد دولت و ۲۰ درصد خانوارها تقبل می کنند. در این مبحث جای تشکر از شهرداری تهران وجود دارد که سرویس بچه ها را در تهران به صورت رایگان تقبل کرده است. بودجه مورد نیاز در این زمینه تقریباً ۳۸ میلیارد تومان است که حدود ۲۳ میلیارد تومان آن را مصوب داریم. ۱۵ میلیارد این وسط خلأ وجود دارد که با کار شهرداری تهران ۶-۷ میلیاردش جبران می شود و ۷-۸ میلیارد باقی مانده را ما در مناطقی که احساس کردیم توانایی پرداخت هست از خانواده ها درخواست کردیم که ۳۰ تا ۴۰ درصد هزینه را تقبل کنند تا ما بتوانیم مناطق محروم را به صورت رایگان خدمات بدهیم. ولی ما این مهم را زیاد اعلام نکردیم. همچنین در بحث کتاب های بچه ها. بدون شک اول مهر کتاب ها روی میز دانش آموزان قرار دارد چیزی که در چند سال گذشته وجود نداشت. مگر کتاب جدید التالیف که سازمان پژوهش به دست ما نرسانده باشد. این کارها، کارهای بی سر و صدایی بود که انجام شد. ما در زمینه آموزش کارمان کیفی شده. شاخص مان هم قبولی های دانشگاه سراسری است. امسال حدود ۳۸۰ نفر قبولی در دانشگاه های سراسری آنها با رتبه های یک و دو رقمی داشتیم که اغلب شان هم نایبنا هستند. ما در حال حاضر داریم هزینه های درمانی دانش آموزان را می پردازیم. نزدیک به ۲۰۰ کاشت حلزون انجام دادیم. بیش از ۵۵۰۰ دانش آموز شناسایی کردیم که داروی مستمر مصرف می کردند که هزینه آن را پرداخت کردیم. ویلچر، عینک، سمعک، تحویل خانواده ها دادیم. چند روز گذشته هم بخشنامه ابلاغ شد به مدارس که والدین هر چه فاکتور درمانی دارند بیاورند تا ما هزینه اش را به آنها پرداخت کنیم. چیزی حدود ۳/۵ میلیارد برای این بخش پیش بینی کردیم. در استان هایی که نیروی توانبخشی نداریم مانند هرمزگان، بوشهر و غیره نیروی توانبخشی مثل گفتار درمانگر مستقر کردیم. اگر خانواده ای به تشخیص متخصص فرزندش نیاز به کلاس های گفتار درمانی یا توانبخشی داشت می تواند برود خدمات را دریافت کند و فاکتورها را برای ما بیاورند. یعنی به دو شکل مشکل را حل کردیم و تأکید می کنم در این موارد اصلاً سر و صدا نکردم. چرا که شاید بگویند تو کار آموزشت را انجام بده. در صورتی که در کشور های دیگر خدمات به صورت جامع به دانش آموزان معلول ارائه می شود. چرا که در مدرسه شان هم خدمات آموزش هم درمان نیز ارائه می دهند.

صادقی نژاد: در حوزه آموزش چه خدماتی انجام شده؟



قدمی: در حوزه آموزش سعی کردیم برنامه های مختلفی را برای دانش آموزان در نظر بگیریم؛ برای مثال دستگاه پرکینز برای دانش آموزان نابینا از خارج کشور خریداری و به ۹ استان ارسال کردیم. ما تحویل دستگاه پرکینز را از دوره متوسطه آغاز کردیم و قصد داریم به سمتی برویم که دستگاه را به مالکیت فرد دریاوریم. تقریباً قیمت هر دستگاه سه تا چهار میلیون تومان است. من نگاهم این است که چون تعداد بچه های نابینا محدود است. خدمات حمایتی باید تمام دانش آموزان را پوشش دهد. به تمام دانش آموزان کم بینا تبلت دادیم. همچنین دفترچه تقویت لامسه تولید و لوح و راهنمای خط بریل فارسی را توزیع کردیم بیش از ۱۰ عنوان محتوای آموزشی راهنمای معلم برای تعمیر و نگهداری ماشین پرکینز، آموزش بریل، تحرک و جهت یابی و... تولید کردیم. همچنین کار دیگری که انجام دادیم انجمن مرکزی اولیا و مربیان دانش آموزان معلول را در کل کشور با کمک خانم دکتر کاویان پور راه اندازی کردیم. به این منظور مراکزی را راه اندازی خواهیم کرد و این در ۲۱ استان سازماندهی شده است. و مجموعه امکانات نیز برای آنها مهیا شده است.

معینی: این برای اولیای دانش آموزان ذهنی فقط راه اندازی شده؟

قدمی: خیر تمام گروه های معلولیت اعم از نابینا، ناشنوا، جسمی، حرکتی و غیره.. و یک برنامه ریزی کامل برای آموزش اولیا در این انجمن ها انجام خواهد شد. کار دیگر اینکه با هماهنگی کمیته ملی پارالمپیک استعداد یابی کردیم. در این راستا تعداد بچه هایی که هر ساله به اردو می رفتند از ۶۰۰ و ۷۰۰ نفر به چهار هزار نفر افزایش پیدا کرد. چهار هزار کودک معلول را شما در فصل تابستان به اردو ببری هزینه زیادی دارد و ما چیزی حدود ۱۰ میلیارد تومان در این زمینه صرف کردیم.

صادقی نژاد: اینجا سؤالی مطرح می شود. ببینید ما خیلی در بحث اردوهای تابستانی گله مندی داشتیم. سال گذشته در شهر تهران وضعیت دانش آموزان خوب نبود. با بررسی در سطح شهر تهران دیدم که ۵ پایگاه تابستانی که هر سال پذیرای بچه ها بود امسال فعال نشد.

قدمی: شما مبحث پایگاه ها را می گوئید من در مورد اردوهای تابستانی خدمت تان عرض کردم این دو از هم جدا هستند. و توضیح خواهم داد.

معینی: در مورد اردوها ما شکوه و شکایت زیادی داشتیم که بچه ای که در آموزش فراگیر درس می خواند به اردو برده نمی شد چرا که کسی قبول مسئولیت نمی کرد کودک را همراهی کند. و این مسأله چندین مورد بود چه در تهران چه در استان های مختلف. این اجحاف بزرگی است که کودکی که در مدرسه عادی درس می خواند نتواند با همکلاسی هایش به اردو برود. در نتیجه می توان گفت وضعیت اردو ها مناسب نبودند.

قدمی: اردوها در سال گذشته ۵ برابر قبل شده بود. مبحث مطرح شده مربوط به اردوهای متمرکز بود. ما در گذشته به استان ها اعتباراتی اختصاص می دادیم تا پایگاه های تابستانی راه اندازی کنند به این شکل که از هر چند مدرسه استثنایی یک مدرسه به صورت پایگاه تابستانی در نظر گرفته می شد. در آن سال ها این موضوع در شهرستان ها اجرا می شد و در تهران نیز ما کلا- با مدیریت استثنایی تهران مشکل داشتیم که کمتر از یک سال است که مدیریت جا به جا شده و خانم کریمی مسئولیت را به عهده دارند. ما این مقاومت در بحث فراگیر سازی را در همه موضوعات داریم حتی اردوهای تابستانی. بله

افراد در پذیرفتن مسئولیت شانه خالی می کنند و این نیاز به فرهنگ سازی دارد هر جا که توانستیم

ص: ۱۷۴

فرهنگ سازی کنیم توانستیم به آموزش عادی نزدیک بشویم. ما به این جمع بندی رسیدیم چیزی حدود ۷۳ هزار دانش آموز در سیستم مدارس خاص خودمان داریم و حدود ۵۵ هزار نفر هم در مدارس عادی داریم. گفتیم که از این ۷۳ هزار دانش آموز ۵ درصدشان را هم پوشش دهیم کافی است با این نگاه که آموزش عادی کمتر از ۳-۴ درصد دارد در بحث اردو ها پوشش دارند. ما در تابستان امسال دانش آموزی داشتیم که هزینه بلیت برای اردو نزدیک یک میلیون تومان شد. من نظرم این است که ما در اردو ها خوب عمل کردیم یک دوستی در این زمینه نظری مطرح کرد چه خوب است شما هم نظرتان را بیان کنید. او گفت که شما ۱۰ میلیارد را که هزینه اردو کردی به بخش پایگاه ها اختصاص می دادی به این صورت که جای آنکه اردو ببری پایگاه های آنرا دوباره راه می انداختی. ببینید این یک «نگاه» است. در بحث پایگاه های تابستانی باز پای سرویس به میان می آید. چون اگر آن نباشد که اصلاً پایگاه راه نمی افتد و در تابستان بحث نیروی انسانی که حاضر باشد بیاید و غیره. ما گفتیم با تفاهمی که با کمیته ملی پارالمپیک انجام می دهیم چند هدف را دنبال کنیم آنکه هم بتوانیم به ورزش قهرمانی در حوزه معلولان کمک کنیم ضمن آنکه با راه افتادن این اردوها پایگاه های تابستانی هم پا بگیرد چون پایگاه های تابستانی می تواند مبنایی برای انتخاب این دانش آموزان باشد دقت کردید که در اینجا جاذبه ایجاد شد. برای سال آینده حدود سه میلیارد تومان برای فعال سازی پایگاه ها در نظر گرفتیم. البته می دانید که بودجه برای سال آینده یک مقدار شرایطش تغییر خواهد کرد. چرا که سیاست انقباضی است و ما رشد بودجه آنچنانی نخواهیم داشت. روز ملی پارالمپیک دیدید که این بچه های ما بودند که افتخار آفرینی کردند در حال حاضر برای مسابقات داخلی و خارجی بچه های ما آماده حضور در میدان هستند. در کل مجموعه اعتبارات طوری توزیع شد که اولاً تمامی گروه های معلولیت تحت پوشش قرار گرفتند دوم یک پایه مناسب در نظر گرفتیم که روی آن بتوانیم کارهای دیگرمان را انجام دهیم. ببینید وقتی دانش آموزت قهرمان می شود من از همین توانمندی استفاده می کنم و اعتبار مربوطه را سال بعد می گیرم. شما اگر این کار را نکنی و فقط در حد پایگاه هایت بمانی می شود همان نتیجه سال های قبل.

صادقی نژاد: بحث دیگری که روی آن دغدغه فراوان داریم بحث تربیت معلم است. این یکی از سؤالات جدی ما است.؟

قدمی: خروجی ما در سال ۶۰۰ نفر است. و در سال آینده ما ۸۰۰ بازنشسته خواهیم داشت. و ورودی ما حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر است. یعنی یک چهارم. آموزش و پرورش استثنایی هم جایی نیست که شما اطلاعیه بدهی از بیرون معلم جذب کنی. اینجا نیروی متخصص نیاز است. همین نیروی متخصص را هم باید یک سال تربیت کنی. ما برای تأمین معلم چند کار انجام می دهیم نیروهای توانبخشی که از دانشگاه توانبخشی می گیریم که حدود ۲۰۰ نفر هستند. از دانشگاه فرهنگیان نیز حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نیروی طرحی می گیریم. ۳۰۰ نفر هم ما باید از طریق آزمون ها نیرو جذب کنیم این نیرو ها کیفیت شان مثل نیروهای دانشگاه فرهنگیان نیست. ببینید من خودم معلم دانش آموزان استثنایی هستم من روز اول مهر بلد بودم چگونه با کودک رفتار کنم در حال حاضر معلم تازه اول مهر گیج آن است که چگونه با بچه ارتباط بگیرد.

صادقی نژاد: «تربیت معلم» که اصل اساسی همان تربیت است. در گذشته معلم باید دو ساعت در هفته دوره کار ورزی می دید. در حال حاضر ما معلمی در کلاس نابینایان داریم که خط بریل بلد نیست.

قدمی: متأسفانه این دوستان زمانی جذب سازمان شدند که به صورت فله ای در سازمان جذب نیرو می شد. ما به این نیروها در حال آموزش هستیم. من خودم موردی دیدم که شخص معلم کلاس اوتیسم بود و هیچ درکی از شرایط کارش نداشت. ما در ۱۵۷۰ مدرسه در کشور داریم. مدرسه به مدرسه کنترل کردیم و افراد آموزش ندیده را شناسایی کردیم. ما درصد حقوقی که بابت استثنایی به این افراد داده می شد را قطع کردیم تا زمانی که فرد شرایط احراز شغلش را پیدا کند. این افراد باید دوره کارورزی را بگذرانند.

معینی: در آموزش و پرورش استثنایی چند نفر مشغول به کار هستند؟

قدمی: حدود ۲۳ هزار نفر کادر آموزش و پرورش استثنایی هستند و حدود ۱۷ هزار نفرشان معلم هستند واقعاً کمبود نیرو داریم با توجه به آنکه برای دانش آموزان کم توان ذهنی مان دو دوره متوسطه قرار دادیم که خود نیازمند نیروی انسانی است. قبلاً این بچه ها فقط تا ششم درس می خواندند اما الان بچه ها بعضاً تا ۲۳ یا ۲۴ سالگی با ما هستند که تبعات خاص خودش را نیز دارد.

معینی: در این ۱۷ هزار معلم آیا کادر رابط را هم شامل می شود؟

قدمی: کادر رابط بخش خیلی کمی از این افراد را تشکیل می دهند و بخش اعظم معلمان رابط را از نیروهای بازنشسته متخصص خودمان بهره گرفته ایم. همچنین نیروهای علاقه مند در سیستم آموزش عادی که تحصیلات مرتبط دارند را در این بخش به کار گرفته ایم بخش دیگر معلمان رابط مان را تشکیل می دهند. ما برای این افراد دوره گذاشتیم.

معینی: من یک سؤالی دارم که همیشه مطرح است. جمع دانش آموزانی که داریم چیزی حدود ۱۲۰ تا ۱۳۰ هزار نفر است. این در حالی است که آمار چیز دیگری می گوید و همیشه بحث بوده که تعداد بچه های استثنایی خیلی بیشتر از این اعداد است. چرا که تعداد معلولین خیلی بیشتر از این تعداد است. این سؤال ذهن خیلی ها را مشغول کرده پس بقیه کجا هستند؟ و شاخص آموزش و پرورش استثنایی برای پر کردن این شکاف چیست؟ شما در نظر بگیرید اگر ۳۰ سال پیش در این مورد صحبتی می شد هضمش خیلی راحت تر بود چرا که در روستاها خیلی افراد داشتیم که تحصیل نمی کردند. الان که ۷۰ درصد مردم شهرنشین هستند. چرا اینقدر فاصله وجود دارد.

قدمی: در این مورد تأمل بسیاری شده. سؤالی که مطرح می شود این است که آیا ما کل کشور را پوشش دادیم؟ من می گویم بله. ۲۴ مرکز شبانه روزی در کشور وجود دارد که در دور ترین مناطق هم اگر بچه وجود داشته باشد تحت پوشش قرار می گیرد. بدون آنکه حتی ریالی پول پرداخت کند. پس آموزش و پرورش به رسالت خودش عمل کرده است. حتی سرویس ایاب ذهاب هم تا ۳۰ کیلومتر از خروجی شهر ها را پوشش می دهد دور تر از آن هم که دانش آموز در مدارس شبانه روزی مستقر می شود. اما چرا باز ما اینقدر با آمار اصلی فاصله داریم؟ ما در این حوزه با چند مسأله رو به رو هستیم که یک به یک

برای شما شرح می‌دهم. یک «پدیده پنهان کاری»: این پدیده حتی در تهران هم هست. شخص فرزند معلول دارد نمی‌خواهد همسایه‌اش با خبر شود بیچه را در خانه نگه می‌دارد. ما

ص: ۱۷۶

برای موضوع بحث خدمات حمایتی را پیش کشیدیم تا ایجاد جاذبه کنیم چرا که شخصی که فرزندش را از سیستم پنهان می کند با دیدن اینکه مدرسه پول عملش را می دهد تشویق به ثبت نام می شود. ما سال گذشته جراحی های ۴۰ تا ۶۰ میلیون تومانی هم داشتیم. مسأله دوم: الان بچه ای داریم که در حال درس خواندن است اما اصلاً به سراغ آموزش و پرورش استثنایی نیامده. یعنی مستقیم در سیستم عادی درس می خواند. در سنجش سیستمی صورت الکترونیکی را طراحی کردیم که هر دانش آموز کوچکترین نقصی هم داشته باشد اعلام می شود تا شرایط تحصیل برایش تسهیل شود. اما طی چند سال گذشته دانش آموزانی را که جسمی حرکتی بودند و در مدرسه عادی درسشان را خوانده اند و اصلاً برای ثبت نام استثنایی نیامده اند. مورد سوم که جای تأمل زیادی نیز دارد این است درصدی که قصد پوشش داریم با توجه به شرایط فرهنگی کشور در نظر بگیریم. بله در اروپا حداقل ۳ درصد باید در مدرسه باشند در کشور ما می شود ۴۵۰ هزار نفر و ما چقدر دانش آموز تحت پوشش داریم؟ ۱۳۰ هزار نفر. ببینید ما خدماتمان را تا جایی که توانستیم ارائه دادیم. ما باید بپذیریم در بعضی از گروه های دانش آموزان یا افراد با نیازهای ویژه بضاعت علمی پایینی داریم. این را یک عده از دوستان نمی پذیرند. من معتقدم برای مثال در حوزه اوتیسم ابزار تشخیصی تولید کردیم اما کارایی علمی ندارد. هستند کودکانی که اوتیسم شناسایی و به سیستم معرفی می شوند اما وقتی ما می بینیم متوجه می شویم بچه آموزش پذیر نیست. در صورتی سنجش تشخیص داده آموزش پذیر است. دانشگاه فرهنگیان معلم برای بچه اوتیسم تربیت نمی کند. ببینید دانشگاه فرهنگیان مان وقتی برای بچه اوتیسم معلم تربیت نکند آنهم به خاطر آنکه استاد سوادش را ندارد چه کاری از آموزش و پرورش استثنایی ساخته است. با این اوصاف من هر جا که توانستم با تجربیات خودمان مربی تربیت کردیم. ما الان ۲۰۰۰ دانش آموز اوتیسم داریم درحالی که آمار می گوید از هر ۶۸ نفر یک نفر اوتیسم است. با همین معیار ما الان باید بالای ۱۲ هزار فقط دانش آموز اوتیسم داشته باشیم. همچنین در حوزه چند معلولیتی دانش آموز هم نابیناست و کم توان ذهنی است. این بچه بریل یاد نمی گیرد. اما حق آموزش دارد. در این زمینه ما نیاز به تربیت نیرو داریم چرا که علمش را نداریم در حوزه اختلالات رفتاری و عاطفی که کلی ماشاالله کودک داریم که توانایی آموزش به آنها را نداریم. نه تست تشخیصی داریم نه علم آموزش و این خود باعث شده این گروه از کودکان نیز بیرون از آموزش بمانند.

مجید سرایی: سؤالی که دارم مربوط به بحث سازماندهی و مدیریت مدارس است و دیگری ساماندهی کادر آموزشی همین مدارس است؟ مخصوصاً کادر آموزشی، در دوره ای هستیم که باید از جوانان کارشناس استفاده شود اما ما می بینیم که همچنان از بازنشسته ها به عنوان معلم استفاده می شود؟

قدمی: انتخاب مدیر مدرسه توسط رئیس اداره استثنایی انجام می شود. ما آن دسته از رؤسای استثنایی که از سیستم عادی آمده بودند جابه جا کردم چون معتقدیم کار تخصصی است. من به رؤسا سپرده ام. مدیران باید با انگیزه جوان و متخصص باشند. فقط یک مطلبی که با آن رو به رو

هستیم این است که ما در اغلب شهرهای کوچک فقط یک مدرسه داریم و طرف ابلاغ مدیریت را که می گیرد ۲۰ سال مدیر است.

سرای: در بحث معلمان چطور؟ آیا بازنشستگان به کار گرفته می شوند؟

نه بازنشستگان نمی توانند معلم ثابت یک کلاس باشند و این خلاف قانون است. مگر در حد ۱۴ ساعت آن هم در مناطقی که واقعاً نیاز به معلم است. در مواردی هم در حال بازنشستگی است و درخواست ماندن می کنند در این مواقع مدیر می تواند در صورت نیاز قبل از آنکه حکم بازنشستگی داده شده باشد معلم را نگه دارد.

معینی: جناب قدمی سال های سال است که در بحث زیرساخت های اجرایی طرح فراگیر مسائل و مشکلاتی وجود دارد. برای مثال در آخرین گزارش کمیته مناسب سازی شهر تهران از وضعیت مدارس مناسب سازی مدارس شهرستان های تهران می بینیم که سه فاکتور بیشتر ندارد؛ رمپ، سرویس بهداشتی و در ورودی مجموعه. خیلی از مدارس این سه فاکتور را دارند اما واقعاً کافی نیست. بحث مناسب سازی فقط در و سرویس بهداشتی نیست. یک دانش آموز معلول حق دارد به تمامی امکانات مدرسه مانند آزمایشگاه و.. دسترسی داشته باشد. ما با چیزی که باید باشد خیلی فاصله داریم آیا اجرای این طرح با این زیرساخت ها درست است؟

قدمی: ما در ابتدا این طرح را سال ۷۸ در اصفهان و ایلام اجرا کردیم. ببینید آموزش فراگیر یک فرهنگ است و شما باید کار فرهنگی انجام دهید تا این کار جلو رود. باید بپذیریم در حال حاضر نسبت به گذشته جلوتریم. البته در تهران به دلیل شرایط مدیریتی که داشت خوب عمل نشد ولی به مدیریت جدید خانم شهناز کریمی سپرده شده تا این مهم را در اولویت قرار دهند. با تعامل با سازمان نوسازی مقرر کردیم در هر منطقه دو یا سه مدرسه مناسب سازی کامل شود با توجه به اینکه تمام مدارس جدید نیز طبق استاندارد های جدید مناسب سازی می شوند. که دو هزار مدرسه تحت پوشش این طرح قرار می گیرند. ما می پذیریم که حوزه تأمین نیرو کم کار هستیم. اما تمام تلاش ما این است با روند مثبت کار را پیش ببریم. ما تیمی را در هر استان مقرر کردیم تا با پایش این طرح کاستی ها را شناسایی و در مناطقی که عقب بودیم به صورت ویژه پیگیری کنیم. در این جلسه مباحث دیگری همچون راهکارهای تعاملات انجمن ها و آموزش و پرورش استثنایی، نحوه آموزش مهارت های زندگی به دانش آموزان و... مطرح شد که به دلیل کمبود فضا از آوردن این مباحث صرف نظر کردیم. در پایان حاضران با بیان توصیه هایی از قبیل توسعه کمی و کیفی آموزش فراگیر، ساعت کار معلمان تلفیقی، وجود کلاس های چند پایه در سیستم آموزش و پرورش استثنایی، برگزاری اردوها و تورهای ویژه برای دانش آموزان معلول با رویکرد توانمند سازی آنان و... به رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی نشست را به پایان رساندند.

نیم نگاه

«پدیده پنهان کاری»، حتی در تهران هم هست. شخص فرزندان معلول نمی خواهد همسایه اش با خبر شود بچه را در خانه نگه می دارد. ما برای موضوع بحث خدمات حمایتی را پیش کشیدیم تا





ایجاد جاذبه کنیم چرا که شخصی که فرزندش را از سیستم پنهان می کند با دیدن اینکه مدرسه پول عملش را می دهد تشویق به ثبت نام می شود.

در گذشته معلم باید دو ساعت در هفته دوره کار ورزی می دید. در حال حاضر ما معلمی در کلاس نابینایان داریم که خط بریل بلد نیست.

انتخاب مدیر مدرسه توسط رئیس اداره استثنایی انجام می شود. ما آن دسته از رؤسای استثنایی که از سیستم عادی آمده بودند جابه جا کردیم چون معتقدیم کار تخصصی است.

ص: ۱۷۹







## «استفاده انتخاباتی از افراد دارای معلولیت ممنوع»، رایان عمران، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶.

متأسفانه ستاد مناسب سازی فضای شهر تهران نزدیک یک سال است که تشکیل جلسه نداده است

نخستین مناظره کاندیداهای دوازدهمین انتخابات ریاست جمهوری که به مسائل اجتماعی اختصاص داشت روز جمعه گذشته برگزار شد. پس از صحبت کردن یک کاندیدا در مورد خانواده ای با ۸ فرزند معلول حرکتی در تهران و اینکه مورد التفات و رسیدگی قرار گرفته اند، نامه این خانواده نیز در شبکه های مجازی پخش شد شاید همین بهانه کافی باشد تا نکاتی کوتاه را از نظر بگذرانیم. فارغ از تمامی نکاتی که در مناظره فوق مطرح شد توجه ویژه کاندیداها به افراد کمتر دیده شده در جامعه که همان افراد دارای معلولیت و مستمری بگیران سازمان بهزیستی و کمیته امداد باشند از چند منظر حائز اهمیت است و به نظر می رسد که باید مورد کنکاش و واکاوی قرار بگیرد اول اینکه همین توجه به این گروه از افراد جامعه نشان می دهد که مسئولان و دست اندرکاران امور برای کسب رأی به رضایت همه افراد جامعه نیازمند هستند که مهم ترین شان افراد دارای معلولیت و مستمری بگیران هستند و برخی از کاندیداها نیز از این راه وارد شده اند و سعی دارند با شعارهای پوپولیستی و وعده های سوزناک دل و رأی این گروه از جامعه را به دست آورند. غافل از اینکه افراد دارای معلولیت عموماً جزو اقشار تحصیلکرده جامعه هستند و به خوبی آگاهند که با شعار مشکلات افراد دارای معلولیت حل نمی شود. مشکلات افراد دارای معلولیت با بازدیدهای سرزده دم دمای انتخابات حل نمی شود! مشکلات افراد دارای معلولیت با بذل و بخشش حل نمی شود، مشکلات افراد دارای معلولیت زمانی حل می شود که معلول جسمی - حرکتی بدون دغدغه از مناسب نبودن امکانات شهر بتواند با ویلچرش راحتی در شهر تردد کند. هنوز متأسفانه عمده شهروندان معلول نمی توانند از سیستم اتوبوسرانی بی آرتی استفاده کنند، به دلیل اینکه نه اتوبوس ها به لحاظ فنی مجهز به رمپ اتوماتیک هستند و نه کادر حمل و نقل آموزش دیده اند که با شهروندان معلول چگونه تعامل کرده و آنها را هدایت کنند. هنوز در تهران پر از تقاطع نابینایان ما امکان استفاده از چراغ گویا را ندارند و هنوز در ایستگاه های مترو پایتخت شاهد حوادثی برای افراد دارای معلولیت هستیم از سوی دیگر، بسیاری از پارک هایی که ایجاد می شوند همچنان ضوابط دسترس پذیری را به طور کلی رعایت نمی کنند.

برای مثال در ورودی پارک رمپ می گذارند و وقتی معلولان حرکتی وارد پارک می شوند همچنان سرویس های بهداشتی، رستوران ها، کافی شاپ ها، فضای ورزشی و تفریحی برای آنها قابل استفاده نیست. از این رو زمانی می توان از دسترس پذیری حرف زد که همه خدمات قابل دسترس باشند، در حالی که این گونه نیست. به گفته مسئولان امور شهری، تهران برای افراد دارای معلولیت شهری امن نیست به همه اینها اضافه کنید که به اذعان اعضای شورای شهر و دست اندرکاران امور معلولان

متأسفانه ستاد مناسب سازی فضای شهر تهران نزدیک یک سال است که تشکیل جلسه نداده است در حالی که قانون جامع حمایت از حقوق معلولان به طور مشخص شهرداری ها را موظف به پیگیری و اجرای مناسب سازی معابر و ساختمان ها کرده است! از این گذشته همچنان شاهد هستیم که در ایجاد بسیاری از معابر، نکات ایمنی ویژه عبور معلولان حرکتی و نابینایان رعایت نمی شود، حتی هنوز بسیاری از فضاهای تجاری و فرهنگی جدید مکلف نیستند ضوابط را رعایت کنند. به طور کلی باید اذعان داشت که توجه به مسائل و مشکلات افراد دارای معلولیت امری بسیار خوب و پسندیده است به شرط آن که نگاهمان به مسائل این گروه از افراد جامعه نگاه «خیریه ای» و «صدقه ای» نباشد. مشکلات افراد دارای معلولیت نه با حرف که با عمل و برنامه ریزی بلند مدت و صحیح حل شدنی است و گرنه اگر قرار باشد که هر مسئولی به کمک های موردی و خیریه ای اکتفا کند نه تنها مشکلی از افراد دارای معلولیت حل نمی شود بلکه تنها به جای توانمند شدن و فراهم کردن شرایط مناسب برای رشد اجتماعی آنها را به سمت نامه نگاری و بست نشستن و امتیاز گیری از مسئولان و دست اندرکاران می کشاند در حالی که با برنامه ریزی های درست و منسجم باید شرایط رشد و توانمندی تک تک افراد دارای معلولیت را در شهر و جامعه فراهم کنیم.

### **«اگر روزی پای شهروند معلولی به مسعودیه برسد»، سمیه افشین فر، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۵.**

در یک روز جمعه بعد از مدت ها برنامه ریزی سور و سات را آماده کرده و عازم رفتن و بازدید از عمارت مسعودیه شدیم؛ خانه ای تاریخی مربوط به دوره قاجار که به دستور مسعود میرزا، ملقب به ظل السلطان، فرزند ناصرالدین شاه، در سال ۱۲۹۵ ق در زمینی به وسعت حدود ۴ هزار مترمربع، مرکب از بیرونی (دیوان خانه) و اندرونی و دیگر ملحقات بنا شده است.

از خیابان جمهوری به سمت میدان بهارستان می رویم و وارد خیابان ملت می شویم بعد از جست و جوی فراوان موفق شدیم که جای پارکی برای ماشین پیدا کنیم.

البته چند قدمی هم پیاده روی کردیم تا به عمارت تاریخی مسعودیه رسیدیم از آنجا که کودک نوپایی داریم کالسکه بچه را هم همراه بردیم تا هم بچه راحت باشد و هم ما زحمت در آغوش کشیدنش را تحمل نکنیم و با فراغ بال به تماشا پردازیم اما زهی خیال باطل.

به محض ورود برجستگی لبه در وادارمان کرد تا کالسکه را بلند کنیم دو قدم بعد باز کالسکه را بلند کردیم و از آنجا که خانه به خصلت همه خانه های قدیمی درهای تو در تو و قدیمی دارد مجبور شدیم از خیر دیدن چند اتاق بگذریم اما باز هم در و در و در و ما غافل از اینکه بالاتر، پله هایی نوک تیز انتظارمان را می کشد؛ پله هایی نوک تیز که به زحمت می توانستیم از آن رد شویم جلوی پله ها کالسکه به دست مستأصل ماندیم نگاهی کردیم و به درخواست های کمک بازدیدکنندگان جواب رد دادیم.

در آن لحظه دلم می خواست همانند عروسک های خمیری کارتون پت و مت راه حلی سریع پیدا و مثلاً با تخته ای چوب، سطحی شیبدار ایجاد کنم تا کالسکه از آن بگذرد و با خیال راحت به راه ادامه

دهیم، اما اینجا واقعیت بود؛ واقعیتی که هر معلول ویلچری ساعت ها و روزهای زیادی با آن دست به گریبان است.

ما برای بازدید از خیر کالسکه گذشتیم و بچه به بغل ادامه راه دادیم هر چند باز هم افراد بسیاری ممکن است با کودکان یا سالخورده‌گانشان برای بازدید از این عمارت تاریخی به مسعودیه بروند.

اما ساعت های طولانی با خودم فکر می کردم که اگر روزی یک معلول ایرانی و یا اگر در تورهای بازدید از ایران یک فرد معلول خارجی حضور داشته باشد برای بازدید از این مجموعه باید چه کار کند.

اصلاً در نگاه ما این افراد حق بازدید از اماکن تاریخی را دارند که اگر پاسخ آری است باید بیندیشم و برنامه ریزی گسترده نمایم و راه های دسترس پذیری این افراد را به این اماکن فراهم کنیم.

ای کاش لحظه ای و فقط لحظه ای درنگ کنیم و بیندیشیم مناسب سازی اماکن و معابر نه تنها دسترس پذیری شهروند معلول را ارتقا می بخشد که به حال آحاد افراد جامعه از جمله سالمندان و کودکان و... نیز می تواند مفید باشد.

### **«ای کاش نابینایان هم دیده می شدند»، امید هاشمی، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶.**

با پیدایش اینترنت و پررنگتر شدن نقش این ابزار در زندگی روزمره مردمان جهان، ضرورتی هم شناسایی شد با نام دسترس پذیری. از همان نخستین سال های توسعه اینترنت، گروه هایی هم پیدا شدند که پرچم دسترس پذیری را علم کردند و از فعالان و طراحان اینترنت خواستند تا هر آنچه که طراحی می کنند، به گونه ای باشد که برای کاربران نابینا و کم بینا هم قابل استفاده باشد. اما طراحان فعال در ایران انگار به کلی با چنین مفهومی غریبه اند و تو گویی از آنچه که در این زمینه در دنیا اتفاق می افتد خبر ندارند و حتی با بعضی شان که همکلام شوی می بینی که اصلاً نمی دانند نابینا و کم بینا هم امکانی دارد که می تواند به کمک آن از اینترنت استفاده کند و کاربر سایت یا اپلیکیشن شان باشد. وقتی ماجرا را در سطح چند سایت و اپلیکیشن متعلق به بخش خصوصی بینی، زیاد برایت عجیب به نظر نمی رسد. تا اندازه ای حتی به آنها حق می دهی؛ چرا که ترویج مفهوم دسترس پذیری کار رسانه است و رسانه های ما هم که انگار کارهای مهمتری دارند و نمی توانند وقت روی این چیزهای ساده و غیر ضروری بگذارند. اما این مسأله وقتی بغرنج تر می شود که بینی نهادی که قرار است خدماتی را برای عموم مردم یک شهر ارائه کند، عملاً یک جامعه آماری بزرگ را در طراحی شیوه ارائه آن سرویس، از یاد برده است. موبایل به دست شدن اکثریت قاطع مردم باعث شده شهرداری تهران هم -هر چند دیر- اما بالاخره به این فکر بیفتد که برخی خدمات تازه و کار راه اندازش را از طریق اپلیکیشن های موبایلی در اختیار شهروندان بگذارد. تأسیس یک تاکسی آنلاین و «نقشه همراه تهران»، دو نمونه از برنامه هایی است که اخیراً در اختیار شهروندان قرار گرفته است اما انگار متأسفانه در طراحی این دو برنامه، نابینایان ساکن تهران جزو شهروندان این شهر به حساب نیامده اند. تاکسی آنلاین شهرداری، نام برنامه ای است که در رقابت با نمونه مشابه بخش خصوصی طراحی شده و قرار است مسافران بتوانند از میان تاکسی های فعال در سطح شهر، برای خود به صورت اینترنتی تاکسی بگیرند. این برنامه بالقوه می تواند اهمیت زیادی برای نابینایان داشته باشد، چرا که خیلی وقت ها پیش می آید که

مسافر نابینا بنا به دلایل مختلف مجبور باشد از تاکسی تلفنی برای تردد استفاده کند. اما کارپینو که برای استفاده عموم شهروندان تهرانی طراحی شده، از همان لحظه اول که ثبت نام را انجام می دهی، با دکمه های بدون برچسب و عدم امکان استفاده از نقشه برای صفحه خوان ها، سر ناسازگاری با کاربران نابینا می گذارد.

«نقشه همراه تهران»، نام اپلیکیشن دیگری است که باز شهرداری متولی طراحی آن بوده است. این برنامه امکانات فراوانی دارد و هر شهروندی که آن را نصب کند، دیگر از پرس و جو در مورد مکان های مختلف و موقعیت قرار گیریشان بی نیاز خواهد شد. امکانات این برنامه مواردی همچون تشخیص دقیق محل استقرار کاربر، مکانیابی نزدیک ترین موقعیت های رفاهی، تفریحی، تجاری، اداری و بهداشتی، مسیریابی بر اساس ترافیک معابر، به اشتراک گذاری مکان های مختلف شهر و معرفی مسیر مبتنی بر خطوط مترو، تاکسی و اتوبوس را شامل می شود. تصور اینکه این برنامه چقدر می تواند کمک... حال شهروند نابینای ساکن تهران باشد، اصلاً کار سختی نیست اما متأسفانه این برنامه هم با وجود گره گشا بودن، برای این دسته از کاربران تقریباً غیرقابل استفاده است.

نابینایان تهران نشین هم درست مثل سایر همشهری هایشان، برای خدماتی که شهرداری در اختیارشان قرار می دهد، هزینه می پردازند اما افسوس آنهایی که متولی طراحی سرویس های مختلف هستند، این دسته از کاربران را به محاق فراموشی سپرده اند. فرقی نمی کند که زیر گذر چهارراه ولیعصر باشد یا اپلیکیشن کارپینو؛ اول طراحی ها صورت می گیرد و کار که از کار می گذرد، این ما نابینایان هستیم که تازه باید کفش آهنی بپوشیم و دنبال این مسئول و آن کارشناس در شهرداری بیفتیم تا مگر اصلاح مثبتی در نوع طراحی صورت بدهد. از شهرداری به عنوان ارائه کننده خدمات عمومی انتظار می رود در طراحی خدمات شهری، همه شهروندان، اعم از معلول، سالمند و سایر اقشار را در نظر بگیرد.

### «این کودکان مرگشان عادی است» سمیه افشین فر، ۴ آبان ۱۳۹۶.

کسی برایش ناراحت نمی شود، کسی به دنبالشان نمی آید، همچون محصوران جزیره ای، دنیایشان همان تخت های فلزی است در واقع کل سهم شان از دنیا چهار گوشه تخت فلزی است، تختی که دست و پاهایشان را با نوارهای محکم پارچه ای به آن زنجیر کرده اند، چرا که حرکتشان هم به صلاحشان نیست، انگار محکومند به اینکه همچون تخته سنگی با چشمانی با نفوذ و ناراحت نظاره گرت باشند، رد نگاه این بچه ها تا مدت ها در ذهن حک می شود به سراغشان که می روی حتی نمی توانند سلامت را علیک گویند، فقط نگاه می کنند و گاه گاهی با صداهایی نامفهوم چیزهایی می گویند که نمی فهمی واژه هایی که واژه نیستند ناله هایی مبهمند بدون مفهوم، قد و اندازه هایشان همانند کودکانی چهار پنج ساله است اما وقتی به کارت های مشخصات بالای سرشان نگاه می کنی می بینی که بسیاری از آنها از سنی که تصور می کردی بزرگترند و بعضی حتی بالغ شده اند روی همین تخت ها با دست و پاهایی بسته. به بیشترشان لوله هایی وصل کرده اند و با کمک سرنگ غذایی ته



حلقشان می ریزند انگار تک تک این کودکان سرنوشتی دردناک دارند حتی مرگشان هم کسی را ناراحت نمی کند.

درست در روزی که برای بازدید از مرکز نگهداری نارمک رفتیم در دفتر مدیر خبر فوت کودکی را دادند، مدیر می گفت دو شب پیش تشنج کرده بود و به بیمارستان بردیم و امروز تمام کرد. زندگی همه این بچه ها همین است یکی امروز یکی فردا یکی پس فردا و.... مرگشان سر و صدایی ندارد مثل خودشان و تمام رنج هایی که در زندگی می کشند آرام و بی صداست چرا که بیشتر آنها نه کسی به سراغشان می آید و نه کسی خبری از آنها می گیرد.

بیشترشان با دستور مرجع قضایی و به خاطر نداشتن والدین یا عدم صلاحیت والدین به بهزیستی سپرده شده اند. اینها کودکان ایزوله اند، کودکانی که توان آموزش ندارند و از معلولیت های همزمان جسمی و ذهنی رنج می برند، شکی نیست که نگهداری از کودکان ایزوله کاری سخت و طاقت فرساست، هیچ کدام از این کودکان توان اجابت مزاج ندارند و با پارچه های بزرگ و ضخیمی آنها را بسته اند. مدیر مرکز می گوید: اگر بخواهیم این بچه ها را پوشک کنیم از پس هزینه ها بر نمی آیم برای همین در خیاط خانه برای آنها کهنه می دوزند و هر از چند گاهی این کهنه ها دور ریخته می شوند و کهنه های جدید استفاده می کنیم.

درست می گوید این بچه ها نیاز به پوشک های مخصوص بزرگسالان دارند که عمدتاً گران است و اگر گران هم نباشد برای تعداد زیاد این بچه ها به صرفه نیست اینجاست که وظایف «مادر یارها» سنگین تر می شود، زنانی که بیشترشان به هدف کار خیر پا در این راه نهاده اند و تمام تلاش شان را می کنند تا مادرانه از این کودکان نگهداری کنند بی خود نیست که وقتی به همراه مادر یار به تخت شان نزدیک می شویم دخترک نابینای معلول ذهنی از میان نرده های آهنی دستانش را بیرون می آورد و مادر یار را در آغوش می کشد، شاید دنبال دستان گرم مادری می گردد که رهایش کرده در واقع محبت گوهر کمیابی است که حتی این بچه ها هم با وجود همه مشکلاتشان حسش می کنند. دانش آذر مدیر مرکز می گوید: تعداد مادر یارها کم است و نیاز به نیروهای بیشتری داریم «وقتی به ماجرای مرگ ۱۵ کودک در سال ۹۲ اشاره می کنم، دانش آذر ادامه می دهد» البته مرگ در این کودکان طبیعی است بیشترشان بجز معلولیت مشکلاتی از قبیل تشنج دارند.»

اما می گفتند علت این حادثه حضور نداشتن پزشک متخصص در شیفت شب بوده؟ بله شاید هم این باشد به هر حال ما کمبود نیرو داریم! مدیر مرکز نگهداری نارمک از کمبود نیروی انسانی نالان است و این را از اوضاع این مرکز نگهداری هم می توانی حدس بزنی چرا که نه تنها این مرکز بلکه بسیاری از مراکز نگهداری سازمان بهزیستی کشور متأسفانه از کمبود نیروی انسانی متخصص رنج می برند. شاهد این مدعا خبرهایی است که هر از چند گاهی در رسانه ها از اوضاع مراکز نگهداری به گوش می رسد که در یکی مثلاً کودکی مورد آزار و اذیت قرار گرفته و در دیگری مریبان به بهانه عوض نکردن کهنه های بچه ها از دادن آب و غذا به آنها خودداری می کنند. در اینکه بودن و کار کردن برای این بچه ها روحیه ای قوی و عزم راسخی را می طلبد شکی نیست اما سازمان بهزیستی کشور باید بتواند از نیروهای متخصص در این حوزه استفاده کند و در تمام مراکز نگهداری کادر درمانی قوی و متخصصی بگمارد که دلسوزانه به رتق و فتق امور این کودکان پردازند از طرف دیگر بجاست که با ارائه

طرح های تشویقی مثل بازنشستگی پیش از موعد یا حقوق و درآمدی بالاتر افراد متخصص را برای حضور در مراکز نگهداری تشویق نمایند تا مریبان و بهیاران تنها برای داشتن نانی بخور و نمیر و از سر ناچاری به این حوزه وارد نشوند.

### «آزمونی برای جامعه نابینایان»، راضیه کباری، ۱۶ شهریور ۱۳۹۶.

تاکنون دانش پژوهان؛ آنچنان که شایسته است به مسائل؛ نیازها و حقوق شهروندان معلول پرداخته اند و ضعف منابع در این زمینه گویای این مهم است. بی شک برای داشتن جامعه ای پویا؛ همه جانبه نگر و دارای خوی و منش انسانی؛ توجه به قشر کم توان و ناتوان جامعه اهمیتی خاص دارد.

در این عرصه حضور دانشگاهیان و پژوهشگران برای دستیابی به آخرین دستاوردهای علمی و جاری ساختن آن در جامعه حضوری پراهمیت است. حضوری که اینک دانشگاه کاشان عزم خود را برای تحقق آن جزم کرده است.

سومین همایش «جامعه بینا شهروند نابینا» امسال ۸ و ۹ شهریور در کاشان برگزار شد؛ همایشی که با ظرفیت بالای خود توانست نابینایان، کارشناسان و استادانی از حوزه های روانشناختی، جامعه شناسی و توانبخشی را از ۲۱ شهر کشور به سوی کاشان روانه کند. صرفنظر از کاستی های این همایش که در جای خود باید برای رفع آنها کوشید و ویژگی های این گردهمایی جای تأمل بسیار برای دانش پژوهان و مسئولان دارد.

جامعه نابینایان کاشان با جمعی ۶۰۰ نفره توانسته در این عرصه گوی سبقت را از سایر مجامع نابینایی برآید. حضور دو عضو هیأت مدیره این جامعه در کرسی استادی و معاونت فرهنگی دانشگاه قطعاً به همراه حسن ظن ریاست دانشگاه توانسته این کار تاریخی را رقم بزند، کاری که اگر سال ها پیش اتفاق افتاده بود اینک مشغول بهره برداری و دروی محصول آن بودیم. اما کار را هر وقت شروع کنیم باز چند پله جلو هستیم. از این رو شروع آن را به فال نیک می گیریم.

همواره ناآشنایی کارشناسان و مسئولان با مشکلات افراد نابینا موجب شده تصمیمات گرفته شده برای آنان بر نیازهای این گروه منطبق نباشد و گاه بر خلاف اهداف توانبخشی موجبات نارضایتی نابینایان را فراهم آورد.

حضور نابینایان از سراسر کشور در این همایش فرصتی بسیار بی بدیل برای این افراد ایجاد می کند تا بتوانند در کلاس هایی تجربی از نزدیک با روحیات، مشکلات، توانایی ها و انتظارات آنها و اولویت نیازهایشان آشنا شوند و تنها به بررسی مشکلات آنها از دایره ذهن خود کفایت نکنند.

به عبارتی مسائل را نه آنچنان که در کتاب ها خوانده اند بل آنچنان که در واقعیت وجود دارد، ببینند زیرا نقل تجربی زندگی این افراد کمتر دست یافتنی است و مگر نه اینکه هدف اصلی توانمندسازی معلولان مشارکت دادن آنها در تصمیم گیری ها و سیاستگذاری ها است. حال که فرصت حضور خود این افراد در کرسی های تصمیم گیری دولتی، اغلب به آنها داده نمی شود این حداقل

فرصت باید قدر دانسته شود. در بین استادان توانبخشی، جامعه‌شناسی و روانشناسی همواره سؤال‌اتی در زمینه ارتباطات، اطلاعات؛ توانایی‌ها و مسائل مختلف نابینایان مطرح است که این‌گونه همایش‌ها اگر خوب برنامه‌ریزی شوند می‌توانند به این نیاز جامعه علمی و پژوهشی کشور نیز پاسخ دهند. و صد البته این جامعه و متخصصان نیز باید این فرصت ارزنده را ارج نهند.

برگزاری همایش در کاشان به نوع خود بسیار ارزشمند بود از سویی از تمرکز فعالیت‌ها در مرکز کاسته شده بود از طرفی نابینایان خارج از مرکز توانسته بودند خود را در حد برگزاری همایشی ملی بنمایانند و از سوی دیگر کاشان به اغلب مراکز فعال نابینایان نزدیک بود. به علاوه خیران کاشانی تمایل خود را برای شرکت در امور عمرانی پژوهشی برای شهرشان بخوبی در این سه سال نشان داده‌اند. اما همایش دو سال دیگر کاشان آزمونی است برای نشان دادن اتحاد جامعه نابینایان سراسر کشور؛ مسئولان سازمان بهزیستی و جامعه علمی برای پیشبرد اهداف خود.

نابینایان باید با حضور خود در این همایش، سهمی برداشته و دستی بر آتش داشته باشند. مسئولان بهزیستی، آموزش و پرورش استثنایی هم باید تلاش کنند از بازآموزی و آموزش عملی در این دانشگاه عقب نمانند. و حال که تشکل‌های نابینایان گوی سبقت از سازمانی دولتی ربوده‌اند با حمایت جانانه از آنها هم خود را از آنها جدا ندانند و هم خود را بی‌نیاز از اطلاعات مبادله شده در این همایش‌ها نینند.

دانشگاه کاشان و جامعه نابینایان کاشان هم باید در جهت رفع موانع برای برگزاری همایشی در سطح بین‌المللی بکوشد و هماهنگی بیشتر با سایر سازمان‌ها در سطح شهر داشته باشند. همچنین کمیته‌ای برای اطلاع‌رسانی و مدد جستن از رسانه‌های دیداری و نوشتاری تشکیل دهند.

دبیرخانه دائمی همایش را راه‌بیندازند، آموزش‌همدلان و داوطلبان برای همراهی با میهمانان را جدی بگیرند، در انتشار اخبار و مقالات و رساندن آن به دست تصمیم‌گیران بکوشند؛ برای شرکت متخصصان از دانشگاه‌های دیگر در همایش انگیزه ایجاد کنند و مناسب‌سازی محیطی محل برگزاری همایش برای حضور نابینایان را مهم بدانند تا از مشارکت جامعه بینا برای رسیدن به حقوق شهروندان نابینا بهره بگیرند.

دیگر گروه‌های معلولان نیز باید با الگوگیری از این همایش؛ برای برپایی همایش‌هایی همانند در شهرهای گوناگون کشور با محوریت مطالبه‌گری برای رفع مشکلات معلولان بکوشند تا از رهگذار این همایش‌ها شاهد جامعه یکسان و بی‌تبعیضی باشیم و امیدواریم جامعه علمی کشور به جای تصور سازی برای حل مشکلات معلولان، مشکلات آنها را از دید خودشان جویا شوند و بپذیرند که دریافت‌های تئوری که در کتاب‌ها نوشته‌اند با دنیای تجربی زندگی این افراد فاصله بسیار دارد. و آنان نه مجاز به برداشت ذهنی بدون انطباق بر واقعیات زندگی این افراد و تصمیم‌گیری و تئوری سازی در مورد ایشان هستند و نه قادر به درک صحیح مسائل هیچ‌کس و گروهی بدون پرسش از خود آنان.

چند روز دیگر بیش از ۶ سال از روزی می گذرد که «هما بدر» معلم نابینای تهرانی وقتی برای رفتن به محل کارش مثل هر روز وارد ایستگاه خزانه می شود با قطاری که وارد ایستگاه می شود برخورد می کند و برای همیشه دانش آموزان و فرزندانش را چشم انتظار می گذارد.

خبر فوت هما در همان زمان مورد توجه رسانه ها قرار گرفت اما همانند هزاران خبر دیگر در میان انبوه خبرهای رنگارنگ گم شد اما روز یکشنبه ۱۱ مهر ماه ۱۳۹۵ ساعت ۱۸:۳۰ دقیقه باز هم دختر جوانی در ایستگاه شادمان با قطار برخورد می کند و جان می سپارد به گفته روابط عمومی مترو تهران این اتفاق دلخراش به علت رعایت نکردن حریم زرد مترو توسط زن جوان بود و مردم حاضر در ایستگاه شادمان می گویند به خاطر شلوغی و ازدحام جمعیت این زن ناگهان از خط زرد رد و چراغ عمرش در نخستین روز ماه محرم خاموش می شود.

شش سال پیش نیز مسئولان مترو رعایت نکردن حریم زرد رنگ را علت حادثه اعلام کرده بودند. گویی از شش سال پیش تاکنون هیچ چیز عوض نشده، دیروز خزانه بود و امروز شادمان، فردا ممکن است در ایستگاهی دیگر چنین اتفاقی باز هم تکرار شود این بار یک دختر سالم با قطار برخورد کرد و فردا ممکن است باز هم فرد دارای معلولیتی به دلیل ازدحام جمعیت با قطار برخورد کند و جانش را از دست بدهد.

براستی علت واقعی این حوادث چیست و چه کسی مقصر است؟ چرا خبر فوت یک انسان با راحتی در میان خبرهای مختلف گم می شود و هیچ کسی هم خود را مسئول پاسخگویی نمی داند؟ شش سال پیش نیز دست اندرکاران مترو تنها با عذرخواهی و دلجویی از کنار ذهن تیزبین رسانه ها گذشتند و خط زرد رنگ را مقصر جلوه دادند و همای نابینا را که چرا خط زرد رنگ را ندیده است!

امروز باز هم صحبت از همان خط زرد رنگ است هر چند در این میان بحث فرهنگی نیز مطرح است و باید با آموزش های لازم دلیل وجود خط زرد رنگ را از طریق رسانه های گروهی به مردم آموزش داد اما بجاست که دست اندرکاران مترو فکری به حال آن خط زرد رنگ نکنند چرا که با توجه به حجم گسترده جمعیت استفاده کنندگان از مترو که تبعاً افراد دارای معلولیت نیز در زمره آن هستند بجاست تا مثلاً با تعبیه حداقل یک واگن مناسب سازی شده فرد دارای معلولیت از بدو ورود در ایستگاه توسط مأموران ایستگاه ها به همان واگن برده شود و مأمور موظف باشد تا سوار کردن فرد دارای معلولیت در کنارش قرار داشته باشد.

راهکار دیگری که به نظر می رسد و البته در بسیاری از ایستگاه های بزرگ دنیا نیز تعبیه شده است نصب شیشه هایی در حریم ایستگاه هاست تا به محض رسیدن قطار درها به صورت اتوماتیک باز شوند البته این کار مستلزم هزینه و اعتبارات زیادی است که البته اگر هدف اصلی حفظ جان انسان ها باشد صرف این هزینه ها چیز خاصی نیست.

## «باید از کلیشه‌ها عبور کرد؛ ارزیابی چهارمین جشنواره تئاتر معلولان (اصفهان، آذر ۱۳۹۵)»، مجید سرایی، ۲۵ آذر ۱۳۹۵.

چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر معلولان که به همت سازمان بهزیستی کل کشور در اصفهان و با همکاری بهزیستی استان اصفهان و شهرداری شهرستان اصفهان برگزار شد، کار خود را بعد از ۵ روز اجرا، با اعلام اسامی برگزیدگان به پایان رساند. شاید ایام بعد از جشنواره، بهترین موقع برای ارزیابی روند برگزاری جشنواره تئاتری کاربردی، در سطح بین‌الملل باشد. چه، مباحث احساسی در طول ایام جشنواره از بین رفته و با نگاهی منصفانه و در فضایی آرام، بهتر میتوان نقاط ضعف و قوت عملکرد برگزارکنندگان را بررسی کرد.

با نگاهی اجمالی، چهارمین جشنواره تئاتر معلولان را میتوان از دو منظر ارزیابی کرد؛ محتوای نمایشها و فعالیتهای ستاد جشنواره.

نخست محتوای نمایشهای بخش رقابتی: اکثر نمایشهای راه یافته به بخش مسابقه این جشنواره که از بین اجراهای جشنواره های تئاتر معلولان در سطح منطقهای انتخاب شده بودند، جانمایه‌هایی - نه چندان قوی - در زمینه معلولیت داشتند. متأسفانه هنوز در بسیاری از این اجراها، شاهد کلیشه‌های موضوعی هستیم که - هر چند جاری و ساری - در جامعه از بعد نگاه سنتی نسبت به معلول و معلولیت، بدون در نظر گرفتن توانمندیهای این افراد است، اما سخن از هنر است و نمایش که باید از کلیشه‌های رایج - حتی الامکان - در خصوص نمایشنامه‌ها و - حتی - بازی عبور شود تا فاصله‌هاش را با استانداردهای حرفهای کم کند. گرچه به قول دکتر قطبالدین صادقی «جشنواره تئاتر معلولان کاربردیست»، اما قطعاً منظور این استاد برجسته تئاتر و آشنا به فضای معلولان از تأکید بر «کاربردی» بودن جشنواره تئاتر، نادیده گرفتن موارد مربوط به استانداردهای تئاتر نیست.

در بین نمایشهای راه یافته، نمونه‌هایی از برداشت آزاد یا اقتباس مستقیم از آثار مشهور معاصر هم دیده میشد، اما همان نمونه‌ها از نظر نوع انتخاب، تطابق موقعیت نمایش با مخاطبان و معضلات مربوط به آنها و همچنین، شکل برداشت از متن اصلی باید به طور مجزا بررسی شوند.

دوم، عملکرد ستاد برگزاری جشنواره بین‌المللی تئاتر معلولان: این نکته را نباید از نظر دور داشت که جشنواره تئاتر معلولان که چهارمین دوره بین‌المللی آن بعد از ۸ سال برگزار شد، به‌عنوان یک جشنواره ثابت که از سوی سازمان بهزیستی برگزار میشود، حرکت مثبتی است، مع الاسف بعد از چند دوره برگزاری جشنواره، هنوز پارهای نقطه ضعف دیده میشود که درخور تأمل است. باوجود هماهنگی‌هایی که از سوی بهزیستی استان اصفهان و شهرداری در اختصاص سالنهای نمایش و همچنین وسایل نقلیه جهت جا به جایی گروه‌های شرکتکننده از محل اسکان تا سالنهای اجرا صورت گرفته بود، شاهد برخی بینظمیها در رسیدن سر وقت به اجراها بودیم. سالنهای نمایش به لحاظ موقعیت جغرافیایی نسبت به هتل‌های محل اسکان، وضعیت پراکنده‌ای داشتند. بعضی سالنها به بعضی هتلها نزدیکتر بود و برعکس. همین موضوع باعث میشد که بعضی گروه‌ها با تأخیر به سالن نمایش برسند. این تأخیر باعث به هم ریختن تمرکز تماشاگرانی که بموقع در سالن حاضر شده و از ابتدا نمایش را تعقیب میکردند، میشد.

این نکته را هم نادیده نگذاریم که برگزارکنندگان جشنواره از بین ۱۳ سالن اجرا در شهر اصفهان، این سالنها را دارای استانداردهای لازم یافته بودند. جدا از این، همزمانی اجرای نمایشهای بخش رقابتی و کودک و نوجوان، اجازه نمیداد تا تمام اجراها از سوی شرکتکنندگان دیده شوند. اما مهمترین نقطه ضعف جشنواره امسال - که باید به تفصیل در مجال دیگر به آن پرداخت-، تبلیغات است، تبلیغات جشنواره ای در سطح بینالملل نباید این گونه ضعیف و بیفروغ جلوه کند.

### «بخشنامه ای که دیر رسید»، سمیه افشین فر، ۱ مهر ۱۳۹۷.

۲۲ فروردین ماه امسال که قانون جامع حمایت از حقوق معلولان از سوی رئیس جمهوری به تمامی دستگاه ها و وزارتخانه ها ابلاغ شد و بر مبنای آن دستگاه های اجرایی ملزم شدند تا سه درصد از سهمیه های استخدامی را به معلولان اختصاص دهند، نور امید در دل جامعه افراد دارای معلولیت روشن شد تا حداقل سهمیه سه درصد استخدام که اجرایش همواره طی سال های گذشته با حاشیه های بسیار همراه بوده است با مشکلات کمتری اجرا شود برای همین همه بی صبرانه منتظر برگزاری آزمون استخدامی ماندند؛ آزمون که در ۱۵ تیر ماه برای استخدام ۱۸ هزار و ۲۰۷ نفر برگزار شد. هر چند در دفترچه آزمون بحث اجرای قانون سه درصد آمده بود و حتی برای برگزاری آزمون دفترچه سؤالات برای استفاده شرکت کنندگان نابینا به بریل تبدیل شده بود اما بروز مشکلاتی کام شیرین افراد دارای معلولیت را تلخ کرد. بر مبنای مستندات دفترچه قرار بود که ۱۵ هزار نفر از طریق همین آزمون به آموزش و پرورش وارد شوند یعنی آموزش و پرورش در این آزمون بیشترین تعداد استخدامی را داشت و با احتساب قانون سه درصد استخدام معلولان باید ۴۵۰ نفر از افراد دارای معلولیت در آموزش و پرورش استخدام می شدند اما این سازمان در دفترچه های آزمون شرایطی را برای داوطلبان تعیین کرد که عملاً افراد معلول نمی توانستند به استخدام این وزارتخانه دربیایند. این در حالی است که این وزارتخانه در بسیاری از بخش های خود از جمله مدارس استثنایی می تواند از توان معلولان کشور به بهترین شکل استفاده کند. طبق اعلام وزارت آموزش و پرورش، این وزارتخانه در آزمون استخدامی برای مثال تنها افرادی را پذیرش می کند که از نظر پزشکی هر نوع نقص بینایی و نابینایی در یک یا هر دو چشم نداشته باشند و از نظر شنوایی هم نباید کم شنوایی داوطلب بیش از ۴۰ دسی بل باشد و باید صدای نجوا را از فاصله ۶ متری بخوبی بشنود؛ مواردی که بخوبی نشان می دهد عملاً در این آزمون شرایط به گونه ای دیده شده است که افراد معلول استخدام نشوند. درج این مطالب در دفترچه های آزمون استخدامی صدای ۵۸ تشکل فعال در امور معلولان را درآورد و همه آنها یکصدا با نوشتن نامه ای به رئیس جمهوری خواستار رفع موارد تبعیض آمیز از آزمون شدند. با همه این ها آزمون استخدامی در ۱۵ تیر برگزار شد. در میان قبول شدگان افراد دارای معلولیت زیادی هم بودند که باوجود همه مشکلات در آزمون قبول شدند. مشکلاتی وجود دارد که برای افراد معلول مشکلات کوچکی نیست برای مثال با وجود اینکه سؤالات دفترچه ها به بریل تبدیل شده بود اما متأسفانه بسیاری از شرکت کنندگان نابینا معتقد بودند پاسخ نامه ها با سؤالات بریل هماهنگ نیست و آنها در زمان های انتهایی آزمون متوجه این موضوع شده اند و در زمان باقیمانده تا جایی که

توانسته اند اصلاح کرده اند یا اینکه منشی های آزمون از تسلط و دانش کافی برخوردار نبوده اند و.... هر چند این مشکلات با سازمان سنجش کشور که متولی اصلی برگزاری آزمون بوده است مطرح شده اما متأسفانه هنوز پاسخ صریح و روشنی را دریافت نکرده ایم با این همه معلولانی بودند که از این سد گذشتند و در واقع یک خوان را پشت سر نهادند و حالا نوبت مصاحبه بود. بسیاری از قبول شدگان دارای معلولیت یا اصلاً برای مصاحبه دعوت نشدند یا وقتی برای مصاحبه مراجعه کردند به محض اینکه متولیان متوجه معلولیت شان می شوند می گویند که نمی توانند از آنها مصاحبه بگیرند چون این افراد از نظر آنها شرایط احراز این شغل را ندارند. باز هم بچه ها کفش آهنی به پا کردند تا صدایشان را به گوش مسئولان برسانند همین تلاش بود که نتیجه داد و سازمان بهزیستی به عنوان تنها متولی امور معلولان دیر هنگام بخشنامه ای صادر کرد که افراد دارای معلولیت تنها در حضور نماینده سازمان بهزیستی باید مصاحبه شوند در حالی که بسیاری از افراد معلول قبل از صدور این بخشنامه مورد مصاحبه قرار گرفته بودند و همان طور که ذکر شد تنها به دلیل معلولیت مورد پذیرش قرار نگرفتند یا قبل از صدور بخشنامه مصاحبه شده بودند، سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که تکلیف این افراد چیست؟ تکلیف معلول تحصیل کرده ای که با هزار امید و آرزو و با وجود همه سختی ها و مشکلات در آزمون شرکت کرده و قبول شده و به بخشنامه دیر هنگام نرسیده و حالا به دلیل معلولیت کنار گذاشته شده چیست و باید چه کار کند؟

آن هم در شرایطی که همه کارشناسان بر اشتغال معلولان تأکید جدی دارند و معتقدند: توجه به اشتغال معلولان موجب افزایش اعتماد به نفس، دوری از انزوا و تأمین استقلال افراد معلول می شود و از طرف دیگر متأسفانه نرخ بیکاری افراد معلول اعم از نابینا، ناشنوا، جسمی - حرکتی و ضایعه نخاعی به گفته مسئولان سازمان بهزیستی بیش از ۶۳ درصد و در واقع سه برابر افراد عادی در جامعه است بجاست که دست اندر کاران و متولیان امور، حال که دولت محترم شفاف سازی را سرلوحه همه امور خود قرار داده است به جامعه افراد دارای معلولیت کشورمان پاسخ دهند که از ۵۴۸ نفر افراد معلولی که قرار بود در آزمون استخدامی امسال پذیرش شوند چند نفر و در چه ارگان هایی به استخدام درآمده اند؟ آیا وزارت آموزش و پرورش به استخدام ۴۵۰ نفر افراد معلول از ۱۵ هزار نفر مبادرت کرده است یا خیر؟ جامعه معلولان کشور منتظر گزارش صریح و شفاف رسانه ها از چند و چون به کارگیری افراد معلول هستند.

### **«برابری در دسترسی و برخورداری از ایمنی اولویت های سال نایبانیان ایران»، سهیل معینی، ۲۹ مهر ۱۳۹۵.**

۱۵ اکتبر، روز جهانی عصای سفید امسال با ۲۴ مهر و ایام سوگواری سالار شهیدان و کاروان شهدای کربلا مصادف شده بود. با استعانت از پیام این واقعه تاریخی یعنی پایداری تا حصول نهایی اهداف عالی انسانی و معنوی، ما نایبانیان و کم بینانیان ایران نیز با یکدیگر عهد می بندیم تا تحقق حقوق برابر و خواست های برحق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود یعنی برخورداری از فرصت ها و

امکانات برابر رشد و تعالی همپای همه آحاد جامعه فعالیت مستمر داشته و تا به دست آوردن اهداف عالی حقوق انسانی و اجتماعی خود از پانزدهم فرصت های برابر آموزش، تأمین اجتماعی، اشتغال پایدار و رفاه معادل متوسط برخورداری های جامعه رئیس حقوق اجتماعی نایبانیان و کم بینانیان ایران است. اما در سالی که پیش رو داریم یعنی سال منتهی به روز جهانی عصای سفید در سال ۹۶ اولویت های نایبانیان و کم بینانیان و تشکل های آنان چیست؟ اهداف تشکل های نایبانیان و کم بینانیان کشور به دو دسته تقسیم می شوند. نخست اهدافی که با سایر افراد دارای محدودیت های جسمی و حسی کشور یکسان است و دستاورد تحقق آنها شامل همه افراد دارای معلولیت است. مانند تصویب لایحه حمایت از حقوق معلولان در مجلس دهم که چتر آن بر سر همه ما خواهد بود. و در تحقق برابر حقوق اجتماعی افراد معلول نقش اهرم زیربنایی را بازی می کند. تشکیل فراکسیون جدید حمایت از حقوق افراد معلول در مجلس گام اجرایی بعدی است که تضمینی است برای تصویب قوانین مورد نیاز همه افراد معلول و نیز نظارت مؤثر مجلس بر اجرای قوانین. پیگیری اجرای مواد مصوبه هیأت دولت در زمینه حقوق افراد معلول ابلاغی پانزدهم شهریور سال ۹۴ خود هدفی بسیار مهم برای تشکل های نایبانیان و کل تشکل های افراد معلول کشور است. مصوبه ای که بخشی از حقوق افراد معلول را حتی قبل از تصویب در مجلس قانونی و لازم الاجرا می کند. باید با پیگیری های خود اجازه ندهیم این بخش از قوانین حمایتی به سرنوشت سایر قوانین حمایت از حقوق افراد معلول دچار شود و با کمی و کاستی های چشمگیر در اجرا روبه رو شود. تحقق این مهم و وظیفه فوری کلیه تشکل های معلولان از جمله نایبانیان و کم بینانیان است. دسته دوم اهداف تشکل های نایبانیان و کم بینانیان که اهداف اختصاصی این گروه است شامل تحقق برابری در دسترسی به فناوری های کمک زیستی و توانبخشی نایبانیان و کم بینانیان در همه عرصه هاست. مهم ترین نیاز و وظیفه در این زمینه نظارت بر خرید تجهیزات و فناوری های توانبخشی نایبانیان و کم بینانیان توسط سازمان بهزیستی در سال جاری است که متأسفانه تاکنون به آن بی توجهی شده است. اما نباید اجازه داد این بی توجهی ادامه یابد. مسؤولان سازمان در سال گذشته وعده دادند که بی توجهی سازمان در خرید تجهیزات توانبخشی برای نایبانیان و کم بینانیان پایان دهند و از بودجه خرید این تجهیزات سهم عادلانه نایبانیان را رعایت کنند. اما تا امروز خبری دال بر اعمال این توجه به دست نرسیده است که وظیفه همه تشکل های نایبانیان کشور است در کنار شبکه تشکل های نایبانیان کشور، این امر را دنبال کرده و از مسؤولان سازمان های بهزیستی استان ها گزارش عملکرد بخواهند. اولویت اختصاصی دیگر تحقق ایمنی محیطی برای تردد نایبانیان و کم بینانیان است. با وجود گذشت بیش از دو دهه از شکل گیری روند مناسب سازی محیطی کشور برای دسترسی افراد معلول همچنان این امر بدون نظارت واحد، بدون رعایت استانداردهای لازم اجرا در سطح کشور و به صورت جزیره ای اجرا می شود. شبکه حمل و نقل مترو همچنان برای نایبانیان و کم بینانیان خطر آفرین است. پیاده روها معبر امن تردد نایبانیان و کم بینانیان نیست و انواع موانع محیطی و تردد بی محابای موتورسیکلت ها تهدید جدی نایبانیان است. باید ستاد مناسب سازی کشور و کمیته های تابعه را در استانداری ها و فرمانداری ها به پرسش گرفت و خواهان گزارش عملکرد از آنها شویم. عمده دستاورد این نهادها تشکیل جلسات بی نظم و فاقد برنامه و عدم



پاسخگویی دستگاه های اجرایی مختلف است. باید به این عدم پاسخگویی ها پایان داد و این امر فقط از پیگیری تشکل های نایبانیان و دنبال کردن حقوق مصوب نایبانیان بر می آید. البته نایبانیان خواسته های دیگری نیز دارند. از جمله توجه ویژه و برنامه ریزی برای ایجاد اشتغال پایدار برای نایبانیان بویژه در بخش غیر دولتی. تأمین منابع و وسایل کمک آموزشی نایبانیان در همه سطوح آموزشی اولویت دیگر ما است. یکی از ضرورت ها واکاوی برنامه های حمایت از دانش آموزان نابینا و کم بینا در مدارس عادی است که با مشکلات چشمگیر روبه روست و مستلزم مرور و بررسی جدی و پیشینی راهکارهای مؤثر گره گشاست. تضمین تحقق این اولویت ها اتحاد نزدیک تشکل های نایبانیان در سطح ملی با یکدیگر، تقویت شبکه تشکل های نایبانیان کشور (چاووش) و به صحنه آمدن نخبگان فعال نابینا است تا حقوق اجتماعی این گروه از روی کاغذ به عرصه عمل منتقل شود. آینده مان را از همین امروز و با هم بسازیم.

### «برای صلح با ویلچر می دویم»، نعیمه عباسیان، ۲۵ شهریور ۱۳۹۷.

۱۶ شهریورماه دریاچه خلیج فارس میزبان افرادی بود که می خواستند برای صلح در کنار یکدیگر بدونند اما این دویدن با مسابقات دیگر کمی متفاوت است این بار معلولان جسمی-حرکتی دست به کار شدند تا با قوت بازو چرخ های ویلچر را به حرکت درآورده و مسابقه دهند.

شاید «دویدن برای صلح» کلیشه ای باشد اما همه باید برای صلح و یافتن معنای واقعی آن کاری کنند. این عبارت باید در لحظه لحظه زندگی مان معنا پیدا کند. صلح با خانواده، محیط کار، محیط زیست و حتی برای صلح جهانی همگی برای تحقق صلح باید به نحوی بدویم.

اما این بار دویدن شهروندانی که توان حرکت ندارند معنای دیگری دارد. حضور افراد دارای معلولیت در این جمع بهانه ای است برای شکستن فاصله ها در ارتباط مستقیم با همه جامعه تا بگویم ما برای آشتی آمده ایم.

همه کنار هم ۱۰ کیلومتر دور دریاچه خلیج فارس دویدند و فرقی نمی کرد شهروند معلول باشی یا عادی، مهم روحیه رقابت سالم و رفاقت میان شرکت کنندگان بود. در این مسابقه نفر اولی وجود ندارد همه برنده بودند و مدال و لوح گرفتند. تنها چیزی که به این مراسم معنا می داد انسانیت و صلح بود. فعالان حوزه معلولیت با این کار می خواستند حضور معلولان را در جامعه به عنوان بخشی از شهروندان، عادی سازی کنند. تا جامعه باور کند شهروندانی با مشکلات جسمی دارد و باید فضا را برای حضورشان در جامعه آماده سازند. اتفاق مهم این مسابقه مناسب سازی مسیر بود، به گفته حاضران مسابقه معلولان مشکلی در تردد نداشتند و مسیر با وجود پله ها با رمپ برایشان هموار شده بود. امیدمان آن است که روزی مناسب سازی شهری زمینه استقلال هرچه بیشتر افراد دارای معلولیت را فراهم سازد تا همه بتوانیم کنار هم از شهری بدون مانع بهره مند شویم. برگزاری چنین مسابقات ورزشی می تواند روحیه جمعی میان مردم را افزایش دهد و شادی و نشاط میان آنها رنگی دیگر پیدا کند.

مادر شکوه ایثار است و از خودگذشتگی و این شکوه آن زمان بیشتر خودش را نشان می دهد که زنی با وجود همه مشکلات و محدودیت های جسمی می پذیرد مادر باشد. اینجاست که مادری رنگ و بوی دیگری می گیرد. شاید همه ما بارها و بارها دیده و خوانده باشیم که مادرانی خود و زندگی شان را وقف کودک معلولشان می کنند، به جای او دیده اند، پا به پایش راه رفته اند و باعث رشد و بالندگی کودک یا کودکان معلولشان شده اند اما شاید کمتر به زنانی برخوردیم که با وجود معلولیت و مشکلات جسمی مادر بودن را به جان خریده اند و مادر شده اند. مادر نایبایی که با وجود همه ندیدن ها فرزندش امروز در بهترین دانشگاه ها تحصیل می کند یا مادر ناشنوایی که امروز با اینکه بچه ها بزرگ شده و ازدواج کرده اند کار مراقبت از نوه هایش را به عهده دارد. یا مادر معلول جسمی - حرکتی که با وجود همه مرارت ها قدم به قدم فرزندانش با واکر یا صندلی چرخدار همراه می شود تا فرزندش چیزی از بچه های دیگر کم نداشته باشد. کم نیستند مادران معلولی که با وجود همه سختی ها فرزندان موفقی را تربیت کرده و به جامعه تحویل داده اند؛ این مادران ثابت کرده اند که همین چند حرف «م-ا-د-ر» دنیای یک زن را دگرگون می کند. شاید من و شما نتوانیم همه سختی های این مادران را تصور کنیم اما باید بدانیم که شاید کوچک ترین و ساده ترین موضوع برای ما ممکن است برای یک فرد دارای معلولیت سخت و طاقت فرسا باشد. مثل شست و شوی بچه برای یک مادر معلول حرکتی یا غذا دادن به بچه برای یک مادر نابینا. مادر نایبایی تعریف می کرد که روزی برای غذا دادن به کودک نوپایش که طبعاً دائم در حال حرکت است کل سر و صورت بچه را مملو از غذا کرده بود البته این کوچکترین و قابل حل ترین مشکل این مادر بود.

نکته جالب همین است مادران دارای معلولیت خودشان یاد می گیرند که چطور باید با مشکلات کنار بیایند، مادر نابینا خودش با آزمون و خطا یا به مدد تجربیات دوستان هموعش یاد می گیرد که چطور باید به بچه غذا بدهد و مادر ناشنوا از دوستان با تجربه اش می آموزد تا چطور پی به گریه بچه ببرد و به آموزش سپردارد. همه این ها را بگذارید کنار اینکه در بسیاری از موارد همین مادر شدن و دوران بارداری صدمات جبران ناپذیری به بدن مادر دارای معلولیت وارد می کند، صدماتی که گاه رنج معلولیت را برایشان صدچندان می کند. همه این موارد بیان شد تا به اینجا برسیم که متأسفانه در کشور ما مراکزی برای آموزش زنان و دختران دارای معلولیت وجود ندارد. مراکزی که کارشناسان و پزشکان متخصص در زمینه های مختلف بتوانند به زنان و دختران دارای معلولیت آموزش بدهند و این افراد قبل از اقدام به بارداری بتوانند به این مراکز مراجعه و با واقع بینی کامل به آنها در مورد صدمات و مشکلات دوران بارداری بر جسمشان توضیح داده شود و اگر درصد آسیب کم بود اقدام به بارداری نمایند. وجود چنین مراکزی می تواند بعد از زایمان نیز به مادران کمک زیادی کند؛ می توانند آموزش های لازم را به مادر بدهند، می توانند در صورت نیاز افراد و مددکارانی را برای مادران دارای معلولیت در نظر بگیرند و به عبارت بهتر مادر دارای معلولیت بداند که در صورت بروز مشکلی در مسیر پر تلاطمش به کجا باید مراجعه کند و آنها چه کمک هایی می توانند به او داشته باشند که اگر این مراکز ایجاد شوند دیگر مادران دارای معلولیت نیاز ندارند که تنها با تکیه بر توانمندی های خود و با آزمون و خطا قدم بردارند.

## «برای معلولان تعیین تکلیف نکنیم»، آرتین افشین فر، ۱۴ مرداد ۱۳۹۵.

در یکی از کشورهای پیشرفته دنیای امروز از جایی که همواره به تمدن و پیشرفت و تکنولوژی شناخته شده است خبری منتشر شد؛ خبری که هفته گذشته همه را در بهت فرو برد، مردی ژاپنی به یک مرکز نگهداری معلولان حمله کرد و ۱۹ نفر از معلولان را کشت این فرد که از کارمندان سابق همین مرکز بود بعد از دستگیری در نخستین صحبت هایش به پلیس گفت: «بهتر است معلولان محو شوند و اثری از آنان نباشد.» جدا از دلخراش بودن این حادثه نخستین نکته ای که به ذهن می رسد این است که چرا معلولان؟

این افراد که همواره طعم نابرابری های اجتماعی را چشیده اند نه از امکانات بیشتری سهم برده اند و نه در مواقعی این چینی توان دفاع از خود را دارند.

به همین دلیل است که در حوادثی از این دست بیشترین آسیب را می بینند.

نکته ای که به نظر عمق این حادثه را بیشتر می کند جمله مرد قاتل است: «بهتر است معلولان محو شوند» این چند کلمه مجرم جای تفکر بسیار دارد. چه می شود که یک انسان دلش می خواهد انسان دیگری محو شود و اثری از او نباشد این تنفر از معلولیت از کجا می آید جز این است که این فرد مدت های مدیدی با این افراد سر و کار داشته و ممکن است همواره با خود فکر می کرده که چرا باید چنین هزینه ها و مراقبت هایی از افراد معلول صورت بگیرد در حالی که همین هزینه را می توان برای افراد سالم جامعه کرد که بازدهی بیشتری هم داشته باشند!

متأسفانه در چنین دیدگاهی افراد معلول تنها به عنوان «مصرف...کننده» در جامعه دیده می...شوند؛ مصرف...کننده...هایی که فایده...ای ندارند!

نگاه هایی از این دست در جامعه ما هم وجود دارد کسانی هستند که معتقدند چه لزومی دارد که برای معلولان هزینه شود؟ یا چرا باید امتیاز خاصی داشته باشند و... یعنی فرد خود را در جایگاهی قرار می دهد که برای دیگران تعیین تکلیف می کند!

بارها و بارها افراد معلول با چنین افرادی در جامعه روبه رو شده اند کلماتی مثل اینکه «تو که نمی بینی مجبوری بیایی سینما» یا «تو که نمی تونی راه بری واسه چی با ویلچرت اومدی تو خیابون» و... برای افراد معلول بیگانه نیست. همین کلمات است که ذهنیت افراد را می سازد.

همین باعث می شود که به خودمان حق بدیم یک معلول بیایی نباید به سینما و تئاتر بیاید چون نمی بیند و همین اندیشه های کوچک ممکن است از ما هم مجرمی همانند مرد ژاپنی بسازد. بیایید اندیشه های کوچکمان را اصلاح کنیم.

## «بیایید از هنرمندان معلول حمایت کنیم»، سمیه افشین فر، ۲۴ تیر ۱۳۹۵.

صحبت های احمدرضا آمریان جوان هنرمند معلولی که قصه چوب ها را روایت می کرد را با هم خواندیم. جوانان معلولی مانند احمدرضا در جامعه معلولان کم نیستند کسانی که بعد از معلولیت یا با وجود معلولیت از پائین نشستن و دست به کار

شدند، معلولیت را با توانمندی گره زدند، خلق کردند و

ص: ۱۹۷

زندگیشان را رنگی از امید و تازگی پاشیدند کاری که شاید بسیاری از جوانها با وجود سلامت جسمانی از انجام آن عاجزند.

هنر زبان مشترک بین انسانهاست زبانی که زخم‌ها را التیام می‌بخشد و این وقتی مهم تر می‌شود که جوانی معلول به سراغ هنر می‌رود احمدرضا و جوانان همسان او حق دارند که مانند همه جوانان سرزمینمان از امکانات مناسب برخوردار باشند یعنی وقتی جوانی مانند احمدرضا به تولید صنایع دستی و هنر معرق می‌پردازد باید از سوی نهادهای مختلف حمایت شود تا بتواند از پس تأمین هزینه‌هایش بر بیاید در حالی که این افراد گاه در تأمین حداقل نیازهایشان می‌مانند.

تأکید بسیاری از کارشناسان توانبخشی بر لزوم استفاده از هنر نیز امری انکارناپذیر است اما اگر حداقل نیازهای این افراد که همان کسب درآمد است از این راه محقق نشود این افراد به سمت کارآفرینی و استفاده از فن و هنر برای کسب درآمد سوق داده نمی‌شوند.

هر چند که اقداماتی از سوی سازمان بهزیستی کشور انجام شده است اما به نظر کافی نمی‌رسد و بجز این سازمان افراد و هنرمندان رشته‌های مختلف هنری باید به این عرصه وارد شده و به حمایت هنرمندان معلول بپردازند مثلاً چه اشکالی دارد اگر یکی از استادان به نام معرق کار کارهای احمدرضا را ببیند و در راه اندازی نمایشگاهی حمایتش کند یا آثارش را در کنار کارهای او به نمایش درآورد یا در معرض فروش قرار دهد.

احمدرضا و جوانانی همانند او نیاز به حمایت دارند چه از سوی سازمان‌های متولی و چه از سوی چهره‌های هنری که البته برای این حمایت می‌توان موارد گوناگونی را مطرح کرد یکی از این نمونه‌ها که شاید اجرایی‌کردنش مشکل‌هم نباشد این است که بجز مردم، ادارات و سازمان‌ها نیز برای خرید هدایایی که در مناسبات اداری معمول است به سراغ خرید از تولیدات معلولان بروند با این کار هم به رشد تولیدات داخلی کمک کرده‌اند و هم از هنرمندان معلول وطنی حمایت نموده‌اند.

خواندن صحبت‌های احمدرضا و جوانانی از این دست رنگ و بوی امید دارد بیایید که قدر این جوانه‌های امید را بدانیم و در راه بالندگی آن قدم برداریم.

### **«پارالمپیک وعده‌گاه امید و عشق بود»، سمیه افشین فر، ۱ مهر ۱۳۹۵.**

روزهای خاطره‌انگیز پارالمپیک ریو برای پارالمپین‌های کشورمان به پایان رسید. روزهایی که این عزیزان خاطرات خوش طلائی را در اذهان تک‌تک ما ماندگار کردند. درخشش تیم پرستاره فوتبال هفت نفره کشورمان، دو مدال طلائی ساره جوانمردی در رقابت‌های مختلط تپانچه و شکستن رکورد جهان که او را به اسطوره‌ای در تاریخ ورزش ایران و تنها ورزشکاری که دو مدال طلا از یک دوره پارالمپیک/المپیک کسب کرده رساند. خلق حماسه سیامند رحمان وقتی که سایت رسمی کمیته بین‌المللی پارالمپیک به سیامند لقب Legend (افسانه) را داد و نوشت که سیامند رکورد خود را سه بار شکست و با وزنه ۳۱۰ کیلویی تمام کرد (تقریباً هم وزن دو بچه فیل می‌شود) همه و همه صحنه‌های زیبایی را در چشمان جهانیان ترسیم کردند. صحنه‌هایی ناب و دیدنی از تلاش و امید. ورزشکاران دارای معلولیت در روزهای مسابقات خالق جاودانه‌ترین تصاویر بودند. پارالمپیک وعده‌گاه



امید و عشق بود، وعده گاه بیداری و تلاش و این را همه پارالمپین ها ثابت کردند چه آنها که با مدال برگشتند چه آنها که دست خالی آمدند؛ همه و همه برای رسیدن به این نقطه از جان مایه گذاشتند و با کمبودها مبارزه کردند. می خواهیم بدانند که همه ما قدر لحظه به لحظه تمام زحمات و تلاش هایشان را می دانیم. همه می دانیم که دست فدراسیون جانبازان و معلولان کشورمان و کمیته پارالمپیک به نسبت سایر فدراسیون ها خالی تر است. همه می دانیم که این عزیزان با سختی ها و کمبودهای زیادی دست و پنجه نرم کرده اند و همه می دانیم که همه این کمبودها برای دختران ورزشکار دارای معلولیت متأسفانه بیشتر است، همه می دانیم که آمار سالن های ورزشی مناسب برای افراد دارای معلولیت محدود است. همه می دانیم پارالمپین های دارای معلولیت ما همواره نتایج بهتری از سایر ورزشکاران کسب کرده اند و متأسفانه کمتر دیده شده اند اما آنها با همه این کمبودها توانسته اند چنین بدرخشند، بجاست که به خاطر همه این تلاش ها و حداقل برای تمام روزهایی که این ورزشکاران چراغ امید و تلاش را در دل تک تک مان روشن نگه داشتند بنشینیم و به داستان های زندگی تک تک شان گوش دهیم؛ به داستان هایی که هر کدام دنیایی از غم و شادی اند. داستان هایی از جنس نور و امید که ثابت می کند خواستن، توانستن است.

امید است که نتیجه زحمات این ورزشکاران همانند سایر ورزشکاران دیده شود و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در بودجه بندی و تعریف و تعیین بودجه برای فدراسیون های مختلف نگاه ویژه ای به فدراسیون جانبازان و معلولان کشورمان و کمیته پارالمپیک داشته باشند تا در پارالمپیک توکیو شاهد درخشش بیش از پیش ستارگان مان باشیم.

### **«پذیرش معلولیت، نقطه عطفی در سلامت و توانمندسازی خانواده ها»، حمدالله خواجه حسینی، ۲۵ خرداد ۱۳۹۶.**

والدین به محض اطلاع از معلولیت فرزند خود واکنش هایی نشان می دهند؛ واکنش هایی مانند خشم و انکار، احساس گناه و گوشه گیری که بر رفتار آنان نسبت به عضو معلول خانواده و سایر فرزندان تأثیرات منفی برجای می گذارد. حال می خواهیم در این باره بیشتر صحبت کنیم.

در روانکاوی اصطلاحی داریم به نام «مکانیزم دفاعی». این مکانیزم زمانی فعال می شود که در مواجهه با یک موقعیت شدیداً دچار اضطراب شویم و به ما کمک می کند تا با کاستن از اضطراب خود، سلامت روانی مان را حفظ کنیم، البته مکانیزم های دفاعی تا مدت کوتاهی می توانند از وخیم تر شدن وضعیت روحی ما جلوگیری کنند و ما باید در اسرع وقت با مراجعه به مشاور یا روانشناس نسبت به مشکلات خود شناخت پیدا کرده و برای حل آنها تلاش کنیم.

روانکاوان مکانیزم های دفاعی بسیاری را می شناسند که در این سلسله مطالب، تنها به مواردی اشاره می شود که در خانواده های افراد معلول، بیشتر به آنها برمی خوریم مانند انکار و طرد واقعیت، جابه جایی، جبران، واکنش عکس و تخریب.

آگاه شدن از معلولیت فرزند، اضطراب ایجاد می کند و باعث می شود پدر و مادر به طور ناخودآگاه این واقعیت را انکار کنند. نپذیرفتن واقعیت هرچند تاحدی می تواند اضطراب والدین را کاهش دهد

اما پذیرش صحیح عضو معلول خانواده را غیرممکن می کند. بسیاری پدران و مادرانی که از ثبت نام فرزند خود در مدرسه استثنایی ناراضی هستند و از او توقع دارند مانند سایر کودکان ببیند و بشنود. ممانعت والدین از اینکه فرزند آنها زبان اشاره یا خط بریل را فراگیرد و در اماکن عمومی از عصای سفید، واکر یا ویلچر استفاده کند، تماماً نشان دهنده این است که آنها نتوانسته اند معلولیت فرزندشان را بپذیرند. انکار واقعیت و رفتار نامناسب والدین با فرد معلول بر رفتار سایر فرزندان هم تأثیر می گذارد و آنها نمی توانند توانایی ها و محدودیت های خواهر یا برادر معلول خود را بشناسند و با او ارتباط درستی برقرار کنند. در چنین خانواده هایی قربانی اصلی، فرد دارای معلولیت است. او که بیش از حد توانایی خود تلاش می کند تا انتظارات اعضای خانواده را برآورده سازد، به دلیل عدم موفقیت در این امر دچار یأس و ناامیدی می شود؛ دروغگویی، خیالبافی و پنهانکاری از جمله رفتارهایی است که برخی از این کودکان و نوجوانان برای جلب رضایت والدین بروز می دهند.

اگر به نکات بالا خوب توجه کنیم درمی یابیم که تنها کلید گره گشای والدین، مراجعه بموقع به روانشناسان متخصص در امور معلولان است. این روانشناسان به خانواده ها کمک می کنند تا جنبه های مختلف مسأله معلولیت را بشناسند.

پدر و مادری که حقیقت معلولیت را شناخته و آن را پذیرفته اند نگاه خویش را به آینده امیدبخش فرزند معلول پیوند می زنند و از تمامی امکانات خود برای ساختن فردای وی بهره می گیرند.

**«پله هایی که تا ترازوی بالا می روند: تعلل در مناسب سازی و ایمن سازی معابر شهری همچنان تهدیدی برای سلامت معلولان است» سمیه افشین فر، ۵ بهمن ۱۳۹۶.**

حیدر ۴۶ ساله و نابیناست مثل هر روز از محل کارش راهی خانه بود، مثل هر روز و از همان مسیر هر روزه، می خواست همانند روزهای گذشته از پله برقی استفاده کند و از خیابان رد شود، یادش آمد چند روزی بود که پله برقی خراب بود اصلاً خودش دیروز زنگ زده بود به شهرداری محل و خواسته بود که برای تعمیر پله برقی اقدام کنند، وقتی به جلوی پله ها رسید مانعی نبود، حیدر نزدیک پله ها شد، صدا نمی آمد، پله ها حرکت نمی کردند، حیدر تصور کرد پله ها را هنوز درست نکرده اند با خودش گفت اشکالی ندارد پله ها را بالا می روم و حیدر نمی دانست که کارگران در حال تعمیر پله هستند و نه آنها حیدر را دیده اند و نه او آنها را دیده است، مانعی هم که نبوده، او پله ها را یکایک بالا می رود، بی خبر از همه جا، ناگهان پله برقی روشن شده و حرکت می کند، حیدر تعادلش را از دست می دهد افراد بینا هم در این شرایط دست و پایشان را گم می کنند چه رسد به نابینایان. بر هم خوردن تعادل باعث می شود پایش گیر کند و حیدر شروع می کند به فریاد زدن و کمک خواستن، کارگران متوجه می شوند بلافاصله پله برقی را خاموش می کنند، به سمت حیدر می آیند تا دستش را بگیرند و کمکش کنند. کارگری سر حیدر فریاد می زند: چرا نگفتی کوری!



خطر بزرگی از بیخ گوش حیدر گذشت، این حادثه می توانست تبدیل به تراژدی شود، درست همان طور که برای هما بدر اتفاق افتاد یا همانند آن بلایی که سر جوان نابینای ورامینی آمد و ماه ها در بیمارستان بستری بود. خدا را شکر شانس با حیدر همراه بود و او ظاهراً تنها چند زخم سطحی برداشت اما این تنها ظاهر ماجراست حیدر با این حادثه به ظاهر کوچک، زخم های بزرگی برداشت درست همان لحظه ای که کارگر سرش فریاد زد چرا نگفتی کوری! حیدر زخم خورده و ناراحت با توانش تماس گرفت شرح آن روز را از زبان حیدر بخوانید:

« یکشنبه ۲۴ دی این پله برقی که ابتدای خیابان مدنی قرار دارد خراب شد. از آنجا که محل تردد هر روز من است بر آن شدم با شهرداری تماس بگیرم و اطلاع دهم که این پله برقی خراب است. پس با شهرداری تماس گرفتم و درخواست کردم پل هوایی را تعمیر کنند. عصر یکشنبه زمان برگشت به خانه طبق روال هر روز به روی پله برقی رفتم و دیدم هنوز درست نشده. در حال بالا رفتن از پله ها بودم که دقیقاً در پله آخر زیر پایم خالی شد و در پله برقی فرو رفتم. با صدای فریادم کارگران مشغول کار به سراغم آمدند. وقتی مرا بیرون کشیدند کارگری که مأمور تعمیر پله برقی بود با لحنی زشت به من گفت «چرا نگفتی کوری» من واقعاً عصبانی شدم و نزدیک بود کار به برخورد فیزیکی بکشد.»

این حادثه و حادثه هایی از این دست را بسیاری از افراد دارای معلولیت بارها و بارها تجربه کرده اند. تجربه ای که در بسیاری از مواقع صدمات جبران ناپذیری برایشان به ارمغان آورده است کافی است فقط چند ثانیه چشمانتان را ببندید تا به عمق مشکلاتی که یک نابینا و کم بینا در تردد در محیط شهری با آن روبه رو است پی ببرید مشکلاتی که حیدر و سایر هموعانش بارها تجربه کرده اند حالا یا شانس با آنها همراه بوده و تنها چند زخم سطحی برداشته اند یا دچار عارضه های حرکتی و جسمی شده اند و ماه ها در بیمارستان و تحت درمان قرار گرفته اند اما به نظر می رسد بیشتر از زخم های جسمی آنچه بیشترین صدمه ها را به این افراد آسیب دیده می زند نه زخم های جسمی که زخم ها و آسیب های روحی است کما اینکه حیدر وقتی از حادثه می گفت بیشتر از صدمه جسمی از کلام زشت کارگر ناراحت شده بود که سرش فریاد زده بود چرا نگفتی کوری! حیدر با خودش فکر می کند مگر نه اینکه وقتی کارگران مشغول تعمیر پله هستند باید جلوی پله ها را با مانعی ببندند اصلاً حالا- که بیشتر پله های برقی در دارند چرا قبل از تعمیر در را نبستند اگر به جای حیدر این اتفاق برای کودکی می افتاد یا اگر فاجعه بزرگتری اتفاق می افتاد چه کسی پاسخگو بود؟ حیدر چه طوری و به چه کسی باید می گفت که نابیناست!؟

حیدر با ما تماس گرفت و از رنجی که بر او رفته بود سخن گفت. هستند حیدرهای بسیاری که در همین پایتخت یا در سایر شهرها و روستاهای کوچک و بزرگ این مملکت همراه با رنج معلولیت رنج های مضاعفی را به جان می خرند؛ رنج هایی که گاه ما افراد به ظاهر سالم مسبب آن هستیم رنج هایی که مناسب نبودن راه ها و فضاهای شهری به این عزیزان تحمیل می کند. وقتی ما احساس مسئولیت نکنیم و به اصطلاح افراد دارای معلولیت را نبینیم قطعاً این افراد هر روز دچار مشکلاتی از این دست می شوند. ای کاش تک تک ما به عنوان شهروندان جامعه به مسئولیت اجتماعی خودمان در قبال افراد دارای معلولیت آگاه باشیم و در گوشه گوشه شهرمان این افراد را ببینیم. باور کنید اصلاً کار سختی نیست تنها کافی است وقتی می بینیم مثلاً پله برقی جایی خراب است و مانعی هم وجود



ندارد به سراغ کارگر یا پیمانکار برویم و او را از خطرات این کار آگاه کنیم یا زمانی که می بینیم محل فروشگاهی فاقد رمپ است به سراغ مدیر آن مرکز برویم و بخواهیم که فضا را برای افراد دارای معلولیت هم مناسب سازی کند باور کنیم اینکه همه در هر پست و مقامی که هستند مسائل ایمنی را در نظر بگیرند و جزو اولویت اصلی کارشان قرار دهند تنها مختص به افراد دارای معلولیت نیست و قطعاً نمود این حرکت در زندگی تک تک شهروندان جامعه تأثیرگذار خواهد بود و طبعاً بخش عظیمی از شهروندان جامعه که همان افراد دارای معلولیت نیز هستند از آن سود خواهند برد.

### **«تا کی باید اتفاق ها سرنوشت آدم ها را تغییر دهند»، راضیه کباری، ۲۷ مهر ۱۳۹۶.**

اتفاقی به هم رسیدیم؛ کاملاً اتفاقی. صدای بغض کرده اش مرا به سال های دور برد، سال های تنهایی. سال هایی که احساس بیهودگی؛ زندگی را نفسگیر کرده بود. سال های بی خبری از دنیای اطراف. سال های دور ماندن از هر چه بدان وابسته بودی. سال هایی که احساس اضافه و سربار بودن خفه ات می کرد.

از پشت تلفن صدایش را می شنیدم. از برادرش می گفت که بعد از قبولی در دانشگاه در رشته مهندسی عمران؛ کم کم مشکل بینایش اوج گرفته تا اینکه دو سال بعد مجبور شده با گرفتن کاردانی درس و دانشگاه را رها کند. «امید» حالا ۴۴ سال دارد و تمام این سال ها را در خانه و بدون یادگیری مهارتی گذرانده. البته حتماً در خانه قادر به انجام کارهای شخصی خودش و کارهای دیگری هست؛ اما مهارت های یک زندگی مستقل را ندارد.

پرسیدم: در کودکی از مشکل «امید» خبر نداشتید؟ و او گفت: چرا از کودکی متوجه ضعف بینایی «امید» شده بودیم. دکتر هم گفته بود شب کوری دارد و در سال های آینده بینایش را از دست می دهد.

خواهر امید می گفت جایی را نمی شناختیم و نتوانستیم برای توانبخشی به او کمکی بکنیم.

افکار متراکم و متقابلی در ذهنم می پیچید به یاد مشکلات خود می افتادم و کسانی که یاریم دادند. فکر می کردم؛ یعنی بواقع هیچ دوست، آشنا، معلم یا حتی پزشک معالجش نتوانسته او را راهنمایی کند تا به یکی از مراکز توانبخشی نابینایان معرفی شود. از سوی دیگر، از تصور اینکه «امید» های دیگری در این کشور با این مشکل مواجهند قلبم فشرده می شد.

وقتی نابینا می شدم من هم تصویری از نابینایی نداشتم. با اینکه در مرکز درمانی کار می کردم بهزیستی را نمی شناختم. هیچ نابینایی را از نزدیک ندیده بودم. اگر هم دیده بودم گذری و نظری.

فکری در مورد شرایطش نکرده بودم به...مانند اتفاقی که در مورد «امید» افتاده و او را از دنیای نابینایان دور نگه داشته.

تنها و تنها یک دوست بود که برای گرفتن عصا، بهزیستی را به من معرفی کرد. این گونه بود که ارتباط من با مرکز توانبخشی و نابینایان دیگر و دنیای آنها برقرار شد. اما «امید» همین را هم نداشته یا کسانی این توجه را از او دریغ کرده اند.

از سرگذشت خودم به خواهرش می‌گفتم و کارهایی که بعد از نابینایی انجام داده ام و می‌دهم. از تحصیل؛ اشتغال؛ ازدواج؛ بزرگ کردن فرزندم و انجام کارهای خانه و بیرون خانه.

آرام و با حسرت گوش می‌کرد. وقتی شنید که در مرکز توانبخشی برای آموزش خیاطی هم رفته ام. با بغض پرسید یعنی شما خیاطی هم می‌کنید؟ گفتم: بله با وسایل کمکی مشکل خاصی وجود ندارد. دیگر تحمل نکرد. هیجان زده گفت: از صدا و سیما گله دارم. چرا به جای این فیلم‌های آبکی، زندگی شماها را نشان نمی‌دهند تا امروز در ۴۴ سالگی برادرم این حرف‌ها را نشنوم. گفتم اگر نشان دهند هم آنقدر اغراق آمیز است که باور نمی‌شود و به یاد می‌آورم صحنه‌هایی از نابینایانی که به صورت اسطوره‌ای توانمند بودند و هر کس آنها را می‌دید یا می‌گفت این یکی است مثال ندارد و ما نمی‌توانیم.

خواهر نیز این برنامه‌ها را دیده بود اما آنقدر دور از ذهنش می‌نمود که به فکر وادارش نکرده بود یا تصور نمی‌کرد برادرش هم بتواند مانند آنها باشد.

با خود می‌گفتم: کاش آدم‌ها را اینقدر بزرگ نکنیم که دست نیافتنی شوند.

براستی در این کشور چند «امید» دیگر داریم و چند «امید» دیگر بی‌خبر از دنیای اطراف، رفته رفته به عزلت خود خو می‌گیرد.

### **«تجربه کم بینایان در دید با عینک خاص»، راضیه کباری، ۱۴ تیر ۱۳۹۷.**

به تازگی یک شرکت ایرانی ارتباطاتی با شرکت سازنده عینک هوشمند ESIGHT ایجاد کرده و توانسته با فراخوان افرادی که علاقه مند به تست کردن عینک هستند، زمینه آزمایش آن را برای ایشان فراهم سازد. در این فراخوان ۵۶ نفر از افراد کم بینا برای تست عینک، حائز شرایط تشخیص داده شدند که مدتی پیش توانستند عینک را برای دقایقی روی چشم خود بگذارند. شاید برای بسیاری از این افراد، تست کردن این عینک تنها یک تجربه خوشایند باشد برای اینکه توان چشم خود را محک زده باشند، اما قیمت حدود ۱۱ هزار دلاری عینک در حال حاضر امکان تهیه آن را برای اغلب نابینایان میسر نمی‌سازد. شرکت واسط ایرانی اما معتقد است با رایزنی با سازمان‌ها و وزارتخانه‌های ذیربط در این امور، می‌توان عینک را با قیمت معقول تری در اختیار نابینایان قرار داد. آنچه در زیر می‌خوانید، تجربه دیدن سه نفر از دوستان نابینا در استفاده از این عینک است.

خانم خاقانی از قائمشهر یکی از این افراد است. او می‌گوید با یک جمع ۱۶ نفره از قائمشهر به چالوس رفتیم، تقریباً هر کدام از بچه‌ها بین یک ربع تا ۲۰ دقیقه زمان داشتند تا عینک را تست کنند و آنها که نتیجه بهتری می‌گرفتند، بیشتر در اتاق می‌ماندند. قبل از شروع کار، آموزش مختصری در مورد نحوه کار با کنترل عینک را دیده بودیم. او به درستی مشکل بینایی خود را نمی‌داند، اما می‌گوید: مشکل عصب بینایی دارم؛ البته چشم چپم نابیناست و چشم راستم به مرور کاهش دید پیدا کرده است؛ در حال حاضر شاید از فاصله کمتر از یک متر می‌توانم اجسام را تشخیص دهم. وقتی عینک را روی چشم گذاشتم، توانستم حرف دنداندار «ای» انگلیسی را خوب بینم و جهت آن را تشخیص دهم. چند دقیقه‌ای هم با گوشی تلفن همراهم کار کردم و لیست مخاطبان آن را خواندم.



خانم خاقانی می افزاید: البته من از قیمت عینک اطلاعی نداشتم و آنجا فهمیدم چقدر گران است. برای من که جایی شاغل نیستم در حال حاضر امکاناتی برای تهیه این عینک نیست اما امیدوارم در آینده اتفاقی بیفتد. آقایی که کار تست عینک را انجام می داد، به من گفت شما نتیجه گرفته اید، اما در پایان کار نام پنج نفر از کسانی که با ما بودند به عنوان کسانی که عینک برایشان مفید است، برده شد و ظاهراً ما در نسخه های بعدی عینک بهتر نتیجه خواهیم گرفت. ماریا فرجی که لیسانس ادبیات دارد و به عنوان مربی قرآن مشغول به کار است، از دیگر کسانی بود که در این گروه عینک را تست کرده و از آن نتیجه گرفته است. او می گوید: شبکیه چشم من کامل تشکیل نشده و عصب بینایی هم ضعیف است. مشکل اصلی او بیشتر دید در شب است که آنجا نتوانسته آن را امتحان کند، اما می گوید: من با عینک توانستم نوشته ها را بخوانم و حتی از بالکن آن ساختمان، پلاک ماشین هایی را که پایین بودند، دیدم. او تا حدود یک متری دید قابل قبولی دارد، تا دو سه متر که می رسد به سختی قیافه ها را تشخیص می دهد. دید او از لحاظ قانونی ب ۲ محسوب می شود و در خانه گاه برای دیدن تلویزیون از فاصله چند متری از دوربین شکاری استفاده می کند. او می افزاید: وقتی خواهیم با این عینک چیزی را با بزرگنمایی ببینیم، باید ثابت باشیم و با کنترل عینک را روی تصویر زوم کنیم. به این ترتیب قبل از زوم کردن و هنگام حرکت نمی توان از عینک استفاده کرد؛ زیرا حرکات اجسام بسیار سریع است. آقای پاکدل، نیمه بینا و مغازه دار است. او شبکیه چشمش نازک است و به دلیل نقص در رنگدانه های شبکیه، در دید شب مشکل دارد. پاکدل که عینک را تست کرده، می گوید: در حالت عادی برای دیدن یک صفحه، باید آن را خیلی نزدیک چشم بیاورم، اما با این عینک از فاصله دورتر توانستم نوشته ها را بخوانم. این عینک مثل دوربین عمل می کند. ما با استفاده از کنترل، عینک را روی جسمی که می خواهیم ببینیم، زوم می کنیم. به این ترتیب موقع حرکت، حرکات اجسام خیلی تند می شود و تا زوم نشود، نمی توان از آن استفاده کرد. عینک با رابط هایی به کامپیوتر و موبایل وصل می شود و استفاده از این وسایل را راحت می کند. پاکدل ادامه می دهد: برای دیدن افراد از فاصله های چند متری مشکل دارم، اما وقتی این عینک را روی جسمی زوم می کردم، می توانستم تصویر شفاف و دقیقی از آن را ببینم. او اما می گوید: اگر قیمت این عینک حدود یک میلیون می شد، شاید برای خرید آن اقدام می کردم.»

## **«تشکیل فراکسیون حقوق افراد دارای معلولیت: نخستین انتظار شهروندان معلول از مجلس جدید»، سهیل معینی، ۶ خرداد ۱۳۹۵.**

بی گمان یکی از مهم ترین مسائل مطرح در عرصه سیاست عمومی کشور استقرار مجلس دهم و آغاز به کار خانه جدید ملت است، این اهمیت فراتر از وزن نهاد قانونگذاری به تصمیم های پارلمان برمی گردد زیرا تصمیمات این نهاد بیش از دیگران بر زندگی آن گروه های آسیب پذیر اجتماعی اثر گذار است از آن جمله شهروندان دارای معلولیت که زندگی اکثریت آنان به طور مستقیم از تصمیمات مجلس در عرصه های رفاه اجتماعی، تخصیص منابع مالی برای بهبود سطح زندگی گروه های پایین دست جامعه و نیز قوانین حمایتی متأثر است، اما پیش از این ها که حاصل استقرار مجلس جدید،

انتخاب ارکان آن و شکل‌گیری روند عادی تصمیم‌گیری در آن است آنچه اولویت شهروندان معلول و در واقع نخستین انتظار آنها از مجلس دهم است تشکیل فراکسیونی قوی، مستقل، مصمم و مدافع و پیگیر راستین حقوق میلیون‌ها نفر از شهروندان ایران است که با انواع کم‌توانی جسمی، حسی، روانی و ذهنی مواجهند.

این اولویت ناشی از عملکرد ضعیف فراکسیون دفاع از حقوق معلولان مجلس‌های قبلی است که به دلایل گوناگون نتوانستند تأثیر ملموس و تعیین‌کننده‌ای بر تصمیم‌گیری‌های معطوف به شهروندان معلول باقی بگذارند.

سیاسی بودن این فراکسیون‌ها، عدم تعلق خاطر حقیقی بسیاری از اعضای این فراکسیون‌ها به پیگیری مداوم و مؤثر حقوق معلولان از مهم‌ترین دلایل عدم عملکرد درخور این فراکسیون‌ها بود. از جمله نمونه‌های بارز ناکامی این فراکسیون‌ها از پیگیری حقوق افراد معلول، عدم موفقیت در تصویب لایحه حقوق معلولان، شکست در رفع تبعیض از نابینایان در نامزدی نمایندگی خانه ملت در دو بار رأی‌گیری در این خصوص، عدم بهره‌گیری از قدرت نظارتی مجلس بر عملکرد نامناسب برخی وزیران و دستگاه‌های اجرایی در حوزه افراد دارای معلولیت و عدم رعایت قوانین حمایتی از سوی این دستگاه‌هاست.

با این تجارب تشکیل فراکسیونی مصمم در دفاع و پیگیری از حقوق افراد معلول در مجلس جدید است که از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که به مجراهای قدرت دسترسی کمتری دارند و بهبود سطح زندگی آنان که عمدتاً در حدود یا پایین‌تر از خط فقر بسر می‌برند مستلزم توجه ویژه خانه ملت به شرایط اجتماعی این افراد است. آنچه بر این اهمیت می‌افزاید ضرورت رعایت حقوق افراد معلول توسط همه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی است که می‌طلبند هسته‌ای ناظر و آگاه به چگونگی رعایت حقوق شهروندان معلول عملکرد تمامی دستگاه‌های اجرایی را رصد کرده و در صورت لزوم با مداخله بهنگام تضمین‌کننده رعایت حقوق افراد معلول باشد.

### **«تشکیل فراکسیون معلولان مجلس، گام بلندی به سوی کامیابی‌های بعدی» سهیل معینی، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶.**

سهیل معینی، مدیرعامل شبکه تشکل‌های نابینایان و کم‌بینایان کشور چاووش

سرانجام پس از ماه‌ها تلاش فراکسیون جدید حمایت از حقوق معلولان در مجلس دهم تشکیل شد. این امر که گامی بلند برای تحقق کامیابی‌های بعدی در عرصه برابرسازی حقوق شهروندان معلول است، بر تمام عزیزان دارای معلولیت و همه کسانی که قلب‌شان برای سربلندی این شهروندان می‌تپد، مبارک باد. لازم به یادآوری است تشکیل و داشتن فراکسیونی در بدنه مجلس شورای اسلامی به عنوان مهم‌ترین نهاد قانونگذاری و نظارتی کشور، برای پیشبرد حقوق هر گروه اجتماعی دستاوردی بزرگ است که خوشبختانه از مجلس ششم به بعد شهروندان معلول کشورمان به این توفیق نایل آمده‌اند و انتظار آن بود که در مجلس دهم نیز که دغدغه بیشتری در زمینه تحقق حقوق اقلیت‌های اجتماعی از خود نشان داده بود، فراکسیون دفاع از حقوق معلولان با ترکیبی جدید و جانی تازه در تار

و بود خود تشکیل شود که متأسفانه این مهم در ماه های آغازین کار مجلس میسر نشد اما تا این هفته تلاش مستمر ما برای تشکیل آن ادامه داشت تا سرانجام این تلاش به بار نشست و فراکسیون جدید با حضور ۶۰ نماینده در انتخابات اولیه تشکیل و اعضای جدید هیأت...رئیس، دبیران و سخنگوی فراکسیون مشخص شدند. اکنون برنامه فعال شدن فراکسیون در روزهای پیش رو و با هدف اولیه و بسیار عمده «تصویب لایحه حمایت از حقوق معلولان» کشورمان است که می تواند نخستین کامیابی مورد انتظار از تشکیل فراکسیون باشد. بار دیگر این پیروزی را به همه فعالان حقوق مدنی ایران تبریک می گویم و به آنانی که در این ماه ها بر طبل یأس و ناامیدی می کوبیدند یادآور می شوم که مهم ترین سلاح معنوی شهروندان معلول برای تحقق زندگی بهتر، امید به بهبود و اعتقاد راسخ به این امر است که سرمایه ما برای تلاش مداوم و خستگی ناپذیر، وحدت و یکپارچگی پشت تشکل های فعال معلولان و حمایت از فعالیت با برنامه فعالین حقوق مدنی شهروندان معلول است.

### «تکرار یک تراژدی دردناک»، حمید داودی، ۲ شهریور ۱۳۹۶.

۳۰ آذر ماه ۱۳۹۳ خبری میان رسانه های مکتوب و تصویری سر و صدا بسیاری به پا کرد «مسمومیت ۳۰ معلول در آسایشگاه پدربزرگ» حادثه ای که تأثر و احساسات همگان را برانگیخت و متأسفانه در پی آن ۲۷ نفر مسموم و ۳ نفر از افراد دارای معلولیت جان باختند. این حادثه در آسایشگاه پدر بزرگ پاکدشت یکی از شهرستان های نزدیک به پایتخت رخ داد.

یحیی سخنگویی، معاونت توانبخشی پیشین سازمان بهزیستی کل کشور در آن زمان علت فوت این معلولان را مسمومیت غذایی به میکرو ارگانسیم ها عنوان کرد؛ چندی بعد با روی کار آمدن رئیس بهزیستی جدید حسین نحوی نژاد، معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی در یک نشست خبری در خصوص این حادثه تلخ گفت: «در حادثه آسایشگاه پدربزرگ، غذای نذری از بیرون مرکز بین معلولان توزیع شده بود که این بر خلاف دستورالعمل مراکز زیرمجموعه سازمان بهزیستی است، لذا در همان زمان حادثه مسئولان مرکز به دلیل تخلف به صورت موقت بازداشت شدند.»

خبرهایی که زود سرد می شوند

در پی انتشار این خبر موج احساسی در سطح پایتخت ایجاد شد و مسئولان سازمان بهزیستی، دادگستری، پزشکی قانونی و... مصاحبه های مختلفی از این خبر و حواشی ایجاد شده آن با رسانه های مکتوب و تصویری داشتند. در این حادثه ۳ معلول جان خود را از دست دادند و این خبر تا زمان اعلام نتیجه علت مرگشان حدود ۲ ماه در رسانه های مختلف دست به دست می شد. در آن زمان همه خبرها به یک جمله ختم می شد و آن این بود که باید از بروز چنین اتفاق هایی در هر کجا جلوگیری شود تا دیگر شاهد این حادثه دلخراش نباشیم. موج به راه افتاده از این حادثه فقط دو ماه ذهن اصحاب رسانه را درگیر کرد تا با این سوژه داغ بازی کنند و خبرها و گزارش های خواندنی برای مخاطبانشان تولید کرده و نشر دهند.

اما فقط ۳ سال از آن حادثه گذشته بود که در ۱۰ مرداد ۱۳۹۶ دوباره موجی از تیرهای رنگارنگ فضای مجازی و رسانه ها را پر کرد حال بعد از سه سال شهرستان شبستر یکی از شهرهای آذربایجان



شرقی شاهد تکرار این اتفاق تلخ بود که در نتیجه آن مرگ دو معلول رقم خورد. در این حادثه دو معلول جان شیرین خود را به علت مسمومیت غذایی از دست دادند این بار هم خبر بعد از یکی دو روز در میان انبوه خیرها به فراموشی سپرده شد. برای اطلاع دقیق از این ماجرای دلخراش با یکی از مدیران بهزیستی آذربایجان شرقی به گفت و گو پرداختیم.

برخورد شدید با مقصران حادثه

محسن ارشد زاده مدیر کل بهزیستی استان آذربایجان شرقی در خصوص علت این ماجرا گفت: «۱۲ نفر از مجتمع نگهداری خیریه قشقایی به علت مسمومیت راهی بیمارستان شدند که در این حادثه آشپز، کارشناس ناظر بهزیستی و ۱۰ معلول ذهنی شدید با علائم مسمومیت به بیمارستان منتقل شدند اما متأسفانه حال دو نفر از معلولان بشدت وخیم شد و در این حادثه جان خود را از دست دادند.»

وی افزود: «معلولانی که در این اتفاق ناگوار تسلیم مرگ شدند ۱۶ و ۲۹ سال سن داشتند و هر دو دچار تشنج شدید غیر قابل درمان بودند. عامل این مسمومیت باکتری است این باکتری چندین نوع دارد که به طور شایع عامل ۸۰ درصد مسمومیت ها است معمولاً فرد با خوردن غذا، آب یا سبزی آلوده دچار مسمومیت از این دسته باکتری می شود، به همین علت آزمایش ها را به تهران ارسال کردند تا دقیقاً نوع باکتری مشخص شود.»

این مقام مسئول با اشاره به فوت دو معلول ذهنی شدید عنوان کرد: «معلولانی که در این حادثه فوت کردند در طول روز چند بار دچار تشنج می شدند این دو معلول با مسموم شدن، آب بدنشان کم و مقاومت شان نسبت به این نوع باکتری کاهش پیدا کرد این نوع مسمومیت برای این دونفر به عنوان محرک تشنج عمل کرده است.»

نظر پزشکان بر این است که حمله تشنجی به افرادی که خود سابقه تشنج داشتند می تواند در فوت این عزیزان تأثیر مستقیم داشته باشد. این احتمال وجود دارد تشنج عامل مرگ این افراد است نه مسمومیت چرا که مسمومیت به تنهایی کشنده نیست.»

ارشدزاده اضافه کرد: «همانند روزهای گذشته غذایی در همان مجتمع برای این افراد طبخ شد که شامل برنج و خورش قورمه سبزی بود اما هنوز مشخص نیست این آلودگی از برنج، خورش، سبزی همراه غذا یا آب بوده است.»

برای جلوگیری از تکثیر بیشترین باکتری با کمک مرکز بهداشت تمام مرکز خیریه را ضد عفونی کردیم همچنین معلولان مرکز را به مکان دیگری انتقال دادیم تا این مشکل بر طرف شود.»

وی با اشاره به اینکه در شهرستان شبستر سه مرکز خیریه برای نگهداری از معلولان وجود دارد، گفت: «در مجتمع خیریه قشقایی ۲۱ معلول ذهنی نگهداری می شوند مسمومیت برای ۱۰ نفر از آنها اتفاق افتاد که منجر به مرگ دو معلول ذهنی شدید این مجتمع شد.»

ارشد زاده در پاسخ به سؤال «ایران سپید» در خصوص معذرت خواهی سازمان بهزیستی از خانواده این دو معلول فوت شده بیان کرد: «ما بجد پیگیر علت این حادثه هستیم تا دریابیم این اتفاق ناشی از یک خطای عمدی است یا نه. در حال حاضر

مشخص نیست که قصور از سوی سازمان بهزیستی

ص: ۲۰۷

است یا عمدی در کار بوده است. اگر کم کاری از سوی سازمان بهزیستی باشد ما عذر خواهی نمی کنیم بلکه با عوامل آن بشدت برخورد خواهیم کرد.

ما به دنبال علت این حادثه هستیم تا اگر نیازی است با کسی یا جایی برخورد شود حتماً این کار صورت گیرد.»

وی در پایان صحبت هایش در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار مبنی بر اینکه آیا خانواده های معلولان فوت شده می توانند غرامت دریافت کنند یا نه گفت: «اگر سازمان مقصر تشخیص داده شود و خانواده های افراد فوت شده شاکی باشند می توانند غرامت دریافت کنند.»

دو حادثه ای که به فاصله سه سال رخ داد نشان از فراموشی مسئولان از قول و قرارهایی که می دهند دارد اما سؤالی که در این جا مطرح است این است که در مورد حادثه دوم که در یک شهرستان اتفاق افتاد همچون حادثه اول برخورد نشد سه سال قبل مرگ معلولان در آسایشگاه پدربزرگ در کهریزک با سر و صدای فراوانی همراه بود چه از سوی مسئولان و چه از سوی رسانه ها، انگار اگر از پایتخت دور باشی خونت کمرنگ تر است و ارزش پایین تری نسبت به پایتخت نشینان دارد.

همه افرادی که در این حادثه یا حادثه های بعدی جان شیرین خود را از دست می دهند با هم برابرند و باید به یک چشم به آنها بنگریم فرقی نمی کند فرد دارای معلولیت در روستای دور افتاده یا در یک شهر بزرگ باشد مهم آن است که شهروندان این جامعه هستند.

### **«تلاشی برای اصلاح ساختار خانواده»، حمدالله خواجه حسینی، ۲۲ تیر ۱۳۹۶.**

همقطاران ما در سفر به دنیای خانواده های افراد معلول تا اینجا با برخی مکانیزم های دفاعی والدین مانند انکار، تخریب، طرد واقعیت و واکنش عکس آشنا شده اند. حال قصد داریم تا کمی درباره مکانیزم جابه جایی صحبت کنیم. خیلی وقت ها این جمله را از اطرافیان می شنویم که «اگر از جای دیگری دلخوری، چرا ناراحتی ات رو سر من خالی می کنی؟» معنی مکانیزم جابه جایی هم دقیقاً همین است. والدینی که به خاطر داشتن فرزند معلول، فشار روانی زیادی را تجربه می کنند ممکن است به جای رفتار نامناسب با کودک دارای معلولیت، ناخودآگاه اضطراب خود را به سایر فرزندان منتقل کرده و اصطلاحاً ناراحتی خود را سر آنان خالی کنند. حمایت های افراطی نسبت به فرزند معلول و در عوض سختگیری بیش از حد درباره سایر فرزندان، مصداق بارز چنین رفتاری است. رفتارهای اینچنینی نه تنها هیچ کمکی به عضو معلول خانواده نمی کند بلکه حس حسادت و تنفر را در سایر فرزندان تقویت می کند چرا که آنان وجود خواهر یا برادر معلول را دلیل سختگیری های پدر و مادر می دانند.

حمایت های بیش از حد والدین از فرزند دارای معلولیت، خواه به خاطر غلبه بر اضطراب و احساس گناه یا برای جبران اشتباهات گذشته، وقتی با بی توجهی نسبت به دیگر فرزندان همراه می شود، نقش تربیتی پدر و مادر را تضعیف می کند. آنان در حالی که تمام توجه خویش را صرف نیازهای فرزند معلول کرده اند، مسئولیت خود را در قبال سایر فرزندان از یاد می برند. وقتی با مشکلات تحصیلی و



رفتاری فرزندان غیر معلول این خانواده‌ها مواجه می‌شویم ممکن است تصور کنیم که آنان تنها قربانیان شرایط حاکم بر خانواده هستند اما این طور نیست.

هرچند در مکانیزم جابه‌جایی، خشم ناشی از داشتن فرزند معلول به سایر اعضای خانواده منتقل می‌شود، در تمامی موارد، این مسأله با حمایت از فرد دارای معلولیت همراه نیست بلکه وی ممکن است مورد کم توجهی نیز واقع شود اما اگر مکانیزم‌های جابه‌جایی و جبران با حمایت افراطی از کودک دارای معلولیت همراه باشد به جرأت می‌توان او را اصلی‌ترین قربانی خانواده به حساب آورد.

قربانیان معلولی که به جای بی‌توجهی، محبت بیش از حد دریافت می‌کنند اصطلاحاً به نوعی «خود کاذب» یا تصویری غیرواقعی نسبت به خود دست می‌یابند و نمی‌توانند محدودیت‌ها و قابلیت‌های شان را بشناسند. آنان لزومی نمی‌بینند برای رسیدن به استقلال تلاش کنند چون همیشه منبعی برای تأمین نیازهای آنها وجود دارد. ناتوانی در همدلی با دیگران، خودبزرگی بینی، حساسیت بیش از حد و روان‌رنجوری بسیاری از نوجوانان دارای معلولیت، حاکی از وجود خانواده‌هایی است که دو نوع شیوه رفتاری در آنها وجود دارد: یکی رفتارهای سهل‌انگارانه یا حمایت‌های افراطی که در رابطه با فرزند معلول اعمال می‌شود و دیگری سختگیری‌های بیش از حدی که متوجه سایر فرزندان است که این رفتارهای دوگانه، بیشترین آسیب را به روابط خانوادگی وارد می‌کند. بنابراین مشاوره روانشناختی با این دسته از خانواده‌ها دارای اهمیت است زیرا طی جلسات مشاوره با تکنیک‌های شناختی و اصلاح رفتار، تلاش می‌شود تا اعضای خانواده ضمن آگاهی از مشکلات رفتاری شان به درک درستی از نقش خود در روابط خانوادگی دست پیدا کنند.

### **«توانبخشی به شرط گوش شنوای مددکاران» سمیه افشین فر، ۴ شهریور ۱۳۹۵.**

شاید پذیرش این موضوع خیلی راحت نباشد اما معلولیت یک حقیقت انکارناپذیر است که بر سرنوشت فرد و جامعه اثر می‌گذارد.

همه افراد عادی جامعه در معرض معلولیت جسمی قرار دارند و ممکن است طی یک حادثه رانندگی، سوانح طبیعی، بیماری یا حتی یکسری از معلولیت‌ها که در دوران بارداری ایجاد می‌شود مانند استفاده از داروهای خاص، اشعه ایکس و... فرد نتواند همانند سایرین از موقعیت‌ها و فرصت‌های برابر در جامعه سود ببرد. چرا که همه می‌دانیم معلولیت فرد را دچار اختلالاتی از قبیل ضعف، اختلال حرکتی، ناتوانی و... می‌کند و فرد معلول برای ادامه زندگی نیازمند کمک و یاری می‌شود تا بتواند به شرایط عادی برگردد و همانند دیگر افراد جامعه از زندگی لذت ببرد. اینجاست که نقش «مددکار و مددکاری» روشن می‌شود. مددکار فردی است که برای کمک به فرد معلول وارد می‌شود و وظایفی را بر عهده دارد در واقع توانبخشی پاسخی است به نیاز فرد و جامعه در جهت بازگشت فرد به جامعه برای زندگی مستقل و این توانبخشی بدون حضور مددکارانی ماهر هرگز به طور مطلوب اجرایی نخواهد شد. نکته مهم دیگر در حوزه توانبخشی حفظ شأن و منزلت فرد معلول است. در توانبخشی باید به فرد معلول همانند یک انسان نگاه شود و همه اقدامات و برنامه‌ها باید به سویی

باشد که وی را برای یک زندگی مستقل همانند یک شهروند آماده نمایند و همه اینها در گرو حفظ شأن فرد دارای معلولیت در مقام یک شهروند است.

در روند مطلوب توانبخشی مددکار نقشی محوری بازی می کند چرا که هدفش بازتوانی فرد معلول و ارتقای سطح کارآیی او به بالاترین حد ممکن به منظور دستیابی به زندگی مستقل در جامعه است. بنابراین مهم است که در وهله اول مددکاران نسبت به افراد دارای معلولیت نگاهی درست و انسانی داشته باشند هر چند که هیچ کس منکر سختی کار و تعدد وظایف آنها نیست و وظایف متعددی که طیف گسترده ای از پیشگیری از بروز معلولیت و جلوگیری از پیشرفت و حاد شدن آن تا تلاش برای خودکفایی فرد معلول و زندگی مستقل و آموزش و آگاه سازی معلول و خانواده وی از حقوقشان و تلاش برای بازگرداندن فرد معلول به جامعه در مقام یک شهروند را شامل می شود. آنچه از مددکاران ماهر در روند توانبخشی مطلوب مورد نیاز است توجه ویژه به مددجو، پذیرش و استقبال از گفت و گو با مددجو و شنیدن مسائل و مشکلات اوست در واقع همه مددجویان انتظار دارند که مددکاران گوش شنوای مسائل و مشکلاتشان باشند و در تنگناهای محیطی و ارتباطی به آنها راهکار ارائه دهند که البته با پذیرش همه سختی های شغل مددکاری و مسائل و مشکلات مددکاران این خواسته زیادی نیست. چرا که اگر قرار باشد فرد معلول در نهادی که متولی امور معلولان است از سویی فردی که باید دلسوز معلولان باشد مورد حمایت و توجه قرار نگیرد طبیعی است که اعتماد به نفس برای حضور مؤثر در اجتماع را نیز از دست خواهد داد. اینجاست که شاید به تأمین مددکارانی متخصص در سازمان بهزیستی کشور باید توجه جدی قرار گرفته شود، مددکارانی ماهر و تحصیلکرده که از طرف سازمان های مسئول مورد حمایت قرار گرفته و دغدغه معیشت کمتری داشته باشند تا بتوانند به طور مطلوب به جامعه هدفشان خدمات ارائه دهند.

### «جای خالی خدمات مشاوره ای در زندگی معلولان ضایعه نخاعی»، سمیه افشین فر، ۱۰ تیر ۱۳۹۵.

پای قصه هر کدامشان که بنشیند دنیایی از حرف های نگفته اند، دنیایی از نگفته هایی که تنها یک لحظه و یک دم باعث شد تا هر کدام از آدم های قصه برای همیشه توان حرکت و فعالیت بدنی را از دست بدهند و همه آن کارهایی که تا دیروز عادی و پیش پا افتاده بود سخت و طاقت فرسا شود.

تصور کنید شاید حمام کردن برای ما خیلی راحت باشد و هر لحظه که اراده کنیم می توانیم به حمام برویم ولی برای یک معلول ضایعه نخاعی حمام کردن تبدیل به پروسه ای سخت برای اطرافیان می شود، نه فقط حمام که بیرون رفتن و انجام کارهای بسیار دیگر سخت و هزینه بر است.

همه اینها و ناگفته هایی از این دست را هر روز و هر روز یک معلول ضایعه نخاعی تجربه می کند. معلولانی که روزگاری نه چندان دور مثل من و شما بودند و سرنوشت نشستن روی ویلچر را برایشان انتخاب کرد.

دختر جوانی که چند ماه بعد از ازدواج درست در روزهای طلایی زندگیش به دلیل تصادف ویلچرنشین می شود، فقط نخاعش را از دست نداده بلکه تمام رشته های محبت و عشق را از دست داده که ظاهراً به نخاعی بند بوده است!

البته نمونه هایی از این دست در جامعه بسیارند، زنان و دختران جوانی که پس از ازدواج دچار معلولیت می شوند و در نخستین لحظات پایگاه های روحی و عاطفی شان را هم از دست می دهند و این زمانی دردآور است که بسیاری حق را به مرد می دهند و توجیه می کنند که مگر می شود با یک زن معلول زندگی کرد و....

در واقع رنج معلولیت برای زنان معلول چندین برابر است و این زنان با این شرایط رها می شوند شاید ذکر نکته ای در صحبت های دکتر نحوی نژاد معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی کشور در خصوص «طرح مراقبین» خالی از لطف نباشد.

دکتر نحوی نژاد به هزینه های طرح مراقبین اشاره کردند و اینکه چه اقداماتی در این طرح انجام می شود. به نظر می رسد اینکه سازمان بهزیستی هزینه ای برای رسیدگی به معلولان ضایعه نخاعی به خانواده ها پرداخت کند کافی نیست.

سازمان بهزیستی به عنوان تنها متولی امور معلولان کشور باید ابعاد توانبخشی روحی و روانی این افراد را هم در نظر داشته باشد فردی که بعد از یک حادثه دچار معلولیت می شود فقط نیازمند امکانات مالی نیست بلکه مهم تر از مسائل مالی خدمات مشاوره ای است که باید به کمک او و اطرافیانش بیاید و سازمان بهزیستی باید در این امور با بهره گیری از مشاوران و مددکارانی دلسوز و مجرب وارد شود.

شاید ایجاد مراکز خاص برای رسیدگی به حال این افراد خالی از لطف نباشد، مراکزی که مددکاران و مشاوران به صورت هفتگی یا ماهانه به این افراد سرکشی کنند و راه های حضور اجتماعی آنها را هموار نمایند.

### **«حضور فعال شرط رهایی از انزوا»، حمید میرزاآقایی، ۳۰ فروردین ۱۳۹۷.**

امروزه در ایران و کشورهای جهان، افرادی از جامعه آسیب نخاعی توانسته اند بر مشکلات فراوان غلبه کرده و به موفقیت های بسیار مهمی دست یابند و هر روزه بر تعداد این عزیزان افزوده می شود. آنها توانسته اند در عرصه های کارآفرینی و نوآوری و راه اندازی کسب و کارهای موفق، دستیابی به درجات علمی بالا، کسب مقام های مهم ورزشی در سطح بین المللی، حضور در مجامع هنری و حتی حضور فعال در تصمیم گیری های مهم اجتماعی نقش داشته باشند و به گفته یکی از مشاهیر، عظمت انسان زمانی پدیدار می شود که انسان در اثر یک حادثه مهم به یکباره بسیاری از توانمندی های خویش را از دست می دهد و بسیار درمانده می شود و آنگاه با اراده و سختکوشی و یک تلاش خستگی ناپذیر دوباره به موفقیت دست می یابد و چنین موفقیتی از جایگاه ویژه ای برخوردار است، عده ای از افراد دچار آسیب نخاعی، این گونه به موفقیت دست یافته اند. همه افراد دچار آسیب نخاعی از توانمندی های فکری بالایی برخوردارند و تنها کافی است اراده به خرج دهند و وارد عرصه های اجتماعی شوند. این موجب خواهد شد آنان از انزوا رهایی یافته و فرصت های رشد برای آنان پدیدار

شود. ورود هر فرد دچار آسیب نخاعی موفق به جامعه، زمینه را برای حضور دیگر افراد دچار آسیب نخاعی در جامعه مهیا می‌کند. امروزه با گسترش فناوری‌های اطلاعاتی نظیر اینترنت و گسترش شبکه‌های اجتماعی و رشد تکنولوژی اطلاعات، مغز مهم‌ترین عضو بدن برای یکه تازی در این عرصه شده است و با توجه به اینکه افراد دچار آسیب نخاعی از قابلیت‌های فکری فوق‌العاده‌ای برخوردارند می‌توانند از این فرصت طلایی بهره‌برده و به موفقیت‌های مهم دست یابند.

اما در این رابطه لازم است به چند نکته مهم توجه نمایند:

۱- برای حضور در عرصه‌های اجتماعی در هزاره سوم، ضروری است انسان به طور مستمر در جهت یادگیری خویش تلاش نماید و این می‌تواند قابلیت‌های مهارتی و علمی افراد را افزایش داده و او را برای حضور در جامعه اطلاعاتی آماده کند.

۲- او باید بدن خویش را سالم و قوی نگه دارد تا کمتر در معرض خطر بیماری‌ها و عوارض ثانویه قرار گیرد و بدین خاطر ورزش یک عامل بسیار مهم است که باید در زندگی روزانه این عزیزان گنجانده شود.

۳- آنان باید از هر فرصت ارزشمند برای حضور در جامعه استفاده نمایند تا قابلیت‌های فردی خویش را افزایش و رشد دهند، آشنایی با دیگران و انجام تعامل مستمر و موفق می‌تواند یک فرصت طلایی برای شروع یک موفقیت محسوب شود، لازم به ذکر است امروزه، ارتباطات موفق و مستمر به یک عامل مهم برای حفظ تندرستی، بسیار مورد تأکید واقع شده است، لذا افراد دچار آسیب نخاعی لازم است در همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی حضور مستمر داشته و در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند و این خود موجب حفظ سلامت روحی و جسمی آنان شده و می‌تواند از دردهای آنان بکاهد و از طرفی موجب خواهد شد مهارت‌ها و توانمندی‌های آنان نیز رشد یابد.

۴- یک ویژگی مهم که موجب می‌شود جامعه به سوی افراد دچار آسیب نخاعی جذب شوند، روحیه شاد و شوخ طبعی آنان است که موجب دوستی عمیق وی با دیگران خواهد شد و این خود می‌تواند زمینه مشارکت بیشتر آنان را پدید آورد و از طرفی جامعه نیز تلاش بیشتری برای مناسب نمودن شرایط زندگی برای افراد دچار آسیب نخاعی خواهد کرد. در پایان به خاطر داشته باشیم حضور هر فرد فعال دچار آسیب نخاعی در فعالیت‌های اجتماعی، ایجاد پلی برای عبور دیگر افراد دچار آسیب نخاعی به جامعه خواهد شد و این خود می‌تواند زمینه ساز شکل‌گیری جامعه‌ای شود که دوستدار حضور افراد دچار آسیب نخاعی در فعالیت‌های اجتماعی است.

**«حمایت آگاهانه فرصتی برای شکوفایی، حمدالله‌خواجه حسینی، ۱۵ تیر ۱۳۹۶.»**

در قسمت‌های قبلی این سلسله مطالب، یاران صمیمی ما با دو مورد از مکانیزم‌های دفاعی والدین فرزندان معلول یعنی مکانیزم‌های انکار و تخریب آشنا شدند. در این قسمت قصد داریم یکی از پیچیده‌ترین این مکانیزم‌ها یعنی «واکنش عکس» را معرفی کنیم. اگر به یاد داشته باشید گفتیم که



رویارویی ما با یک موقعیت اضطراب آور به طور ناخودآگاه یک مکانیزم دفاعی را در وجود ما فعال می کند و باعث می شود تا اضطراب کمتری را تجربه کنیم که واکنش عکس یکی از مهم ترین آنهاست. معلولیت فرزند برای پدر و مادری که نسبت به این مسأله کمترین شناخت را دارند اضطراب و نگرانی بسیاری را به همراه دارد. درصد قابل توجهی از این والدین، بار سنگین احساس گناه را نیز به دوش می کشند و خود را به خاطر معلولیت فرزندانشان سرزنش می کنند. آنان بر این باورند که برای کاهش نگرانی ها و جبران اشتباهات خود باید تا جایی که می توانند به کودک معلول خدمت کنند و تمامی نیازهای او را برآورده سازند.

واکنش عکس، این هشدار را به ما می دهد که محبت و حمایت افراطی پدر و مادر در رابطه با فرزند معلول لزوماً نشان دهنده عشق و دلبستگی آنان نیست بلکه ممکن است ناشی از احساسات ناخوشایند آنان باشد. مانند احساس گناه و تنفر که برای کاهش آن مجبورند به شکل کاملاً متضاد با حس درونی خود رفتار کنند.

حمایت بیش از حد از کودک یا نوجوان دارای معلولیت، اثرات ناخوشایندی بر شخصیت و رفتار او برجای می گذارد و او را اصطلاحاً لوس و پرتوقع بار خواهد آورد. محبت بیش از حد موجب می شود تا فرزند معلول ما دچار نوعی خود برتری شده و نتواند ارتباط سالمی با دیگران برقرار کند. او بدون قبول هیچ گونه مسئولیتی همواره از دیگران توقع دارد تا گوش به فرمان خواسته هایش باشند. توجه افراطی به فرزند معلول، سایر فرزندان را هم با مشکلات زیادی روبه رو می سازد زیرا آنان بتدریج احساس می کنند که از سوی والدین مورد تبعیض قرار گرفته اند و برای جلب رضایت آنان باید مطیع خواهر یا برادر معلول خود باشند.

برای حل این مشکل چه باید کرد؟ در پاسخ، باردیگر باید به نقش پر اهمیت روانشناسان و مشاوران متخصص در امور معلولان اشاره کنیم. یک روانشناس در مواجهه با این گونه خانواده ها ابتدا به والدین و سایر اعضای خانواده فرصت می دهد تا احساسات واقعی خود را نسبت به فرزند معلول ابراز کنند، این ابراز احساسات به آنها کمک می کند تا حس واقعی خود را بهتر بشناسند و در صدد تغییر آن برآیند.

قدم بعدی روانشناس این است که علل بروز معلولیت و نقش واقعی پدر و مادر را در بروز چنین مسأله ای برای والدین و سایر نزدیکان فرد تشریح کند. هر چه آگاهی پدران و مادران نسبت به علل معلولیت فرزند و راه های حمایت از وی بیشتر باشد بهتر می توانند بر احساس گناه خود غلبه کنند. نتیجه نهایی این موفقیت، از میان رفتن حمایت های افراطی و رفتارهای تبعیض آمیز آنان نسبت به فرزند معلول و ایجاد رابطه ای توأم با عشق و محبت با او خواهد بود. تحت چنین شرایطی است که فضای روح بخش خانواده و حمایت های آگاهانه والدین، فرصتی استثنایی برای کسب استقلال و شکوفایی فرزند معلول فراهم می سازد.

«با نگاهی آکنده از عشق و تردید به فرزندش می نگرد و در حالی که او را در آغوش گرفته و نوازش می کند به آینده اش می اندیشد؛ آینده ای که در مسیری توأم با بیم و امید دنبال می شود. آیا این فرزند می تواند همانند دیگران درس بخواند، شغلی به دست آورد و زندگی مستقلی داشته باشد؟ اصلاً چرا فرزند ما باید معلول باشد؟ آیا اشتباهات ما چنین سرنوشتی را برای او رقم زده است یا پزشکان سهل انگاری کرده اند؟»

سؤالاتی از این دست، ذهن بسیاری از پدران و مادران دارای فرزند معلول را به خود مشغول می سازد. آگاهی از معلولیت فرزند، اتفاق ساده ای نیست و نمی توان تنها با نصیحت کردن والدین و دعوت آنها به آرامش از کنار آن گذشت. کمک به این دسته از والدین باید توسط متخصصان آموزش و توانبخشی معلولان، روانشناسان و مشاوران انجام شود. روانشناسان متخصص در امور معلولان به والدین کمک می کنند تا آگاهی بیشتری درباره معلولیت فرزندشان به دست آورند، روش های صحیح ارتباط با او را بشناسند و با نگاهی مثبت به توانایی های خود، برای پیشرفت و توانمندی فرزندشان تلاش کنند.

آگاهی از معلولیت فرزند، پدر و مادر را با دشوارترین موقعیت زندگی مواجه ساخته و به واکنش های متفاوت آنان منجر می شود. برخی از آنها با شنیدن این موضوع بشدت خشمگین شده و آن را انکار می کنند. «امکان ندارد، من و مادرش هر دو متخصص هستیم مگر می شود فرزندان معلول باشد! حتماً پزشکان اشتباه کرده اند. کودک ما از تمامی همسن و سال هایش تر و فرزتر است.» جملاتی از این دست را معمولاً از والدینی می شنویم که برای فرونشاندن خشم و اضطراب خود، واقعیت را انکار می کنند. آنان با مراجعه به پزشکان متعدد و نادیده گرفتن تشخیص درست آنها تلاش می کنند تا خود را از واقعیت دور سازند. وادار کردن فرزند معلول به انجام کارهایی که فراتر از توانایی اوست، حاکی از همین حقیقت تلخ است. کسانی هم هستند که معلولیت فرزند را دستاویزی برای ناامیدی و انزوای خویش می سازند و با ترک دوستان و خویشاوندان، خود را در ورطه ناتوانی، افسردگی و اضطراب قرار می دهند. عده ای هم به محض مواجه شدن با این مسأله دچار احساس گناه می شوند و خود را در این رابطه مسئول می دانند و با حمایت بیش از حد نسبت به کودک دارای معلولیت سعی می کنند بر احساس گناه خود غلبه کنند. این واکنش ها رفتار با فرزند معلول و سایر فرزندان را تحت تأثیر قرار می دهد و اثرات جبران ناپذیری در خانواده برجای می گذارد. بنابراین مراجعه بموقع خانواده ها به کلینیک های مشاوره روانشناختی و مراکز سازمان بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش استثنایی، به آنها کمک می کند تا نسبت به واکنش های خود درک بهتری پیدا کنند و با شناخت بیشتر درباره معلولیت فرزندشان، با عشق و آگاهی در مسیر پیشرفت او قدم بردارند.

## «دختران معلول و مشکلات مضاعف»، سمیه افشین فر، ۱۴ مرداد ۱۳۹۵.

در روزی که به یمن ولادت حضرت معصومه(س) به نام روز دختر

(اول ذی‌قعدة مطابق با ۱۴ مرداد) نامگذاری شده بهتر است نگاهی داشته باشیم به هزاران دختر معلولی که در جامعه زندگی می‌کنند، دختران معلولی که تنها با مشکل معلولیت و مشکلات متأثر از آن درگیر نیستند، دخترانی که با وجود معلولیت با مشکلاتی صدچندان روبه‌رو هستند و در واقع مشکلات ثانویه، معلولیت را برایشان غیر قابل پذیرش می‌کند.

شاید جالب باشد که بدانید هنوز در بسیاری از روستاها و مناطق دور افتاده کشورمان معلولیت دختران پذیرفته شده نیست و بسیاری از خانواده‌ها دختران معلولشان را از حضور در اجتماع و ادامه تحصیل محروم می‌کنند و حضور آنها را در اجتماع باعث خجالت و سرافکنندگی تلقی می‌نمایند، هنوز بسیاری از دختران نابینا نمی‌توانند با عصا در انظار عمومی ظاهر شوند و به تنهایی در خیابان‌ها رفت و آمد کنند، هنوز بسیاری از خانواده‌ها اجازه نمی‌دهند که دختر معلولشان به گاز نزدیک شود و آشنایی کند، همه اینها و مشکلاتی از این دست باعث شده تا آمار ازدواج در میان دختران معلول سیر بشدت نزولی داشته باشد.

برای همین است که برای یک دختر معلول رؤیای پوشیدن لباس سفید عروسی همواره در حد یک رؤیا باقی می‌ماند در صورتی که در بسیاری از کشورهای پیشرفته دختران و به طور کلی انسان‌ها بر اساس توانمندی‌هایشان سنجیده می‌شوند نه بر اساس شرایط جسمانی و ظاهریشان. از این گذشته مسائل دیگری همانند اشتغال نیز برای دختران معلول باز هم آرزویی بعید است. در واقع دختران معلول همواره جنس دوم بوده و با مشکلات بیشماری روبه‌رو هستند چرا که ابتدا باید فرهنگسازی را از خانواده خود آغاز کنند و بعد مرحله به مرحله قدم در اجتماع بگذارند.

به نظر می‌رسد در جامعه باید به سمت نشان دادن توانمندی‌های دختران معلول قدم برداشت؛ دخترانی که از هزاران دختر سالم توانمندترند چرا که توانسته‌اند با وجود تمام مسائل و مشکلات جسمانی و نبود شرایط برابر با افراد عادی و هموعان مذکر خود در اجتماع زندگی و عرصه‌ای را برای بروز استعدادهایشان فراهم کنند.

دختران معلول نیز باید بیش از پیش از خود بگویند و از حلقه‌های کوچک اطرافیانشان در محیط کار و زندگی‌شان برای نشان دادن توانایی‌های خود بهره‌برند. شاید بهتر باشد که انجمن‌ها و سازمان‌های متولی امور معلولان نیز در امر توانمند کردن دختران معلول و آموزش مهارت‌های زندگی به افراد دارای معلولیت وارد شوند.

شاید تنها با یک حرکت جمعی بتوانیم اندکی از مشکلات دختران توانمند جامعه مان را کم کنیم.

در بخش های قبلی این سلسله یادداشت ها با مکانیزم های دفاعی والدین دارای فرزند معلول آشنا شدیم. حال وقت آن است تا در نقطه پایانی این مسیر پرفراز و نشیب توجه مان را به مرحله «پذیرش واقعیت» معطوف کنیم.

پذیرش واقعیت، یک مکانیزم دفاعی نیست بلکه گامی است بسیار بلند که نشان دهنده شناخت پدران و مادران نسبت به معلولیت فرزند و پذیرش آگاهانه آن است. اما پذیرش آگاهانه چگونه اتفاق می افتد؟

پذیرفتن معلولیت فرزند، نیازمند پیمودن ره صدساله نیست اما یک شبه هم اتفاق نمی افتد و یک روانشناس این را بخوبی می داند. اگر روانشناسان با والدین دارای گرایش های مذهبی مواجه باشند، از ارزش های دینی برای اطمینان بخشیدن به آنان کمک می گیرند. هرچه سطح تحصیلات و پایگاه اجتماعی پدران و مادران بالاتر باشد مشاور یا روانشناس هم به همان میزان تلاش می کند تا حقیقت معلولیت را به شکل کامل تری برای آنان تشریح نماید. در نخستین مرحله از فرآیند مشاوره، روانشناس سعی می کند شنونده خوبی باشد و اجازه می دهد تا خانواده ها آزادانه درباره ترس ها، غم ها و امیدهای خود صحبت کنند. او با گوش کردن به این صحبت ها و همدلی با مراجعان، تدریجاً به سطح هوش، میزان تحصیلات و قدرت استدلال آنان پی می برد و درمی یابد که در خانواده های این افراد چه نوع روابطی حاکم است و چه چیزهایی برای آنان ارزشمند است.

روانشناس با درک نسبی درباره افکار، احساسات و آرزوهای والدین، آرام آرام آنها را به واقعیت نزدیک می کند. او ضمن تشریح چگونگی وقوع معلولیت و نقش والدین در این رابطه، به پدر و مادر کمک می کند تا از احساس گناه یا متهم ساختن طرف مقابل رهایی یافته و از نقش واقعی خود در جایگاه والدین چنین فرزندی آگاهی پیدا کنند. والدینی که معلولیت فرزندشان را پذیرفته اند با مراجعه به مراکز سازمان بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش استثنایی، مشتاقانه برنامه های مداخله ای این سازمان ها در زمینه آموزش و توانبخشی فرزندشان را دنبال می کنند. در خانواده هایی که واقع بینانه با این مسأله مواجه شده اند، درک کافی نسبت به محدودیت ها و توانمندی های عضو معلول خانواده وجود دارد و او بدون هیچ تبعیضی می تواند در امور خانوادگی مشارکت و با سایرین ارتباطی صمیمانه برقرار کند. این ها نتیجه پذیرش آگاهانه واقعیت و مراجعه بموقع به روانشناسان و مشاوران متخصص در امور معلولان است. روانشناسان به دو شکل خدمات لازم را به خانواده ها ارائه می کنند: یکی مشاوره فردی، که طی آن با فرد فرد اعضای خانواده بویژه پدر و مادر مصاحبه به عمل می آید و در این مصاحبه ها تلاش می شود تا مراجعه کننده، نقش فعالی در تشریح مسائل و دستیابی به راه حل های مناسب داشته باشد. روش دوم، مشاوره گروهی است که طی آن خانواده های دارای فرزند معلول با شرکت در بحث های گروهی، تجارب خود را با هم مبادله می کنند و از این طریق به یک شبکه حمایتی دست می یابند؛ شبکه ای که مسیر پیوندهای اجتماعی امیدبخشی را برای آنان فراهم می آورد.

بهروز شهبازپور؛ مدیرمسئول ایران سپید (از بدو انتشار تا ۱۳۸۲)

اجازه می‌خواهم در همین ابتدا سالگرد انتشار ایران سپید را به همه نابینایان ایران و آنها که سهمی در کاشت و رشد این «درخت آگاهی» داشته‌اند و به همه آنها که امروز برای رشد و پویایی آن می‌کوشند، بویژه مدیرمسئول شایسته آن تبریک و تهنیت عرض کنم. امیدوارم روزی برسد که شاهد صدویست سالگی این روزنامه کم‌نظیر باشیم.

انتشار روزنامه ایران سپید به مثال طلوع آفتابی بود که در بیست و هشتم آبان ماه سال ۱۳۷۵ روشنایی را به جامعه و بویژه نابینایان هدیه کرد. جامعه‌ای که به یمن انتشار ایران سپید، «نابینایی» را به عنوان یک محدودیت برای دانش افزایی و آگاهی پشت سر می‌گذاشت. راه اندازی این روزنامه یکی از آن دورنگری‌هایی بود که تنها در مدیران استراتژیست می‌توان سراغ گرفت و دکتر فریدون وردی نژاد یکی از آن دست‌مدیران است.

این روزنامه کم‌نظیر، طی دهه نخست انتشار، شاهد تحولات جدی بود. اشتراک‌فزاینده، چاپ دو گانه (بریل و بینایی)، ایجاد تارنمای روزنامه و برپایی دوره‌های آموزشی برای نسلی از خبرنگاران نابینایی که امروز شاهد حضور مؤثر و فعال آنها در عرصه مطبوعات هستیم؛ همه و همه محصول حضور خاضعانه و عاشقانه افرادی بود که دل‌شان برای خدمت فرهنگی بی‌ادعا می‌تپید.

سهیل معینی، سردبیر و تحلیل‌گر مسائل سیاسی و اجتماعی؛ دکتر علی صابری، حقوق‌دان و عضو سابق شورای شهر تهران؛ مرحوم محمدصحت، نویسنده و طنزپرداز؛ علی خواجه حسینی، کارشناس ارشد روانشناسی؛ صفا فاضلی، کارشناس ارشد ارتباطات در خبرگزاری صداوسیما؛ امیر شاهوردی، عباس اسلامی شرار، علی جمالی، مرحوم هما بدر و راضیه کباری از جمله همکاران مؤثر و نابینای دهه نخست شکل‌گیری ایران سپید هستند. حسین ضیایی، بهروز بهزادی، عبدالرسول وصال، مهرداد باقری، پرویز عطایی، فرامرز قراباغی، ابراهیم امین‌زاده، سعید دهقان، علی مزینانی، پاکسیما مجوزی، یاشار بایرامیان، منصور حاج محمدی، پریسا رهنما، سوسن صادقی، افسانه قانع و مرحوم پرویز چاردولی دیگرانی بودند که هر یک برای رشد این نهال دیرپای، صادقانه و مخلصانه کوشیدند.

\*\*\*

در مقطع کنونی با گسترش حضور رسانه‌ها در فضای مجازی و فعالیت شبکه‌های اجتماعی شاهد افول اقبال مخاطبان به مطبوعات و حتی تلویزیون در مقابل افزایش توجه آنان به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی هستیم. از این رو بحران مخاطب برای تلویزیون و شمارگان در رسانه‌ها به جدی‌ترین مسأله‌ها بدل شده است. پرواضح است که چنانچه رسانه‌ها حداکثر تا چند سال آتی، شرایط خود را با تحولات تکنولوژیک تازه وفق ندهند، از قافله رسانه‌های اثرگذار جا خواهند ماند. این دغدغه امروز برای روزنامه ایران سپید اگرچه یک تهدید جدی است، مع الوصف یک فرصت هم محسوب می‌شود. چرا که با این جابه‌جایی از کلهکشان گوتنبرگی به کلهکشان دیجیتالی، سرعت و کیفیت انتقال اطلاعات و مفاهیم و حتی تعاملی شدن این رسانه پراهمیت، بیش از گذشته تسهیل می‌شود.



به عبارتی چنان چه ایران سپید تصمیم بگیرد جزو نخستین روزنامه های گویای قرن باشد، با حذف کاغذ از فرآیند انتشار، نه تنها مانع قطع درختان بیشتر می شود بلکه به عنوان یک نهاد فرهنگی به بخش دیگری از مسئولیت های اجتماعی اش در قبال جامعه عمل می کند.

در شکل تازه ارتباط، محدودیت کاغذ یا هزینه های چاپ، مانع از افزایش شمارگان نیست و روزنامه می تواند مخاطب یک میلیونی «کم بینا» و چند هزار نفری «نابینا»ی ایرانی اش را در سریع ترین زمان حتی در دورافتاده ترین نقاط جهان دریابد. به نظرم در سومین دهه از انتشار و با تأمل بر سرعت تحولات دنیای رسانه، ضروری است در کمترین زمان واکنش مناسبی در برابر تحولات شتابان تکنولوژی، از خود نشان دهیم.

و اما نوشتارثیای من پس از ۲۱ سال انتشار تنها روزنامه بریل خاورمیانه... فکر می کردم فراموش شدن لذت بیشتری دارد. همین طور هم بود اما این مجیدخان سرایی، همشهری ما، خبرنگار مؤدب و با فراستی است که دامش را چنان هنرمندانه برایم پهن کرد که بی آن که فرصت پیدا کنم که بخواهم از سر تواضع سکوت کنم یا اینکه کماکان در محاق، به روزهایی بیندیشم که حتی یادآوری آن روزها احساس بودن را در آدم زنده می کند، مسحور مرام و معرفتش شدم و بدون تأمل، سراغ گنجی های خاطرات پراز لحظه های ناب رفتم. شاید سال ها بود منتظر چنین فرصتی بودم. اما نمی دانم چرا وقتش که می رسد به لکنت می افتم.

لحظاتی طول می کشد تا اوراق دفتر خاطراتم را از لایرنت های ذهن سیالم بیرون بکشم. دلیلش روشن است: پیری! حالا که آنها را مرور می کنم، چیزهایی یاد می آید که دقیقه هایم را سنگین تر می کند. یاد و خاطره خدایامرز محمد صحت که کم بینا بود و اما با زحمت صورتش را به کاغذ می چسباند و می نوشت و هما بدر که متأسفانه چند سال پیش بر اثر سقوط روی ریل قطار مترو، جانش را از دست داد؛ محزونم می سازد. بغض می کنم و نفس عمیقی می کشم تا بغضم نشکند! به یاد می آورم پیگیری ها و دلسوزی های مؤدبانه و با احساس مسئولیت صفا فاضلی را و روشن بینی و تحلیل های نبوغ آمیز سهیل معینی که پراز بصیرت بود.

«چی چرا»ی پرویز چاردولی، دوندگی های مزینانی جوان، چالش های یومیه با چاپخانه رودکی، پیگیری های طولانی و بی حاصل برای خرید دستگاه چاپ بریل از آلمان، محسن رضانی و رنگ خدا، روان شناسی های علی خان خواجه حسینی، عاشقانه های عباس خان اسلامی شرار، گزارش های شاهرودی، مطالب آشپزی مرحوم خانم صفایی، مساعی حقوقی سعید دهقان، نظم و پیگیری سوسن صادقی، ارتباطات اجتماعی عالی مهندس حاج محمدی و برپایی کنسرت باشکوه ایران سپید در تالار وحدت، اجرایی شدن طرح ابتکاری چاپ دوگانه، طراحی لوگوی ایران سپید، راه اندازی سایت، برپایی کلاس های خبرنگاری، حضور پرقدرت تیم ایران سپید در مسابقات لیگ گلبال کشور و خاطرات دیگری که مثل پرنندگان هیچکاک به ذهنم هجوم می آورند!

## «دستان این زنان بارها خوانده است»، سمیه افشین فر، ۱۰ خرداد ۱۳۹۷.

از خاطرات تلخ کودکی می گوید که مادر با فرغون حملش می کرده و از این مدرسه به آن مدرسه و از این کلاس به آن کلاس می برده تا زمانی که صاحب ویلچر می شود اما ویلچر هم در دسرهای خاص خودش را دارد. مگر می شود با ویلچر از این سر شهر به آن سر شهر رفت. ساعت های طولانی کنار خیابان ایستادن و در برابر نگاه های هوس آلود و بیشتر ترحم انگیز عابران سکوت کردن خاطرات تلخ ادامه مسیر زندگی زهرا می شود، برای همین هاست که یک تلنگر باعث می شود به فکر بیفتد و دست به کار شود، ایده را می دهد تا موتوری را برایش مناسب سازی کنند، برای گرفتن گواهینامه چند باری اقدام می کند اما هر بار به در بسته ای می خورد «نه شما نمی توانی گواهینامه موتور بگیری» زهرا کمر همت می بندد و پشت موتور می نشیند و کارش را راه می اندازد، تصویرش به مدد شبکه های مجازی دست به دست می چرخد، سوژه جذابی است زن معلول محجبه پشت موتور.

حتی معاون رئیس جمهوری در امور زنان نیز فیلمش را دیده و زبان به تحسین همت و اراده اش گشوده اما درها هنوز بسته اند، زهرا هنوز گواهینامه ندارد، خودش می گوید: «بارها و بارها از رسانه های خارجی خواسته اند که با آنها صحبت کنم و انتقاد کنم اما من راضیم، فقط می خواهم که قانونی بگذارند تا بتوانم گواهینامه بگیرم.»

زنانی همانند زهرا کم نیستند؛ زنانی که نمی خواهند جنس دوم باشند و اصطلاحاً پاشنه ها را ور کشیده اند و خودشان با همت و اراده هر ناتوانی ای را به زانو در آورده اند یکی خودش دست به کار شده و پشت موتور نشسته و امروز چشم انتظار گواهینامه است و یکی دستانش را جایگزین زبان بی صدا کرده و با دستان گویا حرف دل را زمزمه می کند مثل گروه سرود دختران ناشنوا.

سال هاست که گروه سرود ناشنوایان در برنامه های مختلف به اجرای برنامه می پردازند و مخاطبان در لحظه به لحظه اجرای سرود این بچه ها نه تنها حرکات موزونی نمی بینند که اتفاقاً خدا را در دیدگان بغض آلود و دستان سراسر حس اعضای گروه لمس می کنند چرا که این خاصیت زبان اشاره است، حسی که زبان قدرت انتقالش را ندارد تنها دست و نگاه است که می تواند انتقال دهد و این انتقال حس برای گروهی که از مراد کلامی با جامعه محروم است بزرگترین نعمت و انگیزه حرکت است، اصلاً به همین خاطر بود که جرعه گروه سرود ناشنوایان در سال های گذشته زده شد و گرنه که ناشنوا کجا و سرود کجا!!!! اصلاً مگر ناشنوا می تواند موزیک را بشنود که حالا- بتواند بخواند و..... اما صاحب نظران و کارشناسان توانبخشی این ایده را داشتند، مهم نبود که ناشنوا موزیک را نمی شنود مهم این بود که ناشنوا با همان ابزار موجود یعنی زبان اشاره می توانست در جامعه حضور پیدا کند و این کشاندن فرد ناشنوا از پستوی خانه به سطح جامعه اهرم قدرتمندی بود که صاحب نظران این حوزه روی آن مانور می دادند و همین باعث شد تا دست به کار شوند؛ دست به کار شوند تا کسانی را که از لذت شنیدن موسیقی خوب محرومند با خود همراه کنند و این کار طاقت فرسایی بود؛ هماهنگی زبان اشاره یعنی زبانی که با ایما و اشاره است با موسیقی و نت و صدا با وجود همه سختی ها اما موفق شدند و گروه سرود ناشنوایان آغاز به کار کرد و طی همه سال های گذشته در برنامه های مختلف به اجرای برنامه پرداخت و نکته حائز اهمیت اینکه در تمامی اجراها با استقبال گسترده مخاطبان روبه رو





شدند تا آنجا که مریدان به این فکر افتادند تا از طریق همین اجراها برای بچه ها منبع درآمدی درست کنند و در سراسر کشور گروه های سرود کوچک و بزرگی شکل گرفت و در بسیاری از ارگان ها و نهادها بخصوص در مناسبت ها و برنامه های ملی و مذهبی از اعضای گروه سرود ناشنوایان دعوت می شد تا برنامه اجرا کنند تا اینکه روز ۵ خرداد خبری در فضای مجازی پیچید خبری مبنی بر متوقف کردن اجرای سرود بانوان هنرمند ناشنوا به دلیل شباهت با حرکات موزون! این خبر اگر چه با اقبال رسانه ای مواجه نشد و همانند همه خبرهای مربوط به معلولان چندان در سطح رسانه های رسمی انعکاس نیافت، اما اعتراضات زیادی را در شبکه های اجتماعی به همراه داشت. در ویدئویی که از مربی و سرپرست این تیم در فضای مجازی دست به دست می شود وی در این باره می گوید: «ما امروز برنامه داشتیم و قرار بود سرود اجرا کنیم.

دو اجرا در مورد امام رضا(ع) و ماه مبارک رمضان انجام دادیم. بعد از اجرا به ما خبر دادند که سرودتان را اجرا نکنید چون اشاره شما برابر حرکات موزون است در حالی که اشاره بچه ها برابر زبان صحبت کردن آنهاست.

در عین حال اشاره آنها بسیار معنوی بود. جالب بود که همه مردم (از اجرا) خوششان آمد اما متأسفانه مردمی که (زبان) ناشنوایان را نمی شناختند اعلام کردند که نباید اجرا کنند.» وی در ادامه می افزاید: «من متأسفم برای همه آنهایی که می گویند ما از معلولان حمایت می کنیم، اما در این زمان که ماه مبارک رمضان است و همه باید با هم مهربان باشند، حق و حقوق ناشنوایان را براحتی پایمال می کنند.» مربی درست می گوید اشاره و حرکات این بچه ها همان زبان آنهاست برای دخترانی که با پوشش کامل اسلامی برنامه اجرا می کردند موسیقی تنها در همین اشاره کردن ها خلاصه شده بود اما باز هم عدم شناخت از جامعه افراد دارای معلولیت باعث شد تا اتفاقی تلخ رقم بخورد و این دختران از حقی دیگر محروم شوند.

می گویم حقی دیگر چرا که زنان دارای معلولیت به نسبت مردان معلول مشکلات متعددی دارند. در مرحله اول مشکلاتی که به دلیل وجود معلولیت حادث می شود و فرد را کم توان یا ناتوان می کند و در مرحله بعد مسائل و مشکلاتی که به دلیل جنسیت حادث می شود و آنها را در معرض تبعیض قرار می دهد. در شرایطی که بر اساس آمار موجود بیش از دو میلیون ناشنوا و کم شنوا در کشور وجود دارند که بسیاری از آنها از طریق سرود یا تئاتر امرار معاش می کنند نباید به خاطر تعبیر اشتباه از حرکات آنان که زبان ارتباطشان است منبع درآمدشان را بگیریم از این گذشته با تکرار دوباره این اتفاق ها افراد دارای معلولیت را دچار مشکلات و صدمه هایی می کنیم که قابل جبران نیست.

از تک تک اعضای جامعه، مردم و دست اندرکاران امور انتظار می رود که شرایط را برای حضور حداکثری و مشارکت افراد دارای معلولیت در جامعه هموار کنند و گرنه اگر قرار باشد که جلوی زهراها و دختران هنرمند ناشنوا را بگیریم هر روز بیشتر از دیروز آنها را به کنج انزوا و گوشه نشینی سوق داده ایم و این برای کشورمان که جزو نخستین کشورهایایی بوده که به کنوانسیون جهانی حقوق معلولان پیوسته است اصلاً زیننده نیست.

ماه مبارک رمضان هر شب در برنامه ماه عسل قصه آدم ها مرور می شود قصه هایی که قرار است تلنگری باشند برای من و شمای بیننده تا اندکی احساس مان را در دنیای بی احساس امروز قلقلک دهد. در هشتمین شب اجرای برنامه ماه عسل که سه شنبه ۲۵ خرداد از شبکه سراسری ۳ پخش شد دو میهمان دعوت شده بودند که یکی چند بار به خواستگاری رفته بود و جواب رد شنیده بود و دیگری جوان ناینای خرم آبادی که خواهان دختر بینایی بود ولی خانواده دختر حتی اجازه خواستگاری رسمی هم به او نداده بودند.

جدا از ترکیب انتخاب میهمان ها که به نظر می توانست با سلیقه تر باشد تا فرهنگ سازی بهتری صورت گیرد (مثلاً جوان بینایی که جواب رد شنیده و فرد نابینایی که جواب مثبت دریافت داشته) از آنجا که یکی از میهمانان فردی دارای معلولیت است ذکر چند نکته خالی از لطف نیست اول اینکه بدانیم افراد دارای معلولیت همانند همه افراد دارای شرایط روحی و روانی یکسانی هستند یعنی همانقدر که این احتمال وجود دارد جوانی عشق را تجربه کند همین قدر احتمال وجود دارد که یک جوان نابینا یا معلول نیز عشق را تجربه کند و به همان نسبت که جوانی ناکامی در عشق را تجربه می کند یک جوان نابینا نیز می تواند ناکامی را تجربه کند و فرد معلول تافته جدا بافته نیست هر چند این ناکامی ممکن است برای جوانان دارای معلولیت بارها و بارها پیش بیاید چرا که عده کثیری از جوانان دارای معلولیت عمدتاً درگیر رابطه هایی می شوند که پایان خوشی ندارد. در بررسی علل این موضوع نیز بخشی به خود فرد معلول و نوع انتخاب هایش برمی گردد و بخشی به نگاه جامعه، نگاه «کبوتر با کبوتر باز با باز» و برداشت غلطی که از آن در میان افراد جامعه وجود دارد متأسفانه در نگاه عموم برداشت از این جمله این است که فرد معلول باید لزوماً با فردی دارای معلولیت ازدواج کند در حالی که نمونه های متعدد ازدواج موفق افراد دارای معلولیت با افراد سالم نشان می دهد که باید تغییری اساسی در این نگاه عمومی ایجاد کرد.

اما در خصوص نکته دوم هر چند بحث در خصوص ازدواج آن هم ازدواج یک فرد دارای معلولیت با یک فرد سالم نیاز به کار کارشناسی و بررسی های بیشتری داشته و نباید در قالب یک شوی تلویزیونی یک ساعته گنجانده می شد اما به نظر می رسد مجری برنامه می توانست بهتر به گفت و گو با مرتضی پردازد، می توانست از او در مورد کارش پرسد و میهمان باید بهتر و بیشتر به توانمندی های خود اشاره می کرد اینکه من همه جا به تنهایی رفت و آمد می کنم هر چند نشانه ای از توانایی است اما ملاکی برای توانایی در تشکیل زندگی نیست، چون بحث ازدواج بود مرتضی باید شفاف می گفت که کارش چیست و در آمدش چه قدر است و آیا توانایی های اولیه تشکیل زندگی را دارد؟ بیننده با دیدن مرتضی نه تنها حق را به او نمی داد بلکه غیرمستقیم جانب پدر دختر را می گرفت که «حق داشته برای چی باید دخترش را به یک جوان نابینا بدهد!» و این از نقطه ضعف نحوه دیالوگ میهمان و مجری ناشی می شد مجری باید از مرتضی همانند یک جوان عادی سؤال می کرد؛ سؤال هایی که امروز از هر جوانی که قصد ازدواج دارد می پرسند و اگر احیاناً جوان در پاسخگویی به هر کدام از این موارد ناکام بماند طبعاً در خواستگاری ناکام خواهد ماند. به نظر می رسد هر چند باید نگاه عمومی در خصوص ازدواج افراد دارای معلولیت تغییر کند اما ای کاش برنامه سازان تلویزیونی خیلی محتاط تر و با نگاهی

کارشناسی و دقیق به سراغ سوژه های دارای معلولیت بروند و بر این رسالت آگاه باشند که یکی از کارکردهای تأثیرگذار تلویزیون فرهنگ سازی و آموزش است نه درگیر کردن مخاطب با یک ماجرای احساسی چرا که خانواده دختر ممکن است هزاران دلیل موجه داشته باشند به هر حال تهیه کنندگان چنین برنامه هایی بهتر است هر فرد معلولی را صرفاً برای پر کردن آنتن و بدون کار دقیق کارشناسی سوژه خود نسازند هر چند این نیاز اساسی نیز وجود دارد که افراد دارای معلولیت خود نیز باید به دنبال ایجاد رابطه هایی منطقی بوده و شرایط ازدواج با افراد را همانند دیگر افراد جامعه لحاظ کنند.

### «دیر معلولان» را دریابید» سمیه افشین فر، ۲۱ دی ۱۳۹۶.

زلزله چند وقت پیش کرمانشاه مثل همه حوادث دیگر به تعداد افراد دارای معلولیت افزود و به گفته دست اندرکاران سازمان بهزیستی افرادی دچار معلولیت شدند، افرادی که تا دیروز مثل من و شما زندگی می کردند تنها در عرض چند لحظه توان انجام بسیاری از کارهایشان را از دست داده اند این را اضافه کنید به از دست دادن خانه و زندگی و فقدان عزیزان که در حوادثی از این دست قطعاً اتفاق می افتد. چند روز پیش در گزارشی می خواندم که یکی از مشکلاتی که این افراد در مناطق زلزله زده با آن روبه رو هستند نبود سرویس های بهداشتی مناسب سازی شده است. برای کسی که تا دیروز می دیده و بدون کمک گرفتن از کسی به رتق و فتق امورش می پرداخته و حالا با وجود همه مشکلات باید برای جزئی ترین امورش هم بجنگد. خب چه باید کرد تا این افراد که رنج های زیادی را تحمل می کنند بر رنج معلولیت فائق شوند و مشکلاتشان کم شود؟ بدیهی است که وقتی فردی سالم به معلولیت دچار می شود نخستین گام انطباق و سازگاری او با محیط است او باید بتواند با شرایط موجود خودش کنار بیاید و این مهم تنها به مدد حضور نیروها و تیم های روانشناسی وارد به امور معلولان اتفاق می افتد، نیروهایی که بتوانند کمک کنند تا فرد به درک درستی از خودش برسد و بتواند خودش را با شرایط فعلی تطبیق دهد.

حضور تیم های مشاوره ای قوی و آموزش دادن به افراد دیر معلول از ضروریات است هر چند سال هاست انجمن های غیردولتی معلولان به این حوزه وارد شده اند اما به نظر می رسد که باید با اطلاع رسانی صحیح در جامعه این مراکز به جامعه شناسانده شوند چرا که در بسیاری از مواقع دیده می شود که خانواده یا خود فردی که بر اثر حادثه یا رویدادی دچار معلولیت می شود در مرحله اول نمی داند که باید چه کند یا به کجا مراجعه کند، خود فرد و اطرافیان وارد فاز ناامیدی می شوند و فرد تصور می کند زندگی برایش تمام شده دیگر باید درهای دنیا را به روی خود ببندد و در چهاردیواری خانه خودش را حبس کند این در حالی است که حتی خانواده و نزدیکان این فرد هم نمی دانند باید چه کنند؟ از همین جاست که گریه و زاری ها و مرثیه سر دادن ها شروع می شود.

نزدیکان به خیال خود به کمک فرد می آیند و انجام تمام کارهای فرد را به عهده می گیرند، تأکید می کنم تمام کارهای فرد را و اصلاً متوجه نیستند که با این کار اصلی ترین نقطه شخصیتی او یعنی استقلال را با چالش مواجه می کنند. اما با آموزش اولیه مهارت های زندگی این افراد می توانند از پس بسیاری امور شخصی شان بریابند. البته نمی توان به خانواده ها انتقاد کرد چرا که ما مراکز محدودی

داریم که به خانواده‌ها آموزش می‌دهند و همان محدودها را هم نه خانواده‌ها می‌شناسند و نه می‌دانند کجا هست حتی در زمینه منابع مکتوب هم در حوزه افراد دارای معلولیت بخصوص آموزش دیرنابینان منابع زیادی در دسترس نیست در حالی که در بسیاری از کشورهای پیشرفته به محض اینکه فردی بر اثر حادثه دچار معلولیت می‌شود این مؤسسه‌ها و نهادها هستند که در همان بیمارستان به سراغ فرد می‌روند و با ارائه آموزش‌های لازم و صحیح به او یادآور می‌شوند که زندگی جریان دارد و او می‌تواند با کمک ابزار و تجهیزاتی همانند گذشته درس بخواند، ورزش یا آشپزی کند و به انجام امور روزمره خود بپردازد.

همین مؤسسه‌ها و نهادها در کشورهای پیشرفته منابع متعددی از قبیل فیلم‌های آموزشی و مجلات مختلفی را تهیه می‌کنند و در اختیار افراد و خانواده‌هایشان قرار می‌دهند به همین دلیل است همان‌طور که در بسیاری از فیلم‌ها می‌بینیم فردی که دچار معلولیت شده خیلی سریعتر به جریان عادی زندگی برمی‌گردد چون می‌بیند که تفاوت‌های حداقلی با دیگر شهروندان جامعه دارد اما متأسفانه در کشور ما فرد وقتی دچار معلولیت می‌شود تازه اول راه است و زندگی قبل از معلولیتش تا حدود زیادی دگرگون می‌شود و فرد باید برای به دست آوردن حداقل حقوقش تلاش کند امید است که با گسترش روزافزون انجمن‌های غیردولتی شاهد هموار شدن راه زندگی برای افراد دیرمعلول در جامعه مان باشیم.

### «دیروزی که ماندگار شد»، سهیل معینی، ۲ آذر ۱۳۹۶.

سهیل معینی؛ مدیرمسئول ایران سپید

انگار دیروز بود، البته دیروزی که گرد و غبار گذشت ایام تا حدودی روی آن را پوشانده و به بعضی روشنی‌هایش رنگ سایه زده است اما چه باک که با ذره بین ذهن می‌توان جزئیات را جلو کشید و به وضوح همان دیروز دید. این دیروز از یاد رفتنی نیست زیرا در هر روز ما بازآفرینی می‌شود تر و تازه جلوی ذهن مان است، به قول معروف این بهار از اون بهارها شد که در دل خزان آمد و رویاند و همچنان رنگ سبز به دل‌های ما و سپید به اندیشه‌هایمان می‌زند.

«ایران سپید» هر چند در دیروز سال ۱۳۷۵ و درست در اوج پاییز، ۲۸ آبان، آمد اما ماندگار شد و رمز ماندگاریش در پیوند با تولد هر روزه امید به تحول و بهزیستی صدها هزار انسانی است که با دیدگان تاریک اما اندیشه‌ای روشن و قلبی که نبض نوزایی و شدن را کوک می‌کنند و جاده زندگی را پیچ در پیچ اما رو به تعالی طی می‌کنند.

«ایران سپید» همچون همراهی با تک تک افراد آسیب‌دیده بینایی پیش می‌رود و کمی جلوتر از ذهن فرد نابینا، او را به فتح آینده رهنمون می‌شود. همچون همراهی بینا که طبق اصول راهنمایی نابینان کمی جلوتر از او، او را از وجود موانع و پستی‌ها و آنچه مانع حرکت به جلوس، آگاه می‌کند.

«ایران سپید»، فراتر از همراهی نابینان و کم‌بینان حتی در جایی که آنان غایبند صدای آنان و حنجره آنان است این انتظار در بسیاری از تماس‌های مخاطبین «ایران سپید» منعکس است که «ایران سپید» را صدای خود و پیگیر حقوق خود می‌دانند.

«ایران سپید»، آنگاه که فراتر از نقش آگاهی رسانی اش نتوانست کاری کند، نشسته است و می نشیند تا سنگ صبور خوانندگانش باشد، گوش و دلی شنوا و همراه می شود برای شنیدن رنج ها، محرومیت ها، دیده نشدن ها و شنیده نشدن ها و بیزاری از تبعیض ها و ناعدالتی ها. همین نقش های متفاوت است که از این روزنامه رسانه ای همراه و یاور ساخته است نه پیکی گذرا روی بال روزگار.

بیست و یک سال است که «ایران سپید» میهمان، میزبان نابینایان و کم بینایان شده است. دانش آموزی که سال ۷۵ ایران سپید را در دست گرفت و خطوطش را با کنجکاوی تعقیب کرد امروز دبیر، کارشناس، استاد دانشگاه، وکیل و حتی قلم به دستی است که در این روزنامه قلم می زند.

اگر بپذیریم که جادوی ماندگاری در به روز شدن آگاهی و امید به بهروزی فرداست، رمز ماندگاری ایران سپید را یافته ایم.

### **«راه های حضور دانش آموزان معلول را در مدارس عادی هموار کنید»، سمیه افشین فر، ۲۸ مرداد ۱۳۹۵.**

واژه دانش آموزان استثنایی را شاید بارها و بارها شنیده باشید اما این واژه به چه نوع دانش آموزانی اطلاق می شود؟ دانش آموزان با نیازهای ویژه یا استثنایی طیف گسترده ای از دانش آموزان دارای معلولیت را شامل می شوند از کودکانی که دارای نقص بینایی، شنوایی، حسی حرکتی، ذهنی و... تا دانش آموزان دارای مشکلات ویژه یادگیری.

بسیاری از این دانش آموزان از بهره هوشی طبیعی برخوردارند و با تهیه امکانات مطلوب آموزشی می توانند همانند سایر دانش آموزان در مدارس عادی درس بخوانند. این افراد همان کسانی هستند که در نظام آموزشی فراگیر یا تلفیقی پذیرش می شوند؛ نظامی که به دانش آموزان با نیازهای ویژه ای که دارای هوش طبیعی هستند اجازه می دهد در کنار سایر دانش آموزان در مدارس عادی درس بخوانند البته با وجود امکانات مناسب آموزشی و حضور معلم رابط و...

تا اینجا همه چیز به نظر ایده آل می رسد اما در اینجا ذکر دو نکته خالی از لطف نیست بسیاری از مشکلاتی که این دانش آموزان و خانواده هایشان با آن درگیرند از نا آگاهی ناشی می شود.

نا آگاهی دانش آموزان مدارس عادی، معلمان و مدیران! چرا که بسیاری از افراد نام برده شده حضور دانش آموز دارای معلولیت را در مدرسه عادی مساوی با وجود مشکلات متعدد می دانند و تصور می کنند با حضور این دانش آموز سر کلاس راندمان کاری کلاس پایین می آید! یا معلم باید زحمت بیشتری را تحمل کند!

در صورتی که ثابت شده بهره هوشی این دانش آموزان از دانش آموزان عادی اگر بالاتر نباشد کمتر هم نیست به علاوه اینکه این دانش آموزان با چاشنی همت و اراده و پشتکار همواره توانسته اند موفقیت های متعددی را کسب کنند که وجود هزاران فرد دارای معلولیت فرهیخته گواه این ادعاست. نکته تأسف برانگیز اینکه خانواده های دانش آموزان عادی در بسیاری از مواقع اجازه حضور دانش آموز دارای معلولیت را در مدرسه و کلاس فرزندشان نمی دهند و به همین دلیل خیلی از مدارس غیرانتفاعی از پذیرش این دانش آموزان خودداری می کنند!



اینها و مشکلاتی از این دست که زائیده ناآگاهی است تنها و تنها از یک طریق حل می شود و آن «آموزش» است. به نظر می رسد که متولیان امر آموزش کشور باید نسبت به آموزش مدیران و معلمان مدارس در مرحله اول اقدام کنند و سپس با گنجانیدن واحدهای درسی آشنایی با دانش آموزان دارای نیازهای ویژه و چگونگی برخورد با این دانش آموزان فضای مدارس را برای دانش آموزان دارای نیازهای ویژه آماده کنند.

هر چند بهتر است به این نوع دانش آموزان نیز مهارت های مختلفی از جمله کنار آمدن با دانش آموزان و نحوه تعامل بهتر با افراد عادی نیز آموزش داده شود تا یک دانش آموز به صرف داشتن معلولیت مجبور نشود در مدارس ویژه درس بخواند و با آموزش در کنار افراد عادی گام های بعدی را برای حضور پررنگ در اجتماع محکم تر بردارد.

### «روزنامه ای که کهنه نشده است»، سمیه افشین فر، ۲ آذر ۱۳۹۶.

روزنامه ایران سپید تنها روزنامه ویژه نابینایان که به خط بریل منتشر می شود و شاید هنوز برای بسیاری از دست اندرکاران حوزه رسانه نیز ناآشنا باشد وارد بیست و دومین سالگرد انتشار خود شد به عبارت دیگر ۲۱ سال است که این روزنامه به در خانه های خوانندگان خود در سراسر کشور می رود.

خوانندگان گانی که گاه جز این خطوط بریل و این روزنامه سفید منبع اطلاعاتی دیگری ندارند به بهانه سالگرد انتشار این روزنامه به سراغ مخاطبان رفته ایم و از آنها در مورد روزنامه پرسیده ایم. علی جوان نابینای ۳۶ ساله تحصیلاتش را در مقطع کارشناسی ارشد به پایان رسانده او به خاطراتش از نخستین روزی که ایران سپید را دریافت کرد اشاره می کند و می گوید: درست به یاد می آورم ۱۵ سال بیشتر نداشتم و در مدرسه نابینایان درس می خواندم روزی یکی از معلم ها آمد و یک کاغذ بریل در دستش بود، خوشحال بود، گفت بچه ها مژده دارم برایتان از امروز ما هم صاحب روزنامه شدیم، یادم میاد که کل کلاس از خوشحالی فریاد کشیدند: وای؛ که سر خواندن اون خطوط بریل چه دعوی بود هر کسی می خواست خودش زودتر بخواند گاهی یکی با صدای بلند می خواند و بقیه گوش می دادند روزنامه به ساعت های فراغت ما رنگ و بویی داده بود. شاید باورتان نشود اما از آن زمان تاکنون من هر روز روزنامه را می خوانم با اینکه به مدد گوشی های موبایل و گروه های مجازی در جریان بسیاری از اخبار قرار می گیرم اما دلم نمی آید که روزنامه را نخوانده رها کنم.

مریم هم دختر کم بینایی همسن و سال علی است او هم خاطرات روزهای اول انتشار روزنامه را فراموش نشدنی می داند و به غوغایی که روزنامه در مدرسه دختران نابینا هم ایجاد کرده بود اشاره می کند و آرزو می کند که ای کاش روزنامه همانند گذشته ها به صورت دو گانه (بریل - بینایی) چاپ شود. مریم می گوید: یادش به خیر به زمانی روزنامه به صورت دو گانه با عکس و به صورت بینایی منتشر می شد خیلی خوب بود چون خانواده ام هم می توانستند روزنامه را بخوانند و در جریان مسائل و مشکلات نابینایان و کم بینایان قرار می گرفتند حتی من این روزنامه را در اختیار دوستان بینایم قرار می دادم و با افتخار از اینکه ما هم روزنامه داریم صحبت می کردم. «آقای گودرزی ۵۲ ساله که از خوانندگان قدیمی این روزنامه است نیز در صحبت هایش روزنامه را پایگاه عاطفی و ملجأ امید بچه ها



می‌داند و می‌گوید: واقعاً نمی‌توان از کنار این روزنامه در جریان سازی میان بچه‌های نابینا و کم‌بینا چشمپوشی کرد. در روزهایی که امکانات ارتباطی در این حد نبود این روزنامه تنها امید بچه‌ها بود البته هنوزم هست.

خوانندگان نسبت به کوچکترین مطالب این روزنامه حساس هستند، مثلاً مطالبی از قبیل ازدواج نابینایان یا ابعاد روانشناختی نابینایان و کم‌بینایان وقتی در روزنامه مطرح می‌شود تا هفته‌ها محل بحث و تبادل نظر مخاطبان است. «خانم میمنندی نابینا، خانه دار و مادر یک دختر دانشجو است او نیز از روزهای اول، خواننده این روزنامه بوده است و وقتی از او در مورد روزنامه می‌پرسیم می‌گوید: روزنامه برای من همه چیز است من واقعاً درس‌های بزرگی را از مطالب مفید این روزنامه آموختم از مطالب مربوط به آشپزی تخصصی نابینایان یا موارد و نکاتی که در مورد آراستگی ظاهری مطرح می‌شد یا موارد روانشناسی که در ارتباط با والدین نابینا و کودکان بینا بود آموزش‌های زیادی به من دادند و استفاده زیادی از این مطالب کردم.» در کنار اظهار نظرهای مخاطبان روزنامه که تعدادی از آنها را در بالا خواندید این روزنامه همانند سایر روزنامه‌ها بالطبع منتقدانی هم دارد، منتقدان عمدتاً به اختصار بودن اخبار و گزارش‌ها اشاره می‌کنند و تعدادی هم خواهان چاپ روزنامه به صورت بینایی و بریل توأمان هستند. این در حالی است که از سه سال گذشته وب‌سایت روزنامه ایران سپید راه اندازی شده تا خوانندگان اخبار و گزارش‌ها به صورت کامل در جریان قرار بگیرند. با همه این اوضاع، ایران سپید روزنامه‌ای است که در این وادفای فضای مجازی و گروه‌های خبری همچنان یکه‌تاز و جریان‌ساز برای نابینایان و کم‌بینایان در سراسر کشور است و هر روز نابینایانی هستند که چشم انتظار زنگ پستیچی بوده تا صفحات سفید روزنامه را در اختیارشان قرار دهد.

### «زهرای نعمتی افتخاری برای زنان معلول»، سمیه افشین فر، ۲۱ مرداد ۱۳۹۵.

حضور زهرای نعمتی به عنوان پرچمدار تیم ایران در مراسم رژه افتتاحیه المپیک به صورت گسترده در سایت‌های مختلف خبری داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفت. سایت Business insider در گزارشی درباره زهرای نعمتی نوشت: ایران یکی از بهترین لحظه‌ها را در مراسم افتتاحیه المپیک ریو داشت. در رژه مراسم افتتاحیه زهرای نعمتی، پرچمدار ایرانی بود. نعمتی ورزشکار پارالمپیک است که امسال سهمیه المپیک در رشته تیر و کمان نیز کسب کرده است. زهرای نعمتی که در سال ۲۰۰۸ در یک تصادف دچار معلولیت شد، تیر و کمان را آغاز کرد. او پیش از تیر و کمان در ورزش تکواندو فعالیت داشت و در پارالمپیک لندن ۲۰۱۲ توانست مدال طلا را کسب کند. حضور زهرای نعمتی در وهله اول به عنوان یک زن و در وهله دوم به عنوان یک فرد دارای معلولیت به نوبه خود از جذابیت برخوردار است اما نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که زهرای نعمتی هم مانند بسیاری از افراد دارای معلولیت مشکلات بی‌شماری را پشت سر گذاشته، حتماً زهرای نعمتی بارها و بارها در خیابان‌های فاقد مناسب سازی به مشکل برخورد کرده و حتماً زهرای نعمتی نیز مانند من و شما هیچ وقت به معلولیت و اینکه ممکن است روزی معلولیت مسیر زندگی را تغییر دهد فکر هم نکرده است اما یک تصادف مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد. آن چیزی که مهم است این نکته است که او بعد از این اتفاق زندگی

می کند، نه اینکه درهای دنیا را ببندد و دهان به شکوه و شکایت باز کند که آستین همت بالا می زند و در مرحله ای دیگر بخت خویش را می آزماید. همین همت والا- و سختکوشی او است که باعث می شود امروز از دیدن پرچمدار تیم ایران احساس غرور کنیم. حضور ورزشکاران دارای معلولیت همچون نعمتی باعث می شود که بازی های المپیک پر بارتر باشد. زهران نعمتی فارغ از هر نتیجه ای که کسب کند برای همیشه در قلب های ما اول است.

**«سالم سالاری» تبعیض نوین علیه معلولان: نامه ای به آدرس دستیار جدید رئیس جمهور در حوزه حقوق شهروندی» سهیل معینی، ۹ شهریور ۱۳۹۶.**

نامه ای به آدرس دستیار جدید رئیس جمهور در حوزه حقوق شهروندی

سهیل معینی، مدیرعامل شبکه تشکل های نایبانیان و کم بینانیان کشور و رئیس هیأت مدیره کانون سراسری تشکل های معلولان کشور در نامه ای خطاب به شهیندخت مولاوردی، دستیار ویژه رئیس جمهوری در حقوق شهروندی، اعتراض خود را نسبت به شیوه نامه استخدامی سازمان آموزش و پرورش اعلام کرد.

در این نامه آمده است: خانم مولاوردی؛ ضمن تبریک انتصاب حضرتعالی در سمت خطیر پیگیری تحقق حقوق شهروندی همه شهروندان ایران عزیز و سربلند که شاید از بسیاری از سمت ها و پست های دولتی وظیفه ای سنگین تر و اثرگذارتر را بر دوش شما گذاشته است، بسیار زودتر از آنچه می پنداشتیم مجبور به تماس با شما و طرح اعتراضیه ای شدیم که محتوای آن دادخواهی از نقض آشکار حقوق برابر شهروندان دارای محدودیت های جسمی و حسی و نقض آشکار حقوقی ست که جامعه جهانی از جمله کشورمان به طور رسمی این حقوق را مصداق حقوق بشر همه انسان های دارای معلولیت و اشکال مختلف محدودیت های جسمی و حسی دانسته است و خوشبختانه تصویب این پیمان نامه در ۱۳ آذر ۱۳۸۷ در مجلس شورای اسلامی و امضای رسمی آن از سوی نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد مبین پذیرش مفاد آن از سوی مسئولان نظام و تعهد رسمی آنان به پیاده سازی این حقوق در کشور است. پیمان نامه ای که با تصویب آن در پارلمان کشور به قانون رسمی داخلی ما تبدیل شده است و چنان که در گزارش ادواری جمهوری اسلامی ایران به دبیرخانه پیمان نامه جهانی حقوق افراد دارای معلولیت مندرج است خوشبختانه همه قوای کشور به پیاده سازی مفاد این پیمان نامه مبتنی بر رفع هرگونه تبعیض علیه حقوق شهروندان دارای معلولیت که منبعث از معلولیت آنان باشد عزم و تعهد نشان داده اند. اکنون چگونه می توان شیوه نامه جذب نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش را که الزامات سلامت آن نه تنها تبعیض آشکار علیه حقوق تحصیلکردگان دارای معلولیت کشور است بلکه آشکارا توهینی به حقوق زنان، تجسسی ناموجه در خصوصی ترین شاخص های سلامت فردی که با توجه به مفاد گسترده الزامات این شیوه نامه کمتر کسی از آحاد کشور را از تبعیض معاف کرده است، سکوت کرد و به آن تن داد. هر چند واکنش

گسترده جامعه مدنی و شبکه های اجتماعی و حتی بازتاب ناخوشایند این شیوه نامه در رسانه های خارجی موجب عقب نشینی مسئولان وزارت آموزش و پرورش از اجرای برخی مفاد آن شده است اما با توجه به ابهامات در رعایت حقوق شهروندان دارای معلولیت، باقی ماندن روح تبعیض در این شیوه نامه علیه حقوق شهروندان معلول و نقض آشکار مفاد کنوانسیون جهانی حقوق افراد دارای معلولیت که دولت باید رسماً پاسخگوی پرسش های مطروحه کمیته اجرایی این کنوانسیون در ژنو سوئیس باشد و قدر مسلم بازتاب الزامات شیوه نامه اجرایی بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۲ قانون استخدام نیروهای انسانی آموزش و پرورش با پرسشگری این کمیته روبه رو خواهد شد، به نیابت از جامعه شهروندان دارای معلولیت کشور بویژه قشر تحصیلکرده و توانمند آن که علی رغم انواع محدودیت ها به مدارج عالی علمی دست پیدا می کنند و خدمت بی تبعیض به جامعه را حق مسلم شهروندی خود می دانند، خواهان ورود حضرتعالی به این عرصه و به منظور اصلاحیه بنیادی این شیوه نامه و رفع تبعیض علیه حقوق شهروندان معلول با لحاظ نکات زیر هستیم:

۱ در شیوه نامه مذکور (حتی پس از وعده اعمال اصلاحیه از سوی جناب آقای چهاربند رئیس محترم مرکز برنامه ریزی منابع انسانی و فناوری اطلاعات وزارت آموزش و پرورش) اصل مسلم، عدم صلاحیت شهروندان معلول برای تدریس در نظام عادی و عمومی آموزش و پرورش و صرفاً محق بودن آنان برای تدریس و کار در مدارس استثنایی است. این اصل تجسم «سالم-سالاری» به عنوان یکی از اشکال نوین برتری طلبی و تبعیض در میان انسان ها مبتنی بر این نگاه است که افراد سالم حق بقا دارند و افرادی علی رغم کلیه شایستگی های علمی و اخلاقی محکوم به حذف از عرصه خدمتگزاری به جامعه اند. بر اساس کدام حکم اولیه عقلایی، دینی، علمی و حقوقی فردی به عنوان مثال نابینا یا دارای محدودیت حرکتی با بالا-ترین مدارک تحصیلی و داشتن توانمندی های روانشناسانه اداره کلاس و تدریس، باید از عرصه آموزش به دانش آموزان سالم حذف شود، زیرا گویا فقط باید سالم ها به سالم ها تدریس کنند و گویا افراد معلول حتی نابغه های کشور و برندگان المپیادهای علمی ملی و بین المللی چون دارای محدودیتی جسمی هستند فقط باید به دانش آموزان معلول تدریس کنند؟! این در شرایطی ست که سازمان آموزش و پرورش استثنایی و وزارت آموزش و پرورش کشور رویکرد اصلی خود را در مورد تحصیل دانش آموزان دارای محدودیت (بجز آن بخش که به علت شدت محدودیت هوش بهر یا اختلالات مزمن اعصاب و روان یا معلولیت های چندگانه ترکیبی فقط در مراکز استثنایی متمرکز قادر به تحصیل اند) ادغام این دانش آموزان در نظام آموزش عمومی کشور تحت عنوان آموزش فراگیر قرار داده اند. چگونه می توان تناقض این چنین آشکار را میان دو رویکرد انسانی در یک نظام اداری مشاهده کرد. الزام معلمان دارای معلولیت به دانش آموزان دارای معلولیت و همزمان پذیرش رویکرد فراگیر مبنی بر تحصیل همه دانش آموزان در یک محیط آموزشی فارغ از تفاوت های جسمانی که البته اصل مسلم حقوق انسانی و رویکرد پذیرفته شده در همه جهان است. متأسفانه رویکرد تفوق «سالم سالاری» در نظام آموزش و پرورش که مهم ترین نظام فرهنگی و آموزشی کشور در تربیت نسل های آتی این کشور است نباید با سکوت و بی تفاوتی پذیرفته شود، زیرا فراموش نکنیم دواير تبعیض مرکز واحدی دارند و هر تبعیض براساس پذیرش تبعیضی قبلی شکل می گیرد. اگر آرمان ما ایجاد جامعه ای ایده آل و انسانی مبتنی بر زندگی و مشارکت دوشادوش همه شهروندان علی رغم همه

تفاوت های طبیعی انسانی برای ساختن جامعه و بهره مندی برابر همه شهروندان از حقوق انسانی است، نمی توان براساس نظام آموزش و پرورشی مبتنی بر برتری نژاد انسان های سالم بر انسان هایی که علی رغم محدودیت های جسمانی توان علمی برابر دارند، به این آرمان دست یافت. جامعه انسانی جامعه متشکل از انسان های سالم، مردانه، سفیدپوست، قدبلند، زیبا و... نیست. جامعه انسانی مبتنی بر ایجاد فرصت های برابر شکوفایی استعدادها برای همه انسان ها با احترام به تفاوت های انسانی و پذیرش این تفاوت ها در همه قوانین و اسناد رسمی کشور است.

۲ اشتغال به شغل شریف معلمی مستلزم مجموعه ای از دانش ها و مهارت ها شامل تسلط در یکی از رشته های علمی و مجموعه ای از مهارت های روانشناسانه آموزش کودک و نوجوان، مهارت های مدیریتی و صلاحیت های اخلاقی است که حفاظت از کرامت انسانی دانش آموزان را میسر می کند و نه چیزی دیگر. نظام عمومی آموزش و پرورش محقق است آزمون هایی برای احراز مهارت ها و صلاحیت های پیش گفته در میان متقاضیان شغل معلمی برگزار کند و حتی این مهارت ها و صلاحیت ها در طول زمان پایش و ارتقا یابد. اما معلمان دارای این مهارت ها از میان انسان های همین جامعه با تمام تفاوت ها و محدودیت های شان انتخاب می شوند نه از میان الیت اصلاح نژاد شده انسان های سالم.

۳ در خصوص اعمال سهمیه ۳ درصد استخدامی افراد معلول، نخست پیش فرض مسئولان محترم آموزش و پرورش الزام اشتغال به تدریس این افراد در آموزش و پرورش استثنایی است که تبعیض آمیز بودن آن در بند ۱ و ۲ توصیف شد. دوم، این سهمیه براساس مصاحبه جناب آقای چهاربند با روزنامه اعتماد مورخ پنجشنبه ۲/۶/۱۳۹۶ به سازمان بهزیستی و براساس توافق با سازمان آموزش و پرورش استثنایی تفویض شده است که نه مبنای حقوقی دارد و نه مبنای اجرایی. زیرا بسیاری از افراد معلول تحصیل کرده و متقاضی ورود به آموزش و پرورش از طریق آزمون استخدامی وزارت آموزش و پرورش شناخته می شوند و سازمان بهزیستی از وجود آنان آگاه نیست. سوم حذف افراد معلول از کلیه آزمون های استخدامی کشور و ارجاع آنان به سازمان بهزیستی به معنای حذف فرصت های برابر مشارکت برای شهروندان معلول، نقض آشکار مفاد پیمان نامه جهانی حقوق افراد دارای معلولیت، نقض لایحه حمایت از حقوق افراد معلول کشور و اقدامی مشخص در جهت جداسازی میلیون ها تن از شهروندان معلول از مسیر رشد و تعامل اجتماعی است. اخذ مشاوره های تخصصی از سازمان بهزیستی در تطبیق شرایط هر نوع معلولیت با مشاغل مورد انتظار مانند معلمی امری است و ارجاع کلی افراد معلول به سازمان بهزیستی و حذف آنان از چرخه های استخدامی دیگر که فقط به منزله پاک کردن صورت مسأله است. اگر وزارت آموزش و پرورش به تخصص سازمان بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش استثنایی (به عنوان سازمان تخصصی زیرمجموعه خود) احترام می گذارد بهتر است به جای گذاشتن الزامات غیرعلمی و حقوقی که منجر به حذف شهروندان معلول از عرصه آموزش عمومی و محرومیت تحمیلی شان از اشتغال به تدریس است، با اخذ مشاوره های تخصصی سازمان های پیش گفته کمیسیونی را به عنوان کمیسیون تخصصی ثانویه برای تطبیق مهارت ها و صلاحیت های موفقان به عبور از آزمون های استخدامی آموزش و پرورش و انجام مصاحبه های تخصصی تشکیل می داد.

۱۴ الزام ورود افراد دارای معلولیت متقاضی تدریس به آموزش و پرورش استثنایی و تدریس در مراکز خاص خود جلوه ای دیگر از تبعیض است. قرار نیست دانش آموزان دارای معلولیت در جهانی جداگانه و فقط معلمان دارای معلولیت را ببینند، همان اشکالی که در مورد تدریس معلمان سالم به دانش آموزان سالم وجود دارد. سخن از تغییر ماهوی رویکردی غلط و باورهای تبعیض آمیز در ذهن مسئولان اجرایی و نظام آموزش و پرورش و سوق آنها به طرف انسانی کردن نظام آموزش و پرورش است. هدف حذف برچسب زنی به مراکز آموزشی، به دانش آموزان دارای محدودیت و به معلمان دارای محدودیت است و اینکه قبل از تفاوت ها به انسانیت آدم احترام بگذاریم.

در پایان ضمن تأکید مجدد بر خواست شهروندان معلول کشور برای حذف شیوه نامه غیرعلمی و تبعیض آمیز استخدام نیروی انسانی در آموزش و پرورش و تضمین حقوق برابر شهروندان معلول برای احراز مشاغلی که شایستگی آن را دارند و اعلام پیگیری رفع این تبعیض از سوی تشکل های افراد معلول از همه کانال های قانونی موجود از جمله فراخوان های حقوقی، درخواست از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی بویژه فراکسیون حمایت از حقوق افراد معلول، مراجع قضایی از دستیار ویژه رئیس جمهور محترم در حقوق شهروندی انتظار داریم منطبق با مسئولیت خود و تأکید رئیس دولت دوازدهم بر ضرورت تحقق همه جانبه حقوق شهروندی و جدی بودن دولت در این امر که انتصاب جنابعالی، با توجه به پیشینه مدنی و عملکردتان می تواند مبین جدیت در این امر باشد، این درخواست جامعه شهروندان دارای معلولیت کشور را تا رفع هرگونه تبعیض و احترام به مفاد قوانین کشور از جمله پیمان نامه جهانی حقوق افراد دارای معلولیت پیگیری کرده و به فرجام برسانید.

### «سهم اندک معلولان از رسانه ها»، سمیه افشین فر، ۲۰ آبان ۱۳۹۵.

شکی نیست که رشد و گسترش روزافزون رسانه ها امروزه یکی از ارکان توسعه در هر کشوری به شمار می رود. هنوز کثرت رسانه ها یکی از شاخص های توسعه یافتگی است چرا که رسانه ها در شکل گیری و شکل دهی به افکار عمومی قدرتی انکارناپذیر و تأثیری عمیق دارند. رسانه ها اعم از مکتوب و غیرمکتوب می توانند در باور و درک مخاطب تأثیری بلند مدت ایجاد کنند. از سویی دیگر در جوامع مختلف بخصوص کشورهای در حال توسعه با افزایش روزافزون تعداد افراد دارای معلولیت مواجه هستیم که این مسأله لزوم توجه به موضوع حقوق افراد دارای معلولیت به عنوان یکی از بزرگترین چالش های جوامع امروزی را می طلبد و بنابراین جامعه افراد دارای معلولیت باید از رسانه ها سهمی داشته باشند. اما برآستی سهم افراد دارای معلولیت در رسانه ها چه قدر است؟ چه تعداد از رسانه های مکتوب و غیر مکتوب صفحات و بخش های ویژه ای را برای افراد دارای معلولیت اختصاص داده اند؟ متأسفانه جواب پرسش های فوق ناامید کننده است معلولان برای نشان دادن توانایی های خود تریبون های زیادی ندارند. متأسفانه هنوز در فیلم ها و سریال های رسانه ملی معلولیت، تاوان گناه نمایش داده می شود، هنوز در بسیاری از اخبار خبرگزاری ها و روزنامه ها خبرهای مرتبط با معلولیت همراه با نگاهی توأم با ترحم منتشر می شود تا خوانندگان بیشتری را جذب کند و متأسفانه بیشتر خبرها و گزارش های مرتبط با موضوع معلولیت در رسانه های کشورمان به جای القای توانایی و تلاش

این افراد برای دسترسی به فرصت های برابر تنها حس ناتوانی را القا می کنند و نکته هزاران بار تأسف برانگیزتر اینکه نگاه غالب در رسانه ها نگاهی «مناسبتی» است و برخوردهای مناسبتی با معلولیت یکی از زشت ترین حالت ها از بازنمایی واقعیت های جامعه معلولان است. این همان نگاهی است که باعث می شود تا خبرنگاران حوزه اجتماعی تنها در مناسبت های خاصی مثل روز جهانی معلولان یا روز ناشنوایان و نابینایان و... به سراغ این افراد بروند و صفحات رسانه هایشان را پر کنند از مشکلات این افراد....

نمی دانم مسابقات پارالمپیک ریو را تعقیب می کردید یا نه اما در زمان افتتاحیه این بازی ها مشعل بازی از دست فرد دارای معلولیت حمل کننده آن افتاد و صحنه ای زیبا خلق شد که تصویر آن هنوز در ذهن بسیاری از افراد ماندگار شد بعد از افتادن مشعل، همه افراد حاضر در استادیوم یکصدا شروع به تشویق فرد معلول و دست زدن برای او کردند و او بدون اینکه از خجالت آب شود یا احساس ناتوانی کند از جایش بلند شد مشعل را برداشت و به راهش ادامه داد. این تصویری است که امروز از معلولیت در دنیا ساخته شده است؛ معلولیت دیگر مساوی با ناتوانی و ضعف و عجز و درماندگی نیست. نگاه به معلولیت در دنیا نگاهی توأم با احترام و تأیید است نه ترحم و انکار.

به نظر می رسد که رسانه های مختلف باید سهم قابل توجهی را به افراد دارای معلولیت اختصاص دهند تا بتوانیم زمینه ورود معلولان به زندگی عادی را تسهیل کنیم ما نه فقط در برنامه های خاص معلولان که در آثار عمومی رسانه ای هم باید هم از تولیدات معلولان استفاده کنیم و هم برای معلولان تولید کنیم، قدرت رسانه، قدرت والا و بزرگی است؛ آنچه افراد دارای معلولیت از رسانه انتظار دارند پرهیز از القای حس ناتوانی و فرهنگسازی ای قوی و کارآمد در زمینه افراد دارای معلولیت است.

### «شاهد عباس، وجدان شما»، سمیه افشین فر، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵.

روز شنبه نهم ماه عباس مثل هر روز از خانه بیرون می زند، گویی با دوستانش قرار داشته، برای گذر از خیابان همیشه از پل عابر پیاده استفاده می کرد، چون تصورش این بود که پل عابر پیاده برای نابینایان امن تر است، البته که در همه جای دنیا چنین است و یک نابینا ترجیح می دهد به جای ساعت ها منتظر ماندن و با کمک همراه از خیابان گذشتن استقلالش را حفظ کند و از پل عابر پیاده استفاده کند.

عباس مثل همیشه پله ها را بالا می رود، پله هایی که گویا «هیچ» مانعی جلوی آنها قرار نداشته و طبعاً یک فرد نابینا در صورت وجود مانع از وجود آن مطلع می شده و مسیر دیگری را برای ادامه راه انتخاب می کرده است!

عباس بالا می رود بدون آنکه بداند چه چیزی انتظارش را می کشد درست زمانی که آخرین پله را بالا می رود و حادثه اتفاق می افتد، او سقوط می کند، شانس می آورد که بدنش در همان گوشه خیابان می افتد و سرش به گوشه جدول اصابت می کند چرا که اگر کمی جلوتر این اتفاق افتاده بود قطعاً به وسط خیابان پرت می شد و مرگش حتمی بود، عباس اکنون با شرایط حاد جسمانی در بیمارستان خاتم الانبیا بستری است، دنده هایش شکسته است و آسیب های جدی هم به بدنش وارد شده است



هر چند که رسانه ها باز هم از پوشش این خبر براحتهی گذشتند و تنها خبرگزاری ایرنا خبر آن را منعکس کرد.

اما نکته جالب در این میان اظهارات جالب مسئولان و دست اندرکاران شهرداری ورامین است، شهرداری ورامین به سبک و سیاق همه مسئولان شهری در نخستین مرحله به سراغ محل حادثه رفت و با زدن نوارهای ممتد زردرنگ وانمود کرد که این محل مانع داشته! در حالی که حتی بی تجربه ترین افراد به فنون مناسب سازی و نا آشناترین افراد با افراد دارای معلولیت هم با دیدن عکس می توانند متوجه شوند که اگر این موانع زردرنگ در زمان وقوع حادثه وجود می داشت عباس یا هر نابینای دیگری قطعاً به کمک عصای سفیدش متوجه می شد و مسیرش را عوض می کرد پس در زمان وقوع حادثه این نوارهای زردرنگ وجود نداشته اند.

نکته بعدی اینکه یکی از مسئولان شهری در بخش خبری تلویزیون وقتی در مورد حادثه از او سؤال شد براحتهی به دوربین نگاه کرد و گفت: «نمی دانیم چه طور این اتفاق افتاده، محل در حال تعمیر بوده و ما هم مانع گذاری کرده بودیم و متأسفانه شاهدهی هم در محل حضور ندارد که چگونگی حادثه را بیان کند» جناب مسئول محترم نیازی به شاهد نیست تنها کافی است که شما «اخلاق» را رعایت کنید.

شما می دانید که با یک کار کوچک می توانستید جلوی این حادثه را بگیرید؟ شما اگر فقط و فقط این نوارهای زرد رنگ را قبل از حادثه نصب می کردید امروز عباس روی تخت بیمارستان نبود. متأسفانه در حوادثی از این دست که افراد دارای معلولیت به آن دچار می شوند مشکل تنها بهبودی ظاهری نیست، شما می دانید که این خبر چه هراسی در دل نابینایان ایجاد می کند و آنها را باز هم به نظر همیشگی شان نزدیک می کند که «شهر برای ما امن نیست»!

جناب مسئول عزیز شاهد عباس، وجدان همه ماست در جهانی که همه شعار شهرهای دسترس پذیر را برای افراد دارای معلولیت مطرح می کنند. لحظه ای تنها لحظه ای خود را جای عباس های شهرمان بگذارید.

### **«شمعی برای غلبه بر تاریکی»، حمدالله خواجه حسینی، ۱ تیر ۱۳۹۶.**

در یادداشت های گذشته درباره مکانیسم انکار با دوستان مان صحبت کردیم؛ مکانیسمی که طی آن والدین معلولیت فرزندشان را انکار می کنند تا از شدت خشم و اضطراب خود بکاهند.

در این یادداشت قصد داریم درباره مکانیزم تخریب یا طرد فرزند معلول صحبت کنیم. تخریب یا طرد واقعیت، مکانیسمی است که نشان دهنده بی توجهی پدر و مادر نسبت به فرزند معلول است. بی توجهی به وی باعث کاهش موقتی درد و رنج خانواده ها خواهد شد؛ غافل از آنکه این سهل انگاری، مشکلات زیادی را در درازمدت سبب می شود.

پدر و مادری که فرزند معلول خود را منبع عذاب و نگرانی می دانند و او را از خود دور می کنند طبیعتاً اهمیتی برای نیازهای جسمی و روحی وی نیز قائل نیستند و نمی توانند شرایط لازم جهت رشد همه جانبه او را فراهم کنند.



اگر کودک دارای معلولیت در سنین ابتدای رشد باشد محرومیت از محبت والدین باعث می شود تا احساس دل‌بستگی در او شکل نگرفته و نتواند حس دوست داشتن و دوست داشته شدن را تجربه کند. انزوا و گوشه گیری، بی اعتمادی نسبت به دیگران، اضطراب و افسردگی و مشکلات تحصیلی، مهم ترین مسائلی است که این دسته از کودکان و نوجوانان با آن مواجه هستند.

در روانکاوی اصطلاحی وجود دارد به نام «هماندسازی». درک معنی این واژه کار سختی نیست. همه ما این حقیقت را باور داریم که والدین مهم ترین الگوی فرزندان به شمار می روند. اصطلاح همانندسازی به این واقعیت اشاره می کند که کودکان در رفتارها و قضاوت های خود، حداقل تا دوران نوجوانی، تنها پدر و مادر را الگو قرار می دهند. بنابراین همان طور که محبت والدین نسبت به فرزندان می تواند مکتب مهر و عطوفت را در خانواده بنا کند، بی مهری نسبت به یک فرزند، آن هم به خاطر معلولیتی که او خود در بروز آن نقشی نداشته موجب می شود تا وی در معرض بدرفتاری سایر خواهران و برادران قرار گیرد.

در این دسته از خانواده ها نیز قربانی اصلی، فرد دارای معلولیت است. چون بی توجهی اعضای خانواده، حس اعتماد به نفس و خودباوری او را از بین می برد و یأس و تنفر را در وجود وی می پروراند.

حال براحتمی می توانیم ادعا کنیم که برای چنین خانواده هایی کمک گرفتن از یک روانشناس حتی از نان شب هم واجب تر است. روانشناسان به والدین کمک می کنند تا تفسیر ذهنی شان را نسبت به معلولیت فرزند خود تغییر دهند و درک واقع بینانه تری درباره آن کسب کنند. وقتی خانواده ها با جنبه های واقعی معلولیت آشنا شوند دیگر از آن نمی هراسند و به جای بی توجهی نسبت به عضو معلول خانواده، او را در حلقه محبت خود جای می دهند.

روانشناس، تنها با پدر و مادر صحبت نمی کند بلکه در مواقع ضروری با خواهران، برادران و سایر نزدیکان فرد معلول هم به گفت و گو می پردازد تا به افکار و احساسات آنان پی ببرد. او با صبر و حوصله به حرف های تک تک اعضای خانواده گوش کرده و به آنها کمک می کند تا واقعیت های دور و برشان را بهتر درک کنند؛ درکی که با آگاهی فراهم می شود و این آگاهی همانند شمعی است که شبح ترس و ناامیدی را در دل تاریکی ها از بین می برد و روابط اعضای خانواده را در فضایی آکنده از مودت و احترام بهبود می بخشد.

**«شنیدن صدای نابینایان»، حسین نحوی نژاد، ۲۲ مهر ۱۳۹۷.**

حسین نحوی نژاد، معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور

حرکت منظم عصاهای سفیدشان از گام های استواری حکایت دارد که موانع و تبعیض ها را در فراسوی محدودیت ها درمی نوردند تا معجزه خودباوری را به اثبات برسانند. هر زمان که برای شناخت دنیای اطراف قدم برمی دارند، تمامی قوای خویش را به کار می گیرند تا بهتر بشنوند، لمس کنند، ببینند، به ذهن بسپارند، راه را از بی راه ه بشناسند و به مسیرهای موفقیت دست یابند.

آری، این مردان و زنان، بخشی از افراد جامعه ما هستند که زندگی را با نابینایی تجربه می کنند اما دنیای آنان تاریک و بی تحرک نیست بلکه دنیایی است مملو از دیدنی ها، شنیدنی ها و گفتنی هایی که

ص: ۲۳۳

با ذهنی روشن بین درک می شوند. تنها کافی است بر پیشداوری‌ها و باورهای منفی غلبه کنیم، قدم پیش بگذاریم و در مسیر ارتباط مؤثر با این افراد گام برداریم. آنگاه درمی یابیم که یک فرد نابینا هم می تواند به عنوان یک دوست، یک همکار و یک انسان اثرگذار، نقش خود را به بهترین نحو ایفا نماید.

مشاهده فرد نابینا در اماکن عمومی و محافل اجتماعی در وهله نخست ممکن است حس کنجکاوی یا همدردی ما را تحریک کند. در چنین مواقعی این سؤال برای ما مطرح می شود که نابینایان چگونه زندگی می کنند و به طور حتم وقتی با چنین فردی آگاهانه ارتباط برقرار کنیم درمی یابیم که نقص بینایی او را نباید به تمام ویژگی های انسانی وی تعمیم دهیم چرا که چنین فردی توانسته است با پرورش قابلیت های خود به توانایی های مورد نیاز در یک زندگی سالم دست یابد و با دیگران تعامل برقرار کند.

افراد نابینا می توانند به کمک سایر حواس خود درباره محیط اطراف اطلاعات کسب کنند. صداها به آنها کمک می نمایند تا جهت حرکت خود را پیدا کنند. از طریق حس لامسه موانع را بیابند. آنان می توانند با دیگران ارتباط مؤثر برقرار نموده و به پیوندهای اجتماعی مستحکمی دست یابند. بنابراین افراد نابینا نیازمند ترحم نیستند زیرا در صورت مهیا بودن شرایط قادرند استقلال لازم در زندگی را کسب کنند.

امروزه افراد نابینا با تکیه بر قابلیت های فردی و تقویت نیروی اراده توانسته اند در زمینه های علمی، فرهنگی و آموزشی گام های مؤثری را در جهت توسعه و پیشرفت جامعه بردارند. با توجه به اهداف فراروی سازمان بهزیستی مبنی بر آموزش و توانبخشی نابینایان، فراهم سازی امکانات آموزشی برای افراد نابینا و کم بینا در اولویت های کاری این سازمان قرار گرفته است. بر این اساس آموزش مهارت های فنی و حرفه ای به نابینایان، آموزش کامپیوتر به گروه هدف با استفاده از برنامه های گویا و بریل، فراهم سازی منابع مطالعاتی و ارائه خدمات توانبخشی در کلینیک های تخصصی و مراکز خانواده و کودک نابینا از جمله فعالیت هایی است که با هدف افزایش سطح استقلال و خودکفایی نابینایان صورت می پذیرد.

سازمان بهزیستی کشور به عنوان متولی پیگیری حقوق افراد دارای آسیب بینایی همواره تمام تلاش خود را جهت رایزنی با دستگاه های اجرایی و نهاد های نظارتی جهت طرح مسائل نابینایان و پیگیری خواسته های آنان به عمل می آورد اما بدون شک عزم ملی برای ساختن زندگی بهتر برای این افراد مستلزم همکاری تمامی بخش های جامعه و اجرای صحیح قانون عصای سفید، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت و قانون حمایت از حقوق معلولان است.

بر اساس قانون حمایت از حقوق معلولان، تمامی ارگان ها موظفند خدمات و امکانات خود را با توجه به محدودیت ها و نیازهای افراد معلول متناسب سازی نمایند که افراد نابینا نیز از این قاعده مستثنی نیستند. مناسب سازی امکانات برای افراد نابینا تنها شامل رفع موانع محیطی یا ایجاد نشانه های لمسی و شنیداری در اماکن عمومی نیست بلکه متناسب سازی فضاهای مجازی، در دسترس بودن منابع علمی به صورت گویا، بریل و کتاب الکترونیک یکی از مهم ترین ضرورت هایی است که در بحث متناسب سازی امکانات دنبال می شود.

مهم ترین مطالبات افراد نابینا و کم بینا از جمله حق دسترسی کامل به امکانات آموزشی، بهداشت و سلامت، تردد ایمن در فضای شهری و مشارکت فعالانه در عرصه های سیاسی و اجتماعی در کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت و قانون حمایت از حقوق معلولان (مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی) صراحتاً مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس دولت مکلف است با استفاده از کمیته هماهنگی و نظارت بر اجرای قانون حمایت از حقوق معلولان تمامی دستگاه های کشور را به اجرای این قوانین و تأمین حقوق نابینایان ملزم سازد.

در حال حاضر بسیاری از افراد نابینا و کم بینا با تکیه بر مهارت ها و تجارب خویش، به ظرفیت های لازم برای مشارکت فعال در عرصه های شغلی و اجتماعی دست یافته اند لیکن مکرراً شاهد آن هستیم که فرصت های شغلی مورد نظر این افراد در پس تبعیض و ناآگاهی دستگاه ها از بین می رود و افراد دارای اختلال بینایی به رغم توانمندی های ارزنده خویش از دستیابی به شغل مناسب محروم می گردند، به عنوان مثال می توان به رفتار تبعیض آمیز وزارت آموزش و پرورش با نابینایان در آزمون های استخدامی اشاره نمود. متأسفانه عدم تطبیق ضوابط استخدامی این وزارتخانه با شرایط افراد دارای اختلال بینایی موجب محروم شدن این افراد از فرصت های شغلی این وزارتخانه حتی در حوزه آموزش و پرورش استثنایی شده که امید است همزمان با فرا رسیدن روز جهانی عصای سفید، شاهد رفع این تبعیض ها باشیم.

همه ساله روز ۲۳ مهر ماه مصادف با ۱۵ اکتبر به نام روز جهانی عصای سفید شناخته می شود. ۲۳ مهر ماه روزی است که صدای عدالت خواهی افراد نابینا بیش از پیش شنیده می شود و فعالان امور نابینایان تلاش می کنند تا این روز را به عنوان سمبل هویت اجتماعی این افراد معرفی نمایند.

روز جهانی عصای سفید در حقیقت وام دار مطالباتی است که افراد نابینا و کم بینا مطرح می سازند. این مطالبات نه تنها در قانون عصای سفید که در اوایل دهه ۱۹۴۰ توسط سازمان ملل به تصویب رسید بلکه در سایر قوانین مرتبط با معلولان مطرح گردیده و از دولت ها خواسته شده است با پایبندی کامل به مفاد این قوانین، زمینه احیای حقوق نابینایان و دستیابی آنان به کیفیت زندگی برتر را فراهم سازند.

بنابراین پیام اصلی روز جهانی عصای سفید، شنیدن صدای نابینایان و درک مطالبات برحق آنان برای دستیابی به یک زندگی سالم، پویا و شکوفا است.

### «شهر ناامن من»، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶.

وقتی سخن از امنیت در جامعه ای به میان می آید، افکار به سمت امنیت ملی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت فرهنگی یا انواع دیگری از امنیت می رود، ولی این بار، سخن از امنیت شهروندی است. سؤالی که در اینجا پیش می آید این است که افرادی که از نظر جسمی کم توان یا ناتوان هستند، آیا در شهر محل زندگی خود، احساس امنیت می کنند؟

با ویلچرم که وسیله تردد من است، از منزل خارج می شوم. نخستین مانعی که با آن مواجه می گردم، چیزی است به اسم آب رو که در همه کوچه ها و معابر وجود دارند. اجرای این سازه از کجا و



چطور آمده، نمی دانم؟ ولی آب روها همیشه و همه جا سد راهم هستند. طی سال هایی که ویلچرنشین شده ام، این را فهمیده ام که برای حضور در جامعه یا باید همیشه شخصی را در کنار خود داشته باشم یا به طور مداوم از رهگذران برای عبور از موانع مختلفی که با آن روبه رو می شوم، درخواست کمک نمایم. اصلی ترین مانع تردد با ویلچر در خیابان، آب روها هستند که مانند قارچ در کل شهر رویانده شده و تردد در کوچه و خیابان را برای ویلچرنشینان به کابوسی بزرگ تبدیل کرده اند. با هر چند قدمی که با ویلچر به جلو حرکت می کنی باید چرخ جلو را بچرخانی تا بتوانی با چرخ های عقب از این مانع عبور نمایی. ولی زهی خیال باطل که فکر کنی بدون نگرانی می توانی از این موانع عبور کنی و به راه خود بدون کمک دیگران ادامه دهی، چون چرخ های ویلچر حتماً به دام این آب راه ها خواهند افتاد و باید خود را آماده کرده باشی که این مانع تا آخرین لحظه حضورت در شهر با تو هستند. البته این تازه شروع ماجراست! حالا می خواهی از خیابان عبور کنی، به همین دلیل به طرف خطوط عابر پیاده می روی تا مطمئن باشی خطر برخورد با خودروها تهدیدت نمی کند. با هر مصیبتی خود را به آن طرف خیابان می رسانی ولی افسوس که با جدولی در مقابل چشمانت روبه رو می شوی. حالا چکار باید کرد؟ به طرف خیابان بازگشته و ترجیح می دهی که از کنار خیابان به مسیرت ادامه دهی. ولی مقصد مورد نظر در طرف دیگر خیابان است، پس چطور از یک خیابان ۴۶ متری باید عبور کنی؟ از پله های پل عابر پیاده هم که نمی توانی بالا روی. پس مجبور می شوی ویلچر را برای رسیدن به نزدیک ترین بریدگی، ۵ کیلومتر دیگر هم به جلو ببری. بالاخره به بریدگی می رسی و از میان ماشین هایی که با سرعت در حال عبور هستند و از چاله ای که شهرداری چند ماهی است آن را کنده، ولی هنوز درستش نکرده، به سختی عبور می کنی. حالا- با پله هایی با عرض ۴۰ سانتی متر روبه رو می شوی. به خودت می گویی: چطور می توانم با ویلچر از آنها عبور کنم؟ ناامید نیستم، جلوتر می روم. از میان چندین خودرویی که پشت سرهم پارک شده اند یک پل سیمانی با عرضی مناسب که کمی دورتر قرار دارد را می بینم. ولی افسوس راهی برای رسیدن به پل وجود ندارد! باز هم جلوتر می روم، دیدن پل آهنی با میله های کج و معوج زنگ زده، برایم همچون نوری در تاریکی است. اگرچه چرخ های ویلچرم در لابه لای میله های پل، معلق مانده ولی دیگر درخواست کمک گرفتن از دیگران آزارم نمی دهد. خرسندم که تنها یک بار از دیگران کمک خواسته ام. خدا را شکر می کنم که محل ورود به محیط کارم دارای رمپ (سطح شیبدار) است. اگرچه باز هم باید منتظر چند نفر باشم که برای عبور از همین رمپ با زاویه ۶۰ درجه مرا یاری کنند.

وارد محل کارم می شوم و پس از کمی خستگی در کردن و نوشیدن جرعه ای آب، وقتی نفسم سرجا آمد، به اتاق خود می روم. پس از چند ساعت کار، نیاز به سرویس بهداشتی پیدا می کنم. خوشحالم که در جایی مشغول به کار هستم که دارای سرویس بهداشتی فرنگی است. حالا چه می شود کرد که این سرویس بهداشتی استانداردهای ویژه سرویس بهداشتی معلولان را رعایت نکرده ولی از اینکه به لطف حضور مشتریان خارجی یک توالی فرنگی در آن وجود دارد، خدا را شاکرم. برای استفاده از سرویس بهداشتی از همکارم درخواست کمک می کنم. اول او باید وارد دستشویی شود و چون ویلچر از عرض در ورودی سرویس بهداشتی رد نمی شود، باید دست مرا بگیرد تا از روی ویلچر بلند شوم و روی کاسه توالی قرار بگیرم. باینکه چندین مرتبه از مدیر شرکت درخواست کرده ام روی

دیوارها، دستگیره کمکی نصب کنند، ولی چون جواب نگرفتم از ترس اینکه باعث رنجش مدیران شوم و کاری که مدت ها به دنبالش بوده ام را از دست بدهم، این نقیصه را نادیده می گیرم.

با رها شدن دستم از دست همکار لحظه پر خطر شروع می شود چون دستم به هیچ جایی بند نیست و تصور افتادن از روی صندلی فرنگی، لرزه به تنم می اندازد.

یک روز کاری دیگر را پشت سر گذاشته ام و همانند هر روز که وقتی به منزل باز می گردم، نفسی عمیق می کشم و خدا را شکر می کنم که امروز هم بخیر گذشت، خدا را شکر می کنم. آرزوی اینکه بعد از فراغت از کار بتوانم ساعاتی را در پاساژی در سطح شهر گردش کنم را مدت هاست که از سر به در کرده ام، چرا که هیچ وسیله نقلیه عمومی مناسب سازی شده در سطح شهر برای اینکه بتوانم تصور کنم که بجز محل کار خود به مکان دیگری بروم، وجود ندارد. در تخت دراز می کشم و با فکر به اینکه فزاینده های دیگرم را در یک مبارزه تکراری طاقت فرسا به سر خواهیم برد، پلک هایم سنگین می شوند و با این فکر که شهرداری که توان ساماندهی یک شهر را ندارد، آیا توان اداره یک کشور را خواهد داشت خوابم می برد.

یکی از صدها ویلچر نشین ساکن شهر

### «صندوق ها را برای معلولان هم آماده کنید»، سمیه افشین فر، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶.

با حرارت از روزی می گفت که شال و کلاه کرده بود و به یکی از حوزه های اخذ رأی رفته بود تا رأی دهد. حوزه اخذ رأی نزدیک خانه را پیدا کرده بود و شناسنامه اش را برداشته بود تا به عنوان یک انسان عاقل و بالغ، مثل همه شهروندان رأی اش را بدهد و در تعیین سرنوشت سیاسی اش نقش ایفا کند اما خوشی هایش به دقیقه ای ختم شد؛ آنجا که با ویلچرش مردد به پله های محل اخذ رأی نگاه می کرد... اما او باید این مرحله را هم مثل تمام مراحل زندگی اش پشت سر می گذاشت از چند نفری کمک خواست و توانست رأی اش را به صندوق بیندازد حالا باز هم تردید در چشمانش موج می زند، دستان نحیفش چرخ های ویلچرش را به حرکت درمی آورد، در خیابان های ناهموار شهر با هم همراه می شویم، با صدایی آرام می پرسد به نظر تو «رأی بدم»؟

باز هم مواجه شده ام با سؤالی که از «تردید» می آید تردید کسانی که جزو گروه اقلیت جامعه محسوب می شوند، اقلیتی که در کنار ما درس می خوانند، کار و زندگی می کنند. در اینکه افراد دارای معلولیت جزو اقلیت جامعه هستند هیچ شکی نیست اما از آنجا که این اقلیت همواره و همه جا از برابری فرصت ها سخن گفته اند شایسته است که در راستای رسیدن به همین هدف والا از حق مشارکت سیاسی شان که همانند سایر حقوق انسانی برای تمام افراد جامعه در نظر گرفته شده است به نحو احسن استفاده کنند.

یعنی همان طور که افراد دارای معلولیت خواهان حق دستیابی به کسب مدارج عالی و شغل و... هستند باید از حق تعیین سرنوشت خود نیز شانه خالی نکنند، تردیدها را دور بزنند و چشم بر سختی ها بینند و روز جمعه همانند سایر آحاد جامعه در تعیین سرنوشت خود مشارکت داشته باشند





تا با تعیین و استقرار دولت جدید بتوانند خواسته‌ها و مطالبات بحق خود را پیگیری کنند اما این مهم یعنی مشارکت سیاسی افراد دارای معلولیت و شرکت آنها در انتخابات محقق نمی‌شود مگر وقتی که همانند سایر بخش‌های اجتماعی زمینه حضور این افراد در پای صندوق‌های رأی فراهم شود. مناسب سازی حوزه‌های رأی‌گیری برای تردد افراد معلول یکی از مهم‌ترین این اقدامات است، مناسب سازی حوزه رأی‌گیری به معنی مناسب سازی کامل محیطی است، یعنی فرد معلول از بدو ورود باید بتواند همانند سایر شهروندان و براحتی پای صندوق رأی حاضر شود. دیدن صحنه‌هایی که چند نفر دور ویلچر یک نفر را برای ورود به حوزه اخذ رأی گرفته‌اند و او را از پله‌ها بالا می‌برند هم در شأن افراد دارای معلولیت نیست و هم چهره زیبایی از حضور افراد معلول ترسیم نمی‌کند مضافاً اینکه عمل این رنج ممکن است فرد معلول را برای پیگیری این حق طبیعی خود دچار تردید و پشیمانی کند. از این گذشته محل قرارگیری صندوق باید با ویلچر افراد معلول ویلچرنشین تناسب داشته باشد فرد معلول باید قادر باشد خودش رأی خود را به صندوق بیندازد.

حضور منشی‌های امین یا تهیه فهرست کاندیداها به خط بریل یا تهیه روزنامه به خط بریل برای آگاهی نابینایان از اخبار و مسائل سیاسی روز کشور برای افراد معلول نابینا که به تنهایی در حوزه‌های رأی‌گیری حاضر می‌شوند یکی دیگر از حقوق معلولان است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد. امروزه در بسیاری از کشورها به مسئولان برگزاری انتخابات آموزش‌های ویژه رفتار با معلولان داده می‌شود که مبادا حقوقشان نادیده گرفته شود یا خدای ناکرده شأن اجتماعی شان مخدوش شود؛ چرا که امروزه رشد و ترقی زندگی اجتماعی افراد دارای معلولیت یکی از ارکان توسعه به شمار می‌رود.

باید بدانیم که با فراهم آوردن هر کدام از امکانات مذکور زمینه مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد معلول را فراهم می‌کنیم که نتیجه طبیعی این مشارکت دادن این است که افراد دارای معلولیت احساس می‌کنند که در تصمیم‌گیری سرنوشت جامعه همراه با سایر افراد به طور برابر شریکند و چه دستاوردی بزرگتر از اینکه همه اجزای جامعه در فرآیند تکاملی جامعه مشارکت داشته باشند و با کمک هم بتوانند کشتی نجات را به ساحل امن و آرامش برسانند.

### «عذرخواهی لازم، اما ناکافی»، مجید سرایی، ۱۵ تیر ۱۳۹۶.

طی هفته‌های اخیر، خبری مبنی بر عذرخواهی زهرا احمدی پور، رئیس سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و جهانگردی بابت عدم مناسب سازی بسیاری از اماکن فرهنگی-تاریخی ویژه معلولان، روی خروجی خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری قرار گرفت. این حرکت فرهنگی از سوی مدیر سازمان میراث فرهنگی، ضمن نشان دادن احترام یک مسئول به بخشی از شهروندان جامعه، مبین احساس مسئولیت او در قبال کسانی است که دارای حقوق شهروندی هستند.

این اقدام رئیس سازمان میراث فرهنگی را می‌توان از دو منظر، اجمالاً بررسی کرد: ۱- نفس فرهنگ عذرخواهی: با نگاهی گذرا به سخنان بزرگان، از صدر اسلام تا امروز، نمونه‌های فراوانی می‌توان یافت که در آن‌ها، به فضائل عذرخواهی پرداخته شده است. چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) در حدیثی فرمودند: «عذرخواهی نشانه خردمندیست.» یا شیخ اجل سعدی شیراز به زیبایی

گفته: «اگر دانی که بد کردی و بد رفت بیا پیش از عقوبت عذرخواهان» بنا بر این، عذرخواهی نه تنها از سوی بزرگان ما مذموم شمرده نشده، بلکه مورد مدح و ستایش نیز قرار گرفته است. شاید تنها مواردی که جنبه مذموم از عذرخواهی در آنها احساس می شود، آن دسته از سخنانی است که انسان را از انجام اعمالی که نتیجه ای جز عذرخواهی ندارد، برحذر می دارد. چنانکه امام حسین (ع) فرمود: «حذر کن از مواردی که باید عذرخواهی کنی، زیرا مؤمن نه کار زشتی انجام می دهد و نه به عذرخواهی می پردازد، اما منافق همه روزه بدی می کند و به عذرخواهی می پردازد.» (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰)

در نتیجه، فرهنگ عذرخواهی، در همه حال قابل ستایش است، خاصه آنکه از زبان یک مدیر اظهار شود. حال آنکه مدیر سازمان میراث فرهنگی، در قبال آنچه از سوی مدیران سابق نسبت به حقوق معلولان رخ نداده، عذرخواهی کرده است.

۲- عذرخواهی لازم است، اما کافی نیست: شاید بهترین تعبیر از اقدام خانم احمدی پور، فتح باب در حل معضل مهمی به نام مناسب سازی اماکن فرهنگی-تاریخی باشد. گرچه ایشان حسن نیت خود را نشان دادند، اما جدا از مباحث احساسی و در ساحت منطق، آن اقدام کافی نیست. به نظر می رسد با در نظر گرفتن حسن نیت ریاست سازمان میراث فرهنگی، باید اقدامات جدی تری در تدوین برنامه های جامع از سوی آن سازمان برای حل معضل عدم مناسب سازی اماکن فرهنگی-تاریخی و گردشگری صورت بگیرد. علاوه بر آن، مشورت با معلولان کارشناس و صاحب نظر و در نهایت، جدیت در اجرای طرح های مدون، جامع و تأیید شده از سوی افراد ذی صلاح، تجلی صورت عملی حسن نیت ریاست سازمان میراث فرهنگی خواهد بود.

### **«کاستی های یک حرکت پسندیده: نگاهی به برنامه غیر محرمانه در خصوص معلولان»، سمیه افشین فر، ۶ خرداد ۱۳۹۵.**

نگاهی به برنامه غیر محرمانه در خصوص معلولان؛ کاستی های یک حرکت پسندیده

جمعه ۳۱ اردیبهشت ماه ساعت نه شب برنامه غیر محرمانه از شبکه دو پخش شد از آن جایی که بحث مربوط به معلولان بود هر چند بیننده پرو پاقرص برنامه های رسانه ملی نیستم اما درنگ کردم تا بینم در این برنامه چه می گذرد؟ موضوع برنامه آسیب شناسی نظام آموزشی کودکان استثنایی بود. دکتر قدمی رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی، دکتر به پژوه استاد روانشناسی دانشگاه تهران و علی همت محمودنژاد مدیر عامل انجمن دفاع از حقوق معلولان میهمانان این جلسه بودند و تعدادی از افراد معلول و خانواده های کودکان با نیازهای ویژه و معلمان مدعوین جلسه را تشکیل می دادند.

هر چند قاعدتاً باید صحبت از آموزش کودکان با نیازهای ویژه باشد اما در میان بحث به فرهنگسازی کشید و صحبت از ضرورت این امر شد تا این جای کار صحبتی نیست بحث من از جایی شروع می شود که از آقای محمودنژاد دعوت می شود و ایشان با کودکی وارد استودیو می شوند و توضیح می دهند که عطاءالله مدت ها از مدرسه دور بوده و ایشان و انجمن متبوعشان چقدر تلاش کرده اند تا عطاءالله به مدرسه بازگردد از این جا به بعد به نظرم دیگر فضای نقد نیست و به نوعی

نمایش تبدیل می شود، نمایشی که معلولان با آن بیگانه نیستند. مدیر عامل انجمن دفاع از حقوق معلولان نیز شعارگونه سخن می گوید و حتی مجال صحبت به رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی نمی دهد به فردی که به اذعان مجری خود از پیشگامان سیستم آموزشی تلفیقی بوده است.

آن جا که جناب قدمی از هزینه تجهیزات توانبخشی و اعتبارات سخن می گوید و آقای محمودنژاد با محاسبه سرانه دانش آموزان تیزهوشی اش را به رخ می کشد به نظرم همانجا اولین آسیب جدی به برنامه لطمه می زند. چرا که به گفته بزرگان دین «نصیحت و پند دادن در میان مردم و حضور دیگران، کوبیدن و خرد کردن است»

هر چند وجود مشکلات عدیده در امر آموزش کودکان با نیازهای ویژه برای آنها و خانواده هایشان امری غیر قابل کتمان است اما نباید از تلاش های دست اندرکاران آموزش و پرورش استثنایی هم گذشت و بی انصافی کرد در برنامه فوق به نظر می رسد جناب محمودنژاد بیشتر از در کوبیدن وارد شده بودند. از این گذشته حضور قشری ناهمگون از میهمانان و اختلال بحث ها باعث شد که بحث ابتر بماند و از فرصتی که برای افراد معلول در رسانه ملی فراهم شده بود به درستی بهره برداری نشود.

به نظر می رسد اگر تعداد میهمانان کمتر بود یا به جای قشری ناهمگون از افراد دارای معلولیت از نمایندگان تشکل ها و افراد صاحب نظر این حوزه دعوت می شد شاید تنها یک نفر سخنران بلامنازع نمی شد و اگر می شد هم صاحب نظران دیگر حاضر در برنامه می توانستند به بیان نظرات خود پردازند.

با توجه به اینکه این برنامه دارای اتاق فکر هم هست شاید این ایراد به حاضران در اتاق فکر وارد باشد که می توانستند با حساسیت بیشتری به انتخاب میهمانان و مدعوین پردازند.

### **«گردشگران دارای معلولیت را دست کم نگیرید»، سمیه افشین فر، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶.**

معلولیت پدیده ای است که در هر جامعه ای دیده می شود و طبق آمارهای سازمان ملل حداقل ۱۰ درصد از جمعیت هر جامعه ای را افراد دارای معلولیت شکل می دهند. افراد دارای معلولیت نیز حق دارند تا همانند سایر افراد در جامعه زندگی کنند و باید همه امکاناتی که در دسترس افراد عادی در جامعه قرار می گیرد برای افراد دارای معلولیت نیز دسترس پذیر باشد. یکی از مهم ترین این نیازها، نیاز به تفریح و سرگرمی است. کار و تلاش مفید و پایدار و حضور فعال در جامعه در کنار ورزش و تفریح، باعث سلامت جسمی و روانی افراد دارای معلولیت میشود و یکی از جذاب ترین سرگرمی ها گردشگری و سیر و سفر و کشف و آشنایی با نقاط دیدنی کشور و جهان است. از آنجا که با رفع تحریم های اقتصادی و عادی سازی روابط با کشورهای پیشرفته به گفته دست اندرکاران امور شاهد افزایش ورود گردشگران خارجی به کشورمان بوده ایم و با تأکید بر اینکه صنعت گردشگری در دنیای امروز یکی از گسترده ترین و درآمدزاترین حوزه های کسب درآمد برای هر کشوری هست تا آنجا که به گردشگران لقب صادرات نامرئی داده اند بجاست که اقدام پسندیده موزه ایران باستان در

مناسب سازی موزه برای افراد دارای معلولیت بینایی به طور گسترده تر و در همه سطوح برای افرادی با معلولیت های دیگر نیز در برنامه ها گنجانده شود و آژانس ها و مراکز برگزاری تورهای گردشگری بتوانند تورهای خاص افراد دارای معلولیت را برگزار کنند و بتوانیم پذیرای افراد دارای معلولیت از دیگر کشورها باشیم اما این مهم محقق نمی شود مگر اینکه ابتدا مناسب سازی محیطی در برنامه ها گنجانده شود که این مناسب سازی هم شامل محیط شهری، هتل ها و رستوران ها و موزه ها و مراکز تفریحی می شود. تجربه دیگر کشورها نشان می دهد که کشورهای پیشرفته امتیازات و امکانات خاصی برای گردشگران دارای معلولیت خود در نظر می گیرند مثلاً طبق بررسی های به عمل آمده در موزه «ونگوگ» در آمستردام نه تنها امکان لمس آثار شبیه سازی شده برای افراد نابینا وجود دارد بلکه امکانات دیگری نظیر بروشورهای درشت نویسی شده برای افراد کم بینا یا استفاده از سگ راهنما برای افراد نابینا در نظر گرفته شده است از این گذشته افراد دارای معلولیت جسمی - حرکتی نیز می توانند قبل از بازدید از موزه معلولیت شان را به اطلاع مسئولان برسانند تا در جریان بازدید با مشکلی مواجه نشوند. از این گذشته گردشگر دارای معلولیت باید بتواند نیازهای فوری و حیاتی اش از قبیل نیاز به دارو و درمان یا وسایل کمک توانبخشی و... را در سریع ترین زمان ممکن به دست بیاورد تا دچار مشکلات مضاعفی نشود و بتواند براحتی سفرش را به پایان برساند. پر واضح است که رشد صنعت گردشگری ویژه افراد دارای معلولیت می تواند حتی به اشتغال زایی این افراد نیز منجر شود. با رفع تحریمهای اقتصادی و عادی سازی روابط با کشورهای پیشرفته امید است صنعت گردشگری کشور جایگاه شایسته خود را در اشتغال و کسب درآمد پیدا کند. با توجه به امکانات و جاذبههای بالقوه و موجود ایران، گردشگری افراد دارای معلولیت میتواند درصد قابل توجهی را به خود اختصاص بدهد.

### «گوش شنوایی نیست»، رایان عمران، ۸ مهر ۱۳۹۵.

هر ساله هفته آخر سپتامبر به عنوان هفته جهانی ناشنوایان نامیده شده است که این روز در تقویم رسمی کشورمان مصادف با روز جمعه نهم مهر ماه است. امسال شعار جهانی این روز «با زبان اشاره من برابرم» انتخاب شده، شعاری که در پس آن هزاران هزار حرف و نکته نهفته و حرف دل بسیاری از افراد ناشنوا و کم شنوای کشورمان است.

بر اساس آمارهای رسمی و به گفته دکتر زهرا نوع پرست، مدیرکل مراکز توانبخشی روزانه سازمان بهزیستی کشور حدود ۱۶۸ هزار و ۹۰۰ نفر دچار معلولیت شنوایی هستند و از هر ۱۰۰۰ نوزاد متولد شده، سه نفر با اختلال شنوایی مواجه هستند، در واقع روزانه حدود ۱۵ کودک ناشنوا در ایران متولد می شوند البته این بدین معنا نیست که تمامی آنها کم شنوایی مطلق دارند بلکه این افراد با اختلالات شنوایی که شامل متوسط، شدید و عمیق همراه است، دچار هستند. البته با شیوع سالمندی در جامعه قابل پیش بینی است که بر تعداد جمعیت ناشنوا و کم شنوای کشور نیز اضافه خواهد شد. همه این موارد لزوم تهیه برنامه ای جامع برای افراد دارای آسیب شنوایی را می طلبد. جامعه افراد دارای آسیب شنوایی کشورمان همچنان با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می کنند. یکی از پیش پا افتاده ترین این مشکلات عدم استفاده از زبان اشاره است هنوز

بسیاری از وسایل حمل و نقل عمومی فاقد تابلوهای نمایشگر نشان دهنده مسیر برای افراد ناشنواست و تصور کنید وقتی فرد ناشنوایی سوار اتوبوس باشد و راننده اعلام کند که در فلان ایستگاه توقف نخواهد داشت او از کجا باید متوجه شود؟

هنوز در بسیاری از برنامه های صدا و سیما اعم از فیلم ها و سریال ها و برنامه های سرگرم کننده جای رابط ناشنوایان خالی است!

هنوز ناشنوایان بسیاری فاقد شغل هستند با اینکه تعداد بیشماری از این افراد بخصوص در حوزه هنرهای تصویری و گرافیکی دارای مهارت های خارق العاده ای هستند به طوری که نمونه کارهایشان همیشه با اقبال مواجه می شود اما شانس ورودشان به بازار کار به دلایل مختلف کم است که مهم ترین آن «ناشنوایی» است چرا که صاحبان مشاغل حاضر به استخدام افراد دارای آسیب شنوایی نیستند! البته ناشنوایان شاغل هم وضع بهتری ندارند بسیاری از افراد جامعه نمی دانند که در مواجهه با یک ناشنوا باید چه کنند و چگونه باید با او ارتباط برقرار کنند همه این ها باعث شده تا بسیاری از افراد دارای آسیب شنوایی خلاق و با استعداد کنج خلوتی را انتخاب کنند و به خلوت خویش پناه ببرند.

متأسفانه مسائل و مشکلات ناشنوایان تاکنون مورد توجه جدی مسئولان قرار نگرفته است این در حالی است که این افراد از مظلوم ترین گروه های معلولیتی به شمار می روند اما شاید چون معلولیتشان بارز نیست زیاد به چشم نمی آیند. از این گذشته سازمان های مردم نهاد فعال در این حوزه نیز بجز یکی دو مورد به دلیل مسائل و مشکلات مالی نتوانسته اند جوابگوی خواسته های این افراد و حل کننده مشکلاتشان باشند. امید است که با گرامیداشت این روز تنها و تنها به شعار این روز جهانی اندکی عمل کنیم و با برابری فرصت ها به افراد دارای آسیب شنوایی نیز این امکان را بدهیم که با استفاده از زبان اشاره با دیگران برابر باشند.

### «مشاوره؛ راه پیشگیری از بیماری های ژنتیکی منجر به معلولیت»، پرستو رفیعی، ۱ مهر ۱۳۹۷.

هرچند روش های نامناسب و شیوه های غلط زندگی افراد که در بیشتر مواقع از روی ناآگاهی صورت می گیرد شرایط ابتلای آنها به دسته ای از بیماری های غیرواگیر که متأسفانه شایع ترین علل ناتوانی، از کارافتادگی و حتی مرگ و میر هستند را فراهم می کند اما نمی توان از نقش ژنتیک در بیماری های ناتوان کننده چشم پوشی کرد. این در حالی است که بیماری های ژنتیکی که به سادگی کیفیت زندگی فرد را به مخاطره انداخته و راه درمانی ندارند در بسیاری از موارد با مشاوره ژنتیک و انجام آزمایشات غربالگری قابل پیشگیری هستند.

از این رو برای آشنایی با وضعیت و شرایط مراکز انجام مشاوره ژنتیک به سراغ معاون پیشگیری از معلولیت های سازمان بهزیستی رفتیم.

دکتر مینو رفیعی از فعالیت ۲۷۰ مرکز مشاوره ژنتیک در کشور خبر داده، می گوید: اگر در سازمان بهزیستی محرز شود فرد توانایی پرداخت آزمایشات غربالگری بیماری های ژنتیکی را ندارد کمک های مالی برایش در نظر گرفته خواهد شد.

وی می افزاید: ۲۷۰ مرکز مشاوره ژنتیک در کشور داریم که بیشتر این مراکز غیردولتی هستند. هرچند تا حدود ۴ سال پیش افرادی که فرزندان مبتلا به اختلالات ژنتیکی و معلولیت داشتند به این مراکز مراجعه می کردند، اما خوشبختانه امروزه به دلیل افزایش آگاهی ها، تیم های ژنتیک در مراکز پیش از ازدواج مستقر شده و مردم قبل از تولد نوزاد مبتلا به بیماری های ژنتیک از خدمات این افراد بهره مند می شوند. رئیس هفتمین همایش کشوری مشاوره ژنتیک و نقش آن در پیشگیری از معلولیت ها ادامه می دهد: بر اساس ماده ۷۵ قانون برنامه ششم توسعه زوجین قبل از ازدواج باید غربالگری اجباری بیماری های ژنتیک انجام دهند و در صورت شناسایی عوامل پرخطر به مشاوره ژنتیک ارجاع داده می شوند. وی با بیان اینکه در مشاوره ژنتیک شرح حال خانوادگی فرد و در واقع شجره نامه آن به لحاظ مشکلات ژنتیکی و سلامتی بررسی می شود، می افزاید: پزشکانی در این زمینه دوره های ۳۰۰ ساعته تئوری و عملی گذرانده اند.

رفیعی عنوان می کند: در صورتی که پس از مشاوره ژنتیک نیاز به انجام آزمایشی باشد پزشکان و مشاوران آن را توصیه کرده ولی از آنجایی که برخی از این آزمایش ها بسیار گران است در سازمان بهزیستی اگر محرز شود فرد توانایی پرداخت آن را ندارد کمک های مالی برایش تخصیص داده می شود.

معاون پیشگیری از معلولیت های سازمان بهزیستی با اشاره به اینکه ۲۰ هزار بیماری ژنتیکی داریم ولی همه این بیماری ها معلولیت ایجاد نمی کند، می گوید: سازمان بهزیستی بخش پیشگیری از معلولیت ها را بر عهده دارد و بیماری هایی همچون تالاسمی را وزارت بهداشت تحت پوشش قرار داده است چرا که این دسته از بیماری ها عقب ماندگی ذهنی ایجاد نمی کنند.

وی تصریح می کند: ۵۰ درصد عقب ماندگی های ذهنی، ۵۰ درصد ناشنوایی و ۵۰ درصد نابینایی ژنتیکی است که می توان با انجام مشاوره ژنتیک از بروز این بیماری ها تا حدود زیادی پیشگیری کرد.

معاون پیشگیری از معلولیت های سازمان بهزیستی در ادامه از برگزاری هفتمین همایش کشوری ژنتیک و نقش آن در پیشگیری از معلولیت ها چنین می گوید: این همایش ۲۳ و ۲۴ آبان ماه سال جاری با حضور استادان و صاحب نظران برجسته در این حوزه در سالن ابوریحان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی برگزار می شود. عقب ماندگی های ناشی از مشکلات عصبی و عضلانی، اختلالات متابولیکی و اختلالات تکاملی از محورهای اصلی این همایش است که توسط استادان و صاحب نظران برجسته مورد بحث و گفت و گو قرار گرفته و جدیدترین دستاوردهای علمی در این زمینه ارائه می شود.

### «مشقات» الگامپ گردی»، امید هاشمی، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶.

وقتی صاحبان مشاغل حتی به چشم مشتریان بازار هم به جامعه معلولین نمی نگرند.

درست پنجاه سال می گذرد از روزی که در تهران، شروع کردند به ساخت محل دائمی نمایشگاه های بین المللی. همان فضای سرسبز و دلباز و خوش آب و هوا در شمال تهران که امروزه هر

نمایشگاه و همایش و کنفرانس مهمی را در خود جای می دهد. با توجه به وضعیت و جایگاه معلولان ایرانی در روزگاری که متخصصان شروع به طراحی این مرکز کردند، خیلی بعید به نظر می رسد که کسی از طراحان محل دائمی نمایشگاه ها در آن روزگار حتی می توانست تصور کند که در روزگاری، معلولان ایرانی به آن جایگاه اجتماعی دست می یابند که نه تنها در جایگاه یک بازدید کننده عادی، که در مقام یک روزنامه نگار، قدم در آن محیط زیبا اما پیچیده و عجیب غریب بگذارند. برگزاری نمایشگاه بین المللی الکامپ بیست و سوم و علاقه مندی نگارنده به حوزه الکترونیک و فناوری بر آنم داشت تا رنج راه را به جان بخرم و سری به این نمایشگاه بزنم. برای یک بازدید کننده نابینا آن هم از نوع پیاده، طی کردن فاصله میان ایستگاه های مترو و اتوبوس تا در نمایشگاه، پر است از اتفاقات ریز و درشت؛ مسیری که با اطمینان می توان گفت پیمودنش بدون کمک و همراهی عابران، کاری غیر ممکن است. حال تصور کنید اگر بازدید کننده ای بخواهد سوار بر صندلی چرخدار یا با واکر این مسیر پر پله و پستی و بلندی را طی کند با چه مشکلاتی باید دست به گریبان باشد! پیمودن طول مسیر یک طرف، پیدا کردن در ورودی نمایشگاه هم یک طرف! مگر در آن محیط وسیع می شود به این راحتی در ورودی را پیدا کرد! ممکن است تصور کنید پیدا کردن در ورودی دیگر آخر ماجرا است و از اینجا قصه به بعد، همه چیز گل و بلبل می شود. ما هم البته همین فکر را می کردیم اما به محض رسیدن به در ورودی اوضاع دستان آمد و فهمیدیم که تصورمان اشتباه بوده و اصل مشکلات تازه از اینجا شروع می شود! ازدحام جمعیت بازدید کننده فرصت استفاده از اتومبیل های برقی را که قرار است عابران را به سالن های نمایشگاه برسانند به ما نمی دهد. خبری هم از راهنما نیست و نگهبانان در ورودی هم آنقدر سرشان شلوغ است که مجالی برای پاسخگویی نمی یابند. خبر می رسد که ظاهراً نقشه ای هم به شکل الکترونیکی برای نمایشگاه طراحی شده و کاربران می توانند بر اساس آن مسیر هایشان را پیدا کنند اما آن نقشه هم برای کاربران نابینا غیر قابل استفاده است. پرسان پرسان، مسیر ۱۰ دقیقه ای میان در ورود و سالن مورد نظرمان را طی می کنیم و بالاخره آنچه را که به دنبالش بودیم، البته با همراهی مردم و نه متصدیان نمایشگاه، می یابیم. همین ماجرا ها عیناً در وقت خروج هم تکرار می شود؛ با این تفاوت که حالا- دیگر سه چهار ساعت هم سر پا بوده ای و در میان غرفه های مختلف گشته ای و زود تر دلت می خواهد خودت را به سرویس های حمل و نقل عمومی برسانی، اما انگار اوضاع این طور تعریف شده که ساعت کار نمایشگاه که تمام شود، همه چیز در هم بریزد. خبری از خودرو های عبوری نمایشگاه نیست و در میان مردم هم دیگر توانی برای همراهی دیده نمی شود.

همین همراهی بدون چشمداشت مردم را می شود در میان غرفه ها و **Start up** هایی که به سراغشان می رویم هم به وضوح حس کرد. بسیاری از صاحبان این استارت آپ ها به محض اینکه متوجه می شوند آسیب دیدگان بینایی هم ممکن است بخشی از کاربران آنها به حساب آیند و با اعمال چند اصلاح و تغییر ساده در اپلیکیشن یا وبسایتشان می توانند بستر حضور و استفاده آنها را از خدماتی که ارائه می کنند فراهم کنند، از این ماجرا استقبال می کنند و با کمال اشتیاق می خواهند بدانند منظور از این اصلاحات و تغییرات دقیقاً چیست. و من در حالی که در مورد این تغییرات برایشان صحبت می کنم، همزمان به این فکر می کنم که پس رسانه های عمومی در این مورد چه وظیفه ای را برای خود تصور می کنند؟ مگر کار رسانه های عمومی چیزی بجز آگاهی بخشی در



موضوع های مختلف است؟ پس جایگاه معلولان در این آگاهی بخشی کجاست که با وجود جمعیت آماري بالای این قشر، حتی آنهایی که به دنبال یافتن بازار های بزرگ تر برای خدماتشان هستند هم درباره شان بی اطلاع اند. محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران، سالیان درازی است که به این عنوان در میان مردم و صاحبان مشاغل شناخته می شود. شاید بهتر باشد که بالا-خره یک بار برای همیشه، تمهیداتی در این محل در نظر گرفته شود که معلولان، اعم از جسمی، حسی و حرکتی هم بتوانند مثل سایر ساکنان تهران، از این محل استفاده کنند.

### «معلولان باید در مدیریت بحران دیده شوند»، سمیه افشین فر، ۳۱ تیر ۱۳۹۵.

بامداد روز جمعه وقتی شعله های آتش منزل مسکونی در جنت آباد تهران را می سوزاند کسی گمان نمی کرد زنی معلول در میان شعله ها گرفتار شده است. هر چند تلاش های آتش نشان جوان که جان در راه نجات این زن سالمند معلول داد هم موفقیت آمیز نبود و هر دو طعم مرگ را چشیدند ولی به نظر خبر مرگ زن معلول در میان هزاران خبر روزنامه ها و خبرگزاری ها گم شد، خبری که می توانست تلنگری باشد برای دست اندرکاران امور معلولان. بنابراین در اینجا به چند نکته اشاره می کنیم چرا که به هر حال یک زن و یک معلول هر چند سالمند گرفتار حادثه ای شده و فوت کرده است در حالی که شاید می توانستیم جلو این حادثه را بگیریم. بر همگان پوشیده نیست که افراد دارای معلولیت در گروه افراد آسیب پذیر قرار می گیرند و طبعاً افراد آسیب پذیر نیازمند حمایت و توجه ویژه هستند.

یک فرد معلول جسمی - حرکتی یا یک نابینا و ناشنوا یا یک معلول ذهنی در زمان وقوع هر حادثه ای نیازمند توجه ویژه و کمک های فوری و آنی است؛ کمک هایی که در هر کدام از سطوح مختلف معلولیت متفاوت است. طبیعی است که در حادثه ای هر چند کوچک یک فرد معلول که روی ویلچر نشسته است نمی تواند همانند افراد عادی بسرعت به نجات جان خود اقدام کند. در ساختمان های مسکونی افراد عادی بسرعت از پله ها پایین می روند ولی یک فرد که روی ویلچر نشسته در شرایطی که هر کسی به فکر نجات جان خود است، نمی تواند ریسک کند و با ویلچر از محل اقامتش خارج شود. یا یک فرد نابینا و ناشنوا نیازمند این است تا به طور خاص از علائم و هشدارها آگاهی یابد و متأسفانه عموماً در حوادث و بلایای طبیعی بیشترین خسارت جانی به این افراد وارد می شود این در حالی است که متأسفانه آموزش های خاصی در زمینه کمک های اولیه و اقدامات مؤثر در زمان حوادث به افراد دارای معلولیت داده نمی شود و بسیاری از این افراد در زمان وقوع حوادث مختلف کوچکترین اطلاعی از اقدامات اولیه ندارند و به همین ترتیب طبیعی است که در زمان حوادث بیشترین آسیب را نیز می بینند.

متأسفانه حتی بسیاری از دست اندرکاران امور امداد و نجات نیز نمی دانند که در صورت حضور یک فرد معلول چگونه باید برای کمک به او اقدام کنند و همین امر متأسفانه گاه باعث به وجود آمدن معلولیت دیگر برای فرد شده است. این مسأله تنها شامل حال افراد معلول نمی شود، چرا که افراد سالمند و کودکان نیز در زمره افراد آسیب پذیر قرار دارند و هر کدام از این گروه ها در برنامه های



مدیریت بحران باید دیده شوند هر چند در مورد معلولان به نظر باید توجه ویژه ای صورت بگیرد، چرا که متأسفانه هنوز آمار دقیقی از افراد دارای معلولیت وجود ندارد! هنوز در زمان وقوع حادثه معلوم نیست که چند فرد دارای معلولیت در محل حادثه حضور دارند. از طرف دیگر افراد بسیاری نیز طی حوادث دچار معلولیت می شوند و اقدامات اولیه برای این افراد هم بسیار مهم و ضروری است. بنابراین رسیدگی و توجه به هر کدام از موارد فوق در برنامه ریزی های دست اندرکاران امور معلولان در زمان های بحران چه کوچک و چه بزرگ می تواند به نجات یک نفر بینجامد. کافی است مدیران بحران لحظه ای، فقط لحظه ای به تعداد افراد دارای معلولیت در تهران فکر کنند و یک حادثه بزرگ مثل زلزله را تصور نمایند آن وقت شاید به لزوم آموزش به افراد دارای معلولیت یقین پیدا کنند.

### «معلولان باید در مدیریت بحران دیده شوند»، سمیه افشین فر، ۷ مرداد ۱۳۹۵.

همه همسایه ها تعریفش را می کردند، می گفتند انسانهای منظم و بسیار متشخصی هستند، یکی از همسایه ها می گفت طبقه چهارم را پر از گلدان کرده اند و خانم همسایه با عشق به گلهايش رسیدگی می کند، و من هر روز وقتی از روزنامه به خانه بر می گشتم می دیدمش، زن میانسال هر بار با دیدنم لبخندی می زد و سری تکان می داد و من سلام می کردم، خیلی اوقات می دیدم که نوه کوچکش را در آغوش گرفته و قدم می زند، گاهی نیز مرد میانسال خوش پوشی او را همراهی می کرد، نمی دانم به خاطر تاثیر تکنولوژیهای جدید است یا آدمها خیلی از هم دور شده اند که هیچ وقت نمی شد که رو در رو با هم صحبت کنیم. تا اینکه دیروز به طور اتفاقی با هم در آسانسور بودیم من خوشحال از اینکه بالاخره خانم میانسال را از نزدیک دیده ام سلام کردم، خندید و سری تکان داد، احوال پرسى کردم و وقتی دیدم که با لب...خوانی و اشاره با من سخن می گوید فهمیدم که کم شنواست بیشتر به حرفش گرفتم، نوه اش در آغوشش بود گفت که از نوه اش مراقبت می کند و می رود تا او را به مادرش بدهد به خاطر همین بود که من هر روز او را با فاصله ای دور در خیابان می دیدم. صحبتهايمان به درازا کشید، از آسانسور پیاده شدیم، در لابی با هم صحبت می کردیم که یکی از خانمهای همسایه از راه رسید، با من سلام و علیکی کرد و وقتی به او گفتم با خانم فلانی آشنا هستید؟ همسایه طبقه چهارم.

با خنده گفت: «آره بابا همین ناشنواها رو می گی!» تعجب کردم و گفتم ایشون متوجه حرفهای شما می شن می تونید مثل من باهاشون حال و احوال کنید. با تعجب نگاهم کرد و گفت: «نه بابا مگه کر و لامل نیست». در نگاه زن میانسال غم را می خواندم، با عجله خداحافظی کرد و رفت. من ماندم و خانم همسایه که به شدت ناراحتم کرده بود سعی کردم مقداری در مورد رفتار با افراد دارای معلولیت برایش توضیح دهم. گفتم نیازی نبود بگویید کر و لال می توانستی از واژه ناشنوا استفاده کنی یا اینکه افراد با ن-اتوانی ش-نوايي می توانند با استفاده از روش ل-ب-خ-وانی، زب-ان

اشاره، نگارش، ابزارهای کمک شنوایی و ... با دیگران ارتباط برقرار کنند و یا زمانی که با یک فرد ناشنوا روبرو می شوید به چهره اش نگاه کنید و با او صحبت کنید نه به همراه یا شخص دیگری که در محل حاضر است. خانم همسایه خجالت زده شد عذرخواهی کرد و رفت. ای کاش می شد آیین

نامه و مقررات رفتار با افراد دارای معلولیت را در ساختمانها و مکانهای عمومی و خصوصی نصب کرد یا بندهایی را در کتابهای درسی گنجانند تا افراد عادی با خواندن این قواعد نحوه تعامل با افراد دارای معلولیتهای مختلف را یاد بگیرند.

### «معلولان جزو آمار نیستند»، محبوبه مصرقانی، ۲۰ آبان ۱۳۹۵.

سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ به صورت اینترنتی از سوم مهرماه تا سی...ام مهرماه انجام شد و مرحله میدانی این سرشماری نیز از ۲۸ مهر آغاز و تا ۲۵ آبان ماه ادامه دارد. طبق اعلام سازمان آمار، ثبت نام اینترنتی با استقبال گسترده مردم همراه بوده است. با گذر از تمام هدف گذاری های این سازمان در مورد سرشماری سال ۹۵ این سؤال که چرا در پرسشنامه هیچ اشاره ای به مسئله معلولیت نشده ذهن معلولان و خیلی از فعالان این حوزه را به خود مشغول کرده است؟

ناهید السادات بنی هاشمی دبیر ستاد سرشماری نفوس و مسکن استفاده از شاخص های معلولیت را در پرسشنامه های آماری قدیمی دانست و گفت: در دنیا دیگر به بحث معلولیت پرداخته نمی شود و از شاخص های ناتوانی برای شناسایی و ثبت آماری استفاده می شود. ناتوانی حوزه ای بسیار وسیع تر و جامع تر از معلولیت است و گنجاندن سؤالات در این بازه عملاً در پرسش های آماری غیر ممکن است. همچنین با توجه به رویکرد جدید سازمان آمار برای استفاده از داده های ثبتی برای به دست آوردن داده های مربوط به ناتوانی افراد باید روی سامانه معلولان کار شود.

ما آماده همکاری با سازمان بهزیستی در مورد این سامانه برای استاندارد سازی پرسشنامه ها و سؤالات هستیم. منظور از داده های ثبتی، داده هایی هستند که در هنگام انجام فعالیت های عینی، واقعی و جاری در سازمان ها و با استفاده از فرم ها، اسناد و مدارک جاری در داخل سازمان ها ثبت می شوند.

با توجه به این موضوع سؤالات پرسشنامه سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۵ برخلاف سرشماری های گذشته تنظیم شده است. رویکرد سازمان آمار در سال های اخیر استفاده از داده های ثبتی است و این فقط مربوط به بحث معلولیت نیست. دبیر ستاد سرشماری نفوس و مسکن با اشاره به آمار معلولان در کشور ادامه داد: بر اساس سرشماری سال ۹۰ از جمعیت ۷۵ میلیون و ۱۴۹ هزار و ۶۶۹ نفری آن سال حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در کشور معلول هستند. اما طبق گفته کیوان دواتگران مدیرکل توانمندسازی سازمان بهزیستی کشور آمار درصد معلولیت، موجود در بانک اطلاعاتی بهزیستی کشور واقعی نیست و نیاز به پایش و بروز رسانی دارد. هم اکنون اطلاعات یک میلیون و ۲۵۰ هزار نفر معلول در بانک اطلاعاتی بهزیستی کشور ثبت شده است که این افراد از خدمات مستمر یا غیرمستمر بهزیستی کشور بهره مند هستند.

در سرشماری سال نود؛ ۹۸ هزار و ۹۷۷ نفر نابینا، ۹۹ هزار و ۶۰۲ نفر ناشنوا، ۱۳۶ هزار ۸۲۹ نفر دارای اختلال در گفتار و صدا شناسایی شدند که در مجموع ۳۳۵ هزار ۴۰۸ نفر را تشکیل می دهند، همچنین مجموع افراد دچار قطع یا نقص در دست و پا، قطع و نقص در تنه و اختلالات ذهنی، یک میلیون و ۱۶۶ هزار و ۲۸۲ نفر هستند.

## «معلولان در محاق، مسئولان در فراغ»، بهروز مروتی، ۳۰ آذر ۱۳۹۶.

هر ساله در ۱۲ آذر (سوم دسامبر) که مصادف است با روز جهانی معلولان، با صرف هزینه های گزاف همایش هایی برگزار می کنند و بر ضرورت احقاق حقوق معلولان داد سخن سر می دهند، اما از اقدامات کاربردی و مبنایی که راه حضور معلولان در جامعه را هموار کند خبری نیست که نیست.

در این ایام مدح و ثنا و تشویق معلولان زیاد به چشم می آید اما از حرکت اصولی در رفع موانع و ضوابط شهری خبری نیست که نیست.

اراده ای که دائر بر اجرای عملیاتی قوانین با نظارت خود معلولان و انجمن ها و فعالان مدنی در این حوزه باشد متأسفانه خبری نیست که نیست.

به عنوان نمونه در روز جهانی معلولان در گردهمایی افراد دارای معلولیت در پارک دانشجو این ضرورت و اولویت بندی ها در رفع حوائج جامعه هدف به اطلاع نمایندگان محترم شورای شهر تهران رسید و تأکید شد که غفلت از معلولان و دردهایشان موجب حرمان و پشیمانی مسئولان و وظایفشان خواهد شد، اما از آن تاریخ تاکنون هیچ حرکت و اقدام امیدوارکننده ای را شاهد نبوده ایم.

شهردار محترم تهران در نخستین نشست خبری خود نوید انتصاب مشاور خود در حوزه معلولان و شهر دسترس پذیر را دادند که تا دو هفته بعد باید اجرایی می شد، اما با گذشت بیش از دو ماه از این وعده هنوز مجالی برای پرداختن به امور معلولان نیفتاده است.

فراخوانی که خودجوش پیگیر تصویب حقوق معلولان است بر این اصل تأکید می ورزد که تعیین مشاور یا مشاورانی از جنس خود معلولان که با شهرداری تهران و شورای شهر آشنایی داشته باشد می تواند در ایجاد وحدت رویه اجرایی و نظارتی در سطح شهر تهران و دواير درون سازمانی شهرداری بسیار مفید به فایده باشد.

این غفلت باعث شده است تا در موسم تعیین بودجه شهرداری در سال ۹۷ - حسب اطلاع - هنوز ردیف مشخص و قابل توجهی دیده نشود.

مدیران انجمن های فعال مدنی هنوز با شهردار محترم و معاونین ایشان و اعضای شورای محترم شهر تهران نشست کاربردی و تخصصی نداشته باشند.

از این رو است که معلولان را در محاق می دانیم و بر این صراط

پای می فشاریم که همانگونه که تصویب لایحه حمایت از حقوق معلولان در مجلس شورای اسلامی را حق مسلم خود می دانیم، اقدامات عملی و کاربردی و ایجاد وحدت رویه در شهرداری که تهران را «شهر امید، مشارکت و شکوفایی» خوانده است، مطالبه می کنیم.

ما امید داریم به همت بلند مسئولان شهری برای رفع حوائج شهروندان و با مشارکت خود در همگرایی فرهنگی، عمرانی و شهرسازی انتظار شکوفایی در برنامه های رو به پیشرفت شهری را داریم.

ص: ۲۴۸

پانزده اکتبر، به عنوان روز جهانی ایمنی عصای سفید انتخاب شده است. روزی برای افزایش سطح آگاهی عمومی نسبت به استقلال و امنیت آسیب دیدگان بینایی. عصای سفید، مرسوم ترین ابزار کمکی برای رفت و آمد نابینایان در سر تا سر دنیا به حساب می آید. این ابزار، نابینایان را قادر می کند که آزادانه و ایمن تردد کنند و از همین رو، این وسیله به عنوان سمبل جهانی آزادی، استقلال و اعتماد به نفس نابینایان به حساب می آید.

امسال، در گرامیداشت این روز، اتحادیه جهانی نابینایان، «WBU»، توجه خاصی را به مکان های عمومی معطوف داشته است؛ فضا هایی که هر روز هم در حال افزایش است. مسیر های اشتراکی میان عابران، خودرو ها و حتی دو چرخه سواران که این روز ها بخصوص در مناطق مرکزی شهر ها زیاد مشاهده می شود. «WBU» معتقد است اگر طراحی چنین مسیر هایی بدرستی انجام نشود می تواند خطرات جبران ناپذیری را متوجه آسیب دیدگان بینایی کند. «WBU»، بیانیه ای در خصوص فضا های اشتراکی تدوین کرده که طی آن اصول کلیدی طراحی فضا های اشتراکی و پیشنهاد هایی در این خصوص را در اختیار دولت ها و طراحان محیط های شهری قرار داده تا به کمک آن، فضا های شهری به گونه ای امن و دسترس پذیر برای آسیب دیدگان بینایی طراحی شوند. «WBU» همچنین کمیته ای را به سرپرستی خانم «Martine Abel-Williamson»، خزانه دار اتحادیه راه اندازی کرده که مسائل مرتبط با فضا های اشتراکی را رصد و پیشنهاد ها و راهکار های این حوزه را گرد آوری می کند. او توضیح می دهد که در محیط های اشتراکی، دارندگان وسایط نقلیه و عابران پیاده در هنگام تردد، از ارتباطات چشمی برای تشخیص زمان های امن برای گذر از معابر استفاده می کنند؛ این در حالی است که این مسأله یکی از نقاط ضعف تردد نابینایان محسوب می شود. ما نمی توانیم با رانندگان دوچرخه ها یا اتومبیل ها ارتباط چشمی برقرار کنیم و بفهمیم که آیا آنها متوجه مشکل ما شده اند و آیا این لحظه برای عبور زمان مناسبی است یا نه. او همچنین یاد آوری می کند که اتومبیل های کم سر و صدا یا ساکت هم این روز ها به معضلی برای نابینایان تبدیل شده اند. چنین وسایطی، خطرات بیشتری را برای این گروه ایجاد می کنند، چرا که حضورشان برای نابینایان قابل تشخیص نیست. خانم «Abel-Williamson» تأکید می کند که دولت ها و برنامه ریزان شهری باید به فکر ارائه برنامه هایی باشند که طی آن، شیوه صحیح و ایمن استفاده از مسیر های اشتراکی به رانندگان و عابران پیاده آموزش داده شود. ما همچنین از دولت ها می خواهیم که مقررات فنی مربوط به فضا های اشتراکی ایمن را در قوانین راهنمایی و رانندگی بگنجانند.

اتحادیه جهانی نابینایان قویاً اعلام می کند که آسیب دیدگان بینایی حق دارند در دنیایی زندگی کنند که مسیر هایش برای رفت و آمد دسترس پذیر و ایمن است. در بزرگداشت روز جهانی ایمنی عصای سفید، «WBU» از دولت ها و طراحان محیط های شهری می خواهد که در طراحی و روند نظارت بر فضا ها و مسیر های مشترک میان عابران و وسایط نقلیه، نابینایان را دخیل و از مشاوره این افراد، استفاده کند. این اتحادیه همچنین می خواهد که تحقیقات بیشتری در خصوص فضا های

اشتراکی انجام شود و سطح آگاهی های عمومی در این زمینه ارتقا پیدا کند، چرا که می تواند متضمن بهبود امنیت در عبور و مرور آسیب دیدگان بینایی باشد.

اتحادیه جهانی نابینایان، نماینده حدود ۲۸۵ میلیون نابینا و کم بینای سراسر جهان است. اعضای این اتحادیه عبارتند از: مؤسسات تشکیل شده از سوی نابینایان برای دفاع از حقوقشان، سازمان های حامی آنها در ۱۹۰ کشور و سازمان های بین المللی فعال در حوزه آسیب های بینایی.

### «ممکن است روزی این بیماری زندگی شما را هم تغییر دهد»، سمیه افشین فر، ۱۳ خرداد ۱۳۹۵.

روزگاری نه چندان دور دختری بودم همانند تمام دختران شهر سرشار از زندگی و شور و اشتیاق عاشقی، در رؤیاهایم زندگی جریان داشت و من چشم انتظار آینده ای زیبا بودم؛ آینده ای که گاه خود را در آن با قامت لباس سفید عروس می دیدم و گاه زنی تلاشگر و خسته از کار روزانه و من رؤیایها و تلاشم برای رسیدن به آرزوهایم را دوست داشتم اما روزها گذشت و دستان سیاه بیماری رنگ دنیای رؤیاهایم را خاکستری کرد. مشکل کم کم شروع شد اول دید چشمانم تار شد ابتدا اهمیت نمی دادم ولی کم کم مشکلات بعدی از راه رسید تا اینکه روزی در مطب دکتر با این واقعیت مواجه شدم که به بیماری «ام اس» مبتلا شده ام. شاید شما هم هر از چند گاهی شنیده اید که زن یا دختر جوانی از اطرافیان به بیماری «ام اس» مبتلا شده است و در واقع این باور در بین عموم مردم به وجود آمده که ام اس بیماری دختران جوان و زیباست. شاید مرور آمار افراد مبتلا به ام اس نیز بر این امر صحنه بگذارد چرا که درصد ابتلای دختران مبتلا به ام اس به نسبت پسران سه به یک است و شاید دلیل تصور عمومی هم این نکته باشد.

بر اساس آمار ارائه شده از سوی انجمن ام اس ایران حدود ۷۰ هزار نفر در ایران مبتلا به ام اس هستند و تنها نزدیک به ۲۰ هزار نفر از آنها در انجمن های ام اس در سراسر کشور ثبت شده اند که متأسفانه از میان این بیماران ثبت شده، آمار مبتلایان به ام اس در میان دختران و زنان ۲۰ تا ۴۰ ساله سه برابر مردان است. شاید چون درصد ابتلای ام اس در دختران و زنان بیشتر است باید نگران تر باشیم چرا که بسیاری از دختران بعد از ازدواج دچار این بیماری می شوند و همین امر باعث فروپاشی زندگی خانوادگی آنها می شود و فرد بیمار بجز تحمل مشکلات بیماری ای که با وضعیت روحی و روانی فرد ارتباط تنگاتنگی دارد باید با مشکلات ناشی از پس زدگی از سوی عزیزانش نیز مواجه شود. در واقع هنگامی که بیمار یا خانواده او از بروز بیماری ام اس مطلع می شوند، نخستین واکنش آنان وحشت و سردرگمی است؛ وحشت و سردرگمی از بیماری ای گنگ و ناشناخته. هر چند در اغلب موارد این بیماری خللی در عمر طبیعی فرد ایجاد نمی کند اما فرد بیمار از همان ابتدا با نگاه های ترحم آمیز اطرافیان روبه رو می شود و هر چه دایره ارتباطاتش گسترده تر باشد هجمه این نگاه ها سنگین تر خواهد شد. هر چند به اذعان کارشناسان و متخصصان، امید به زندگی می تواند نقش مؤثری در داشتن عمر طبیعی این افراد داشته باشد و مطالعات نشان داده است اغلب مبتلایان به بیماری ام اس حداقل به مدت چند سال همچنان می توانند به راه رفتن و شغل خود ادامه دهند اما

براستی ام اس بیماری ای که کشورمان رتبه اول خاورمیانه را در ابتلا به آن به خود اختصاص داده و بیش از دو میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در جهان مبتلا به آن هستند چیست؟ بیماری ام اس مولتیپل اسکلروزیس (Multiple sclerosis)، نوعی بیماری اعصاب مرکزی است که می تواند هر عضوی در بدن را درگیر کند و علائم آن از اختلالات حرکتی تا اختلال در گفتار متغیر است. در بیماری ام اس، گلوبول های سفید که نقش دفاع از بدن را به عهده دارند به دلایل نامشخصی اشتباهاً به میلین (غلاف های عصبی در سیستم عصب مرکزی)، به جای یک عامل بیگانه، حمله ور شده و بیماری آغاز می شود. هر بار که این گلوبول ها به رشته های اعصاب مربوط به یکی از اندام های بدن حمله می کنند، آن اندام دچار مشکل خواهد شد به طور مثال فرد ممکن است زمانی در راه رفتن و زمانی دیگر در دیدن یا حفظ تعادل دچار مشکل شود. معلوم نیست که دقیقاً چه عاملی باعث ایجاد بیماری ام اس می شود؛ شایع ترین دلایلی که برای ایجاد ام اس نام برده می شود، ویروس، نقص ژن یا هر دو باهم، عوامل محیطی مانند استرس و آلودگی هوا و داشتن سابقه خانوادگی این بیماری است. علائم بیماری ام اس در افراد مختلف متفاوت است، چرا که محل و شدت هر حمله می تواند متفاوت باشد. بیماری ام اس می تواند با دوره های حمله، بهبودی و بازگشت حمله ها همراه باشد. تب، حمام آب گرم، قرار گرفتن در معرض نور خورشید و استرس می تواند سبب بروز یا بدتر شدن حملات شوند. هرچند ام اس از یک بیماری غیر قابل درمان به یک بیماری تا حدودی قابل درمان تبدیل شده است اما تهیه داروها با قیمت مناسب و دسترسی به خدمات پزشکی، فیزیوتراپی، گفتار درمانی، کار درمانی، فعالیت های ورزشی برنامه ریزی شده، دستگاه های کمکی مانند صندلی چرخدار، آسانسور تخت، صندلی حمام، واکر و میله دیوار نیز ممکن است برای افراد مبتلا به ام اس مفید باشد. از اینها گذشته وجود گروه های حمایتی و تیم های مددکاری قوی و مجرب نیز می تواند افراد و خانواده ها را آموزش دهد و شیوه های زندگی سالم، تغذیه مناسب، راه های تمدد اعصاب و... را برای آنها بازگو نموده و آفت های دوری از خانواده و فعالیت های اجتماعی و در خانه ماندن را شرح دهند چرا که مبتلایان به ام اس که امید خود را برای درمان از دست داده و در خانه می مانند دچار عوارضی مانند افسردگی، اشکال در بلع، اشکال در تفکر، توانایی کمتر در مراقبت از خود، پوکی استخوان یا نازک شدن استخوان ها و زخم بستر می شوند. از همه این ها گذشته این امور محقق نمی شوند مگر زمانی که من و شمای شهروند به همنوع...مان نگاهی احترام آمیز و نه ترحم آمیز داشته باشیم.

### «ممنوع الخروج از در منزل» مهدیه رستگار، ۲۶ بهمن ۱۳۹۶.

از اینکه به خاطر آلودگی هوا و طرح زوج و فرد روز هایی از سال مجبور هستید از وسیله نقلیه شخصی خودتان استفاده نکنید، ناراحت و ناراضی هستید؟

درسته که از شرایط پیش آمده ناراضی هستید اما اتوبوس و مترو و تاکسی و آژانس و اسنپ و... همه اینها آماده خدمت رسانی هستند!

حالا فکر کنید یک فردی که از ویلچر استفاده می کنه و باید از ماشین های مناسب سازی شده استفاده کنه تا درد سر جابه جایی نداشته باشه و بتونه با صندلی چرخدار داخل خودرو بشه.

و فقط در سطح شهر تهران یک سامانه مختص وجود دارد و بس.

از دو روز قبل باید ماشین را رزرو کنه و ۱۵ الی ۲۰ ساعت بعد تازه باید سؤال کنه که آیا ماشین برای فلان ساعت اوکی شده یا نه؟

اگر نشده باشه که هیچ. درکل با کمال تأسف باید برنامه اون روز را لغو کنی.

اگر اوکی شده باشه هم باز هیچ ضمانت اجرایی وجود نداره.

و همچنان سؤال این است که آیا واقعاً راننده میاد دنبالت یا خیر؟ به برنامه ای که داری میرسی یا...؟

و این است گوشه ای از مشکلات برای یک روز حاضر شدن سر یک کلاس مهم که کلی برآش هزینه کردی و درکل ۳ جلسه هم بیشتر نیست.

بد عهدی سامانه حمل و نقل جانبازان و معلولان و یک ساعت انتظار برای ماشینی که از روز قبل قول داده رأس ۳۰/۱۲ بیاد دنبالم تا بتونم به کلاس ساعت یک برسم.

تماس می گیرم با سامانه و اطلاع میدم که نیومدن دنبالم. میگن: با شماره راننده تماس بگیر

میگم: گوشی شون خاموشه

میگن خب ما چی کار کنیم؟

میگم یعنی چی ما چی کار کنیم؟! من هزینه کردم برای این کلاس. الان دیگه به کلاس نمیرسم.

میگن حالا منتظر باشید

بعد از انتظار طولانی و همچنان نیامدن راننده باز با سامانه تماس

می گیرم. میگن با پذیرش صحبت کن. پذیرش میگه با مسئول راننده ها صحبت کن. اونا میگن با حراست صحبت کن و....

این چرخه همچنان ادامه دارد

و حرص خوردن من نیز همچنان ادامه دارد. این بار هم با سرویس دهی سامانه به مشکل خوردم.

و آقای راننده ای که میگه سامانه گفته خانم رستگار سرویس شو لغو کرده منم نیومدم دیگه.

من؟ کی؟ کجا؟ چرا؟؟؟



محمد برای چندمین بار صفحات مربوط به مسافرت و گردشگری آژانس های مختلف را ورق می زند چشمانش آگهی های رنگارنگ تورهای گردشگری را می بیند و شوق سفر در وجودش زبانه می کشد، دلش می خواهد همانند هر انسان دیگری می توانست براحتی دستش را روی یکی از این آگهی ها بگذارد و شماره شان را بگیرد و در یک تور ثبت نام کند بعد هم کوله بارش را ببندد و راهی شود، دلش می خواست تنها برای یک بار هم که شده منشی آژانس مسافرتی بعد از شنیدن این جمله «که من معلول جسمی - حرکتی هستم» لحنش را کشدار نکند و با افاده نگوید «معلول» «معلول جسمی - حرکتی»! ولی نمی شد از صبح که با آژانس های مختلف تماس گرفته بود و از آنها در مورد تورهایشان پرسیده بود با همین رفتارها روبه رو شده بود که اولاً همه از شنیدن واژه معلول تعجب می کردند و بعد

بلافاصله می پرسیدند «همراه دارید؟» و چون جوابش منفی بود می گفتند «ما نمی توانیم به شما خدمات خاصی ارائه کنیم شما هم مثل بقیه» ناخودآگاه یادش آمد مسافرتی که دو سال پیش با اصرار خودش در یک سفر کوتاه یک روزه با یکی از این تورها همراه شده بود، مسافرتی که برایش بسیار خوشایند بود چون طعم شیرین استقلال را می چشید اما وجود موانع متعدد همه این خوشی هایش را زهر کرده بود، محمد به یاد آورد که در آن سفر برای سوار و پیاده شدن از اتوبوس با مشکلات زیادی مواجه شده بود و اگر نبود کمک و یاری همسفران شاید اصلاً نمی توانست چند بار از اتوبوس سوار و پیاده شود.

راهنمای تور یک نفر بود و محمد بدون همراه، گاهی وقت ها از گروه عقب می ماند یادش آمد که وقتی برای ناهار به یک رستوران رفتند باز هم محمد مشکل داشت ورودی رستوران بیشتر از ۱۰ پله داشت!

در زمان بازدید از مکان های تاریخی هم که این مشکل صد چندان شده بود خودش شنید که خانم راهنمای تور با لحنی تمسخر آمیز به یکی از مسافران گفته بود «مگه مجبورن پاشن بیان اینجا همه رو اسیر خودشون کنند» همین شنیدن کافی بود که کل روزش را تلخ کند و با اینکه نیاز به سرویس بهداشتی داشت برای اینکه بقیه رو معطل و ناراحت نکند صدایش در نیامد. با اینکه محمد برای این سفر کلی برنامه ریزی کرده بود و می خواست از آن به بعد مبلغی از حقوق ماهانه اش را برای مسافرت کنار بگذارد بعد از این مسافرت یک روزه دمغ و ناراحت بود، بارها خودش را سرزنش کرد که اصلاً چرا چنین فکری به سرش زده و اصلاً بهتر بود که در خانه می نشست و با آن تورلعتنی همراه نمی شد. همین فکر و خیال ها باعث شده بود که باز در لاک تنهایی خودش فرو برود و با خودش بگوید اصلاً ما رو چه به مسافرت رفتن! وقتی امکانات و شرایط برایمان فراهم نیست چه اصراری است که برویم و اینقدر مشکلات و بدبختی های مختلف را به جان بخریم» حالا اما بعد از دو سال این وسوسه دوباره به جانش افتاده بود با خودش می گفت «درسته که شرایط برای ما ایده آل نیست اما من باید به مسافرت برم اگه من بشینم تو خونه هیچ وقت این شرایط برام فراهم نمی شه» دستان محمد باز هم روی دکمه های شماره گیر تلفن رفت و باز هم شماره آژانس دیگری را گرفت.

### «من را هم بازی بدهید»، سمیه افشین فر، ۲۵ شهریور ۱۳۹۵.

یاشار را هر روز در کوچه می دیدم وقتی همه بچه ها مشغول بازی بودند و او تک و تنها گوشه ای ایستاده بود، گاهی از سر تا ته کوچه پیاده می رفت و برای ماشین هایی که گاه گاهی از کوچه می گذشتند دستی تکان می داد در همه این مدت زنی میانسال در گوشه ای نشسته بود و دورادور مراقبش بود، عجیب نبود که بچه های کوچه یاشار را بازی نمی دهند، یکبار که در همان دنیای کودکی فارغ از همه تصورات آدم بزرگ ها بازی اش داده بودند مادر یکی از دوستان شان سر رسیده بود و با یاشار و مادرش دعوا کرده بودند که نباید یاشار قاطی بچه ها شود چون نمی فهمد و ممکن است به بچه هایشان آسیب بزند! مادر هر کاری کرده بود نتوانسته بود قانع شان کند پس چاره ای نبود. به یاشار گفته بود که سمت بچه های کوچه نرود، یاشار از آن به بعد دیگر سمت بچه ها نرفت گاهی گوشه ای

کنار مادرش می نشست و ساعت ها به بازی بچه ها نگاه می کرد. مادر یاشار می گفت سعی کرده چند بار او را در فرهنگسرای محل ثبت نام کند ولی آنها هم نپذیرفته اند و گفته اند امکاناتی برای پذیرش او ندارند! بنابراین چاره ای نمانده بود. یاشار روزهای کشتار تابستانش را یا در خانه بود یا غروب به همراه مادرش سری به کوچه می زد.

این همه در حالی است که در همه جای دنیا کودکان دارای معلولیت می توانند همانند همه کودکان، «کودکی» کنند. هر چند از سال ۸۰ قانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اقدام به فراگیرسازی چند کتابخانه کرد و قرار بود کودکان دارای معلولیت بتوانند به همراه کودکان عادی در این کتابخانه ها حضور یابند و همراه با سایر کودکان شعر بخوانند و بازی کنند و مجسمه های گلی بسازند اما به دلیل محدودیت های بی شمار این کودکان از جمله مسأله ایاب و ذهاب به این مراکز عملاً کودکان دارای معلولیت کمی هستند که از این امکانات بهره می برند.

تصور کنید در تهران بزرگ تنها پنج کتابخانه فراگیر هست و در سراسر کشور تنها ۱۵ کتابخانه فراگیر وجود دارد که آن هم به اذعان مربیان کتابخانه ها بسیاری از امکانات و کتاب های خاص آنها سال هاست که به روز نشده است همه این ها باعث می شود که کودکان دارای معلولیت کمتر به آنجا سر بزنند هر چند در فصل مدرسه ها مربیان دلسوز کانون شال و کلاه می کنند و راهی مدارس خاص این بچه ها می شوند ولی به نظر می رسد این راهکاری اساسی نباشد چرا که در کشورهای پیشرفته فراگیرسازی در نگاه آنها وجود دارد یعنی باید همه امکانات و کتابخانه ها و فرهنگسراهای محلی برای استفاده کودکان دارای معلولیت مناسب سازی شده باشد تا حتی اگر یک کودک معلول در محله ای زندگی می کند روزهای عمرش به بطالت نگذرد و بتواند با مراجعه به نزدیکترین محل مورد پذیرش قرار گرفته و بتواند به همراه دیگر کودکان، روزهای خوش کودکی اش را با خاطرات رنگارنگ همراهی با سایر کودکان پیوند بزند.

**«من گدا نیستم» سمیه افشین فر، ۱۰ اسفند ۱۳۹۶.**

هوا سرد بود از همان سرماهایی که تا مغز استخوان نفوذ می کنند، نم بارانی می زد، در گوشه ای از همین بازارهای هفتگی که هنوز در گوشه گوشه پایتخت بر گزار می شود، نشسته بود، روی زمین سرد، کلاه بافتنی سیاهی بر سر داشت و دستانش را در جیب هایش فرو کرده بود، چند قوطی واکس و چند فرچه و برس درست کنار دستش قرار داشتند و تکه مقوایی که روبه رویش پهن کرده بود، سرش پایین و یکی از دستانش را حائل چشمانش کرده بود، نمی دانم از جای خلوتی که برای نشستن انتخاب کرده بود یا از حالت نشستن اش متوجه شدم نایبناست. نزدیکتر شدم، هراز چند گاهی دستانش را بر قوطی های واکس می کشید، مرد میانسالی نزدیکش شد، پا روی مقوا گذاشت، واکسی می شه کفشم رو واکس بزنی؟ لبخندی بر چهره غمگینش نشست؛ بله آقا چرا نمی شه فقط اگه ممکنه این دمپایی رو پوشید و دمپایی کهنه ای را در مقابل مرد قرار داد. مرد دمپایی رو پوشید و منتظر ماند. واکسی دستانش را بر کفش مرد کشید مانند یک استاد برجسته در حال کالبدشکافی، انگار می خواست ببیند کجای کفش بند دارد، یا به عبارت دیگر کدام قسمت ها نیاز به واکس دارد و کدام

قسمت ها ندارد، خیلی آرام پرسید می تونم پیرسم کفشتان چه رنگیه؟ مرد میانسال که تا آن لحظه متوجه واکسی نشده بود سرش را پایین می اندازد و نگاهی به صورت مرد می کند، می فهمد که نایناست با رگه هایی از ترحم که در چهره اش هویدا می شود، می گوید: مشککی و واکسی در قوطی واکس مشککی رو باز می کند و شروع می کند به واکس زدن و فرچه کشیدن، کفش های مرد برق می زند واکسی آنها را مرتب می کند و مرد کفشش را می پوشد، پول را می دهد و در جواب واکسی که می گوید صبر کنید بقیه پولتان را بگیرید می گوید نمی خواد برای خودت باشه اما واکسی اصرار می کند که بایستاد و بقیه پولش را بگیرد مرد از حرفش شرمنده می شود بقیه پولش را می گیرد و می رود. به واکسی نزدیک می شوم.

- سلام

سلام بفرمایید.

- شما هر هفته اینجا می آید؟

بله هر هفته میام، همیشه هم همین جا می شینم می خواهید کفش بیارید.

- روزهای دیگه هفته کار نمی کنی؟

چرا هر روز به جا هستم اگه بازار هفتگی هم نباشه گوشه خیابون می شینم.

- از کجا میایی؟

قلعه حسن خان.

- سخت نیست؟

چرا سخته ولی بالاخره باید کار کنم.

- چند سالت؟

۳۵ سال

- ناینای مادرزاد بودی؟

بله

- چند وقته واکسی شدی؟

یک سالی هست.

- قبلش چي کار مي کردی؟

دستفروش بودم.

- چي مي فروختی؟

دستمال و...

- چي شد دستفروشي رو کنار گذاشتی؟

يکي دو بار افتادم يک بار که دستم شکست ديدم اگه واکس بزنم حداقل يه جا نشستم و نياز به رفت و آمد زيادي نداره.

- مگه خانواده نداري؟ چرا اونا خرجت رو نمي دهند؟

خانواده دارم اونا هم بدبختن، پدرم با کارگري بايد هزينه خانواده هشت نفری ما رو بده منم که نمي شه بيکار باشم بايد بتونم خرج خودم رو دريبارم.

ص: ۲۵۵

- چند تا خواهر و برادر داری؟

چهار تا خواهر و یه برادر.

- اونا چی کار می کنن؟

دو تا از خواهرهام با مادرم برای نظافت خانه ها می روند و دو تا در خانه می مانند و برادرم هم همراه پدرم کارگری می کند.

- اون آقا داشت بهت پول بیشتری می داد راضی هم بود چرا قبول نکردی؟

به خاطر اینکه اندازه اون پول برایش کار نکرده بودم من یه واکس زدم می شد هزار تومن اما اون آقا پنج هزار تومنی داد من که گدا نیستم البته خیلی از ناینها و افراد دارای معلولیت چون بیکار هستند گدایی می کنند اما من دوست ندارم دلم می خواد کار کنم و دسترنج خودم رو بخورم حتی اگه کم باشه.

- روزی چه قدر درآمد داری؟

بستگی داره روزهایی که میام بازارهای هفتگی چون شلوغ تره خب پول بیشتری گیرم میاد تا روزهایی که تو خیابون می شینم.

- تعمیر کفش هم انجام می دی؟

نه البته دوست دارم برم یاد بگیرم فقط واکس می زنم.

- قوطی های واکس یه شکل هستن چه طور می فهمی کدوم واکس رو باید برداری؟

برای خودم مشخص کردم واکس سیاه سمت راست و واکس قهوه ای رو سمت چپم می زارم.

- سواد داری؟

سه کلاس.

- چرا ادامه ندادی؟

رفتم مدرسه شبانه روزی ولی مخم نکشید نتونستم ادامه بدم.

- چه آرزویی داری؟

دلم می خواد یه روز بتونم مادرم رو ببینم، پولدار بشم دیگه هیچ کدوممون سختی نکشیم.

مرد میانسال دیگری به سمت واکسی آمدن نشستن بیشتر جایز نبود مانع کسب و کارش شده بودم خداحافظی کردم و مرد دمپایی کهنه را پوشید و من به واکسی جوانی فکر می کردم که در این سرمای استخوان سوز به دنبال روزی حلال بود.

### «نابینایی» با بی سواد مترادف نیست» مجید سرایی، ۵ بهمن ۱۳۹۶.

این درست که یکی از مهم ترین وظایف رسانه، اطلاع رسانی بموقع درباره رویداد های گوشه و کنار کشور است، این هم درست که رسانه متعلق به اشخاص خاصی نیست و باید آینه تمام نمای اقشار مختلف جامعه باشد، در نهایت، این هم درست که رسانه در دنیای پهناور و پرشتاب رقابت با همتایان خود، باید گوی سبقت را برآید و به قول حرفه ای های رسانه: «خبر را بچاپد» تا در این بازار پرهیاهو، بیشترین مخاطب را به خود اختصاص دهد، اما نه به هر قیمت، نه به هر بها. چند شب پیش، بخش

ص: ۲۵۶

خبری ۲۲ شبکه ۳ سیما گزارشی درباره بانوی مسنی در یزد پخش کرد که با وجود نداشتن سواد و تخصص در زمینه دارو و داروسازی، با مجاهدت هایی که در زمینه یادگیری نام دارو ها و شناخت دقیق آنها داشته، موفق شده در یکی از داروخانه های شهر بادگیر ها به عنوان کارشناس مشغول به کار شود. بر پایه این گزارش، کار بانوی یزدی چنان در مردم شهر و مخصوصاً مدیر داروخانه تأثیر گذار شده که او را خانم دکتر خطاب می کنند. تا اینجای گزارش مشکلی مشاهده نمی شود؛ خاصه آنکه همت بانویی را نشان می دهد که بی توجه به سن و سال، به دنبال آموختن می رود تا کارش را به جایی می رساند که تحسین همشهری هایش را برمی انگیزد.

اما چیزی که از آن به مشکل گزارش تعبیر می شود، تیکه ای است که خبرنگار به گذشته این بانو اشاره کرده و چنین تشبیه می کند: «اما جالبه بدونید که خانم فروزان تا چند سال قبل بی سواد بود و انسان بی سواد که انگار نابیناست...» تشبیهی کاملاً زنده! شاید در نگاهی خوشبینانه این نتیجه به دست آید که خبرنگار قصد توهین نداشته و منظورش از آن تشبیه، تصور ذهنی خودش بود که؛ انسان بی سواد، از دنیا بی خبر است و بی خبری از دنیا برابر با نابینایی است. حتی اگر همین نگاه خوشبینانه دنبال شود و سهوی بودن تشبیه تولید کننده گزارش توجیه شود، باز کوتاهی دبیر گروه خبری و ناظر خبر در ویرایش و تنظیم صحیح گزارش قابل توجیه نیست. در واقع مشکل، بی توجهی مسئولان خبر سیما به تک تک واژه هایی است که در گزارش های مختلف بیان می شود و با سهل انگاری های دبیران و سردبیران خبر، به روی آنتن می رود. نکته جالب، طنز تلخی است که همچنان در بینش مدیران بخش های مختلف صدا و سیما، خاصه معاونت خبر تلویزیون است؛ بینشی که ریشه در نگاهی کاملاً سنتی و خلاف واقع دارد. بنا بر تصورات غلط مردم در گذشته، نابینایی برابر بود با هر خسران و بدبختی؛ به اعتبار این تفکر غلط و بی منطق، فرد نابینا یا مطرود جامعه بود یا در بهترین حالت، با ترحمی افراطی از سوی جامعه مواجه می شد که در نهایت، این نگاه سر به سر اشتباه، آن فرد را به انزوا می کشاند.

حال آنکه در عصر حاضر، نمونه های فراوانی از توانایی های کسانی که دچار نابینایی هستند در عرصه های گوناگون علمی، فرهنگی و اجتماعی مشاهده می شود. با نگاهی مجمل به تاریخ ایران و جهان، نمونه هایی عالی در اعصار تاریخ می توان یافت که زندگی هر یک از آن ها، می تواند الگویی برای نسل های بعد از خودشان باشد؛ کسانی مثل هومر در یونان باستان، رودکی سمرقندی در ایران قرن چهارم که تاجیکان هنوز بعد از هزار سال، با افتخار نام او را همچون تاجی جاودان بر سر نهاده اند؛ حتی در عصر حاضر، کسانی مثل دکتر محمد خزائلی در تاریخ فرهنگی و سیاسی معاصر این مرز و بوم می درخشند که نظیرشان را به سهولت نمی توان یافت. مع الاسف مدیران سازمانی که امام راحل از آن به «دانشگاه» تعبیر کرد، بی توجه به آن تعبیر عالی، پای در مسیری نهاده اند که فرسنگ ها با آرمان های رهبر فقید انقلاب فاصله دارد.

کوتاه سخن، هنوز در لایه های جامعه، کسانی هستند که نابینایی را عجز، ناتوانی و نهایت بدبختی می دانند. به هیچ روشی نمی توان آن افراد را از نگرش غلط شان بیرون آورد و با واقعیات آشنا کرد، مگر از راه فرهنگ سازی و یکی از مهم ترین ابزار فرهنگ سازی، رسانه است. تلویزیون و رادیو به عنوان رسانه های دیداری و شنیداری این رسالت سنگین (فرهنگ سازی) را در تمام حوزه ها عهده دار



هستند. مدیران ارشد رسانه «ملی» متأسفانه به بار معنایی واژه‌ها توجه نمی‌کنند؛ بار معنایی که مسئولیت می‌آورد. «نابینا» و «نابینایی» هم از این قاعده مستثنی نیست. مدیران این رسانه نباید با سهل‌انگاری در تولیدات خود اعم از خبر، گزارش‌های خبری، سریال‌های تلویزیونی و برنامه‌های تفریحی، تداعی‌کننده افکار غلط شوند و واژه‌هایی مثل «نابینایی» را مترادف با «بی‌سوادی» بدانند.

### «ناقوس زندگی در دنیای سکوت و تاریکی: بازخوانی نامه‌ای از هلن کلر»، امید هاشمی، ۱۴ تیر ۱۳۹۷.

۲۷ ژوئن (۶ تیرماه) در تقویم، مصادف بود با سالروز سفر ابدی هلن کلر، بانوی تأثیرگذار نابینا-ناشنوا و یکی از مشهورترین و موفق‌ترین نابینایان دنیا که همزمان از نعمت شنوایی هم محروم بود. این روز را در تقویم به نام روز جهانی آسیب‌دیدگان همزمان بینایی و شنوایی یا به اصطلاح نابینا-ناشنوایان، نامگذاری کرده‌اند. همین چند روز پیش بود که فدراسیون نابینایان آمریکا به عنوان مالک گنجینه‌ای که از هلن کلر باقی مانده، صفحه‌ای اینترنتی راه‌اندازی کرد که علاقه‌مندان این بانوی نابغه بتوانند به شکل آنلاین به نوشته‌ها، تصاویر و فیلم و صداهایی که از او باقی مانده، دسترسی داشته باشند. در میان این آرشیو، بیش از ۸۰ هزار نامه هم دیده می‌شود که کلر خطاب به افراد، نهادها و مراکز مختلف نوشته است. بد نیست به مناسبت در دسترس قرار گرفتن این آرشیو، یکی از این نامه‌ها را به عنوان نمونه با هم بخوانیم که کلر در ۱۹۲۴، آن را خطاب به ارکستر سمفونیک نیویورک و برای تمجید از اجرای آنها از سمفونی ۹ بتهوون به نگارش درآورده و در این نامه توضیح می‌دهد که به عنوان یک نابینا-ناشنوا، چطور از موسیقی لذت می‌برد. روز جهانی آسیب‌دیدگان بینایی و شنوایی را گرامی می‌داریم و نامه هلن کلر را با هم می‌خوانیم:

دوستان عزیز! بی‌نهایت خوشحالم از اینکه به شما بگویم علی‌رغم اینکه من یک ناشنوا هستم، اما دیشب یک ساعت به یاد ماندنی را پای رادیو نشستم و به اجرای شما از سمفونی ۹ بتهوون گوش کردم. گوش کردن نه به معنای عام کلمه. نمی‌دانم می‌توانم منظورم را به درستی بیان کنم یا نه؟ من این اجرا را درک کردم. من توانستم برای اولین بار یک ساعت از یک موسیقی لذت ببرم. این مسأله برای خود من یک اتفاق خاص به حساب می‌آید. من قبلاً در مجله «شادی» که ویژه نابینایان منتشر می‌شود، خوانده بودم که رادیو همه جا در دسترس نابینایان قرار گرفته است.

این قضیه برای من خیلی غیرقابل درک بود. من خوشحال بودم که نابینایان توانسته‌اند یک ابزار جدید برای لذت بردن از زندگی بیابند، اما هیچ وقت تصور نمی‌کردم روزی خودم هم از تأثیرات این وسیله تازه لذت ببرم. دیشب وقتی اعضای خانواده ام به یکی از قسمت‌های اثر جاودانه بتهوون گوش می‌کردند، کسی از من خواست که دستم را روی بلندگو بگذارم تا شاید بتوانم لرزش‌های حاصل از صدای موسیقی را حس کنم. او سطح روی بلندگو را باز کرد و من به آرامی دستم را روی پرده بلندگو گذاشتم. آنچه برای من جالب بود، این بود که فهمیدم علاوه بر لرزش‌های موسیقی، من می‌توانم ریتم برانگیزاننده و ضرباهنگ‌ها و افت و خیزهای آن را هم درک کنم. لرزش‌هایی که از به هم پیچیدن و درهم آمیختن صدای سازهای مختلف حاصل می‌شد بسیار تحت تأثیرم قرار داد. من به آسانی

توانستم صدای سازهای بادی را از کوبش طبل ها و نغمه عمیق ویولاها را از آواز هماهنگ ویلون ها تشخیص دهم.

آواز دوست داشتنی ویلون ها را که به چه شکل حیرت آوری با نغمه های عمیق سایر سازهای ارکستر ترکیب می شدند، می شنیدم. من توانستم هیجان حاصل از پیچیدگی هارمونی ها را که دیگر افراد را به حیرت وامی داشت، درک کنم. همان جاهایی که دیگران حیرت خود را با صدای بلند ابراز می کردند، قلب من هم از زیبایی این هارمونی ها بشدت به تپش می افتاد.

ضرباهنگ آنچه که گروه کر می خواند را با تمام سکوت ها و آوازهایش به راحتی در زیر انگشتان خود حس می کردم. در ادامه قطعه، همه سازها با هم شروع به نواختن کردند که باران آخر پاییز را در شرایطی به یاد انسان می آورد که بشدت در حال باریدن است. بدون شک آنچه من حس کردم، جنبه شنیداری قطعه نبود، اما من توانستم جادو و زیبایی این قطعه را لمس کنم.

همین طور من فکر می کنم توانستم صدای طبیعت را که به وسیله این سازها به انگشتانم منتقل می شد حس کنم. من هیچ وقت به این اندازه تحت تأثیر لرزش های صدا قرار نگرفته بودم. وقتی می دیدم این نغمه ها همه فضای خانه را پر کرده و همه در حال لذت بردن از آن هستند دائماً در این فکر بودم که آهنگسازی که این نغمه ها را به جهانیان عرضه داشته هم درست مثل من یک ناشنوا بوده است. من از روح بلند و ستودنی بتهوون در حیرتم که با وجود رنج فراوانی که خود می برده توانسته لذت را برای مردم به ارمغان بیاورد. من انگشت بر روی پرده بلندگو گذاشتم و توانستم به سمفونی شماره ۹ بتهوون گوش دهم، جایی که بتهوون ناشنوا توانسته بود درست به مانند یک دریا، سکوتی را که بر ساحل قلب من و خودش حاکم بود بشکند.

چنانچه می خواهید از آرشیو هلن کلر، شامل تمام نامه نگاری ها و تصاویر و فیلم های برجای مانده از این نابغه نابینا-ناشنوا بازدید کنید، باید به نشانی اینترنتی [www.afb.org/helenkellerarchive](http://www.afb.org/helenkellerarchive) مراجعه کنید. این گنجینه، پر است از نوشته ها و تصاویر تأثیرگذار و انگیزه آفرینی که هر کدامش می تواند دنیا را نه تنها برای معلولان، که برای سایر آدم هایی که برای یافتن منابع لذت و شادی ذره بین به دست گرفته اند، به جای بهتری برای زندگی بدل کند.

### **«نگاه انسانی به افراد دارای معلولیت را فراموش نکنیم»، سمیه افشین فر، ۲۶ مرداد ۱۳۹۶.**

چند روزی است که کلیپ کوتاهی دست به دست در بین کاربران فضای مجازی می چرخد، فیلم کوتاهی که در یکی از استان های شمالی کشور اتفاق افتاده و چند مرد در یک ترمینال اتوبوسرانی یک فرد دارای معلولیت را مورد تمسخر قرار می دهند، فرد دچار اختلال حواس است، چند مرد دوره اش می کنند، لباس هایش را به زور بیرون می آورند و با سطل و برس زمین شور شروع به شست و شویش می کنند، فرد دارای معلولیت گریه می کند و ضجه می زند، اما آنها می خندند و به کارشان ادامه می دهند صدای فریادها و ناله های فرد دچار اختلال حواس آنقدر دردناک بود که حتی اگر ذره ای و تنها ذره ای انسانیت هنوز در وجودت مانده بود نمی توانستی تا پایان را ببینی. هر چند با

پیگیری فعالان امور معلولان و تماس با مدیریت ترمینال اتوبوسرانی مشخص شد که این فیلم متعلق به چند ماه قبل است و فیلم جدیدی نیست اما نکته ای که در اینجا مهم به نظر می رسد این است که این اتفاق افتاده، درست در نزدیکی من و شما، در میان همه ما که خود را اخلاق مدار می دانیم. مهم نیست در کدام شهر یا کدام استان، فلسفه کار غلط است. اینکه چند نفر به خود اجازه داده اند که به اجبار با یک فرد دارای معلولیت شوخی کنند و به او بخندند و لحظات مفرحی را بگذرانند دردناک است. درست در زمانی که همه ما از برابری فرصت ها حرف می زنیم و به دنبال این هستیم که همه امکانات و شرایط اجتماعی به گونه ای باشد که یک فرد دارای معلولیت بتواند همانند افراد عادی در جامعه حضور داشته باشد و نقش های اجتماعی را بپذیرد، وقوع اتفاقاتی از این دست اعتماد به نفس افراد دارای معلولیت را نشانه می رود. افراد دارای معلولیت همواره قربانی افراط ها و تفریط ها بوده اند یا نگاه های ترحم آمیز را تحمل کرده اند یا نگاه های تمسخرآمیز را. حتماً شما هم دیده و شنیده اید شوخی هایی که در مورد خط بریل (خط مخصوص نابینایان که به صورت نقاط برجسته است) مطرح می شود یا دیده اید که به خود اجازه می دهند در حضور یک ناشنوا با صدای بلند او را مسخره کنند و بخندند و... این رفتارها و رفتارهایی از این دست نشان می دهد که جامعه ما برای رسیدن به جایگاه مطلوب نیاز به فرهنگسازی دارد و این تنها و تنها در اختیار من و شما به عنوان اعضای این جامعه است. کما اینکه طی چند روز گذشته گروه ها و فعالان مجازی در حوزه معلولان اقدام به تدوین فراخوان «نه» به آزار افراد دارای معلولیت کردند. باید از خودمان شروع کنیم بیایید و به جوک ها و شوخی های مربوط به افراد دارای معلولیت نخندیم، اجازه ندهیم در حضورمان یک فرد دارای معلولیت مورد تمسخر یا آزار و اذیت قرار بگیرد چه یک فرد نابینا باشد، چه یک بچه مبتلا به سندروم دان یا حتی یک پیرمرد ناشنوا. باور کنیم که افراد دارای معلولیت هم حس می کنند، می بینند و می شنوند و انتظار دارند که با آنها همانند سایرین رفتار شود. بیایید فیلم ها و کلیپ هایی که نشان از اراده و پشتکار و تلاش والای این افراد است را در شبکه های مجازی دست به دست کنیم و گرنه با خندیدن به افراد دارای معلولیت باور کنید که خودمان نقصی بزرگتر از نقص جسمی این افراد داریم. بیایید نگاه انسانی به افراد دارای معلولیت را سر لوحه زندگی خود قرار دهیم که این مهم هم در آموزه های اسلامی مان است و هم در آموزه های اخلاقیمان. البته بر عهده دستگاه و سازمان های متولی امور قانونگذاری است که با اقدام های بازدارنده و تهیه و تدوین قوانین و در نظر گرفتن مجازات هایی اجازه تمسخر و آزار و اذیت افراد دارای معلولیت را ندهند و فرد خاطی بداند که در صورت اقدام به این کار با مجازات سختی روبه رو خواهد شد.

### **«ورزشکاران پارالمپیک را همانند سایر ورزشکاران ببینید»، سمیه افشین فر، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵.**

این که ورزش باید در برنامه روزانه هر فردی وجود داشته باشد و همه باید برای حفظ وضعیت مطلوب بدنی ورزش کنیم بر هیچ کس پوشیده نیست هر چند شاید در اجرا خیلی به آن پایبند نباشیم اما اهمیت ورزش برای افراد دچار معلولیت بیشتر است. ورزش معلولان با توجه به نوع معلولیتی که

دارند و اینکه کدام بخش از بدن آسیب دیده است، سبک و سیاق خاص خود را دارد مثلاً یک نابینا نمی تواند همانند یک ناشنوا ورزش کند و بالعکس نوع معلولیت، شدت معلولیت، نوع داروهای مصرفی افراد معلول و تأثیر آن روی عملکرد عضلات و... مسائلی هستند که یک فرد معلول با آن مواجه است. مواردی که در این جا مطرح شد شخصی و فردی بودند از اینها گذشته فرد دارای معلولیت برای ورزش کردن نیاز به امکانات خاصی دارد از قبیل سالن های ورزشی مناسب سازی شده و مربی و فیزیوتراپ های متخصص و کاربلد و... بنابر این یک فرد دارای معلولیت نه همانند افراد عادی که با پشت سر گذاشتن مسائل و سختی های بسیار راه ورزش را برمی گزینند. حالا تصور کنید تعدادی از این افراد دارای معلولیت همه این سختی ها را پشت سر گذاشته اند و ورزش را نقطه پرش زندگی خود انتخاب کرده اند و به صورت تخصصی به ورزش روی آورده اند تا جایی که امروز در قالب طلایه داران ورزش معلولان کشور به ریودوژانیرو اعزام شده اند تا نامشان برای همیشه در تاریخ پرافتخار کشورمان حک شود. کاروان ورزشکاران دارای معلولیت کشورمان که با نام «کاروان فرهنگی ورزشی منا» متشکل از ۱۱۱ ورزشکار به پانزدهمین دوره مسابقات پارالمپیک که قرار است از ۱۷ تا ۲۸ شهریورماه در ریودوژانیرو برگزار شود اعزام شده متشکل از همین اسوه های صبر و استقامت و ایستادگی است. ورزشکاران پارالمپیک کشورمان قرار است در ۱۲ رشته ورزشی با سایر ورزشکاران به رقابت پردازند. در اینجا به نظر می رسد که ذکر این نکته خالی از لطف نباشد که رسانه ملی و سایر رسانه های گروهی بجاست که به پاس همه تلاش هایی که این ورزشکاران برای کسب سهمیه پارالمپیک و همه سختی هایی که در این راه پر پیچ و خم متحمل شده اند فارغ از هر نتیجه ای که کسب کنند به پوشش گسترده مسابقات و فعالیت هایشان پردازند تا حضور این افراد و درخشش شان در عرصه های بین المللی هم در نظر سایر ورزشکاران و هم در نظر افراد دارای معلولیت به چشم بیاید و همه ببینند که «خواستن توانستن» است و این ورزشکاران بدرستی به تفسیر آن پرداخته اند و همه معلولیت ها و محدودیت ها را پشت سر گذاشته اند. از ۱۷ شهریور که رسماً مسابقات پارالمپیک آغاز شده بجاست که قلب تک تک ما در ریودوژانیرو و به عشق این ورزشکاران و موفقیت هایشان بتپد. به امید آن روز که تمام تلاش های این عزیزان نیز همانند سایر ورزشکاران عادی در جامعه دیده شود و این عزیزان بتوانند در این دوره از بازی ها با دستانی پر به کشور بازگردند. امیدواریم که ورزشکاران پارالمپیک بتوانند تعداد مدال های خود را نسبت به پارالمپیک ۲۰۱۲ لندن که ۱۱ طلا، ۷ نقره و ۷ برنز بود، ارتقا بدهند.

### **«وقتی رفتن به بانک «سخت» می شود»، سمیه افشین فر، ۴ آذر ۱۳۹۵.**

وقتی دچار معلولیت باشی، هر چند کوچک و هر چه نامحسوس می فهمی که چقدر انجام هر کاری که شاید برای خیلی از افراد ساده و پیش پا افتاده است برایت سخت و طاقت فرساست در واقع باید چندین برابر یک فرد سالم «وقت» و «انرژی» به کار ببری تا بتوانی کارت را به سامان برسانی.

یکی از همین کارهای پیش پا افتاده برای من و شما و «فاجعه» برای فرد معلول مراجعه به بانک و انجام امور بانکی است. اگر دارای معلولیت جسمی - حرکتی باشی که هر پله ای حکم فاجعه ای

عظیم برایت دارد رفتن به بانک خودش یک داستان پرماجرست. یکی از دوستان تحصیلکرده دارای معلولیت بینایی تعریف می کرد که مدت ها برای رفتن به یک بانک برنامه ریزی می کند چرا که بانک ها تنها در صورت داشتن فرد «امین» یا همراه حاضرند به او خدمات بانکی بدهند و هماهنگ کردن و همراه کردن یک نفر که امین هم باشد در دنیایی که همه ترجیح می دهند سرشان در لاک خودشان باشد کاری... است بس طاقت فرسا... فرض کنید که این فرد دارای معلولیت با فردی همراه به بانک هم رفت در آنجا باید با تجربه تلخ «تحقیر» روبه رو شود. او دیده نمی شود، فرد همراه است که دیده می شود، از فرد همراه امضا می گیرند، پول را به فرد همراه پرداخت می کنند، حتی اگر نتیجه یک ماه زحمت خودت باشد... از این گذشته بسیاری از دستگاه های خودپرداز در محل های نامناسبی تعبیه شده اند که همین مسأله دسترس پذیری افراد دارای معلولیت را با مشکل مواجه می کند. از طرف دیگر هر چند در صفحه کلید بسیاری از این دستگاه های خودپرداز که عمدتاً وارداتی هستند نقطه بریلی در مرکز صفحه کلید قرار دارد اما نقطه بریل بدون وجود سیستم های صوتی که فرد نابینا را برای مراحل بعدی هدایت کند عملاً بی فایده است و افراد نابینا در استفاده از خودپردازهای فاقد سیستم گویا نیز باید با کمک افراد بینا به استفاده بپردازند. البته گویا کردن خودپردازها نیز در شهرهای بزرگ با توجه به آلودگی... های بیش از اندازه صوتی جوابگو نیست. تجربه دیگر کشورها نشان می دهد که در کنار دستگاه های خودپرداز باید هدفون... های کوچکی نصب شود تا افراد نابینا با کمک آن بتوانند به استفاده از خودپرداز بپردازند، هر چند در سال های اخیر با گسترش بانکداری الکترونیک و وجود اینترنت بانک و تلفن بانک و سیستم پیامکی و... موانع دسترس پذیری افراد دارای معلولیت اندکی کمتر شده و بانک ها نیز به تعامل خوبی با انجمن ها و گروه های افراد دارای معلولیت دست یافته اند اما در این میان نمی توان از وظایف شهرداری ها چشم پوشی کرد چرا که عمده بحث مناسب سازی بانک ها و اماکن عمومی طبق قانون جامع حمایت از حقوق معلولان بر عهده شهرداری هاست و بجاست با توجه به درآمدها و بودجه کلان شهرداری ها برای مناسب سازی بانک ها اقدامات جدی به عمل آورند و دست یاری مدیران بانک ها را به گرمی بفشارند و ارائه خدمات حمایتی و تشویقی آنها را ملزم به استانداردسازی فضای بیرونی و درونی بانک کنند. در دنیایی که کشورهای مدرن در طراحی داخلی همه ادارات و مراکز عمومی استانداردهای دسترس پذیری برای همه شهروندان را سر لوحه کار خود قرار می دهند و آن را یکی از ملزومات حقوق شهروندی به شمار می آورند با توجه به آمار افراد دارای معلولیت بجاست که مسئولان و دست اندرکاران امور شهری نیز آستین همت بالا بزنند و در این راه وارد شوند به امید روزی که رفتن به بانک برای یک فرد دارای معلولیت نیز همانند همه افراد جامعه نه یک رؤیای دست نیافتنی که امری روزمره و عادی تلقی شود.

### **«ویلچر برای ما نماد حرکت و پیشرفت است»، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۶.**

در هفته گذشته در گیر و دار روزهای سرنوشت ساز انتخابات که گروهی باز بر طبل بی اخلاقی ها می کوبند و به هر دستاویزی برای توهین و تهمت به دولت مستقر کوتاهی نمی کنند، شاهد یکی از زشت ترین تعابیر از سوی عده ای بودیم، عکسی در شبکه های مجازی پخش شد که از همان

ثانیه های اولیه با بازخورد کاربران فضای مجازی و جامعه افراد دارای معلولیت روبه رو شد؛ در این تصویر رئیس جمهوری روی ویلچر و معاون اولش در حال رتق و فتق امور شخصی ایشان به نمایش درآمده است و هدف از انتشار این تصویر به باور پدیدآورندگانش نشان دادن ناتوانی رئیس جمهوری منتخب است. این را بگذارید کنار مطلب آن روزنامه محترمی که ثبت نام یکی از زنان سیاستمدار ایرانی با واکر برای انتخابات ریاست جمهوری را به سخره گرفته بود و با نگاهی تحقیرآمیز از عنوان «اصلاحات با واکر» استفاده کرده بود.

جدا از نگاه سیاسی به این موضوع اگر بخواهیم تنها و تنها نگاهی انسانی به قضیه داشته باشیم مهم ترین نکته ای که هویدا می شود این است افرادی که دست اندرکار تهیه این چنین تصاویری هستند کوچکترین آشنایی به مسائل و امور مربوط به افراد دارای معلولیت ندارند. آنها نمی دانند که ویلچر، عصا و واکر برای من معلول ضایعه نخاعی، برای من نابینا یا معلول جسمی - حرکتی نماد ناتوانی نیست. ویلچر، عصا یا واکر برای ما نماد حرکت، تلاش و در جا نزدن است، نماد حرکت رو به جلو، نماد تغییر وضعیت...مان از گوشه نشینی و انزوا به بطن جامعه، ویلچر برای ما تنها یک وسیله توانبخشی نیست بلکه وسیله ای است که راهمان را هموار می کند تا طعم فرصت های برابر را در جامعه بچشیم، ویلچر برای من معلول ضایعه نخاعی یا جسمی - حرکتی نماد پیشرفت است چه بسیاری از هموعان من که با تکیه بر همین ویلچرها و عصاها و واکرها پله های سخت ترقی را پیموده اند و قدم در راه پیشرفت گذاشته اند. برادران محترم، ویلچر نشانه ضعف نیست. ویلچر من دوست و همراه روزهای سخت من است، یاد بگیرید که کرامت انسان ها را حفظ کنید و با دیده تحقیر به انسان ها نگاه نکنید حتی اگر روی ویلچر باشند یا مجبور باشند که برای آسان تر راه...رفتن از واکر استفاده کنند؛ اینها همه از اصلی...ترین و مهم ترین آموزه...های دینی ماست. اگر من از ویلچر استفاده می کنم تنها به دلیل رد شدن از ناملایماتی است که شما افراد به ظاهر سالم برایم ساخته...اید، من و میلیون ها انسان همانند من در هر گوشه جهان که نشستن روی ویلچر را تجربه می کنند نه تنها این کار را شرم...آور نمی دانیم و نگاهی تحقیرآمیز به آن نداریم بلکه گاه وقتی دیده ایم که مردان عرصه سیاست همچون دکتر ظریف به دلیل بیماری مجبور شد در نشست های جهانی نشستن روی ویلچر را تجربه کنند به خود بالیدیم که روی ویلچر هم می توان کارهای بزرگ انجام داد.

در

پایان تأکید می کنم که شعار ما معلولان این است که حتی اگر راه ها را ناهموار کنید؛ به حقارت نگاهمان کنید؛ یاریمان ندهید و سنگ بر سر راهمان بگذارید، ما با ویلچر یا واکر و عصا و سمعک و با نگاه به پشت سر و راهی که رفته ایم، راه پیش رو را هم رفتنی می دانیم و از حرکت نمی ایستیم.

**«هر فرد معلولی عقب مانده ذهنی نیست» سمیه افشین فر، ۱۱ شهریور ۱۳۹۵.**

اصطلاح «کودکان با نیازهای ویژه» یا استثنایی به کودکانی اطلاق می شود که به برنامه های آموزشی خاصی نیاز دارند و این آموزش، نیازهای یادگیری منحصر به فرد آنها را فراهم می کند. عقب ماندگی ذهنی، مشکلات ویژه یادگیری، نارسایی های زبان و گفتار، آسیب های شنوایی،



آسیب های بینایی، نارسایی های حرکتی شامل ناهنجاری های مربوط به اسکلت و عضلات، تأخیرهای تحولی، اوتیسم (درخودماندگی) و چند معلولیتی می تواند کودکان را به کودکان با نیاز ویژه تبدیل کند. بیماری، وراثت و تصادف، مرزی برای آسیب رساندن به کودکان نمی شناسد. هر کودکی در هر طبقه اجتماعی و اقتصادی، از هر ملیت و مذهبی ممکن است دچار یکی از آسیب های جسمی، حرکتی یا ذهنی شود.

آنچه در این میان از اهمیت برخوردار است «انسان بودن» این کودکان است؛ اینکه همه پذیرند کودکان با نیازهای ویژه نیز ابتدا انسان و سپس کودک هستند و حق دارند همانند همه کودکان از امکانات برابر آموزشی و تفریحی برخوردار باشند. در حالی که این کودکان متأسفانه گاهی حتی در بین خانواده های خود نیز مورد پذیرش قرار نمی گیرند و همه تصور می کنند کودکی با وجود چند نوع معلولیت عقب مانده ذهنی است در حالی که این تصور غلطی است که به محض دیدن یک یا چند نوع معلولیت بارز همه ما فکر می کنیم فرد معلول عقب مانده ذهنی است و متوجه چیزی نمی شود! تجربه نشان داده که در همه جای دنیا سیستم های آموزشی برای این نوع کودکان برنامه ریزی خاصی می کنند و از هوش و گاه نبوغ این افراد استفاده می برند؛ نمونه بارز آن «استیفن هاو کینگ» است.

اگر کودک با نیاز ویژه ای این قدر خوشبخت باشد که در خانواده مورد پذیرش قرار بگیرد تازه مشکلات آغاز می شود، باید پدر و مادر که معمولاً این نقش به عهده مادر است کفش آهنی بپوشد و با وجود فقر اطلاعاتی و آموزشی که در این زمینه وجود دارد دست به کار شود و بخواند و بتواند از پس مشکلات کودکش بر بیاید و خودش بار آموزش فرزندش را یک تنه بر دوش بکشد تا فرزندش عقب نماند و بتواند همانند دیگر کودکان همسن و سالش ادامه تحصیل دهد. مادر باید نقش مادر، معلم و حتی دوست را همزمان بازی کند. باید مادری کند، به کودکش درس بدهد و برای او که همسن و سالانش از بازی کردن با او خودداری می کنند دوست باشد تا تصورات رنگی کودکی فرزندش از زیبایی های دنیا خدشه دار نشود.

متأسفانه کمبودها و محدودیت ها برای کودکان با نیازهای ویژه کم نیست؛ از فقر منابع مطالعاتی، کمبود کتب مناسب سازی شده برای این کودکان تا فقر فرهنگی و نبود برخورد صحیح و...

اما آنچه مهم است این نکته است که اگر شناختمان از این نوع کودکان را بالا- ببریم و توانایی ها و محدودیت های آنها را درک کنیم با برنامه ریزی های مناسب آموزشی و تأمین نیازهای همه جانبه آنها می توانیم در رشد این کودکان نقش مهمی داشته باشیم چرا که بسیاری از این کودکان دارای بهره هوشی طبیعی و شاید حتی بالاتر از طبیعی هستند.



فصل سوم: اخبار

اشاره

ص: ۲۶۵



## «۱۰ میلیارد تومان برای مناسب سازی معابر شهر کرد هزینه شد»، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵.

شهردار شهر کرد گفت: ۱۰ میلیارد تومان برای مناسب سازی معابر شهر کرد هزینه شده است.

نورالله غلامیان در همایش مناسب سازی تردد معلولان اظهار داشت: در کشور در بخش مناسب سازی تردد معلولان در سطح ابتدایی هستیم که حدود ۳۰ سال گذشته طرح ها و قوانینی در این زمینه تنظیم شده اما هنوز آن طور که انتظار می رود عملی نشده اند.

وی گفت: شهرداری شهر کرد طی پنج سال گذشته با اعتباری حدود ۱۰ میلیارد تومان برای مناسب سازی معابر تلاش کرده است.

وی افزود: همه افراد جامعه بخصوص معلولان که دارای محدودیت هستند حق زندگی دارند پس باید با همکاری شرایط مناسب در تردد فراهم شود.

شهردار شهر کرد با اشاره به مناسب سازی پارک ها افزود: نصب لوازم ورزشی جانبازان و معلولان در پارک جانبازان با اعتباری به مبلغ ۹۰ میلیون ریال صورت گرفته است.

## «۱۶ هزار بیمار ضایعه نخاعی حق پرستاری می گیرند»، ۳۱ تیر ۱۳۹۵.

معاون امور توانبخشی و سالمندان سازمان بهزیستی گفت: ۱۸ هزار بیمار ضایعه نخاعی در بانک اطلاعات این سازمان ثبت نام کرده اند که از این تعداد، افزون بر ۱۶ هزار نفر حق پرستاری دریافت می کنند. کیوان دواتگران روز شنبه در نشست خبری به مناسبت هفته بهزیستی اظهار کرد: علاوه بر بیماران ضایعه نخاعی یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر از بیمارانی که دارای معلولیت بارز هستند هم حق پرستاری ۲ میلیون ریالی دریافت می کنند.

وی با بیان اینکه رویکرد این سازمان اجتماع محور و مبتنی به خانواده است افزود: سعی می کنیم تا این بیماران را در کانون خانواده نگه داریم و حق پرستاری به خانواده ها در امر نگهداری کمک می کند. مدیرکل امور توانبخشی و سالمندان سازمان بهزیستی گفت: ۲۰ درصد از ۴۵۰ هزار نفر از جامعه روستایی کشور از خدمات طرح سی بی آر استفاده می کنند. دواتگران افزود: طرح توانبخشی مبتنی بر جامعه یا سی بی آر با اولویت شناسایی معلولان با هدف پیشگیری از تشدید معلولیت، اشتغالزایی و توانمند سازی معلولان در حال اجراست.

## «۴۳ هزار خانوار دارای معلول تا پایان سال ۹۷ صاحب مسن می شوند»، ۱ تیر ۱۳۹۶.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل سازمان بهزیستی کشور «انوشیروان محسنی بند پی» ضمن بیان اینکه امسال برای نخستین بار توانستیم ردیف بودجه برای این منظور بگیریم، افزود: هم اکنون ۴۳ هزار مسکن برای معلولان در دست ساخت است که بین ۲۰ تا ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. محسنی بندی هدفگذاری برای تکمیل مسکن خانوارهای دارای دو معلول را تا پایان سال ۱۳۹۷ عنوان کرد و گفت: از ۱۱ هزار خانوار دارای دو معلول تاکنون به حدود ۲۹۰۰ خانوار، مسکن واگذار شده است. وی پیش بینی کرد تا پایان سال جاری به چهار هزار خانوار دارای دو معلول مسکن واگذار شود و مابقی تا پایان سال ۱۳۹۷ صورت گیرد.

رئیس سازمان بهزیستی افزود: برای خانوارهای دارای دو معلول در مناطق شهری ۱۵۰ میلیون ریال از طریق بنیاد مستضعفان، ۱۰۰ میلیون ریال از طریق سازمان بهزیستی و ۵۰ میلیون ریال هم از سوی خیرین مسکن ساز تأمین مالی می شود. وی در ادامه درباره ساخت مسکن برای خانوارهای دارای دو معلول در مناطق روستایی گفت: برای این منظور ۱۰۰ میلیون ریال بنیاد مستضعفان، ۸۰ میلیون ریال سازمان بهزیستی و ۲۰ میلیون ریال بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تأمین مالی را به عهده دارند.

محسنی بندی افزود: هر خانواری که دارای دو فرزند معلول است و به هر علتی تاکنون ثبت نام نکرده اند می توانند با مراجعه به سازمان بهزیستی برای ثبت نام اقدام کنند.

وی در پایان گفت: لایحه مساعدت های اجتماعی هنوز به مجلس نرفته اما سیاست سازمان بهزیستی تخصیص مسکن به خانوارهای دارای معلول است.

## «۴۰۰۰ تسهیل گیر در کشور فعالیت می کنند»، ۲۵ شهریور ۱۳۹۵.

مدیرکل دفتر توانمندسازی بهزیستی کشور در نشست مطبوعاتی اظهار کرد: در طول ۲۵ سال گذشته بزرگ ترین شبکه رسمی ارائه کننده خدمات به مردم شبکه سلامت بود و بعد از آن به جرأت می توان گفت شبکه توانبخشی بزرگ ترین شبکه فعال در کشور است. وی با بیان اینکه در برنامه ریزی ها مهم است که کارها توسط شبکه مردم نهاد یا تسهیلگران انجام شود، افزود: زحمت اصلی این کار بر دوش تسهیلگران محلی است که همه تحصیل کرده هم هستند. کیوان دواتگران با اشاره به همایش تسهیلگران کشور در استان گلستان گفت: در این همایش تسهیلگران کشور را جمع کردیم تا از تجارب آنها استفاده کرده و ببینیم چقدر می توانیم مباحث آموزشی را تغییر دهیم. در این برنامه اساسنامه را به صورت پیش نویس آماده کرده ایم که شاخص های نظارتی بر تسهیلگران و CBR را ارزیابی کنیم. به گفته وی، هم اکنون چهار هزار تسهیلگر در کشور فعالیت می کنند و برنامه CBR را جلو می برند. دواتگران افزود: برنامه های مختلفی در حوزه دفتر توانبخشی داریم. دو دفتر مراکز و دفتر معلولین هم باید کارهای مربوط به توانبخشی و هم کارهای مربوط به معلولان را انجام دهند. وی اظهار

کرد: در دو سال گذشته طرح های توانمندسازی معلولان به طور اختصاصی را در دست اقدام داشتیم و امیدواریم بزودی بسته آموزشی توانمندسازی بیماران روانی و ذهنی را هم فراهم کنیم. کیوان دواتگران با اشاره به استقرار طرح های توانمندسازی تخصصی گفت: برنامه های رفاهی معلولان هم جزو توانمندسازی به شمار می آید. پرداخت حق پرستاری به افراد ضایعه نخاعی، برنامه های اختصاصی و مبحث دسترسی و مناسب سازی از دیگر برنامه های مهم ما است. وی افزود: در این برنامه ها دو رکن مهم وجود دارد که شامل همه اقدامات سبب استقلال زندگی افراد می شود و هر چیزی که زمینه دسترسی افراد معلول به منابع و امکانات را فراهم کند را شامل می شود.

### «۵ میلیارد تومان تسهیلات برای کارفرمایان در مناطق محروم»، ۷ تیر ۱۳۹۷.

رئیس دبیرخانه اشتغال و کارآفرینی سازمان بهزیستی از پرداخت پنج میلیارد تومان تسهیلات کم بهره به کارفرمایانی که طرح های توجیهی اقتصادی شان در مناطق محروم اجرایی شود، خبر داد و گفت: این تسهیلات به شرط جذب معلولان به کار از سوی بهزیستی پرداخت می شود.

مهناز کاشی در مصاحبه با «ایران سپید» در خصوص وضعیت اشتغال معلولان گفت: «یکی از برنامه های مهم سازمان در حال حاضر تدوین آیین نامه های اجرایی قانون جامع حمایت از حقوق معلولان است. چهار آیین نامه توسط حوزه اشتغال سازمان با همکاری حوزه توانبخشی در دست تدوین است که از آن سه آیین نامه و اساسنامه صندوق فرصت های شغلی پیش نویس شده است و تقدیم وزارتخانه خواهد شد.»

وی ادامه داد: «با توجه به ماده ۱۲۷ قانون مدیریت خدمات کشوری افرادی می توانند به استخدام دستگاه های دولتی در آیند که شرایط جسمی و روحی سالم را دارا باشند. این موضوع دقیقاً مخالف با قانون جامع حمایت از حقوق معلولان است و باید بازنگری و اصلاح در آن صورت گیرد که بهزیستی در حال پیگیری این موضوع است.»

کاشی با اشاره به تسهیل گیری شغلی برای معلولان افزود: بهزیستی سالانه برای بحث اشتغال مددجویان ۵۰ هزار تسهیل گیری شغل را بر عهده می گیرد اگر بخواهیم بخش معلولان را حساب کنیم حدود ۲۵ هزار نفر از معلولان را پوشش می دهد. آنچه برای اشتغال معلولان اهمیت دارد گذراندن دوره های تخصصی است به این صورت که افراد در کمیته های تخصصی سازمان ارزیابی می شوند. در این کمیته شرایط معلول با کارهایی که می تواند انجام دهد بررسی شده و بعد از آن برنامه آموزشی شغلی برای فرد تدوین می شود تا مددجو برای ورود به بازار کار چه به شکل خوداشتغالی یا کارفرمایی آماده شود.»

رئیس دبیرخانه اشتغال و کارآفرینی سازمان بهزیستی با اشاره به آموزش های این سازمان اظهار داشت: «آموزش های ما شامل ۱۰ مهارت زندگی، ۱۰ مهارت کسب و کار و یک مهارت فنی مطابق نیاز بازار کار است که هر فرد معلول با توجه به ارزیابی که صورت می گیرد تعدادی از این مهارت ها را با توجه به نیازسنجی کمیته های سازمان بهزیستی

طی می کند.

بعد از آن ارزیابی مجددی روی معلولان صورت می گیرد، اگر افراد آمادگی ورود به بازار کار را داشته باشند به صورت مستقل به بانک ها برای دریافت وام خود اشتغالی معرفی می شوند و اگر توان انجام کار به صورت مستقل نداشته باشند به کارفرمایانی که داوطلب همکاری با سازمان بهزیستی هستند معرفی می شوند و از طریق مشوق هایی که سازمان برای کارفرمایان در نظر گرفته است معلولان جذب بازار کار در بخش خصوصی می شوند.»

وی با اشاره به مشوق های مالی بهزیستی گفت: «یکی از مشوق های مالی پرداخت حق بیمه سهم کارفرماست که ۲۳ درصد حداقل حقوق قانون کار سالانه است. در گذشته بهزیستی به مدت ۵ سال می توانست این حق بیمه را پرداخت کند اما با تصویب قانون جامع معلولان تأمین این هزینه با دولت است. علاوه بر آن یارانه ارتقای کارآیی معلولان را هم داریم که آیین نامه آن تنظیم شده است. یارانه ارتقای کارآیی بین ۳۰ تا ۵۰ درصد حداقل حقوق قانون کار است و به مدت ۵ سال از سوی بهزیستی پرداخت می شود و کارفرمایانی که معلولان را به کار می گیرند با توجه به شدت و نوع معلولیت می توانند از این تسهیلات بهره مند گردند.»

رئیس دبیرخانه اشتغال و کارآفرینی سازمان بهزیستی با اشاره به وام های

کم بهره به کارفرمایان بیان کرد: «فارغ از این دو مشوق حمایتی بحث تسهیلات کم بهره دو تا چهار درصد را هم داریم. کارفرمایانی که طرح توجیهی و البته توجیه فنی و اقتصادی داشته باشند می توانند تا سقف ۱۰۰ میلیون تومان در ازای به کار گیری ۵ فرد معلول از بهزیستی خدمات را دریافت کنند.»

مشوق دیگر ما از طریق منابع ریالی صندوق توسعه ملی است که این منابع در مناطق محروم و روستایی قابلیت پرداخت دارند. البته ناگفته نماند که به طرح های توجیهی اقتصادی پرداخت می شود که در مناطق محروم و کم برخوردار فعالیت می کنند و مشمول ۲۰۰ میلیون تا ۵ میلیارد تومان تسهیلات می شوند.»

وی در پایان صحبت هایش به تضمین های ارائه شده از سوی کارفرمایان اشاره کرده و گفت: «با توجه به مشوق هایی که از طرف بهزیستی به کارفرمایان تعلق می گیرد کارفرما باید تعهداتی را به سازمان ارائه دهد که حداقل به مدت یک سال با کارمند دارای معلولیتش قرارداد کاری منعقد کند. در بخش قرض الحسنه نیز کارفرمایان باید تضمینی برابر ۱۲۰ درصد تسهیلاتی را که دریافت می کنند به سازمان بهزیستی ارائه دهند.»

### «۷ پایگاه اوقات فراغت برای دانش آموزان معلول خرم آبادی»، ۲۴ تیر ۱۳۹۵.

رئیس آموزش و پرورش استثنایی لرستان گفت: به منظور غنی سازی اوقات فراغت دانش آموزان استثنایی با نیازهای ویژه هفت پایگاه اوقات فراغت تابستانی در استان راه اندازی شد.

امیرحسین برجی اظهار داشت: امسال هفت پایگاه تابستانی برای غنی سازی اوقات فراغت ۲۵۰ نفر از دانش آموزان با نیازهای ویژه آماده شده است که خدمات آموزشی، هنری، فرهنگی و ورزشی را توسط مربیان کار آزموده به دانش آموزان ارائه می دهند. وی وجود پایگاه های غنی سازی اوقات فراغت تابستانی را فرصت و بستر مناسبی برای شکوفایی خلاقیت و استعداد های دانش آموزان

با نیازهای ویژه دانست و گفت: این پایگاه ها می توانند سطح دانش و بینش اعتقادی، علمی، اجتماعی و مهارت های هنری دانش آموزان استثنایی را ارتقا دهند.

معاون پرورشی و فرهنگی آموزش و پرورش لرستان نیز در افتتاح این پایگاه با اشاره به کلام امام خمینی (ره) خدمت به معلولان را خدمت به رسول اکرم (ص) دانست و گفت: دانش آموزان با نیازهای ویژه این استان با درخشش در مسابقات فرهنگی و هنری در سطح کشور توانمندی خود را اثبات کرده اند. محسن یوسفوند افزود: این دانش آموزان در بسیاری از موارد حتی از دانش آموزان عادی نیز پیشگام تر بوده اند و ضرورت دارد از همه این ظرفیت ها و پتانسیل ها در زمینه های مختلف استفاده شود.

### **«آرامش معلولان در سایه مسکن»، ۲۴ تیر ۱۳۹۵.**

مدیرکل بهزیستی استان زنجان با بیان اینکه اولویت مسکن در سال جاری با خانواده هایی است که دارای دو یا سه فرد معلول هستند، گفت: ۱۲۱ مورد مسکن در حال ساخت و آماده سازی برای خانواده های دو معلول و سه معلول در شهرها و ۷۰ مورد در روستاهاست.

محمدی قیداری گفت: از ابتدای نهضت مسکن معلولان تا الان ۱۵۷۷ واحد مسکن واگذار شده است که از این واحد ۶۳۷ تعداد واحد در دست تکمیل است.

وی افزود: مسکن دو معلول و سه معلول با یک تفاهمنامه منعقد شده بین سازمان مستضعفان انقلاب اسلامی، سازمان بهزیستی کشور، بنیاد مسکن و انجمن خیرین مسکن ساز که قرار است در مجموع ۳۰ میلیون تومان برای ساخت مسکن شهری همراه با یک وام ۱۵ میلیون تومان تسهیلات بانکی برای معلولان پرداخت شود.

### **«آغاز به کار فراخوان «همتوان» با هدف کاربایی برای معلولان»، ۱ تیر ۱۳۹۶.**

فراخوان «همتوان» با هدف فراهم کردن شرایط برای دورکاری معلولان و کاهش هزینه های کسب و کار آغاز به کار کرد.

به گزارش روابط عمومی دبیرخانه فراخوان «همتوان»، این فراخوان برای ایجاد پلی میان صاحبان کسب و کار و کارجویان معلول راه اندازی شده است.

بسیاری از معلولان به دلیل مناسب نبودن فضاهای عمومی قادر به حضور فیزیکی در محیط های کاری نیستند، این فراخوان سعی دارد با شناسایی این دسته از معلولان، آنها را به کارفرمایان معرفی کند.

در بخش «درباره ما» این فراخوان، توانمندسازی و آموزش معلولان برای عرضه نیروی کار آنها به بازار، آگاه سازی جامعه به مشکلات اجتماعی، شغلی، شهری معلولان، آگاه سازی و ترغیب کارفرمایان به استفاده نیروی کار معلولان و معرفی معلولان موفق در بازار کسب و کار از جمله مأموریت های فراخوان همتوان ذکر شده است.

همتوان یک طرح کاملاً رایگان است که با همکاری چند شرکت برای پایبندی به مسئولیت اجتماعی و چند نهاد خیریه راه اندازی شده است. این طرح نه برای کارجو و نه برای کارفرما هزینه ای ندارد.

علاقه مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و مشارکت در این فراخوان می توانند به سایت آن به آدرس <http://hamtavan.com> مراجعه کنند.

### **«آغاز به کار نخستین ارکستر ملی معلولان ذهنی»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶.**

نخستین ارکستر ملی ویژه معلولان ذهنی ایران «لگاتو» در مرکز آموزشی و رفاهی بهزیستی گرگان کار خود را آغاز کرد. مدیر کل بهزیستی گلستان در گردهمایی ارکستر ویژه ایران «لگاتو» گفت: در این ارکستر معلولان کشور هنرنمایی می کنند. ابراهیم غفاری افزود: نخستین گردهمایی اعضای این ارکستر با حمایت اداره کل بهزیستی گلستان در اردوگاه توس گلستان در گرگان با هدف گروهنازی و کارگاههای آموزشی به مدت ۴ روز برگزار می شود. وی گفت: این ارکستر ملی متشکل از ۱۸ عضو از استان های، فارس، مازندران، تهران، گیلان، گلستان و خراسان رضوی است. مدیر کل بهزیستی گلستان افزود: این ارکستر در هر فصل ۵ تا ۶ موسیقی اجرا میکند. غفاری گفت: تاکنون معلولان تحت پوشش بهزیستی استان گلستان در ۵ جشنواره تئاتر معلولان منطقیهای و یک جشنواره تئاتر معلولان کشوری شرکت کردند و حائز مقام شدند. او افزود: یک هزار و ۲۰۰ نفر از معلولان استان تحت پوشش ۲۰ مرکز توانبخشی روزانه ذهنی و مرکز توانبخشی اوتیسم در استان گلستان قرار دارند و ایجاد هنر درمانی از وظایف این مراکز است.

### **«ابداع فناوری نوین برای نابینایان»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.**

فناوری جدیدی نابینایان را قادر به انجام بازی های رایانه ای می کند. شاید قابل درک نباشد که بازی های ویدئویی ویژه ای به منظور انجام مسابقات اتومبیلرانی برای افراد نابینا وجود داشته باشد، اما با طراحی رابط کاربری خاصی موسوم به رَد (RAD) این قابلیت در دسترس نابینایان قرار گرفته است. برایان ای. اسمیت، کاندیدای دانشیاری علوم رایانه در دانشگاه کلمبیا که فناوری RAD را ابداع کرده مدعی است این رابط کاربری مبتنی بر صدا را می توان تقریباً با هر بازی رایانه ای اتومبیلرانی موجود



در بازار یکپارچه سازی کرد و امکان انجام و لذت بردن از بازی را برای افراد کور فراهم کرد. عنوان RAD در واقع از کلماتی گرفته شده که مفهومی، چون صفحه نمایش شنیداری مسابقه را در ذهن تداعی می کند و نخستین سیستمی به شمار می رود که ادعا شده با استفاده از آن نابینایان می توانند بازی های مسابقه ای سه بعدی «واقعی» را با گرافیکی کاملاً 3D در کنترل کننده های پلی استیشن نسخه 4، کامپلکس ریسترکر ها و مانند آن تجربه کنند.

### «اپل از 13 ایمیجی ویژه معلولان رونمایی می کند»، 16 فروردین 1397.

شرکت اپل اعلام کرده بزودی از 13 ایمیجی جدید ویژه افرادی که معلولیت های مختلف دارند رونمایی می کند. ایمیجی هایی برای نابینایان، ناشنوایان، معلولان حرکتی و... که آنها می توانند از این پس با کاراکترهای اختصاصی خود با دوستانشان گفت و گو کنند. پیش بینی می شود این ایمیجی ها با استقبال بالای مخاطبان رو به رو شوند.

### «اجازه خرید اسلحه به معلولان آمریکایی»، 19 اسفند 1395.

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری امریکا، با امضای مصوبه ای محدودیت های اعمال شده در زمینه خرید اسلحه گرم برای افرادی با معلولیت های ذهنی حاد را لغو کرده است.

این مصوبه (10 اسفند 95) در سنای امریکا با 57 رأی موافق در مقابل 43 رأی مخالف تصویب شده بود. مطابق با این قانون جدید بیش از 750 هزار معلول ذهنی که در دوره باراک اوباما، رئیس جمهوری پیشین، امکان خرید اسلحه نداشتند به آسانی اجازه خرید اسلحه خواهند داشت. دولت اوباما اداره امنیت اجتماعی را ملزم کرده بود تا اسامی افرادی را که معلولیت ذهنی شدید داشتند و می خواستند اسلحه بخرند، به فروشگاه های خرید اسلحه گزارش دهد. اداره امنیت اجتماعی امریکا دسامبر گذشته قوانین نظارتی اعمال شده از سوی دولت اوباما را مورد تصویب نهایی قرار داد. هواداران کنترل حمل سلاح معتقد هستند لغو این قانون می تواند خشونت های مرتبط با سلاح گرم را افزایش دهد.

### «اجرای تفاهمنامه پیام نور و بهزیستی از پاییز»، 28 اردیبهشت 1396.

علی همتی، دبیر ستاد امور دانشجویان بهزیستی در گفت و گو با ایران سپید در خصوص بار مالی تفاهمنامه

دانشگاه پیام نور و بهزیستی مبنی بر رایگان شدن هزینه تحصیل مددجویان معلول در دانشگاه پیام نور گفت: «تفاهمنامه میان دانشگاه پیام نور و سازمان بهزیستی در اواخر سال 95 منعقد شد که دانشجویان تحت پوشش سازمان بهزیستی بتوانند بدون مراجعه به امور مالی و پرداخت مستقیم در دانشگاه مذکور ثبت نام کنند و ادامه

تحصیل دهند. با وجود این تفاهمنامه سازمان بهزیستی به صورت مستقیم هزینه های مددجویان یا معلولان تحت پوشش خود را به دانشگاه پرداخت می کند.

وی افزود: با توجه به اینکه این تفاهمنامه بار مالی بسیاری را بر دوش سازمان می گذارد هنوز نتوانسته

ایم منابع مالی آن را تأمین کنیم به همین جهت اجرای آن به تعویق افتاد. وی خاطرنشان کرد: این تفاهمنامه از مهر ماه ۹۶ در سراسر کشور اجرایی

خواهد شد. دانشجویانی که هم اکنون در دانشگاه های پیام نور تحصیل می کنند باید تا مهر ماه صبر کرده و هزینه ترم های پیش رو را خود پرداخت کنند.

سازمان بهزیستی مانند سنوات گذشته ۵۰ تا ۶۰ درصد هزینه تحصیل را به دانشجویان تحت پوششی که در دانشگاه پیام نور تحصیل می کنند، خود پرداخت می کند.»

### **«ارائه امکانات نرم افزاری به دانشجویان نابینا»، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵.**

حسین نحوی نژاد معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور از ارائه امکانات نرم افزاری از جمله لپ تاپ، ماشین تایپ بریل و عصای هوشمند به دانشجویان نابینا و نیمه بینای تحت پوشش این سازمان خبر داد و گفت: هم اکنون این طرح در مرحله نیازسنجی قرار دارد.

وی با اشاره به اینکه ۴۰ درصد دانشجویان تحت پوشش را این افراد تشکیل می دهند، افزود: این امکانات در اختیار همه دانشجویان نابینا و نیمه بینای تحت پوشش بهزیستی بویژه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری قرار خواهد گرفت که بر اساس اولویت ها بتدریج بین آنان توزیع می شود.

### **«اصغر همت، مدیر عامل خانه تئاتر: با آغوش باز از گروه های معلولان حمایت می کنیم»، آیدین آذر، ۲۵ آذر ۱۳۹۵.**

خانه تئاتر بهعنوان نهاد صنفی حمایت از حقوق اهالی تئاتر، رسمی ترین ارگان حمایتی برای هر گروه تئاتری - اعم از قدیمی و نوپا - به شمار میرود. گرچه این نهاد در طول سالهای فعالیت خود با مشکلات فراوانی مواجه بوده، اما درجه اهمیت آن برای اهالی تئاتر بالاست. چنانچه اشاره شد این نهاد، رسمی ترین نهاد صنفی تئاتری هاست که از آنها حمایت میکند، اما آیا گروه های تئاتر معلولان هم میتوانند امیدوار حمایت این نهاد صنفی از آنها باشند؟ اصغر همت، مدیر عامل خانه تئاتر و یکی از اعضای هیأت داوران چهارمین جشنواره بینالمللی تئاتر، در گفتوگویی کوتاهی به این سؤال پاسخ داد، اما پیش از پاسخ به این سؤال، به اختصار اشارهای به کیفیت جشنواره تئاتر معلولان امسال کرد: «من جزو هیأت بازبینی نبودم و در ایام جشنواره نمایشها را دیدم. اما میتوانم بگویم که این جشنواره در مقایسه با جشنواره هایی که چندان هم دارای جایگاه نبوده اند، بسیار با ارزش و مهم است؛ جشنواره ای که دو وجه مهم دارد؛ یکی اینکه در خود معلولان نیروی امید و تلاش ایجاد میکند و دیگر اینکه جامعه را با معلول آشنا میسازد و میآموزد که در مواجهه با فرد معلول

چگونه باید رفتار کنند.»

ص: ۲۷۴

بازیگر نقش مروان حکم بر این باور است که تئاتر معلولان باید متولی قوی داشته باشد تا بتواند فعالیتهایش را گسترش دهد: «خیلیها این سؤال را دارند که آیا تئاتر معلولان هم میتواند یکی از گروه های مورد حمایت مستقیم خانه تئاتر شود؟ واقعیت این است که خانه تئاتر، یک نهاد صنفی کاملاً حرفه ایست؛ یعنی حرفه هم به معنای عام و هم به معنای خاص، یعنی شغل. گرچه در احقاق حقوق اعضای خود با مشکلاتی مواجه است، اما تئاتر معلولان نمیتواند در فضایی مثل خانه تئاتر بگنجد. به نظر من تئاتر معلولان نیازمند یک حامی در سطح یک سازمان گسترده هست تا تحت حمایتهای آن سازمان بتواند وسعت فعالیت هایش را بیشتر کند. با این حال و با وجودی که در فضای خانه تئاتر، ظرفیتی برای انجمنی صنفی مثل تئاتر معلولان پیش بینی نشده، من این قول را میدهم که در صورت مراجعه سازمان بهزیستی، ما هر نوع حمایت فنی و تخصصی از گروه های معرفی شده از سوی سازمان بهزیستی و همچنین گروه های معلول آزاد را خواهیم داشت. اما تأکید میکنم که حمایتهای تخصصی، مثل آموزش.» مدیر عامل خانه تئاتر در پایان، موفقیت جشنواره ها را در برقراری ارتباط با مردم دانست: «خیلی از جشنواره ها بدون اینکه با مردم تماس داشته باشند برگزار میشوند و همین روند، باعث میشود که ما از اصطلاح جشنواره زدگی استفاده کنیم. برآیند یک جشنواره، مخصوصاً جشنواره تئاتر این است که نمایشها قبل از حضور در جشنواره، از سوی مردم دیده شوند. این قانون درباره جشنواره تئاتر معلولان هم صادق است؛ اول باید مردم تواناییهای معلولان را ببینند و بعد از آن، نمایش در جشنواره حضور یابد و گرنه برگزاری این جشنواره ها، اگر دارای اتفاقات مثبتی هم باشد که معمولاً دارای اتفاقات مثبت است، با پایان آن جشنواره فراموش میشود.»

### «اعلام نتایج اوزان سبک وزن مسابقات قهرمانی کشور پرس سینه نابینایان» ۵ اسفند ۱۳۹۵.

مسابقات قهرمانی کشور پرس سینه نابینایان با قهرمانی مازندران به پایان رسید. گیلان دوم و اردبیل در جایگاه سوم قرار گرفت. نتایج انفرادی اوزان سبک وزن به این شرح است: وزن ۵۶ کیلوگرم: هادی جاهدی با مجموع ۹۷.۵ کیلوگرم از اردبیل اول، رسول نصیری با مجموع ۷۵ کیلوگرم از گیلان دوم و حمید عربی با مجموع ۵۵ از یزد سوم. وزن ۶۰ کیلوگرم: محمد حسنپور با مجموع ۸۲.۵ از مازندران اول، هانی علیپور با مجموع ۷۲.۵ از گیلان دوم و فرهاد خاندوزی با مجموع ۷۰ از گلستان سوم. ۶۷.۵ کیلوگرم: سید هادی حسینی با مجموع ۹۷.۵ از گیلان اول، حسین گودرزی با مجموع ۸۵ از البرز دوم و علیرضا واحدی با مجموع ۸۲.۵ از مازندران سوم. وزن ۷۵ کیلوگرم: جعفر اسد اللّهی با مجموع ۱۳۵ از مازندران اول، مرتضی کوهزاد با مجموع ۱۳۰ از گلستان دوم و فرزین شاهحسینی با مجموع ۱۱۵ از کرمانشاه سوم. وزن ۸۲.۵ کیلوگرم: احد جواهری با مجموع ۱۴۵ از اردبیل اول، بهروز امیدی با مجموع ۱۳۵ از گیلان دوم و محمد جواهری با مجموع ۱۱۷.۵ از اردبیل سوم.

## «افتتاح سومین مجتمع خدمات بهزیستی کلاله در پنجمین روز هفته بهزیستی»، ۳۱ تیر ۱۳۹۵.

همزمان با پنجمین روز هفته بهزیستی، سومین مجتمع خدمات بهزیستی کلاله با حضور مسئولان افتتاح شد.

به نقل از روابط عمومی بهزیستی گلستان، سومین مجتمع خدمات بهزیستی شهرستان کلاله در حوزه توانبخشی با عنوان مجتمع خدمات بهزیستی «رهگشا» ۲۶ تیر ماه همزمان با پنجمین روز هفته بهزیستی، با حضور مدیر کل بهزیستی استان، فرماندار و رئیس بهزیستی کلاله در این شهرستان به بهره برداری رسید. رقیه رحمانی، مدیر کل بهزیستی استان در این مراسم گفت: این مجتمع به عنوان سومین مجتمع خدمات بهزیستی کلاله که با مجوز اداره کل بهزیستی فعالیت خود را آغاز کرده در زمینه توانبخشی مبتنی بر جامعه (cbr) به منظور رفع نیازمندی ها و بهبود کیفیت زندگی جامعه هدف بهزیستی در شهرستان کلاله خدمات ارائه می کند. وی افزود: شهرستان کلاله با بیش از ۴ هزار و ۱۴۰ نفر معلول و سالمند، ۹ درصد معلولان استان را در خود جای داده است. معلولیت جسمی - حرکتی با یک هزار و ۵۱ نفر بیشترین و معلولیت صرع با ۲۳۲ نفر کمترین نوع معلولیت در این شهرستان به شمار می رود.

## «اماکن گردشگری برای بهره مندی جانبازان و معلولان مهیاتر شود»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.

مدیر کل امور ایثارگران شهرداری تهران گفت: شورای شهر و شهرداری تهران کمک کنند که اماکن گردشگری و دیدنی برای استفاده جانبازان، ایثارگران و معلولان مهیاتر شود.

«رضا جلالی» در بازدید از ستاد نوروزی گردشگری شهرداری تهران اظهار داشت: ابتکار و خلاقیت های دوستان جوانان در ستاد گردشگری برای میزبانی از میهمانان نوروزی واقعاً شایسته قدردانی و ستایش است. وی افزود: فعالیت این ستاد علاوه بر خدمات دهی به گردشگران، به نوعی موجب «کارآفرینی موقت» نیز شده و شاهدیم که طیف جوانی در این ستاد و ایستگاه های اطلاع رسانی مستقر در سطح شهر، «ایثارگرانه» و «مخلصانه» مشغول فعالیت هستند. مدیر کل امور ایثارگران شهرداری تهران اشاره کرد: باید تلاش های دوستانمان در ستاد گردشگری دیده شود، عزیزانی که در اینجا مشغول فعالیت هستند، بواقع خدمت بزرگی به هموطنان و کشور می کنند. این مقام مسئول تأکید کرد: اقدام های همکارانمان در ستاد گردشگری شهرداری تهران، روح تازه ای را به کالبد شهر تهران تزریق کرده و به مسافران خدمات مطلوبی ارائه می شود. جلالی در پاسخ به این سؤال که آیا اماکن گردشگری و تفریحی شهر تهران برای بهره مندی جانبازان آماده است؟ گفت: قطعاً شورای اسلامی شهر و شهرداری تهران باید کمک کنند که زیرساخت های گردشگری تقویت و اماکن گردشگری و دیدنی برای استفاده جانبازان، ایثارگران و معلولان مهیاتر شود.

## «امضای تفاهمنامه مشترک میان دانشگاه پیام نور و سازمان بهزیستی» ۵ اسفند ۱۳۹۵.

به گزارش ایران سپید تفاهمنامه ای میان محسنی بندپی، رئیس سازمان بهزیستی و علی اصغر رستمی، رئیس دانشگاه پیام نور جهت همکاری مشترک میان این دو نهاد یک اسفند ماه در سازمان بهزیستی منعقد شد. سازمان بهزیستی و دانشگاه پیام نور اول اسفند ماه طی مراسمی تفاهمنامه ای را مبنی بر پرداخت مستقیم هزینه های تحصیلی مددجویان بهزیستی امضا کردند.

محسنی بند پی رئیس سازمان بهزیستی در مراسم امضای این تفاهمنامه گفت: سال گذشته تفاهمنامه ای در خصوص پرداخت هزینه های تحصیلی دانشجویان به صورت مستقیم با دانشگاه آزاد اسلامی امضا کردیم و در راستای ارتقای خدمات سازمان بهزیستی در حوزه آموزش مددجویان امسال این تفاهمنامه را با دانشگاه پیام نور منعقد می کردیم. وی در ادامه عنوان کرد: ما باید در حوزه آموزش، توجه خاصی به منابع انسانی، رشد علمی، افزایش مهارت و اثربخشی در زمینه های فناوری و تکنولوژی داشته باشیم. وی با اشاره به نابرابری اجتماعی برخی شهروندان در مسائل اجتماعی و تحصیلی بیان کرد: هدف ما فراهم سازی شرایط بازتوانی و اجتماع پروری دانشجویان با نیاز های خاص است. ما با امضای این تفاهمنامه مشترک تلاش بر افزایش توان پژوهشی و تحقیقی جامعه هدف بهزیستی داریم. بندپی در ادامه افزود: دانشگاه پیام نور ویژگی های خوبی دارد و حدود هفت هزار نفر از جامعه هدف ما در این دانشگاه تحصیل می کند که چهار هزار نفر از این افراد مربوط به حوزه اجتماعی و سه هزار نفر مربوط به حوزه توانبخشی است. وی ادامه داد: از تعداد ذکر شده ۴۵۰۰ نفر زن و ۲۵۰۰ نفر مرد هستند که در مقاطع مختلف در دانشگاه پیام نور تحصیل می کنند. گفتنی است: با امضای این تفاهمنامه دانشجویانی که تحت پوشش بهزیستی هستند و در دانشگاه پیام نور تحصیل می کنند از این پس رابطه مالی با دانشگاه نخواهند داشت و سازمان بهزیستی به صورت مستقیم هزینه های تحصیلی این دانشجویان را پرداخت می کند.

## «انتخاب هیئت رئیسه فراکسیون معلولان در مجلس» ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶.

فاطمه ذوالقدر، نماینده مردم تهران در مجلس از انتخاب هیأت رئیسه فراکسیون معلولان مجلس دهم خبر داد و گفت: نشست فراکسیون معلولان با بیش از ۶۰ نفر از نمایندگان برگزار شد و در این نشست هیأت رئیسه فراکسیون مشخص شدند، که بر این اساس زهرا ساعی نماینده مردم تبریز به عنوان رئیس فراکسیون معلولان مجلس انتخاب شد. همچنین حسین رضازاده نماینده مردم کازرون و معصومه آقاپور علیشاهی نماینده مردم شبستر به عنوان نایب رئیس اول و دوم انتخاب شدند، فاطمه ذوالقدر به عنوان سخنگو و یوسف داوودی نماینده مردم سراب و رسول خضری نماینده مردم سردشت و پیرانشهر هم به عنوان دبیران فراکسیون معلولان انتخاب شدند.

## «اولویت بندی برای معافیت از حق انشعابات»، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶.

چندی پیش تعدادی از مخاطبان طی تماسی با روزنامه از اجرایی نشدن معافیت حق انشعابات آب، برق، گاز و فاضلاب گلایه کردند و خواستار پیگیری این موضوع از سوی نهاد های مربوطه شدند. علی ربوبی، دبیر ستاد مسکن مددجویان سازمان بهزیستی کل کشور در پاسخ به اینکه چرا برخی سازمان ها با توجه به معافیت مددجویان و بویژه افراد دارای معلولیت این خدمت را رایگان در اختیار شان قرار نمی دهند؟ می گوید: همه معلولان و مددجویان تحت پوشش سازمان بهزیستی می توانند با دریافت نامه از بهزیستی محل سکونتشان از این معافیت ها بهره مند شوند. وی با اشاره به اعتبارات محدود این معافیت ها در اداراتی همچون آب و برق و گاز می افزاید: این اعتبارات را وزارت نیرو و وزارت نفت تعیین می کنند که مبلغی را هر ساله در قانون بودجه در اختیارات ادارات ذکر شده قرار می دهند تا این معافیت ها شامل حال مددجویان و معلولان شود؛ در هر استانی سقفی را برای مددجویان آن تعیین می کند و اولویت استفاده آن با خانواده های کم درآمد است. وی با بیان مثالی می گوید: اگر در یک استان تعداد متقاضیان استفاده از این تسهیلات بیشتر از سقف بودجه ای آن باشد این تسهیلات با اولویت مددجویان فاقد شغل به متقاضیان تعلق می گیرد. اگر محدودیتی برای ما از طریق سازمان اعلام شود ما نیز برای ارائه معرفی نامه ها دچار محدودیت و اولویت بندی از لحاظ میزان درآمد فرد خواهیم شد. در ادامه روند پیگیری این موضوع در ادارات مختلف با شرکت آب و فاضلاب استان تهران مکاتباتی انجام دادیم که بر همین اساس فرزانه چاوش باشی، مدیر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان تهران در خصوص این معافیت ها می گوید: طبق بخشنامه ای که هر ساله به ما ارسال می شود مددجویان سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) بر اساس بند د ماده ۳۹ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران از پرداخت حق انشعاب و آب و فاضلاب در حد یک واحد مسکونی و برای یک بار معاف هستند. وی با بیان آنکه مددجویان در صورت مشاهده هر مشکلی از جمله هدر رفت آب، حادثه و همچنین اعمال نشدن این معافیت از سوی سازمان آب می توانند از طریق سامانه ۱۲۲ مشکلات را عنوان کنند، می گوید: ما افراد را راهنمایی می کنیم تا با مراجعه به ادارات آب منطقه مشکلاتشان را حل کنند.

## «اهدای تجهیزات اسکی به ایران توسط برگزار کننده بازی های زمستانی»، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵.

در جریان برگزاری مسابقات اسکی آلپاین قهرمانی جهان، ۳۰ کشور از جمله ایران تجهیزات اسکی آلپاین و اسنوبورد دریافت خواهند کرد.

به نقل از سایت کمیته ملی پارالمپیک، این اقدام با حمایت بنیاد آجیتوس و در راستای حمایت از کمیته های ملی برای حضور در بازی های زمستانی المپیک و پارالمپیک در پیونگ چانگ کره جنوبی صورت گرفته است. کشورهایی که این کمک ها را دریافت خواهند کرد عبارتند از: آرژانتین، استرالیا، اتریش، بلژیک، بوسنی و هرزگوین، برزیل، کانادا، شیلی، چین، کرواسی، جمهوری چک، فنلاند،

فرانسه، آلمان، انگلستان، مجارستان، ایتالیا، ژاپن، نروژ، هلند، لهستان، صربستان، اسلوانی، کره جنوبی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، امریکا، نیوزیلند و ایران. این اقدام به منظور توسعه ورزش های زمستانی معلولان صورت خواهد گرفت.

### «با مغزتان تایپ کنید»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵.

معلولانی که قادر به استفاده از دست هایشان نیستند با فناوری جدید می توانند تایپ کنند. محققان دانشگاه استنفورد در یک طرح پژوهشی با کار گذاشتن الکترودهایی بسیار کوچک به افراد معلول کمک کردند در صفحه نمایش تایپ کنند. تحقیق مذکور با سه شرکت کننده انجام شد. در مغز هر کدام از این افراد یک یا دو الکتروود کاشته شد که به کورتکس مغز (که کنترل ماهیچه ها را برعهده دارد) سیگنال می فرستد. این سیگنال ها به رایانه منتقل شده و به الگوریتم های «دستور و کلیک» ترجمه می شود. نتایج شرکت کنندگان با وجود تمرین کم، بسیار خوب بود. دو تن از شرکت کنندگان در این تحقیق توانستند در هر دقیقه ۶.۳ و ۲.۳ کلمه ثبت کنند. شرکت کننده دیگر نیز به طور متوسط ۷.۸ کلمه در هر دقیقه ثبت کرد. به گفته محققان چنین سیستمی هیچ تأثیر منفی ندارد و می توان از این سیستم به طور مداوم استفاده کرد. این سیستم نقطه عطفی در مسیر تلاش برای بهبود زندگی افرادی با معلولیت های شدید مانند مبتلایان به ALS است.

### «با میکروسکوپ جدید می توان با افراد ناشنوا و نابینا کمک کرد»، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶.

بسیاری از افرادی که بینایی یا شنوایی خود را از دست داده اند دوست دارند با ترمیم مستقیم چشم و گوش توان دیدن و شنیدن را مجدداً به دست آورند.

محققان دانشگاه رایس در امریکا برای تحقق این آرزو، گام مهمی رو به جلو برداشته اند و میکروسکوپ تختی ابداع کرده اند که Flat Scope نام گرفته و با کاشت آن در مغز عملکرد سلسله اعصاب و یاخته های عصبی تحت کنترل قرار گرفته و امکان تحریک آنها فراهم می آید. با این کار مغز نه تنها می تواند جزئیات بیشتری را از محیط اطراف به ثبت برساند، بلکه قابلیت درک شیوه پردازش داده های حسی ورودی به مغز نیز برای دانشمندان به وجود می آید. نتیجه این تحول امکان پذیر شدن کنترل این داده ها برای انسان ها خواهد بود و دانشمندان در نهایت خواهند توانست حسگرهایی بسازند که اطلاعات را از جهان خارج به ذهن انسان ها منتقل کند. تولید میکروسکوپ Flat Scope بخشی از یک ابتکار عمل گسترده تر آژانس دارپا وابسته به وزارت دفاع امریکا است که هدف از اجرای آن تولید یک رابط کاربری عصبی با دقت و کیفیت بالا است. پیشبرد چنین فناوری هایی در نهایت منجر به درک و تفسیر سریع فعالیت یاخته های عصبی مغز انسان خواهد شد و



حسگرهای مبتنی بر این فناوری می توانند حواس از دست رفته در هر انسانی را احیا کنند و لذا افراد نابینا و ناشنوا امید فراوانی به تولید نمونه های پیشرفته تری از Flat Scope بسته اند.

### «بازارچه دستاوردهای معلولان در خراسان جنوبی راه اندازی می شود»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶.

معاون مشارکت ها و اشتغال اداره کل بهزیستی خراسان جنوبی از اجرای طرح شکرانه سلامت در ماه رمضان خبر داد و گفت: در این ماه بازارچه ای به منظور معرفی و شناساندن دستاوردهای معلولان و مددجویان در استان برپا می شود. حسن رحیمی با اشاره به برنامه های اجرایی در ماه مبارک رمضان در خراسان جنوبی اظهار داشت: یکی از برنامه های بهزیستی در ماه مبارک رمضان توزیع سبد غذایی بین مددجویان ادارات بهزیستی خراسان جنوبی است. وی با بیان اینکه برگزاری مراسم افطاری در شهرستان ها و مراکز خیریه و غیرانتفاعی در استان از دیگر برنامه های این ایام است، افزود: پزشکان داوطلبی که با ادارات بهزیستی همکاری دارند و به صورت رایگان معلولان و مددجویان را معاینه و درمان می کنند تجلیل می شوند. معاون مشارکت ها و اشتغال اداره کل بهزیستی خراسان جنوبی گفت: طرح شکرانه سلامت در ماه رمضان اجرا می شود که این طرح شامل کسر چهار رقم آخر فیش حقوقی برای کارکنان ادارات کل و شهرستان های خراسان جنوبی است. رحیمی افزود: یکی از برنامه های بهزیستی خراسان جنوبی در ماه مبارک رمضان، اجرای طرح ضیافت مهر است که در این طرح حداقل در هر شهرستان تعداد ۱۰ خانواده مورد بازدید و دلجویی مسئولان قرار می گیرند. معاون مشارکت ها و اشتغال اداره کل بهزیستی خراسان جنوبی گفت: بازارچه ای به منظور معرفی و شناساندن دستاوردهای معلولان و مددجویان در روزهای جمعه در ماه مبارک رمضان در راستای معرفی فعالیت های بهزیستی در قالب بروشور تشکیل می شود. رحیمی تصریح کرد: بهزیستی خراسان جنوبی در سرتاسر استان جهت دریافت نذورات و کمک های نقدی و غیرنقدی مردم به منظور برگزاری مراسم افطاری برای مددجویان، معلولان و نیازمندان اعلام آمادگی می کند و حساب مشارکت های مردمی اداره کل بهزیستی استان نزد بانک توسعه تعاون به شماره ۴۰۰۰۹۱۴۳۴۵۲۰۱۰۱ و شماره حساب مشارکت های مردمی اداره کل بهزیستی استان نزد بانک ملت ۲۳۴۵۲۰۳۹۵۹ است.

### «بازدید نمایشگاه مطبوعات از روی صندلی چرخ دار»، مهدیه رستگار، ۱۱ آبان ۱۳۹۶.

بیست و سومین نمایشگاه مطبوعات در حالی برگزار شد که بخت یار مان شد و بعد از ۴ سال موفق به بازدید نمایشگاه شدم.

از زمانی که مسئولیت رسانه انجمن باور بر گردنم نهاده شده بود بر خودم لازم می دانستم که از نمایشگاه مطبوعات بازدید کنم و با نشریات جدیدی ارتباط بگیرم تا با درج مشکلات فراوان معلولان صدای مان را به گوش مسئولان و مردم برسانم تا قدمی در راه تغییر فرهنگ غلط و رفع گوشه ای از مشکلات و معضلات برداشته باشم. نمی خواهم بگویم از طی مسیر و شنیده نشدن ناامید شده بودم! اما از همکاری نکردن دیگران از هموعان خودم گرفته تا مسئولان بلند پایه دلسرد شده بودم. خودم را به کارهای دیگری مشغول کرده بودم تا اینکه باز هم احساس وظیفه مشوق اصلی من شد تا بار دیگر دست به زانو بگیرم و با همکاری اصحاب رسانه به دیده شدن این قشر از جامعه کمکی کرده باشم.

عدم سرویس دهی سامانه حمل و نقل معلولان هم مزید بر علت شده بود. برای همچون منی که بدون استفاده از سرویس های سامانه امکان رفت و آمد را نداشتم.

مسئولان سامانه حمل و نقل معلولان می گویند: سامانه نباید برای حضور مشترکین به مصلی سرویس بدهد!!!!

بماند که با دلایل مسئولان سامانه قانع نشدم و بحث ها فایده ای در بر نداشت و چاره ای نبود جز سکوت.

و اینگونه بود که چند سالی از بازدید و حضور در نمایشگاه جا ماندم.

بعد از چند سال دوری از محیط جذاب نمایشگاه، این بار همه چیز برایم لذت بیشتری داشت؛ بوی کاغذ و عطر روزنامه و صدای قلم و برخورد سرانگشتان با کلید های صفحه کلید رایانه و چیلیک چیلیک صدای دوربین خبرنگاران و حضور پر شور بازدید کنندگان عام و خاص...

رویاریی چهره به چهره با خبرنگاران عزیزی که از راه دور و به کمک رایانامه باهاشون در ارتباط بودم هم حال و هوای خاص خودش را داشت.

اما موضوعی که تلنگر نوشتن این مطلب را در ذهنم جای داد این بود که:

در فضایی با صندلی چرخدار مان قدم می زدیم که بالای ۹۰ درصد حاضرین، اهل قلم و رسانه ای بودن یا اگر غیر از این بود، همگی دوستدار ادب و فرهنگ و اهل مطالعه بودند....

اما چیزی که به نظرم عجیب آمد....

باز هم به گوش رسیدن جملات کوتاه پر تکرار همراه با آه:

آاااخی

خدا شفا بده

خدایا شکر ت و....

جملاتی که افراد دارای معلولیت به کرار در مکان های مختلف با آن مواجه شده اند.

بنده منکر این نیستم که مخلوق باید شاکر باشد و هر شکری؛ شکر و نعمتی دیگر در پی دارد. هر نفسی هم که می کشیم جای بسی شکر دارد. همچنین طلب شفای خیر برای دیگران که کار بسیار پسندیده و مورد قبولی است.

اما توجه به وضع حال افراد و مکان و موقعیت نیز بسیار مهم است و به بیانی رایج تر:

«هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد»

ص: ۲۸۱

در زمان مواجهه با فردی که به دلایلی با معلولیت زندگی را سپری می کند شاید ابراز چنین جملاتی با صدای بلند چندان خوشایند نباشد.

به تعداد بی نهایت از دوستان دارای معلولیتم شنیده ام که با شنیدن چنین جملاتی و دیدن نگاه های ترحم آمیز، روحیه خود را از دست داده و برای مدتی از جامعه کناره گرفته اند تا لافقل همراه کنار دست خود را آزرده خاطر نکنند. و چه بسا در مواردی این مدت، دائمی شده و به طور کل گوشه انزوا را برای ادامه زندگی خود برگزیده اند.

دوست عزیز مان از خبرنگاران صفحه توانش روزنامه ایران از مناسب سازی مصلی از ما سؤال کردند. ما هم رضایت خودمان را از مناسب سازی فضای داخلی نمایشگاه ابراز کردیم اما چیزی که امسال برای نخستین بار در نمایشگاه مشکل ساز شده بود و باعث اذیت مان شد.

چیزی بود که به احتمال زیاد توجه هیچ فرد غیر معلولی را به خودش جلب نمی کرد!!! آن هم سیم های برقی بودن که روی زمین بوسیله محافظ عایق ماندی پوشیده شده بودند و پل های کوچکی ایجاد کرده بودند اما برای ما که روی صندلی چرخ دار بودیم مانعی محسوب می شد که هر بار از روی آن رد می شدیم فریاد استخوان های کمر مان در می آمد. ما هم آن بزرگواران و آن استخوان های کم تحمل و کم ظرفیت را دعوت به سکوت می کردیم و لذت بردن از فضای پر انرژی نمایشگاه مطبوعات.

### **«برپایی غرفه ویژه نابینایان و ناشنوایان در نمایشگاه قرآن»، ۲۷ خرداد ۱۳۹۵.**

گروه فعالیت های قرآنی: مؤسسه بانوان قرآن پژوه به منظور برقراری ارتباط میان گروه های گوناگون جامعه، غرفه ویژه ای به نابینایان و ناشنوایان در نمایشگاه قرآن اختصاص داده است. به گزارش خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، ملیحه سادات موسوی، مدیر کمیته بانوان نمایشگاه قرآن با اشاره به فعالیت های واحد نابینایان در نمایشگاه امسال، اظهار کرد: فعالیت های این واحد در نمایشگاه قرآن شامل مشاوره در امور مربوطه و برگزاری جلسات سخنرانی با استفاده از صاحب نظران و وکلای نابینا در زمینه مفاهیم قرآنی و «به سوی فهم قرآن» است. مدیر کمیته بانوان بیست و چهارمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم در ادامه فعالیت های واحد ناشنوایان در نمایشگاه قرآن را **Work shop** هنری و ارائه خدمات مشاوره و آموزش زبان اشاره (زبان خاص ناشنوایان) برای بازدیدکنندگان شنوا و ناشنوا اعلام کرد.

یادآور می شود، بیست و چهارمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم با شعار «به سوی فهم قرآن» از ۲۴ خرداد ماه تا ۸ تیرماه مصادف با ۷ تا ۲۲ ماه مبارک رمضان به مدت ۱۶ روز در مصلاهی بزرگ حضرت امام خمینی (ره) از ساعت ۱۸ الی ۲۳:۳۰ برگزار خواهد شد.

چهارمین دوره جشنواره کتاب های صوتی ویژه کودکان و نوجوانان نایینا برگزار می شود. این جشنواره با رویکرد جلب مشارکت های مردمی در امر ضبط و تولید کتاب های صوتی برای نایینیان در حوزه کودک و نوجوان، به همت کتابخانه فرهنگسرای فردوس برگزار می شود. حسن آذری، مسئول کتابخانه فرهنگسرای فردوس ضمن گفت و گو با ایران سپید، هدف از برگزاری این جشنواره را، ایجاد حس مشارکت مردمی در امر تولید کتاب برای کودکان و نوجوانان نایینا عنوان می کند: «با هدف توسعه تولید کتاب صوتی برای کودکان و نوجوانان نایینا، با جلب مشارکت مردمی، طی سه دوره اقدام به برگزاری جشنواره کردیم. در واقع ما از مردم خواستیم با ضبط کتاب برای کودکان و نوجوانان نایینا، در تولید این نوع کتاب ها ما را یاری کنند.» آذری در ادامه توضیحات خود، نحوه برگزاری جشنواره را به سه مرحله تقسیم می کند: «ارزیابی و انتخاب کتاب ها برای حضور در جشنواره طی سه مرحله انجام می شود؛ مرحله اول بررسی تطبیقی است که کتاب های ضبط شده توسط جمعی از کتابداران کتابخانه های سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران، با نسخه بینایی آنها مطابقت داده می شود و مواردی که خارج از نسخه اصلی کتاب است، حذف شده، نمونه هایی که عیناً کتاب را ضبط کرده اند، به مرحله دوم که بررسی کتاب ها از نظر فن بیان است، راه می یابند. در این مرحله، گروهی از جوانان دانش آموخته تئاتر، مواردی که اصول فن بیان را رعایت کرده اند، انتخاب می کنند تا امکان حضور در مرحله نهایی را پیدا کنند. در مرحله نهایی، موارد زیر نظر چهار داور برجسته، آقایان: هوشنگ مرادی کرمانی، مصطفی رحماندوست، میکائیل شهرستانی و احسان کرمی بازینی شده و کتاب هایی که استانداردهای لازم را در ضبط و تولید رعایت کرده اند، امکان حضور در آیین اختتامیه را می یابند.»

مسئول کتابخانه فرهنگسرای فردوس، بازخورد مردمی از این جشنواره را مثبت ارزیابی می کند: «در نخستین سال برگزاری، هنوز مردم آشنایی کامل با موضوع جشنواره نداشتند، به همین علت دوره اول دو سال زمان برد، اما از دوره دوم، با استقبال خوبی مواجه شدیم. میزان استقبال به حدی شد که ما حدود ۵ هزار و ۲۰۰ فایل صوتی گردآوری کردیم؛ آماري که مصطفی رحماندوست را شگفت زده کرد.» آذری در پایان از نایینیان برای ارائه پیشنهادهای سازنده دعوت می کند: «بنا بر فراخوانی که منتشر کردیم، تا دی ماه امسال ۷۰۰ کتاب به عنوان کتاب های انتخابی برای ضبط، معرفی کردیم تا هر شهروند، یکی از آن عناوین را انتخاب و ضبط کند. اما این تعداد امکان تغییر دارد. بر همین اساس از دوستان نایینی که علاقه مند ارائه پیشنهاد در زمینه معرفی کتاب خاص، با در نظر گرفتن نیازهای جامعه هدف هستند، دعوت می کنیم تا در برگزاری هرچه بهتر این دوره از جشنواره، ما را یاری کنند. علاقه مندان می توانند با شماره تلفن ۴۴۰۸۱۰۴۳، کتابخانه فرهنگسرای فردوس تماس گرفته و با خود من برای ارائه پیشنهاد تماس بگیرند.»

## «برگزاری چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر معلولان امید آفرین در آذرماه»، ۸ مهر ۱۳۹۵.

تغییر نگرش جامعه نسبت به طبقه معلولان با فرهنگ سازی و نشان دادن توانمندسازی آنان از دریچه هنر، مواردی بود که توسط داوران بازیین چهارمین جشنواره بین‌المللی امید آفرین بر آن تأکید شد. به گزارش خبرنگار مهر، در نشست بازیینی دو اثر نمایشی انتخابی جشنواره بین‌المللی تئاتر معلولان امید آفرین کاری از معلولان شهرستان قروه، بر ایجاد فرهنگ سازی و نگرش مثبت افراد جامعه به معلولان و تغییر نگرش اجتماعی و مشارکت آنان در اجتماع تأکید شد. در ابتدای این نشست دبیر ستاد اجرایی چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر معلولان اظهار داشت: «سومین دوره این جشنواره در سال ۸۸ به میزبانی تهران برگزار شد که بعد از یک وقفه چندساله برگزاری چهارمین دوره آن با توجه به پتانسیل های موجود در اصفهان و میزبانی سه دوره جشنواره منطقه ای به این استان واگذار شد.»

«سید اصغر فیاض» هدف از اجرای این جشنواره را ارتباط مستقیم طبقه معلولان با افراد سالم دانست و از شرکت ۷ کشور از جمله سوئد، بلژیک، آلمان، ایتالیا، اوگاندا و امریکا تاکنون خبر داد و افزود: «شرایط انتخاب آثار داخلی براساس خروجی های ۶ جشنواره منطقه ای در دو سال گذشته است که در این میان نمایش های منتخب در سال ۹۴ به دلیل اینکه وقفه ای نداشته اند بدون بازیینی معرفی می شوند اما آثار منتخب سال ۹۳ پس از تأیید بازیینی برای حضور در جشنواره انتخاب خواهند شد.»

وی با اشاره به نحوه شرایط انتخاب آثار خارجی، تصریح کرد: «نمایش های کشورهای دیگر توسط ایمیل جشنواره در قالب فایل ویدئویی دریافت شده و مورد بازیینی قرار می گیرند و در صورت وجود نکاتی که با هنجارهای فرهنگی ایران مغایرت داشته باشد درخواست اصلاح برای اجرا داده می شود.» «فیاض» با بیان اینکه این جشنواره در سه بخش صحنه ای، خیابانی و کودک برگزار می شود، مضمون آثار را در قالب اجتماعی، مناسب سازی شهری و بیان توانمندی ها در جامعه عنوان کرد. به گفته وی مضمون اصلی بخش کودک ایجاد شرایط شادی بخش در کنار رساندن پیام های آموزنده به مخاطبان است. «فیاض» برگزاری چنین جشنواره هایی را مهم خواند و بیان کرد: «آنچه در این کارها باید مدنظر قرار گیرد مفهومی است که خود معلول به آحاد مردم اعلام می کند که نه تنها در بخش های اجتماعی اثرگذار هستند بلکه در بخش هنر هم می توانند حضور یابند و مشکلات بین خود و جامعه را بردارند که در اینجا به آدم های سالم از دریچه هنر پیام رسانی می شود.» وی در ادامه در پاسخ به سؤال خبرنگار مهر در خصوص تئاتر معلولان کردستان، گفت: «استان کردستان قدمت دیرینه ای در خصوص تئاتر و موسیقی دارد و پتانسیل ارائه کارهای بهتر را خواهد داشت که در این میان لازم است برای معرفی فرهنگ محلی و حتی خود استان از فولکلورهای محلی ویژه با استفاده از دریچه هنر بهره بگیرند.» معاون توانبخشی بهزیستی استان اصفهان به عنوان دبیر ستاد اجرایی جشنواره، معیار سنجش آثار را کارگردانی و بازی ارائه شده توسط بازیگران در کنار دیالوگ هایی که

گفته می شود دانست و نگاه ارزیابی را تخصصی اعلام کرد. «سید اصغر فیاض» از مهیا کردن شرایط برابر برای تمامی گروه های شرکت کننده توسط دبیرخانه جشنواره خبر داد و فراهم آوردن نیازهای اساسی یک اجرا را مهم دانست.

وی با اشاره به اعزام دو اکیپ بازیین جشنواره به نقاط مختلف کشور برای ارزیابی آثار راه یافته، یادآور شد: «در حال حاضر استان های اصفهان، قم، چهار محال و بختیاری، ایلام و کرمانشاه توسط گروه نخست، بازیینی آثار صورت گرفته که بعد از کردستان به عنوان ششمین مقصد، به بازیینی آثار استان همدان پرداخته و بعد از آن هم به جنوب کشور خواهیم رفت و مجموعاً بازیینی آثار از ۲۴ استان تا ۱۵ مهر تمام خواهد شد.»

به گفته «فیاض» بعد از اتمام بازیینی ها، نشست نهایی صورت گرفته و آثار مورد تأیید از طریق دبیرخانه جشنواره به استان ها اعلام خواهد شد. لازم به ذکر است چهارمین جشنواره بین المللی تئاتر معلولان امید آفرین از ۱۲ تا ۱۷ آذر ماه سال جاری به مناسبت روز جهانی معلولان با تعداد ۳۸ گروه نمایشی داخلی و ۱۱ گروه نمایشی خارجی با حضور بیش از ۵۰۰ نفر از معلولان، کارگردانان و سایر عوامل اجرایی در استان اصفهان برگزار می شود.

### **«برگزاری چهارمین جشنواره بین المللی تئاتر معلولان امید آفرین در اصفهان»، ۲۸ مرداد ۱۳۹۵.**

سعید صادقی مدیرکل سازمان بهزیستی استان اصفهان از برگزاری چهارمین جشنواره بین المللی تئاتر معلولان امید آفرین در اصفهان خبر داد و افزود: ۱۰ سال پیش سومین جشنواره بین المللی مهر آفرین در تهران برگزار شد، اما این روند ادامه نیافت و متأسفانه اجرای اینگونه جشنواره ها متوقف شد تا اینکه پیشنهاد برگزاری چهارمین جشنواره بین المللی تئاتر معلولان امید آفرین مطرح شد که اصفهان را نامزد میزبانی این جشنواره کردیم. وی ادامه داد: می دانستیم میزبانی این جشنواره در دسره های خاص خودش را دارد اما حیف بود که در اصفهان این اتفاق رقم نخورد. صادقی با بیان اینکه از روز ۱۲ آذر که روز جهانی معلولان است تا ۱۷ آذرماه این جشنواره در اصفهان برگزار خواهد شد، گفت: تعداد ۷۰۰ نفر از معلولان و عوامل اجرایی در قالب ۳۸ گروه داخلی و ۱۰ گروه خارجی در این جشنواره شرکت خواهند کرد. وی از انعقاد تفاهمنامه همکاری با شهرداری اصفهان برای مشارکت در اجرای این جشنواره خبر داد و افزود: قطعاً این جشنواره برکات خوبی برای معلولان استان خواهد داشت. وی با اشاره به انتظارات سازمان بهزیستی از دستگاه های اجرایی استان در راستای برگزاری این جشنواره خاطر نشان کرد: مشارکت های مالی، کمک در موضوع حمل و نقل، کمک در حوزه تبلیغات سطح شهر و در اختیار گذاشتن سالن های سازمان ها از جمله اقداماتی است که دستگاه ها می توانند انجام دهند.

## «برگزاری کارگاه آموزشی فیلم و عکس برای ناشنوایان»، ۷ بهمن ۱۳۹۵.

دبیر اجرایی نخستین جشنواره فیلم و عکس «تهران؛ شهر تازه»، گفت: کارگاه آموزشی عکاسی و فیلمسازی مستند محیط زیست شهری برای ناشنوایان برگزار می شود. حمید خانی دبیر اجرایی نخستین جشنواره فیلم و عکس تهران شهرتازه در کارگاه آموزشی عکاسی و فیلمسازی مستند در محیط زیست که همزمان با روز هوای پاک در کانون ناشنوایان ایران برگزار شد؛ اظهار داشت: به دلیل اهمیت محیط زیست شهری و حفاظت از آن، برای نخستین بار این کارگاه به صورت رایگان برای هنرجویان برگزار می شود. وی با بیان اینکه در بخش دوم این کارگاه مبنای و تکنیک های عکاسی و فیلمسازی مستند با تلفن همراه به هنرجویان آموزش داده می شود، افزود: در پایان این دوره آموزشی از هنرجویان عضو کانون ناشنوایان ایران درخواست می شود که در طول هفته «هوای پاک» از محیط زیست شهری تهران با موضوع هایی مانند تنوع زیستی، آب سالم، انرژی پاک، زمین و هوای پاک تحت عنوان تهران شهرتازه عکس و فیلم تولید کنند. دبیر اجرایی نخستین جشنواره فیلم و عکس تهران شهرتازه تصریح کرد: آثار تولیدی هنرجویان در بخش اختصاصی ناشنوایان و بخش های اصلی نخستین جشنواره فیلم و عکس تهران شهرتازه مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت و آثار تولید شده برتر انتخاب و از هنرجویان برگزیده با اهدای جایزه تجلیل خواهد شد. خانی با بیان اینکه کانون ناشنوایان ایران که عضو فدراسیون جهانی (WFD) است، در سال ۱۳۳۹ تأسیس شده و در حال حاضر حدود ۳ هزار و ۲۰۰ عضو دارد، یادآور شد: این کانون علاوه بر خدمات مشاوره ای و آموزشی در چارچوب فعالیت های فرهنگی، هنری و اجتماعی در زمینه سرود، نمایش و تورهای فرهنگی - تفریحی برای ناشنوایان فعالیت می کند که بیشتر این برنامه ها رایگان است. گفتنی است این کارگاه با حضور ۳۰ نفر از ناشنوایان علاقه مند به هنر عکاسی و فیلمسازی عضو کانون ناشنوایان ایران برگزار می شود.

## «برگزاری کارگاه آموزشی مشکلات توانبخشی معلولان در اردکان»، ۲۵ شهریور ۱۳۹۵.

امیرولی عضدزاده رئیس اداره بهزیستی اردکان در حاشیه برگزاری کارگاه آموزشی گفت: برگزاری کارگاه های آموزشی درخصوص بهداشت و سلامت شخصی، ارتقای آگاهی فرد معلول با شرایط معلولیت و اندام های درگیر معلولیت برای پیشگیری از مشکلات ثانویه، کاهش مشکلات روحی - روانی، جلوگیری از تزلزل و فروپاشی خانواده معلولان و آموزش حرفه ای که زندگی متعارف را برای آنان میسر سازد، اجتناب ناپذیر است. رئیس اداره بهزیستی اردکان گفت: به همین منظور، چهارمین کارگاه آموزشی کارشناسان و مربیان مراکز توانبخشی بهزیستی اردکان با عنوان آشنایی با مشکلات و توانبخشی معلولان ضایعه نخاعی در این شهرستان برگزار شد. عضدزاده با اشاره به اینکه بهزیستی اردکان بیش از ۲ هزار معلول و ۳۰۰ خانوار نیازمند شهرستان را تحت پوشش دارد، افزود: هم اکنون ۳۰ معلول ضایعه نخاعی تحت پوشش این اداره هستند که همه این افراد از کمک هزینه حق پرستاری و خدماتی سیار و ویزیت در منزل استفاده می کنند.



## «برگزاری مسابقات انتخابی نمایندگان ایران در دومین مسابقات قرآن»، ۳۰ دی ۱۳۹۵.

مشاور فنی و اجرایی ستاد برگزاری دومین مسابقات نایبانیان جهان اسلام با اشاره به حضور ۴۰ حافظ و قاری نایبانیان در رقابت های انتخابی مسابقات گفت: مسابقات انتخابی نمایندگان ایران جهت شرکت در مسابقات بین المللی قرآن ششم بهمن برگزار می شود.

ذبیح الله روحی، با اشاره به برگزاری مسابقات نایبانیان در اواخر فروردین ۹۶ گفت: در این راستا از نخبگان قرآنی نایبانیان استان های کشور دعوت کردیم تا در رقابت های انتخابی این مسابقات حضور داشته باشند. وی با بیان اینکه تاکنون بالغ بر ۴۰ نفر از نخبگان قرآنی به این رقابت ها دعوت شدند، خاطر نشان کرد: بر این اساس مسابقات انتخابی نمایندگان ایران جهت شرکت در دومین دوره مسابقات چهارشنبه ششم بهمن ماه رأس ساعت ۸ صبح در ساختمان پیامبر اعظم (ص) سازمان بهزیستی واقع در خیابان رشت برگزار می شود. روحی با بیان اینکه این مسابقات با حضور قاریان و حافظان نایبانیان و استادان بین المللی برگزار می شود، اظهار کرد: ۶ نفر از داوران به ریاست حاج عباس سلیمی در بخش های تجوید، لحن، صوت، وقف و ابتدا و حسن حفظ به ارزیابی شرکت کنندگان می پردازند. عباس امام جمعه در بخش تجوید، علی اکبر حنیفی، در بخش لحن، مهدی قره شیخلو در بخش صوت، سعید رحمانی در بخش وقف و ابتدا و امیر آقایی در بخش حسن حفظ داوری این مسابقات را برعهده دارند.

## «برگزاری نشست تخصصی حقوق بشری ایران و دانمارک با محوریت افراد معلول»، ۱۸ شهریور ۱۳۹۵.

روزهای یکشنبه و دوشنبه چهاردهم و پانزدهم شهریور ماه، مجتمع فرهنگی تلاش تهران شاهد برگزاری نشست تخصصی ایران و دانمارک در عرصه حقوق بشر و با محوریت حقوق افراد دارای معلولیت بود. در این نشست که در چارچوب تفاهم ایران و دانمارک برای نزدیکی دیدگاه ها و تجارب طرفین در عرصه تحقق جنبه های مختلف حقوق بشر برگزار شد از طرف ایران دکتر نحوی نژاد معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی، تیم مدیران کل دفتر توانبخشی سازمان بهزیستی، دکتر موسوی چلک رئیس انجمن مددکاری ایران و اعضای هیأت مدیره کانون سراسری تشکل های معلولان ایران و از طرف دانمارک کارشناسان مؤسسه ملی حقوق بشر دانمارک و نیز نمایندگان سازمان های غیر دولتی معلولان آن کشور شرکت کرده و به تبادل نظرات و تجارب در عرصه پیشبرد حقوق افراد دارای معلولیت پرداختند.

در مراسم افتتاحیه این نشست دو روزه دکتر غریب آبادی معاون ستاد حقوق بشر قوه قضائیه، دکتر حسینی قائم مقام وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در امور بین الملل و نیز سفیر دانمارک در ایران به ایراد سخنرانی پرداختند که محور مشترک آنها تأکید بر ضرورت انجام گفت و گوهای سازنده میان مسئولان دو کشور و نیز نمایندگان جوامع مدنی ایران و دانمارک در عرصه حقوق بشر بویژه در

جنبه های غیر سیاسی و مورد علاقه دو ملت را تشکیل می داد. محور سخنرانی مسئولان سازمان بهزیستی را در این نشست ارائه گزارش های تخصصی از عملکرد دفاتر مختلف معاونت توانبخشی سازمان در عرصه های مختلف و توسعه اجرایی رویکرد توانبخشی مبتنی بر جامعه تشکیل می داد. سخنران بخش غیر دولتی ایران در این نشست سهیل معینی رئیس هیأت مدیره کانون سراسری تشکل های معلولان بود که به تشریح تحولات سازمان های غیر دولتی فعال در حوزه افراد دارای معلولیت ایران، محورهای اصلی فعالیت سمن ها در عرصه توانبخشی به معلولان، فرصت ها و چالش های فراروی سازمان های غیر دولتی و دستاوردهای این سازمان ها در تصویب قانون جامع حقوق معلولان، پیوستن ایران به پیمان نامه جهانی حقوق افراد دارای معلولیت و تدوین لایحه جدید حمایت از حقوق معلولان پرداخت. از طرف دانمارک محور عمده سخنرانی ها را تشریح چگونگی کمک مؤسسه حقوق بشر دانمارک به توسعه حقوق افراد دارای معلولیت در آن کشور، چگونگی عملکرد سازمان های مردم نهاد معلولین دانمارک در پیشبرد حقوق این افراد و تأثیر الحاق آن کشور به پیمان نامه جهانی حقوق افراد معلول در سال ۲۰۰۹ بر وضعیت حقوقی شهروندان معلول دانمارکی تشکیل می داد. برای نمایندگان دانمارکی حاضر در نشست، سطح فعالیت های سمن های ایرانی در تدوین و کمک به تصویب قوانین حمایت از حقوق معلولان، ارتباط نزدیک این سازمان ها با مراکز تصمیم گیری کشور و وجود فراکسیون حمایت از حقوق افراد معلول در مجلس شورای اسلامی جالب و قابل توجه بود و برای نمایندگان سازمان های غیر دولتی معلولین ایران حضور شهروندان معلول دانمارک در تمام شهرداری های آن کشور که مراکز عمده خدمات اجتماعی به شهروندان هستند، وجود شورای ملی معلولان دانمارک به عنوان نهاد عالی مشورت به دولت در امور معلولان و حمایت همه جانبه مالی و تدارکاتی از فعالیت های سازمان های مدنی قابل توجه بود.

### «برگزاری نمایشگاه تخصصی تجهیزات توانبخشی ویژه معلولان و جانبازان»، ۱۳ آبان ۱۳۹۵.

معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور از برگزاری دومین نمایشگاه بین المللی تخصصی خدمات و تجهیزات توانبخشی ویژه معلولان و جانبازان و صنایع و تجهیزات وابسته خبرداد و گفت: این نمایشگاه، ۱۶ تا ۱۹ آذرماه جاری در محل مصلاهی تهران برگزار می شود. نحوی نژاد اضافه کرد: این نمایشگاه با همکاری سازمان بهزیستی کشور و مرکز ضایعات نخاعی جانبازان بنیاد شهید و امور ایثارگران از ۱۶ آذر ماه به مدت سه روز برگزار می شود و هم بازار فروش خواهد بود و هم زمینه رقابت شرکت های تولیدی را فراهم خواهد آورد. وی خاطر نشان کرد: بازدیدکنندگان این نمایشگاه تخصصی سالانه، می توانند با جدیدترین خدمات و محصولات کمک توانبخشی آشنا شوند. وی، هدف اصلی از برگزاری این رویداد را فراهم آوردن بستری مناسب برای آگاهی جامعه هدف و آحاد جامعه از میزان توسعه کمی و کیفی محصولات تولید شده داخلی و خارجی ویژه افراد دارای ناتوانی، معرفی و آموزش محصولات و خدمات جدید و برقراری ارتباط مناسب میان عرضه کنندگان و مصرف کنندگان، دانش افزایی کارشناسان و فعالان حوزه توانبخشی و پزشکی و شناساندن قابلیت های تولید کنندگان

داخلی برشمرد. نحوی نژاد یادآور شد: بازدیدکنندگان این نمایشگاه و علاقه‌مندان می‌توانند با دریافت آموزش‌های علمی و عملی رایگان در کلاس‌های آموزش تخصصی، همایش‌های تخصصی، کارگاه‌های آموزشی مشارکت‌کرده و از برنامه‌های جنبی این رویداد شامل ارائه خدمات آموزشی و مشاوره، بهره‌مند شوند.

### «بزرگترین کتابخانه نابینایان کشور افتتاح می‌شود»، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵.

معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در نشست خبری تشریح برنامه‌های سازمان شهرداری تهران از افتتاح نخستین و بزرگ‌ترین کتابخانه نابینایان تهران در فرهنگسرای خاوران طی ایام دهه فجر خبر داد و گفت: این کتابخانه با تمامی تجهیزات به روز نابینایان و توسط خود آنها اداره خواهد شد و مجهز به ۷۴ هزار عنوان کتاب و تمامی تکنولوژی‌های روز برای آنهاست.

صلاحی همچنین افزود: علاوه بر این طرح، پردیس سینمایی اشراق و پردیس تئاتر خاوران نیز در این ایام افتتاح می‌شود.

### «بوستان ترافیک به افراد داری معلولیت آموزش می‌دهد»، ۱۶ دی ۱۳۹۵.

معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۲۰ گفت: بوستان ترافیک این منطقه، یک روز هفته را به آموزش افراد کم‌توان ذهنی و نابینا اختصاص داده است.

ابوذر ریاضی در حاشیه مراسم «جشن فرشتگان زمینی» که ویژه آموزش پذیران کم‌توان ذهنی و نابینا در بوستان ترافیک منطقه ۲۰ برگزار شد، با بیان این مطلب افزود: بوستان ترافیک به عنوان محل تخصصی آموزش مبانی ترافیکی، به منظور بهره‌مندی افراد کم‌توان ذهنی و نابینا از آموزش‌های این محل، روزهای چهارشنبه را به این افراد معلول اختصاص داده است.

به گزارش روابط عمومی منطقه ۲۰ شهرداری تهران، ریاضی با اشاره به اینکه آموزش‌های بوستان ترافیک با استفاده از هنر و نمایش‌های موضوعی ارائه می‌شود، گفت: هم‌اکنون تعداد آموزش پذیران استثنایی به ۳۰ نفر رسیده است و همچنان این بوستان آمادگی پذیرش افراد جدید را دارد. وی ادامه داد: برای حمایت و کمک به افراد توان‌یاب و معلول، آمادگی لازم از سوی مدیریت شهری وجود دارد تا شرایط زندگی برای این افراد رضایت‌بخش شود.

معاون شهردار منطقه ۲۰ با بیان اینکه آموزش‌های بوستان ترافیک به صورت مستمر در داخل بوستان و همچنین با اعزام کادر آموزشی در مدارس انجام می‌شود، یادآور شد: از ابتدای سال تاکنون بیش از ۲۰ هزار نفر از دانش‌آموزان منطقه ۲۰ آموزش دیده‌اند و بیش از ۴ هزار نفر نیز از سامانه دوچرخه سواری این بوستان استفاده کرده‌اند. مراسم جشن فرشتگان زمینی ویژه آموزش پذیران کم‌توان ذهنی و نابینا با حضور خانواده‌های این افراد، سرپرست هیأت‌جانبازان و معلولین دوچرخه سواری استان تهران، نمایندگان اداره بهزیستی شهری و تعدادی از تشکل‌های مردم‌نهاد در بوستان ترافیک برگزار شد و تمامی برنامه‌های هنری و نمایشی این جشن از سوی آموزش پذیران کم‌توان و

نابینا انجام شد که اجرای مسابقه حفظ قرآن از زهرا خلیلی، دانش آموز ۱۱ ساله نابینا و حافظ قرآن کریم، تمامی حاضران را به وجد آورد. بوستان ترافیک شهرداری منطقه ۲۰ در بلوار سلمان فارسی واقع شده است و علاقه مندان برای اطلاع از خدمات آموزشی این بوستان می توانند با شماره ۵۵۹۶۶۶۰۵ تماس بگیرند.

### **«پرداخت ۳ میلیارد ریال از سوی اتاق بازرگانی کشور به معلولان و دانش آموزان عشایر کهگیلویه و بویراحمد»، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶.**

رئیس اتاق بازرگانی یاسوج مرکز کهگیلویه و بویراحمد از پرداخت ۳ میلیارد ریال از سوی اتاق بازرگانی کشور به یکی از مراکز توانبخشی معلولان زیر ۱۴ سال یاسوج و دانش آموزان عشایری این استان خبر داد.

«جبار کیانی» گفت: در سفر رؤسای اتاق های بازرگانی سراسر کشور به یاسوج در مردادماه امسال و بازدید از منطقه گردشگری کاکان و حضور سرکار خانم سکینه کیانی همسر مرحوم محمد بهمن بیگی در این مراسم و ارائه توضیحات خدمات آن مرحوم توسط اینجانب به هیأت رئیسه اتاق ایران و میهمانان، هیأت رئیسه اتاق ایران را بر آن داشت که مبلغ یک میلیارد ریال را جهت توسعه مدارس عشایر استان مصوب کنند.

وی افزود: بازدید از هیأت رئیسه اتاق بازرگانی ایران از مرکز توانبخشی معلولین زیر ۱۴ سال حضرت ابوالفضل(ع) اداره کل بهزیستی کهگیلویه و بویراحمد نیز منجر به پرداخت ۲ میلیارد ریال از سوی رؤسای اتاق ها به این مرکز شد.

رئیس اتاق بازرگانی یاسوج از پرداخت سه میلیارد ریال مصوب شده در این سفر به اتاق بازرگانی خبر داد و خاطر نشان کرد: امیدواریم توانسته باشیم گامی در راستای رفع برخی مشکلات برداشته و البته این مسیر را ادامه نیز می دهیم.

کیانی گفت: اعتبار مصوب شده بزودی در اختیار نهادهای مرتبط قرار می گیرد.

### **«پرداخت حق پرستاری به ۱۶ هزار ضایعه نخاعی»، ۲۱ مرداد ۱۳۹۵.**

مدیرکل امور توانبخشی و سالمندان سازمان بهزیستی از حضور ۱۸ هزار بیمار ضایعه نخاعی در بانک اطلاعات این سازمان خبر داد و گفت: بیش از ۱۶ هزار نفر از این افراد حق پرستاری دریافت می کنند.

کیوان دواتگران ضمن بیان آنکه علاوه بر بیماران ضایعه نخاعی یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر از بیماران دارای معلولیت نیز حق پرستاری دریافت می کنند افزود: حق پرستاری هر نفر ۲ میلیون ریال در ماه است.

وی در ادامه با تاکید بر اینکه رویکرد بهزیستی اجتماع محور و مبتنی بر خانواده است گفت: اولویت بهزیستی نگهداری این بیماران در کانون خانواده است، در همین راستا نیز پرداخت حق پرستاری به خانواده ها برای نگهداری معلولان کمک می کند.

### **«تخفیف به مراجعان دارای معلولیت از ۳۰ تا ۷۵ درصد» ۳ تیر ۱۳۹۵.**

رئیس بیمارستان خیریه رحیمیان خبر داد: مراجعان دارای معلولیت از ۳۰ تا ۷۵ درصد تخفیف بهره مند می شوند.

رئیس بیمارستان خیریه رحیمیان شهر الوند در گفت و گو با پیک توانا از انعقاد تفاهمنامه همکاری با کانون معلولین شعبه شهر الوند خبر داد و گفت: بر اساس این تفاهمنامه اعضای دارای معلولیت که معرفی نامه کانون توانا را به همراه داشته باشند از ۳۰ تا ۷۵ درصد تخفیف خدمات درمانی بهره مند می شوند.

ابوالفضل محمدزاده اظهار داشت: افراد دارای معلولیت در دریافت خدمات سرپایی، ویزیت و معاینه از ۷۵ درصد و در خدمات مربوط به بستری از ۳۰ تا ۴۰ درصد تخفیف برخوردار می شوند. وی با بیان اینکه ما در پذیرش بیماران دارای معلولیت هیچ محدودیتی نداریم تصریح کرد: تا آنجا که امکانات بیمارستان اجازه بدهد افراد دارای معلولیت را پذیرش می کنیم و این گونه نیست که برای پذیرش این عزیزان سقف خاصی قائل باشیم. رئیس بیمارستان خیریه رحیمیان همچنین با بیان اینکه معلولیت ناتوانی نیست افزود: معلولان نیازمند ترحم نیستند بلکه نیاز به کمک و توجه دارند تا بتوانند استعدادهای خود را به مرحله ظهور برسانند. وی در توضیح علت انعقاد این تفاهمنامه ابراز داشت: همه انسان ها موظف هستند به یکدیگر خدمت برسانند و ما نیز احساس کردیم در بخش سلامت افراد دارای معلولیت می توانیم یاری رسان این گروه از جامعه بوده و در جهت بازیابی سلامت معلولان قدمی برداریم.

### **«تدارک بهزیستی برای حضور معلولان در پیاده روی اربعین» ۲۰ آبان ۱۳۹۵.**

رئیس دبیرخانه شورای فرهنگی سازمان بهزیستی کشور گفت: ۱۲ موبک سازمان بهزیستی در مسیر راهپیمایی اربعین به مددجویان اقلام توانبخشی ارائه می کنند.

حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی سید محمدی رئیس دبیرخانه شورای فرهنگی سازمان بهزیستی کشور در گفت و گو با خبرنگار گروه اجتماعی باشگاه خبرنگاران جوان؛ با اشاره به اقدام های این سازمان در پیاده روی اربعین امسال، اظهار داشت: در سال های گذشته از بین انبوه زائران اربعین حسینی تعدادی از جامعه هدف سازمان بهزیستی مانند سالمندان، کودکان معلول، ناشنوایان و نابینایان مشاهده شده است، به همین منظور برای رفع مشکل این افراد موبک هایی در مسیر راهپیمایی اربعین برپا می شود. وی افزود: به منظور تعمیر اقلام افراد جامعه هدف سازمان بهزیستی

مانند تعمیر ویلچر و کالسکه در مسیر پیاده روی اربعین در ۳ استان ایلام، خوزستان و کرمانشاه ۱۲ موبک به کمک ۵۲ مؤسسه خیریه برپا شده است و خدمات توانبخشی را به زائران ارائه می دهند. رئیس دبیرخانه شورای فرهنگی سازمان بهزیستی ادامه داد: این موبک ها تا نقطه صفر مرزی وجود دارند و اقلام کوچک توانبخشی مانند عصا به زائران اهدا می شود، همچنین در این موبک ها رابط ناشنوایان نیز وجود دارد که خدمات لازم را به مددجویان ارائه می کنند. حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی سید محمدی گفت: خیرین حاضر در موبک های سازمان بهزیستی، افراد نیازمند و گمشدگان را تا مرز کمک می کنند و تمامی این خدمات در ایام اربعین توسط خیرین و مشارکت سازمان های خیریه انجام می شود. رئیس دبیرخانه شورای فرهنگی سازمان بهزیستی در پاسخ به این سؤال که آیا سازمان بهزیستی برنامه ای برای اعزام مددجویان این سازمان به عتبات عالیات در ایام اربعین حسینی دارد، گفت: به دلیل اینکه مددجویان بهزیستی دارای شرایط خاص جسمی هستند و مدیریت آنها در طول مسیر مشکل است، مسئولان سازمان صلاح ندانستند مددجویان در ایام اربعین و در بین انبوه جمعیت به عتبات اعزام شوند. حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی سید محمدی بیان داشت: البته در دوره های گذشته حدود ۵ هزار نفر از مددجویان سازمان بهزیستی به عتبات اعزام شدند اما در سال جاری به دلیل محدودیت های بودجه این کار مقدور نیست. وی با اشاره به اعزام مددجویان سفر اولی به مشهد مقدس گفت: این سازمان در نظر دارد مقدمات سفر ۱۲۰۰ نفر از مددجویانی را که تاکنون به مشهد مقدس نرفته اند فراهم کند که حدود ۳۰ درصد این افراد با کمک و همکاری خیرین استان ها به مشهد اعزام می شوند.

### **«ترانه میلادی نخبه جوان شهر تهران شد» ۶ خرداد ۱۳۹۵.**

در مراسم جشن رویش که به مناسبت روز ملی جوان و با هدف قدردانی از نخبگان جوان شهر تهران توسط شهرداری تهران برگزار شد ترانه میلادی هنرمند دارای معلولیت شدید حرکتی به عنوان نخبه انتخاب و مورد قدردانی شهردار تهران قرار گرفت. میلادی که متولد سال ۱۳۶۱ است علاوه بر دبیری شبکه کانون های شهروندان معلول شهر تهران و برگزاری ده ها پروژه اجتماعی و فرهنگی معطوف به افراد دارای معلولیت، گرافیکست، نویسنده، شاعر و دارای تألیفات گوناگون است.

### **«تردمیل مخصوص بیماران نخاعی ساخته شد» ۲ شهریور ۱۳۹۶.**

محققان در یک شرکت دانش بنیان موفق به طراحی تردمیل بیماران نخاعی با قابلیت تعلیق وزن آنان شدند که بواسطه آن تمرین گام برداری معلولان انجام می شود. امین اسدی، مدیر طراحی «سیستم تعلیق وزن برای توانبخشی بیماران نخاعی» در یک شرکت دانش بنیان اظهار داشت: یکی از تمرین های مهم بیماران نخاعی تمرین راه رفتن است تا عصب های آنان تقویت شوند. وی با اشاره به کارکرد سیستم تعلیق وزن معلولان خاطر نشان کرد: این دستگاه، سیستمی است که وزن بیماران ضایعه نخاعی را که مشکل حرکتی دارند، خنثی می کند و سپس راه رفتن را تمرین می کنند تا به

تقویت اعصاب آنها منجر شود. این محقق دانشگاه تربیت مدرس عنوان کرد: هر یک از بیماران به یک اندازه نیاز به کاردرمانی دارند؛ این دستگاه به نوعی آموزش گام برداری برای آنهاست. وی افزود: از آنجایی که بلند کردن هر یک از این بیماران به سختی صورت می‌گیرد که این دستگاه مجهز به جلیقه ای است که می‌تواند بیمار را از روی ویلچر بلند کند؛ تا ۹۰ درصد وزن بیمار معلق خواهد بود و سپس تمرین راه رفتن فرد آغاز می‌شود. وی با بیان اینکه این دستگاه توسط تیمی از دانشجویان تربیت مدرس طراحی شده است، گفت: این تردمیل می‌تواند تا وزن ۱۳۵ کیلوگرم معلولان را تعلیق کند. به گفته اسدی، تردمیل معلولان با حداقل هزینه نسبت به نمونه های خارجی قابلیت ساخت دارد و به صورت سفارشی برای کلینیک ها، مراکز توانبخشی و مصرف خانگی ساخته می‌شود. وی با بیان اینکه این دستگاه برای آموزش گام برداری معلولان است، خاطرنشان کرد: این دستگاه از تکنولوژی بالایی برخوردار است و در دنیا ۲ کشور آلمان و سوئیس سازنده سیستم تعلیق وزن بیماران نخاعی هستند. وی با بیان اینکه تاکنون تردمیل معلولان وارد کشور نشده است، افزود: نمونه های خارجی این دستگاه قیمت بالایی دارند به همین دلیل تصمیم گرفتیم نمونه ایرانی آن را بسازیم.

### «تکنولوژی سه بعدی مایکروسافت در خدمت نابینایان»، ۱۲ مرداد ۱۳۹۶.

مایکروسافت طرح جدیدی را آغاز کرده که نابینایان یا کم بینایان با استفاده از فناوری «جی پی اس» و اسمارت فون ها می‌توانند به تنهایی از خیابان ها عبور کنند.

محققان مایکروسافت نگاه ویژه ای را به نابینایان یا کم بینایان معطوف کرده اند تا بتوانند کمک سودمندی به این قشر از جامعه داشته باشند. طرح جدید مایکروسافت **Cities Unlocked** بوده که طرح جاه طلبانه ای برای کمک به نابینایان محسوب می‌شود. با استفاده از این فناوری که به راهنمای صوتی نیز تجهیز شده، نابینایان یا کم بینایان نه تنها می‌توانند مقصد مورد نظر خود را پیدا کنند بلکه می‌توانند در کی ساده از محیط و موقعیت خود نیز داشته باشند. نابینایان باید هدفونی که توسط کمپانی **GN Store Nord** طراحی شده را روی سر خود قرار دهند. این هدفون مجهز به شتاب سنج،ژیروسکوپ، قطب نما و همین طور چندین اسپیکر در دو طرف گوش شخص است که به کاربرانش اجازه می‌دهد قادر به تشخیص یا جهت صدا باشند.

برای مثال، زمانی که یک کاربر این هدفون را روی سر خود قرار داده و صدایی را می‌شنود، این فناوری صدایی را با نام و میزان فاصله تا ساختمانی که از آنجا صدا شنیده می‌شود اعلام می‌کند. در نتیجه، نابینایان یا کم بینایان با استفاده از این فناوری می‌توانند موقعیت و همین طور فاصله خود تا ساختمانی که از آنجا صدا شنیده می‌شود را شناسایی کنند. از دیگر قابلیت های این فناوری باید به اعلام هشدار در هنگام عبور از زیردربست های ساختمانی یا همین طور دریافت اطلاعات مربوط به عبور از خیابان یا تردد ماشین ها اشاره کرد. مایکروسافت همراه با این هدفون، یک ریموت بلوتوثی نیز عرضه می‌کند که کاربران با فشار دادن دکمه **orientate** می‌توانند از موقعیت مکانی که در آن حضور دارند، اطلاع کسب کنند. اطلاع از موقعیت مکانی برای نابینایان یا کم بینایان از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا می‌توانند با اطمینان بیشتری به راه خود ادامه دهند.

مایکروسافت در حال فعالیت بر اپلیکیشن Sound scape است که به عنوان بخشی از سیستم «جی پی اس» بوده و برای تعیین موقعیت افراد در محل های مختلف استفاده می شود.

### «جاده سلامت ویژه معلولان در اصفهان ساخته می شود»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵.

مدیرعامل انجمن آسیب نخاعی استان اصفهان گفت: به موازات جاده سلامت نازوان جاده ای با همین مترژ و مناسب برای معلولان در حال ساخت است که نیازهای همه گروه های معلولان در آن دیده شده است. غلامرضا پسته ای اظهار کرد: این طرح تا اندازه ای شروع به کار کرده است و بازدیدهایی نیز صورت گرفته است ولی قرار است کارهای بیشتری در آن انجام گیرد که نیاز به زمان دارد. وی در خصوص زمان بهره برداری از این جاده، گفت: قرار بود تا قبل از عید این مسیر به بهره برداری برسد و منتظر تخصیص بودجه هایی بوده اند که طبق گزارشات این بودجه ها تخصیص داده شده است و به همین دلیل شرایط بهره برداری از آن در حال فراهم شدن است. مدیرعامل انجمن آسیب نخاعی استان اصفهان اظهار کرد: در زمینه مناسب سازی شهر برای معلولان، از طرف شهرداری، شورای شهر و ستاد مناسب سازی استان اقدامات خوبی در حال انجام است.

### «جامعه هنری نابینایان یکی دیگر از مشاهیرش را از دست داد»، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶.

به گزارش «ایران سپید» جامعه نابینایان ایران، هنوز در غم از دست دادن الله وردی میرزایی، نوازنده قدیمی نابینای اهل درگز سوگوار بود که انتشار خبر ناگوار تازه ای مبنی بر درگذشت یکی دیگر از هنرمندان مشهور نابینا، بر روح و جان علاقه مندان به پنجه خاطره انگیز او آتش افکند. اصغر بهزادی، معلول نوازنده ویولن که در بین نسل های مختلف، بواسطه داشتن پنجه ای دلنشین مشهور بود، عصر پنجشنبه ۱۶ شهریور بر اثر سکته قلبی در ۵۹ سالگی در زادگاهش استهبان، دیده از جهان فانی فرو بست. محمد الطاف، شاگرد این نوازنده خوش پنجه و همچنین حسین برزویی، نوازنده قره نی و دوست قدیمی بهزادی، ضمن تأیید این خبر، از درگذشت ناگهانی استاد و همکار قدیمی اش اظهار تأسف کردند. مرحوم بهزادی ویولن را از زمان دانش آموزی در آموزشگاه شهید محبی و نزد محمد احمدزاده، آموخت. او با گروه های مختلف موسیقی مثل پیک امید، چندین کنسرت برگزار کرد.



## «جانباز گیلانی قهرمان مسابقات شنای معلولای جهان شد»، ۲۷ خرداد ۱۳۹۵.

مهدی اکبرنژاد جانباز گیلانی تیم ملی شنای کشور با کسب نخستین مدال طلا، عنوان قهرمانی شنای معلولان جهان را از آن خود کرد.

به نقل از روابط عمومی اداره کل ورزش و جوانان گیلان، اکبرنژاد در مسابقات شنای معلولان جهان که در برلین آلمان در حال برگزاری است توانست مدال طلای ۱۰۰ متر پروانه را از آن خود کرده و قهرمان شود.

این شناگر گیلانی در ماده ۲۰۰ متر آزاد در دو رده سنی دو مدال برنز و در ۱۰۰ متر قورباغه یک مدال برنز دیگر برای ایران به ارمغان آورد.

اکبرنژاد در ادامه این رقابت ها که در حال برگزاری است نیز در مواد مختلف به میدان می رود.

## «جراحی جدید برای بازگشت بینایی به نابینایان»، ۲ دی ۱۳۹۵.

آسیب های مغزی، صدمه شدیدی به بینایی فرد وارد کرده و حتی می تواند منجر به نابینایی شود. در حال حاضر محققان طی انجام یک پژوهش جدید کشف کرده اند که می توان بینایی را در افرادی که از آسیب های مغزی رنج می برند بازسازی کرد. علاوه بر این آنها قادر به بازگرداندن دید کامل در بیمارانی هستند که قبل از آسیب از نظر قانونی نابینا بودند.

نابینای قانونی (Legally Blind) به شخصی گفته می شود که از نظر چشم پزشکی و بینایی سنجی دیدش کمتر از ۱۰ درصد باشد.

این پژوهش کوچک توسط محققان در دانشکده پزشکی دانشگاه واشنگتن در سنت لوئیس، مؤسسه چشم Kresge در دانشگاه ایالتی وین در دیترویت و مؤسسه چشم L.V. Prasad در هند انجام شده است.

این پژوهش روی ۲۰ بیمار انجام شد که به دلیل سندروم ترسون تحت عمل جراحی قرار گرفته بودند. برخی از بیماران در هر دو چشم خود دچار خونریزی شده بودند، در نتیجه این مطالعه روی ۲۸ چشم انجام شد.

به خونریزی در چشم به دلیل ضربه های مغزی، سندروم ترسون می گویند. از این روش برای بازگرداندن بینایی در بیمارانی که ویتراکتومی شده اند نیز استفاده می شود. ویتراکتومی نوعی از جراحی چشمی است که برای درمان برخی از اختلالات شبکیه و زجاجیه به کار می رود.

در این عمل جراحی، بافت ژله مانند پشت عدسی چشم برداشته شده و با محلول سالیین جایگزین می شود.

تنها یک ماه پس از عمل جراحی، دید بیماران به طور متوسط از میانگین ۲۰/۴۰ به میانگین ۲۰/۱۲۹۰ بهبود یافته و در عرض چند ماه، تقریباً تمام بیماران به دید ۲۰/۲۰ (بینایی نرمال) رسیدند.

محققان خاطرنشان کردند که طول زمان بین آسیب و عمل جراحی، به اینکه چقدر دید بیمار بهتر شود ارتباطی ندارد. این جراحی می تواند تأثیر بسیار زیادی بر آمار تکان دهنده نابینایی در اثر آسیب مغزی داشته باشد و امید دیدن دوباره را به میلیون ها نفر در هر سال بازگرداند.

یافته های این پژوهش در مجله **Ophthalmology** به چاپ رسیده است.

### **«جزئیات طرح «پیشگیری از معلولیت ها در دانش آموزان»، ۱۱ شهریور ۱۳۹۵»**

مدیر کل دفتر سلامت و امور تندرستی وزارت آموزش و پرورش از اجرای طرح «آگاه سازی و پیشگیری از معلولیت ها و غربالگری اختلالات ژنتیک» دانش آموزان، مربیان و والدین دانش آموزان در سال جاری خبر داد. حسن ضیاءالدینی با بیان اینکه جامعه هدف طرح «آگاه سازی و پیشگیری از معلولیت ها و غربالگری اختلالات ژنتیک» دانش آموزان، مربیان و والدین دانش آموزان هستند، اظهار کرد: این طرح در سال گذشته در میان دانش آموزان دختر کلاس دهم و یازدهمی کل کشور و با همکاری سازمان بهزیستی به اجرا درآمد. وی افزود: بر این اساس سال گذشته از هر استان یک شهرستان و از هر شهرستان ۱۵۰۰ دانش آموز دختر تحت آموزش قرار گرفتند و شمار افراد شرکت کننده در این طرح به ۴۰۰ هزار نفر رسید.

ضیاءالدینی با اشاره به آموزش های ویژه مربیان و برگزاری کلاس های آموزشی برای دانش آموزان افزود: قصد داریم در آینده آمار تولد کودکان دارای معلولیت ناشی از ازدواج های فامیلی را کاهش دهیم. در همین راستا آگاه سازی نوجوانان برای انجام آزمایش های غربالگری ژنتیک بویژه در ازدواج های فامیلی امری ضروری است. در قالب این طرح تست هایی از دانش آموزان به منظور سنجش میزان آگاهی آنها از اختلالات ژنتیک به عمل می آید و سپس وارد دوره های آموزشی می شوند.

وی با بیان اینکه امسال این طرح با مشارکت سازمان بهزیستی توسعه می یابد، عنوان کرد: برای سال جدید دانش آموزان پسر نیز به علت پایین بودن سن ازدواج در استان هایی چون قم به طرح می پیوندند.

### **«جلسه ای برای پاسخ به پرسش های سازمان ملل»، ۱۳ خرداد ۱۳۹۵»**

جلسه پاسخ به پرسش های سازمان ملل در خصوص چگونگی پیشبرد حقوق معلولان در ایران بویژه با محوریت کنوانسیون حقوق معلولان در دفتر حقوق بشر اسلامی برگزار شد. روز دوشنبه ۳

خردادماه به دعوت دکتر ضیایی فر دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی، سهیل معینی مدیرعامل انجمن باور و شبکه تشکل های نابینایان چاووش، دکتر کمالی، دانشیار و عضو هیأت علمی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران، دکتر صابری رئیس هیأت مدیره شبکه تشکل های نابینایان چاووش، دکتر شهبازی عضو مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی و خانم حسنی از کمیسیون حقوق بشر اسلامی حضور داشتند.

مبنای اصلی این پرسش ها حول محور اجرای مفاد کنوانسیون حقوق معلولان در ایران بود که از جمله می توان به دیده شدن حقوق معلولان در برنامه های کلان و توسعه کشور، مباحث مشارکت سازمان های مردم نهاد در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها، دریافت نظرات این سازمان ها در تدوین گزارش ایران در خصوص اجرای مفاد کنوانسیون به سازمان ملل، مباحث مربوط به دسترسی به وسایل توانبخشی، مناسب سازی اماکن و معابر عمومی و... اشاره کرد که حاضران در جلسه به بحث و تبادل نظر پرداخته و پاسخ سؤالات را ارائه کردند.

### **«جوابیه سازمان آموزش و پرورش استثنایی در ارتباط با خبر «راه ناهموار تحصیل برای دانش آموزان معلول»» ۲۲ تیر ۱۳۹۶.**

در پی درج گزارش «راه ناهموار تحصیل برای دانش آموزان معلول» در تاریخ هشتم تیرماه در صفحه توانش، سازمان آموزش و پرورش استثنایی وزارت آموزش و پرورش جوابیه ای را ارسال نمودند که عین جوابیه را در زیر می خوانید:

مطلب مندرج در آن روزنامه به تاریخ ۹۶/۸/۴ عنوان راه ناهموار تحصیل برای دانش آموزان معلول، عین جوابیه سازمان آموزش و پرورش استثنایی این وزارتخانه را به اطلاع می رساند

۱- با توجه به تصویب طرح تلفیقی و فراگیر و الزام اجرای آن در مدارس عادی اولیای محترم دانش آموزان استثنایی که مایل به تحصیل فرزندان در مدارس و فرزندشان در مدارس عادی هستند باید با هماهنگی اداره آموزش و پرورش استثنایی استان نسبت به ثبت نام در مدرسه عادی اقدام کنند تا زمینه ارائه خدمات پشتیبانی و حمایتی از جمله معلم رابط فراهم شود.

۲- با اجرای طرح خدمات حمایتی تمامی هزینه های توانبخشی دانش آموزان استثنایی توسط این سازمان پرداخت می شود و اولیای محترم می توانند با مراجعه به مدیریت مدرسه از این خدمات استفاده نمایند.

۳- دانش آموزان چند معلولیتی در صورتی که یکی از معلولیت هایشان آسیب دیدگی ذهنی باشد در مدرسه عقب مانده ذهنی سازماندهی می شوند و در غیر این صورت با توجه به نوع معلولیت اصلی در مدارس ناشنوایان یا نابینایان یا جسمی- حرکتی به تحصیل مشغول می شوند. بدیهی است در شهرهای کوچک این عزیزان در تنها مدرسه ای که در این خصوص دایر است تحصیل خواهند نمود و با نیروی انسانی مجرب شاغل در مدارس آموزش های لازم را خواهند دید.

۴- در حال حاضر سیاست اصلی این سازمان در خصوص توسعه آموزش تلفیقی و فراگیر برای دانش آموزان آسیب دیده بینایی، شنوایی و جسمی و حرکتی است و دانش آموزان کم توان ذهنی و چند معلولیتی به دلیل عدم آمادگی مدارس عادی امکان تحصیل در این مدارس را ندارند.

۵- با تأمین بخش اصلی هزینه های سرویس ایاب و ذهاب مشکل تردد دانش آموزان استثنایی در اکثر مناطق کشور برطرف شده است.

۶- در حال حاضر وزارت آموزش و پرورش برای هریک از دانش آموزان استثنایی ۴ برابر یک دانش آموز عادی در سال هزینه می کند که این نشانه عزم دولت تدبیر و امید در حمایت جدی از دانش آموزان استثنایی است.

۷- برای تابستان و اوقات فراغت دانش آموزان عزیز استثنایی نیز در زمینه فعالیت های دینی، فرهنگی و هنری امسال بیش از ۱۶۰۰ دانش آموز در حوزه های قرآن و عترت و نماز و با تمرکز بر ۱۰ رشته دینی و نیز ۲۲ گرایش هنری در عرصه های هنری، دستی، تجسمی، آوایش و نمایش در مرحله کشوری به رقابت خواهند پرداخت.

همچنین در راستای گسترش فعالیت های ورزشی بیش از ۲ هزار دانش آموز در مسابقات و رشته های متنوع و متناسب با معلولیت هایشان حضور خواهند داشت و نیز شش هزار دانش آموز و داوطلب در تابستان امسال با حضور در پایگاه های اوقات فراغت نسبت به ارتقای دانش علمی و تربیتی در کنار معلمان و مربیان فعالیت می نمایند.

۸- بنای قدیمی و بافت فرسوده مدرسه محله پیروزی قبلاً و به فوریت از سوی مسئولان سازمان و مدیریت آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران مورد بازدید قرار گرفته است. در راستای رفع مشکل مذکور و فراهم سازی شرایط بهینه و مناسب رفاهی، آموزشی و تربیتی برای دانش آموزان با نیازهای ویژه با حضور مسئولان سازمان مدیریت آموزش و پرورش منطقه ۱۴ خیرین و سازمان نوسازی مدارس مذاکراتی انجام گرفت و تصمیم بر آن شد که فضایی بالغ بر ۴۰۰ متر مربع برای این امر اختصاص داده شود و خیرین متعهد گشته اند تا ساخت و ساز این بنای فرسوده را عهده دار شوند و تمهیداتی جهت شروع مقدمات کار انجام گرفته و پیشرفت کار متعاقباً طی گزارشی اعلام خواهد شد. همچنین با رایزنی از طریق منطقه ۱۴ آموزش و پرورش و در صورت تأمین فضای مناسب از سوی این منطقه تا ساخت و تکمیل بنای جدید در اسرع وقت جابه جایی صورت خواهد گرفت و دانش آموزان به محل مناسبی منتقل خواهند شد.

در پایان توصیه می شود خانواده های محترم دانش آموزان استثنایی برای اطلاع از انواع خدمات حمایتی و آموزشی و توانبخشی در هر یک از استان های کشور به ادارات آموزش و پرورش استثنایی مراجعه نمایند.

توانش: با تشکر از وظیفه شناسی و حسن نیت دست اندرکاران وزارت آموزش و پرورش و سازمان آموزش و پرورش استثنایی در خصوص مطالعه گزارش «راه ناهموار تحصیل برای دانش آموزان معلول» و ارسال جوابیه برای موارد مطرح شده در گزارش ذکر چند نکته خالی از لطف نیست؛ مشکلاتی که در گزارش مذکور از زبان والدین دانش آموزان مطرح شده بود از جمله مشکلاتی است که مادر و پدر یک دانش آموز دارای معلولیت هر روز با آن سر و کار دارد. به بیان دیگر اگر

ثبت نام یک کودک عادی در

ص: ۲۹۸

مدرسه ای عادی تنها چند روز وقت می گیرد ثبت نام یک کودک نابینا ممکن است حتی ماه ها به طول بینجامد که البته بخشی از طولانی شدن این پروسه به مسائل فرهنگی برمی گردد و بخشی به فقدان دستورالعمل ها و مکانیزم های کافی. بجاست که سازمان آموزش و پرورش استثنایی به دنبال تعبیه مکانیزم هایی با ضمانت اجرایی کافی باشد تا والدین دانش آموزان دارای معلولیت بدانند به طور مشخص به کجا باید مراجعه کنند و بعد از مراجعه هم بدانند که قطعاً پاسخ خواهند گرفت. از آنجا که به نظر ما در جوییه سازمان به همه سؤالات مطرح شده در گزارش پاسخ داده نشده است، توانش این حق را برای خود محفوظ می داند که از طریق گفت و گو با دست اندرکاران سازمان آموزش و پرورش استثنایی و ریاست سازمان مذکور پاسخ شفاف سؤال ها را اخذ و در اختیار مخاطبان و والدین دانش آموزان دارای معلولیت قرار دهد.

### **«حضور یک هنرمند ناشنوی ایرانی در نمایشگاه هفته جهانی معلولان در «ونکوور»» ۲ دی ۱۳۹۵.**

روز جهانی معلولان، از سال ۱۹۹۲ که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام شد، هر ساله در ۱۲ آذر (۳ دسامبر) برگزار می شود. به همین مناسبت، امسال هفته جهانی معلولان از ۲۷ نوامبر تا ۳ دسامبر با برپایی نمایشگاهی از کارهای معلولان در ونکوور برگزار شد.

لادن صحرایی، هموطن ناشنویمان که مقیم ونکوور است، می گوید سال گذشته به این نمایشگاه رفته بوده و همین وی را تشویق کرده بود تا هنر نقاشی را در ونکوور شروع کند. امسال از او دعوت کرده بودند تا به عنوان نقاش در این نمایشگاه شرکت کند. در این نمایشگاه، مجموعه ای از کارهای نقاشی، هنرهای دستی، فیلم های کوتاه و آثار موسیقی معلولان به نمایش گذاشته و ارائه شده بود. لادن صحرایی می گوید شخصاً کار گروه موسیقی معلولان را در برنامه اختتامیه بسیار پسندیده و آن را فوق العاده عالی ارزیابی می کند.

وی اضافه می کند که کارهای نقاشی اش مورد توجه دوستان ناشنوایش و برخی دیگر از جمله مدیر این برنامه قرار گرفته است. صحرایی ضمن قدردانی از برگزارکنندگان این برنامه اظهار امیدواری می کند که هموطنان حضور پررنگ تری در نمایشگاه ها و برنامه های هفته جهانی معلولان در سال آینده داشته باشند.

### **«خانه دار شدن معلولان با تفاهمی پنج جانبه: چگونگی واگذاری مسکن به خانواده های دارای دو معلول» ۲۸ تیر ۱۳۹۷.**

در هفته ای که گذشت سازمان بهزیستی کل کشور به مناسبت هفته بهزیستی نشست خبری برگزار کرد تا معاون وزیر و رئیس سازمان بهزیستی کل کشور و معاونان این سازمان پاسخگوی سؤالات خبرنگاران باشند. در این نشست سؤال های متعدد و متفاوتی از جامعه هدف بهزیستی از سوی

نمایندگان رسانه های مکتوب و تصویری پرسیده شد. در این میان طرح مسکن خانوارهای دو معلول به بالا از آن دست سؤال هایی بود که حرف و حدیث های بسیاری را در پی داشت. از نحوه اجرا تا افراد که مشمول این طرح می شوند. کمابیش اطلاعاتی از سوی محسنی بندپی رئیس سازمان بهزیستی به دستمان رسید اما برای اطلاع از چند و چون این طرح و شکل اجرای آن در کشور با علی ربوبی، دبیر ستاد مسکن مددجویان سازمان بهزیستی کل کشور گفت و گو کردیم تا پاسخی کامل به صدها سؤال بی جواب مددجویان سازمان بهزیستی دهیم.

دبیر ستاد مسکن مددجویان سازمان بهزیستی کل کشور در گفت و گو با «ایران» با اشاره به تفاهمنامه ای برای اجرای طرح مسکن خانوارهای دو معلول به بالا- در کشور می گوید: «اواخر سال ۹۳ تفاهمنامه ای پنج جانبه با سازمان بهزیستی، بنیاد مستضعفان، بنیاد مسکن، سازمان ملی زمین و مسکن و انجمن خیرین مسکن ساز منعقد شد. در این تفاهمنامه بحث تأمین مسکن خانوارهای شهری و روستایی را که حداقل دو عضو معلول داشته و فاقد مسکن هستند گنجانیدیم. از آن زمان برای تکمیل اطلاعات سازمان از تعداد این خانواده ها برنامه ریزی کردیم تا بتوانیم به نوبت و با توجه به بودجه سازمان این طرح را در همه استان ها و شهر ها پیاده کنیم. در سطح کشور ۱۴ هزار و ۳۲۱ خانوار شناسایی شدند که از این تعداد هفت هزار و ۷۲۷ خانوار شهری و شش هزار و ۵۹۴ خانوار روستایی هستند.

بعد از بسته شدن تفاهمنامه هر دستگاہی گوشه ای از اجرای این طرح را برعهده گرفت. به همین ترتیب بنیاد مستضعفان ۱۵ میلیون، سازمان بهزیستی ۱۰ میلیون و خیرین مسکن ساز ۵ میلیون تومان پرداخت می کنند. همچنین سازمان ملی زمین و مسکن در شهرها زمین مورد نیاز را برای ساخت مسکن معلولان تأمین می کند.

این طرح به دو صورت اجرا می شود. ابتدا اگر خانواده ای زمین داشته باشد این ۳۰ میلیون تومان براساس پیشرفت کار برای ساختن زمین به آنها پرداخت می شود. روش دوم ارائه این کمک بلاعوض برای افرادی است که زمین هم ندارند، این شهروندان در محل هایی که سازمان ملی زمین و مسکن زمینی را اهدا می کند صاحبخانه می شوند. به این صورت که در زمین های مذکور با توجه به کمک بهزیستی و وام های بانکی طرح هایی مسکونی را برای معلولان احداث می کنیم. همچنین واحدهایی هم در بنیاد مسکن استان ها در دست ساخت هستند که بعضی از خانوارها را هم در این مکان ها جانمایی می کنیم. تا کنون یک هزار و ۷۷۹ واحد در حوزه شهری را تحویل دادیم و ۵ هزار و ۶۸۴ واحد هم در دست ساخت داریم.»

ربوبی با اشاره به اجرای طرح مسکن خانوارهای دو معلول در روستاها نیز بیان می کند: «به معلولان روستایی ۱۸ میلیون کمک بلاعوض پرداخت می شود که از این مبلغ ۱۰ میلیون تومان را بنیاد مستضعفان، ۶ میلیون تومان سازمان بهزیستی و ۲ میلیون تومان بنیاد مسکن پرداخت می کند. در بخش روستایی افراد غالباً زمین دارند و این مبلغ در سه یا چهار قسمت بسته به پیشرفت کار ساختمان به آنها پرداخت می شود.

اگر در بخش روستایی مددجو فاقد زمین شخصی باشد بنیاد مسکن اگر زمینی داشته باشد به مددجویان تحویل می دهد. اگر بخواهیم آماری از واحد های تحویل داده شده ارائه کنیم باید

بگویم تا کنون در حوزه روستایی یک هزار و ۹۶۲ واحد تحویل دادیم و یک هزار و ۸۷۳ واحد در دست ساخت داریم.»

وی در پاسخ به اینکه در نشست خبری رئیس سازمان بهزیستی با اصحاب رسانه عنوان شده بود در بخش روستایی این کمک بلاعوض ۲۰ میلیون تومان است، می گوید: «در مناطق روستایی ۱۸ میلیون تومان کمک بلاعوض است و تا سال گذشته ۱۸ تا ۲۰ میلیون تومان هم وام های قرض الحسنه به مددجویان ارائه می شد اما برای سال جدید مبلغ این وام ها به ۲۵ میلیون تومان رسیده است.»

دبیر ستاد مسکن مددجویان سازمان بهزیستی کل کشور با اشاره با اجرایی شدن این طرح در ۳۱ استان کشور و مشکلات پیش روی بهزیستی برای اجرای بهتر آن می افزاید: «تنها مشکلی که در اجرای درست این طرح در کشور داریم در حوزه شهریست، سازمان ملی زمین و مسکن و وزارت راه و شهرسازی زمین های مورد نیاز را تأمین کردند و مبلغ تسهیلات بلاعوض هم آماده پرداخت است، مشکل اصلی ما تسهیلات بانکی است که به موقع به کار تزریق نمی شود. بهزیستی مکاتباتی هم با بانک مرکزی برای مساعدت در این زمینه داشته تا بتوانیم ۴ هزار تسهیلات ارزان قیمت را برای مددجویان این نهاد حمایتی دریافت کنیم.»

شاید این سؤال برایتان ایجاد شود که زمین ها به چه صورت ساخته می شوند در پاسخ به آن باید بگویم ما سعی کردیم این واحدها متمرکز و مجتمع نباشد و اگر ساختمانی ساخته می شوند نهایتاً دو یا سه طبقه باشد. ما نمی خواهیم مجتمع ویژه معلولان داشته باشیم که انگشت نمای دیگران باشد و یا معلولان را از دیگر شهروندان تفکیک کنیم. همواره هدفمان حضور معلولان یا خانواده های آنها در کنار دیگر مردم است. مسئولیت ساخت این زمین ها را به طرف پنجم این تفاهمنامه که انجمن خیرین مسکن ساز هستند واگذار کردیم تا با توجه به تأمین بودجه مورد نیاز منازل معلولان را بسازند.

این واگذاری مسئولیت سبب نمی شود بهزیستی نظارت بر ساخت را هم واگذار کرده باشد. نظارت فنی بر ساخت اصولی این طرح ها در مناطق روستایی برعهده ناظران فنی روستایی که زیر مجموعه بنیاد مسکن هستند، قرار دارد و در مناطق شهری هم برعهده مهندسين ناظر است که از سوی سازمان نظام مهندسی برای طرح ها انتخاب می شوند. در کنار این نظارت ها کارشناسان بهزیستی هم از روند ساخت طرح ها بازدید کرده و گزارشات را به رئیس سازمان ارائه می دهند.»

وی در پاسخ به اینکه آیا معلولان به غیر از تسهیلات بلاعوض و وام بانکی نیاز به سهم آورده برای دریافت این واحدهای مسکونی دارند یا نه؟ می گوید: «برخی از واحدهایی را که مددجویان را برای آن معرفی می کنیم نیاز به سهم آورده ندارد و فقط متقاضی باید اقساط وام بانکی را پرداخت کند. اما در برخی مناطق که طرح در آن ساخته شده است مبلغی را خانواده باید به عنوان سهم آورده پرداخت کند و هزینه آن بسته به مترژی است که انتخاب می کند. ناگفته نماند که در ابتدای کار این امر به اطلاع خانواده می رسد تا با توجه به شرایط مالی که دارد طرح مورد نظرش را انتخاب کند.»

کمک بلاعوض سازمان به معلولان به دو شکل به دستشان می رسد. اگر مددجو زمین داشته باشد وجه به صورت دسته بندی در سه تا چهار دوره بسته به پیشرفت کار به او پرداخت می شود. در حالت





دوم حساب مسدودی به نام مددجو باز شده و پول در آن قرار می گیرد تا در طول ساخت طرح توسط دستگاه متولی این کمک هزینه صرف واحد مورد نظر شود.

در حوزه روستایی مشکل خاصی برای پرداخت این تسهیلات نداریم و اگر خانواده ای پروانه ساخت مسکن را دریافت کند می تواند به راحتی از این تسهیلات بهره مند گردد. اما در حوزه شهری باید ظرفیت ها آمده باشد. به عنوان مثال بنیاد مسکن باید طرحی را در دست ساخت داشته باشد تا ما مددجویان را در آن جانمایی کنیم.

در حوزه شهری اگر فردی به صورت خودمالکی به سازمان رجوع کند و پروانه ساخت را دریافت کرده باشد می تواند در چند ماه مبلغ را از سازمان دریافت کند.»

دبیر ستاد مسکن مددجویان سازمان بهزیستی کل کشور در پاسخ به آخرین سؤال درمورد تسهیلات مسکن تک معلولان می گوید: «در حوزه روستایی اگر فرد دارای معلولیتی پروانه ساخت را به نام خود دریافت کرده باشد می تواند از تسهیلات ۱۰ میلیون تومانی سازمان بهره مند شود. در حوزه شهری هم برای خانواده های تک معلول سقف کمک ها برای بازسازی و ساخت مسکن ۸ میلیون تومان است که این تفاوت قیمت بین شهری و روستایی برای جذب افراد به مهاجرت معکوس است. اولویت بهزیستی برای پرداخت این تسهیلات به سرپرستان خانواری است که خود دارای معلولیت هستند.»

### «خدمت تازه ای برای نابینایان، به منظور زیارت آسان و ارزان» ۶ خرداد ۱۳۹۵.

جواد رضایی مدیر عامل جامعه نابینایان ثامن الائمه با اشاره به امضای تفاهمنامه بین جامعه نابینایان ثامن الائمه و آستان قدس رضوی گفت: «بر اساس این طرح، زائران نابینا از سراسر کشور می توانند بین سه تا چهار روز اقامت در مشهد مقدس، از تسهیلات زیارت آسان و ارزان برخوردار شوند.»

وی در خصوص این طرح با بیان اینکه ارائه تسهیلات با همکاری نهادهای ذیربط امکانپذیر است، اظهار داشت: «طی مذاکرات صورت گرفته در طرح مبدأ به مبدأ، مقرر شد تسهیلات زیارتی برای زائران در سه سطح ارائه شود: سطح اول کسانی که تا به حال توفیق زیارت نداشته اند و دارای تمکن مالی مناسب نیستند. برای این گروه، تسهیلات مالی در نظر گرفته شده است.

سطح دوم، گروهی که امکان زیارت را دارند که برای این گروه، ۵۰ درصد تسهیلات مالی در نظر گرفته شده است. سطح سوم، افراد دارای تمکن مالی که برای این افراد، حداقل تسهیلات در نظر گرفته شده است. ضمن اینکه طی مذاکرات مان با مسئولان استانی، مقرر شده تا امکان ساخت یک زائر سرا ویژه نابینایان کشور فراهم شود. در صورت مهیا شدن امکانات شاید بتوانیم ظرف ۲ سال آینده این زائرسرا را با همکاری نهادهای مرتبط بسازیم.

### «دبیر کل جدید کانون معلولان شهر تهران انتخاب شد»، ۳ تیر ۱۳۹۵.

در نخستین نشست دبیران منطقه ای مناطق ۲۲ گانه در سال ۹۵ و با حضور دبیران منطقه ای کانون معلولان مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران، مدیران ارشد اداره سلامت، آقای مهندس افشین پرفکر مقدم با اکثریت آرا به سمت دبیر کل کانون معلولان شهر تهران انتخاب شد. در این نشست از خدمات، تلاش و پیگیری خانم ترانه میلادی دبیر کل سابق کانون معلولان قدردانی شد.

### «در بطری های بازیافتی منطقه ۶ برای معلولان ویلچر می شود»، ۳ تیر ۱۳۹۵.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۶ افشین خدای معاون خدمات شهری و محیط زیست شهرداری منطقه ۶ با اشاره به اینکه اداره مدیریت پسماند منطقه در راستای آموزش و اطلاع رسانی طرح تفکیک از مبدأ پسماند خشک، اقدام به جمع آوری در بطری جهت امور خیریه و عام المنفعه کرد، گفت: طرح اولیه از سال گذشته به صورت پایلوت در ناحیه ۳ آغاز و قریب به ۳۶۰ هزار در بطری جمع آوری و تبدیل به سه ویلچر شد. در دوره دوم نیز با مشارکت فعالان عرصه مدیریت پسماند تعداد ۵۰۰ هزار در بطری بالغ بر ۹۰۰ کیلوگرم جمع آوری و تبدیل به چهار ویلچر شد.

وی در ادامه اضافه کرد: طی مراسمی در ماه مبارک رمضان روز یکشنبه سی ام خرداد ماه در مسجد جمکران ویلچرهای تهیه شده از جمع آوری در بطری های بازیافتی به تحویل گیرندگان اهدا شد.

### «درمان بیماران ضایعه نخاعی در بیمارستان های دانشگاه شهید بهشتی»، ۶ خرداد ۱۳۹۵.

بر اساس تفاهمنامه مرکز ضایعه نخاعی ایران با معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، معلولان ضایعه نخاعی که توسط مرکز ضایعه نخاعی ایران به بیمارستان های تحت نظارت دانشگاه علوم پزشکی معرفی شوند، می توانند از خدمات درمانی

رایگان استفاده کنند. منابع مالی این تفاهمنامه از طریق کمک های مردمی هر بیمارستان تحت پوشش تأمین خواهد شد. معلولان ضایعه نخاعی که تمایل به استفاده از خدمات رایگان

درمانی دارند می توانند به مرکز حمایت از معلولان ضایعه نخاعی ایران مراجعه و معرفی نامه جهت استفاده از خدمات دریافت کنند. فهرست بیمارستان های مذکور در سایت مرکز ضایعه نخاعی ایران موجود است. جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس <http://www.irannokhaa.ir> مراجعه یا با شماره تلفن ۲۲۷۳۳۷۱۵ تماس حاصل کنند.

## «دست روباتیک، مترجم ناشنویان می شود»، ۲ شهریور ۱۳۹۶.

محققان بلژیکی یک دست روباتیک ساخته اند که صوت و پیام را به زبان اشاره ترجمه می کند. گروهی از محققان دانشگاه آنتروپ بلژیک مشغول ساخت یک روبات مترجم زبان اشاره هستند. این دستگاه در حقیقت یک دست روباتیک است که «پروژه ASLAN» نام گرفته و بیشتر بخش های آن با پرینتر سه بعدی ساخته شده است. روبات مذکور می تواند متن را به زبان اشاره نشان دهد. اما هدف نهایی گروه سازنده آن ساخت دو بازو و یک صورت روباتیک است تا پیچیدگی زبان اشاره را به طور کامل منتقل کند.

این درحالی است که در گذشته نیز محققان سعی کردند با کمک فناوری شکاف بین جوامع افراد شنوا و ناشنوا را از بین ببرند. نمونه این تلاش دستکش هوشمند و یک دستگاهی شبیه تبت بود که قابلیت تبدیل متن یا صوت به زبان اشاره را داشتند. حتی شرکت توشیبا نیز یک روبات آوازخوان ساخت. به هر حال طرح ASLAN برای تبدیل متن یا صوت به زبان اشاره ساخته شده است. در حال حاضر دست روباتیک ASLAN به یک رایانه متصل است. این رایانه نیز به یک شبکه وصل شده است. کاربران می توانند به شبکه های محلی متصل شوند و پیام های متنی ارسال کنند. پس از آن دست روباتیک به طور خودکار آواز می خواند. هم اکنون دست روباتیک از سیستم الفبایی استفاده می کند که در آن هر حرف به وسیله یک حرکت نشان داده می شود. دست روباتیک دارای ۲۵ بخش پلاستیکی است که با چاپگر سه بعدی چاپ می شوند. همچنین دارای ۱۶ موتور سروو، ۳ موتور کنترل کننده، یک میکرورایانه Arduino Due و چند بخش الکترونیکی دیگر هستند.

## «راه اندازی سامانه «معبّر» برای طرح مشکلات مناسب سازی»، ۱۶ دی ۱۳۹۵.

رئیس سازمان بهزیستی کشور از تشکیل دبیرخانه مناسب سازی سازمان بهزیستی خبر داد و گفت: گزارش عملکرد دستگاه های مختلف هر ساله در زمینه مناسب سازی به دولت ارائه می شود تا نشان دهد چقدر دستگاه ها در مناسب سازی اماکن خود تلاش کرده اند. وی ادامه داد: در این رابطه متأسفانه آمار و ارقام خوبی از وضعیت مناسب سازی توسط دستگاه ها وجود ندارد، سازمان بهزیستی ۶۵ درصد و سایر دستگاه ها به طور متوسط کمتر از ۳۰ درصد توانسته اند موارد قانونی مناسب سازی را پیاده سازی کنند.

بندپی با اشاره به راه اندازی سامانه پیامکی «معبّر» توسط دبیرخانه مناسب سازی گفت: از طریق این سامانه، معابر، اماکن عمومی و اجتماعی برای رفاه حال معلولان، سالمندان و جانبازان مناسب سازی می شود. شهروندان می توانند نام شهرستان، محل، خیابان یا کوچه مناسب سازی نشده خود را به شماره پیامک ۳۰۰۰۰۱۲۳۲۲ ارسال کنند. کارشناسان آموزش دیده سازمان بهزیستی این پیامک ها را بررسی کرده و ظرف ۷۲ ساعت موضوع را به دستگاه مربوطه در هر استان اعلام می کنند تا اقدامات لازم جهت مناسب سازی اماکن انجام شود.

وی با اشاره به ارزیابی این سامانه از مناسب سازی اماکن و معابر در کشور گفت: این سامانه ارزیابی و رصد خوبی از سازمان های دولتی خواهد داشت تا مشخص شود تا چه میزان در مناسب سازی اماکن موفق بوده اند. در این زمینه در حوزه حمل و نقل عمومی، مناسب سازی خودروها حتی به عنوان ۲ واحد درسی در دانشگاه ها، اقدامات پژوهشی در دست اجراست. محسنی بندپی نهادینه کردن فرهنگ مناسب سازی را ضروری دانست و افزود: برای اینکه عزم ملی را در بحث مناسب سازی اماکن داشته باشیم، ضروری است که همه آحاد جامعه در این موضوع ورود کنند، از طرفی در بند اول لایحه حمایت از حقوق معلولان، مناسب سازی، تردد و تحرک پذیری آثار این افراد در محیط های عمومی تأکید شده است و همه دستگاه ها و حتی دهیاری ها در محیط های عمومی به رعایت این موارد موظف شده اند. جامعه سالمندی، معلولان، جانبازان، افرادی که آسیب های موقتی دارند و زنان باردار، جمعیت بالایی هستند که باید اقدامات مناسب سازی و تحرک پذیری آنها فراهم شود.

### «راه اندازی مرکز آموزش معلولان در مشهد»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵.

مرکز آموزش فنی و حرفه ای ویژه توان یابان و معلولان جسمی و حرکتی مشهد با حضور علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و رئیس دادگستری مشهد به بهره برداری رسید.

این مرکز در منطقه قاسم آباد مشهد در زمینی به مساحت یک هزار و ۲۰۰ متر مربع و با هزینه ای بالغ بر ۱۵ میلیارد ریال با کمک خیرین مشهدی ساخته شده است. در مرحله نخست این مرکز، هفت کارگاه تخصصی، سه کلاس تئوری و پنج اتاق اداری در نظر گرفته شده است. آموزش علوم کامپیوتر، صنایع دستی، کار با چوب و دیگر حرفه ها به معلولان جسمی و حرکتی از برنامه های این مرکز است. قرار است مرحله دوم این مجموعه نیز در آینده ای نزدیک به بهره برداری برسد.

این مرکز ظرفیت آموزش ۷۰ معلول در هر دوره آموزشی در ۷ کارگاه گوهرتراشی، صنایع دستی، فرش، کیف و چرم، پوشاک و ... را دارد.

### «راه اندازی نمایشگاه آوای آشنا رد مدرسه ناشنوایان»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.

سرپرست آموزش و پرورش استثنایی استان کرمان گفت: نمایشگاه آوای آشنا با هدف آموزش مفاهیم مورد نیاز و بیان توانمندی های دانش آموزان کم شنوا در مدرسه باغچه بان کرمان راه اندازی شد. مهران باهری، سرپرست آموزش و پرورش استثنایی استان کرمان گفت: این نمایشگاه در راستای ارائه توانمندی های دانش آموزان ناشنوا به جامعه و ارائه راهکار های خلاقانه زبان آموزی به این دانش آموزان راه اندازی شد. وی افزود: ناشنوایی و کم شنوایی شایع ترین مشکل حسی در جهان است و می توان از آن به عنوان پراضطراب ترین نوع معلولیت برای فرد و خانواده او نام برد. باهری با بیان اینکه حواس، دروازه ارتباط و تعامل انسان ها با محیط اطراف هستند، تأکید کرد: ناشنوایی و کم شنوایی ارتباط افراد ناشنوا را دچار مشکل می کند. وی بر آموزش نحوه ارتباط مؤثر به دانش آموزان کم

شنوا و ناشنوا تأکید کرد و گفت: باید به گونه ای دانش آموزان ناشنوا را آموزش دهیم تا بتوانند با افراد جامعه ارتباط برقرار کنند.

### «راه رفتن بی دردسر با ابداع دوربین ۳ بعدی»، ۱ تیر ۱۳۹۶.

محققان دانشگاه ام آی تی ابزاری را ابداع کرده اند که متشکل از یک دوربین سه بعدی، کمربندی با ۵ موتور ارتعاشی و یک رابط کاربری الکترونیک خط بریل است که به کاربران به طور آنی اطلاعات بیشتری در مورد محیط اطراف می دهد.

سیستم یاد شده به طور لحظه به لحظه محیط اطراف را اسکن می کند و فضاهای خالی و مناسب برای راه رفتن نابینایان را می یابد. این سیستم هرگونه مانع در برابر فرد نابینا را هم با استفاده از سیستم بصری خود شناسایی می کند. بنابراین فرد نابینا دیگر نیازی به استفاده از عصای سفید و حرکت مداوم آن در برابر خود ندارد.

این سیستم می تواند موانع زائد را از موانع قابل استفاده مانند صندلی تشخیص دهد و اطلاعات مربوطه را با سرعت از طریق کمر بند ارتعاشی برای کاربر ارسال کند و لذا شخص نابینا می تواند برای نشستن روی صندلی خالی هم تصمیم بگیرد.

دوربین سه بعدی این سیستم از توان پردازش بالایی برخوردار است و از الگوریتم های پیشرفته شناسایی چهره برخوردار است و داده های محیطی را به طور محرمانه به فرد نابینا منتقل می کند. موتور ارتعاشی این سیستم هم در صورتی که فرد در دومتري يك مانع قرار بگیرد به لرزش درآمده و هشدار می دهد. اطلاعات مربوط به خالی بودن صندلی ها هم از طریق پد الکترونیک خط بریل قابل فهم است. این سیستم در آزمایش های صورت گرفته با دقت ۸۰ درصد توانسته موانع را از صندلی های خالی بدرستی تمیز دهد. دقت کلی سیستم هدایت مذکور نیز ۸۶ درصد بوده است.

### «رتبه برتر سازمان آموزش و پرورش استثنایی در ارزشیابی شاخص های عمومی و تخصصی»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل سازمان آموزش و پرورش استثنایی، براساس گزارش ارائه شده از سوی اداره کل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایت وزارت آموزش و پرورش، سازمان آموزش و پرورش استثنایی در سال ۹۵ براساس ارزشیابی اداره کل امور اداری و استخدامی در بین سازمان ها، مراکز و دانشگاه های وابسته به وزارت آموزش و پرورش رتبه برتر را کسب کرد. این ارزیابی با نام جشنواره شهید رجایی شناخته می شود. این رتبه برتر با اهدای لوح سپاسی از سوی سیدمحمد بطحایی وزیر آموزش و پرورش مورد قدردانی قرار گرفت.

## «رفع اشکالات قانون معلولان / تصویب در مجلس دهم»، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵.

رئیس سازمان بهزیستی کشور گفت: اشکالات اصلاح قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در مجلس دهم بررسی و رفع و برای تصویب آماده می شود. انوشیروان محسنی بندپی در گفت و گو با خبرنگار مهر افزود: قانون جامع حمایت از حقوق معلولان که مدت زمان زیادی صرف تغییرات برخی مفاد آن و افزایش موارد جدید شده بود در مجلس قبلی به نتیجه نرسید و به مجلس دهم موکول شد. به گفته وی، با تصویب لایحه اصلاح قانون معلولان قبلی بسیاری از مشکلات معلولان مانند اشتغال، آموزش، درمان، مسکن، مناسب سازی و... در جامعه برطرف می شود که امیدواریم هرچه سریعتر محقق شود.

## «روباتی که دنیا را برای نابینایان به تصویر می کشد»، ۲۰ آبان ۱۳۹۵.

«احسان زهره وند» که در ایده ای منحصر به فرد، روبات مسیریاب نابینایان را طراحی و تولید کرده است، در گفت و گو با خبرنگار علمی ایرنا اظهار داشت: حوزه روباتیک طی سال های اخیر پیشرفت های زیادی داشته و در عرصه های فراوانی به انسان ها کمک کرده است.

دانش آموخته کارشناسی ارشد مکاترونیک دانشگاه آزاد واحد قزوین به هدفگذاری فدراسیون بین المللی ربوکاپ (RoboCup) در حوزه روبات های انسان نما در افق ۲۰۵۰ اشاره کرد و گفت: براساس این هدفگذاری، روبات های فوتبالیست باید بتوانند تا سال ۲۰۵۰، برترین تیم فوتبال دنیا و قهرمانان فیفا را با هوش، چابکی، استقامت و ادراک خود شکست دهند. به اعتقاد وی، روباتیک مطمئناً اهداف بلندتر و ارزشمندتری را دنبال می کند که یکی از مهم ترین آنها، کمک به انسان ها برای غلبه بر محدودیت های فیزیکی یا توانبخشی به افراد ناتوان برای زندگی بهتر است. زهره وند از دوران تحصیل در مقطع کارشناسی به عضویت کمیته روباتیک دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین درآمد و در لیگ روبات های انسان نما به فعالیت ادامه داد و در همین زمان، ایده طراحی و ساخت روباتی که بتواند یاریگر انسان های نابینا باشد، در ذهنش شکل گرفت. وی این ایده را به صورت عملی دنبال کرد و با راهنمایی و همکاری دکتر «علیرضا محمدشهری» مدیر گروه مکاترونیک دانشگاه آزاد واحد قزوین موفق به ساخت روبات مسیریاب نابینایان شد.

این پژوهشگر جوان، قابلیت شبیه سازی بینایی انسان برای نابینایان را مهم ترین ویژگی روبات اختراعی خود عنوان کرد و گفت: انسان ها معمولاً زمانی که یک حس خود را از دست می دهند، حواس دیگرشان تقویت می شود و در مورد افراد نابینا نیز قوه شنوایی یا لامسه آنها اغلب قوی تر از انسان های بینا است و همین خصوصیت در طراحی روبات مسیریاب نابینایان مورد استفاده قرار گرفت.

وی ادامه داد: این روبات به گونه ای طراحی شده که محیط اطراف را با دوربین، فیلمبرداری می کند و حدود جایگیری اشیا و موانعی را که بر سر راه افراد نابینا قرار دارد، با یک الگوریتم و با استفاده از یک کمر بند لرزشی روی پوست شکم نابینا در ابعاد کوچک شده، ترسیم می کند تا فرد بتواند این اشیا را تصور کند.

زهره وند خاطر نشان کرد: البته کار کردن و تسلط بر عملکرد این روبات، نیازمند تمرین یکی دو روزه است که شخص نابینا بتواند فاصله و حدود جاییگیری و همچنین ابعاد و اندازه واقعی اشیایی را که تصویر آنها روی پوست او کشیده می شود، به درستی تشخیص دهد. به گفته وی، برای تمرین نابینایان متقاضی استفاده از روبات مسیریاب، یک محیط آزمایشگاهی تهیه شده و قابل استفاده است.

روبات مسیریاب نابینایان در حال حاضر مرحله تولید آزمایشگاهی را پشت سر گذاشته و در صورت حمایت لازم، به تولید صنعتی و مهندسی خواهد رسید. این روبات به عنوان یکی از ۱۰ طرح برتر نمایشگاه خلاقیت کنفرانس بین المللی روباتیک و مکاترونیک (ایکرام) ICROM (پنجم تا هفتم آبان ماه ۹۵) انتخاب و معرفی شد.

### «رئیس اداره سلامت گوش وزارت بهداشت: ناشنوایی بدترین نوع معلولیت است»، ۵ اسفند ۱۳۹۵.

رئیس اداره سلامت گوش وزارت بهداشت، کم شنوایی و ناشنوایی را بدترین نوع معلولیت دانست و گفت: فرد نابینا ارتباطش با اشیا را از دست می دهد ولی فرد ناشنوا ارتباطش را با سایر افراد از دست می دهد.

دکتر محمودیان در نخستین کارگاه کشوری برنامه سلامت گوش و شنوایی، افزود: برنامه غربالگری شنوایی باید در PHC دنبال شود و اگر اجرایی شود ایران جزو نخستین کشورهاست که این برنامه را اجرا می کند.

وی گفت: نوزادان کم شنوا تا ۱۲ ماهگی باید شناسایی و با مداخلاتی درمان شوند تا فرصت رسیدگی به آنها از بین نرود. رئیس اداره سلامت گوش وزارت بهداشت ادامه داد: اگر مشکل کم شنوایی یا ناشنوایی فرد درمان نشود دچار اختلالات زبانی شده و در زمینه های گفتار، گوش کردن، خواندن، نوشتن، موفقیت های تحصیلی، ورود به تحصیلات عالی، آرمان ها و شغل دچار مشکل می شود.

محمودیان، شانس ابتلا به دیابت در افراد کم شنوا را دو برابر سایرین دانست و گفت: در دنیا یک میلیارد نفر ناتوانی شنوایی دارند و ۲۷۵ میلیون نفر کم شنوایی شدید دارند که ۵ درصد دچار معلولیت شنوایی هستند. وی اظهار داشت: از هر ۱۰۰۰ تولد در دنیا ۱ تا ۳ نفر دچار کم شنوایی، ۲۰ تا ۴۰ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر در PICU دارای اختلالات شنوایی، ۵.۲ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر در بدو ورود به مدرسه و ۱۱ تا ۱۵ درصد نیز هنگام ورود به مدرسه دچار اختلالات شنوایی اند. محمودیان افزود: کم شنوایی یک اپیدمی خاموش است و چه بسا کودکانی را که فکر می کنیم اوتیسم دارند دچار این اختلالات باشند. وی اختلالات شنوایی را دارای رتبه پانزدهم در دنیا از نظر بار بیماری ها اعلام کرد و گفت: اداره سلامت گوش و شنوایی حدود یک سال است که در وزارت بهداشت راه اندازی شده و در جهت تحقق اهداف سازمان بهداشت جهانی و قطعنامه ۲۰۱۶ این سازمان اهدافی را دنبال می کند.



رئیس اداره سلامت گوش وزارت بهداشت، در تشریح این اهداف، افزود: افزایش سواد سلامت گروه های سنی در زمینه سلامت گوش، افزایش پوشش غربالگری شنوایی مولید تا ۸۵ درصد (که ۶۸ درصد آن توسط بهزیستی محقق شده و با تفاهمنامه با وزارت بهداشت ادامه می یابد)، افزایش پوشش غربالگری کودکان ۳ تا ۵ سال تا ۳۰ درصد، تدوین برنامه راهبردی غربالگری کم شنوایی سالمندان، افزایش میزان رفتارهای پیشگیرانه در محل های کار، تفریحی و زندگی تا میزان ۵۰ درصد سال پایه، استقرار بسته خدمتی سلامت گوش در نظام مراقبت های اولیه و ارتقای کیفیت زندگی وابسته به شنوایی به میزان ۵۰ درصد سال پایه.

## **«رئیس فدراسیون ورزشی نابینایان و کم بینایان کشور: هدف ما کسب مقام های برتر در مسابقات آسیایی است» ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.**

سالی که گذشت سال پر فرازو نشیبی برای ورزش بانوان نابینا و کم بینا بود و ماحصل آن کسب مدال های خوش رنگ توسط دختران جوان ایرانی است. خبری که ۲۰ آذر ماه در رسانه ها انعکاس خوبی پیدا کرد کسب نخستین مدال طلای کاروان ایران در بازی های پارا آسیایی جوانان توسط بانوان نابینا و کم بینا بود. هاجر صفرزاده نخستین طلای کاروان ایران را به ارمغان آورد. خبر بعدی که در ۲۲ آذر ۱۳۹۶ باعث ارتقای ورزش بانوان شد نقره خوش رنگ ورزشکاران گلبال بود. دختران گلبالیست کشورمان به مقام نایب قهرمانی در بازی های پارا آسیایی جوانان در امارات رسیدند. این خبرها گذشته ورزشی بانوان نابینا و کم بینا هستند اما برنامه فدراسیون برای آینده این ورزش ها چیست؟ سؤالی که محمدرضا مظلومی، رئیس فدراسیون ورزشی نابینایان و کم بینایان کشور در پاسخ به آن می گوید: «در ورزش بانوان ما برنامه پنج ساله داریم و با وزارتخانه هم در این زمینه به توافق رسیدیم.

سال ۹۶ سال اولی است که این برنامه شروع شد و برای رسیدن به ایده آل های ورزشی هنوز چهار سال فرصت داریم تا خودمان را ارتقا بخشیم. برای این پنج سال برنامه هایی را در نظر گرفتیم تا هم از نظر کمی و هم کیفی ورزشکاران را روبه جلو حرکت دهیم و شاهد رشد آنها در عرصه های ورزشی باشیم. در سال ۹۶ دختران ما رشد خوبی را داشتند و دونفرشان مقام های خوبی در مسابقات کسب کردند و بسیار امید داریم در سال ۹۷ در مسابقات اندونزی هم مدال های خوش رنگی را به دست آورند. برنامه ریزی هایی برای ورزش گلبال بانوان داریم تا در اردیبهشت ماه مسابقات قهرمان کشوری را برگزار کرده و برای تورنمنت اندونزی نفرات را انتخاب کنیم. همچنین در اردیبهشت ماه برای دختران و پسران رکورد گیری داریم. بانوان در حیطه ورزش ضعف های بسیاری دارند که در بانوان نابینا این ضعف بیشتر است مشکلاتی از قبیل تردد، نبود سالن مناسب تمرین و مربیان مجربی که بتوانند با آنها کار کنند. کار کردن با افراد معلول نیازمند صبر و حوصله و عشق است. دیگر سال ۵۷ نیست که افراد رایگان کار انجام دهند اکنون هرکسی روی کار می آید توقعاتی دارند که آن هم بجاست. سال ۹۶ مسابقات زیادی را برگزار کردیم تا افراد بیشتری به سمت ورزش جذب کنیم تا با ورزشکاران کارهای تخصصی انجام دهند. تیم معلولان ایران ۱۰ مهر ماه سال ۹۷ به مسابقات آسیایی اندونزی اعزام می شوند و با برنامه بلندمدتی که برای آن داریم ان شاء الله مقام های خوبی را چه در بخش بانوان و چه

آقایان برای کشور کسب خواهیم کرد.» خانم ملکی سرمربی تیم گلبال جوانان به همراه شاگردان پرافتخارش پیام تبریکی برای شما ارسال کردند: «سال ۹۶ تلاش کردیم و با افتخار سکوی دوم مسابقات پارا آسیایی امارات را در رشته گلبال جوانان کسب کردیم. امیدواریم سال جدید برای همه سالی سرشار از سلامتی و همچنین سالی پر از موفقیت در مسابقات جا کارتا باشد.» در پایان این مطلب هم می پردازیم به پیام تبریک بانوی مدال آور خانم هاجر صفرزاده از دیار نصف جهان که سال نو را به همه هموطنان تبریک گفتند.

### «زوج نیکوکار مشهدی به نبنیان قرآن بریل اهدا کردند»، ۱۴ بهمن ۱۳۹۵.

به نبنیان قرآن بریل اهدا کردند رئیس اداره اوقاف و امور خیریه ناحیه یک مشهد از ثبت وقف قرآنی ویژه نبنیان توسط زوج نیکوکار مشهدی خبر داد. حجت الاسلام محمد ذاکری گفت: واقف هستید خیراندیش عباس دره کی به همراه همسرش سکینه دره کی در اقدامی نیکوکارانه ۲۴۰ جلد قرآن بریل را وقف کردند.

وی افزود: این مجموعه شامل ۴۰ دوره قرآن بریل ویژه نبنیان است که با نیت استفاده جامعه نبنیان انجام شده است. رئیس اداره اوقاف و امور خیریه ناحیه یک مشهد یکی از مهم ترین زمینه های وقف را وقف قرآنی برشمرد و گفت: وقف قرآنی بستری مناسب برای توسعه فعالیت های قرآنی در جامعه است بنابراین باید تلاش کنیم تا جامعه متوجه نیاز به وقف قرآنی شود که در این زمینه هیچ چیزی مانند رسانه ها نمی تواند کمک کند. ذاکری افزود: ارزش این وقف ۶۰ میلیون ریال برآورد می شود.

### «زهرا نعمتی با مربی کره ای خود به پارالمپیک می رود»، ۱۱ شهریور ۱۳۹۵.

رئیس انجمن تیم ملی تیر و کمان از اعزام زهرا نعمتی به بازی های پارالمپیک ریو همراه با مربی کره ای خود خبر داد و گفت: بنا به درخواست خود نعمتی چنین تصمیمی گرفته شده است. مجید کهری، رئیس انجمن تیم ملی تیر و کمان در این باره افزود: زهرا نعمتی مدت یک هفته است که به همراه مربی کره ای خود «پاک میون» در آخرین اردوی تیم ملی اعزامی به پارالمپیک حضور پیدا کرده است و از شرایط روحی و تکنیکی خوبی برخوردار است. برای اینکه بتوانیم شرایط خوبی را برای حضور بهتر او در پارالمپیک فراهم کنیم، بنا به درخواست نعمتی و با هماهنگی کمیته ملی پارالمپیک قرار بر این شد که تمرینات زهرا نعمتی زیر نظر مربی کره ای او در اردوی پارالمپیک پیگیری شود تا از نظر تکنیکی و تاکتیکی مشکلی برای وی پیش نیاید. وی ادامه داد: تیم ملی تیر و کمان با هفت ورزشکار راهی پارالمپیک ریو خواهد شد که از یک سرمربی اوکراینی برای رشته ریکرو بانوان و یک مربی در رشته کامپوند برخوردار است. پاک میون نیز به همراه زهرا نعمتی در پارالمپیک ریو حضور خواهد داشت، زیرا ما معتقدیم وی به مدت شش ماه است که تمرینات زهرا نعمتی را برای حضور در بازی های المپیک زیر نظر داشته و برای اینکه شرایط بهتری برای حضور در بازی های پارالمپیک

داشته باشد تصمیم گرفتیم که تمریناتش در اردوی پارالمپیک را با همین مربی کره ای ادامه دهد تا مشکلی برای او به وجود نیاید. رئیس انجمن تیم ملی تیروکمان در ادامه خاطرنشان کرد: این هماهنگی کاملاً با موافقت کمیته ملی پارالمپیک صورت گرفته و در این زمینه تصمیم کمیته بر این بود تا شرایط راحت و بدون دغدغه ای را برای او فراهم کند.

### «ساخت اندام مصنوعی از طریق سیستم باد توسط محققان کشور»، ۲ دی ۱۳۹۵.

محقق دانشگاه جامع علمی کاربردی موفق به ساخت دست و پای مصنوعی برای کمک به ناتوانان حرکتی از طریق سیستم باد شدند.

لیلا-رضایی محقق دانشگاه علمی کاربردی، درخصوص جزئیات ساخت دست و پای مصنوعی از طریق سیستم پنوماتیک گفت: در حالی که بقیه پاهای مصنوعی الکترونیکی هستند این پای مصنوعی به صورتی طراحی شده که توسط باد کنترل می شود و دارای برنامه ریزی برای انجام مکانیسم های حرکتی است.

وی با بیان اینکه پاهای مصنوعی برای کمک به افراد ناتوان و معلول مورد استفاده قرار می گیرد، افزود: فرد ناتوان حرکتی از طریق این دستگاه حتی می تواند بدود.

این محقق تأکید کرد: این دستگاه برای نظامیان نیز کاربرد دارد به طوری که اگر نظامیان بخواهند باری را حمل کنند می توانند از این پای مصنوعی استفاده کنند زیرا این پاها وزن بار را تحمل می کند و فشاری بر پای خود فرد نظامی وارد نمی شود.

رضایی با اشاره به ساخت دست مصنوعی نیز گفت: دست مصنوعی برای افراد ناتوان به صورتی عمل می کند که نزدیک میز سرویس غذای آنها قرار می گیرد و از طریق ریموت، غذا و نوشیدنی را در اختیار فرد ناتوان می گذارد.

وی افزود: دست مصنوعی می تواند به چند جهت بچرخد و برنامه ریزی کرده ایم تا در آینده به گونه ای ارتقا یابد که اطلاعات را از مغز بیمار دریافت کند.

این محقق با بیان اینکه دست مصنوعی در بیمارستان ها نیز کاربرد دارد، گفت: این دستگاه مشابه ایرانی ندارد و هنوز تجاری سازی نشده است.

### «ساخت خانه برای معلولان ذهنی در کشور»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶.

مدیرکل دفتر توانبخشی و مراقبتی سازمان بهزیستی کشور گفت: ساخت خانه های کوچک برای نگهداری معلولان ذهنی خفیف از جمله برنامه های دولت است و امسال ۴۵...نوع از این خانه ها در ۳۱ مرکز استان کشور توسط بخش خصوصی ساخته می شود. رامین رضایی در نشست هم اندیشی مدیران مرکزهای توانبخشی شبانه روزی سالمندان و معلولان استان اصفهان در مجتمع سالمندان و



معلولان گلابچی کاشان اظهار کرد: ۴۸ هزار و ۵۰۰ نفر از سالمندان، معلولان و بیماران روانی مزمن در مجتمع های شبانه روزی تحت پوشش خدمات سازمان بهزیستی نگهداری می شوند. وی تصریح کرد: علاوه بر مراکز روزانه نگهداری از سالمندان و معلولان، ۴۵۰ هزار نفر از معلولان و سالمندان نیز در مراکز توانبخشی مبتنی بر جامعه از خدمات سازمان بهزیستی بهره مند می شوند. مدیرکل دفتر توانبخشی و مراقبتی سازمان بهزیستی کشور افزود: ساخت خانه های کوچک برای نگهداری معلولان ذهنی خفیف از جمله برنامه های دولت است؛ امسال ۴۵ نوع از این خانه ها در ۳۱ مرکز استان کشور توسط بخش خصوصی ساخته می شود که ظرفیت هر خانه نگهداری ۱۰ نفر از معلولان ذهنی خفیف است که توسط نیکوکاران ساخته خواهد شد.

### «ساخت سبک ترین بالابر برای افراد معلول جسمی توسط مخترعان ایرانی»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶.

با به کارگیری این دستگاه، می توان انتقال افراد معلول از مکانی همانند ویلچر به مکانی دیگر مانند صندلی اتومبیل را با حداقل کمک و به آسانی انجام داد؛ این دستگاه همچنین با عنوان «خودرو نصب جاوه» در سازمان اسناد و املاک کشور ثبت شده و مراحل ثبت آن در امریکا با نام **Vehicle mount lift for handicapped access** در حال پیگیری است. این دستگاه دارای کیف مخصوص حمل و نگهداری است؛ دستگاه بالابر از چهار قطعه ۱. اتصال به خودرو، ۲. مکانیسم بالابر، ۳. بازوی رابط ۴. قسمت نگهدارنده اسلیم با قابلیت نصب روی هم تشکیل شده است. افراد معلول می توانند از این وسیله برای سوار شدن به تاکسی هم استفاده کنند زیرا قطعه ثابتی روی ماشین قرار نمی گیرد؛ در استفاده از این دستگاه نیاز به راننده خاص نیست و در آزمایش های عملی، فردی به وزن ۴۲ کیلوگرم فرد معمولی به وزن ۱۰۲ کیلوگرم را براحتی و چندین بار از ویلچر به درون خودرو و بالعکس منتقل کرده است.

### «ساخت کمر بند راهنما برای نابینایان»، ۳۰ دی ۱۳۹۵.

مرکز تحقیقات فنی VTT در فنلاند کمر بندی برای افراد نابینا ساخته که آنها را در محیط خارج خانه راهنمایی می کند. به نقل از نیواطلس، کمر بند مذکور که **Guidesense** نام دارد، مجهز به فناوری رادار با طول موج کوتاه است. این دستگاه روی سینه بسته می شود و به کاربر خود موانع موجود در مسیر او را هشدار می دهد. به گفته محققان مرکز VTT دستگاه **Guidesense** می تواند امواج کوتاه میلیمتری را دریافت کند. این امواج ممکن است از هر دستگاهی مانند یک اتومبیل خودران یا سیستم هوشمند شناسایی و امنیتی یک ساختمان ساطع شود. کمر بند مذکور بیشتر موانع موجود در مسیر کاربر را می یابد، البته هنوز قابلیت شناسایی اشیای بسیار کوچک مانند شاخه های نازک و بوته ها را ندارد.

البته این نخستین فناوری پوشیدنی نیست که برای کمک به نابینایان ساخته شده است با وجود این Guidesense مزیت هایی بر نمونه های دیگر دارد. ترو کیورو یکی از دانشمندان ارشد در VTT می گوید: Guidesense با توجه به امواج رادیویی کار می کند. بنابراین سیگنال ها از لباس های معمولی رد می شوند. این بدان معناست که می توان دستگاه را زیر کت پوشید تا کسی متوجه نشود. به گفته سازندگان آن، رادار به کاررفته در دستگاه هنگام تداخلات زیست محیطی مانند مه، باران یا دود و تاریکی نیز قابل استفاده است.

### «ساخت مساجد ویژه ناشنوایان در مصر»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.

به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا - شیخ محمد مختار جمعه وزیر اوقاف مصر با اعضای شورای بیماری های خاص این کشور دیدار و گفت و گو کرد. وی در این دیدار با اشاره به حساس بودن قشر ناشنوا، حمایت از آنان و همچنین ارائه برنامه هایی برای افزایش اطلاعات دینی آنان را خواستار شد. وزیر اوقاف مصر نسبت به بی توجهی به ناشنوایان هشدار داد و وظیفه هر مسلمانی را تلاش برای افزایش آگاهی دینی ناشنوایان توصیف کرد. وی اعلام کرد که وزارت اوقاف همه تلاش خود را برای یاری بیماران خاص به کار خواهد بست و این را وظیفه خود می داند. محمد مختار جمعه از دستور این وزارتخانه برای ساخت مساجد ویژه ناشنوایان در مصر خبر داد و اظهار داشت که مسائل دینی و همچنین سخنان خطیبان به صورت زبان اشاره بیان خواهند شد تا ناشنوایان بتوانند اطلاعات دینی خود را افزایش داده و در این راستا احساس ضعف نکنند. وزیر اوقاف مصر همچنین اعلام کرد که قرار است مسابقه قرآن کریم ویژه ناشنوایان از سوی این وزارتخانه برگزار شود.

### «سرویس مدارس برای دانش آموزان استثنایی رایگان است»، مجید سرایی، ۲۵ شهریور ۱۳۹۷.

تاکسیرانی شهرداری، از جمله سازمان هایی است که در بحث خدمات رسانی به اقشار مختلف جامعه، همیشه محل نقد و نظر های مثبت و منفی قرار گرفته و عموماً پاسخ های مسئولان این سازمان، نتوانسته تمام اقشار را راضی کند. از جمله این اقشار، نابینایان و عموماً جامعه معلولان است که از این سازمان انتظار همراهی بیشتری در بحث ایاب و ذهاب با شهروندان معلول دارند. یک پرسش عمومی و دائمی: سازمان تاکسیرانی برای نابینایان و معلولان غیر نابینا چه تسهیلات و خدماتی ارائه می دهد؟ آیا این تسهیلات و خدمات از نظر کیفی توانسته برای جامعه معلولان رضایت بخش باشد؟ مهدی ابراهیمی، معاون فنی و بهره برداری سازمان تاکسیرانی شهرداری تهران به عنوان یک مسئول کارشناس در این زمینه، در گفت و گوی کوتاه با «توانش» به این پرسش و پرسش های دیگر پاسخ می دهد. «چهار سال است که سازمان تاکسیرانی شهر تهران خدمات سرویس مدارس را به

دانش آموزان استثنایی ارائه می دهد. این سرویس ها در دو قالب تاکسی سواری و ون، موظفند دانش آموزان را از در منازلشان به مدرسه برسانند و بالعکس، از مدرسه به در منازل باز گردانند.»

آیا این خدمات شامل تمام معلولیت ها می شود یا گروه های خاصی از معلولان را در بر می گیرد؟

ما به هفت گروه معلولیتی این خدمات را ارائه می دهیم. حقیقت این است که احساس کردیم باید این خدمات به تمام گروه های معلولیتی ارائه شود؛ چون تا قبل از این تسهیلات، والدین گروه هایی از معلولان در بحث رفت و آمد فرزندشان نگرانی هایی داشتند؛ تا آنجا که فرزندشان را در خانه نگه می داشتند و با ارائه این خدمات به جامعه برگشته اند.

یکی از مهم ترین فاکتور ها در ارائه سرویس ها و خدمات مختلف به معلولان، آموزش های لازم به نیرو های خدمات رسان است. آیا شما بالا بردن را آموزش داده اید؟

اتفاقاً این فاکتور برای ما در اولویت بود؛ چون یک راننده سرویس دانش آموزان نابینا و دیگر معلولیت ها باید بدانند چگونه رفتار صحیحی با این دانش آموزان داشته باشد و حتی در مواقع لازم، در سوار شدن و پیاده شدن به آنها کمک کند. از دیگر سو، باید در رانندگی دقت کند که خدای نکرده کوچکترین اتفاقی نیفتد. تمام این موارد را به راننده هایمان آموزش داده ایم. ضمن اینکه از راننده های دارای خودروی استاندارد و سالم استفاده می کنیم.

هزینه های این سرویس ها از چه اعتباراتی تأمین می شوند؟

ما با هماهنگی سازمان آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران، مدارسی را که باید به آنها سرویس ارائه دهیم، شناسایی می کنیم: سپس با شرکت های خصوصی که با تاکسیرانی همکاری می کنند، مذاکره می کنیم تا با توجه به فاکتور هایی که در نظر گرفته ایم، راننده و خودروی استاندارد را در اختیارمان بگذارند. هزینه این سرویس ها هم از محل اعتبارات سازمان تاکسیرانی که به این منظور در نظر گرفته شده است، تأمین می شود. در واقع والدین دانش آموزان استثنایی هیچ هزینه ای در قبال دریافت این خدمات، نمی پردازند.

شما اشاره به اختصاص این سرویس ها به تمام گروه های معلولیتی کردید. لطفاً کمی درباره نحوه خدماتی که ارائه می شود بسته به نوع معلولیت دانش آموزان، توضیح دهید!

عرض کردم که ما آموزش های لازم را به راننده ها می دهیم تا با گروه های معلولیتی رفتار صحیحی داشته باشند. خب طبیعی است نابینایان مشکلات افراد جسمی-حرکتی ندارند و براحتی می توانند از تاکسی هایی که به عنوان سرویس اختصاص داده ایم، استفاده کنند. اما دانش آموزان جسمی-حرکتی شرایط متفاوتی دارند. این دانش آموزان از اتوبوس های مجهز به بالا بر استفاده می کنند که حدود ۳۰ دستگاه اتوبوس از شرکت واحد اتوبوسرانی برای این سرویس ها در نظر گرفته شده است.

در این میان برخی دانش آموزان جسمی-حرکتی هستند که می توانند با کمک راننده از تاکسی استفاده کنند. طبعاً این دسته از دانش آموزان در کنار نابینایان از سرویس های تاکسی استفاده می کنند.

چه تعداد دانش آموز استثنایی از این سرویس سازمان تاکسیرانی بهره مند شدند؟

ما سال گذشته به ۶ هزار دانش آموز با هزار و ۱۰۰ دستگاه تاکسی و ون سرویس ارائه کردیم.

ص: ۳۱۴



### «سمیه عباسپور در رقابت های کامپوند به نشان طلا دست یافت»، ۳ تیر ۱۳۹۵.

در آخرین روز از رقابت های تورنمنت انتخابی تیر و کمان پارالمپیک، بانوی کماندار تیم ملی به نشان طلای رقابت های انفرادی کامپوند دست یافت.

سمیه عباسپور در رقابت نهایی کامپوند انفرادی بانوان برای تصاحب نشان طلا به مصاف حریفی از اوکراین رفت و توانست با اقتدار به عنوان قهرمانی و نشان طلا دست یابد.

وی پیش از این موفق شده بود با کسب نشان برنز از رقابت های بخش کسب سهمیه، مجوز حضور در بازی های پارالمپیک ریو را نیز تصاحب کند و با نشان طلای بخش جهانی به کار خود در این مسابقات پایان داد.

این مسابقات با حضور ۲۵۳ ورزشکار از ۴۸ کشور جهان از ۲۵ تا ۳۰ خرداد ماه به میزبانی جمهوری چک برگزار شد.

### «سنجاق سر هوشمند برای ناشنویان به بازار آمد»، ۱ تیر ۱۳۹۶.

«اونتنا» نام یک سنجاق سر هوشمند است که اگر چه شنوایی را به افراد ناشنوا باز نمی گرداند، اما درک اصوات را برای آنان ممکن می کند.

این سنجاق سر می تواند تصور شنیدن را در افراد ناشنوا به وجود آورد. نمونه اولیه **Ontenna** سال گذشته ساخته شده و قرار است بزودی هزار واحد از آن تولید و در آینده نزدیک روانه بازار شود.

شرکت فوجیتسو حامی مالی این طرح دانشگاهی است که توسط طراحی به نام تاتویا هوندا اجرا شده است. وی می گوید برای ساختن این گل سر از توانمندی سیل های گربه ها که قادر به حس کردن حرکات مختلف در هوا هستند، الهام گرفته است.

این گل سر با ابزار کمکی که شنیدن را تسهیل می کنند، تفاوت دارد و تنها به ریتم و بلندی صدا واکنش نشان می دهد و لذا اگر کسی فریاد بزند، این سنجاق سر با شدت بیشتری به لرزش درآمده و این لرزش از طریق حرکت شدید موهای سرفرد ناشنوا برای وی محسوس خواهد بود.

**Ontenna** می تواند ۲۵۶ سطح مختلف از صداهای گوناگون را با شدت و ضعف های مختلف از یکدیگر تمیز دهد و از طریق مرتعش کردن موی انسان، وی را مطلع کند.

این دستگاه در دو مدل عرضه می شود. مدل اول و بزرگ تر از طریق بلوتوث به برنامه مرتبطی متصل می شود و مدل کوچک تر فاقد قابلیت ارتباطی بلوتوث است. انتظار می رود قیمت این دستگاه کم تر از ۱۰۰ دلار باشد.

## «سومین دوره مسابقات قرآن نابینایان جهان اسلام برگزار می شود»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.

حسین سیف اللّهی دبیر برگزاری سومین دوره مسابقات بین المللی قرآن نابینایان جهان اسلام، در خصوص نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در مسابقات بین المللی قرآن گفت: سومین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم روشندان جهان اسلام، همزمان با مسابقات بین المللی قرآن جمهوری اسلامی ایران از ۳۰ فروردین ماه تا ششم اردیبهشت ماه سال ۹۷ در مصلاهی امام خمینی(ره) تهران برگزار می شود.

وی ادامه داد: محمد تقی کریمی فیض آبادی در رشته حفظ کل قرآن کریم و امیدرضا رحیمی از استان گیلان به عنوان نماینده ایران در رشته قرائت تحقیق نماینده جمهوری اسلامی ایران در این دوره از مسابقات خواهند بود.

سیف اللّهی با اشاره به اینکه قبل تر احمددباغ به عنوان نماینده جمهوری اسلامی در سومین دوره مسابقات بین المللی قرآن نابینایان جهان اسلام در رقابت انتخابی رتبه نخست را به دست آورده اظهار داشت: پیش تر احمد دباغ به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران در رشته حفظ در رقابت انتخابی رتبه نخست را به دست آورده که به دلیل محدودیت های آیین نامه ای وی تغییر کرده و به جای او محمد تقی فیض آبادی در این مسابقات به رقابت خواهد پرداخت.

وی در خصوص برپایی و سطح این مسابقات افزود: با توجه به اینکه داوران بخش نابینایان متفاوت با داوران دیگر بخش ها نیستند و با آماری که از سوی سازمان اوقاف دریافت کرده ایم می توانیم بگوییم سطح مسابقات نابینایان اگر از لحاظ کیفی و کمی بیشتر از دیگر بخش های مسابقات بین المللی نباشد کمتر نیست.

سیف اللّهی این مسابقات را کار مشترک سازمان اوقاف و سازمان بهزیستی دانست و تصریح کرد: ما در سال های گذشته تجربه خوبی را در این مسابقات به دست آورده ایم که در کاهش هزینه ها نیز بسیار مناسب بوده است.

وی با اشاره به دعوت از نابینایان بیش از ۱۵ کشور افزود: سال اول برگزاری مسابقات بین المللی نابینایان ۱۷ کشور و سال گذشته ۲۳ کشور و امسال نیز در بخش نابینایان روند بهتر و بالاتری را برای دعوت از قاریان نابینا انجام خواهیم داد.

دبیر سومین دوره مسابقات بین المللی قرآن نابینایان جهان اسلام با تأکید بر دو رشته حفظ و قرائت در مسابقات بین المللی ادامه داد: فراخوانی از استان ها برای نابینایان گذاشته ایم که نابینایان استان ها برای شرکت در آزمون انتخابی که ۲ اسفند برگزار شد شرکت کرده و برگزیدگان این آزمون به عنوان نماینده جمهوری اسلامی در مسابقات بین المللی قرآن به رقابت خواهند پرداخت.

سومین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم نابینایان جهان اسلام، همزمان با مسابقات بین المللی قرآن جمهوری اسلامی ایران از ۳۰ فروردین ماه تا ششم اردیبهشت ماه سال ۹۷ در مصلاهی امام خمینی(ره) تهران برگزار می شود.

## «شرایط خرید کتاب های «گویا»» ۷ بهمن ۱۳۹۵.

دبیرخانه هیأت انتخاب و خرید کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدور اطلاعیه ای شرایط انتخاب و خرید کتاب های گویا را اعلام کرد. در متن این اطلاعیه به نقل از روابط عمومی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده است: با توجه به اهمیت کتاب های شنیداری در حوزه کتاب و کتابخوانی و کاربرد قابل توجه شان در زمینه های مختلف بویژه مصرف فرهنگی نابینایان، نوآموزان زبان فارسی و سالخوردگان، به اطلاع عموم مؤسسات تولیدکننده کتاب های گویا می رساند که هیأت انتخاب و خرید کتاب از این پس نسبت به دریافت این محصولات و خریدشان پس از بررسی در جلسات کارشناسی مبادرت می ورزد. بر این اساس از تمامی مؤسسات ناشر این کتاب ها دعوت می شود، در صورتی که محصولات شان مجوز رسمی تولید و توزیع از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته باشد، یک نسخه از آنها را به دبیرخانه این هیأت (ساختمان مرکزی وزارتخانه، طبقه دوم، اتاق ۲۳۷، تلفن ۳۸۵۱۳۰۴۹) تحویل دهند تا در جلسات کارشناسی مورد بررسی جهت خرید قرار گیرد. نتایج جلسات، مانند روال متعارف اعلام مصوبات این هیأت، در سایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به نشانی <http://mof.farhang.gov.ir/fa/home/book> اعلام خواهد شد. بر اساس این گزارش، کتاب گویا به عنوانی اطلاق می شود که شامل متن شفاهی کتاب های چاپی ضبط شده روی لوح های فشرده با صدای نویسنده کتاب یا یک گوینده است. بدیهی است در صورتی که ملحقات افزوده بر این معیار، (همچون موسیقی و سایر افکت های صوتی یا بصری) بر خود متن اصلی غالب باشند، در این تعریف جای نخواهند داشت و در هیأت، مورد پذیرش قرار نمی گیرند.

## «شمشکی: دنبال توسعه ورزش زمستانی معلولان هستیم» ۱۶ دی ۱۳۹۵.

رئیس انجمن اسکی جانبازان و معلولان هدف از برگزاری مسابقات بین المللی اسکی به میزبانی ایران را توسعه ورزش های زمستانی معلولان و افزایش تعداد سهمیه های ایران در مسابقات پارالمپیک زمستانی ۲۰۱۸ کره جنوبی عنوان کرد.

عیسی ساوه شمشکی، با اشاره به همزمان بودن مسابقات بین المللی اسکی در بخش جانبازان و معلولان و افراد سالم، اظهار کرد: این رقابت ها در روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۱۴ و ۱۵ دی ماه در رشته اسنوبرد در پیست اسکی دیزین به صورت داخلی و بدون حضور تیم های خارجی برگزار خواهد شد.

البته در رشته آلپاین که ۱۹ و ۲۰ دی در دربندسر برگزار می شود، دو تیم ارمنستان و رومانی برای شرکت در مسابقات اعلام آمادگی کردند.

وی گفت: این تورنمنت چون با نظارت (دیمتری لازاروسکی) رئیس ورزش های زمستانی کمیته بین المللی پارالمپیک انجام می شود، مورد تأیید IPC (کمیته بین المللی پارالمپیک) است و ۲۰ ورزشکار حاضر در این تورنمنت پس از انجام کلاس بندی پزشکی در رشته های آلپاین و اسنوبرد توسط دو پزشک کلاس بند از هلند و یونان مجوز شرکت در این تورنمنت را پیدا می کنند.

رئیس انجمن اسکی جانبازان و معلولان اضافه کرد: هر چند مسابقات بین المللی اسکی در بخش اسنوبرد به صورت داخلی برگزار می شود، اما چون در تقویم IPC ثبت شده است، رنکینگ جهانی دارد و برای ورزشکاران شرکت کننده در این تورنمنت، امتیاز خوبی برای حضور در پارالمپیک زمستانی ۲۰۱۸ که به میزبانی کره جنوبی برگزار خواهد شد، محسوب می شود.

ساوه شمشکی در ادامه صحبت هایش خاطرنشان کرد: در ۵ دوره از بازی های پارالمپیک زمستانی ما تنها یک نماینده داشتیم، اما با تأیید کلاس بندی پزشکی ورزشکاران حاضر در این تورنمنت، به دنبال آن هستیم تا علاوه بر افزایش تعداد سهمیه ها، ورزشکاران معلول بیشتری را راهی پارالمپیک زمستانی ۲۰۱۸ کنیم. بدون شک هر چقدر بتوانیم تعداد اسکی بازان معلول را افزایش دهیم، در توسعه این رشته گام مؤثری برداشته ایم.

### «شناسایی و سقط ۱۳۵۰ جنین معلول»، ۳۰ دی ۱۳۹۵.

رئیس مرکز توسعه پیشگیری سازمان بهزیستی کشور گفت: طی دو سال گذشته ۱۳۵۰ جنین معلول شناسایی و با هماهنگی پزشکی قانونی سقط جنین انجام شده، این درحالی است که چنانچه این کودکان به دنیا می آمدند و به طور متوسط ۱۸ سال زندگی می کردند، هزینه های مادی، اجتماعی و خانوادگی زیادی بر جامعه تحمیل می شد. مجید رضازاده در خصوص سقط قانونی جنین با تأکید بر اینکه تنها جنین های دارای معلولیت شدید سقط می شوند، گفت: به عنوان مثال نابینایی سقط نمی شود، اما معلولیت های ذهنی شدید که توان زندگی را از فرد می گیرند، سقط خواهد شد. وی همچنین با بیان اینکه در حال حاضر پس از انجام مشاوره ژنتیک در صورت لزوم، سقط های درمانی انجام می شود که از اهمیت بسیاری برخوردار است، گفت: اگر نتیجه آزمایشات ژنتیکی فرد باردار نشان دهد که جنین وی مبتلا به معلولیت شدید است با مجوز سازمان پزشکی قانونی تأییدیه سقط درمانی اخذ می شود تا نوزاد مبتلا به معلولیت شدید متولد نشود. رئیس مرکز توسعه پیشگیری سازمان بهزیستی کشور با تأکید بر اینکه هزینه فایده مشاوره ژنتیک یک به صد است اظهار کرد: در حال حاضر ۲۵۰ مرکز مشاوره ژنتیک در کشور داریم که ۲۰۰ مرکز خصوصی بوده و حدود ۴۵ مرکز دولتی است. رضازاده افزود: چنانچه مراکز خصوصی تشخیص دهند فرد نیازمند آزمایش بضاعت مالی کافی را ندارد از سازمان بهزیستی یارانه گرفته و مشاوره و آزمایش را به صورت رایگان انجام می دهند.

وی همچنین با تأکید بر اینکه ۱۷ سال است که سازمان بهزیستی کشور در خصوص پیشگیری از بیماری های ژنتیک فعالیت می کند گفت: در زمینه گسترش آگاهی ها در خصوص مسائل ژنتیک و ارتقای آگاهی های مردم دچار نقص هستیم. رئیس مرکز توسعه پیشگیری سازمان بهزیستی کشور در خصوص «مشاوره ژنتیک پیش از ازدواج» اظهار کرد: در گذشته افراد یا اصلاً برای مشاوره ژنتیک مراجعه نمی کردند یا زمانی به مراکز مشاوره می آمدند که باردار بودند که این زمان برای اقدامات انجام شده خیلی کارآمد نیست، این درحالی است که بهترین زمان برای انجام مشاوره ژنتیک زمانی است که فرد هنوز تصمیم به ازدواج نگرفته است. رضازاده تأکید کرد: مشاوره ژنتیک پیش از ازدواج به هیچ عنوان مانع ازدواج افراد نمی شود و تنها جنبه آگاهی رسانی دارد.

## «شنوایی سنجی یک میلیون و ۱۰۰ هزار کودک در سال ۹۴»، ۲۷ خرداد ۱۳۹۵.

رئیس سازمان بهزیستی کشور عنوان کرد: در سال ۹۳ غربالگری و شنوایی سنجی ۹۰۰ هزار کودک انجام و از ناشنوا شدن آنها در ادامه زندگی جلوگیری شد که این آمار در سال ۹۴ به یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر رسید و در طول ۳ سال خدمت دولت تدبیر و امید از ناشنوایی بیش از ۳ هزار کودک جلوگیری شد. وی با اعلام اینکه در بحث تنبلی چشم کودکان ۳ تا ۶ سال بیش از ۳ میلیون کودک را شناسایی کردیم افزود: با مشاوره ژنتیکی از تولد ۹۰۰ کودک دارای اختلال ژنتیکی جلوگیری شده و در استان همدان نیز مجوز جلوگیری از ادامه حاملگی برای ۱۷ مورد صادر

شده است. وی با بیان اینکه ۹۰۰ مادری را که باردار هستند دعوت و به آنان مشاوره رایگان ارائه می کنیم تا با علم بیشتری وارد حاملگی دوم شوند و موجب به دنیا آمدن کودک معلول نشوند، گفت: در کشور بحث غربالگری اوتیسم را اجرایی کرده و ۲ هزار و ۵۰۰ کودک اوتیسمی را شناسایی کردیم. وی گفت: در بحث پیشگیری از آسیب های اجتماعی گسترده ترین اورژانس اجتماعی را بهزیستی برخوردار است و در سال ۹۴ تعداد ۲ هزار و ۸۸۰ خانم و تعداد ۲ هزار و ۴۰۰ آقا را از خودکشی به ادامه حیات برگردانیم.

## «شهید هرندی فاتح مسابقات باشگاهی گلبال بانوان شد»، ۵ اسفند ۱۳۹۵.

به گزارش ایران سپید مرحله رفت و برگشت مسابقات لیگ دسته اول گلبال بانوان که با حضور ۴ تیم در تهران برگزار شد، با قهرمانی هرندی به پایان رسید؛ در روز اول، این نتایج به دست آمد: هیأت نایبانیان خوزستان ۶ شهید هرندی تهران ۶، دانشگاه آزاد تهران ۵ بهزیستی اصفهان ۴، دانشگاه آزاد ۲ خوزستان ۱، اصفهان ۴ شهید هرندی ۳، خوزستان ۵ اصفهان ۳، دانشگاه آزاد ۳ هرندی ۳. نتایج روز پایانی به این شرح است: شهید هرندی ۶ اصفهان ۴، خوزستان ۳ اصفهان ۱، شهید هرندی ۲ دانشگاه آزاد ۱. در پایان، تیم شهید هرندی تهران با ۱۱ امتیاز به عنوان نخست دست یافت، دانشگاه آزاد تهران با ۱۰ امتیاز و تفاضل ۶+ دوم شد، هیأت نایبانیان خوزستان نیز با ۱۰ امتیاز و تفاضل گل ۴+ در جایگاه سوم قرار گرفت و بهزیستی اصفهان با ۳ امتیاز چهارم شد.

## «صدور مجدد کارت معلولیت در اردبیل آغاز شد»، ۳۰ دی ۱۳۹۵.

امور توانبخشی بهزیستی استان اردبیل از آغاز به کار صدور مجدد کارت معلولیت در این استان خبر داد.

ولی یعقوبی تصریح کرد: صدور کارت معلولیت مدتی در استان متوقف شده بود که به دلیل نیاز مبرم به ساماندهی معلولان صدور کارت مجدد فعال شد.

وی افزود: امکانات لازم برای صدور مجدد کارت فراهم شده و چاپ کارت از سه ماه ه دوم سال آغاز شده است. معاون امور توانبخشی بهزیستی استان تصریح کرد: صدور کارت برای افرادی است که درصد و نوع معلولیت خود را در طبقه بندی ICF دریافت کرده اند و در صورتی که معلولی اقدامی در این خصوص ندارد کارت برای وی صادر نخواهد شد. یعقوبی با بیان اینکه ۱۷ هزار و ۵۰۰ معلول تحت پوشش بهزیستی اردبیل هستند، ادامه داد: بهزیستی بعد از ساماندهی معلولان در حوزه های مختلف از جمله درمان، یارانه و کمک بلاعوض، مسکن، اشتغال، تحصیل، مهارت آموزی و برخورداری از دوره های آموزشی معلول را حمایت می کند. وی به فعال سازی ۳۰ مرکز حرفه آموزی ویژه معلولان اشاره کرد و گفت: هزار و ۴۰۰ نفر از این مراکز خدمات دریافت کرده اند و بالغ بر ۶۰ میلیارد ریال در این راستا هزینه شده است. معاون امور توانبخشی از حمایت ۹۰۰ دانش آموز و ۲۰۱ دانشجوی معلول خبر داد و افزود: از کمک های بلاعوض و یارانه نیز پنج هزار و ۴۵۹ نفر استفاده کرده اند.

### «طرح توانبخشی معلولان افغانستانی در شهریار اجرایی می شود»، ۲۵ شهریور ۱۳۹۵.

خداملی نورانی رئیس اداره بهزیستی شهرستان شهریار گفت: طرح توانبخشی معلولان افغانستانی در شهریار اجرایی می شود. وی بیان کرد: طرح توانبخشی معلولان افغانستانی در دستور کار قرار گرفته و امیدواریم بعد از اتمام دوره های آموزشی مریبان تسهیل گری بتوانیم در خصوص توانمندسازی جامعه هدف اقدام کنیم. وی تصریح کرد: این طرح در مرحله اول برای ۱۶۰ نفر از معلولان افغانستانی انجام می شود که این افراد می توانند از خدمات اجتماعی، بهداشتی، سلامت، آموزش، برای خود و خانواده هایشان بهره مند شوند. وی خاطر نشان کرد: در این طرح نیازسنجی صورت پذیرفته و افراد ناشنوا، نابینا، عقب مانده های ذهنی و جسمی و سایر معلولیت ها از خدمات آن بهره مند می شوند. نورانی یادآور شد: این طرح برای نخستین بار در شهریار و به مدت چهار ماه اجرا می شود و امیدواریم جامعه هدف با آموزش هایی که در راستای توانمندسازی آنها شکل می گیرد به نحو مناسب از مزایای این طرح بهره مند شوند.

### «طرح جبران عدم کارایی هنوز پابرجاست»، حمید داوودی، ۲۶ بهمن ۱۳۹۶.

خانمی از لرستان در تماس با تحریریه «ایران سپید» از عدم اجرایی شدن «طرح جبران عدم کارایی» توسط بهزیستی این استان خبر داد و اینکه از مسئولان بهزیستی پرس و جو کرده و آنها گفتند: «این طرح دیگر اجرایی نمی شود». ما نیز بر آن شدیم تا درستی یا نادرستی این گفته را از زبان مسئولان بشنویم. مهناز کاشی، رئیس دبیرخانه اشتغال و کارآفرینی سازمان بهزیستی کل کشور در

پاسخ به سؤال «ایران سپید» مبنی بر اجرایی نشدن طرح جبران عدم کارایی در بهزیستی گفت: «این طرح هم اکنون در کشور اجرایی می شود البته در قانون جامع نبود که ما آن را در لایحه حمایت از حقوق معلولان گنجانندیم و با تصویب از سوی شورای نگهبان، اجرایی شدن آن به صورت قانون درخواهد آمد.» وی ادامه داد: «بهزیستی نه تنها این طرح را دنبال می کند بلکه برای قانونی شدن آن نیز تلاش کرده تا بودجه مورد نیاز آن از طریق بودجه کلی کشور تأمین شود. سازمان بهزیستی به کارفرمایانی که معلولان سخت اشتغال را به کار گیرند تسهیلاتی ارائه می دهد. بهزیستی بین ۱۰ تا ۵۰ درصد از حقوق قانون کار را به مدت ۵ سال به کارفرمایان پرداخت می کند.» وی با اشاره به کمبود منابع برای مشوق های حمایتی بیان کرد: «سازمان مدیریت و برنامه ریزی، منابع مالی را که ما در نظر می گیریم به بهزیستی اختصاص نمی دهد. ممکن است کمبود منابع داشته باشیم اما طرح ما لغو نشده است.» در ادامه پیگیری های این روزنامه به سراغ معاونت مشارکت های مردمی و اشتغال سازمان بهزیستی استان لرستان رفتیم. مراد سیفی، در گفت و گو با خبرنگار «ایران سپید» از اجرایی شدن طرح جبران عدم کارایی خبر داد و گفت: «کارفرمایان با به کارگیری یکی از افراد دارای معلولیت سازمان بهزیستی و همچنین بیمه کردن شخص معلول در شرکت یا اداره اش برای جبران عدم کارایی فرد دارای معلولیت یا به عبارتی برای ارتقای کارایی فرد، سازمان بهزیستی بین ۱۰ تا ۵۰ درصد حقوق این فرد معلول را به کارفرما پرداخت می کند. هیچ استثنایی هم در این زمینه وجود ندارد و اگر کارفرمایی به ما مراجعه کند می تواند از این تسهیلات بهره مند شود.»

وی با اشاره به استقبال بهزیستی لرستان از این طرح گفت: «این طرح زمینه ساز اشتغال برای معلولان است و ما اکنون ۱۳۴ مورد داریم که جبران عدم کارایی آنها به کارفرمایان نشان پرداخت می شود. سیفی با بیان آنکه افرادی خود را بیمه کردند و درخواست عدم کارایی دادند، گفت: «اگر فردی خود را بیمه خویش فرما کند یا به عبارتی کارفرمایی نداشته باشد این طرح به او تعلق نخواهد گرفت. طرح جبران عدم کارایی برای تشویق کارفرمایان است تا افراد معلول بیشتری را به کار گیرند. این خانمی هم که از ما نزد روزنامه شما شکایت کردند مدارک کاری خود را ارائه دهند حتماً به کارشان رسیدگی خواهد شد.»

### «طرح مراقبان خانگی چیست»، ۱ تیر ۱۳۹۶.

معاون امور توانبخشی بهزیستی استان تهران از ارائه خدمات ویژه به معلولان ساکن در سکونت گاه های غیر رسمی تهران در قالب طرح مراقبان خانگی خبر داد و جزئیات آن را تشریح کرد. محمدرضا اسدی درباره طرح مراقبان خانگی و ارائه خدمات ویژه به معلولان در سکونتگاه های غیر رسمی گفت: در حال حاضر ۲۴۰ نفر از معلولان تهران در طرح مراقبان خانگی شرکت دارند.

وی افزود: در طرح مراقبان خانگی، مددکاران با تیم های تخصصی توانبخشی، ۳ روز در هفته با حضور در منازل معلولان خدمات موردنظر را به آنها ارائه می کنند.

معاون امور توانبخشی بهزیستی استان تهران اظهار کرد: ارائه خدمات توانبخشی، آموزشی، مددکاری همچنین بهداشتی بخشی از برنامه های پیش بینی شده در طرح مراقبت خانگی از معلولان شدید است.

اسدی با تأکید بر اجرای آزمایشی طرح مراقبان خانگی خاطرنشان کرد: طرحی که در حال حاضر به صورت آزمایشی در استان تهران و در شهرستان شهریار اجرا می شود، طرح مراقبان معلولان در مناطق محروم نام دارد. اسدی تصریح کرد: طرح توانبخشی مبتنی بر جامعه «CBR» از جمله طرح هایی است که در مناطق محروم، سکونتگاه های غیر رسمی، روستاها و حاشیه شهرها در حال تدوین بوده و بزودی اجرا خواهد شد.

### **«طرح های دانش بنیان در بهزیستی خراسان رضوی»، ۷ بهمن ۱۳۹۵.**

رئیس پارک علم و فناوری خراسان گفت: با توجه به توانایی های پارک علم و فناوری خراسان به لحاظ نرم افزاری و سخت افزاری، طرح های دانش بنیان به اداره کل بهزیستی خراسان رضوی ارائه می شود. سیدحسین علم الهدایی در دیدار با مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی و هیأت همراه گفت: شرکت های دانش بنیان استان هر فکر، ایده و دانش را تبدیل به محصول می کنند برای اینکه در جامعه مورد استفاده قرار بگیرد. وی افزود: نیروهای کارآمد و تحصیلکرده در شرکت های دانش بنیان پارک علم و فناوری خراسان فعالیت می کنند که توانایی های خود را در ارائه محصولات فناور به دستگاه های اجرایی استانی و کشوری اثبات کرده اند. حمیدرضا پوریوسف مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی هم در این جلسه گفت: اطلاع رسانی و آگاهی بخشی، طراحی راهنمای مشارکت های نوین، ایجاد اشتغالزایی جامعه هدف و استفاده از فناوری های نوین در توانمندسازی معلولان از جمله نیازهای مورد تأیید این سازمان و همکاری و ورود شرکت های دانش بنیان پارک علم و فناوری خراسان است. وی خاطرنشان کرد: با توجه به توانمندی ها و فعالیت شرکت های دانش بنیان پارک علم و فناوری خراسان امید آن می رود که با تشکیل کارگروه های متخصص اداره کل بهزیستی استان در حوزه های مختلف بتوانیم از این توانمندی ها به بهترین شکل ممکن استفاده کنیم.

### **«فراخوان جشنواره استانی فیلم کوتاه «معلولیت و روستا» منتشر شد»، ۱۳ آبان ۱۳۹۵.**

فراخوان جشنواره استانی فیلم کوتاه «معلولیت و روستا» با محوریت توانبخشی مبتنی بر جامعه به همت مجتمع «باران» در قروه با هدف ترویج خوداتکایی معلولان و آگاه سازی مردم منتشر شد.

مجتمع فرهنگی و هنری باران شهرستان قروه با همکاری اداره کل بهزیستی استان کردستان و با هدف بررسی مسائل معلولان بخصوص معلولان ساکن روستا، با توجه به اهداف بین المللی جهت انعکاس مسائل و مشکلات معلولان، فرهنگ سازی و ایجاد آگاهی در جامعه، برخورداری از



فرصت های برابر و نمایش توانمندی این افراد و حضور فعال آنان در فعالیت های اجتماعی که منجر به توسعه و بالندگی بیشتر در کشور می شود اقدام به برگزاری جشنواره فیلم کوتاه «معلولیت و روستا» با محوریت توانبخشی مبتنی بر جامعه کرده است. دبیر اجرایی این جشنواره با اشاره به اهداف و موضوع های این جشنواره، بیان کرد: روایت درست از زندگی افراد دچار معلولیت، بیان ابعاد ناگفته از واقعیت های زندگی معلولان روستایی، تبیین اثربخشی آموزش در توانمندسازی معلولان، بازنمایی توانمندی ها و موفقیت های افراد دچار معلولیت بخصوص در محیط روستا، اشتغال معلولان، مناسب سازی محیط جهت فعالیت بهتر معلولان، درمان معلولان و ترغیب فیلمسازان و سینما گران به موضوع معلولیت مباحثی است که برای حضور در این جشنواره باید مدنظر قرار گیرند.

صادق حسین زاده مدت زمان آثار ارسالی را حداکثر ۱۵ دقیقه اعلام کرد و از برگزاری این جشنواره برای نخستین بار در استان کردستان خبر داد و گفت: مهلت ارسال آثار به دبیرخانه جشنواره تا ۲۵ آذرماه سال جاری بوده و این تاریخ در صورت استقبال قابل تمدید خواهد بود.

وی ابراز امیدواری کرد در صورت استقبال هنرمندان و حمایت مسئولان، این جشنواره به صورت دائمی و همیشگی برگزار خواهد شد.

حسین زاده با بیان اینکه دبیرخانه این جشنواره به مجتمع فرهنگی و هنری باران اختصاص یافته است، بهره گیری از زبان هنر آن هم هنر تصویری همانند فیلم را بسیار مفید خواند و بر ترویج این فرهنگ هنری در جامعه تأکید کرد. لازم به ذکر است اجرای این جشنواره در زمستان سال جاری با معرفی آثار برتر برگزار خواهد شد.

### **«فراکسیون معلولان در مجلس دهم تشکیل می شود»، رایان عمران، ۳۱ تیر ۱۳۹۵.**

۱۶ اردیبهشت سال ۱۳۸۳ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان توسط نمایندگان ملت به تصویب رسید. تصویب این قانون نوید روزهای درخشانی را برای جامعه معلولان ایران می داد، هر چند این قانون در سال های مختلفی که اجرا شد توانست مشکلات بسیاری را از پیش پای جامعه معلولان بردارد اما با گذشت بیش از ۱۰ سال از اجرای آن مشکلات و نواقص آن معلوم شد. همه این مشکلات بود که دست اندرکاران را به فکر بازنگری و اصلاح قانون انداخت. طی جلسات متعدد کارشناسان و دست اندرکاران حوزه معلولان به بازنگری این قانون پرداختند و بعد از تصویب، هیأت وزیران توانستند این لایحه را به مجلس نهم برسانند هر چند که این لایحه از سوی شورای نگهبان برگشت خورد و مجدداً به دولت برگشت، امروز جامعه معلولان ایران چشم امیدشان به نمایندگان منتخب مجلس دهم است تا با یک خواست جمعی از دولت بخواهند مجدداً این لایحه را به مجلس برسانند. به همین بهانه از علیرضا محبوب نماینده قدیمی فعال در کمیسیون اجتماعی و نماینده مردم تهران در مجلس دهم سراغ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان را گرفتیم، محبوب با بیان اینکه کمیسیون اجتماعی اصرار دارد که جای یک لایحه جامع خالی است، گفت: «ما اصرار داریم که از معلولان و افراد کم توان به طور کلی و عمومی دفاع شود و چه بهتر که در قالب یک قانون جامع و کاملی مثل قانون جامع

حمایت از حقوق معلولان این اتفاق بیفتد، من و همه نمایندگان کمیسیون اجتماعی پیگیری می کنیم که هر چه زودتر این اتفاق بیفتد.»

جلیل مختار نماینده آبادان و سخنگوی کمیسیون اجتماعی با ابراز امیدواری به اینکه لایحه هایی که برگشت خورده اند در دستور کار کمیسیون اجتماعی قرار دارند، گفت: «این لوایح بر اساس میزان اهمیت در نظر گرفته می شوند. ما باید افراد دارای معلولیت را در بزنگاه های مختلف اجتماعی در نظر داشته باشیم چه در همسان سازی اجتماعی و چه در مناسب سازی های محیطی. من به عنوان فردی که کارمند بهزیستی و مددکار بودم این موضوع را چنانچه از طرف دولت بیاید به صورت خاص و ویژه پیگیری می کنم تا نکات ضعف و مشکلات را اصلاح کنیم و به صحن مجلس بفرستیم تا ان شاءالله هر چه زودتر تصویب شود.» سخنگوی کمیسیون اجتماعی با بیان اینکه تجربه کار در مراکز بهزیستی به او نگاهی مددکارانه داده است، تأکید کرد: «من یکی از مدافعان کاهش ساعت کاری زنان دارای فرزند یا همسر معلول بودم که هفته گذشته با رأی بالای نمایندگان مردم به تصویب رسید و یکی از اقدام های خوب و کلاسی ملت در دفاع از حقوق معلولان بود.» مختار همچنین از تشکیل فراکسیون دفاع از حقوق معلولان در مجلس دهم خبر داد و افزود: دکتر عبدالرضا عزیزی در حال جمع آوری امضاهای نمایندگان است تا ان شاءالله فراکسیون تشکیل شود.

### «کنترل گوشی و رایانه توسط معلولان با پلک زدن و تنفس»، ۷ بهمن ۱۳۹۵.

به نقل از دیجیتال ترندز، ماریسیو مزا مؤسس شرکت کانادایی Komodo OpenLab ابزاری موسوم به سپر تسلا ابداع کرده که به افراد معلول کمک می کند از گوشی هوشمند خود استفاده کنند.

این ابزار ۳۵۰ دلاری فرامین صادر شده با استفاده از پلک زدن، ضربه زدن با آرنج و حتی تنفس را به فرامین قابل درک برای رایانه ها، گوشی ها و تبلت ها مبدل می کند. برای این کار تنها کافی است گوشی یا رایانه را از طریق پرت «یو اس بی» به ابزار یاد شده متصل کنید. سپر تسلا حتی با ویلچرهای پیشرفته که از قابلیت های کنترل رایانه ای برخوردارند نیز سازگاری دارد و می تواند با آنها هماهنگ شود. افراد بر مبنای شدت و نوع معلولیت می توانند تنظیماتی را برای استفاده از این دستگاه اعمال کنند و به عنوان مثال با تکان دادن سر ویدئوهای گوشی را اجرا کنند. ابزار یادشده به گونه ای طراحی شده که از شش سوئیچ به طور همزمان پشتیبانی می کند و هر یک از آنها می توانند تا انجام دو عمل را با فشار کم یا شدید به طور همزمان مورد پشتیبانی قرار دهند. قابلیت شناسایی و درک فرامین صادر شده با کوچکترین میزان حرکات بدن از جمله مزایای این دستگاه است که به معلولان حرکتی دارای مشکلات شدید امکان می دهد براحتی از آن استفاده کنند و حتی با تنفس نه چندان شدید حسگرهای دستگاه را برای اجرای فرامین فعال کنند. تلاش برای تکمیل این دستگاه از سال ۲۰۱۰ آغاز شده و تا به حال ۳۰۰۰ نفر در سراسر جهان آن را آزمایش کرده اند و امید می رود با کاهش قیمت این محصول به زیر ۲۰۰ دلار در سال های آینده افراد بیشتری بتوانند از آن استفاده کنند.

## «گشایش پارک ویژه افراد مبتلا به اوتیسم در کشور»، ۱۳ خرداد ۱۳۹۵.

این هفته خبر گشایش نخستین پارک ویژه افراد دارای اوتیسم در شهر تبریز توجه کارشناسان حوزه توانبخشی و بویژه تشکل های افراد دارای اوتیسم را به خود جلب کرد. این توجه از یک سو معطوف به تطبیق شاخص های ساخت این پارک با نیازمندی های افراد دارای اوتیسم بویژه کودکان به طور واقعی و چرایی ایجاد چنین پارکی به طور اختصاصی از سوی دیگر است. زیرا باور محوری همه انجمن های فعال در حوزه افراد دارای معلولیت جدانبودن اماکن عمومی مورد استفاده این افراد از سایر آحاد جامعه در عین توجه به شرایط برابر ایمنی و دسترس پذیری این افراد است.

## «لایحه حقوق افراد معلول در یک قدمی صحن علنی»، سهیل معینی، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶.

سهیل معینی، مدیر عامل شبکه تشکل های نابینایان و کم بینایان کشور «چاووش» و نماینده سازمان های غیر دولتی افراد معلول در کمیته تدوین لایحه حقوق افراد معلول که در روزهای اخیر در جلسات مفصل انجام آخرین اصلاحات لایحه حضور داشته است، در گفت و گو با «ایران سپید» در مورد آخرین وضعیت لایحه گفت: پس از تصویب کلیات لایحه در آخرین جلسه کمیسیون مشترک بررسی لایحه در روز دوشنبه ۶ شهریور ماه و واگذاری انجام آخرین اصلاحات در لایحه به نشست ویژه سازمان بهزیستی، این نشست روز سه شنبه ۱۴ شهریور ماه در دفتر رئیس سازمان بهزیستی برگزار شد. معینی در ادامه توضیح داد: البته برگزاری این نشست پس از سه جلسه تدارکاتی دیگر در سازمان بهزیستی و نیز دبیرخانه پیگیری حقوق معلولان واقع در دفتر انجمن باور برگزار شد که در آن جلسات، متن پیشنهادی به نشست ویژه سازمان بهزیستی و نمایندگان مجلس از طریق رفع اشکالات وارده شورای نگهبان به لایحه دولت در مجلس نهم، بررسی پیشنهادهای اصلاحی مطرح شده در مجلس، متن پس از آخرین چکش کاری ها آماده و در جلسه ویژه مشترک سازمان بهزیستی و نمایندگان مجلس و نمایندگان سازمان های غیر دولتی افراد معلول و کارشناسان مدعو مطرح شد. در این جلسه که حدود پنج ساعت طول کشید، مواد لایحه مطرح و پیشنهادهای رسیده در مورد هر ماده بررسی شد. در پایان نشست، حسن کامران نماینده اصفهان قول داد پس از آغاز جلسات مجلس از دوم مهر ماه، با جمع آوری امضا از نمایندگان، لایحه را در دستور کار نمایندگان خانه ملت قرار دهد.

معینی با انتقاد از روند طی شده برای تدوین لایحه، تغییرات مکرر در مسیر بررسی لایحه را از مهم ترین دلایل طول کشیدن روند تدوین آن دانست که به باور وی در لایحه قابل مشاهده است. معینی از جمله مهم ترین نقایص لایحه را جدا شدن ۲۸ ماده از پیش نویس اولیه لایحه توسط دولت و ابلاغ آن به صورت تصویب نامه از سوی هیأت محترم دولت در شهریور ۹۴ ذکر کرد که موجب شد هم لایحه ناقص شود و هم ضمانت اجرای تصویب نامه دولت تضعیف گردد. معینی نقص دیگر لایحه را اعمال فشارها و نظرات غیر... کارشناسی به لایحه از سوی سازمان ها و مراکز دولتی و خصوصی توصیف کرد. همچنین بخشی از درخواست های مهم شهروندان معلول در کمیسیون... های تخصصی دولت

حذف شد که ای کاش می شد با گرفتن زمان و توجیه مسئولان ذریبط در دولت، آن درخواست ها را به لایحه برگرداند. البته برخی از این درخواست ها مانند معافیت حقوق و دستمزد افراد معلول از پرداخت مالیات که از لایحه دولت حذف شده بود، در نشست ویژه سازمان مجدداً به لایحه بازگشت، اما در مورد امکان تصویب آن نمی توان نظر داد، زیرا این امر بار مالی دارد و می تواند با منع شورای نگهبان روبرو شود.

### «لس آنجلس میزبان مسابقات دوچرخه سواری معلولان» ۳۰ دی ۱۳۹۵.

با اعلام اتحادیه بین المللی دوچرخه سواری (UCI)، رقابت های پیست دوچرخه سواری معلولان قهرمانی جهان به میزبانی شهر لس آنجلس برگزار خواهد شد. به نقل از سایت کمیته ملی پارالمپیک، این رقابت ها از دوم تا پنجم مارس (۱۲ تا ۱۵ اسفند) در مرکز ورزش های ولو (VELO) در غرب لس آنجلس برگزار خواهد شد. این مرکز ورزشی، یک هفته پیش از آغاز رقابت های معلولان، میزبان جام جهانی دوچرخه سواری تحت عنوان جام «تیسوت» است. «ریک آدامز»، رئیس ورزش های پارالمپیک آمریکا، در این خصوص گفت: ما به طرزی باورنکردنی از این میزبانی هیجان زده هستیم. ضمن عرض تشکر اعلام می کنیم که لس آنجلس کاملاً برای این میزبانی آماده است و به تمام تیم ها و ورزشکاران اطمینان خاطر می دهیم که تجربه بزرگی خواهند داشت. این برای نخستین بار در تاریخ رقابت های دوچرخه سواری معلولان است که این مسابقات یک سال پس از بازی های پارالمپیک برگزار می شود. اتحادیه بین المللی دوچرخه سواری قصد دارد از حالا به بعد رقابت های جهانی پیست را

هر ساله برگزار کند. این رویداد در مورد دیگر مواد دوچرخه سواری هم صدق می کند. مسابقات جهانی جاده دوچرخه سواری هم در سال ۲۰۲۰ که بازی های پارالمپیک توکیو برگزار می شود، انجام خواهد شد. مسابقات جهانی جاده تا به حال هرگز در سال پارالمپیک برگزار نشده است. این رقابت ها به میزبانی اوستند بلژیک برگزار می شود.

### «مرجع مجازی راه یافتن اطلاعات برای نابینایان» ۲۰ خرداد ۱۳۹۵.

حسین عبدالملکی، مسئول بخش نابینایان کتابخانه ملی در خصوص منابع اطلاعاتی و دسترسی های کتابخانه ملی برای نابینایان گفت: سیستمی را در کتابخانه ملی برای این افراد نصب کردیم که می توانند به واسطه آن به ۸۰ هزار پایان نامه دسترسی پیدا کنند و با گویا سازهای نصب شده می توانند آنها را مطالعه کنند. وی افزود: مرجع مجازی کانال دیگری است که کاربران می توانند از طریق تلفکس، سؤال پیامکی و ایمیل...هایشان را برای کارشناسان کتابخانه ملی ارسال کنند و در مدت ۵ روز کاری منابع مورد نظر برایشان ارسال می شود. چت آنلاین نیز بخش دیگری است که در مرجع مجازی برای پاسخگویی تعبیه شده است.

## «معلولان بر بام برفی دربند سر»، ۶ خرداد ۱۳۹۵.

روز جمعه ۳۱ اردیبهشت ماه سی نفر از معلولان شهر تهران و همراهان آنها در قالب یک تور گردشگری - فرهنگی یک روزه بر بام برفی دربند سر حاضر شدند. شرکت کنندگان در این تور که با هدف عادی سازی حضور و مشارکت اجتماعی افراد معلول در همه محیط ها حتی اماکن جغرافیایی سخت دسترس پذیر برگزار شد پس از سرسره بازی و بازیهای مفرح زمستانی با آخرین بازمانده های برف کوه دربندسر از برنامه فرهنگی اسطوره خوانی و موسیقی حماسی بهره بردند. این تور با حمایت شرکت تله کابین دربندسر برگزار شد.

گفتنی است توسعه تورهای گردشگری معلولان به عنوان بخشی از حقوق شهروندی این افراد با مشکلاتی همچون ضعف زیرساخت های فنی و عدم حمایت های لازم دولتی جهت کاهش هزینه های اقتصادی این تورها روبه رو است.

## «معلولیت ذهنی بیشترین آمار معلولان اردبیل»، ۱۶ دی ۱۳۹۵.

معاون توانبخشی بهزیستی استان اردبیل گفت: معلولیت ذهنی بیشترین میزان معلولیت در این استان را شامل می شود .

ولی یعقوبی در حاشیه جلسه ارزیابی طرح های حمایتی معلولان گفت: ۷۰ درصد از اختلالات و معلولیت ها، ارثی و فقط ۲۰ درصد به دلیل تصادفات است. وی افزود: در بین معلولان بیشترین تعداد معلولان ذهنی است که ۹۹ درصد از علت معلولیت های ذهنی مادرزادی است.

معاون توانبخشی بهزیستی استان با تأکید به اینکه معلولان بیش از افراد عادی به مراقبت و نگهداری نیازمند هستند، اضافه کرد: در برخی مواقع ناآگاهی خانواده در نحوه نگهداری معلول مشکلات وی را تشدید می کند.

یعقوبی با اشاره به اجرای برنامه های گسترده آگاهی بخشی به خانواده های معلولان اضافه کرد: علاوه بر این، مراکز توانبخشی، مراقبتی و نگهداری ویژه معلولان ایجاد شده و در سطح استان فعال هستند.

وی افزود: متناسب با نوع معلولیت در این مراکز، خدمات مختلفی از جمله گفتاردرمانی، کاردرمانی، فیزیوتراپی، روان شناسی، مهارت های زندگی، خدمات پزشکی و خدمات پیراپزشکی ارائه می شود.

معاون توانبخشی بهزیستی استان تأکید کرد: بهزیستی به دنبال ماندگاری معلول در محیط خانواده و بهره گیری از کمک و عاطفه اعضای خانواده است اما در صورتی که خانواده ای قادر به نگهداری از معلول خود نباشد می تواند از خدمات این مراکز استفاده کند.

یعقوبی با اشاره به حمایت معلولان و خانواده آنها در تأمین هزینه های معیشت اضافه کرد: از جمله برای ماندگاری معلول در خانه مستمری هایی پرداخت می شود. هرچند که در بسیاری از مواقع این مستمری برای تأمین هزینه ها و گذران زندگی این افراد کافی نیست.



وی همچنین به حمایت از ۱۹ هزار و ۵۰۰ نفر در معاونت توانبخشی بهزیستی استان اشاره و تأکید کرد: از این تعداد پنج هزار و ۲۰۰ نفر مستمری دریافت می کنند.

### «مناسب سازی خانه های معلولان در سال جدید»، ۱۹ اسفند ۱۳۹۵.

افروز صفاری فرد مدیرکل دفتر توانمند سازی معلولین سازمان بهزیستی از برنامه ریزی برای اجرای طرح مناسب سازی منازل معلولان کشور خبر داد.

وی با بیان اینکه مناسب سازی منازل و خودروی معلولین از طرح های هدفگذاری بهزیستی در سال ۹۶ است، افزود: اجرای برنامه های فرهنگی و آموزشی در کنار مناسب سازی فیزیکی منازل معلولین از اهداف این طرح ملی است. مدیرکل دفتر توانمند سازی معلولین سازمان بهزیستی کشور با بیان اینکه معلولان روستایی نیز از مزایای این طرح بهره مند می شوند، افزود: افزایش برنامه های توانبخشی از اهداف اجرایی بهزیستی در سال پیش رو است. وی از هدفگذاری بهزیستی برای تمرکز بر توانبخشی مبتنی بر جامعه خبر داد و خاطر نشان کرد: همراهی جامعه برای بهبود زندگی معلولین جامعه امری ضروری است. صفاری فرد گفت: بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار معلول در کشور وجود دارد که معلولین جسمی-حرکتی بیشترین فراوانی را در بین آنها دارند.

### «مناسب سازی مسیر حرکتی معلولان در منطقه ۱۳»، ۲۸ مرداد ۱۳۹۵.

شهردار منطقه ۱۳ از مناسب سازی و کانالیزه کردن مسیر حرکتی عابران پیاده در منطقه ۱۳ خبر داد و گفت: بزودی ایمن سازی مقابل مدارس منطقه آغاز می شود.

هادی ذاکری با اشاره به مناسب سازی و کانالیزه کردن مسیر حرکتی عابران پیاده گفت: در راستای اجرای طرح نگهداشت شهر، معاونت حمل و نقل ترافیک شهرداری منطقه ۱۳ اقدام به مناسب سازی و کانالیزه کردن مسیر حرکتی عابران پیاده در قالب نصب پل همسطح، ترسیم خط کشی عابر پیاده، نصب تجهیزات ترافیکی و... در سطح محدوده

کرده است. به گفته وی، ایمن سازی مقابل مدارس منطقه نیز با توجه به فرارسیدن فصل بازگشایی مدارس در دستور کار قرار دارد و مشکلات و مسائل مرتبط و نقاط حادثه...خیز احصا شده و نسبت به بهسازی و مناسب سازی آنها اقدام می شود.

براساس گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۳، ذاکری با اشاره به اقدامات صورت گرفته در مناسب سازی ایستگاه های اتوبوس برای تسهیل در تردد معلولان و جانبازان خاطر نشان کرد: به منظور ایجاد محیطی امن برای تردد آسان و ایمن جانبازان و معلولان در سطح منطقه، نسبت به نصب رمپ معلولان در ایستگاه های اتوبوس محله شهید اسدی اقدام شد.

## «مناسب سازی معابر برای تردد معلولان و جانبازان در ماکو»، ۱۸ خرداد ۱۳۹۶.

امسال برای مناسب سازی اماکن عمومی ماکو برای تردد راحت معلولان ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال هزینه می شود. مرکز آذربایجان غربی، معاون عمرانی فرماندار ماکو در جلسه مناسب سازی اماکن عمومی با مناسب سازی معابر برای تردد معلولان و جانبازان در ماکو با اعلام این مطلب گفت: این میزان اعتبار از سوی شورا و شهرداری ماکو تصویب شده و برای مناسب سازی اماکن عمومی و پیاده روها برای تردد معلولان در سطح شهر هزینه خواهد شد. قربانی با اشاره به اهمیت مناسب سازی اماکن برای تردد راحت معلولان و جانبازان افزود: لازم است بخش خصوصی هم برای مناسب سازی اماکن خود در سطح شهر اقدام کند. رئیس اداره بهزیستی ماکو هم در این جلسه با بیان اینکه بیشتر ادارات و نهادها در شهر ماکو اقدام به مناسب سازی فضا برای تردد افراد معلول کرده اند گفت: تنها ۱۴ اداره اقدام به مناسب سازی اماکن و اداره خود نکرده اند که باید هرچه سریعتر برای تردد راحت معلولان به این ادارات، اقدام به مناسب سازی ورودی خود کنند.

## «نابینایان و افراد مبتلا به بیماری دیابت اجازه اقامت دائم در کویت را ندارند»، ۱۶ فروردین ۱۳۹۷.

وزارت صحت عامه کویت در بیانیه ای اعلام کرد که پس از این نابینایان و افراد مبتلا به بیماری دیابت اجازه اقامت دائم در این کشور را ندارند.

به گزارش اسپوتنیک، به نقل از شبکه تلویزیونی «العربیة»، کارگران خارجی که مبتلا به سرطان، دیابت و تعدادی از بیماری های غیرقابل سرایت هستند، دیگر نمی توانند اجازه اقامت دائمی در کویت را به دست آورند. به طور کلی، وزارت صحت کویت ۲۲ بیماری را مشخص کرده است افرادی که این بیماریها را دارند حق اقامت دائم در این کشور را نخواهند داشت. از جمله آنها، نارسایی «عدم کفایه کلیه»، مشکلات بینایی، فشار خون بالا و اسهال را شامل می شوند. حتی کسانی که مجوز اقامت در این کشور را دارند، در صورت تشخیص این امراض از کویت دیپورت خواهند شد. گزارش شده است که، اقدام های جدید به منظور کاهش مصارف صحتی و همچنین تضمین ورود مهاجرین کار در این کشور روی داده است. پیش از این، کویت ورود و خروج افراد مبتلا به بیماری های؛ «ایدز، تبخال، هپاتیت B و C، سیفلیس، توبرکلوز و عفونت های ساری» را از کشور طبق قوانین بین المللی ممنوع اعلام کرد. با این حال، این نخستین بار است که یک کشور، ممنوعیت ورود برای افراد مبتلا به بیماری های غیرقابل انتقال را صادر کرده است.



## «نبود مدرسه استثنایی در شهرستان کارون»، ۷ بهمن ۱۳۹۵.

رئیس آموزش و پرورش استثنایی خوزستان با بیان اینکه در شهرستان های کارون و باوی مشکل کمبود فضای آموزشی برای دانش آموزان استثنایی وجود دارد، گفت: ۱۲۰ دانش آموز استثنایی شهرستان کارون برای تحصیل به اهواز مراجعه می کنند. علی ممینی، با بیان اینکه حدود ۴۲۰۰ دانش آموز استثنایی در خوزستان تحصیل می کنند، اظهار کرد: در حال حاضر ۷۰ مدرسه استثنایی در مقاطع ابتدایی و متوسطه در خوزستان وجود دارد. وی افزود: در شهرستان های کارون و باوی مشکل کمبود فضای آموزشی وجود دارد اما هنوز در کارون مدرسه استثنایی راه اندازی نشده است. دانش آموزان استثنایی این شهرستان یا برای تحصیل به اهواز مراجعه می کنند یا حتی به دلیل نبود مدرسه از نعمت آموزش بهره مند نمی شوند. رئیس اداره آموزش و پرورش استثنایی خوزستان با بیان اینکه در صورت وجود ۲۵ دانش آموز استثنایی می توان یک مدرسه مستقل راه اندازی کرد، تأکید کرد: در کارون حداقل ۱۲۰ دانش آموز وجود دارد که در مدارس مختلف اهواز به طور مثال در مدارس ناحیه ۲ و ۳ اهواز تحصیل می کنند. در باوی نیز فضای آموزشی که در اختیار این دانش آموزان قرار دارد، مناسب نبوده و از امکانات لازم برخوردار نیست. ممینی تصریح کرد: امسال در شهرهای خرمشهر و شوشتر مدرسه پیش حرفه ای دخترانه و در سردشت نیز یک مرکز اختلالات یادگیری راه اندازی شده است و هم اکنون ۲۴ مرکز مشکلات ویژه یادگیری دولتی و هشت مرکز غیردولتی در استان فعالیت می کنند. وی با بیان اینکه یک هزار و ۵۶۰ دانش آموز مبتلا به اختلالات یادگیری در استان وجود دارد، ادامه داد: دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری می توانند به مراکز مشکلات ویژه یادگیری مراجعه و با گذراندن آموزش های ویژه مشکلات خود را رفع کنند. رئیس اداره آموزش و پرورش استثنایی خوزستان خاطرنشان کرد: در حال حاضر ۵۴۰ هزار دانش آموز دوره ابتدایی در خوزستان تحصیل می کنند و براساس قانون باید به ازای هر پنج هزار دانش آموز دوره ابتدایی یک مرکز مشکلات ویژه یادگیری وجود داشته باشد.

## «نشست تخصصی بررسی حقوق معلولان در ایران»، ۳۱ تیر ۱۳۹۵.

با مشارکت انجمن باور و شبکه تشکل های نایبانیان و کم بینانیان چاووش برگزار شد؛ نشست تخصصی بررسی حقوق معلولان در ایران

نشست تخصصی بررسی حقوق معلولان در ایران روز چهارشنبه ۲۳ تیر ماه ۹۵ به عنوان گام مقدماتی برگزاری کنگره حقوق شهروندی در ایران با حمایت سایت کلانشهرهای شهرداری تهران و مدیریت کمیسیون حقوق شهروندی برگزار شد.

این نشست تخصصی که در محل ستاد توانمندسازی سمن های شهر تهران برگزار شد، در قالب یک پنل تخصصی در دو بخش سازماندهی شد؛ در بخش اول دکتر همایون هاشمی نماینده مجلس شورای اسلامی و رئیس سابق سازمان بهزیستی کشور به ارائه دیدگاه های خود در خصوص جایگاه حقوق افراد دارای معلولیت در حقوق شهروندی ایران و مهم ترین چالش ها و ضرورت ها

در این حوزه پرداخت.

هاشمی مهم ترین ضرورت های دستیابی شهروندان دارای معلولیت به حقوق خود را دسترس پذیری محیطی برای مشارکت افراد معلول و نیز ترویج فرهنگ باور به توانمندی های افراد معلول ذکر کرد و مهم ترین گام را در این عرصه اجرای قوانین حمایتی از افراد معلول با تخصیص بودجه و برنامه ریزی دقیق دانست.

رئیس سابق سازمان بهزیستی در پایان تشکیل کارگروه برای ایجاد شهری بدون مانع برای معلولان، تمرکز بر قوانین مناسب سازی شهری و توجه جدی به قانون جامع معلولان را به عنوان پیشنهاد مطرح کرد.

در بخش دوم نشست دکتر ناصر سرگران حقوقدان نابینا به عنوان گرداننده پنل به طرح پرسش هایی در زمینه پیشینه تدوین حقوق شهروندان معلول در ایران، علت مخالفت شورای نگهبان با متن لایحه حمایت از حقوق معلولان، چگونگی اجرای تصویب نامه سال ۹۴ دولت در حقوق افراد دارای معلولیت توسط دستگاه های اجرایی، فرصت ها و تهدیدهای پیش روی لایحه جدید حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت پرداخت.

در این بخش علی صابری حقوقدان و عضو شورای اسلامی شهر تهران رئیس هیأت مدیره شبکه تشکل های نابینایان و کم بینایان و سهیل معینی نماینده سازمان های غیردولتی افراد معلول در کمیته تدوین لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت و مدیر عامل تشکل های انجمن باور و شبکه چاووش به پاسخ پرسش های مطرح شده در پنل تخصصی پرداختند.

این نشست گام نخست برگزاری کنگره حقوق شهروندی بود که یکی از محورهای اصلی آن بررسی همه جانبه وضعیت حقوق شهروندان دارای معلولیت است که در نیمه دوم سال و با اعلام زمان و مکان دقیق برگزار خواهد شد.

### **«نصب بالابر در منازل معلولان و جانبازان منطقه ۵»، ۲۴ تیر ۱۳۹۵.**

معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۵ از نصب بالابر در منازل افراد معلول و جانباز این منطقه خبر داد.

محمد باقر اسدی، معاون حمل و نقل و ترافیک منطقه با اعلام این خبر گفت: با شناسایی منازل معلولان و جانبازانی که قابلیت نصب دستگاه بالابر دارند، نصب بالابر در دستور کار مدیریت شهری منطقه قرار دارد.

معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۵ با اشاره به اینکه افراد متقاضی می توانند به معاونت حمل و نقل و ترافیک منطقه مراجعه کنند خاطر نشان کرد: رضایت همسایگان، قابلیت ساختمان برای نصب بالابر و داشتن ملک شخصی از شرایط لازم برای نصب دستگاه بالابر است. وی بهره گیری از امکانات شهری را حق تمامی افراد جامعه برشمرد و تصریح کرد: به منظور دسترسی آسان معلولان، جانبازان و نابینایان معابر منطقه مناسب سازی شده است.

معاون شهردار منطقه در پایان تصریح کرد: مناسب سازی معابر عمومی با اولویت معابر اصلی و نزدیک به تقاطع ها و برجسته سازی سطوح پیاده روهای نزدیک به تقاطع ها از دیگر اقداماتی است که به همت مدیریت شهری این منطقه انجام شده است.

### **«نگاه ویژه به حقوق سالمندان و معلولان در نشست اداری لنده»، ۲۳ شهریور ۱۳۹۶.**

نشست شورای اداری شهرستان لنده با موضوع مناسب سازی محیط شهری ویژه معلولان و سالمندان برگزار شد.

کاظمی رئیس اداره بهزیستی شهرستان لنده با بیان اینکه بیش از ۱۵۰۰ نفر جانباز و معلول در این شهرستان زندگی می کنند گفت: بیش از ۴۰ اداره مستقل در این شهرستان وجود دارد، ولی ۷۰ درصد از معابر عمومی شهر و ادارات مناسب معلولان و سالمندان نیست.

اجرای طرح مناسب سازی محیط شهری و اداری همه ادارات در سال جاری، نصب خودپرداز ویژه جانبازان و معلولان در یکی از بانک های شهر لنده و صادر نکردن مجوز برای ساخت و ساز مکان های اداری و عمومی که مناسب سازی را رعایت نکرده اند از مصوبات این نشست بود.

### **«نمایشگاه آثار معلولان در سلماس برپا شد»، ۷ مرداد ۱۳۹۵.**

مسعود حاجی علیلو فرماندار سلماس در مراسم افتتاح نمایشگاه آثار معلولان گفت: با برگزاری این نمایشگاه، علاوه بر تبیین توانمندی...های معلولان برای مردم، نشاط و شادابی خاصی نیز در معلولان ایجاد می شود.

وی بر لزوم توجه مردم و مسئولان به قشر معلول تأکید و اظهار کرد: معلولان نباید احساس کنند که به دست فراموشی سپرده شده اند و باید بدانند که به علت داشتن توان و جدیت، می توانند در زمره کارآفرینان موفق کشور باشند. در این نمایشگاه آثار هنری معلولان در زمینه های بافتنی، کیف دوزی، ظریف کاری، تابلوسازی و پرورش گل جهت بازدید عموم به نمایش گذاشته شده و معلولان به اجرای تئاتر، موسیقی و سرود پرداختند. دو هزار معلول در شهرستان سلماس تحت پوشش اداره بهزیستی قرار دارند.

### **«نمایندگان کمیسیون بهداشت برای تشکیل کمیسیون مشترک معرفی شدند»، رایان عمران، ۷ مرداد ۱۳۹۵.**

در هفته گذشته نمایندگان کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی دور هم جمع شدند تا به تشکیل کمیسیونی مبادرت نمایند که کارش بررسی قانون جامع حمایت از حقوق معلولان است. به

همین بهانه از دکتر محمدحسین قربانی نایب رئیس کمیسیون بهداشت در مورد این جلسه و موارد مطرح شده در آن پرسیدیم. دکتر قربانی با بیان اینکه در مجلس گذشته دولت لایحه...ای برای اصلاح قانون جامع حمایت از حقوق معلولان داده بود گفت: در مجلس نهم برای بررسی این اصلاحیه کمیسیون مشترکی متشکل از هشت کمیسیون تخصصی مجلس تحت عنوان «کمیسیون مشترک برای بررسی لایحه حمایت از حقوق معلولان» تشکیل شد که مسئولیتش به عهده من بود در این کمیسیون کارهای بسیار خوبی انجام شد مثل جلسات با انجمنهای غیر دولتی، جلسات مختلف با بهزیستی و مرکز پژوهشهای مجلس و... همه اینها باعث شد صاحبان نظران این حوزه طرح بسیار جامع و کاملی تدوین نمایند. لایحه را به صورت اصل ۸۵ مطرح کردیم و در صحن علنی به تصویب رسید. حتی

قرار شد ۵ سال به دولت به صورت آزمایشی برای اجرا اختیار داده شود، اما شورای نگهبان ایراداتی گرفت و نظرشان این بود که چون قانون جامع حمایت از حقوق معلولان را قبلاً

داشتیم ضرورتی به اصل ۸۵ شدن آن نیست. به هر حال این ایراد شورای نگهبان با پایان کار مجلس نهم مصادف شد اما خوشحالم که این لایحه دوباره در دستور کار قرار گرفته و باید باز کمیسیون مشترکی را تشکیل دهیم. ما در جلسه هفته گذشته اعضای کمیسیون بهداشت را

معرفی کردیم. قرار است بقیه کمیسیونها هم اعضا را معرفی کنند تا کمیسیون مشترک شکل بگیرد و هیات رئیسه انتخاب شوند و بعد در جهت رفع ایرادات شورای نگهبان تلاش کنیم تا این لایحه به صورت جامع وارد صحن علنی شود. دکتر قربانی در مورد تعداد اعضای کمیسیون مشترک گفت: تعداد اعضای کمیسیون مشترک ۲۳ نفر است که از سوی کمیسیونهای مختلف مجلس مثل کمیسیون اجتماعی، اقتصادی، برنامه و بودجه، عمران، حقوقی و قضائی باید معرفی شوند تا هیات رئیسه شکل بگیرد و کمیسیون مشترک بتواند کارش را شروع کند.

نماینده مردم آستانه اشرفیه در مجلس دهم با بیان این که بررسی این لایحه یکی از ضروریات و نیازهاست تا به حق و حقوق جامعه معلولان کشور برسیم، افزود: آقایان بنیادی، خالقی، نیک فر، جمالی، علیجانی، یوسفی، شیویاری، رنجبرزاده، هاشمی، پوربافرانی، حمزه، خاتمی و خودم به عنوان اعضای کمیسیون بهداشت برای عضویت در کمیسیون مشترک بررسی لایحه حمایت از حقوق معلولان انتخاب شده ایم. همایون هاشمی رئیس سابق سازمان بهزیستی و از اعضای کمیسیون بهداشت که به عنوان یکی از اعضا برای عضویت در کمیسیون مشترک انتخاب شده است نیز با تاکید بر تشکیل هر چه سریعتر کمیسیون مشترک گفت: بعد از تعطیلات مجلس ان شاءالله جلسات منظمی برای تشکیل هر چه سریعتر کمیسیون مشترک برگزار خواهیم کرد تا هر چه سریعتر به بررسی قانون جامع حمایت از حقوق معلولان پردازیم.

**«نیمار بازیکن تیم فوتبال نابینایان شد»، ۲۴ تیر ۱۳۹۵.**

ستاره برزیلی بارسلونا در راستای یک پروژه حمایتی از بازی های پارالمپیک ۲۰۱۶ ریو، به انجام فوتبال پنج نفره به طور آزمایشی پرداخت.

این پروژه حمایتی با شعار «به رؤیای زندگی ببخش و دنیا را عوض کن» در نظر دارد مردم دارای معلولیت را از منطقه آرام آنها بیرون بکشد تا تغییرات مثبتی در زندگی و دنیای آنها ایجاد کند.

مردم معلول تا تاریخ هشتم سپتامبر می توانند از طریق نشانی سایت، رؤیاهای خود را ثبت کنند و نيمار شماری از این رؤیاهای را انتخاب می کند و با انتشار آنها روی صفحه فیسبوک خود، آنها را حمایت می کند.

فوتبال پنج نفره یکی از محبوب ترین رشته های پارالمپیک است که از سوی نابینایان و کم بینایان انجام می شود و بازیکنان از طریق زندگی که داخل توپ وجود دارد به موقعیت آن پی می برند.

برزیل در ادوار گذشته در تمام مسابقات فوتبال پنج نفره برنده بوده ضمن اینکه خود نيمار در بازی های المپیک امسال با تیم ملی برزیل به میدان می رود.

### **«وام برای مددجویان به شرط معرفی از سوی بهزیستی»، ۱۵ تیر ۱۳۹۶.**

هفته گذشته خبری را در کانال تلگرامی «ایران سپید» منتشر کردیم مبنی بر حمایت بانک قرض الحسنه مهر ایران از مددجویان تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی که بر اساس آن مددجویان و محرومان متقاضی دریافت تسهیلات پس از مراجعه به کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور و با معرفی نامه رسمی این نهادها می توانند به شعبه های بانک قرض الحسنه مهر ایران مراجعه کنند و در چارچوب قانون، مبالغ تسهیلات قرض الحسنه تعیین شده در معرفی نامه را

دریافت کنند. تعدادی از خوانندگان برای دریافت وام به بانک قرض الحسنه مهر ایران مراجعه کردند و کارمندان بانک گفتند «ما چنین وامی را نداریم». ما نیز پیگیر این موضوع شده و با روابط عمومی بانک قرض الحسنه مهر ایران به گفت و گو پرداختیم. روابط عمومی این بانک توضیحاتی را در این خصوص ارائه کرد که در ذیل می خوانید: «این وام در قالب تسهیلات تکلیفی است و همه بانک ها می توانند این وام را به مددجویان ارائه دهند. نحوه دریافت این وام به این صورت است که مددجویان با مراجعه به سازمان بهزیستی یا کمیته امداد و دریافت معرفی نامه از این سازمان ها می توانند با مراجعه به شعبه های مختلف بانک قرض الحسنه مهر ایران این وام را تا سقف ۱۵ میلیون تومان دریافت کنند.» روابط عمومی بانک همچنین اعلام کرد: «سازمان بهزیستی باید نحوه تخصیص اعتبار برای استان ها را به ما اعلام کند و بعد از آن بانک به شعبه های استانی ابلاغیه ای را ارسال می کند. اما هنوز نحوه تخصیص این اعتبارها از سوی بهزیستی به بانک قرض الحسنه مهر ایران اعلام نشده است. بهزیستی باید اسامی افرادی را که می خواهند وام دریافت کنند به ما اعلام کند چرا که مرجع معرفی برای بانک این سازمان است. اگر مددجویان سازمان بدون نامه به بانک مراجعه کنند قطعاً جواب منفی دریافت می کنند چرا که باید از طرف سازمان بهزیستی به بانک معرفی شوند.»

## «ورود دانش آموزان تلفیقی ممنوع نیست»، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵.

حمیدرضا کفاش معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش در پاسخ به سؤال خبرنگار ایران سپید درباره اینکه آیا دانش آموزان تلفیقی جایی برای حضور در فعالیت های کانونی و اردوهای دانش آموزی دارند، گفت: تمامی دانش آموزان معلول و نابینایی که در مدارس عادی مشغول تحصیل هستند می توانند در اردوهای تابستانی که وزارت آموزش و پرورش تدارک دیده شرکت کنند. وی تأکید کرد: آنها با مراجعه به کانون های پرورشی و مدارس شهر خودشان می توانند در کلاس های تابستانه شرکت کنند و کانون ها و مدارس موظفند مانند دانش آموزان عادی آنان را ثبت نام کنند.

## «همایش اشتغال های حمایت شده در مجتمع آموزشی نیکوکاری «رعد» برگزار شد»، ۲۶ بهمن ۱۳۹۶.

آیین افتتاح مرکز اشتغال حمایت شده (SE) رعد با حضور معاون وزیر و رئیس سازمان بهزیستی کشور، مدیرکل بهزیستی استان تهران، مدیرکل روابط عمومی و امور بین الملل، مدیرکل دفتر مراکز روزانه و توانپزشکی و رئیس دبیرخانه بهزیستی کشور در مجتمع آموزشی رعد برگزار شد. محسنی بندپی رئیس سازمان بهزیستی کشور در همایش اشتغال های حمایت شده در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد در خصوص اشتغال افراد دارای معلولیت گفت: با ایجاد اشتغال پایدار برای این افراد آنها از انزوای خارج شده و جامعه می تواند از توانمندی آنها بهره مند شود.

وی ادامه داد: سازمان بهزیستی در زمینه اشتغال معلولان طرح های مختلفی داشته و تسهیلات خاصی را برای کارفرمایان در نظر گرفته است.

بهزیستی ۵۵ میلیارد تومان برای تثبیت شغلی معلولان به بیمه کارفرمایان اختصاص داده است.

بندپی افزود: حق ارتقای کارایی از دیگر تسهیلات بهزیستی به کارفرمایانی است که معلولان را استخدام می کنند. همچنین سازمان ۹۰۰ میلیارد تومان وام تبصره ای با بهره ۴ درصد در اختیار کارفرمایان قرار می دهد.

از میان یک میلیون و سیصد هزار معلولی که در سامانه بهزیستی ثبت شده اند استعداد های بیشماری وجود دارند و در پی آن هستیم تا جامعه این استعدادها را بشناسد و از آنها استفاده کند. امروزه همه جوامع بشری برای رشد و توسعه نیازمند افراد توانمند هستند که این توانمندی صرفاً فیزیکی نیست بلکه شامل کسب مهارت و حرفه آموزی و نقش آفرینی در جامعه، تولید و اقتصاد است.

## «هیچ مانعی برای تحصیل دانش آموزان تلفیقی وجود ندارد»، ۱۳ خرداد ۱۳۹۵.

مرضیه گرد، معاون وزیر آموزش و پرورش در نشست خبری اخیر خود در پاسخ به سؤال خبرنگار «ایران سپید» درباره مصوبه اخیر مجلس در خصوص رایگان شدن هزینه مدارس غیردولتی برای

برخی اقشار از جمله خانواده های معظم شهدا و... با اشاره به اینکه آیا فرزندان خانواده های تحت پوشش کمیته امداد امام(ره) و بهزیستی مشمول این مصوبه خواهند شد، گفت: در قانون جدید فرزندان خانواده های بی سرپرست مشمول ندادن هزینه به مدارس غیر دولتی خواهند شد که در زیر مجموعه خانواده های بی سرپرست افراد تحت تکفل کمیته امداد امام خمینی(ره) و بهزیستی قرار دارند. وی همچنین در پاسخ به سؤال دیگری درباره وظیفه مدارس غیردولتی در خصوص ثبت نام و نحوه پذیرفتن دانش آموزان معلول و نابینا گفت: همه مدارس دولتی و غیردولتی وظیفه دارند دانش آموزان معلول و نابینا را بپذیرند. هیچ مانعی برای تحصیل دانش آموزان تلفیقی در کشور وجود ندارد. اما توصیه من به خانواده هایی که فرزند معلول دارند این است که قبل از ثبت نام فرزندشان در مدارس غیردولتی حتماً به مشاوره تحصیلی مراجعه کنند تا سطح یادگیری فرزندشان ارزیابی شود.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

